





— اولویت‌های پژوهشی —
— دانش فلسفه —

حسن عبدی

دانشیار دانشگاه باقر العلوم «علیه السلام»

سرشناسه : عبدی، حسن، ۱۳۵۳ مهر-
عنوان و نام پدیدآور : اولویت‌های پژوهشی دانش فلسفه/ حسن عبدی؛ [برای] معاونت پژوهش حوزه‌های
علمیه، دبیرخانه حمایت از پژوهش‌های مورد نیاز نظام اسلامی، مدیریت مطالعات و
برنامه‌ریزی پژوهشی معاونت پژوهش.

مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری : ۵۶۸ ص.: جدول.

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۵۸-۱۵۴-۰ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : فلسفه

Philosophy

فلسفه -- مطالب گونه‌گون

Philosophy -- Miscellanea

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه. معاونت پژوهش

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه. مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی پژوهشی

شناسه افزوده : دبیرخانه حمایت از پژوهش‌های مورد نیاز نظام اسلامی

رده بندی کنگره : B۹۹

رده بندی دیویی : ۱۰۰

شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۶۶۸۳۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا



@hdabirkhane

معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه
دبیرخانه حمایت از پژوهش‌های مورد نیاز نظام اسلامی
مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی پژوهش معاونت پژوهش



انتشارات: ۰۲۵-۳۷۷۳۵۵۴۷

مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه

تلفن تماس: ۰۲۵-۳۷۷۴۵۴۷۳-۳۷۷۳۰۸۶۰

نشانی فروشگاه اینترنتی

www.NashreHowzeh.ismc.ir

نشر حوزه در ایستا و اینستاگرام

@Nashre_Howzeh

عنوان: اولویت‌های پژوهشی دانش فلسفه

نویسنده: حسن عبدی (دانشیار دانشگاه باقرالعلوم «علیه السلام»)

مدیر پروژه و ناظر روشی: حسین محققیان

ناشر: مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۵۸-۱۵۴-۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳

ویراستار: عصمت‌سادات حسینی‌رنانی

صفحه‌آرا: زهره بسحاق

طراح جلد: سیدعلیرضا رضائی

کلیه حقوق محفوظ است.

همکاران علمی

مدیر پروژه نیازسنجی و ناظر روشی: حسین محققیان

ناظر علمی: یارعلی کرد فیروزجایی

کنترل پروژه: سیدهادی موسوی

نهاد همکار: مدارج علمی حوزه علمیه قم، انجمن معرفت‌شناسی حوزه

اساتید همکار در ارزیابی مسائل پژوهشی به ترتیب حروف الفبا:

استاد دکتر مهدی عبداللہی، استاد دکتر یارعلی کرد فیروزجایی، استاد دکتر عبدالله

محمدی، استاد دکتر حسن معلمی، استاد دکتر سیدجابر موسوی‌راد

پیشگفتار دبیر خانه حمایت

پژوهش، زیربنای پیشرفت و تولید علم است و پیشرفت جوامع بدون آن امکان پذیر نیست، تا جایی که پیشرفت‌های علمی-آموزشی مرهون پژوهش است. آن چه به این مهم، ارزش و اعتبار می‌بخشد، مبانی و اصول حاکم بر پژوهش و رعایت آن‌ها برای حل مسائل علم و جامعه است. توانمندی هر جامعه بر تحقیقات و پژوهش‌های مستدل و تولید مستمر علم استوار است. راهبری علم، تعداد پژوهشگران و حجم سرمایه‌گذاری در بخش‌های پژوهشی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی ملل به‌شمار می‌رود و رفع موانع پژوهش و پشتیبانی از فعالیت‌های پژوهشی یکی از شاخص‌های اصلی پیشرفت علمی است.

اندیشوران بر این باورند که تنها از طریق پژوهش است که می‌توان معضلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... جوامع را حل نمود و این دستاورد ارزشمند را هرگز نباید از نظر پنهان داشت. «ارتباط وثیق و پایدار بین مراکز تولید علم با نهاد صنعت»، «توجه به نهادهای سازنده فرهنگ پژوهش»، «ارتقای انگیزش برای انجام تحقیقات نوین و روزآمد»، «بودجه‌رسانی درخور و به‌هنگام همراه با تخصیصات لازم»، «توجه به حفظ کرامت پژوهشگران» و «بازنگری و به‌روزرسانی‌های سیاست‌های پژوهشی در راستای پرداختن به حل مسائل و نیازهای جامعه»، از راهبردهای مؤثر در این عرصه به‌شمار می‌رود.

تأسیس معاونت پژوهش در ساختار اداری حوزه‌های علمیه به همین هدف بوده و در راستای این مهم، راهبری و برنامه‌ریزی پژوهش براساس سنت‌های اصیل و ماندگار سیره سلف و عالمان وارسته به‌عنوان سرمایه اصلی پژوهش، برعهده این معاونت قرار گرفته است.

در این خصوص و با هدف پاسخ به مسائل و نیازهای نظام اسلامی، معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، «دبیرخانه حمایت از پژوهش‌های مورد نیاز نظام اسلامی» را با بهره‌مندی از توان بیش از ۱۲۰ استاد برتر علوم انسانی-اسلامی مراکز و نهادهای پژوهشی حوزوی و در ۲۸ گروه علمی تخصصی تأسیس نمود که در گام نخست با برگزاری جلسات هم‌اندیشی علمی به کشف، دسته‌بندی و ابلاغ اولویت‌های پژوهشی مورد نیاز نظام اسلامی همت گمارده و در گام بعدی این پژوهش‌ها را تا رسیدن به هدف، راهبری می‌نماید.

بخشی از فعالیت‌های دبیرخانه در راستای پاسخ به مسائل نظام، کشف اولویت‌های پژوهشی دانش‌های اسلامی است. این نوع مطالعات برای کارآمدی و روزآمدسازی دانش‌های اسلامی در راستای پاسخ صریح و دقیق به مسائل و نیازها، بسیار ضروری و مفید است.

اثر حاضر که با همکاری معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه تهیه شده است در این راستا قرار می‌گیرد.

با تشکر از جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن عبدی نویسنده این اثر ارزشمند و جناب حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر یارعلی کردفیروزجائی ناظر علمی اثر حاضر، امید است این نوشتار مورد توجه و استفاده پژوهشگران ارجمند قرار گیرد.

دبیرخانه حمایت
از پژوهش‌های مورد نیاز نظام اسلامی

دیباچه

معاونت پژوهش، با تکیه بر سنت‌های اصیل و ماندگار عالمان وارسته، و با هدف راهبری و برنامه‌ریزی پژوهش تأسیس شده است. مدیریت، برنامه‌ریزی، سازماندهی، پشتیبانی و ترویج پژوهش در مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه‌های علمیه از مهم‌ترین وظایف این معاونت است. این معاونت، برای داشتن حوزه‌ای تحول‌گرا و پیشران در تولید علوم دینی، بسته‌های سیاستی، اسناد پشتیبان، طرح‌های بنیادین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی بسیاری را تدوین کرده است تا بتواند از این راه، تحقیقات علمی و سرمایه‌های معنوی و مادی حوزه‌های علمیه را پشتیبانی کند.

یکی از چالش‌ها در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی پژوهش، تصمیم‌گیری درباره نوع و ماهیت پژوهش‌هاست. اینکه درباره چه چیزی باید پژوهش شود و کدام موضوعات یا مسائل ارزشمندترند؟ پرسشی است که ادبیات برنامه‌ریزی پژوهشی را بیش از نیم‌قرن به خود مشغول کرده است. نظام برنامه‌ریزی پژوهشی حوزه‌های علمیه نیز از این امر مستثنا نیست. این مهم، در معاونت پژوهش برعهده «مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی پژوهشی» گذاشته شده است. وظیفه این مدیریت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و راهبرد مسائل کلان پژوهش و راهبری دانش‌های اسلامی، انسانی است. یکی از کلان‌پروژه‌های این مدیریت، نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهشی دانش‌هاست.

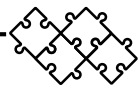
شناسایی اولویت‌های پژوهشی، در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری پژوهشی، نقشی مهم و اثرگذار دارد؛ در هر برنامه‌ریزی تحقیقاتی، نخستین پرسش پس از شناخت موضوع، اهمیت و اولویت آن در مقام پژوهش است. نیازها و انتظارات جامعه، مدیران و برنامه‌ریزان پژوهشی

را به سمتی می‌کشاند که برای شروع طرح‌های علمی و سرمایه‌گذاری معنوی و مادی در آن، اولویت پژوهشی آن را معین، و از انجام تحقیقات موازی، تکراری و با اولویت‌های کمتر جلوگیری کنند.

معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، با عنایت به جایگاه و اهمیت این مسئله، اجرای طرح‌های «نیازسنجی پژوهشی دانش‌های حوزوی» را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده و از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ ده اثر زیر را منتشر کرده است:

۱. اولویت‌های پژوهشی دانش فقه، ۲. اولویت‌های پژوهشی تفسیر و علوم قرآن، ۳. اولویت‌های پژوهشی مناسبات دین و روان‌شناسی، ۴. اولویت‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۵. اولویت‌های پژوهشی نظام تعلیم و تربیت حوزه علمیه، ۶. اولویت‌های پژوهشی ادبیات داستانی، ۷. اولویت‌های پژوهشی فقه سیاسی، ۸. اولویت‌های پژوهشی اصول فقه، ۹. اولویت‌های پژوهشی علوم و معارف حدیث، ۱۰. اولویت‌های پژوهشی کلام شیعه.
- از سال ۱۳۹۹، با حمایت «دبیرخانه حمایت از پژوهش‌های مورد نیاز نظام اسلامی» کلان‌پروژه نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهشی، با رویکرد و روشی جدید، پس از آسیب‌شناسی کارهای سابق، مجدداً شروع، و در نتیجه پنج کتاب منتشر یا آماده انتشار شد که عبارت‌اند از:

۱. اولویت‌های پژوهشی مطالعات اجتماعی؛
 ۲. اولویت‌های پژوهشی رجال؛
 ۳. اولویت‌های پژوهشی اخلاق تربیتی؛
 ۴. اولویت‌های پژوهشی مدیریت اسلامی؛
 ۵. اولویت‌های پژوهشی مشاوره اسلامی.
- کتاب اولویت‌های پژوهشی دانش فلسفه، شانزدهمین کتاب از این مجموعه و نخستین سند نیازسنجی و اولویت‌گذاری مسائل فلسفه است که با مطالعه و تلاش فراوان جمعی از فرهیختگان و با اشراف اساتید و بزرگان این دانش نگارش شده است.
- این کتاب، در ادامه رسالت اولویت‌یابی نیازهای پژوهشی دانش‌ها و با لحاظ تجربه پیشین آنها تدوین یافته و افزون بر آن، منابع اطلاعاتی فراوانی، نظیر اسناد بالادستی، مطالعات آینده‌نگرانه، نظریه‌های مطرح در عرصه دانش، مطالعات تطبیقی و سایر منابع علمی پژوهشی را پیگیری کرده است.



این پژوهش، با کار میدانی و مطالعاتی فراوان، نزدیک به یک سال زمان برده که حاصل آن، استخراج و معرفی حدود ۷۱۳ عنوان پژوهشی در این دانش است. در این اثر، افزون بر پیشنهاد نیازها و تعیین اولویت‌های پژوهشی، برای هر موضوع، سؤال، بیان مسئله و کلیدواژه نیز نگاشته شده است.

در این دور از پژوهش‌های نیازسنجی، با همکاری مدیریت مطالعات پژوهشی و مدارج علمی حوزه علمیه قم، مسائل پژوهشی مناسب برای نگارش پایان‌نامه سطح سه (کارشناسی ارشد) یا سطح چهار (دکتری) انتخاب، و به گروه دانش فلسفه مدارج علمی حوزه علمیه قم ارائه شد. در نتیجه، ۳۹۳ موضوع پایان‌نامه در سطح سه و چهار حوزه‌های علمیه به تصویب رسید. این موضوعات مصوب، در بخش مستقلی از کتاب حاضر ارائه شده است. بنابراین، پژوهشگرانی که قصد نگارش پایان‌نامه دارند، می‌توانند با انتخاب این موضوعات، بدون نیاز به تصویب اصل موضوع، پس از تأیید استاد راهنما، به نگارش طرح تفصیلی بپردازند.

گفتنی است، آثار منتشرشده با عنوان اولویت‌های پژوهشی دانش‌های حوزوی، در «پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه» ارائه شده است. اولویت‌های پژوهشی دانش فلسفه نیز به‌زودی در این پایگاه بارگذاری و اطلاع‌رسانی خواهد شد.

افزون‌براین، معاونت پژوهش طرح «سامانه ملی نیازسنجی پژوهشی حوزه‌های علمیه» را در دست اقدام دارد. این کار، با هدف دستیابی به نرم‌افزاری جامع و تحت وب، برای استخراج نیازها و اولویت‌های پژوهشی دانش‌های حوزوی و پیگیری به‌روز کاستی‌ها و نیازها در گستره علوم دینی طراحی شده است. معاونت پژوهش در این طرح می‌کوشد با بهره‌گیری از توان علمی مراکز پژوهشی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی، پلی ارتباطی میان پژوهشگران با نیازهای جامعه و نظام برقرار کند. این سامانه، به تارنمای www.needc.ismc.ir اطلاعات کتاب‌های نیازسنجی را با قابلیت جست‌وجو در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. همچنین، پژوهشگران می‌توانند در این موضوعات پژوهشی نیازمند پژوهش را به نام خود ثبت کنند و به دیگران بشناسانند. در نتیجه، تعیین اولویت‌ها و اولویت‌دهی به نیازها، بر مبنای خرد جمعی خواهد بود و پژوهشگران و کاربران نیز می‌توانند با شرکت در چرخه اولویت‌دهی، و پاسخ به پرسش‌هایی، میزان اولویت نیازهای ثبت‌شده را تعیین کنند. از دیگر ویژگی‌های این سامانه آنکه، پژوهشگران مختلف دانش‌های اسلامی و

انسانی می‌توانند با مراجعه به این سامانه، موضوعات موجود در سامانه را با درخواست ویرایش و تکمیل، اصلاح و آن را به نام خود ثبت کنند.

در پایان، لازم است از همه عزیزانی که در تدوین، اجرا، نظارت، آماده‌سازی و نشر این اثر علمی مشارکت فعال داشتند یا از آن حمایت معنوی و مادی کردند، صمیمانه تشکر کنیم؛ به‌ویژه، اعضای محترم شورای عالی حوزه‌های علمیه، مدیر معزز مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه حضرت آیت‌الله اعرافی^{دامت توفیقاته}، مدیر مکرم مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی پژوهشی حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالفضل هادی‌منش و همکاران خدوم ایشان در این مدیریت، مدیر محترم پروژه نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهشی حجت‌الاسلام و المسلمین حسین محققیان و همکار ایشان جناب آقای سید هادی موسوی، دبیر محترم دبیرخانه حمایت از پژوهش‌های مورد نیاز نظام اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین محسن محمدی و همکاران خدوم ایشان، مدیر محترم مدارج علمی حوزه علمیه قم حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم ابراهیمی و همکار محترم ایشان حجت‌الاسلام و المسلمین حمزه شریفی، ناظر محترم علمی طرح، حجت‌الاسلام و المسلمین یارعلی کردفیروزجائی، مجری مکرم طرح، حجت‌الاسلام و المسلمین حسن عبدی. همچنین، تلاش خالصانه همه محققان و مدیرانی را که پیش‌از این، در راه‌اندازی و رشد جریان نیازسنجی پژوهشی در حوزه‌های علمیه سهیم بودند، می‌ستاییم.

بی‌تردید اثر حاضر، از خطا و نقصان مصون نیست و نیازمند نقد عالمانه اندیشمندان حوزه و دانشگاه است؛ از این‌رو، دست یاری ایشان را به گرمی می‌فشاریم و ارشادات آنها را مشتاقانه پذیراییم.

امید آنکه این خدمت علمی به تأیید ولی عصر، امام زمان^{علیه السلام}، صاحب اصلی حوزه‌های علمیه، برسد و خداوند متعال آن را بپذیرد!

معاون پژوهش حوزه‌های علمیه

ابوالقاسم مقیمی حاجی

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵

فصل اول: شناخت پژوهش

۱. کلیات تحقیق.....	۲۰
۱,۱. بیان مسئله.....	۲۰
۱,۲. پرسش‌های تحقیق.....	۲۱
۱,۳. فرضیه تحقیق.....	۲۱
۱,۴. اهداف تحقیق.....	۲۱
۱,۵. پیشینه تحقیق.....	۲۲
۱,۶. نوآوری‌های تحقیق.....	۲۲
۱,۷. روش تحقیق.....	۲۳
۱,۸. سازمان‌دهی تحقیق.....	۲۳
۲. مفهوم‌شناسی.....	۲۴
۲,۱. نیازسنجی.....	۲۴
۲,۱,۱. مفهوم نیاز.....	۲۴
۲,۱,۲. مفهوم سنجش.....	۲۵
۲,۱,۳. مفهوم نیازسنجی.....	۲۵
۲,۱,۴. اهداف نیازسنجی.....	۲۵
۲,۱,۵. روش‌های نیازسنجی.....	۲۶
۲,۲. فلسفه.....	۲۶



فصل دوم: چیستی فلسفه و شاخه‌های آن

۱. تعریف فلسفه ۳۱
۲. دورنمای اجمالی تحولات فلسفه ۳۱
۳. شاخه‌های فلسفه ۳۳
- ۳,۱. فلسفه مطلق ۳۳
- ۳,۲. فلسفه مضاف ۳۴
- ۳,۲,۱. شاخه‌های فلسفه مضاف به علم ۳۵
- ۳,۲,۲. شاخه‌های فلسفه مضاف به غیر علم ۳۸

فصل سوم: نیازها و اولویت‌های پژوهشی دانش فلسفه

۱. مسائل فلسفه ۴۳
- ۱,۱. فلسفه مطلق ۴۳
- ۱,۱,۱. هستی‌شناسی ۴۳
- ۱,۱,۲. معرفت‌شناسی ۶۶
- ۱,۱,۳. انسان‌شناسی ۹۴
- ۱,۱,۴. خداشناسی ۱۰۸
- ۱,۲. فلسفه مضاف ۱۱۸
- ۱,۲,۱. فلسفه منطق و فلسفه علم منطق ۱۱۸
- ۱,۲,۲. فلسفه علم کلام ۱۳۲
- ۱,۲,۳. فلسفه علم ۱۴۰
- ۱,۲,۴. فلسفه فهم ۱۴۶
- ۱,۲,۵. فلسفه علم فقه و فلسفه علم اصول فقه ۱۵۸
- ۱,۲,۶. فلسفه عرفان و فلسفه علم عرفان ۱۷۲
- ۱,۲,۷. فلسفه دین ۱۸۵
- ۱,۲,۸. فلسفه زبان ۱۹۲
- ۱,۲,۹. فلسفه معرفت ۱۹۹
- ۱,۲,۱۰. فلسفه اخلاق و فلسفه علم اخلاق ۲۰۵
- ۱,۲,۱۱. فلسفه علم حقوق ۲۲۱



۲۳۱		۱،۲،۱۲. فلسفه روش و فلسفه علم روش‌شناسی
۲۴۴		۱،۲،۱۳. فلسفه علوم اجتماعی و فلسفه علم جامعه‌شناسی
۲۶۰		۱،۲،۱۴. فلسفه علم اقتصاد و فلسفه پول
۲۸۱		۱،۲،۱۵. فلسفه علم سیاست
۲۸۸		۱،۲،۱۶. فلسفه قدرت
۲۹۸		۱،۲،۱۷. فلسفه علم روان‌شناسی
۳۰۴		۱،۲،۱۸. فلسفه علم تعلیم و تربیت
۳۱۰		۱،۲،۱۹. فلسفه علم مدیریت
۳۱۷		۱،۲،۲۰. فلسفه تاریخ و فلسفه علم تاریخ
۳۳۱		۱،۲،۲۱. فلسفه علم و فلسفه علوم تجربی
۳۴۶		۱،۲،۲۲. فلسفه علم شیمی
۳۵۲		۱،۲،۲۳. فلسفه علم ریاضی
۳۶۲		۱،۲،۲۴. فلسفه علم فیزیک
۳۷۵		۱،۲،۲۵. فلسفه علم زیست‌شناسی و فلسفه پزشکی
۳۹۱		۱،۲،۲۶. فلسفه علوم شناختی و فلسفه ذهن
۴۰۳		۱،۲،۲۷. فلسفه هوش مصنوعی
۴۱۱		۱،۲،۲۸. فلسفه فناوری
۴۱۷		۱،۲،۲۹. فلسفه علوم سایبر، فلسفه فضای مجازی و فلسفه رسانه
۴۳۶		۱،۲،۳۰. فلسفه علم زبان‌شناسی
۴۴۳		۱،۲،۳۱. فلسفه هنر، فلسفه سینما، فلسفه موسیقی، فلسفه معماری
۴۷۱		۱،۲،۳۲. فلسفه کنش
۴۷۹		۱،۲،۳۳. فلسفه تمدن
۴۸۵		۱،۲،۳۴. فلسفه فرهنگ
۴۹۲		۱،۲،۳۵. فلسفه میان‌فرهنگی
۵۰۱		۱،۲،۳۶. فلسفه برای کودک
۵۰۸		۲. تحلیل مسائل فلسفه



فصل چهارم: موضوعات پیشنهادی مصوب

خاتمه

۱. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی ۵۶۱
۲. بیانیه نیازسنجی دانش فلسفه ۵۶۲

- فهرست منابع و مآخذ ۵۶۳
- کتاب‌ها ۵۶۳
- مقالات ۵۶۵

مقدمه

هر رشته علمی دارای دست کم دو بُعد است: آموزش و پژوهش. در حالی که بُعد آموزش عهده‌دار انتقال دانش و مهارت‌های علمی مربوط به فراگیران است، بُعد پژوهش وظیفه پیش‌برد مرزهای دانش و حل مسائل مطرح در آن رشته علمی را بر عهده دارد. در حالی که در بُعد آموزشی انتقال صحیح و دقیق یافته‌ها به فراگیران نقش بسیار مهمی دارد، در بُعد پژوهشی شناسایی دقیق مسائل و یافتن راه‌حل‌های درست بسیار اهمیت دارد. از این رو لازم است هر پژوهش‌گر و محقق در وهله نخست دانش‌های فراگرفته خود را در راستای شناسایی «دقیق» مسائل به کار گیرد. چه بسا یک محقق و پژوهش‌گر در فرایند شناسایی مسائل یک دانش، با مسائل مختلفی مواجه گردد و فهرستی از مسائل را شناسایی کند، در این جاست که نوبت به «اولویت‌بندی» مسائل می‌رسد. با توجه به محدودیت منابع و فراوانی مسائل در دوران معاصر لازم است با مدیریت صحیح منابع به ویژه منابع انسانی نسبت به جهت‌دهی پژوهش‌گران به حل مسائل دارای اهمیت و اولویت اقدام شود. تعیین معیارهایی برای شناسایی اولویت‌های پژوهشی یکی از وظایف مهم و خطیری است که مراکز پژوهشی بر عهده دارند.

از جمله اقداماتی که می‌توان در راستای شناسایی اولویت‌های پژوهشی انجام داد، «نیازسنجی» پژوهشی است. بسیاری از مراکز پژوهشی برای استفاده بهینه از منابعی همچون منابع انسانی، طرح‌های پژوهشی نیازسنجی را اجرا می‌کنند. از فواید و آثار اجرای این گونه طرح‌ها آن است که محققان هر رشته از زمینه‌ها و ظرفیت‌های پژوهشی آن رشته آگاه می‌شوند.

پژوهش حاضر با عنوان «اولویت‌های دانش فلسفه» در حقیقت فرایند انجام یک پژوهش نیازسنجی در قلمرو دانش فلسفه است که بر تجزیه و تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در قلمرو دانش فلسفه اسلامی انجام گرفته است. در این طرح، با مطالعه و بررسی متون و منابع مختلفی همچون کتاب‌ها، مقالات و مصاحبه‌ها وضعیت فعلی دانش فلسفه اسلامی سنجیده، و در ادامه با واکاوی شاخه‌های مختلف رشته فلسفه اسلامی خلأهای پژوهشی و نیازهای علمی شناسایی شد. از آنجاکه لازم بود محصول کار در قالب «مسئله پژوهشی» تنظیم گردد، محورهای «عنوان»، «پرسش تحقیق»، «بیان مسئله» و «واژگان کلیدی» تنظیم گردید. در ادامه نتیجه این تحقیق برای برخی از اساتید صاحب‌نظر در فلسفه اسلامی ارسال گردید، تا درباره اولویت‌بندی هر کدام از بیان مسئله‌ها اظهارنظر کنند. پس از جمع‌آوری اظهارنظرها و تنظیم و تدوین آن‌ها، نتیجه این تحقیق اصل کار مکتوب حاضر شد که به طرح مسائل ضروری رشته فلسفه اسلامی می‌پردازد. فراهم‌سازی مقدمات انجام این پژوهش بدون همکاری و عنایت بسیاری از بزرگان و عزیزان میسر نمی‌گشت. از این‌رو لازم است از باب «من لم یشکر المنعم من المخلوقین، لم یشکر الخالق»، از عموم این عزیزان تشکر و قدرانی شود. جا دارد از اساتید محترم حجج اسلام و المسلمین حسن معلمی، یارعلی کرد فیروزجایی، سید جابر موسوی، عبدالله محمدی و مهدی عبداللهی که در فرایند اولویت‌دهی بیان مسئله‌ها اظهارنظر کردند، تشکر کنم. همچنین از دوستان و عزیزان، به‌ویژه از مسئولان انجمن معرفت‌شناسی حوزه و نیز معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه متشکریم که مساعدت‌های آنان در به انجام رساندن این اثر، نقش بسیار فراوانی داشت.

حسن عبدی

دانشیار دانشگاه باقرالعلوم

فصل
اول

شناخت پژوهش

تعیین اولویت‌های پژوهشی در هر رشته علمی فواید بی‌شماری به‌دنبال دارد که برخی از آن‌ها عبارت است از تسهیل گسترش مرزهای دانشی و تمرکز ظرفیت‌ها بر موارد لازم و ضروری، معطوف ساختن توان نرم‌افزاری و نیروهای انسانی به نیازها و ضرورت‌ها، و کمک به مسئولان و برنامه‌ریزان آن رشته برای برطرف کردن کاستی‌ها و از بین بردن خلأها، کاستن از هدررفت نیروها و از بین بردن دوباره‌کاری‌ها. یکی از راه‌های تعیین اولویت‌های پژوهشی، انجام فرایند پژوهشی «نیازسنجی» است. نیازسنجی پژوهشی به‌ویژه در شرایطی که یک نهاد یا سازمان با محدودیت بودجه مواجه است، بیش‌ازپیش ضرورت می‌یابد.^۱ این موقعیت دقیقاً همان وضعیتی است که امروزه بسیاری از مراکز پژوهشی در جامعه ما و به‌ویژه در حوزه علمیه با آن مواجه هستند؛ ازاین‌رو، جای تردیدی در لزوم انجام «نیازسنجی پژوهشی» در علوم مختلف وجود ندارد.

یکی از علومی که در جامعه ما و به‌ویژه در حوزه علمیه مورد توجه جدی است، دانش فلسفه است.^۲ در تحقیق حاضر تلاش شده است نگاهی تحلیلی به وضعیت فعلی فلسفه در جامعه ایران با هدف شناسایی خلأها و کاستی‌ها افکنده شود. بحث خود را با بیان کلیات تحقیق و مفاهیم آغاز می‌کنیم و در فصل‌های بعد به تجزیه و تحلیل اولویت‌ها در قلمرو فلسفه خواهیم پرداخت.

۱. کوروش فتحی‌واجارگاه، نیازسنجی پژوهشی، تهران: انتشارات آیپژ، ۱۳۸۷ ه. ش، ص ۶.

۲. یکی از علل توجه جدی به علوم عقلی و به‌ویژه فلسفه در جامعه ما، «فرهنگ شیعی» است که تحت هدایت‌های ائمه اهل‌بیت (ع) با عقلانیت و خرد عجمین شده است، و این برخلاف بسیاری دیگر از مذاهب کلامی اسلامی مانند اشاعره است که به علل تاریخی توجه چندانی به مباحث عقلی و فلسفی از خود نشان نمی‌دهند.

۱. کلیات تحقیق

کلیات تحقیق عهده‌دار بیان چهارچوب اساسی و راهنمای عمل برای انجام یک پژوهش است. در ادامه ابعاد مهم پژوهشی «نیازسنجی دانش فلسفه» را از نظر می‌گذرانیم.

۱.۱. بیان مسئله

دانش فلسفه به مثابه مهم‌ترین دانش عقلی سابقه دیرپایی در میان علوم را به خود اختصاص داده است. تردیدی نیست که فلسفه در میان دانش‌های مختلف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ ویژگی این دانش، نقش و تأثیری است که در پایه‌ریزی مبانی و اصول علوم مختلف از راه پاسخ به پرسش‌های کلان و کلی دارد. اگر در نظر آوریم که امروزه بسیاری از مشکلات و کاستی‌های علوم انسانی ناشی از حل نشدن دقیق مسائل مربوط به پرسش‌هایی نظری «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهره چه بود، به کجا می‌روم» و در یک جمله انسان‌شناسی حقیقی است، به راحتی می‌توان به جایگاه مهم فلسفه پی برد. اهمیت این دانش عقلی باعث می‌گردد تا اهتمام محققان به‌طور کلی و محققان علوم انسانی به‌طور خاص در بررسی و واکاوی مسائل آن ضرورت یابد.

مسائل کلان و کلی را می‌توان براساس نگرش فلسفه اسلامی حل کرد و می‌توان بر پایه آراء متفکران غربی واکاوی کرد. روشن است که حل مسائل فلسفی براساس نگرش اسلامی به ارائه نظام فکری منسجم و هماهنگ اندیشه اسلامی کمک خواهد کرد. شاید نخستین متفکر معاصر اسلامی که به بررسی و واکاوی مسائل فلسفی پرداخت، فارابی باشد. پس از فارابی عموم حکما و فیلسوفان مسلمان، از ابن‌سینا و محقق طوسی گرفته تا ملاصدرا و علامه طباطبایی با تأسی به روش و منش معلم ثانی به بررسی و تحلیل مسائل فلسفی پرداختند که این روش و منش تا به امروز ادامه یافته است. از میان حکمای معاصر می‌توان به شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، و آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد که پیش‌تاز طرح و بررسی مسائل نوپدید در حوزه علوم عقلی هستند.

روشن است که به‌رغم تلاش این بزرگان عرصه علوم عقلی، دانش فلسفه همچنان با نیازها و کاستی‌های جدی مواجه است اما انجام هرگونه پژوهش و تحقیق درباره موضوعات فلسفی در گرو تشخیص دقیق نیازها و کاستی‌هاست؛ از این‌رو، مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است



که «دانش عقلی فلسفه به مثابه یکی از مهم‌ترین علوم بشری است، با چه نیازها و کاستی‌هایی مواجه است؟» در تحقیق حاضر تلاش خواهد شد براساس روش علمی به واکاوی این مسئله پرداخت و پاسخ دقیقی به پرسش فوق ارائه کرد. ره‌آورد این پژوهش تعیین و ترسیم نیازها و نیز اولویت‌بندی نیازهای پژوهشی در زمینه دانش فلسفه خواهد بود.

۱,۲. پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از «دانش عقلی فلسفه به مثابه یکی از شاخه‌های بنیادین تفکر عقلی در ایران به ترتیب اولویت با چه نیازها و کاستی‌هایی مواجه است؟» پرسش اصلی فوق را می‌توان به این پرسش‌ها تحلیل کرد:

- (۱) ابعاد مختلف و شاخه‌های گوناگون درختواره مسائل دانش فلسفه چیست؟
- (۲) در زمینه کدام‌یک از شاخه‌های دانش فلسفه تحقیقات کافی انجام گرفته است؟
- (۳) درباره کدام‌یک از شاخه‌های دانش فلسفه تحقیقات کافی انجام نشده است؟
- (۴) اگر درباره شاخه‌ای از شاخه‌های فلسفه تحقیقی انجام نگرفته است، این شاخه‌ها کدام‌اند و اولویت‌های پژوهشی آن کدام است؟
- (۵) معیارها و ملاک‌های بازشناسی اولویت‌های پژوهشی در دانش فلسفه چیست؟

۱,۳. فرضیه تحقیق

براساس شواهد و قرائن موجود از جمله مرور کتب و مقالات منتشر شده در موضوع دانش فلسفه، به نظر می‌رسد در برخی از شاخه‌های این دانش عقلی، مانند فلسفه مضاف به غیرعلم، فلسفه کاربردی و فلسفه منطق، به‌رغم آنکه تا حدودی مورد توجه قرار گرفته، همچنان از کاستی‌های مهمی رنج می‌برد که در رأس آن معرفی نشدن این شاخه‌ها به جامعه علمی و فقدان منابع دست اول است.

۱,۴. اهداف تحقیق

اهداف انجام این تحقیق به دو دسته اهداف کلی و اهداف جزئی تقسیم می‌گردد:

۱. اهداف کلی:

۱,۱. تهیه «نقشه راه» برای مباحث فلسفه؛

۱,۲. آینده‌نگری برای پژوهش در حوزه فلسفه؛

۱,۳. پوشش خلأهای موجود در حوزه فلسفه.

۲. اهداف جزئی:

۲,۲. کمک به تصمیم‌گیران در هدایت صحیح بودجه‌های پژوهشی و تخصیص بهینه منابع؛

۲,۲. کمک به هم‌افزایی مراکز پژوهشی و پژوهش‌گران در جهت‌دهی امکانات پژوهشی

به‌منظور رفع نیازها؛

۲,۳. معرفی اولویت‌های پژوهشی به مراکز پژوهشی و پژوهشگران.

۱,۵. پیشینه تحقیق

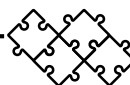
پیشینه انجام این تحقیق به دو دسته پیشینه عام و پیشینه خاص قابل تقسیم است.

۱. **پیشینه عام:** اساساً «نیازسنجی» یا راه یافتن به اولویت‌های پژوهشی تا مدت‌ها به‌صورت سنتی و براساس تشخیص افراد خاصی مانند استادان فن و صاحب‌نظران انجام می‌گرفت که پایه آن را «تجارب فردی» تشکیل می‌داد. برای مثال مرحوم مدرس زنوزی در پاسخ به سؤالات شاهزاده قاجار - که برگرفته از مطالعه کتب حکمای غربی بود - مطالبی بر پایه حکمت متعالیه ارائه کرده است که در کتاب بدایع الحکم ثبت و ضبط گردیده است. همچنین مرحوم علامه طباطبایی با تشکیل جلسات هفتگی به بحث و بررسی مقایسه‌ای - انتقادی دیدگاه‌های حکمای غربی و آموزه‌های حکمت متعالیه پرداخت. چنین امری برخاسته از تشخیص این فیلسوف معاصر بود که درباره مباحث فلسفی تطبیقی و انتقادی در جامعه احساس کاستی و خلأ می‌کرد.

۲. **پیشینه خاص:** بررسی‌ها نشان می‌دهد که در زمینه انجام پژوهش‌های میدانی و کاربردی با هدف تشخیص نیازها و اولویت‌های دانش فلسفه، تحقیقات چندانی انجام نشده است. آری، براساس اطلاعات شخصی نگارنده در انجمن معرفت‌شناسی حوزه، پیش‌تر در اوایل دهه ۱۳۹۰ طرح پژوهشی در زمینه «معرفت‌شناسی» - که یکی از شاخه‌های فلسفه مطلق به شمار می‌رود - تدوین گردید که نگارنده به محتوای آن دسترسی ندارد.

۱,۶. نوآوری‌های تحقیق

برخی از ابعاد نوآوری این پژوهش عبارت است از:



- (۱) شناسایی نیازها و اولویت‌های دانش فلسفه؛
 (۲) انجام پژوهش براساس آخرین پژوهش‌های انجام گرفته - اعم از کتاب و مقاله - در قلمرو فلسفه.

۱.۷. روش تحقیق

انجام این تحقیق در مراحل مختلفی انجام می‌گیرد که متناسب با هر مرحله، از روش مرتبط بهره گرفته خواهد شد.

(۱) روش جمع‌آوری اطلاعات

برخی از مهم‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز عبارت است از: مطالعه کتابخانه‌ای، و مطالعه میدانی (مصاحبه، پرسشنامه). این‌گونه مطالعات به ابزارهایی نیاز دارد که برخی از ابزارهای مهم آن عبارت است از فیش‌برداری، تهیه پرسشنامه، انجام مصاحبه. در این پژوهش تلاش می‌شود از راه مطالعه میدانی فهرست کتاب‌ها و مقالات منتشر شده در زمینه فلسفه گردآوری شود.

(۲) روش تحلیل اطلاعات

از آنجاکه در این پژوهش هدف شناسایی خلأها، کاستی‌ها و دستیابی به اولویت‌های پژوهشی فلسفه است، به نظر می‌رسد روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مناسب باشد.

(۳) رویکرد تحقیق

در این پژوهش تلاش خواهد شد در راستای شناسایی نیازها و اولویت‌های پژوهشی فلسفه، از رویکرد هدف‌محور استفاده شود.

۱.۸. سازمان‌دهی تحقیق

براساس پیش‌بینی انجام شده، ساختار تحقیق حاضر به‌صورت زیر خواهد بود:

فصل اول: شناخت پژوهش

۱. کلیات تحقیق شامل بیان مسئله، پرسش‌های تحقیق، روش تحقیق، اهداف تحقیق و ...

۲. مفاهیم تحقیق

فصل دوم: چپستی فلسفه و شاخه‌های آن



۱. تعریف فلسفه
۲. دورنمای اجمالی از تحولات فلسفه
۳. شاخه‌های فلسفه
- فصل سوم: گزارش پژوهش‌های فلسفی
- فصل چهارم: نیازها و اولویت‌های پژوهشی دانش فلسفه
- خاتمه: نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
- فهرست منابع و مآخذ
- پیوست‌ها

۲. مفهوم‌شناسی

پیش از هر چیز لازم است به تبیین مفهومی اصطلاحات اساسی این پژوهش توجه کنیم. از این‌رو در ادامه به توضیح اصطلاحات نیازسنجی، و فلسفه می‌پردازیم.

۲,۱. نیازسنجی

نخستین مفهوم، مفهوم نیازسنجی است. این عبارت از دو کلمه «نیاز» و «سنجی» ترکیب شده است.

۲,۱,۱. مفهوم نیاز

واژه نیاز در زبان فارسی دارای دو نقش است؛ نقش فعلی و نقش اسمی. واژه نیاز در نقش فعلی به معنای احتیاج داشتن و خواستن به کار می‌رود. این واژه در معنای اسمی خود معنای شکاف و فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب را می‌رساند.^۱ نیازها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ نیازهای طبیعی، و نیازهای غیرطبیعی. مراد از نیازهای طبیعی نیازهایی است که ساختار طبیعی موجود زنده، آن‌ها را ایجاد می‌کند، مانند نیاز به غذا در موجودات جان‌دار. در مقابل، برخی نیازها غیرطبیعی هستند. این دسته از نیازها، براساس قرارداد شکل می‌گیرد. توضیح آنکه آدمی پس از تشکیل جامعه به تفکیک و دسته‌بندی احتیاجات خود می‌پردازد. این کار افزون‌بر اینکه جایگاه هر فرد در جامعه را

۱. کوروش فتحی واجارگاه، نیازسنجی پژوهشی، تهران: انتشارات آبیژ، ۱۳۸۷. ه. ش، ص ۴-۵.



روشن می‌سازد. زمینه توجه تخصصی به رفع نیازها را نیز فراهم می‌سازد. نیازهای اجتماعی می‌تواند نیازهایی براساس قرارداد باشد.

برای نمونه پس از سامان یافتن نظام تعلیم و تربیت در جامعه، رتبه‌بندی معلمان یکی از نیازهای نظام تعلیم و تربیت است و این رتبه‌بندی نیز به معیارها و مقیاس‌هایی نیاز دارد. این معیارها و مقیاس‌ها براساس قرارداد تنظیم می‌گردد. از این رو، میان تأمین مواد غذایی به عنوان یک نیاز طبیعی و تأمین معیار رتبه‌بندی معلمان به مثابه یک نیاز قراردادی، تفاوت روشنی وجود دارد. به هر حال، در اینجا مقصود از نیاز، خلأ و کاستی است که در شاخه علمی «فلسفه» به چشم می‌خورد. این خلأ و کاستی گونه‌ای از نیاز قراردادی است که برخاسته از زندگی اجتماعی و نیاز جامعه به دانش و آگاهی است.

۲,۱,۲. مفهوم سنجش

واژه «سنجش» به معنای اندازه‌گیری است. اندازه‌گیری زمانی میسر است که مقیاس و معیاری در کار باشد. از این رو، هرگونه سنجشی برای آنکه قابل انتقال به دیگران و باورپذیر باشد، به معیار و ملاک نیاز دارد.

۲,۱,۳. مفهوم نیازسنجی

اما مفهوم سنجش هنگامی که در کنار اصطلاح نیاز قرار گیرد، به معنای فرایندی است که به شناسایی دانش، مهارت، فن‌آوری و هر آنچه بتواند به دست‌یابی به اهداف یاری رساند، اطلاق می‌شود.^۱ اندازه‌گیری و واکاوی چیستی و میزان نیاز است. بنابراین «نیازسنجی» به معنای سنجش احتیاج و نیز بررسی خلأها، نیازها و کاستی‌ها در راستای شناخت دقیق وضعیت موجود و در راستای بهسازی آن و دست‌یابی به اهداف است.

۲,۱,۴. اهداف نیازسنجی

برای فرایند نیازسنجی اهدافی برشمرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت است از واضح و روشن ساختن جهت‌گیری برای هدایت فرایند برنامه‌ریزی، هماهنگ ساختن ظرفیت‌ها با دست‌یابی با اولویت‌ها، جلوگیری از هدررفت منابع و امکانات، ایجاد هماهنگی میان طرح‌های

۱. کوروش فتحی واجارگاه، نیازسنجی پژوهشی، تهران: انتشارات آبیژ، ۱۳۸۷. ش، ص ۵.

مختلف به‌منظور جلوگیری از دوباره‌کاری و پراکنده‌کاری، بسیج ظرفیت‌های مختلف در راستای تحقق بخشیدن به اهداف و اولویت‌ها، آینده‌نگری در برنامه‌ریزی به‌منظور پرهیز از اتخاذ تصمیمات لحظه‌ای و مقطعی.^۱

۲.۱.۵. روش‌های نیازسنجی

گفتیم که هرگونه اندازه‌گیری نیازها برای آنکه قابل انتقال به دیگران و باورپذیر باشد، به مقیاس و ملاک نیاز دارد. ازاین‌رو در هر نیازسنجی توجه به روش نیازسنجی اهمیت فراوان دارد. راه‌های مختلفی برای نیازسنجی وجود دارد. در ادامه به این راه‌ها اشاره می‌کنیم. الف. نیازسنجی براساس اهداف؛ برخی برای انجام این کار از اهداف بهره می‌گیرند. توضیح آنکه هر نهاد و سازمانی اهدافی برای خود تعریف کرده است و هنگامی که بخواهیم به نیازهای آن نهاد و سازمان پی ببریم، لازم است ضمن تمرکز بر اهداف آن به بررسی میزان دستیابی آن نهاد و سازمان به اهداف تعریف شده خود بپردازیم.

ب. نیازسنجی براساس مسئله؛ یکی دیگر از راه‌های نیازسنجی واکاوی مسائلی است که یک نهاد و سازمان به آن مواجه است. به عبارت دیگر با شناسایی مسائل یک نهاد و سازمان می‌توان به‌صورت عملی به نیازها و احتیاجات آن سازمان پی برد. البته شیوه شناسایی مسائل یک نهاد و سازمان مختلف است.

ج. نیازسنجی بر پایه نظرسنجی؛ یکی از راه‌های رسیدن به کاستی‌ها و نیازهای یک نهاد یا سازمان انجام مصاحبه با افرادی است که با نهاد یا سازمان مذکور در ارتباط هستند. این افراد می‌تواند دایره گسترده‌ای از کارکنان آن نهاد و سازمان تا مراجعه‌کنندگان و مشتریان را شامل گردد.

۲.۲. فلسفه

واژه فلسفه، آوانوشت کلمه «Philosophy» به زبان انگلیسی است که برای اشاره به دانشی عقلی به کار می‌رود که به مطالعه احکام کلی وجود می‌پردازد. دانش فلسفه یکی از دانش‌های پرسابقه در طول تاریخ علم است. پیشینه غیرمکتوب آن به چندین هزار سال پیش بازمی‌گردد، ولی قدیم‌ترین متون فلسفی به‌جای‌مانده مربوط به آراء فیلسوفان یونانی است.

۱. کوروش فتحی و اجارگاه، نیازسنجی پژوهشی، تهران: انتشارات آبیژ، ۱۳۸۷. ه. ش، ص ۷.



تمایل به پرسش و یافتن پاسخ در وجود انسان سرشته شده است و همین کافی است تا پیشینه فلسفه را به زمان‌های دور در تاریخ برساند. اما مطالعات نظام‌مند درباره پرسش‌های کلی و کلان بسیار دیرتر شکل گرفت. از این‌رو، کتاب‌ها و متون فلسفی بسیار دیرتر از شکل‌گیری فلسفه پای به عرصه وجود نهاد.

به هر حال در عموم کتاب‌های تاریخ فلسفه، یونان باستان به منزله خاستگاه فلسفه شمرده می‌شود. آنچه در این تحقیق مدنظر است نه واکاوی تاریخچه و پیشینه فلسفه، که بررسی وضعیت فعلی فلسفه در جامعه ایران است. از این‌رو، در اینجا به تعریف اجمالی فلسفه بسنده می‌کنیم و واکاوی قلمرو و شاخه‌های مختلف فلسفه را به فصل بعد موکول می‌کنیم.

فصل
دوم

چیستی فلسفه و شاخه‌های آن

تا اینجا دانستیم نیازسنجی دانش فلسفه، در پی شناسایی اهداف تدریس، تحقیق و گسترش شاخه فلسفه است. با این هدف که ضمن شناسایی وضع حاضر این رشته، وضعیت مطلوب را تعیین، و وضعیت موجود را با وضعیت مطلوب مقایسه کند تا از خلال آن، به راهکارهایی برای رفع نیازها و کاستی‌ها دست یابد. همچنین می‌توان با اولویت‌بندی نیازها، نیروها و ظرفیت‌ها را در راستای تأمین بهتر نیازها مدیریت کرد. حال لازم است با تمرکز بر توضیح چپستی و ابعاد فلسفه، به تصور روشنی از موضوع نیازسنجی دست یافت؛ از این‌رو در ادامه، توضیح مختصری از فلسفه و شاخه‌های آن ارائه می‌شود.

۱. تعریف فلسفه

فلسفه دانشی است که کلی‌ترین پرسش‌های انسان را بررسی می‌کند و افزون‌بر اینکه پاسخ‌گوی دغدغه‌های اصلی انسان است، گونه‌ای از جهان‌بینی را برای انسان به ارمغان می‌آورد که پایه نگرش و رفتار انسان را، خواه در حوزه فردی خواه در حوزه جمعی، فراهم می‌سازد.

۲. دورنمای اجمالی تحولات فلسفه

در دوره باستان، حکیمان و فرزائگان احکام کلی وجود را واکاوی کردند و با دنبال کردن دلالت‌ها و لوازم پاسخ به این مسائل کلان، درصدد برآمدند تا لوازم قوانین فلسفی را در قلمروهای مختلف انسانی، از اخلاق گرفته تا سیاست مدُن استخراج کنند. محصول این تلاش علمی، تدوین کتب و رساله‌های بی‌شماری در زمینه اخلاق فلسفی، فلسفه سیاست و فلسفه تعلیم و تربیت بود. آنچه پیشینه یونانی فلسفه اسلامی می‌شود، درحقیقت استمرار همین حرکت فکری و البته باتوجه به معارف الهی و وحیانی بود. اما این مسیر رفته‌رفته دچار تحول گشت.

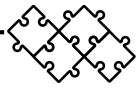
در دوره مدرن، با تشکیکاتی که در اعتبار و ارزش ادراکات عقلی به وجود آمد، جایگاه و نقش فلسفه رفته‌رفته انکار شد. در نتیجه، بسیاری به این تفکر گرایش پیدا کردند که آنچه قوانین کلی فلسفه خوانده می‌شود، چیزی جز کلی‌گویی‌های بی‌دلیل نیست. با اعتبار یافتن روش تجربی، قوانین فلسفی عاری از هرگونه دلیل تجربی دانسته شد و یافته‌های عقلی و متون فلسفی مورد بی‌مهری غربیان قرار گرفت.

از سوی دیگر، در این دوران، تردیدها در اصالت و اعتبار دیانت مسیحی نیز روزه‌روز فزونی یافت. دیانت مسیحی که در اروپا برای قرن‌های متمادی دستورالعمل زندگی بود، ارزش خود را از دست داده بود، تا آنجا که بسیاری از مردم، مسیحیت یک پدیده تاریخی که کارکرد خود را در دوره جدید از دست داده است.

از آنجا که اداره هر جامعه‌ای به نظام فکری نیاز دارد و باتوجه‌به اینکه مسیحیت ارزش و جایگاه سابق خود را از دست داده بود، دانشمندان برای یافتن جایگزین مناسبی برای دین، علوم انسانی را بسط و گسترش دادند و از این‌رو در این دوره، علوم انسانی رشد چشمگیری داشت. اما با کنار گذاشتن فلسفه، این گسترش علوم انسانی در فضای دوری از فلسفه شکل گرفت و در عمل، گونه‌ای از علوم انسانی پا به عرصه وجود نهاد که فاقد پایه و اساس مستحکمی بود.

مدافعان علوم انسانی که با چنین خلأیی مواجه شده بودند، درصدد برآمدند با گسترش شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه مناسب با هر شاخه علمی (مانند فلسفه حقوق، فلسفه اقتصاد، فلسفه تعلیم و تربیت) را تدوین کنند. رویکرد غالب آنان که در تدوین فلسفه‌های مضاف آن بود که فلسفه‌هایی را سامان دهند که یافته‌های علوم انسانی را مسلّم بگیرند و برای این یافته‌ها، مبانی و اصولی دست‌وپا کنند.

اکنون که بسیاری از متون و منابع علوم انسانی به فارسی ترجمه شده و در اختیار جامعه علمی قرار گرفته است، ترجمه متون فلسفه علوم انسانی غربی نیز مورد توجه قرار گرفته و روزه‌روز شاهد انتشار کتاب‌ها و مقالاتی در این زمینه هستیم. اما آنچه لازمه منطقی و متناسب با فرهنگ اسلامی است، استمرار عقلانیت اسلامی است که تلاش دارد علوم انسانی را بر پایه قوانین عقلی متقن و معتبر استوار سازد، نه آنکه فلسفه‌ای در خور علوم انسانی موجود دست‌وپا کند. در ادامه، برای پی بردن به خلأهای موجود در فلسفه، به شاخه‌های مختلف فلسفه اشاره خواهد شد تا زمینه برای بررسی مستقل هر شاخه فراهم گردد.



۳. شاخه‌های فلسفه

امروزه فلسفه دانشی عقلی است که شاخه‌های مختلفی دارد و روزبه‌روز نیز بر دامنه آن افزوده می‌شود. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان فلسفه را به دو بخش عمده تقسیم کرد: فلسفه مطلق و فلسفه مضاف.

۳,۱. فلسفه مطلق

فلسفه مطلق عبارت است از بررسی احکام کلی وجود و نیز واکاوی تقسیمات اولیه وجود. اما این تعریف چندان گویای چیستی مسائل فلسفه مطلق نیست؛ از این رو در ادامه شاخه‌های مختلف فلسفه مطلق را بیان می‌کنیم. فلسفه مطلق دربردارنده شاخه‌هایی همچون هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی است:

الف. هستی‌شناسی؛ این شاخه از فلسفه، احکام کلی وجود و نیز تقسیمات اولیه وجود، مانند وحدت یا کثرت وجود، رابطه وجود و ماهیت، اصالت یا اعتبار وجود یا ماهیت، تشکیک وجود، تقسیم وجود به واحد و کثیر، تقسیم وجود به مستقل و رابط، تقسیم وجود به حقیقی و اعتباری، تقسیم وجود به علت و معلول، تقسیم وجود به ذهنی و خارجی، را بررسی می‌کند.^۱

ب. معرفت‌شناسی؛ این شاخه از فلسفه، احکام معرفت از جمله تعریف معرفت، اقسام معرفت همچون معرفت حضوری و معرفت حصولی، معرفت تصویری و معرفت تصدیقی، امکان معرفت، راه‌ها و منابع معرفت، ارزش معرفت، شکاکیت و نسبی‌گرایی را بررسی می‌کند.^۲ البته باید تأکید کرد که از میان مباحث مختلف معرفت‌شناسی، دو بحث در زمره مباحث اصلی و اساسی قرار دارد که عبارت است از صدق و عقلانیت.^۳

ج. انسان‌شناسی؛ این شاخه از فلسفه نفس انسانی را بررسی می‌کند و به موضوعاتی همچون تعریف نفس، اقسام نفس، واحد یا کثیر بودن نفس، ویژگی‌های نفس انسانی مانند مجرد بودن، قوای نفس، تقسیمات قوای نفس مانند قوه ادراکی و قوه تحریکی، بقاء و استمرار وجودی نفس، تشخیص نفس و کمال نفس توجه می‌کند.

د. خداشناسی؛ این قلمرو از فلسفه مطلق، وجود خداوند و صفات او را بررسی می‌کند و

۱. سید محمدحسین طباطبائی، نه‌ایة الحکمه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ه.ش، صص ۴-۵.

۲. مجتبی مصباح یزدی، و عبدالله محمدی، معرفت‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۲۷.

۳. حسین بستان، و همکاران، گامی به سوی علم دینی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ه.ش، چاپ دوم، ص ۱۲.

مباحثی همچون تعریف خدا، براهین اثبات خدا، علم خدا، قدرت خدا، اراده خدا و خیرخواهی خدا را در کانون توجه خود قرار می‌دهد.

۳,۲. فلسفه مضاف

در مقابل فلسفه مطلق، فلسفه مضاف قرار دارد، که توضیح آن، چنین است: فلسفه مضاف بر دو گونه است؛ فلسفه مضاف به علم و فلسفه مضاف به غیر علم. توضیح، آنکه گاه واژه فلسفه به علم خاصی مانند علم سیاست اضافه می‌شود و ترکیب «فلسفه علم سیاست» را تشکیل می‌دهد، و در مواردی فلسفه به یکی از امور مانند سیاست اضافه می‌شود؛ مانند «فلسفه سیاست». مقصود از فلسفه مضاف به علم بررسی و تحلیل ابعاد اساسی و مختلف آن علم است. برای نمونه در فلسفه علم سیاست، موضوع علم سیاست، روش علم سیاست، اهداف علم سیاست و... بررسی می‌شود. در مقابل، در فلسفه مضاف به امور، ابعاد مختلف آن امر واکاوی می‌شود. برای مثال در فلسفه سیاست، چیستی موضوعاتی مانند قدرت، اقتدار و آرای مردم تجزیه و تحلیل می‌شود. در ادامه نخست به فلسفه‌های مضاف به علم خواهیم پرداخت، سپس فلسفه‌های مضاف به امور را واکاوی خواهیم کرد.

نخست. از جمله فلسفه‌های مضاف به علم می‌توان به فلسفه علم تجربی، فلسفه علم اخلاق، فلسفه علم اقتصاد، فلسفه علم سیاست، فلسفه علم حقوق، فلسفه علم ریاضیات، فلسفه علم فیزیک، فلسفه علم روان‌شناسی، فلسفه علم شیمی، فلسفه علم پزشکی، فلسفه علم تعلیم و تربیت، فلسفه علم جامعه‌شناسی، فلسفه علم منطق، فلسفه علم کلام، فلسفه علم تفسیر، فلسفه علم اصول، فلسفه علم فقه، فلسفه علم عرفان، فلسفه روش‌شناسی، فلسفه علم تاریخ و فلسفه علوم‌شناختی اشاره کرد.

دوم. از میان فلسفه‌های مضاف به غیر علم می‌توان به فلسفه سیاست، فلسفه فرهنگ، فلسفه هنر، فلسفه سینما، فلسفه موسیقی، فلسفه معماری، فلسفه تاریخ، فلسفه دین، فلسفه زبان، فلسفه ذهن، فلسفه قدرت، فلسفه کنش، فلسفه فضای مجازی، فلسفه عرفان، فلسفه فن‌آوری، فلسفه روش، فلسفه فهم، فلسفه اخلاق، فلسفه پول و فلسفه رسانه اشاره کرد.

برای آشنایی بیشتر با هریک از شاخه‌های فلسفه مضاف در ادامه به توضیح هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم. نخست شاخه‌های مختلف فلسفه مضاف به علم را مورد توجه قرار می‌دهیم.



۱,۲,۳. شاخه‌های فلسفه مضاف به علم

در اینجا شاخه‌های فلسفه مضاف به علم را توضیح می‌دهیم. پیش از توضیح این شاخه‌ها یادآوری این نکته لازم است که ذکر این موارد بدان معنا نیست که پژوهش‌های انجام گرفته درباره آن‌ها در یک سطح است. درحالی‌که در برخی از این شاخه‌ها ده‌ها منبع منتشر شده است، در برخی دیگر منابع اندکی دیده می‌شود.

فلسفه علم تجربی؛^۱ یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف به علم، فلسفه علوم تجربی است که بیشتر به «فلسفه علم» شناخته می‌شود. فلسفه علم به مسائلی مانند چیستی علم تجربی، چیستی مشاهده و شرایط تحقق آن، چیستی پیش‌بینی و شرایط تحقق آن، چیستی فرضیه علمی و تفاوت آن با نظریه، شروط نظریه علمی معتبر، عوامل اصلاح یا ابطال نظریه علمی و ساختار حاکم بر نقد و اصلاح نظریه‌های علمی می‌پردازد. این شاخه فلسفه مضاف به علم، از جمله شاخه‌هایی است که کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره مسائل آن منتشر شده است.

نخست. فلسفه علم اخلاق؛^۲ فلسفه علم اخلاق عبارت است از شاخه‌ای از دانش فلسفه که با تمرکز بر علم اخلاق، مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم اخلاق از منظر عقلی بررسی می‌کند. همچنین تاریخ علم اخلاق، و روش علم اخلاق نیز در قلمرو مسائل فلسفه علم اخلاق قرار دارد.^۳

دوم. فلسفه علم اقتصاد؛^۴ فلسفه علم اقتصاد، شاخه‌ای از فلسفه است که با استفاده از روش عقلی، مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم اقتصاد را بررسی می‌کند. همچنین واکاوی روش‌های به‌کاررفته در علم اقتصاد و ارزیابی اعتبار آن‌ها، جزو مسائل فلسفه علم اقتصاد است.

سوم. فلسفه علم سیاست؛^۵ فلسفه علم سیاست، دانشی درجه دوم است که به دنبال تبیین فلسفه دانش سیاسی است.^۶

1. Philosophy of natural science.

2. Philosophy of ethics.

۳. ر.ک: مجتبی مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۲۶.

4. Philosophy of economics.

5. Philosophy of political science.

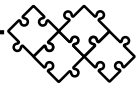
۶. محسن رضوانی، فلسفه سیاسی اسلامی در غرب، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۵.

چهارم. فلسفه علم حقوق؛^۱ دیگر از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در این شاخه علمی، چیهستی علم حقوق و ارزش گزاره‌های حقوقی بررسی می‌شود. همچنین روش علم حقوق و شیوه‌های فهم، برداشت و تفسیر قواعد حقوقی از جمله مسائل مطرح در فلسفه علم حقوق است.

پنجم. فلسفه علم ریاضیات؛^۲ در این شاخه فلسفی رابطه میان علم ریاضی و علم منطق بررسی، و تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که آیا علم ریاضی بر پایه منطق استوار است یا علم منطق براساس علم ریاضی؟ یا آنکه اساساً فرض دیگری در مسئله وجود دارد؟ همچنین در فلسفه ریاضیات، مبانی نظری علم ریاضیات مانند نظریه ناتمامیت بررسی می‌شود. ششم. فلسفه علم فیزیک؛^۳ در فلسفه علم فیزیک، اصول موضوعه و مبادی علم فیزیک و معیار ارزیابی نظریه‌های فیزیکی بررسی می‌شود.

هفتم. فلسفه علم شیمی؛^۴ فلسفه علم شیمی، شاخه‌ای از دانش فلسفه است که با استفاده از روش عقلی، مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم شیمی را واکاوی می‌کند. همچنین در فلسفه علم شیمی، روش‌های اختصاصی بررسی مسائل علم شیمی نیز کاوش قرار می‌شود. هشتم. فلسفه علم روان‌شناسی؛^۵ فلسفه علم روان‌شناسی، شاخه‌ای از دانش فلسفه است که در آن، مبادی تصویری و تصدیقی علم روان‌شناسی بررسی می‌شود. همچنین تحقیق و پژوهش درباره روش‌های به‌کاررفته در علم روان‌شناسی نیز به عهده این دانش است. نهم. فلسفه علم پزشکی؛^۶ فلسفه علم پزشکی، شاخه‌ای از فلسفه است که مبادی تصویری و تصدیقی دانش پزشکی را بررسی، روش‌های تحقیقی به‌کاررفته در این دانش را واکاوی کند. دهم. فلسفه علم تعلیم و تربیت؛^۷ فلسفه علم تعلیم و تربیت، شاخه‌ای از فلسفه است که با به‌کارگیری روش عقلی، مبادی تصویری و تصدیقی دانش تعلیم و تربیت را تحلیل و بررسی می‌کند. همچنین از جمله مسائل فلسفه تعلیم و تربیت، بررسی روش‌های تحقیق در علم تعلیم و تربیت است.

-
1. Philosophy of law.
 2. Philosophy of mathematics.
 3. Philosophy of physics.
 4. Philosophy of chemistry.
 5. Philosophy of psychology.
 6. Philosophy of physician.
 7. Philosophy of education.



یازدهم. فلسفه علم جامعه‌شناسی؛^۱ فلسفه علم جامعه‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که مبادی تصویری و تصدیقی علم جامعه‌شناسی واکاوی و تجزیه و تحلیل می‌کند و نیز روش به‌کاررفته در این علم را نیز تجزیه و تحلیل می‌کند.

دوازدهم. فلسفه علم منطق؛^۲ فلسفه علم منطق، شاخه‌ای از فلسفه است که مبادی تصویری و تصدیقی علم منطق را بررسی، و روش آن را ارزیابی می‌کند.

سیزدهم. فلسفه علم کلام؛^۳ فلسفه علم کلام، شاخه‌ای از فلسفه است که مبادی تصویری و تصدیقی علم کلام را بررسی می‌کند و افزون بر این، روش علم کلام را نیز بررسی می‌کند.

چهاردهم. فلسفه علم تفسیر؛^۴ فلسفه علم تفسیر، شاخه‌ای از فلسفه است که بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم تفسیر را محور مباحث خود قرار می‌دهد، همچنین روش علم تفسیر را ارزیابی می‌کند.

پانزدهم. فلسفه علم اصول؛^۵ فلسفه علم اصول، شاخه‌ای از فلسفه است که مسائل عمده آن بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم اصول است و افزون بر این، ارزیابی روش علم اصول را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

شانزدهم. فلسفه علم فقه؛^۶ فلسفه علم فقه، شاخه‌ای از فلسفه است که به‌دنبال واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی و نیز ارزیابی روش علم فقه است.

هفدهم. فلسفه علم عرفان؛^۷ فلسفه علم عرفان، شاخه‌ای از فلسفه است که مبادی تصویری و تصدیقی را بررسی، و روش این علم را ارزیابی می‌کند.

هجدهم. فلسفه علم روش‌شناسی؛^۸ فلسفه علم روش‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که در پی تحقیق و بررسی مبادی تصویری و تصدیقی، و نیز ارزیابی روش علم روش‌شناسی است.

نوزدهم. فلسفه علم تاریخ؛^۹ فلسفه علم تاریخ، شاخه‌ای از فلسفه است که هدف آن بررسی مبادی تصویری و تصدیقی، و نیز روش علم تاریخ است.

-
1. Philosophy of sociology.
 2. Philosophy of logic.
 3. Philosophy of theology.
 4. Philosophy of interpretation.
 5. Philosophy of principles of Islamic jurisprudence.
 6. Philosophy of Islamic jurisprudence.
 7. Philosophy of mysticism.
 8. Philosophy of methodology.
 9. Philosophy of history.

بیستم. فلسفه علوم شناختی؛^۱ فلسفه علوم شناختی، شاخه‌ای از دانش فلسفه است که به دنبال بررسی و تحقیق درباره مبادی تصویری و تصدیقی علوم شناختی است و روش‌های به کاررفته در این دسته از علوم را ارزیابی می‌کند.

۳،۲،۲. شاخه‌های فلسفه مضاف به غیر علم

پس از آشنایی با شاخه‌های مختلف فلسفه مضاف به علم، فلسفه‌های مضاف به غیر علم را مختصراً توضیح می‌دهیم.

نخست. فلسفه فرهنگ؛^۲ فلسفه فرهنگ، از شاخه‌های فلسفه است که براساس این نگرش سامان یافته است که مهم‌ترین ویژگی انسان «داشتن فرهنگ» است. این شاخه فلسفی عناصر فرهنگ را بررسی و تحلیل می‌کند.

دوم. فلسفه تاریخ؛^۳ فلسفه تاریخ از شاخه‌های فلسفه است که اصول و مبانی تاریخ مانند جهت حرکت تاریخ و تکاملی یا تضعفی بودن آن را واکاوی می‌کند.

سوم. فلسفه هنر؛^۴ یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در این شاخه فلسفی با نگرشی عقلی، چیستی، تعریف و ابعاد نظری هنر بررسی می‌شود.

چهارم. فلسفه سینما؛^۵

پنجم. فلسفه موسیقی؛^۶

ششم. فلسفه معماری؛^۷

هفتم. فلسفه هوش مصنوعی؛^۸

هشتم. فلسفه دین؛^۹ براساس تلقی رایج، فلسفه دین عبارت است از کاربری روش‌های

انتقادی فلسفه برای تبیین مقبولات و مفاهیم سنن گوناگون دینی.^{۱۰} بنابراین فلسفه دین

1. Philosophy of cognitive science.

2. Philosophy of Culture.

3. Philosophy of history.

4. Philosophy of art.

5. Philosophy of cinema.

6. Philosophy of music.

7. Philosophy of architecture.

8. Philosophy of artificial intelligence.

9. Philosophy of religion.

۱۰. ایان باربور، علم و دین، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹ ه. ش، چاپ سوم، ص ۱۲.



درحقیقت آوردگاه قواعد عقلی و فلسفی برای کاوش نظری و انتقادی در باب موضوعات دینی است.

نهم. فلسفه زبان؛^۱

دهم. فلسفه ذهن؛^۲

یازدهم. فلسفه قدرت؛^۳

دوازدهم. فلسفه کنش؛^۴

سیزدهم. فلسفه فضای مجازی؛^۵

چهاردهم. فلسفه عرفان؛^۶

پانزدهم. فلسفه فن‌آوری؛^۷

شانزدهم. فلسفه علم اصول؛^۸

هفدهم. فلسفه روش؛^۹

هجدهم. فلسفه اخلاق؛^{۱۰} در فلسفه اخلاق مباحثی مانند چیستی خیر، کمال، خوبی، بدی و نیز شروط امکان زیست اخلاقی مانند اختیار انسان واکاوی می‌شود.

نوزدهم. فلسفه فهم؛^{۱۱} یکی از ویژگی‌های انسان توانایی «فهم» است. این ویژگی از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی آن را ویژگی متمایز انسان از سایر موجودات دانسته‌اند. در فلسفه فهم، چیستی فهم، عوامل مؤثر بر آن بررسی می‌شود و همچنین از چیستی و شیوه‌های تفاهم بحث می‌شود.

بیستم. فلسفه پول؛^{۱۲} پول ابزاری است برای تسهیل مبادلات. به‌رغم این تعریف ساده، امروزه پول اهمیت بسیاری زیادی در اقتصاد دارد و برخی از ویژگی‌های آن، مانند ارزش آن

1. Philosophy of language.
2. Philosophy of mind.
3. Philosophy of power.
4. Philosophy of action.
5. Philosophy of cyberspace.
6. Philosophy of mysticism.
7. Philosophy of technologie.
8. Philosophy of principles of Islamic jurisprudence.
9. Philosophy of method.
10. Philosophy of morality.
11. Philosophy of understanding.
12. Philosophy of money.

نیز از نظر امنیتی اهمیت بسزایی دارد. در فلسفه پول، فلسفه وجودی پول، غایت شکل‌گیری آن و نیز نقش آن در تعیین مقیاسی برای ارزش اقتصادی بررسی می‌شود.

بیست و یکم. فلسفه رسانه؛^۱ رسانه عبارت است از مجموعه‌ای از ابزار و وسایل که برای انتقال پیام استفاده می‌شود. رسانه گونه‌های مختلفی دارد؛ رسانه‌های صوتی، رسانه‌های تصویری، رسانه‌های صوتی - تصویری. فلسفه رسانه چیستی پیام، چیستی فهم و تفاهم و نیز مبانی تفاهم را بررسی می‌کند.

بیست و دوم. فلسفه تمدن؛^۲ فلسفه تمدن، شاخه‌ای از فلسفه است که عناصر شکل‌گیری تمدن همچون علم، نظم اجتماعی و امنیت اجتماعی را بررسی می‌کند. بنابراین فلسفه تمدن، نگرشی درجه دوم به تمدن است. می‌توان در تعریف تمدن گفت: تمدن عبارت است از شیوه زندگی اجتماعی که ضمن ایجاد نظم اجتماعی، بستر لازم برای خلاقیت و پیشرفت جامعه را در مسیر تحصیل علم و تسهیل زندگی فراهم می‌سازد.^۳

بیست و سوم. فلسفه میان‌فرهنگی؛^۴ فلسفه میان‌فرهنگی از جمله شاخه‌های جدید فلسفه است که به ابعاد فلسفی مباحثی همچون گفت‌وگو، مفاهیم و هم‌زیستی میان فرهنگ‌های مختلف می‌پردازد.

1. Philosophy of mass media.

2. Philosophy of civilization.

۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲ ه. ش، چاپ چهارم، ج ۱، ص ۳.

4. Intercultural Philosophy.

فصل

سوم

نیازها و اولویتهای پژوهشی دانش فلسفه

پس از گزارش محتوای آثار فلسفی، نوبت به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌رسد. در ادامه، براساس مرور ادبیات موجود، برخی از مسائل نوپدید در هر شاخه از شاخه‌های فلسفی ارائه می‌شود.

۱. مسائل فلسفه

همان‌گونه که در فصل اول بیان شد، برای دسته‌بندی مسائل، مناسب است که دانش فلسفه را ذیل دو عنوان کلی «فلسفه مطلق» و «فلسفه مضاف» طبقه‌بندی کنیم.

۱,۱. فلسفه مطلق

در ادامه، مسائل جدیدی را که درباره فلسفه مطلق قابل طرح است، ذیل چهار عنوان هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، و خداشناسی مطرح خواهیم ساخت.

۱,۱,۱. هستی‌شناسی

مهم‌ترین قلمرو مباحث فلسفه، هستی‌شناسی است. هستی‌شناسی، احکام کلی وجود را بررسی می‌کند. برخی از مسائل جدید این حوزه از این قرار است:

۱. امکان‌سنجی بازنگری ساختار فلسفه اسلامی براساس تقسیمات جدید وجود (وجود اعتباری و...)

سؤال: طرح مباحث جدید فلسفه اسلامی، چه تجدیدنظرهایی را در ساختار مسائل فلسفه اسلامی اقتضا می‌کند؟

تبیین مسئله: امروزه مباحث جدید فلسفی، مانند بحث اعتباریات و مباحث علم‌النفس مطرح شده است، که به نظر می‌رسد پاسخ به این دست مسائل، لزوم بازنگری در ساختار



مباحث دانش فلسفه اسلامی را اقتضا می‌کند؛ برای مثال، گسترش مباحث مربوط به اعتباریات، لزوم افزودن تقسیم جدیدی را به تقسیمات وجود ضروری ساخته است. از این رو وجود، در یک تقسیم اصلی، به وجود اعتباری و وجود غیراعتباری قابل تقسیم است، اما افزودن این تقسیم اولیه وجود به سایر تقسیمات، مستلزم آن است که نقش اصول فلسفی مانند اصالت وجود و تشکیک وجود در وجودهای اعتباری واکاوی گردد. پرسش اصلی این است که این بازنگری، دقیقاً چه الزاماتی در تغییر ساختار فلسفه اسلامی به دنبال دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، ساختار فلسفه، وجود اعتباری، وجود حقیقی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۵.

۲. امکان‌سنجی بازنگری ساختار فلسفه اسلامی براساس اصالت وجود

سؤال: طرح اصالت واقعیت از سوی علامه طباطبائی، چه تجدیدنظرهایی را در ساختار مسائل فلسفه اسلامی اقتضا می‌کند؟

تبیین مسئله: علامه طباطبائی از فیلسوفان برجسته معاصر است که بسیاری از مباحث فلسفه اسلامی را از مباحث ذهنی و انتزاعی به مباحث کاربردی نزدیک کرده است. او در یکی از تلاش‌های خود برای کاربردی‌سازی فلسفه اسلامی، اصلی با عنوان «اصل واقعیت» را مطرح ساخته است و معتقد است «مسائل اساسی فلسفه - که آنها را مسائل وجود می‌خوانیم و به تبع سایر مسائل مهم فلسفی - به ترتیب از همین اصل استنباط شده است».^۱ اما مسئله اصلی این است که نه علامه طباطبائی و نه هیچ‌یک از شاگردان ایشان به نحوه استخراج سایر اصول فلسفی از اصل واقعیت نپرداخته‌اند. روشن است که اگر سایر اصول فلسفی از این اصل استخراج گردد، لازم است به جای آنکه ساختار اصلی مباحث فلسفه اسلامی بر «اصالت وجود» مبتنی گردد، بر اصل واقعیت مبتنی شود. حال پرسش اصلی این است که مبنا قرار دادن اصل واقعیت چه الزاماتی را در تغییر ساختار فلسفه اسلامی به دنبال دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، اصل واقعیت، ساختار فلسفه، علامه طباطبائی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۳.

۱. طباطبائی، اصول فلسفه، ج ۵، ص ۲۰.



۳. بررسی نقش قاعده تصادق مفاهیم مختلف بر موضوع واحد در حل مسائل فلسفه اسلامی

سؤال: نقش قاعده تصادق مفاهیم مختلف بر مصداق واحد در حل مسائل فلسفه اسلامی چیست؟ تبیین مسئله: یکی از قواعد فلسفه اسلامی اذعان به صدق مفاهیم مختلف بر مصداق واحد، و البته از جهان متفاوت است. این قاعده که کمتر مورد توجه فیلسوفان اسلامی قرار گرفته است و مباحث مستقلى درباره آن شکل نگرفته است، در موارد متعددی به مثابه یک قاعده کاربردی به حل مسائل فلسفی انجامیده است. برای نمونه، یکی از موارد کاربست این قاعده، دفاع از اسناد صفات مختلف به وجود حضرت حق است که دشواری حل آن باعث طرح دیدگاه اشاعره در زمینه قدمای ثمانیه شده است. از دیگر کاربردهای این قاعده می‌توان به نسبت دادن قوای مختلف به نفس انسانی اشاره کرد که براساس علم‌النفس صدرایی، و بر پایه «النفس فی وحدتها کلّ القوا» می‌توان مفاهیم مختلفی را در قالب قوای متفاوت به نفسی که یک حقیقت واحد بسیط بیش نیست، نسبت داد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که براساس استيعاب کامل، قاعده تصادق مفاهیم مختلف بر موضوع واحد، در حل کدام یک از مسائل فلسفه اسلامی نقش دارد؟

کلیدواژه: فلسفه، قواعد فلسفی، تصادق، مصداق، مفهوم.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳/۶.

۴. بررسی تطبیقی چیستی و ویژگی‌های «زمان» در فلسفه هایدگر^۱ و ملاصدرا

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه مارتین هایدگر و دیدگاه ملاصدرا درباره چیستی و حقیقت زمان می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از روش‌های گسترش و تعمیق فلسفه اسلامی، استفاده از روش تطبیقی است. این روش به درک قوت‌ها و ضعف‌های مسائل فلسفی کمک می‌کند. از سوی دیگر، هرگاه دو طرف تطبیق و مقایسه از فیلسوفان مهم باشند، ارزش علمی تطبیق افزون خواهد شد. حال اگر به این نکته، اهمیت یک بحث فلسفی را نیز بیفزایید، اهمیت کاربست روش تطبیقی چند برابر خواهد شد. مرور مباحث فلسفه غرب نشان می‌دهد که بسیاری از مکاتب و دیدگاه‌های جدید در فلسفه غرب متأثر از مسئله «زمان» است. برای

1. Martin Heidegger.

نمونه، نگرش تاریخی به انسان، فهم، جامعه، و حتی وجود، گواه روشنی بر نقش مهم زمان در مباحث فلسفه غرب است. در فلسفه هایدگر، اهمیت زمان به اوج خود می‌رسد، به گونه‌ای که در نگاه این فیلسوف غربی، زمان، روی دیگر وجود است. به تعبیر رایج در فلسفه اسلامی، زمان «مساوق» با وجود است. حال با مراجعه به مباحث فلسفه اسلامی نیز در می‌یابیم که مسئله زمان در حکمت متعالیه نیز نقشی اساسی برعهده دارد. حرکت جوهری صدرایی نمونه بارز ارتباط مسائل فلسفی با مسئله زمان است. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که در یک پژوهش تطبیقی، چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی میان دیدگاه مارتین هایدگر که فیلسوفی غربی و مدافع اصالت وجود انسانی است و نگرش ملاصدرا که پایه‌گذار نظام حکمت صدرایی است درباره زمان دیده می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، زمان، حرکت، هایدگر، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۵. بررسی تطبیقی چیستی و ویژگی‌های «عقل نظری» در فلسفه کانت^۱ و ابن‌سینا

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت و دیدگاه ابن‌سینا درباره چیستی و ویژگی‌های عقل نظری می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: ازجمله مسائل محوری در مباحث فلسفی، مسئله «قوه عاقله» است. می‌توان از قوه عاقله به مثابه معیار تمایز نوع انسانی از سایر انواع حیوانی یاد کرد. این نگرش، از زمان ارسطو مطرح شده است و ازسوی بسیاری از فیلسوفان اسلامی، ازجمله ابن‌سینا پذیرفته شده است. اما در فلسفه غرب از زمان کانت به این سو، تردیدهایی در توانایی‌های عقل نظری مطرح شده است. کانت بر این باور بود که یکی از اشتباهات مهم در تاریخ فلسفه، اشتباه در درک چیستی و قلمروی اعتبار عقل نظری است. به باور او، عقل نظری توان حل بسیاری از مسائل فلسفی و عقلی را ندارد و ازاین‌رو، عمده مباحث فلسفی در قالب جدل‌های عقل نظری جلوه‌گر شده است. وی شواهدی نیز از تاریخ فلسفه بر مدعای خود ذکر کرده است. ازسوی دیگر، در آثار حکمای اسلامی ضمن تأکید بر اعتبار عقل، بر توان عقل در حل مسائل فلسفی تأکید شده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که چیستی و احکام جوهر، نزد کانت و نیز ابن‌سینا واجد چه وجوه اشتراک و اختلافی است؟

1. Immanuel Kant.



کلیدواژه: هستی‌شناسی، جوهر، عرض، کانت، ابن‌سینا.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۵.

۶. بررسی تطبیقی چیستی و ویژگی‌های «مکان» در فلسفه کانت و ملاصدرا

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت و دیدگاه ملاصدرا درباره چیستی و حقیقت مکان می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: از منظر فلسفه اسلامی، مکان به‌مثابه یکی از ویژگی‌های اشیای جسمانی در نظر گرفته می‌شود. در فلسفه اسلامی، برای مکان نقشی «عرض» لحاظ می‌شود و داشتن مکان، از نشانه‌های «ضعف وجودی» شمرده می‌شود. هنگامی که به فلسفه مغرب زمین، به‌ویژه فلسفه کانت مراجعه کنیم در خواهیم یافت که مکان نه تنها به‌مثابه یک عرض شمرده نمی‌شود، بلکه از نخستین مقولاتی شمرده می‌شود که ذهن انسان برای فراچنگ آوردن هرگونه ادراکی به آن وابسته است و از این‌رو مورد توجه قرار می‌گیرد. با این توضیح روشن می‌گردد که نگرش فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان جدید غربی به مقوله «مکان» تفاوتی اساسی دارد. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که در یک پژوهش تطبیقی، چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان مکان در نظر کانت که مهم‌ترین فیلسوف جدید غربی شمرده می‌شود و ملاصدرا که از برجسته‌ترین فیلسوفان متأخر اسلامی است، وجود دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، آین، مکان، عرض، کانت، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۷. بررسی تطبیقی چیستی و ویژگی‌های «مقولات» در فلسفه کانت و حکمت ملاصدرا

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت و دیدگاه ملاصدرا درباره چیستی و حقیقت مقولات می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: مسائل فلسفی، در دو سطح پیدا و پنهان دنبال می‌گردد. به عبارت دیگر، برخی از مسائل فلسفی در سطحی آشکار و به‌صراحت واکاوی و پژوهش می‌شوند، درحالی‌که برخی دیگر از مسائل، در لایه زیرین مباحث، مورد توجه قرار می‌گیرند. همچنین باید افزود که برخی از مباحث پنهان، اهمیتی مضاعف دارند، ولی باین‌حال، هیچ‌گاه عنوانی از عناوین مسائل فلسفی را به خود اختصاص نداده‌اند. برای مثال، درحالی‌که مسئله حرکت از مباحث

آشکار فلسفه است و حکما و فیلسوفان از دیرباز به این بحث پرداخته‌اند، مسئله «مقوله» در زمره آن دسته از مسائل فلسفی است که در لایه زیرین فلسفه قرار داشته و به مقدار اهمیت خود، ظهور و بروز نیافته است. اهمیت بحث مقوله تا آن اندازه است که می‌توان گفت ستون فقرات مباحث فلسفی را مقوله تشکیل می‌دهد و هیچ حکیم و فیلسوفی را نمی‌توان یافت جز آنکه به این بحث پرداخته است. پیگیری این بحث که لایه زیرین مباحث فلسفی را تشکیل می‌دهد کار ساده‌ای نیست و به دقت و تأمل دو چندان نیاز دارد. برای مثال، درحالی‌که کانت دو دسته از مقولات را بازشناسی کرده و آن‌ها را در قالب مقولات حاسه و مقولات فاهمه مطرح کرده است، ملاصدرا در بحث حرکت، با طرح این مسئله که حرکت در کدام مقولات جریان دارد، بحث حرکت را عمق و دقتی بیش‌ازپیش بخشیده است. حال با تمرکز بر بحث مهم مقوله می‌توان این پرسش را از منظر دو فیلسوف نامدار جهان، یعنی کانت و ملاصدرا مطرح ساخت که با تمرکز بر آرای این دو فیلسوف، چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان دیدگاه‌های کانت و ملاصدرا درباره مقوله می‌توان اصطیاد کرد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، مقولات، فاهمه، منطق، کانت، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۸. بررسی تطبیقی «امکان مابعدالطبیعه» از نظر علامه طباطبائی و کانت

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت و دیدگاه علامه طباطبائی درباره امکان مابعدالطبیعه می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: شاید پرسش از امکان «فلسفه» برای کسانی که مسائل فلسفی را بررسی می‌کنند، به‌معنای زیر سؤال بردن اصل مشروعیت دانش فلسفه باشد اما لازم است به این نکته توجه کرد که امروزه و به‌ویژه با گسترش مباحث فلسفه غرب، «پرسش از امکان فلسفه» یا همان مابعدالطبیعه به یکی از چالش‌های مهم فلسفه غرب تبدیل شده است. روشن است که مادام که پاسخی برای این چالش فراهم نگردد، طرح هرگونه قاعده و قانون عقلی ناموجه خواهد بود. این داستان فلسفه در مغرب زمین است. اما در دایره فلسفه اسلامی بسیاری از حکمای مسلمان ضمن مسلم گرفتن امکان مابعدالطبیعه، احکام و موضوعات فلسفی را بررسی کرده و توضیح داده‌اند. اما در این میان، علامه طباطبائی با طرح برخی مباحث



چالشی و مهم به گونه‌ای غیرمستقیم از امکان مابعدالطبیعه دفاع کرده است. برای نمونه می‌توان توجه ایشان به «اصل واقعیت»، «علم حضوری» و «اتحاد عاقل و معقول» را از تأملات ایشان در زمینه امکان فلسفه یا همان مابعدالطبیعه شمرد. اکنون باتوجه به اینکه یکی از سردمداران اصلی نفی امکان مابعدالطبیعه ایمانوئل کانت است، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که در یک پژوهش تطبیقی دیدگاه کانت و علامه طباطبائی درباره امکان مابعدالطبیعه چه وجوه اشتراک و اختلافی دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، مابعدالطبیعه، الهیات به معنای اعم، فلسفه، کانت، علامه طباطبائی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۹. بررسی لوازم اصالت وجود در تقسیم معقولات به اولی و ثانیه از منظر استاد فیاضی

سؤال: براساس یک پژوهش تحلیلی، اصالت وجود چه لوازمی در زمینه تقسیم معقولات به اولی و ثانیه به دنبال دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در حکمت متعالیه بحث «اصالت وجود» است. این بحث، همچون ستون فقرات فلسفه صدرایی در همه مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و... مؤثر است. ازجمله تأثیرات این بحث را می‌توان در تفسیر «معقولات اولی» و «معقولات ثانیه» دنبال کرد. بسته به اینکه واقعیت عینی را مصداق کدام‌یک از دو مفهوم وجود یا ماهیت بدانیم، معقول اول یا معقول ثانی بودن آن تعیین خواهد شد. امروزه و با گسترش مباحث فلسفی تفسیرهای مختلفی از اصالت وجود مطرح شده است که اختلافات دقیق و جدی میان این تفاسیر وجود دارد. یکی از تفسیرهای اصالت وجود، تفسیری است که استاد فیاضی مطرح کرده‌اند که براساس آن «وجود اصیل است و ماهیت نیز به عین وجود، موجود است». این تفسیر که دیدگاهی ابتکاری است و شواهدی نیز از سخنان ملاصدرا دارد، تأثیر مهمی در تفسیر و تبیین معقولات اولی و معقولات ثانیه دارد. ازاین‌رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با تأکید بر تفسیر استاد فیاضی، اصالت وجود چه دلالت‌ها و لوازمی در تفسیر معقولات اولی و معقولات ثانیه دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، معقولات اولی، معقولات ثانیه، استاد فیاضی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۱۰. بررسی تشکیک در مراتب هستی بر اساس اصالت وجود و یا ماهیت

سؤال: تفاسیر مختلف اصالت وجود، چه تفاوتی از نظر تبیین مراتب تشکیکی وجود دارند؟

تبیین مسئله: حکمت متعالیه بر برخی اصول و مبانی استوار گشته است که کلیدی‌ترین اصل، همان اصالت وجود است. شارحان و مفسران ملاصدرا با تمرکز بر آثار ملاصدرا این اصل را شرح داده و تفسیر کرده‌اند و باتوجه به اختلاف سخنان ملاصدرا در این زمینه، تفسیرهای مختلفی از اصالت وجود به میان آمده است. از جمله این تفاسیر، می‌توان به تفسیر استاد فیاضی، تفسیر استاد عبودیت، و تفسیر استاد یزدان‌پناه اشاره کرد. مباحث مربوط به اصالت وجود، به طرح این تفاسیر مختلف محدود نشده است و هر کدام از این تفاسیر دلالت‌ها و لوازمی را در مباحث دیگر فلسفی به دنبال داشته است و سیر دلالت‌ها و لوازم آن به گونه‌ای است که هر کدام از تفاسیر، نظام فلسفی خاصی را سامان داده است. باتوجه به اینکه پس از اصالت وجود، مسئله تشکیک وجود، از اهمیت ویژه‌ای در فلسفه صدرایی برخوردار است، تفاسیر مختلف اصالت وجود، چه تفاوتی از نظر نحوه تبیین مراتب تشکیکی وجود به دنبال دارند؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، اصالت وجود، وجود، ماهیت، تشکیک وجود.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۱۱. بررسی نظریه آیت‌الله عابدی شاهرودی درباره استقلال زمان از حرکت، بر اساس دیدگاه با تأکید

بر دیدگاه مشهور

سؤال: براساس نگرش مشهور حکما، چه اشکال‌هایی بر دیدگاه استقلال زمان از حرکت وارد است؟ تبیین مسئله: مبحث زمان یکی از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی بوده است و از گذشته دور به بحث و بررسی درباره آن پرداخته‌اند. در فلسفه اسلامی نیز این بحث مورد توجه بوده است و براساس دیدگاهی رایج در فلسفه اسلامی، زمان مفهومی عقلی است که از حرکت انتزاع می‌شود. به‌رغم پذیرش عمومی این دیدگاه، مباحث جزئی و دقیقی درباره نحوه انتزاع زمان از حرکت مطرح شده است. اهمیت این مسئله باعث شده است شهید مطهری یکی از آثار خود را به بررسی رابطه حرکت و زمان اختصاص دهد. فضای باز مباحث فلسفی در جهان اسلام، زمینه را برای بروز دیدگاه‌های جدید فراهم ساخته است. یکی از دیدگاه‌های جدید، دیدگاه آیت‌الله علی عابدی شاهرودی است که طبق آن، زمان حقیقتی مستقل از حرکت شمرده می‌شود. این دیدگاه نوآورانه، چالش‌های جدی برای نظریه رایج در فلسفه



اسلامی مبنی بر انتزاع زمان از حرکت به دنبال داشته است. باتوجه به تفاوتی که میان دیدگاه رایج در میان حکما و دیدگاه مذکور وجود دارد، از منظر عموم حکمای اسلامی، چه اشکال‌هایی بر دیدگاه استقلال زمان از حرکت وارد است؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، زمان، متی، حرکت، استاد عابدی شاهرودی، فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، و حکمت متعالیه.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۵.

۱۲. بررسی تطبیقی زمان آفاقی و زمان انفسی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان زمان آفاقی و زمان انفسی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم فلسفی، بحث «زمان» است. امروزه و با گسترش تأملات در این باره، مسائل جدیدی درباره زمان مطرح شده است. یکی از این مباحث مطالعاتی، درباره تقسیم زمان، به آفاقی و انفسی شکل گرفته است. برخی از نویسندگان به جای تعبیر زمان آفاقی، تعبیر زمان مُلکی را به کار می‌برند و درمقابل زمان انفسی، از تعبیر زمان ملکوتی استفاده می‌کنند. مقصود از زمان آفاقی، زمانی است که براساس معیاری خارج از وجود انسانی تبیین می‌گردد؛ درمقابل، مراد از زمان انفسی، حقیقت زمان است آن‌گونه که براساس معیاری در درون انسان لحاظ می‌گردد. بنابراین به‌رغم آنکه در هر دو، مقیاسی برای حرکت در نظر گرفته می‌شوند، در یکی، حرکت‌های خارجی مبنا قرار گرفته و در دیگری، حرکت جوهری نفس. باتوجه به ابهام‌هایی که در این باره وجود دارد، مناسب است با تمرکز بر این تقسیم و مقایسه دو قسم زمان، وجوه اشتراک و اختلاف آن اصطیاد گردد؛ از این رو، پرسش که با تمرکز بر آرا ملاصدرا و با بررسی مقایسه‌ای زمان آفاقی و انفسی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان آن‌ها می‌توان اصطیاد کرد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، زمان، زمان آفاقی، زمان انفسی، متی، حرکت، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱۳. بررسی انتقادی حقیقت زمان از دیدگاه ابوالبرکات بغدادی با تأکید بر دیدگاه‌های شهید مطهری

سؤال: براساس دیدگاه‌های شهید مطهری، چه نقدهایی بر تفسیر ابوالبرکات بغدادی از زمان وارد است؟ **تبیین مسئله:** یکی از مسائل حکمت، مسئله «زمان» است. مباحث بسیاری درباره زمان

مطرح شده است؛ از جمله نحوه انتزاع مفهوم زمان، رابطه زمان و حرکت و گونه‌های زمان. یکی از مباحث مهم در این باره قلمرو زمان است. در این میان، عموم فلاسفه معتقدند که زمان مفهومی فلسفی است که از حرکت انتزاع می‌گردد. به باور آنان، زمان معقول ثانی است و مابه‌ازایی مستقل از مابه‌ازای حرکت ندارد. اما ابوالبرکات بغدادی در نگرشی متفاوت، پیوند میان زمان و حرکت را انکار می‌کند و بر این باور است که زمان، حقیقتی مستقل از حقیقت حرکت دارد. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر شهید مطهری چه انتقادهایی بر نگرش ابوالبرکات بغدادی مبنی بر استقلال زمان از حرکت وارد است؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، زمان، حرکت، متی، انتزاع، شهید مطهری، ابوالبرکات بغدادی، حکمت متعالیه.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴.

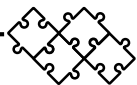
۱۴. بررسی نظریه اشتدادی بودن زمان به تبع اشتدادی بودن وجود از منظر ملاصدرا

سؤال: براساس نگرش ملاصدرا تبیین اشتدادی بودن زمان به تبع اشتدادی بودن وجود چگونه است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث جدی فلسفی، بحث زمان است. درباره چیستی و تحلیل زمان مسائل بسیاری مطرح است؛ از جمله این مسائل رابطه زمان و حرکت، رابطه زمان و وجود و رابطه زمان و تغییر است. یکی از دیدگاه‌های مطرح‌شده درباره زمان، تبعی شمردن آن نسبت به وجود است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا زمان هم به تبع وجود، دارای اشتداد است؟ برخی از فیلسوفان به این پرسش پاسخ مثبت داده‌اند. اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود. تبعی شمردن زمان در برابر وجود، پیامدهایی نیز به دنبال دارد. برای نمونه، وجود امری مشکک است و اگر امری نسبت به وجود، تبعی باشد، بسیاری از احکام وجود شامل آن می‌گردد؛ برای مثال وجود امری مشکک است؛ از این رو، اگر زمان هم به تبع وجود موجود گردد، زمان هم مشکک خواهد شد. در این صورت، براساس مبانی فلسفی ملاصدرا چه انتقادهایی بر تشکیکی شمردن زمان وارد است؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، زمان، متی، اصل تشکیک، ملاصدرا.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۴.



۱۵. بررسی نظریه مبنا بودن شهود حسی برای فلسفه براساس فلسفه اسلامی

سؤال: براساس فلسفه اسلامی چه اشکال‌هایی بر دیدگاه مبنا بودن شهود حسی برای فلسفه وارد است؟ تبیین مسئله: نظریه رایج در حکمت اسلامی، آن است که عمده مفاهیم فلسفی، مفاهیمی عقلی است که فراتر از مفاهیم حسی است و این دست مفاهیم از راه حس قابل درک نیست. همچنین بنیان مباحث فلسفی براساس مفاهیم عقلی مانند وجود، ماهیت، جوهر و عرض استوار است. کانت فیلسوف غربی به این نگرش باور دارد که هرگونه دانشی بر پایه شهود حسی استوار است و حتی مباحث فلسفی نیز باید معطوف به مشهودات حسی باشد. او بسیاری از مفاهیم عقلی را «قالب‌های» ذهنی و مقولات فاهمه دانسته است که ربطی به واقعیت عینی ندارد. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که براساس فلسفه اسلامی چه انتقادهایی بر مبنا شمردن شهود حسی برای فلسفه وارد است؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، زمان، متی، حرکت، عابدی شاهرودی، حکمت متعالیه.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۷۵.

۱۶. بررسی چالش‌های تقسیم وجود به مجرد و مادی براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه، چه اشکال‌هایی به معیار تقسیم موجود به مجرد و مادی وارد است؟ تبیین مسئله: فلسفه دانشی است که به احکام کلی وجود می‌پردازد. فلسفه به تقسیمات کلی وجود می‌پردازد و از جمله تقسیمات وجود، تقسیم آن به مجرد و مادی است. تقسیم وجود به مجرد و مادی نقش مهمی در مباحث فلسفی بر عهده دارد؛ برای مثال، یکی از کارکردهای تقسیم وجود به مجرد و مادی، تبیین مراتب نظام هستی است. اما امروزه باتوجه به گسترش مباحث فلسفه ذهن، تردیدهایی درباره تقسیم وجود به مادی و مجرد مطرح شده است. برخی پنداشته‌اند براساس اصل تشکیک در وجود، نمی‌توان تمایز روشنی میان وجود مجرد و وجود مادی مطرح ساخت. مدافعان این نگرش، استدلال‌هایی در تأیید دیدگاه خود مطرح ساخته‌اند. اما به نظر می‌رسد بتوان براساس مبانی حکمت متعالیه به این چالش‌ها پاسخ گفت. از این‌رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که براساس مبانی حکمت اسلامی چه انتقادهایی به چالش‌های مطرح شده درباره تقسیم وجود به مجرد و مادی وارد است؟



کلیدواژه: هستی‌شناسی، وجود، مجرد، مادی، ابعاد سه‌گانه، عالم طبیعت.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۷۵.

۱۷. بررسی لوازم هستی‌شناختی نظریه تغایر تحلیلی جوهر و عرض براساس حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه، لوازم هستی‌شناختی نظریه تغایر تحلیلی جوهر و عرض چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از تقسیماتی که در مباحث فلسفی مورد توجه قرار می‌گیرد، تقسیم وجود به ماهوی و غیرماهوی است. در ادامه، وجود ماهوی را به جوهر و عرض تقسیم می‌کنند. اما اینکه تعریف جوهر و عرض چیست، محل بحث و بررسی فیلسوفان قرار گرفته است. برخی از فیلسوفان در مقام توضیح جوهر و عرض اذعان کرده‌اند که تغایر جوهر و عرض، صرفاً تغایری تحلیلی است و این دو فاقد تغایر عینی و حقیقی هستند. این دیدگاه، لوازم و پیامدهای خاصی در مباحث فلسفی به دنبال دارد؛ از این‌رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که براساس مبانی حکمت متعالیه چه لوازمی بر نظریه تغایر تحلیلی جوهر و عرض می‌توان مبتنی ساخت؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، جوهر، عرض، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۱۸. بررسی تحلیلی - انتقادی رابطه خداوند با موجودات براساس قاعده بسیط‌الحقیقه

سؤال: براساس قاعده بسیط‌الحقیقه چه تبیینی از رابطه میان خداوند و موجودات می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه به مباحث کلی وجود می‌پردازد. اینکه آیا وجود امری واحد و شخصی است یا کثیر، یا اینکه وجود مشکک است یا متواطی، از جمله مباحث فلسفی است. برای نمونه، قاعده بسیط‌الحقیقه یکی از قواعد فلسفی است که چالشی جدی برای کثرت وجود مطرح می‌سازد. بدون تردید هرچند این مباحث با سبک و سیاق عقلی مطرح می‌شود، دلالت‌ها و لوازمی در مباحث الهیاتی به دنبال دارد؛ از جمله مباحث الهیاتی نحوه رابطه خداوند با مخلوقات است. با توجه به مباحث عقلی مانند قاعده بسیط‌الحقیقه و براساس این قاعده، چه تبیینی از رابطه میان خداوند و موجودات می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، واجب الوجود، ممکن الوجود، عین الربط، متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.



۱۹. بررسی دلالت‌های تفاسیر اصالت وجود در نظام ثواب و عقاب

سؤال: تفاسیر مختلف اصالت وجود، چه لوازمی در نظام ثواب و عقاب به دنبال دارد؟

تبیین مسئله: اصالت وجود از جمله اصول اساسی نظام حکمت صدرایی است. ملاصدرا، حل نهایی بسیاری از مسائل فلسفی را به مسئله اصالت وجود پیوند زده است. اگرچه این مسئله در ابتدا توانست ارتباط وثیقی میان مباحث مختلف فلسفی به وجود آورد، رفته‌رفته و با ظهور تفسیرهای مختلف این اصل، زمینه برای اختلاف نظر درباره بسیاری از مباحث فلسفی فراهم گشت؛ برای نمونه، درحالی که براساس یکی از تفاسیر اصالت وجود، ماهیت چیزی جز سراب نیست، در تفسیر دیگری ماهیت به عین تحقق وجود، از تحقق برخوردار است. این تفاوت در تفسیر اصالت وجود، زمینه‌ساز اختلافات گسترده بسیاری در سایر مباحث فلسفی شد. از جمله مباحث فلسفی که با مباحث الهیاتی نیز پیوند دارد، بحث نظام ثواب و عقاب است. روشن است که ثواب و عقاب تا حدود زیادی ناظر به اعمالی است که انسان در این دنیا انجام می‌دهد؛ از این رو تفسیر و تبیین چیستی و هویت اعمال این دنیا نقشی کلیدی در تبیین چیستی و ابعاد ثواب و عقاب خواهد داشت. اگر در نظر آوریم که براساس نگرش اسلامی چه بسا اعمالی که در این دنیا در صورت اعمال سیئه انجام شده است، با رعایت شرایطی در آخرت در قالب اعمال حسنه در پرونده اعمال درج می‌گردد و به جای آنکه زمینه‌ای برای عقاب شمرده شود، عامل و زمینه‌ای برای ثواب می‌گردد، این پرسش مطرح می‌گردد که نقش و تأثیر آن اعمال سیئه در ثواب چگونه قابل تبیین است؟ هنگامی که در مقام تفسیر افعال انسانی بر می‌آییم، آشکار می‌گردد که تفاسیر مختلف اصالت وجود می‌تواند دلالت‌های زیادی در این باره داشته باشد. بنابراین پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که دلالت‌های تفاسیر اصالت وجود در نظام ثواب و عقاب چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، اصالت وجود، معاد، حکمت متعالیه، ثواب و عقاب.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۲۵.

۲۰. بررسی دلالت‌های تفاسیر اصالت وجود در نظام منطق ارسطویی

سؤال: تفاسیر مختلف اصالت وجود چه لوازمی در نظام منطق ارسطویی به دنبال دارد؟

تبیین مسئله: پس از آنکه صدر المتألهین با ارائه برخی از مبانی فلسفی، تحول عظیمی در فلسفه اسلامی به وجود آورد، گفت‌وگوها درباره اینکه این نظام فکری تا چه اندازه از

معیارهای یک نظام فلسفی برخوردار است، بالا گرفت. درحالی که برخی از مفسران حکمت صدرایی این نظام فکری را عاملی برای هماهنگی میان عقل، نقل و شهود می‌دانند، عده‌ای دیگر بر این باورند که نظام حکمت صدرایی از بسیاری از معیارهای منطقی فاصله گرفته است. یکی از چالش‌هایی که از سوی مخالفان حکمت صدرایی مطرح می‌گردد این است که برخی از اصول و مبانی نظام حکمت صدرایی در تعارض و ناسازگاری با نظام منطق ارسطویی است. به عبارت دیگر، سراب خواندن ماهیت در نظام حکمت صدرایی بر پایه اصالت وجود، باعث می‌گردد نظام جنس و فصل، که بنیان منطق ارسطویی را تشکیل می‌دهد، بی‌اعتبار گردد. اما درمقابل، برخی بر این باورند که می‌توان تفسیری از اصالت وجود مطرح ساخت که ضمن اصالت بخشیدن به وجود و اعتباری شمردن ماهیت، نظام منطق ارسطویی را نیز همچنان معتبر تلقی کند. از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چه انتقادهایی بر دلالت‌های تفاسیر اصالت وجود در نظام منطق ارسطویی وارد است؟

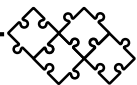
کلیدواژه: هستی‌شناسی، اصالت وجود، منطق ارسطویی، منطق صدرایی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۷۵.

۲۱. بررسی انتقادی هستی‌پدیداری از منظر اصالت وجود صدرایی

سؤال: براساس اصالت وجود صدرایی چه انتقادهایی بر هستی‌پدیداری وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از اصول و پایه‌های نظام حکمت صدرایی، اصالت وجود است. بر پایه این اصل، آنچه حقیقتاً و واقعاً واقعیت عینی را تشکیل می‌دهد، وجود است و ماهیت نیز گرچه هیچ‌و‌پوچ نیست، به تبع وجود در عالم واقع تحقق دارد. بنابراین هر حقیقتی از آن حیث واجد واقعیت است که به نحوی با وجود حقیقی در پیوند باشد. درمقابل این نگرش، برخی از فیلسوفان غربی با اظهار یأس از امکان دستیابی معرفتی به حقیقت وجود، از «وجود پدیداری» به‌منزله موضوع مباحث فلسفی یاد کرده‌اند. آنان بر این باورند که وجود از آن حیث که بر یک فاعل شناسا آشکار می‌گردد، قابل دسترسی معرفتی است و از این رو همه تلاش فیلسوف باید معطوف به بررسی احکام وجود پدیداری باشد. روشن است که عطف توجه از وجود حقیقی به وجود پدیداری دلالت‌ها و لوازم بسیاری در مباحث فلسفی مختلف به‌دنبال خواهد داشت. از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که براساس اصالت وجود صدرایی چه انتقادهایی بر وجود پدیداری وارد است؟



کلیدواژه: هستی‌شناسی، پدیدار، نمود، وجود پدیداری، حکمت متعالیه.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۲۵.

۲۲. بررسی دیدگاه کانت درباره جایگاه فلسفه در میان علوم از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به نگرش کانت به جایگاه فلسفه در میان علوم وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم فلسفی، بحث جایگاه و نقش فلسفه در میان علوم است. فیلسوفان یونان باستان بر جایگاه اساسی فلسفه در میان علوم به‌ویژه بر نقش فلسفه در اثبات وجود موضوع برای علوم تأکید داشته‌اند. رفته‌رفته و با زیر سؤال رفتن ارزش عقل نزد برخی از فیلسوفان مانند کانت، نگرش به جایگاه فلسفه در میان علوم نیز متزلزل گشت، تا آنجا که از نظر کانت، فلسفه، نقش فراهم ساختن مبانی فیزیک نیوتنی پیدا کرد. شاید به نظر رسد که این تلقی نادرست، نقشی جدی در مباحث فلسفی ندارد و از این‌رو نیازی به جدی گرفتن آن نیست، اما اگر دریابیم که تردید در جایگاه فلسفه در میان علوم، رفته‌رفته با اصالت یافتن روش تجربی علوم طبیعی و کنار گذاشتن روش عقلی، مباحث فلسفی بی‌اعتبار شمرده خواهد شد، طرح و نقد نگرش کانتی از اهمیت بسیار برخوردار خواهد شد. از این‌رو پرسشی که مطرح می‌شود این است که از منظر فلسفه اسلامی چه انتقادهایی بر نگرش کانت درباره جایگاه فلسفه در میان علوم وارد است؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، طبقه‌بندی علوم، جایگاه فلسفه، مابعدالطبیعه، فلسفه اسلامی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۲۳. بررسی لوازم نظریه «نفس‌الامر» در شناخت حدود و توانایی‌های عقل

سؤال: نظریه نفس‌الامر چه دلالت‌ها و لوازمی در شناخت حدود و توانایی‌های عقل به دنبال دارد؟
تبیین مسئله: یکی از نظریات ابتکاری در قلمرو فلسفه اسلامی، نظریه «نفس‌الامر» است. از دیرباز تفسیرهای مختلفی از این نظریه مطرح شده است که شمار آن‌ها به پانزده تفسیر می‌رسد. از عقل فعال تا علم الهی، جملگی تفسیرهایی است که در سنت فلسفه اسلامی از نفس‌الامر ارائه شده است. از میان تفسیرهای مختلف نفس‌الامر، براساس نگرش علامه طباطبائی، نفس‌الامر وعائی گسترده‌تر از عالم وجود است و افزون‌بر ماهیت، شامل اعدام مضاف نیز می‌گردد. دایره نفس‌الامر چنان گسترده است که شامل اشیا به خودی

خود، که نه لحاظ وجود در آن‌ها شده است و نه لحاظ عدم، نیز می‌گردد. باتوجه‌به اینکه قوه عقل یکی از معبرهای شناخت نفس‌الأمر است، تأمل در ابعاد نفس‌الأمر می‌تواند پرده از گستره و توانایی‌های عقل برگشاید؛ برای مثال، چنین نیست که شناخت عقلی منحصر به شناخت ماهوی باشد، همچنان که شناخت عقلی محدود در دایره امور زمانی نیز نخواهد بود. ازاین‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که نظریه نفس‌الأمر چه دلالت‌ها و لوازمی در شناخت حدود و توانایی‌های عقل به دنبال دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، نفس‌الأمر، مراتب هستی، تطابق عوالم، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۵.

۲۴. بررسی معیارهای اثباتی سنخیت میان علت و معلول براساس نظام حکمت صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه معیارهای اثباتی برای سنخیت میان علت و معلول می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از اصول فلسفی، اصل علیت است. این بحث افزون‌بر مفهوم‌شناسی، برخی احکام را شامل می‌گردد؛ ازجمله احکام علیت می‌توان به «سنخیت» اشاره کرد. در حکمت متعالیه و براساس اصالت وجود، مقصود از سنخیت، لزوم هم‌ترازی وجودی میان علت و معلول است. مرور آثار مرتبط با بحث علیت در حکمت متعالیه نشان می‌دهد که بحث مستقلاً درباره چیستی و ابعاد مختلف سنخیت مطرح نشده است. به‌هرحال برای پی بردن به اینکه یک معلول خاص با علت مطرح‌شده مسانخت دارد یا نه، به معیار و ملاکی نیاز دارد و مادام که چنین ملاکی در بین نباشد، نمی‌توان از سنخیت میان علت و معلول مورد نظر اطمینان حاصل کرد. ازاین‌رو جای این پرسش وجود دارد که براساس نظام حکمت صدرایی چه معیارهای اثباتی برای سنخیت میان علت و معلول می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، علت و معلول، علیت، سنخیت، حکمت صدرایی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۲۵.

۲۵. بررسی نحوه تحقق کلی طبیعی براساس تفاسیر مختلف اصالت وجود

سؤال: براساس تفاسیر مختلف اصالت وجود، چگونه می‌توان نحوه تحقق کلی طبیعی را تبیین کرد؟ تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفی، بحث تحقق «کلی» است. اگرچه این بحث در



درجه نخست به منطق مربوط می‌گردد، اما پرداختن به ابعاد هستی‌شناختی نحوه وجود کلی ازجمله مباحث فلسفی است. در این بحث، سخن در این است که کلی چگونه تحقق دارد؟ حکام برای پاسخ به این مسئله به تقسیم کلی پرداخته‌اند و ازجمله اقسامی که برای کلی بیان کرده‌اند «کلی طبیعی» است. مقصود از کلی طبیعی، ماهیاتی است که به وصف کلیت متصف می‌گردند. حال باتوجه به اینکه در حکمت متعالیه با طرح اصالت وجود، ماهیت امری اعتباری شمرده می‌شود، می‌توان این مسئله را بررسی کرد که کلی طبیعی، که به هر حال از سنخ ماهیت است، واجد چه نحوه‌ای از وجود است. باتوجه به ظهور تفسیرهای مختلف از اصالت وجود می‌توان سؤال را این‌گونه مطرح کرد که نحوه وجود کلی طبیعی براساس تفاسیر مختلف اصالت وجود چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، کلی، کلی طبیعی، اصالت وجود، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۲۶. بررسی هستی‌شناسی حکایت از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی، هستی حکایت را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

تبیین مسئله: در فلسفه، احکام کلی وجود بررسی می‌شود و در این میان، به اقسام کلی وجود نیز توجه می‌شود؛ برای مثال در مباحث فلسفی، تقسیم وجود به مادی و مجرد، تقسیم وجود به رابط و مستقل و تقسیم وجود به واحد و کثیر بررسی می‌شود. یکی از تقسیماتی که می‌تواند مورد اهتمام فیلسوفان قرار گیرد، ولی توجه چندانی، جز در برخی متون معاصر به آن نشده است، تقسیم وجود به وجود حاکمی و وجود غیرحاکمی است. این تقسیم می‌تواند لوازم و پیامدهای مهمی، در بسیاری از مباحث حکمی ازجمله مباحث معرفت‌شناسی، به دنبال داشته باشد. به هر حال، از نگاه فلسفی می‌توان هستی‌شناسی فرایند حکایت را بررسی، و احکام آن را واکاوی کرد. باتوجه به اینکه این بحث از منظر فلسفه اسلامی اهمیت بسیاری دارد، می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که براساس دیدگاه فلاسفه اسلامی هستی حکایت را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، حکایت، مراتب هستی، نفس‌الامر، فلسفه اسلامی.

قالب: مقاله. **اولویت:** ۳/۵.

۲۷. بررسی تحلیلی معیارهای نیازمندی معلول به علت از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس دیدگاه‌های فیلسوفان اسلامی، معیار نیازمندی معلول به علت مسئله چیست؟ تبیین مسئله: یکی از قواعد فلسفی پرکاربرد، قاعده علیت است. این قاعده از دیرباز مورد توجه فیلسوفان و متکلمان بوده است. درحالی که از نظر متکلمان «حدوث زمانی» معیار نیازمندی معلول به علت شمرده شده است، در فلسفه مشاء «امکان ماهوی» وجه نیازمندی معلول به علت معرفی شده است. در ادامه روند تکاملی این بحث به اینجا رسید که از منظر حکمت متعالیه وجه نیازمندی معلول به علت، «فقر وجودی» دانسته شد. اگرچه ملاصدرا و مدافعان فلسفه صدرایی این وجه نیازمندی را هماهنگ با اصالت وجود شمردند، رفته رفته اشکال‌هایی درباره میزان دقت این معیار مطرح شد. برخی با توسعه علیت به فراتر از «هستی‌بخشی» به این دیدگاه رسیدند که ملاک نیازمندی معلول به علت عبارت است از «امکان معنایی». حال به نظر می‌رسد تأمل مجدد در آرای حکمای اسلامی برای شناسایی معیار نهایی نیاز معلول به علت، در قلمرو علل هستی‌بخش و نیز درباره سایر علل، ضروری باشد. از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از اینکه: از منظر فیلسوفان اسلامی و ناظر به مباحث جدید، معیار نیازمندی معلول به علت چیست؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، قاعده علیت، نیاز معلول به علت، فقر وجودی، امکان ماهوی، امکان معنایی، حدوث زمانی، فلسفه اسلامی.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۵.

۲۸. بررسی تحلیلی - انتقادی سیر تحول نظریه مُثُل در سنت فلسفه اسلامی

سؤال: نظریه فلسفی مُثُل در سنت فلسفه اسلامی چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟ تبیین مسئله: یکی از نظریه‌های بسیار قدیمی در فلسفه، «نظریه مُثُل» است که افلاطون مطرح ساخت. اگرچه هدف اصلی افلاطون از طرح این نظریه مقابله با شکاکان و نسبی‌گرایان بود و افلاطون از طرح این نظریه در پی یافتن ملجأیی برای ثبات و عدم تغییر در وجود، و به تبع در معرفت بود، اما در ادوار بعدی، فیلسوفان با تمرکز بر خود این نظریه، آن را نقد و بررسی کردند و جایگاه اساسی این نظریه باعث گردید تا بسته به موضع‌گیری فیلسوفان در تأیید یا رد این نظریه، فیلسوفان را به دو دسته موافق نظریه مُثُل و مخالف آن



تقسیم کنند. اما این نظریه در سنت فلسفه اسلامی سرنوشت دیگری به خود گرفت. درحالی که در حکمت مشاء به جد با این نظریه مخالفت شد، شیخ اشراق بیشترین دفاع‌ها را از این نظریه ارائه کرد. در حکمت متعالیه شاهد ارائه تفسیری نوین از نظریه مُثُل هستیم که چه‌بسا بتواند ضمن رفع اشکال‌های وارد بر این نظریه، از قوّت آن در حل مسائل فلسفی بهره گیرد. از این رو می‌توان با نگاهی تحلیلی - تاریخی این پرسش را مطرح ساخت که سیر تحول نظریه مُثُل در سنت فلسفی چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، نظریه مُثُل، کلی، کلی طبیعی، عالم مجردات.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۲۹. بررسی تحلیلی اشد بودن وجودی ماهیت ذهنیه در برابر ماهیت خارجی در حکمت صدرایی و پیامدهای آن

سؤال: براساس حکمت صدرایی، اشد بودن وجودی ماهیت ذهنی در برابر ماهیت خارجی چگونه است و پیامدهای آن چیست؟

تبیین مسئله: براساس نگرش رایجی در فلسفه اسلامی هر ماهیتی دو نحوه وجود دارد، یکی نحوه وجود خارجی و دیگری نحوه وجود ذهنی. همچنین این مطلب ازسوی عموم حکمای اسلامی پذیرفته شده است که ماهیت ذهنی نسبت به ماهیت خارجی جنبه حکایتی‌گری دارد. به عبارت دیگر، شأن ماهیت ذهنی از ماهیت خارجی حکایت دارد. تا اینجا به نظر می‌رسد مشکلی در کار نیست. اما هنگامی که پای اصل تشکیک وجود به میان می‌آید، بر مراتب داشتن وجود تأکید می‌شود و گفته می‌شود که وجودات مجرد نسبت به وجودات مادی از شدت وجودی برخوردار هستند. به عبارت دیگر، مرتبه وجودات مجرد نسبت به وجودات مادی برتر است. با مسلّم گرفتن چنین اصلی این پرسش مطرح می‌شود که در مقایسه میان وجود ذهنی ماهیت و وجود خارجی ماهیت، مانند ماهیت فَرَسیت (=اسب)، کدام یک مرتبه وجودی بالاتری دارد؟ براساس مبانی حکمت متعالیه به این پرسش می‌توان چنین پاسخ داد که مرتبه وجود ذهنی ماهیت بر مرتبه وجود مادی آن برتری دارد. حال از ضمیمه کردن این دو مطلب، پرسش جدیدی آشکار می‌گردد و آن اینکه چگونه آنچه مرتبه بالاتری دارد، یعنی ماهیت ذهنیه، شأن حکایت‌گری نسبت به مرتبه نازل‌تر از خود دارد؟ و اساساً پیامدهای این نگرش چیست؟ به عبارت دیگر می‌توان پرسش را این‌گونه تقریر کرد:

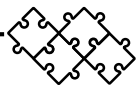
براساس مبانی حکمت صدرایی، اشدّ بودن وجودی ماهیت ذهنی در برابر ماهیت خارجی چگونه است و پیامدهای آن چیست؟
کلیدواژه: هستی‌شناسی، ماهیت، وجود، اصل تشکیک، حکمت صدرایی.
قالب: مقاله. اولویت: ۳/۵.

۳۰. بررسی تحلیلی تفسیرها از حقیقت وجود ممکن و پیامدهای آن

سؤال: تفسیرهای مختلف از حقیقت وجود ممکن چیست و پیامدهای آن چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: تقسیم وجود به ممکن و واجب از جمله مهم‌ترین مباحث فلسفی است. تحلیلی که یک فیلسوف از وجود ارائه می‌کند، در تحلیل او از حقیقت وجود واجب و حقیقت وجود ممکن بسیار مؤثر است؛ برای مثال، در برخی از تفسیرها «وجود ممکن» نحوه‌ای از عدم مضاف تفسیر شده است، درحالی‌که در تفسیر دیگری، ممکن از شئون واجب الوجود تلقی شده است. بررسی متون و منابع فلسفی گواه آن است که تفسیرهای مختلفی از چیستی وجود ممکن ارائه شده است. روشن است که نحوه تفسیر وجود امکانی می‌تواند تأثیرها و پیامدهای مختلفی در مباحث گوناگون فلسفه از براهین اثبات واجب الوجود گرفته تا رابطه علت و معلول در علل هستی‌بخشی داشته باشد. شناسایی، تجزیه و تحلیل و مقایسه این تفسیرها می‌توان موضوع یک تحقیق قرار گیرد؛ از این رو می‌توان پرسش را این گونه صورت‌بندی کرد: تفسیرهای مختلف از حقیقت وجود ممکن چگونه تبیین می‌شود؟
کلیدواژه: هستی‌شناسی، ممکن الوجود، واجب الوجود، وجود رابط، وجود رابطی.
قالب: کتاب. اولویت: ۲/۵.

۳۱. بررسی امکان تحقق علم حصولی در واجب الوجود براساس مبانی حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی، تحقق علم حصولی در واجب الوجود چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: یکی از تقسیمات مهم در فلسفه اسلامی، تقسیم علم به حضوری و حصولی است. هرکدام از این اقسام از نظر معرفت‌شناختی احکامی دارند، اما در کنار احکام معرفت‌شناختی می‌توان هرکدام از آن‌ها را موضوع بررسی‌های هستی‌شناختی قرار داد. برای مثال در بررسی هستی‌شناختی علم حصولی گفته می‌شود که صورت علمیه حاصل از علم حصولی نحوه‌ای از وجود است که عاری از ویژگی‌های مادی است؛ از این رو این صورت علمی



«مجرد» شمرده می‌شود. حال اگر در نظر آوریم که برای فاعل شناسا بودن نیز شرایطی در هستی‌شناسی مطرح شده است که از جمله آن‌ها مجرد بودن است، می‌توان این‌گونه گفت که حصول معرفت حصولی برای فاعل شناسا به معنای دستیابی یک موجود مجرد به موجود مجرد دیگری است. اما در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان درباره واجب‌الوجود نیز سخن از علم حصولی به میان آورد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، نحوه علم حصولی واجب‌الوجود چگونه تبیین می‌شود؟ ریشه این پرسش به این نکته باز می‌گردد که واجب‌الوجود بی‌نیاز است و هیچ‌گونه احتیاجی به غیر خود ندارد، حال صورت علمیه که واسطه در معرفت حصولی قرار می‌گیرد، اگر غیر واجب‌الوجود شمرده شود، آیا زمینه را برای نیازمندی واجب‌الوجود فراهم نخواهد ساخت؟ به‌طور کلی می‌توان پرسش را این‌گونه تقریر کرد: براساس مبانی حکمت صدرایی تحقق علم حصولی در واجب‌الوجود چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، علم، علم حصولی، علم الهی، حکمت صدرایی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴.

۳۲. بررسی انتقادی دیدگاه ساخت‌گرایانه رورتی^۱ درباره واقعیت از منظر ملاصدرا

سؤال: از منظر ملاصدرا چه انتقادهایی به دیدگاه ساخت‌گرایانه رورتی درباره واقعیت مطرح می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث هستی‌شناسی، تبیین مراتب نظام هستی است. در حکمت مشاء، با تأکید بر وحدت سنخی وجود، گونه‌ای از مراتب طولی برای وجود در نظر گرفته می‌شود و براساس برهان عقلی، تفاوت‌ها و اشتراکات میان مراتب مختلف وجود به اثبات می‌شود. براساس نظام هستی‌شناختی صدرایی، هرکدام از مراتب وجود، احکام خاص خود را دارد که نمی‌توان این احکام را به مراتب دیگر وجود تسری داد. در فلسفه غربی نیز برخی از نویسندگان ویژگی‌ها و احکام وجود را بررسی کرده‌اند. براساس نگرشی که ریچارد رورتی در این باره ارائه کرده است، تبیین نظام هستی تابعی از نحوه نگرش فاعل شناسا به هستی است؛ از این‌رو آنچه نظام هستی شمرده می‌شود، امری واقعی نیست، بلکه متأثر از نگرش انسان است. از سوی دیگر، نگرش انسان نیز امری ساخت‌مند است و در مواردی انسان توان گذر از این ساخت‌های ذهنی را ندارد. با این تبیین به نظر می‌رسد احکامی که برای انواع

1. Richard Rorty.

هستی بیان می‌شود، عاری از بُعد واقعی خواهد بود. باتوجه به اشکال‌هایی که بر نگرش رورتی وجود وارد است، مناسب است به این پرسش بپردازیم که براساس نگرش ملاصدرا چه انتقادهایی به دیدگاه ساخت‌گرایانه رورتی درباره واقعیت مطرح می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، مراتب هستی، ساخت‌گرایی، رورتی، حکمت متعالیه.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴/۵.

۳۳. بررسی انتقادی دیدگاه ساخت‌گرایانه گودمن درباره واقعیت از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از دیدگاه فلسفه اسلامی، چه انتقادهایی به دیدگاه ساخت‌گرایانه گودمن درباره واقعیت مطرح می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث هستی‌شناسی تبیین مراتب نظام هستی است. در حکمت صدرایی، با تأکید بر وحدت‌سنخی وجود، گونه‌ای از مراتب طولی برای وجود در نظر گرفته می‌شود و براساس برهان عقلی، تفاوت‌ها و اشتراکات میان مراتب مختلف وجود اثبات می‌شود. براساس نظام هستی‌شناختی صدرایی، هرکدام از مراتب وجود، احکام خاص خود را دارد که نمی‌توان این احکام را به مراتب دیگر وجود تسری داد. در فلسفه غربی نیز برخی از نویسندگان ویژگی‌ها و احکام وجود را بررسی کرده‌اند. به باور گودمن ما نمی‌توانیم تبیینی واقع‌گرایانه از نظام هستی ارائه کنیم و به‌ناچار باید به سراغ برداشت‌های ذهنی خود برویم و آن‌ها را بر واقعیت تحمیل کنیم. بنابر نظر او اگرچه می‌توان درباره گونه‌شناسی انواع وجود اقدام کرد، این گونه‌شناسی درواقع نوعی نظام هستی‌پدیداری است. باتوجه به اشکال‌هایی که بر این نگرش گودمن وارد است، مناسب است به این پرسش بپردازیم که از منظر فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به دیدگاه ساخت‌گرایانه نلسون گودمن درباره واقعیت مطرح می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، ساخت‌گرایی، مراتب هستی، گودمن، حکمت متعالیه، فلسفه اسلامی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۲/۷۵.

۳۴. بررسی تطبیقی لوازم معرفت‌شناختی وحدت وجود در نظر ابن‌عربی و ملاصدرا

سؤال: براساس مطالعه تطبیقی، چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی میان دیدگاه ابن‌عربی و ملاصدرا درباره لوازم معرفت‌شناختی وحدت وجود می‌توان اصطیاد کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث جدی در هستی‌شناسی، مسئله وحدت، یا کثرت وجود



است. در فلسفه صدرایی بر وحدت سنخی وجود تأکید شده است. البته می‌توان عباراتی از آثار ملاصدرا به دست آورد که ناظر به وحدت شخصی وجود است، اما آنچه نظر نهایی او شمرده می‌شود، وحدت سنخی وجود و اختلاف موجودات در مراتب وجود است. در مقابل، در عرفان نظری و به‌ویژه در نگرش ابن‌عربی نیز بر وحدت وجود تأکید شده است و از این‌رو نوعی هماهنگی و سازگاری میان عرفان نظری از منظر ابن‌عربی و هستی‌شناسی صدرایی دیده می‌شود. به‌رغم اشتراک این دو مکتب در وحدت وجود، به نظر می‌رسد تفاوت‌های میان این دو مکتب کم نباشد. این تفاوت‌ها پیامدهای مختلفی در مسائل مختلف به‌دنبال دارد؛ برای نمونه می‌توان به مباحث معرفت‌شناختی اشاره کرد که یکی از مباحث مهم آن «صدق» به معنای مطابقت صورت ذهنی با واقع است. حال می‌توان نقش وحدت وجود را در حل این مسئله بررسی، و تفاوت نگرش ابن‌عربی و ملاصدرا را واکاوی کرد. از این‌رو لازم است با بررسی تطبیقی این دو نگرش به استقصای وجوه شباهت و وجوه تفاوت میان نگرش ابن‌عربی و ملاصدرا درباره پیامدهای معرفت‌شناختی وحدت وجود بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که براساس مطالعه تطبیقی، چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی را می‌توان میان دیدگاه ابن‌عربی و ملاصدرا درباره پیامدهای معرفت‌شناختی وحدت وجود اصطیاد کرد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، صدق، وحدت وجود، وحدت شخصی، ابن‌عربی، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۳۵. بررسی رابطه عالم مثال و وجود ذهنی از دیدگاه ملاصدرا

سؤال: از دیدگاه ملاصدرا چه تبیینی برای جمع میان قول به وجود عالم مثال و تحقق وجود ذهنی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در هستی‌شناسی، واکاوی مراتب هستی است. در حکمت متعالیه براساس استدلال برهانی وجود عالم مُثُل اثبات می‌گردد. از آن‌جا که در طول تاریخ فلسفه از عالم مُثُل به موطن تقرّر کلی یاد می‌شد، برخی چنین پنداشته‌اند که از میان قول به عالم مُثُل و قول به وجود ذهنی باید یکی را انتخاب کرد؛ زیرا در صورتی که موطن کلی، عالم مُثُل دانسته شود، دیگر نمی‌توان از راه استدلال بر وجود مفهوم کلی، وجود عالم ذهن را نتیجه گرفت. بررسی متون و منابع فلسفی ملاصدرا گواه آن است که این حکیم

مسلمان در کنار قائل شدن به عالم مُثُل، به وجود ذهنی نیز قائل است. از این رو این پرسش مطرح می‌گردد که براساس مبانی فلسفی ملاصدرا، چگونه می‌توان میان این دو نظریه جمع کرد؟ به عبارت دیگر، پرسش تحقیق عبارت خواهد بود از اینکه از دیدگاه ملاصدرا چه تبیینی برای جمع میان قول به وجود عالم مُثُل و تحقق وجود ذهنی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، عالم مُثُل، وجود ذهنی، ذهن، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۳۶. بررسی تحلیلی رابطه مبدأ و منتهای حرکت از دیدگاه حکمت صدرایی

سؤال: براساس نگرش صدرایی رابطه میان مبدأ و منتهای حرکت چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث جدی در هستی‌شناسی، مسئله حرکت است. بسیاری از فیلسوفان به این مسئله پرداخته‌اند. بحث حرکت در فلسفه اسلامی به صورت جدی مورد توجه بوده است و ملاصدرا با ارائه نظریه حرکت جوهری، دیدگاهی ابداعی در این باره مطرح کرد. براساس نگرش او حرکت، امری جوهری است و آنچه وحدت‌بخش این امر متغیر و سیال است، نحوه وجود شیء است. در مباحث حرکت به ارکان شش‌گانه حرکت اشاره می‌شود. دو رکن از ارکان حرکت عبارت است از مبدأ و منتهای حرکت. براساس تلقی رایج، حقیقت مبدأ و حقیقت منتهای حرکت دو حقیقت متمایز هستند. اما تأکید بر تمایز مذکور نباید ما را از اتحادی که مبدأ و منتهای حرکت ذیل واحد بودن حرکت دارند، غافل سازد؛ از این رو می‌توان گفت چنین نیست که حقیقت مبدأ و حقیقت منتهای حرکت، دو حقیقت کاملاً متمایز و مستقل از هم هستند. با توجه به اهمیت این مسئله می‌توان سؤال تحقیق را این گونه صورت‌بندی کرد: براساس نگرش صدرایی، رابطه میان مبدأ و منتهای حرکت چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، حرکت، مبدأ، منتهای حرکت، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۱،۱،۲. معرفت‌شناسی

یکی از شاخه‌های فلسفه، دانش معرفت‌شناسی است. اگرچه از گذشته دور مباحث معرفت‌شناسی در مطاوی متون و منابع حکمی مطرح بوده، در دهه‌های اخیر این دسته از مسائل مورد توجه جدی قرار گرفته است. در ادامه با برخی از مسائل دانش معرفت‌شناسی آشنا می‌شویم.



۳۷. بررسی نحوه تقدم عقل بر نقل در روش‌شناسی فلسفه اسلامی

سؤال: چگونه می‌توان براساس روش‌شناسی حکمت صدرایی، تقدم عقل بر نقل را تبیین کرد؟
تبیین مسئله: روش‌شناسی از مباحث مهم فلسفی است. اگرچه عموم مکاتب فلسفی در استفاده از عقل با هم اشتراک دارند، اما در نحوه بهره‌گیری از عقل در میان آنها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود؛ برای نمونه در حکمت متعالیه هدف ایجاد سازگاری و هماهنگی میان عقل و نقل است. می‌دانیم که براساس مبانی حکمت متعالیه، وحی حقیقتی است که علم حضوری شمرده می‌شود و اختصاص به کسی دارد که وحی به او نازل شده است و افراد دیگر دسترسی مستقیم به وحی ندارند؛ از این رو دسترسی سایر افراد به وحی از طریق نقل میسر است. در نظر ملاصدرا اهمیت نقل تا بدان حد است که فلسفه معارض با آیات و روایات را مردود می‌داند: «تباً للفلسفة التي تكون قوانينها مخالفاً للكتاب والسنة»^۱ از سوی دیگر ملاصدرا عقل را اساس نقل می‌داند^۲ و در نظر او اعتبار نقل، وابسته با کاربست عقل است. حال سؤال این است که از نظر روش‌شناسی ملاصدرا چگونه عقل را بر نقل مقدم می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، نقل، عقل، روش‌شناسی، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۵.

۳۸. امکان‌سنجی کاربست استعاره در روش حل مسائل فلسفه اسلامی

سؤال: چگونه می‌توان «استعاره» را الگویی برای حل مسائل فلسفه اسلامی استفاده کرد؟
تبیین مسئله: بهره‌گیری از روش مناسب از راه‌کارهای حل مسائل است. امروز در مباحث روش‌شناسی شیوه‌های جدیدی برای حل مسائل ابداع شده است که تا حد زیادی موفقیت‌آمیز بوده است. «استعاره» از جمله این روش‌هاست. براساس این روش، می‌توان از راه مشابهت‌یابی میان دو پدیده، امکان‌سنجی توسعه و تعمیم احکام یکی به دیگری را بررسی کرد؛ برای مثال روش استعاره در تحلیل مسائل اجتماعی به این ره‌آورد می‌انجامد که جامعه را همچون یک «فرد انسانی» در نظر بگیریم که مغز او وظیفه هدایت و جهت‌دهی رفتار او را بر عهده دارد، از این رو جامعه نیز به کانونی برای تصمیم‌گیری و جهت‌دهی به رفتار نیاز دارد. حال پرسش این است: چگونه می‌توان از روش استعاره برای حل مسائل فلسفی کمک گرفت؟

۱. ملاصدرا، اسفار، ج ۸، ص ۳۰۳.

۲. ملاصدرا، شرح اصول کافی، ص ۳۰۸.

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، استعاره، روش‌شناسی، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۷۵.

۳۹. بررسی استقرایی بودن شروط اعتبار برهان

سؤال: چگونه می‌توان روش برهانی را روش معتبر کشف واقعیت دانست، درحالی‌که شرایط اعتبار برهان به‌صورت استقرایی احراز می‌گردد؟

تبیین مسئله: روش‌شناسی از مباحث مهم فلسفی است. براساس مبانی فلسفه اسلامی (اعم از حکمت مشاء، حکمت اشراق، و حکمت متعالیه) روش معتبر کشف واقعیت عبارت است از «روش برهانی»^۱، ازسوی دیگر با مراجعه به متون و منابع منطقی درمی‌یابیم که هرچند برخی از شرایط اعتبار برهان، شرایط عقلی است و از پیشینی‌های معلوم و مسجل است، برخی دیگر از شرایط برهان، براساس استقرا و به‌مرورزمان شناخته می‌شود؛ برای نمونه، اشتغال یک مطلب بر تناقض، دلیل بر نادرستی آن مطلب است. ازسوی دیگر تشخیص مصداق تناقض به دقت نیاز دارد. ازجمله اموری که نافی وجود تناقض میان دو قضیه می‌گردد، تفاوت آن دو قضیه از نظر حمل شایع و حمل اولی است. و روشن است که التفات به این تمایز تنها بعد از تحقیقات مرحوم قوشجی در حواشی شرح جدید بر تجرید العقاید خواجه نصیرالدین توسی حاصل گردید و پیش‌از محقق قوشجی چنین تمایزی در میان فیلسوفان مطرح نبود. حال چگونه می‌توان روش برهانی را روش معتبر کشف واقعیت دانست، درحالی‌که برخی شرایط اعتبار آن به‌مرورزمان و با استقرا حاصل می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، استقرا، تجربه، روش برهانی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۴۰. بررسی تحلیلی جایگاه نقل در مقدمات قیاس برهانی از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس فلسفه اسلامی چه تبیینی از نقلی بودن یکی از مقدمات قیاس برهانی معتبر می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: روش‌شناسی از مباحث مهم فلسفی است. براساس مبانی فلسفه اسلامی (حکمت مشاء، حکمت اشراق، و حکمت متعالیه) روش برهانی روش معتبری برای کشف

۱. ملاصدرا، تعلیقه بر الشفا، ج ۱، ص ۱۰۰.



واقعیت و حل مسائل فلسفی است و بر پایه آنچه در متون و منابع منطقی بیان شده است، مقدمات برهان باید از «یقینیات» باشد. چنین برهانی می‌تواند در مقام «داوری» پایه حل مسائل فلسفی باشد.^۱ باتوجه به اینکه یقینیات، مقدماتی عقلی است، ظاهر این سخنان این است که نمی‌توان از مقدمات غیرعقلی مانند نقل در قیاس برهانی استفاده کرد. اما از سوی دیگر برخی از حکما مانند ابن‌سینا معتقدند که «چون صادق مصدق، خبر از معاد جسمانی داده است، پذیرفته می‌شود».^۲ به عبارت دیگر این دسته از حکما بر این باور هستند که در مواردی و با رعایت شرایطی می‌توان از مقدمات نقلی به مثابه مقدمات برهان عقلی معتبر استفاده کرد؛ برای مثال معاد جسمانی براساس قیاسی برهانی دال بر صدور «جسمانی بودن معاد» از معصوم علیه السلام و حجیت عقلی قول معصوم قابل تبیین است. اکنون پرسش این است که چه تبیینی از نقش «نقل» در روش‌شناسی فلسفه اسلامی می‌توان ارائه کرد که در مقام «داوری» نیز به کار گرفته شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، نقل، برهان، یقین، ابن‌سینا.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴/۵.

۴۱. بررسی تحلیلی دلالت‌های تمایز قضیه و تصدیق در مباحث معرفت‌شناسی با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی تمایز قضیه و تصدیق چه دلالت‌های معرفت‌شناختی به دنبال دارد؟

تبیین مسئله: از مباحث مهم در زمینه معرفت‌شناسی، تقسیم معرفت به معرفت حضوری و معرفت حصولی است. معرفت حصولی نیز به دو قسم تصویری و تصدیقی تقسیم می‌شود. معرفت تصدیق عبارت است از «اذعان» نفس بر محتوای یک «قضیه». بنابراین به صرف وجود موضوع، محمول و نسبت، هرچند قضیه شکل می‌گیرد، ولی تحقق تصدیق منوط به تعلق اذعان نفس به محتوای قضیه مذکور است؛ از این رو اذعان، رکن اصلی تصدیق شمرده می‌شود. بنابراین قضیه در زمره تصورات قرار خواهد گرفت و احکام تصور را واجد خواهد بود. در برخی از متون و منابع معرفت‌شناسی به این تمایز دقیق و مهم توجه نشده

۱. ر. ک: عبودیت، نظام حکمت صدرایی، ج ۱، ص ۶۴ و ۶۷.

۲. ابن‌سینا، الهیات، ص ۴۲۳.

است و برخی از احکام تصدیق به قضیه سرایت داده شده است؛ افزون بر این دقت در این تمایز، راه را برای حل بسیاری از مسائل معرفت‌شناختی خواهد گشود؛ از این رو مناسب است به بررسی این پرسش پردازیم که با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی دلالت‌های تمایز قضیه و تصدیق چه دلالت‌های معرفت‌شناختی به دنبال دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، قضیه، تصدیق، اذعان نفس، فلسفه اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۵.

۴۲. بررسی تطبیقی «فاهمه» در فلسفه کانت و «واهمه» در نظر ملاصدرا

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت درباره «فاهمه» و دیدگاه ملاصدرا درباره «واهمه» می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: بررسی قوای شناختی از مباحث مهم معرفت‌شناسی است. این بحث را فیلسوفان مسلمان از سویی فیلسوفان غربی از سوی دیگر مورد توجه قرار داده‌اند. کانت، از فیلسوفان غربی است که با تمرکز بر این مسئله، به طرح دیدگاه‌های بدیعی روی آورده؛ او در یک تقسیم، قوای ادراکی را به سه دسته تقسیم می‌کند: حس، فاهمه، و عقل. این تقسیم از چنان نقشی در فلسفه کانت برخوردار است که می‌توان آن را ستون فقرات تفکر کانت برشمرد. مقصود کانت از فاهمه قوه‌ای شناختی است که پس از تحقق احساس، زمینه «مقوله‌بندی» شناخت را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر در نظر کانت، فاهمه، واسطه میان قوای حاسه و عاقله است. کانت به تفصیل درباره قوه فاهمه سخن می‌گوید و شیوه کارکرد آن را توضیح می‌دهد. در فلسفه اسلامی نیز ملاصدرا با تمرکز بر قوای شناختی انسان، آن‌ها را به چهار گروه تقسیم می‌کند: حس، خیال، وهم و عقل. ملاصدرا بر این باور است که قوای شناختی اصلی عبارت است از حس و عقل. وی خیال را به حس، وهم را به عقل ملحق می‌کند. در نظر ملاصدرا وهم مرتبه ضعیف قوه عاقله است که ایجاد ربط میان قواعد کلی از یک سو و مصادیق جزئی از سوی دیگر را بر عهده دارد. با توجه به این نکات به نظر می‌رسد میان قوه فاهمه در نظریه کانت و قوه وهم در نظریه ملاصدرا، وجوه شباهت بسیاری وجود دارد، اما این به معنای نفی تفاوت میان آن‌ها نیست؛ از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، چنین است: چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی میان دیدگاه کانت درباره فاهمه و دیدگاه ملاصدرا درباره وهم وجود دارد؟



کلیدواژه: معرفت‌شناسی، فاهمه، واهمه، عقل، کانت، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۵.

۴۳. بررسی تطبیقی اعتبار «عقل عملی» در فلسفه کانت، آیت‌الله جوادی آملی و علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت و دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و نیز نظر علامه مصباح یزدی درباره اعتبار «عقل عملی» می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: از مباحث مهم معرفت‌شناسی، بررسی چیستی و ابعاد «عقل» است. در این بحث، سخن از تقسیم عقل به عقل نظری و عقل عملی است. دیدگاه حکما درباره قلمرو کارکرد این دو ساحت از عقل، یکسان نیست؛ برای نمونه درحالی‌که کانت ضمن رد توانایی عقل نظری در درک قواعد مابعدالطبیعه، پیشنهاد استفاده از عقل عملی را مطرح می‌سازد و با کاربست عقل عملی برخی احکام و قواعد را اثبات می‌کند. درمقابل، عده‌ای از حکمای اسلامی به تمایز و استقلال عقل نظری از عقل عملی قائل هستند و هرکدام از این دو ساحت را قادر به درک و شناخت می‌شمارند. از متفکرانی که در حوزه فلسفه اسلامی، درباره عقل و حدود و توانایی‌های آن پژوهش‌هایی انجام داده است، آیت‌الله جوادی آملی و نیز علامه مصباح یزدی هستند. با درنظر گرفتن مسئله عقل عملی می‌توان این پرسش را مطرح ساخت: وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه کانت و آیت‌الله جوادی آملی و علامه مصباح یزدی درباره اعتبار عقل عملی وجود دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، عقل، عقل عملی، کانت، آیت‌الله جوادی آملی، علامه مصباح یزدی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۴۴. بررسی «مبناگرایی» در مدرکات عقل عملی از منظر ابن‌سینا

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی، در نظر ابن‌سینا «مبناگرایی» در مدرکات عقل عملی چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: در مباحث معرفت‌شناسی، هنگام بررسی عقل، آن را به دو ساحت عملی و نظری تقسیم می‌کنند. تقریباً نزد عموم معرفت‌شناسان مسلمان این نکته پذیرفته شده است که در ساحت عقل نظری می‌توان از مبناگرایی دفاع کرد و آن را به کار بست (استاد

حسین‌زاده یزدی - دانشمند برجسته معرفت‌شناسی اسلامی - مبنای گروهی را معادل مبنایگرایی ترجیح می‌دهند و درست هم همین است). اما درباره اینکه گزاره‌های عقل عملی چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند و آیا می‌توان رابطه میان آن‌ها را براساس مبنایگرایی تبیین کرد یا نه، اختلاف نظر وجود دارد؛ برای مثال برخی مانند علامه مصباح یزدی ضمن اشاره به برخی بدیهیات عقل عملی، بر این باورند که می‌توان گزاره‌های غیربدیهی عقل عملی را از طریق مبنایگرایی به اصول بدیهی عقل عملی مانند «عدالت حسن است» بازگرداند. اما این نظریه خالی از چالش نیست؛ در آثار ابن‌سینا مباحثی مطرح شده است که گویای آن است که از نظر او گزاره‌های عقل عملی بر پایه مشهورات شکل گرفته است. در اینجا این پرسش مطرح می‌گردد که آیا می‌توان مجموعه‌ای از گزاره‌ها را در شمار مشهورات دانست و در عین حال میان آن‌ها مبنایگرایی را جاری شمرد. به عبارت دیگر از منظر ابن‌سینا چه تبیینی از کاربست مبنایگرایی در مدرکات عقل عملی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مبنایگرایی، عقل عملی، حکمت مشاء، ابن‌سینا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

۴۵. بررسی تطبیقی استنتاج از راه بهترین تبیین از منظر لیپتون^۱ و استقرا از نظر شهید صدر

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه لیپتون درباره استنتاج از بهترین تبیین و دیدگاه شهید صدر درباره استقرا وجود دارد؟

تبیین مسئله: بررسی راه‌های معرفت از مباحث معرفت‌شناسی است؛ بدین منظور راه‌های مختلف معرفت‌شناسایی و ارزش و اعتبار هر کدام از این راه‌ها تبیین می‌شود؛ برای نمونه راه حس، راه عقل و راه شهود از جمله راه‌های معرفت است که مباحث گسترده‌ای درباره آن شکل گرفته است. از جمله راه‌های معرفت، روش تجربی است که بیشتر ذیل عنوان «استقرا» مورد توجه قرار می‌گیرد. در طول تاریخ معرفت‌شناسی، اشکال‌هایی به روش استقرا مطرح شده است و تلاش‌هایی نیز برای دفاع و ترمیم این روش معرفتی صورت گرفته است. در سنت فلسفه اسلامی، شهید صدر از جمله کسانی است که تلاش کرده است تقریری از استقرا ارائه کند که بتواند بر اشکال‌های آن فائق آید. در معرفت‌شناسی غربی نیز تلاش شده است با بازنگری روش

1. Lipton.



استقرا، اعتبار آن بازسازی گردد. یکی از این تلاش‌ها، شیوه استنتاج از بهترین تبیین است. معرفت‌شناسانی از جمله لیپتون سعی کرده‌اند با ارائه تقریری از شیوه استقرایی، آن را به شیوه‌ای معتبر برای رسیدن به معرفت تبدیل کنند. لیپتون با به‌کارگیری تعبیر «بهترین» تلاش دارد معیاری برای گزینش یکی از چند نظریه مطرح‌شده در قلمرو علوم تجربی ارائه دهد، اما در نظر شهید صدر، اساساً با کاربرد روش تجربی می‌توان به قطع و یقین نسبت به مطلبی دست یافت و چنین نیست که از راه روش تجربی چیزی جز ظنّ حاصل گردد. اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه وجوه اشتراک و اختلافی میان شیوه استنتاج از بهترین تبیین در نظر لیپتون و دیدگاه شهید صدر درباره استقرا وجود دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، استقرا، استنتاج از بهترین تبیین، لیپتون، شهید صدر.
قالب: پایان‌نامه سطح سه و در صورت داشتن فرضیه مناسب می‌تواند مناسب رساله سطح چهار باشد. **اولویت: ۴.**

۴۶. بررسی نظریه «توجیه درون‌گرایانه» از منظر ابن‌سینا و علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس نگرش ابن‌سینا نظریه ارجاع درون‌گرایانه چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: مسئله توجیه از مباحث کلیدی در معرفت‌شناسی است. نظریه‌های مختلفی درباره چیستی توجیه مطرح شده است که هرکدام تلاش دارد به‌گونه‌ای بر چالش‌های مربوط به توجیه فائق آید. یکی از این تلاش‌ها «توجیه درون‌گرایانه» است که براساس آن، برای احراز اعتبار توجیه لازم است آن را باتوجه‌به به حالات درونی فاعل شناسا واکاوی کنیم. درمقابل، توجیه برون‌گرایانه بر نقش امور خارجی در تأمین اعتبار توجیه تأکید دارد. بسیاری از معرفت‌شناسان اسلامی با طرح مباحثی مانند علم حضوری و علم هر فردی از خود، در شمار مدافعان توجیه درون‌گرایانه قرار گرفته‌اند. باتوجه‌به اینکه بسیاری از مباحث معرفت‌شناسی به‌صورت عمیق و دقیق ازسوی متفکران و فیلسوفانی همچون ابن‌سینا بررسی شده است، این پرسش مطرح می‌شود که براساس نگرش ابن‌سینا و علامه مصباح یزدی نظریه ارجاع درون‌گرایانه چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، ارجاع، درون‌گرایی، برون‌گرایی، ابن‌سینا، مصباح یزدی.
قالب: رساله سطح چهار. **اولویت: ۴/۲۵.**

۴۷. بررسی معیار صدق «اصل عدم تناقض» از منظر فلاسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلاسفه اسلامی معیار صدق اصل عدم تناقض چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: بحث صدق یکی از مهم‌ترین مباحث معرفت‌شناسی است و تا جایی که برخی متفکران آن را ستون فقرات مباحث معرفت‌شناسی می‌دانند. بسیاری از معرفت‌شناسان در تلاش خود برای ارائه تصویری روشن از مسئله صدق به برخی از اصول مانند اصل عدم تناقض استناد کرده‌اند؛ برای نمونه یکی از چالش‌هایی که نظریه صدق را تهدید می‌کند، پارادوکس دروغ‌گوست. حل این پارادوکس نیز در گرو کاربست اصل عدم تناقض است. روشن است که هرگونه تلاشی برای استفاده از اصولی مانند اصل عدم تناقض، در گرو صادق شمردن این اصل است. اگر اصلی فاقد معیار صدق باشد، اساساً عاری از هرگونه اعتبار معرفت‌شناختی است و از این‌رو نمی‌توان آن را پایه مباحث فلسفی قرار داد. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که از منظر فلاسفه اسلامی صدق اصل عدم تناقض به چه نحوی تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، صدق، اصل عدم تناقض، مطابقت، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۴۸. بررسی چالش‌های کیت لور^۱ علیه «مبناگرایی» از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه پاسخی به چالش‌های کیت لور بر مبناگرایی می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: مبناگرایی نظریه‌ای است که در مقام تبیین عنصر توجیه مطرح شده است. قدمت این نظریه به دوره یونان باستان می‌رسد. ارسطو در آثار خود به مبناگرایی پرداخته است و نشان داده است که سلسله استدلال‌آوری باید در جایی به اصول بدیهی ختم گردد. اما این نظریه امروزه در معرض چالش‌هایی قرار گرفته است؛ ازجمله چالش‌های وارد بر این نظریه، عدم امکان اثبات آن است. توضیح آنکه هرگونه تلاش برای اثبات نظریه مبناگرایی به مصادره خواهد انجامید، زیرا استدلال خود گونه‌ای از توسل به مبناگرایی است. در کنار این چالش، چالش‌های دیگری نیز برای مبناگرایی مطرح شده است. باتوجه به تلاشی که علامه مصباح یزدی در طرح مباحث نوپدید در معرفت‌شناسی انجام داده است، این

1. Keith Lehrer.



پرسش مطرح می‌شود که از منظر علامه مصباح یزدی چه ارزیابی و پاسخی به چالش‌های کیث لرر علیه مبنای‌گرایی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مبنای‌گرایی، توجیه، استدلال، مصباح یزدی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۵.

۴۹. بررسی مبانی معرفت‌شناختی «تفاهم» به‌منابه نقدی بر هرمنوتیک فلسفی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه تبیینی از مبانی «تفاهم» در نقد هرمنوتیک فلسفی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: مسئله «علم» و «فهم» از مباحث فلسفی است که ابعاد مختلفی نیز دارد. ازجمله ابعاد بحث فهم، بین‌الذهانی شدن فهم است که از آن به «تفاهم» یاد می‌گردد. شاید این‌گونه به نظر رسد که براساس متفاهم عرفی، تردیدی در امکان، بلکه وقوع «تفاهم» وجود ندارد. اما با دقت نظر فلسفی می‌توان گفت ابعاد مختلفی از مسئله تفاهم در معرض چالش‌های جدی قرار دارد؛ برای مثال هرگونه نسبی شمردن فهم در برابر فاعل شناسا عملاً راه را برای تحقق هرگونه تفاهمی خواهد بست. بنابراین دفاع از امکان و تحقق تفاهم در گرو تبیین و دفاع از مبانی معرفت‌شناختی خاصی مانند رد نسبی‌گرایی است. ازاین‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که با تأکید بر دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی، از متفکران معاصر که به مباحث معرفت‌شناختی توجه جدی داشته است، مبانی معرفت‌شناختی تفاهم چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، فهم، تفاهم، گادامر، مصباح یزدی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴/۵.

۵۰. بررسی نقش اراده در معرفت از منظر فیلسوفان مسلمان

سؤال: از منظر فیلسوفان مسلمان چه تبیینی از نقش اراده در شکل‌گیری و اعتبار معرفت می‌توان به دست داد؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث مهم معرفت‌شناسی، واکاوی عنصر «باور» است. بسیاری از معرفت‌شناسان با پذیرش نقش «باور» در شکل‌گیری معرفت، ابعاد مختلف باور را بررسی کرده‌اند. برخی دیگر مانند کیث لرر با رد نقش باور در شکل‌گیری معرفت، معتقدند آنچه برای دستیابی به معرفت لازم است، عنصر «پذیرش» است نه باور. در این میان، عده‌ای از

معرفت‌شناسان معاصر به این دیدگاه گرایش پیدا کرده‌اند که عنصر «باور» را امری اختیاری و ارادی در نظر بگیرند و از این‌رو بحث تأثیر اراده در معرفت را به میان بکشند. بنابراین خواه عنصر پذیرش را در معرفت دخیل بدانیم خواه عنصر باور را، با مسئله‌ای مواجه خواهیم بود که نقش امور غیر معرفتی مانند حالات ذهنی مثل اراده در معرفت را واکاوی کنیم. از منظر فیلسوفان مسلمان چه تبیینی از نقش اراده در شکل‌گیری و اعتبار معرفت می‌توان به دست داد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، اراده، صدق، فلسفه اسلامی، معرفت.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۵۱. بررسی اعتبار معرفتی «عُرف» بر اساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: بر اساس مبانی حکمت متعالیه، چه تبیینی از اعتبار معرفت مبتنی بر عُرف می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در مباحث معرفت‌شناسی، راه‌های مختلفی برای دستیابی به معرفت ذکر می‌شود. حس، عقل، شهود، تجربه، نقل، از جمله این راه‌هاست. در کنار این راه‌های متداول معرفت، به راه‌هایی مانند عُرف نیز اشاره می‌شود. بسیاری از معرفت‌شناسان غربی بر این باورند که «عُرف» می‌تواند راهی برای رسیدن به معرفت باشد. اما عُرف تنها زمانی می‌تواند معرفت معتبر به دست دهد که از شرایطی مانند مستند بودن، مستدل بودن یا بدیهی بودن برخوردار باشد. به عبارت دیگر اگر مطلب مطرح‌شده، مانند عُرف مستند به سخن حکیمی باشد که آن سخن واجد اعتبار معرفت‌شناختی است، یا مشتمل بر استدلالی باشد که صدق آن را تضمین می‌کند یا آنکه اساساً مطلب مذکور مطلبی بدیهی باشد، می‌توان آن را معتبر شمرد. به هر حال عُرف از آن جهت که عُرف است، منبع معرفتی مستقلی نیست. اما با توجه به تأکیدی که در متون و منابع معرفت‌شناسی غربی بر اعتبار عُرف شده، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر معرفت‌شناسی اسلامی ارزش و اعتبار معرفت‌شناختی عُرف چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، صدق، عُرف، فلسفه اسلامی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۲۵.

۵۲. بررسی «مبناگرایی» در مدرکات عقل عملی از منظر فیلسوفان مسلمان

سؤال: بر اساس دیدگاه ابن‌سینا چه تبیینی از کاربری مبناگرایی در مدرکات عقل عملی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در مباحث معرفت‌شناسی هنگام بررسی عقل، آن را به دو ساحت عملی



و نظری تقسیم می‌کنند. تقریباً نزد عموم معرفت‌شناسان مسلمان این نکته پذیرفته شده است که در ساحت عقل نظری می‌توان از مبنای دفاع کرد و آن را به کار بست (استاد حسین زاده یزدی - دانشمند برجسته معرفت‌شناسی اسلامی - مبنای گروهی را معادل مبنای تریج می‌دهند و درست هم همین است). اما درباره اینکه گزاره‌های عقل عملی چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند و آیا می‌توان رابطه میان آن‌ها را براساس مبنای تبیین کرد یا نه، اختلاف نظر وجود دارد؛ برای نمونه برخی همچون علامه مصباح یزدی ضمن اشاره به برخی بدیهیات عقل عملی بر این باورند که می‌توان گزاره‌های غیربدیهی عقل عملی را از طریق مبنای به اصول بدیهی عقل عملی مانند «عدالت حسن است» بازگرداند. اما این نظریه خالی از چالش نیست، در آثار فیلسوفان مباحثی مطرح شده است که گویای آن است که از نظر او گزاره‌های عقل عملی بر پایه مشهورات شکل گرفته است. در اینجا این پرسش مطرح می‌گردد که آیا می‌توان مجموعه‌ای از گزاره‌ها را در شمار مشهورات دانست و درعین حال میان آن‌ها مبنای را جاری شمرد. به عبارت دیگر از منظر فیلسوفان مسلمان چه تبیینی از کاربرد مبنای در مدرکات عقل عملی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مبنای، عقل عملی، توجیه، فیلسوفان مسلمان.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴/۲۵.

۵۳. بررسی لوازم معرفت‌شناختی تفاسیر مختلف اصالت وجود

سؤال: براساس یک پژوهش تحلیلی تفاسیر پنج‌گانه اصالت وجود، چه لوازم معرفت‌شناختی به دنبال دارند؟

تبیین مسئله: فلسفه اسلامی به مباحث گسترده‌ای می‌پردازد. از مباحث هستی‌شناختی گرفته تا مباحث علم‌النفس، جملگی در مباحث فلسفه اسلامی مورد توجه‌اند؛ برای نمونه در هستی‌شناسی متعالیه، طرح اصالت وجود، تشکیک وجود و ربط علّی، ساختار خاصی به مباحث هستی‌شناختی بخشیده است. در مباحث معرفت‌شناسی نیز تقسیم معرفت به حضوری و حصولی، دفاع از نظریه مطابقت و... معرفت‌شناسی اسلامی را از معرفت‌شناسی نزد فیلسوفان غربی متمایز ساخته است. یکی از اضلاع مباحث فلسفی توجه به رابطه میان قلمروهای مختلف مباحث فلسفی است. فلسفه، مباحث گسترده‌ای از هستی‌شناسی گرفته تا معرفت‌شناسی و علم‌النفس را شامل می‌شود. در مواردی، یک مسئله در قلمروهای مختلف

بررسی می‌شود؛ برای مثال مسئله معرفت، در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و نیز در علم‌النفس و اکاوی می‌شود. افزون بر اینکه مباحث مهمی درباره تقدم یا تأخر هر کدام از این قلمروها بر دیگری قابل طرح است، می‌توان دلالت‌های هر کدام از این قلمروها بر دیگری را نیز واکاوی کرد؛ برای نمونه مبانی هستی‌شناختی، مثل اصالت وجود چه دلالت‌هایی در مباحث معرفت‌شناسی دارد؟ یا اینکه فاعل شناسا را موجودی مجرد بدانیم که احکام موجود مجرد را دارد، چه آثاری در مباحث راه‌های معرفت می‌تواند به دنبال داشته باشد. طرح تفسیرهای مختلف از مباحث فلسفی، زمینه را برای مطالعات عمیق‌تر فراهم ساخته است. روشن است که پرداختن به این مباحث می‌تواند باعث پربار شدن مباحث فلسفی شود. از این رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که تفسیرهای مختلف اصالت وجود چه دلالت‌های در مباحث معرفت‌شناسی دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، اصالت وجود، صدق، توجیه، مطابقت، حکمت متعالیه.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۵۴. بررسی تطبیقی «برون‌شد» ابن‌سینا و ملاصدرا از مشکل خودتنهاگروی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا درباره «برون‌شد» از چالش خودتنهاگروی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در معرفت‌شناسی غربی «سوبجکتیویسم» است. این نگرش که بعد از فلسفه دکارت در فلسفه غرب مطرح شد و رفته‌رفته توسعه یافت، هرگونه شناخت و معرفتی را برخاسته از فاعل شناسا می‌داند و راهی مستقیم و بی‌واسطه برای شناخت واقعیت عینی قائل نیست. تعمیق این نگرش، سرانجام به بحث «خودتنهاگروی» در معرفت‌شناسی معاصر انجامید که براساس انسان فاعل شناسا هیچ‌گونه روزنه‌ای به خارج از خود ندارد. روشن است که با گسترش این دیدگاه، راه برای واقع‌گرایی معرفت‌شناختی بسته خواهد شد. از سوی دیگر در فلسفه اسلامی، اعم از حکمت مشاء، حکمت اشراق، و حکمت متعالیه، بر واقع‌گرایی معرفت‌شناختی تأکید می‌شود. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که استدلال‌های در دفاع از خودتنهاگرویی چالشی برای واقع‌گرایی معرفت‌شناختی خواهد بود. باتوجه به اینکه در آثار ابن‌سینا و ملاصدرا پاسخ‌هایی برای این دست از چالش‌ها می‌توان یافت، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس یک پژوهش تطبیقی



چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا درباره برون‌شد از چالش خودتنهاگروی یافت می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، خودتنهاگروی، جهان خارج، سوبجکتیویسم، ملاصدرا.
قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴/۵.

۵۵. بررسی تطبیقی «ام‌القضایا» در نگرش آیت‌الله جوادی آملی و دکتر احمد احمدی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و دکتر احمد احمدی درباره «ام‌القضایا» وجود دارد؟

تبیین مسئله: تأکید بر وجود اصول بدیهی عقلی از مسائل مهم معرفت‌شناسی اسلامی است که افزون‌بر اینکه هیچ‌گونه شک و تردیدی در اعتبار آن وجود ندارد، پایه و مبنایی برای واقع‌گرایی معرفت‌شناختی و تأمین اعتبار سایر گزاره‌ها شمرده می‌شوند. در متون و منابع اسلامی، از اصلی که پایه و اساس سایر گزاره‌ها شمرده می‌شود، به ام‌القضایا تعبیر می‌شود. در طول تاریخ فلسفه اسلامی، تلقی رایج این بوده است که اصل عدم‌تناقض مصداق ام‌القضایاست. اما رفته‌رفته تردیدهایی در این باره مطرح شده است و برخی از نویسندگان مانند دکتر احمد احمدی، قضیه هوهویت را ام‌القضایا معرفی می‌کند. باتوجه‌به اهمیت این مسئله از منظر معرفت‌شناسی مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی میان دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و دکتر احمد احمدی درباره ام‌القضایا وجود دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، ام‌القضایا، اصل عدم‌تناقض، اصل هوهویت، جوادی آملی، احمد احمدی.
قالب: مقاله. اولویت: ۳/۵.

۵۶. بررسی کاربست مشاهدات در مقدمات قیاس برهانی

سؤال: چگونه می‌توان به‌نحو معقولی مشاهدات را مقدمه‌ای برای قیاس برهانی به‌کار گرفت؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم فلسفی، بحث روش‌شناسی است. براساس مبانی فلسفه اسلامی (حکمت مشاء، حکمت اشراق، و حکمت متعالیه) روش برهانی، روش معتبری برای کشف واقعیت و حل مسائل فلسفی است و برپایه آنچه در متون و منابع منطقی بیان شده است، مقدمات برهان باید از «یقینیات» باشد. چنین برهانی می‌تواند در مقام «داوری»

پایه حل مسائل فلسفی باشد.^۱ اما ازسوی دیگر برخی از حکما مانند علامه مصباح یزدی معتقدند که یقینی بودن مشاهدات به اثباتی برهانی نیاز دارد و این برهان بر برخی حدوسط‌ها استوار است که چه‌بسا چنین حدوسط‌هایی خالی از اشکال نباشد. حال اگر نتوان حدوسط معتبری برای اثبات اعتبار مشاهدات یافت، اعتبار مشاهدات اثبات نخواهد شد. اکنون پرسش این است که چه تبیینی از نقش «مشاهدات» در روش‌شناسی فلسفه اسلامی می‌توان ارائه کرد که در مقام «داوری» نیز به کار گرفته شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مشاهدات، صدق، توجیه، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴، ۳.

۵۷. بررسی روش‌شناسی استاد مصباح در تبیین و حل مسائل معرفت‌شناختی

سؤال: روش‌شناسی علامه مصباح یزدی در حل مسائل معرفت‌شناختی چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: اگرچه مباحث معرفت‌شناسی به‌صورت پراکنده در متون و منابع فلسفه اسلامی مورد توجه بوده است، چند دهه پیشتر، از توجه استقلالی به این مباحث نمی‌گذرد. آنچه در خلال این چند دهه به دست آمده است، مباحثی بسیار غنی به‌ویژه در مقایسه و تطبیق با معرفت‌شناسی معاصر غربی است. مباحثی همچون نظریه‌های توجیه، نظریه‌های صدق و بررسی شبهات مبنای‌گرایی ازجمله مسائل مهمی است که در معرفت‌شناسی معاصر اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. یکی از متفکران اسلامی که در دوره اخیر توجه خاصی به معرفت‌شناسی داشته است و در این زمینه چندین اثر از خود به جای گذاشته است، علامه مصباح یزدی است. مرور آثار ایشان نشان می‌دهد که در مواردی به جدیدترین مسائل معرفت‌شناسی معاصر پرداخته است. با وجود این تلاش‌ها، همچنان برخی از مباحث وجود دارد که توجه بیشتری ازسوی معرفت‌شناسان مسلمان می‌طلبد. برای مثال یکی از مسائل مهم معرفت‌شناسی واکاوی راه‌های معرفت است. در این مجموعه مسائل، به بررسی چیهستی و اعتبار راه‌های مختلف معرفت مانند راه حس، راه شهود، راه عقل پرداخته می‌شود. روشن است که هرگونه بررسی و پژوهش درباره یک مسئله علمی به «روش» نیاز دارد. به‌عبارت دیگر، بدون استفاده از روش، در بررسی و حل مسائل علمی ناکام خواهیم بود. این مهم اقتضا می‌کند

۱. ر.ک: عبودیت، نظام حکمت صدرایی، ج ۱، ص ۶۴.



در بررسی مسائل معرفت‌شناسی از جمله مسائل مربوط به راه‌های شناخت نیز به دنبال یک «روش» باشیم. معضل علمی دقیقاً همین‌جا مطرح می‌شود که در بخشی از معرفت‌شناسی به دنبال بررسی راه‌ها و روش‌های معتبر علمی هستیم و از سوی دیگر برای همین پژوهش نیز به «روش» نیاز داریم! اینجاست که گونه‌ای از مصادره آشکار می‌گردد. پرسشی که در اینجا مطرح است اینکه روش‌شناسی علامه مصباح یزدی برای بررسی و پژوهش در مسائل معرفت‌شناسی چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، بداهت، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۵۸. بررسی همراهی علم حضوری با علم حصولی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، همراهی علم حضوری با علم حصولی چه لوازمی دارد؟

تبیین مسئله: در معرفت‌شناسی اسلامی بعد از آنکه در مباحث معرفت‌شناسی علم به دو قسم حضوری و حصولی تقسیم می‌گردد، به بررسی احکام و ویژگی‌های هر کدام از این دو قسم پرداخته می‌شود. در بیان تفاوت‌های این دو علم نیز موارد متعددی ذکر می‌شود. تأکید بر تفاوت‌های میان این دو قسم علم به گونه‌ای است که چه‌بسا این تصور به وجود آید که اساساً این دو گونه علم دو قلمروی کاملاً مجزا و متفاوت را تشکیل می‌دهند در حالی که علم حضوری و علم حصولی افزون بر اینکه دارای وجوهی از شباهت‌اند، از ویژگی خاصی برخوردارند و آن «همراهی» است؛ یعنی فاعل شناسا، در مواردی از علم حصولی، از علم حضوری نیز برخوردار است و به عبارت دیگر یک معلوم را به دو شیوه متفاوت درک می‌کند. اما پرسش‌های زیادی درباره همراهی علم حضوری و علم حصولی می‌توان مطرح ساخت. برای مثال آیا در میان این دو علم، همراه یکی بر دیگری برتری دارد؟ آیا تفاوتی میان معلوم‌های این دو گونه علم وجود ندارد؟ و این همراهی چه دلالت‌ها و لوازم معرفت‌شناختی می‌تواند به دنبال داشته باشد؟ یکی از متفکران اسلامی که توجه خاصی به مباحث معرفت‌شناسی داشته است و جسته و گریخته بسیاری از این پرسش‌ها را در آثار خود مورد توجه قرار داده است، علامه طباطبائی است. براین اساس می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، همراهی علم حضوری و علم حصولی چه دلالت‌ها و لوازمی را به دنبال دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، علم حضوری، علم حصولی، تفسیر، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۷۵.

۵۹. بررسی ارجاع علم حصولی به علم حضوری از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان ارجاع علم حصولی به علم حضوری چگونه تبیین می‌گردد؟

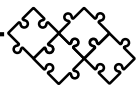
تبیین مسئله: از مباحث مهم معرفت‌شناسی اسلامی، تقسیم علم به حضوری و حصولی است. در معرفت‌شناسی اسلامی، بعد از تقسیم علم به حضوری و حصولی، به تفصیل به بررسی ویژگی‌های هر کدام از این دو قسم پرداخته می‌شود، و در ادامه، رابطه میان علم حصولی و حضوری بررسی می‌شود. این بحث از زمان علامه طباطبائی مورد توجه جدی فیلسوفان قرار گرفته است. براساس یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که درباره رابطه میان این دو علم مطرح شده است، هرگونه علم حصولی به علم حضوری باز می‌گردد. اگرچه اصل بازگشت علم حصولی به علم حضوری میان بسیاری از متفکران معاصر پذیرفته شده است، درباره چگونگی و کیفیت ارجاع علم حصولی به علم حضوری اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد. در این میان، علامه مصباح یزدی، این ارجاع را از باب لزوم تبیین صدق گزاره‌های بدیهی می‌داند، درحالی‌که برخی دیگر هرگونه علم حصولی اعم از تصویری و تصدیقی را قابل ارجاع به علم حضوری می‌دانند. به‌هرحال مناسب است این پرسش بررسی شود که با تأکید بر دیدگاه‌های علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه تبیینی از نحوه ارجاع علم حصولی به علم حضوری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، علم حضوری، علم حصولی، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۵.

۶۰. بررسی عوامل مؤثر در شدت و ضعف علوم حضوری از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، چه عواملی در شدت و ضعف علوم حضوری تأثیرگذار است؟

تبیین مسئله: از مباحث مهم معرفت‌شناسی اسلامی، تقسیم علم به حضوری و حصولی



است. در معرفت‌شناسی اسلامی، بعد از تقسیم علم به حضوری و حصولی به تفصیل به بررسی ویژگی‌های هر کدام از این دو قسم پرداخته می‌شود. از جمله ویژگی‌هایی که برای علم حضوری بیان شده است، «خطاناپذیری»، «همراهی با علم حصولی»، و «شدت و ضعف داشتن» است. درباره ویژگی شدت و ضعف داشتن علم حضوری به این نکته پرداخته شده است که اگرچه عمده افراد واجد علوم حضوری هستند، چه بسا علم حضوری یک فرد حتی درباره یک موضوع نسبت به علم حضوری فرد دیگر درباره همان موضوع متفاوت باشد. این تفاوت نه به تفاوت متعلق شناخت، بلکه به تفاوت کیفیت شناخت بازمی‌گردد. به عبارت دیگر هرچند هر دو فاعل شناسا براساس علم حضوری، بر اصل یک مطلب توافق داشته باشند، اما درباره کیفیت آن با هم اختلاف دارند. در مواردی می‌توان با عواملی مواجه شد که باعث شدت و ضعف علم حضوری می‌شوند، مانند میزان توجه فاعل شناسا به موضوع معرفت. علامه طباطبائی یکی از متفکران معاصر است که در خلال آثار خود به مباحث معرفت‌شناسی و به‌ویژه علم حضوری توجه کرده است. شاگردان ایشان نیز این سیر بحث را دنبال کرده‌اند و البته در مواردی به دیدگاه‌های متفاوتی رسیده‌اند. حال می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه عواملی در شدت و ضعف علم حضوری دخالت دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، علم حضوری، علم حصولی، اصل تشکیک، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده، آیت‌الله جوادی آملی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۵.

۶۱. بررسی عوامل غفلت فاعل شناسا از دستیابی به علم حضوری از علت خود از منظر فلاسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلاسفه اسلامی، چه عواملی در غفلت فاعل شناسا از دست یافتن به علم حضوری از علت هستی‌بخش خود مؤثر است؟

تبیین مسئله: در مباحث معرفت‌شناسی اسلامی افزون‌بر آنکه مسائل معرفت‌شناختی مانند معرفت و اقسام آن بررسی می‌شوند، به رابطه میان مباحث معرفت‌شناسی و سایر قلمروهای فلسفی نیز توجه می‌شود. برای نمونه معرفت‌شناسان مسلمان هنگام بررسی اقسام علم حضوری به «علم حضوری به علت هستی‌بخش» نیز توجه کرده‌اند. مقصود از این علم حضوری آن است که فاعل شناسا اگر از شبهات و القائات نادرست دور باشد، خواهد توانست

با علم حضوری، نیازمندی خود به یک علت هستی‌بخش را بیابد. به عبارت دیگر در هر فاعل شناسا این ظرفیت وجود دارد که خداوند را از راه علم حضوری و از طریق معرفت بدون واسطه مفهوم ذهنی بیابد. فلاسفه اسلامی در مطاوی آثار خود بر این گونه از علم تأکید کرده است و به توضیح ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که در عمل، برخی از افراد مدعی هستند که هیچ‌گونه شناخت حضوری از علت هستی‌بخش خود ندارند. معرفت‌شناسان مسلمان در تجزیه و تحلیل این مسئله به این نکته اشاره می‌کنند که عواملی وجود دارد که می‌تواند زمینه دستیابی به علم حضوری به خداوند را از میان ببرد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که از منظر فلاسفه اسلامی کدام عوامل می‌تواند موجب غفلت فاعل شناسا از دستیابی به علم حضوری از علت هستی‌بخش گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، علم حضوری، علم حصولی، حکمت متعالیه، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۷۵.

۶۲. بررسی تحلیلی - انتقادی نظریه علامه مصباح یزدی مبنی بر تقدم معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی

سؤال: نظریه علامه مصباح یزدی درباره تقدم معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه اسلامی، معرفت‌شناسی است. در خلال مباحث معرفت‌شناسی به بررسی تعریف معرفت، اقسام معرفت، راه‌های معرفت و... پرداخته می‌شود. مباحث معرفت‌شناسی با سایر مباحث فلسفی مانند هستی‌شناسی و انسان‌شناسی نیز مرتبط است. می‌توان با تمرکز بر رابطه معرفت‌شناسی با سایر حوزه‌های فلسفی به مسائلی جدید در قلمرو فلسفه دست یافت. برای مثال یکی از مسائل مهمی که درباره رابطه معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مطرح است، این است که کدامیک از این شاخه‌های علمی بر دیگری تقدم دارد؟ به عبارت دیگر، کدامیک از این قلمروها، مبادی تصویری یا مبادی تصدیقی شاخه‌های دیگر را تأمین می‌کند. علامه مصباح یزدی بر این اعتقاد هستند که مادام که ما پاره‌ای از مسائل معرفت‌شناختی را حل‌وفصل نکنیم، زمینه برای پرداختن به مباحث هستی‌شناسی فراهم نخواهد شد. به عبارت دیگر، حل نهایی مسائل هستی‌شناختی در گرو حل برخی مسائل معرفت‌شناختی مانند امکان معرفت، و ارزش معرفت است. درمقابل، ممکن است عده‌ای این نظریه را مطرح سازند که اساساً معرفت‌شناسی زمانی



سامان می‌یابد که موضوعی برای این دانش وجود داشته باشد. به عبارت دیگر نخست باید وجود موضوع برای دانش معرفت‌شناسی احراز گردد، تا بتوان بحثی معرفت‌شناختی را آغاز کرد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که نظریه علامه مصباح یزدی درباره تقدم معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی چگونه تجزیه، تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، تقدم معرفت، مصباح یزدی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۳. بررسی مؤلفه‌های معرفت تجربی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی مؤلفه‌های معرفت تجربی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث معرفت‌شناختی بررسی راه‌های معرفت است. در عموم کتاب‌های معرفت‌شناسی دست‌کم به هفت راه معرفت اشاره می‌شود. یکی از راه‌های دستیابی به معرفت، «تجربه» است. در تعریف تجربه گفته شده است که شیوه‌ای از تحصیل معرفت است که از راه جمع‌آوری مشاهدات متعدد، در راستای رسیدن به علت پدیده‌های حسی انجام می‌گیرد. اما دقت در موارد و مصادیق تجربه نشان می‌دهد که نباید به این تعریف ساده و ابتدایی بسنده کرد و لازم است با تجزیه و تحلیل فرایند تجربه، به دقت مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تجربه را شناسایی کرد. استقصای مؤلفه‌های تجربه می‌تواند راه را برای بررسی و واکاوی ارزش معرفت‌شناختی آن هموار سازد. یکی از محققان معاصر که به تفصیل به بررسی ماهیت و اعتبار تجربه و ارزیابی معرفت تجربی پرداخته است، علامه مصباح یزدی است. براین اساس می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر علامه مصباح یزدی، مؤلفه‌های معرفت تجربی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، تجربه، استقرا، صدق، توجیه، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۴. بررسی رابطه علی میان توجیه و صدق از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی رابطه علیت میان توجیه و صدق چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در زمینه معرفت‌شناسی، مسئله تعریف معرفت است. معرفت‌شناسان غربی، با تمرکز بر مسئله تعریف معرفت، عمدتاً به بررسی تعریف سه‌جزئی

معرفت پرداخته‌اند که براساس آن معرفت عبارت است از «باور صادق موجه». آنان در ادامه به واکاوی هریک از این عناصر پرداخته‌اند و نظریه‌های مختلفی را درباره چیستی صدق، چیستی توجیه و... مطرح کرده‌اند. یکی از مباحث جدی که در این زمینه مطرح شده است، مسئله رابطه میان عنصر «صدق» و عنصر «توجیه» است. در این بحث به واکاوی این پرسش پرداخته می‌شود که رابطه میان صدق و توجیه چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟ برخی از معرفت‌شناسان معاصر این نظریه را مطرح کرده‌اند که عنصر «صدق» با عنصر «توجیه» رابطه علیت دارد. به عبارت دیگر، توجیه، معلول صدق است. اما این نظریه به رغم قوت‌هایی که دارد و می‌تواند برخی از شبهات معرفت‌شناسی را پاسخ دهد، ابهام‌هایی نیز دارد. برای مثال آیا علیت در میان پدیده‌های خارجی است، یا در میان پدیده‌های ذهنی و نیز میان پدیده‌های ذهنی و خارجی نیز می‌توان علیت را مطرح ساخت؟ باتوجه به اینکه در سنت فلسفه اسلامی علامه مصباح یزدی از جمله محققانی است که به بررسی تفصیلی مباحث معرفت‌شناسی تطبیقی پرداخته است، می‌توان این سؤال را مطرح ساخت که از منظر علامه مصباح یزدی نظریه رابطه علی میان صدق و توجیه چگونه تجزیه، تحلیل، و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مطابق با واقع، صدق، توجیه، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه.

اولویت: ۴.

۶۵. بررسی عنصر «باور» در تعریف سه‌جزئی معرفت از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به درج عنصر باور در تعریف سه‌جزئی معرفت وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث معرفت‌شناختی، بررسی تعریف معرفت است. معرفت‌شناسان غربی، با تمرکز بر تعریف سه‌جزئی معرفت، تلاش کرده‌اند این عناصر سه‌گانه را واکاوی کنند. از این رو به سه عنصر «باور»، «توجیه» و «صدق» پرداخته‌اند. در میان عناصر سه‌گانه معرفت، عنصر صدق و عنصر توجیه اهمیت بیشتری یافته‌اند. اما لازم است به عنصر باور توجه خاصی داشت؛ زیرا افزون بر اینکه ابهام‌هایی درباره چیستی باور مطرح است، اساساً این پرسش مطرح است که باور به هر معنایی، از جمله اعتقاد قلبی، پذیرش، تمایل باطنی و... که باشد، چگونه می‌تواند عنصری در معرفت شمرده شود؟ به عبارت دیگر لازم است میان مباحث معرفت‌شناختی و مباحث روان‌شناختی تمایز نهاد، و این گونه به نظر می‌رسد که عنصر باور



بیشتر از آنکه عنصری معرفت‌شناختی باشد، عنصری روان‌شناختی است. بنابراین چه‌بسا نتوان آن را یکی از ارکان معرفت دانست. اینجاست که علامه مصباح یزدی به‌رغم پذیرش این نکته که چه‌بسا در عموم موارد، همراه معرفت چیزی از سنخ باور و پذیرش نیز وجود داشته باشد، نمی‌توان این سنخ امور را «رکن» باور شمرد. اکنون می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به یکی از ارکان معرفت دانستن باور، وارد است. **کلیدواژه:** معرفت‌شناسی، تعریف معرفت، باور، اذعان، اعتقاد، مصباح یزدی. **قالب:** مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۴.

۶۶. بررسی دیدگاه فومرتن^۱ درباره رابطه میان توجیه و صدق

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چه نقدهایی بر نگرش فومرتن درباره رابطه میان توجیه و صدق وارد است؟

تبیین مسئله: در مباحث معرفت‌شناسی، به‌تفصیل به واکاوی عناصر سه‌گانه تعریف معرفت پرداخته می‌شود. این عناصر عبارت است از «باور صادق موجه». در معرفت‌شناسی، افزون‌بر بررسی هرکدام از این عناصر، به واکاوی رابطه میان این عناصر نیز پرداخته می‌شود. فومرتن یکی از معرفت‌شناسان معاصر غربی است که به بررسی رابطه میان عنصر صدق و عنصر توجیه پرداخته است. به باور او باید صدق را علت توجیه بدانیم. وی که خود را یک واقع‌گرا به شمار می‌آورد و از نظریه مطابقت در صدق دفاع می‌کند، باورهای پایه را از میان باورهای تجربی برمی‌گزیند و به این صورت تلاش می‌کند رابطه‌ای علی میان باورهای پایه تجربی از یک‌سو و صدق به‌مثابه مطابقت از سوی دیگر برقرار کند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که با تمرکز بر نظریه فومرتن درباره رابطه میان صدق و توجیه چه نقدهایی به نظریه او وارد است؟ **کلیدواژه:** معرفت‌شناسی، صدق، توجیه، فومرتن. **قالب:** پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۷. بررسی رابطه اراده و عقل عملی از منظر ملاصدرا

سؤال: از منظر مبانی ملاصدرا، چه رابطه‌ای میان اراده و عقل عملی وجود دارد؟ **تبیین مسئله:** یکی از مباحث معرفت‌شناختی، چیستی معرفت است. در این بحث به

1. Richard Fumerton.

واکاوی ارکان و عناصر دخیل در معرفت پرداخته می‌شود. در معرفت‌شناسی غربی از سه عنصر به ارکان معرفت یاد شده است: «باور صادق موجه». برخی از معرفت‌شناسان غربی در توضیح باور، آن را پدیده‌ای ارادی در نظر گرفته‌اند. به باور آن‌ها از آنجاکه باور رکنی از ارکان معرفت است و باتوجه به اینکه باور امری ارادی است؛ در نتیجه اساساً معرفت امری ارادی است. درمقابل، برخی دیگر از معرفت‌شناسان بر این باورند که قلمرو معرفت با قلمرو امور ارادی تفاوت دارد. معرفت، امری غیرارادی است و برای مثال هنگامی که فردی چشمان خویش را باز کند، آنچه را درمقابل او قرار دارد، خواهد دید و بدان معرفت پیدا خواهد کرد و چنین نیست که برای حصول معرفت به آن، منتظر «اراده کردن» باشد. ازسوی دیگر، ملاصدرا که مؤسس نظام حکمت صدرایی است مباحث بسیاری را درباره گونه‌های ادراک عقلی مطرح ساخته که براساس آن، عقل به دو ساحت نظری و عملی تقسیم می‌گردد. اکنون پرسش این است که براساس نگرش ملاصدرا چه تبیینی از رابطه اراده و عقل عملی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، عقل عملی، اراده، معرفت، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۶۸. بررسی نظریه شبه محاکی به منزله راه حل مشکل اعتبار معرفت

سؤال: نظریه شبه محاکی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم معرفت‌شناسی، مسئله صدق است. درباره صدق، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. برخی از این نظریه‌ها عبارت است از نظریه انسجام، نظریه عمل‌گرایی و نظریه مطابقت. به‌رغم پیشینه دوری که نظریه مطابقت در تاریخ معرفت‌شناسی وجود دارد، نظریه‌های دیگری نیز مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به نظریه «شبه محاکی» اشاره کرد. برخی از فیلسوفان مسلمان برای پرهیز از دشواری‌ها و چالش‌های نظریه مطابقت به سراغ ارائه نظریه‌ای رفته‌اند که براساس آن صورت‌ها و مفاهیم ذهنی چیزی جز شبه‌واقعیت‌های خارجی نیستند، البته این به‌معنای بی‌اعتباری «شبه‌ها» نیست؛ زیرا این شبه‌ها واجد عنصر حکایتگری هستند. صرف‌نظر از اینکه آیا این نظریه می‌تواند همه مشکلات معرفت‌شناختی را حل کند یا نه، به‌هر حال مناسب است به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر معرفت‌شناسی اسلامی نظریه شبه محاکی چگونه ارزیابی می‌شود؟



کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مطابقت، تطابق عوالم، مراتب وجود، نفس الامر.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۶۹. بررسی چالش شخصی بودن علم حضوری از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه پاسخی به چالش شخصی بودن علم حضوری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در معرفت‌شناسی اسلامی، معرفت به دو قسم حضوری و حصولی تقسیم می‌شود. معرفت حضوری، معرفتی بدون واسطه مفهومی از یک واقعیت است؛ درحالی‌که معرفت حصولی، معرفتی است که به واسطه صورت ذهنی به‌دست می‌آید. ازجمله ویژگی‌های علم حضوری «خطاناپذیری» آن است. این ویژگی زمینه را برای پاسخ به بسیاری از شبهات معرفت‌شناسی، به‌ویژه در قلمرو نظریه صدق و مطابقت فراهم می‌سازد؛ ازاین‌رو ظرفیت بسیار بالایی برای معرفت‌شناسی اسلامی در قیاس با معرفت‌شناسی غربی در مواجهه با چالش‌ها فراهم می‌کند. اما نکته مهمی که درباره علم حضوری مطرح شده این است که علم حضوری، معرفتی شخصی است و قابلیت ورود به عرصه بین‌الذهانی را ندارد. به عبارت دیگر، اگرچه علم حضوری معتبر است اعتبار آن به قلمرو شخصی محدود است و نمی‌توان از آن برای حل چالش‌های جدی معرفت‌شناسی بهره برد. مدافعان اعتبار علم حضوری در مقام دفاع برآمده، و راه‌حلی را برای این چالش ذکر کرده‌اند. یکی از محققانی که دراین زمینه به تفصیل به بحث و بررسی پرداخته است، علامه مصباح یزدی است. براین اساس پرسش این است که از منظر علامه مصباح یزدی چه پاسخی به چالش شخصی بودن علم حضوری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، علم حضوری، شهود، صدق، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۷۰. بررسی عوامل مؤثر در توجه، عاملی برای شدت علم حضوری

سؤال: براساس معرفت‌شناسی صدرایی چه عواملی در افزایش میزان توجه، عاملی است برای شدت علم حضوری، نقش دارند؟

تبیین مسئله: در معرفت‌شناسی اسلامی به مباحثی همچون چیستی معرفت، اقسام معرفت، راه‌های معرفت پرداخته می‌شود. در بحث چیستی معرفت، چیستی معرفت و ارکان

آن تجزیه و تحلیل می‌شود. از جمله مسائلی که از عناصر معرفت معرفی شده است، «توجه» است. مرور آثار معرفت‌شناسان مسلمان نشان می‌دهد که بحث مستقلاً درباره چیهستی توجه و چگونگی تأثیر آن در شکل‌گیری معرفت انجام نشده است. در این زمینه می‌توان این پرسش‌ها را مطرح ساخت: توجه امری بسیط است یا مرکب؟ اگر توجه امر مرکب باشد، عناصر تشکیل‌دهنده آن چیست؟ آیا توجه شدت و ضعف دارد؟ در صورتی که توجه دارای شدت و ضعف است، عواملی که باعث این شدت و ضعف می‌شود، کدام است؟ باتوجه به اینکه در حکمت صدرایی توجه خاصی به مسئله معرفت شده است، می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد: براساس معرفت‌شناسی اسلامی چه عواملی به افزایش میزان توجه و در نتیجه آن، شدت علم حضوری می‌انجامد؟

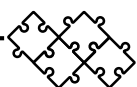
کلیدواژه: معرفت‌شناسی، اذعان، توجه، صدق، توجیه، فلسفه اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۷۱. بررسی چالش «مغز درون خمره» براساس معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی اسلامی چه پاسخی به چالش «مغز درون خمره» می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: مباحث معرفت‌شناسی از قلمروهای فلسفه است. در دهه‌های اخیر متفکران مسلمان به تفصیل به واکاوی مسائل معرفت‌شناختی پرداخته‌اند و در این زمینه، ضمن توجه به معرفت‌شناسی غربی، به چالش‌های مطرح در معرفت‌شناسی غربی نیز پاسخ گفته‌اند. در این میان برخی از چالش‌های مطرح‌شده از دقت و تأثیر بسیار زیادی برخوردار هستند، به گونه‌ای که عدم مواجهه انتقادی با آن‌ها به انکار معرفت خواهد انجامید. یکی از این چالش‌ها، مسئله «مغز درون خمره» است که از سوی رابرت نوزیک معرفت‌شناس معاصر غربی مطرح شده است. وی این احتمال را مطرح می‌کند که از کجا ما انسان‌ها برخلاف آنچه می‌پنداریم مغزی درون یک خمره نباشیم که با الکترودهای متصل به مغز از سوی دیگران کنترل می‌شویم و در حقیقت رفتار و گفتار و هرگونه کنش و واکنشی که از ما سر می‌زند، برخاسته از دستوراتی باشد که از طریق الکترودهای متصل به مغز، به ما القا می‌گردد. روشن است که پاسخ به این پرسش کار ساده‌ای نیست و نیازمند تحقیق دقیق و عمیقی است. از این رو پرسش این است که براساس معرفت‌شناسی اسلامی چالش مغز درون خمره چگونه تجزیه، تحلیل و ارزیابی می‌شود؟



کلیدواژه: معرفت‌شناسی، دیو شیر، مغز درون خمره، شکاکیت، نوزیک، فلسفه اسلامی.
قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۷۲. بررسی چالش‌های کواين بر مبنای‌گرایی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی صدرایی چه پاسخی به چالش‌های کواين به مبنای‌گرایی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در مباحث معرفت‌شناسی به مباحث مختلفی از جمله ارکان معرفت پرداخته می‌شود. عموم معرفت‌شناسان، بارو، صدق، و توجیه را سه رکن معرفت می‌شناسند. بررسی هر کدام از این عناصر سه‌گانه بخش مهمی از ادبیات معرفت‌شناسی را تشکیل می‌دهد. برای مثال درباره عنصر توجیه این پرسش بررسی می‌شود که نظریه‌های توجیه کدام است؟ عموم متفکران اسلامی، مبنای‌گرایی را نظریه‌ای مختار در توجیه می‌دانند و از آن دفاع می‌کنند. امروزه در معرفت‌شناسی غربی چالش‌های جدی درباره اعتبار مبنای‌گرایی مطرح شده است که بخش مهمی از آن، چالش‌هایی است که کواين، معرفت‌شناس معاصر غربی، مطرح کرده است. باتوجه به اهمیت نظریه مبنای‌گرایی در معرفت‌شناسی صدرایی، جای طرح و بررسی این پرسش وجود دارد که چالش‌هایی که کواين درباره نظریه مبنای‌گرایی مطرح کرده است براساس معرفت‌شناسی صدرایی چگونه تجزیه، تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مبنای‌گرایی، انسجام‌گرایی، کواين، ملاصدرا.
قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۷۳. بررسی انتقادی نظریه پرسپکتیو نیچه^۱ از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی اسلامی چه انتقادهایی بر نظریه پرسپکتیو نیچه مطرح می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در معرفت‌شناسی، مسئله رابطه ذهن و عین است. در فلسفه اسلامی با تأکید بر امکان معرفت واقع‌نما، دخالت ذهن در برخی از معرفت‌ها به کلی انکار می‌شود؛ هرچند امکان تأثیر ذهن در پاره‌ای از معرفت‌ها نفی نمی‌شود. قلمرویی که هیچ‌گونه نقشی در هویت معرفت و اعتبار آن پذیرفته نمی‌شود، معرفت‌های پایه یا همان بدیهیات است. در مقابل، در سنت غربی، و به‌ویژه بعد از ظهور ایمانوئل کانت تأکید بسیاری

1. Friedrich Wilhelm Nietzsche.

بر نقش ذهن در شکل‌گیری و اعتبار معرفت مطرح شده است. از جمله نویسندگانی که بر نقش ذهن در شکل‌گیری معرفت تأکید کرده است، نیچه است. نیچه به طرح نظریه خود دایر بر افق‌مند بودن ذهن بر استحالۀ هرگونه معرفت واقع‌نما تأکید کرده است. باتوجه‌به چالش‌هایی که این دیدگاه نیچه درباره معرفت‌های بدیهی مطرح می‌سازد، مناسب است به بررسی دیدگاه او از منظر معرفت‌شناسی صدرایی بپردازیم، و به این پرسش پاسخ دهیم که براساس معرفت‌شناسی اسلامی چه انتقادهایی بر نظریه پرسپکتیو نیچه مطرح می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، شکاکیت، پرسپکتیویسم، نیچه، فلسفه اسلامی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴/۲۵.

۷۴. بررسی تحلیلی نفس‌الأمر در قضایای حقیقه از منظر فیلسوفان اسلامی

سؤال: از منظر فیلسوفان اسلامی نفس‌الأمر در قضایای حقیقه چگونه تبیین می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث معرفت‌شناسی، مبحث «صدق» است. در بحث صدق به بررسی معیار مطابقت گزاره‌ها با واقع پرداخته می‌شود. در این زمینه نظریه مهمی که در معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد، مدعی است که مطابقت هر گزاره‌ای، بر حسب آن است؛ از این‌رو گزاره‌های ذهنی با واقعیت ذهنی مطابقت دارند، و گزاره‌های خارجی با واقعیت خارجی. به عبارت دیگر «نفس‌الأمر کلّ شیء بحسبه». از این‌رو در بررسی مسئله صدق لازم است نفس‌الأمر هر گزاره‌ای را متناسب با آن گزاره در نظر گرفت. یکی از انواع گزاره‌ها گزاره حقیقه است. بحث درباره چیستی و معیار صدق این دسته از گزاره‌ها بسیار اهمیت دارد؛ زیرا از این گزاره‌ها در بسیاری از قوانین فلسفی استفاده شده است. باتوجه‌به وجود ابهاماتی درباره نفس‌الأمر در این دسته از گزاره‌ها، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر فلاسفه اسلامی نفس‌الأمر قضایای حقیقه چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، قضیه حقیقه، صدق، نفس‌الأمر، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۷۵. بررسی ارزش معرفت‌شناختی تجربه‌های نزدیک مرگ از منظر فیلسوفان اسلامی

سؤال: از منظر فیلسوفان اسلامی ارزش معرفت‌شناختی تجربه‌های نزدیک مرگ چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: از مباحث مهم در معرفت‌شناسی، مسئله راه‌های کسب معرفت و ارزیابی



اعتبار هر کدام از این راه‌هاست. در کتب و منابع معرفت‌شناسی اسلامی برخی از راه‌های معرفت مانند حس، عقل، شهود و تجربه مطرح شده است. یکی از راه‌هایی که به تازگی در متون و منابع غربی مورد توجه قرار گرفته است، تجربه‌های نزدیک مرگ است. برخی از نویسندگان بر این باورند که این‌گونه تجربه‌ها ارزش واقع‌نمایی کامل را دارند؛ زیرا از سنخ شهود هستند و هرچه از سنخ شهود باشد، از جمله علوم حضوری شمرده می‌شود. علامه مصباح یزدی از جمله معرفت‌شناسان معاصر است که به تفصیل مسائل مختلف معرفت‌شناختی همچون علم حضوری را بررسی کرده است. با توجه به اینکه تبیین ارزش صدق این دسته از گزاره‌ها به فهم دقیق گزاره‌های حاکی از تجربه‌های نزدیک مرگ نیازمند است، و افزون بر این لازم است به اشکالاتی پاسخ داد که درباره اعتبار این دسته از گزاره‌ها مطرح شده است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی ارزش معرفت‌شناختی تجربه‌های نزدیک مرگ چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، توجیه، صدق، تجربه‌های نزدیک مرگ، فلسفه اسلامی.

قالب: در صورت تحلیلی بودن رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۷۶. بررسی ارزش معرفت‌شناختی معرفت‌های فطری از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، واقع‌نمایی معرفت‌های فطری چگونه ارزیابی می‌گردد؟ تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در معرفت‌شناسی بررسی راه‌های کسب معرفت است. در میان راه‌های کسب معرفت، معرفت حاصل از فطرت انسانی، محل بحث و بررسی بسیاری قرار گرفته است. اینکه تعریف و معیار ثبوتی دقیق معرفت فطری چیست؟ و نیز معیار اثباتی معرفت فطری چیست؟ از جمله مباحث مهم درباره معرفت فطری است. در کنار این موارد، واقع‌نمایی معرفت فطری نیز بحث بسیار مهمی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه در متون و منابع دینی معرفت دینی مطرح شده و بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، مناسب است به بررسی ابعاد معرفت‌شناختی معرفت فطری، به‌ویژه ابعاد واقع‌نمایی آن پرداخت. این بحث از زمان علامه طباطبائی مورد توجه جدی قرار گرفته است و شاگردان ایشان نیز این بحث را دنبال کرده‌اند؛ از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان واقع‌نمایی معرفت‌های فطری چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، معرفت فطری، توجیه، صدق، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۷۷. بررسی معرفت‌شناختی اذهان دیگر از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی ابعاد معرفت‌شناختی اذهان دیگر چگونه ارزیابی می‌شود؟
 تبیین مسئله: یکی از مباحث جدی در معرفت‌شناسی، بحث امکان اثبات جهان خارج است. در این بحث بسیاری از حکما و فلاسفه تلاش کرده‌اند با اقامه استدلال وجود جهان خارج را اثبات کنند. در بحث جهان خارج باید به این نکته توجه کرد که اصطلاح «جهان خارج» مشتمل بر دو بُعد از بحث است؛ جهان خارج جسمانی و جهان خارج غیرجسمانی. هر کدام از این قلمروها استدلالی متفاوت نیاز دارند. هنگامی که درصدد اثبات جهان خارج جسمانی هستیم، لازم است استدلالی مطرح سازیم که نشان دهد، چیزی ورای وجود ما تحقق دارد که واجد ویژگی‌های جسمانی است. درمقابل، هنگامی که بحث درباره جهان خارج غیرجسمانی است، لازم وجود امری در جهان خارج از وجود ما اثبات گردد که فاقد ویژگی‌های جهان ماده و جسمانی است. در سنت غربی، این بحث با عنوان «اذهان دیگر» مورد توجه قرار گرفته است، و برخی از نویسندگان غربی درصدد ارائه استدلال بر اثبات اذهان دیگر برآمده‌اند؛ از این رو مناسب است با تمرکز بر آرای ایشان به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر فلسفه اسلامی ابعاد معرفت‌شناختی اذهان دیگر چگونه ارزیابی می‌شود؟
کلیدواژه: معرفت‌شناسی، صدق، توجیه، اذهان دیگر، فلسفه اسلامی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۱،۳. انسان‌شناسی

یکی از شاخه‌های فلسفی، انسان‌شناسی است که عمدتاً با عنوان «علم‌النفس فلسفی» شناخته می‌شود. بعد از رواج حکمت متعالیه و به‌دلیل توجهی که این مکتب فلسفی به مباحث مربوط به انسان داشت، مباحث علم‌النفس فلسفی گسترش فراوانی یافت. در ادامه برخی از مسائل نوپدید این رشته فلسفی را از نظر می‌گذرانیم.



۷۸. بررسی تطبیقی مراتب روح در آیات و روایات و مراتب نفس در حکمت صدرایی

سؤال: بر پایه نگرش تطبیقی چه وجوه تمایز و شباهتی میان مراتب «روح» در آیات و روایات و مراتب «نفس» در فلسفه ملاصدرا وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای مهم در مباحث فلسفی، انسان‌شناسی است. حکمت متعالیه که آخرین نظام فلسفه اسلامی است، تلاش می‌کند با ایجاد سازگاری میان عقل، نقل و شهود، مسائل انسان‌شناسی را واکاوی کند. ازجمله مباحث مهم در انسان‌شناسی متعالیه، بیان حقیقت نفس است. بررسی آثار حکمای اسلامی گواه آن است که تعریف‌هایی برای توضیح چیستی و حقیقت نفس ارائه شده است. ارائه نگرش از چیستی نفس که با آموزه‌های نقلی هماهنگ باشد، الزام می‌کند که در بیان حقیقت نفس، منابع روایی نیز مورد توجه قرار گیرد. با مراجعه به متون آیات و روایات با طرح «مراتبی» برای روح مواجه می‌شویم، چه اینکه در متون فلسفی، به‌ویژه آثار ملاصدرا، نیز مراتبی برای نفس مطرح شده است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که براساس یک نگرش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان مراتب روح و مراتب نفس می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، روح، نفس، مراتب روح، مراتب نفس، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۷۹. بررسی معیار تمایز «قوا» در علم النفس صدرایی

سؤال: براساس علم النفس صدرایی چه معیاری برای تمایز قوای نفس انسانی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: مباحث انسان‌شناسی، که ازجمله مباحث فلسفی است، در حکمت متعالیه مورد توجه جدی بوده است و ازاین‌رو دیدگاه‌های نوینی درباره چیستی نفس و احکام آن مطرح شده است. ازجمله احکامی که در حکمت متعالیه درباره نفس مطرح شده است و می‌توان آن را بی‌سابقه دانست، وحدت نفس و قواست. براساس نگرش ملاصدرا نفس در عین واحد بودن، همه قوای خود را شامل می‌گردد و به اصطلاح «النفس فی وحدتها کلّ القوا». اگرچه ملاصدرا نفس را با قوا یکی می‌انگارد، ولی به‌هرحال تردیدی نیست که نفس انسانی واجد قوای مختلفی است و چاره‌ای جز پذیرش تعدد قوا و تمایز آن‌ها نیست. نفس ناطقه انسانی از سویی دارای قوای ادراکی است و ازسوی دیگر از قوای تحریکی بهره می‌برد. اما به‌راستی معیار و ملاکی که بتوان براساس آن قوای مختلف را از هم بازشناخت، کدام

است؟ از این رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس علم النفس صدرایی چه معیاری برای تمایز قوا می‌توان مطرح ساخت؟
کلیدواژه: انسان‌شناسی، تمایز قوا، قوا، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۵.

۸۰. بررسی تطبیقی مفهوم «شاکله» در روایات و مفهوم «ذات انسان» در فلسفه

سؤال: چه رابطه‌ای میان مفهوم قرآنی شاکله و مفهوم فلسفی ذات انسان وجود دارد؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفی، انسان‌شناسی یا همان علم النفس است. در حکمت متعالیه توجه ویژه‌ای به مباحث علم النفس شده است و از جمله این توجهات، انتقال مباحث نفس از ذیل مباحث طبیعت‌شناسی به مباحث الهیات است. این انتقال اگر چه در ظاهر صرف جابه‌جایی و پس و پیشی مباحث جلوه کند، در حاقّ خود حاکی از نوع نگرش و رویکرد حکمت متعالیه است که مباحث نفس را در ارتباط وثیق با خداشناسی تجزیه و تحلیل می‌کند. نکته دیگر تلاش حکمت متعالیه در ایجاد سازگاری و تلائم میان یافته‌های عقلی و آورده‌های نقلی است. بسیاری از مباحث علم النفس صدرایی در هماهنگی کامل با محتوای آیات و روایات است، هرچند در این میان برخی از مباحث، به دلیل اختلافات هرچند جزئی با مدلول آیات و روایات، به تجدیدنظر نیاز خواهند داشت. یکی از مفاهیم قرآنی مربوط به نفس، مفهوم «شاکله» است. این مفهوم بیان‌کننده عناصر اصلی هویت فرد انسانی است. با تمرکز بر این مفهوم قرآنی می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که چه رابطه‌ای میان مفهوم قرآنی شاکله و مفهوم فلسفی ذات انسان وجود دارد؟
کلیدواژه: انسان‌شناسی، شاکله، شخصیت، هویت، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۵.

۸۱. بررسی چالش آگاهانه بودن «انتخاب» در علم النفس اسلامی

سؤال: براساس علم النفس اسلامی چه تبیینی از چالش آگاهانه بودن انتخاب می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: در مباحث انسان‌شناسی مسئله انتخاب از اهمیت خاصی برخوردار است. در علم النفس اسلامی نیز این نکته مورد توجه قرار گرفته است و دیدگاه‌های مختلفی در تجزیه و تحلیل انتخاب مطرح شده است. درباره انتخاب و رابطه آن با آگاهی این نکته نیز



مطرح شده است که اساساً انتخاب امری آگاهانه است و فرد براساس آگاهی و شناخت خود دست به انتخاب می‌زند. اما درمقابل، این دیدگاه مطرح شده است که اگر هر انتخابی متفرع بر دانش فرد انتخاب‌کننده باشد و از آنجا که علم و آگاهی فرد انتخاب‌کننده، از اعراض نفس اوست و باتوجه به اینکه اعراض از مراتب وجود نفس هستند، مرتبه وجودی نفس در نحوه کسب علم نقش دارد، پس مرتبه وجودی نفس در نحوه انتخاب تأثیر دارد و از این‌رو انتخاب، امری است که ریشه در هستی فرد دارد نه اراده او! براساس این مطالب جای طرح این پرسش وجود دارد که براساس علم النفس اسلامی چه تبیینی از چالش آگاهانه بودن انتخاب می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، انتخاب، اختیار، اراده، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۵.

۸۲. بررسی دلالت‌های معرفت‌شناختی «وحدت نفس و قوا» در علم النفس صدرایی

سؤال: از منظر علم النفس صدرایی وحدت نفس و قوا چه دلالت‌های معرفت‌شناختی به دنبال دارد؟ تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفی، انسان‌شناسی یا همان علم النفس است. در حکمت متعالیه به مباحث علم النفس توجهی جدی شده است، تا آنجا که رویکرد فیلسوفان گذشته، که نفس‌شناسی را بخشی از طبیعت‌شناسی می‌دانستند، مورد چالش قرار گرفته است و سرانجام در حکمت متعالیه، مباحث نفس در ارتباط با خداشناسی و الهیات بازتقریر شده است. از جمله مباحث علم النفس صدرایی پرداختن به مسئله وحدت نفس و قواست که در حکمت متعالیه بسیار بر آن تأکید شده است. وحدت نفس و قوا از جمله نوآوری‌های ملاصدرا در زمینه مباحث نفس است که می‌تواند لوازم و دلالت‌های مختلفی نه تنها در مباحث علم النفس بلکه در سایر مباحث فلسفی به دنبال داشته باشد؛ برای مثال در مباحث معرفت‌شناسی مُدرک حقیقی همان نفس است و قوای نفس انسانی تنها مراتبی از همین مُدرک هستند. به‌طور کلی می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر علم النفس صدرایی وحدت نفس و قوا چه دلالت‌های معرفت‌شناختی به دنبال دارد؟

کلیدواژه: معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، وحدت نفس و قوا، عقل عملی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله. **اولویت:** ۲/۵.

۸۳. بررسی انواع تعامل نفوس مجرد انسانی در عالم برزخ از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از انواع تعامل نفوس مجرد انسانی در عالم برزخ با یکدیگر می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: علم‌النفس یکی از مباحث فلسفی است که به بررسی و واکاوی چیستی و احکام نفس می‌پردازد. در حکمت متعالیه براساس حرکت جوهری، سخن از تطورات و تحولات نفس به میان آمده است و از این رو برای حرکت نفس، نقطه آغاز و نقطه پایانی در نظر گرفته شده است. حرکت نفس دارای مراحل یا به تعبیری منازل است. یکی از منازل حرکت نفس، عالم ماده است. در عالم ماده، نفس از یکسو با بدن در ارتباط است و از سوی دیگر نفوس با یکدیگر مرتبط‌اند. یکی دیگر از مراحل حرکت تکاملی نفس، عالم برزخ است. در عالم برزخ نفوس می‌توانند تأثیراتی داشته باشند و کمالاتی به دست آورند. این تأثیر و تأثر انواع مختلفی می‌تواند داشته باشد. یکی از مسائل مهم درباره حرکت نفوس در عالم برزخ این مسئله است که رابطه میان نفوس مختلف در عالم برزخ چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟ به عبارت دیگر براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از انواع تعامل نفوس مجرد انسانی با یکدیگر در عالم برزخ می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، عالم برزخ، تجرد، عالم مثال، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۶.

۸۴. بررسی دلالت تفاسیر مختلف اصالت وجود در تجزیه و تحلیل چیستی علم

سؤال: تفاسیر مختلف اصالت وجود چه دلالت‌هایی در تجزیه و تحلیل مسائل علم به دنبال دارد؟

تبیین مسئله: روشن است که در فلسفه، مباحث مختلفی از هستی‌شناسی گرفته تا علم النفس مطرح می‌شود. باتوجه به ارتباطی که میان مباحث فلسفی وجود دارد، پاسخی که به برخی مسائل فلسفی داده می‌شود، مسیر حل بسیاری از مسائل دیگر را روشن می‌سازد. بسیاری از مسائل هستی‌شناسی این ویژگی را دارند که حل آن‌ها موجب حل بسیاری از مسائل دیگری فلسفی می‌شود. از جمله این مسائل می‌توان به مسئله اصالت وجود اشاره کرد. باتوجه به اینکه تفاسیرهای مختلفی از اصالت وجود مطرح شده است، هر تفسیر می‌تواند مسیر مباحث علم را به سمت خاصی جهت دهد. باتوجه به این نکته می‌توان نتیجه گرفت که نظام علم، بر پایه هر کدام از تفاسیر خاص اصالت وجود، سیمایی متفاوت پیدا خواهد



کرد؛ برای مثال اگر ماهیت را امری مجازی در نظر بگیریم، در تبیین اعتبار علم دچار چالش خواهیم شد. از این‌رو می‌توان این پرسش را مطرح کرد که تفاسیر مختلف اصالت وجود چه دلالت‌هایی در تجزیه و تحلیل مسائل علم به دنبال دارد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، اصالت وجود، اعتباریت ماهیت، عرض علم، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۸۵. بررسی تطبیقی «فنا» در نگرش شَنکره و در منظر ملاصدرا

سؤال: بر پایه یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه شَنکره و ملاصدرا درباره حقیقت فنا یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفی، علم النفس است. در مباحث علم النفس به بررسی چیستی و احکام نفس پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مربوط به نفس، بحث غایت حرکت نفس و نهایت کمال آن است. بسیاری از متفکران با تمرکز بر این مسئله تحلیل‌ها و تبیین‌هایی برای کمال نهایی نفس بیان کرده‌اند. برای مثال در حکمت متعالیه، عده‌ای مسئله «فنا» را کمال و نقطه پایانی حرکت جوهری نفس به شمار آورده‌اند. در سایر مکاتب انسان‌شناختی نیز دیدگاه‌هایی مطرح شده است. برای مثال در مکتب ادویته ودانته که یکی از مکاتب آیین هندو با گرایش‌های عرفانی است، مسئله فنا به‌جد مورد توجه قرار گرفته است. مرور ادبیات مکتب حکمت متعالیه و مکتب ادویته ودانته حاکی از وجوه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان این دو مکتب درباره چیستی و ابعاد فناست. از این‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش شَنکره که مؤسس مکتب ادویته ودانته است و نگرش ملاصدرا، مؤسس مکتب حکمت متعالیه، وجود دارد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، فنا، کمال، شَنکره، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲.

۸۶. تبیین عقلی تأثیر ملکات نفسانی در بدن عنصری از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس حکمت صدرایی تأثیر ملکات نفسانی بر بدن عنصری چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفی، قلمروی علم النفس است. در این شاخه از فلسفه به بررسی چیستی و احکام نفس پرداخته می‌شود. یکی از مباحث جدی علم النفس، بررسی



رابطه نفس و بدن است. این بحث که قدمت بسیار زیادی دارد به واکاوی نحوه تعامل میان نفس و بدن، و تأثیر و تأثر میان آن‌ها می‌پردازد. بسیاری از نویسندگان ضمن مسلّم انگاشتن تأثیر بدن بر نفس و نیز تأثیر نفس بر بدن، به جزئیات این تأثیر و تأثر می‌پردازند. اما از دل این مباحث، برخی مسائل جدی رخ می‌نماید که جای تحقیق و بررسی دارد. از جمله اینکه براساس مباحث علم النفس صدرایی، همان‌گونه که بدن بر نفس مؤثر است، نفس نیز بر بدن تأثیر دارد. همچنین ابعاد نفس مانند ملکات نفسانی می‌تواند بدن عنصری را تحت تأثیر خود قرار دهد. ممکن است گفته شود که ملکات نفسانی مرتبه‌ای از مراتب نفس هستند، همان‌گونه که بدن عنصری نیز مرتبه‌ای از مراتب نفس است. به هر حال، اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که براساس مبانی حکمت صدرایی تأثیر ملکات نفسانی بر بدن عنصری چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، بدن، ملکات نفس، نفس، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۸۷. بررسی فلسفی تأثیر موسیقی بر نفس ناطقه انسانی

سؤال: براساس مبانی فلسفی چه تحلیل و تبیینی از تأثیر موسیقی بر نفس ناطقه انسانی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: علم النفس از جمله شاخه‌های فلسفه است. در علم النفس چپستی و احکام نفس واکاوی می‌شود. در ضمن مباحث علم النفس، به تأثیر و تأثر نفس با امور دیگری، از جمله بدن، نیز توجه می‌شود. بسیاری از فیلسوفان، این دسته از مباحث را مورد توجه قرار داده‌اند؛ برای مثال افلاطون در آثار خود به نقش و تأثیر اموری مانند موسیقی بر نفس اشاره کرده است. اما از منظر فلسفی جای طرح این پرسش وجود دارد که اموری مانند موسیقی که ارتعاش در هوایی است که نفس از طریق سمع آن را ادراک می‌کند، چگونه می‌تواند نفس ناطقه انسانی را، که از مرتبه شدیدتر وجودی برخوردار است، متأثر سازد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، نفس، اصل تشکیک، علیّت، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۲۵.

۸۸. بررسی نظریه تشکیکی بودن منازل آخرت براساس انسان‌شناسی صدرایی تکراری

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از نظریه تشکیکی بودن منازل آخرت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفی، علم النفس یا همان انسان‌شناسی است. در



این بخش از مباحث فلسفی، بر پایه مبانی هستی‌شناختی، به بررسی و واکاوی چیستی و احکام نفس پرداخته می‌شود. روشن است که هرگونه موضع‌گیری در زمینه مباحث هستی‌شناسی، به نحوه پاسخ به مسائل علم النفس سمت‌وسوی خاصی خواهد داد. برای مثال اگر فیلسوفی از اصالت ماهیت دفاع کند، در مباحث علم النفس نگرش اصالت ماهوی او حاکم خواهد بود و اگر فیلسوفی اصالت وجود را برگزیده باشد، در مباحث علم النفس نیز در پی استخراج لوازم و دلالت‌های اصالت وجود خواهد بود. باتوجه‌به اینکه در حکمت متعالیه دو اصل اساسی اصالت وجود و تشکیک وجود همچون ستون‌های فلسفه عمل می‌کنند، مباحث علم النفس متعالیه تا حد فراوانی متأثر از این دو اصل خواهد بود. اما مسئله این است که بسیاری از دلالت‌ها و لوازم این دو اصل به‌خوبی استخراج نشده است. برای مثال پدیده تولد، پدیده رشد شناختی، رشد عاطفی و صورت اعمال، از جمله مسائلی است که مناسب است براساس مبانی حکمت صدرایی مثل تشکیک وجود مورد بررسی و کاوش قرار گیرد. در میان پدیده‌های انسانی که در آیات و روایت مطرح شده است، مسئله منازل آخرت از جمله مباحث مهم مرتبط به معاد است. منازل آخرت از مراحل مهم در حرکت جوهری نفس انسانی است. این پدیده از جهات مختلفی درخور پژوهش است. از این‌رو جای طرح این پرسش وجود دارد که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از نظریه تشکیکی بودن منازل آخرت می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، منازل آخرت، حساب، قبر، معاد، حکمت صدرایی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۵.

۸۹. تبیین عقلی عالم ذر از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: براساس مبانی فلسفی علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه تبیین عقلی از عالم ذر می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفی، علم النفس فلسفی است که به مسائل مربوط به چیستی و احکام نفس می‌پردازد. در حکمت متعالیه، براساس اصالت وجود، تشکیک وجود و حرکت جوهری، تقریری از چیستی نفس ارائه می‌گردد که با نگرش حکمت‌مشا به چیستی و احکام نفس متفاوت است. در حکمت متعالیه، نفس حقیقتی شمرده می‌شود که جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاست. ملاصدرا به تفصیل درباره این نظریه بحث کرده است و معتقد است



آنچه ره‌آورد حکمت متعالیه است، با آموزه‌های قرآن و روایات هماهنگی دارد. با مراجعه به متون دینی با مبحثی با عنوان «عالم ذر» مواجه می‌شویم که دلالت دارد بر وجود روح پیش از تعلق به بدن؛ این نگرش درظاهر، درتقابل با جسمانیة الحدوث دانستن نفس قرار می‌گیرد. اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که براساس مبانی حکمت متعالیه و با تأکید برآراء علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه تبیین عقلی‌ای از عالم ذر می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، عالم ذر، تجرد، نفس، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

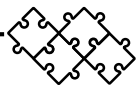
۹۰. بررسی اتحاد عمل، عامل و معمول براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از قاعده اتحاد عمل، عامل و معمول می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در علم النفس فلسفی، اتحاد عقل، عاقل و معقول است که در حکمت متعالیه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. فیلسوفان متأخر اسلامی با دقت در ادله این قاعده فلسفی، به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تأمل دقیق‌تر دراین‌زمینه اقتضا می‌کند که این قاعده توسعه داده شود و در قالب «اتحاد علم، عالم و معلوم» مطرح گردد. در این میان به نظر می‌رسد با دقت در مضمون استدلال‌هایی که بر اتحاد علم، عالم، و معلوم اقامه شده است، می‌توان تجرّد عالم، و تجرّد علم و توسعه‌ای که علم مجرد در قلمرو هستی عالم ایجاد می‌کند را نشانه‌ای از نقش اتحاد با حقایق مجرده در توسعه وجودی عالم دانست. در کنار این موارد، اگر ثابت شود اعمال نیز واجد صورت مجرد هستند، می‌توان دلیل قاعده اتحاد علم، عالم و معلوم را به اتحاد عمل، عامل و معمول نیز توسعه داد. در صورتی که چنین قاعده‌ای به اثبات برسد، پیشرفت زیادی را در مباحث حکمی شاهد خواهیم بود. بنابراین می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از قاعده اتحاد عمل، عامل و معمول می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، اتحاد عاقل و معقول، اتحاد عامل و معمول، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۷۵.



۹۱. بررسی تطبیقی تجرد نفس ناطقه انسانی در حیات برزخی از منظر ملاصدرا و آیات و روایات

سؤال: دیدگاه ملاصدرا درباره تجرد نفس ناطقه انسانی در حیات برزخی از منظر آیات و روایات چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل علم النفس فلسفی، مسئله تجرد نفس است. در حکمت متعالیه، تجرد نفس با مسئله حرکت جوهری پیوند یافته است و براین اساس نفس انسانی جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء شمرده می‌شود. از سوی دیگر حرکت نفس انسانی دارای دو مرحله اساسی است که از آن به قوس صعود و قوس نزول تعبیر می‌شود. به رغم اشتراک قوس صعود و قوس نزول در پاره‌ای از احکام، برخی تفاوت‌ها نیز میان این دو قوس وجود دارد. براساس نگرش ملاصدرا بر شدت تجرد نفس انسانی بعد از قطع ارتباط با بدن عنصری آن افزوده می‌گردد؛ از این رو بازگشت نفس ناطقه انسانی به بدن عنصری به معنای تضعیفی بودن حرکت اشتدادی نفس خواهد بود که قابل قبول نیست. حال اگر به آیات و روایات مراجعه کنیم در خواهیم یافت که پس از قطع تعلق نفس از بدن عنصری، همچنان زمینه برای ارتباط نفس با بدن عنصری وجود دارد. اکنون مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که دیدگاه ملاصدرا درباره تجرد نفس ناطقه انسانی در حیات برزخی از نظر آیات و روایات چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، حیات برزخی، بدن عنصری، نفس ناطقه، نفس انسان، ملاصدرا.
 قالب: کتاب. اولویت: ۲/۲۵.

۹۲. بررسی رابطه انسان کامل و حضرت حق براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از رابطه انسان کامل و حضرت حق می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در علم النفس فلسفی، واکاوی حقیقت و مراتب انسان کامل در نظام هستی است. مقصود از انسان کامل، نهایت درجه کمال انسانی در عوالم هستی است. مباحث گسترده‌ای درباره انسان کامل - که در متون دینی از او به خلیفه الله یاد شده است - از وجه نظر حکمی قابل طرح است؛ از جمله مصداق انسان کامل، که محل بحث و بررسی بسیار قرار گرفته است. به هر حال، درباره خود مفهوم انسان کامل، در برخی متون فلسفی از انسان کامل، به هدف آفرینش یاد شده است. از نظر ملاصدرا، انسان کامل



کسی است که توانسته باشد هم به کمالات عقل نظری دست یابد و هم کمالات عقل عملی را فراچنگ آورد. به بیان دیگر، انسان کامل، تجلی کامل صفات الهی در عوالم هستی است. در متون حکمی درباره اینکه انسان کامل در سیر و حرکت وجودی خود تا کدام مرحله پیش می‌رود، اختلافی وجود دارد. برخی معتقدند که جایگاه انسان تا حضرت واحدیت است و برخی دیگر سخنی متفاوت به میان آورده‌اند. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله از نظر ملاصدرا بپردازیم و این پرسش را واکاوی کنیم که براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از رابطه انسان کامل و حضرت حق می‌توان ارائه کرد؟

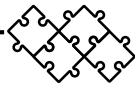
کلیدواژه: انسان‌شناسی، انسان کامل، واجب الوجود، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۲۵.

۹۳. بررسی جایگاه بدن در هویت انسانی از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از جایگاه بدن در هویت انسانی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در علم النفس فلسفی، تبیین حقیقت انسان است. ملاصدرا با ارائه نظریه «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن» انسان، فصل جدیدی در انسان‌پژوهی حکمی گشوده است. وی بر این باور است که «بدن» نه تنها قفس روح و امری منفور نیست، بلکه نقطه آغاز حرکت جوهری انسان است و از این‌رو بدن بخشی از هویت انسان را تشکیل می‌دهد. براساس نظر ملاصدرا، اساساً بدون بدن، نفس انسانی، زمینه تحقق و وجود پیدا نخواهد کرد. بنابراین می‌توان نظریه ملاصدرا درباره نقش و جایگاه بدن را نگرشی معتدل در میان افراط عده‌ای دانست که بدن را حقیقت انسان شمرده‌اند و نیز کسانی که با پیمودن راه تفریط، بدن را امری زائد تلقی کرده‌اند. اما درباره جایگاه و نقش بدن در هویت انسان همچنان ابهام‌های بسیاری وجود دارد که لازم است مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد؛ برای مثال آیا ویژگی‌های بدن از چنان اصالتی برخوردار هستند که کمال نهایی انسان را تحت تأثیر قرار دهند یا آنکه انسان می‌تواند با تکیه بر استعدادهای نفس خود بر ویژگی‌های بدن غلبه کند؟ همچنین رابطه تعاملی میان نفس و بدن به چه صورتی است؟ آیا این تعامل، تعامل دو حقیقت متفاوت است، یا تعامل دو مرتبه از یک حقیقت واحد است؟ به‌طور کلی جایگاه بدن در هویت انسان از منظر ملاصدرا چیست؟



کلیدواژه: انسان‌شناسی، هویت، انسان، نفس، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۹۴. بررسی کرامت‌پذیری بدن انسان از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از کرامت‌پذیری بدن انسان می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: در حکمت صدرایی به مباحث علم النفس توجه جدی شده است و در خلال مباحث علم النفس به این نکته توجه شده است که حقیقت انسان خاستگاهی در عالم جسمانی دارد که در اثر کمال به مرحله روحانی صرف دست می‌یابد. بسیاری از مباحث حکمی بر پایه ابعاد تجردی و روحانی انسان سامان یافته است و در این میان مباحثی نیز درباره بدن و مزاج مطرح شده است. اما یکی از مباحث مهم درباره نفس انسانی «کرامت انسان» است. می‌توان کرامت انسان را براساس مبانی حکمت صدرایی به‌خوبی تبیین کرد. برخی، در تبیین کرامت انسانی به توانایی انسان در اتصال به عقل قدسی اشاره کرده‌اند که حاکی از اهمیت بُعد روحانی انسان است. اما می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا براساس مبانی حکمت متعالیه می‌توان تقریری از کرامت انسان ارائه کرد که کرامت بدن را نیز شامل گردد؟ باتوجه‌به اینکه آیت‌الله جوادی آملی یکی از شارحان معاصر حکمت صدرایی است و تلاش بسیاری در تبیین ابعاد حقیقت انسانی به کار بسته، می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر آیت‌الله جوادی آملی کرامت‌مندی بدن انسان چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، کرامت، بدن، نفس، جوادی آملی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۲۵.

۹۵. بررسی اشتراکات و افتراقات بدن دنیوی و بدن برزخی از منظر فلاسفه و متکلمان

سؤال: براساس مقایسه دیدگاه فلاسفه اسلامی و متکلمان چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان بدن دنیوی و بدن برزخی می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه، علم النفس است. در مباحث علم النفس، چیستی و احکام نفس انسانی براساس شیوه علی و حکمی بررسی می‌شود. حکمت صدرایی براساس مبنای سازگاری عقل، نقل و شهود تلاش کرده است تبیینی از چیستی انسان ارائه کند که مطابق با مبانی دینی و مشاهدات عرفانی نیز باشد. دراین‌راستا در فلسفه اسلامی افزون بر «بدن

دنیوی» ساحتی دیگر از انسان، «بدن اخروی» نیز مطرح شده است که به‌رغم اشتراکاتی که میان این دو سنخ از بدن وجود دارد، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود. بدن دنیوی و بدن اخروی هر دو دارای حرکت جوهری هستند و هر حرکتی نیز شش رکن دارد. مشابه چنین بحثی در میان برخی از متکلمان نیز مطرح بوده است. از این‌رو می‌توان زمینه‌ای برای مقایسه و تطبیق دیدگاه فیلسوفان مسلمان و متکلمان مسلمان درباره بدن دنیوی و بدن برزخی مطرح کرد. بنابراین پرسش تحقیق چنین است که براساس مقایسه دیدگاه فیلسوفان مسلمان و متکلمان مسلمان چه وجوه اشتراک و اختلافی میان بدن دنیوی و بدن برزخی می‌توان اصطیاد کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، انسان‌شناسی، بدن، حرکت، بدن مثالی، بدن برزخی.

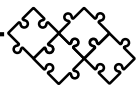
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۹۶. بررسی دیدگاه مرلوپونتی^۱ درباره بدن‌مندی انسان از منظر انسان‌شناسی متعالیه

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی متعالیه چه انتقادهایی بر دیدگاه مرلوپونتی درباره بدن‌مندی انسان وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه دانشی عقلی است که به احکام کلی وجود و نیز تقسیمات وجود می‌پردازد. امروزه به‌دلیل گسترش مباحث فلسفی، شاخه‌های جدیدی برای دانش فلسفه مطرح شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به علم النفس فلسفی اشاره کرد. در علم النفس فلسفی به واکاوی چیستی و احکام نفس انسانی پرداخته می‌شود. ملاصدرا که مؤسس حکمت متعالیه است با ارائه نوآوری‌هایی، زمینه را برای شکل‌گیری یک نظام عقلی جدید درباره نفس فراهم ساخت که می‌توان از آن به انسان‌شناسی متعالیه، تعبیر کرد. در انسان‌شناسی متعالیه سخن در این است که انسان از یک حرکت جوهری برخوردار است که نقطه آغاز آن، پیدایش نطفه است و نقطه پایان آن، حرکت به‌سوی وجود نامتناهی. بنابراین در این نظام انسان‌شناسی، بر نقش بدن در هویت انسان تأکید می‌شود. در میان فیلسوفان غربی مرلوپونتی با اتخاذ رویکردی پدیدارشناختی به مقابله با نگرش دوگانه‌انگارانه دکارت پرداخته است و هویت انسان را ترکیبی اتحادی از بدن و ذهن دانسته است. به باور او بدن انسان دارای تجربه‌های زیسته است. باتوجه‌به دلالت‌ها و لوازمی که نگرش مرلوپونتی به بدن در علوم انسانی دارد، می‌توان با

1. Maurice Merleau-Ponty.



تأکید بر نگرش انسان‌شناسی متعالیه این پرسش را مطرح ساخت که از منظر انسان‌شناسی متعالیه چه انتقادهایی بر دیدگاه مرلوپونتی درباره بدن‌مندی می‌توان مطرح ساخت؟
کلیدواژه: انسان‌شناسی، بدن‌مندی، جسمانیة الحدوث، ملاصدرا، مرلوپونتی.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۲/۵.

۹۷. بررسی تحلیلی - تاریخی سیر تحول نظریه‌های حکمای اسلامی درباره بدن‌مندی انسان

سؤال: براساس پژوهشی تحلیلی - تاریخی سیر تحولات نظریه‌های حکمای اسلامی درباره بدن‌مندی انسان چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: در میان شاخه‌های فلسفه در علم النفس فلسفی به بررسی و واکاوی چیستی و احکام نفس انسانی پرداخته می‌شود. یکی از مباحث علم النفس، مسئله بدن‌مندی است. در میان حکمای اسلامی تردیدی در این نکته وجود ندارد که به‌هرحال نفس انسانی با بدن به‌نحوی مرتبط است. اما درباره چگونگی تبیین نحوه ارتباط بدن انسان با نفس انسانی میان حکمای اسلامی اختلاف‌نظر وجود دارد. درحالی‌که در حکمت مشاء، بدن حقیقتی است که نفس ناطقه انسانی در انجام کارها از آن بهره می‌گیرد، در نظام حکمت صدرایی، بدن مرتبه نازله نفس انسانی است و از این‌رو حقیقتی جدای از نفس انسانی نیست. نگرشی کلی به سیر تحول فلسفه اسلامی گواه آن است که نظریه‌ها درباره جایگاه بدن دچار تحول شده است. اما اینکه آیا این تحول به افزایش جایگاه و منزلت بدن انجامیده است یا آن را به حاشیه وجود رانده است، تنها در قالب یک پژوهش تاریخی - تحلیلی امکان‌پذیر است. با توجه به سیر تحولاتی که نظریه‌پردازی درباره جایگاه بدن در فلسفه اسلامی داشته است، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که براساس یک پژوهش تحلیلی - تاریخی چه تبیینی از سیر تحول نفس در فلسفه اسلامی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، نفس، حرکت جوهری، تکامل، حکمت متعالیه، اشراق، مشاء.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۲/۵.

۹۸. بررسی تطبیقی رابطه نفس و علوم آن از منظر علم النفس سینوی و علم النفس صدرایی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی رابطه نفس و علوم آن از منظر علم النفس سینوی و علم النفس صدرایی چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث انسان‌شناسی اسلامی بررسی و واکاوی چیستی نفس و

احکام آن است. درباره نفس مباحث بسیاری مطرح شده است. یکی اینکه نفس، حقیقتی مجرد است که فاقد ویژگی‌های جهان مادی است. اما در کنار این بحث، سخن از ارتباط نفس با اعراض نیز به میان می‌آید. یکی از مباحث ناظر به رابطه نفس با اعراض، مسئله رابطه نفس با علم است. براساس نگرش حکمای مشاء، علم از اعراض نفس ناطقه، و در شمار کیف است. بنابراین علم جزو حقیقت نفس شمرده نمی‌شود. اما برپایه نگرش حکمت متعالیه، علم نه تنها از اعراض نفس نیست، بلکه مرتبه‌ای از مراتب نفس است که می‌تواند هویت و حقیقت نفس را دچار تغییر و تحول نماید. باتوجه به اهمیت این مسئله در حل منازعات میان حکمت مشاء و حکمت متعالیه، لازم است این پرسش را بررسی کنیم که رابطه نفس و علوم آن از منظر علم النفس سینیوی و علم النفس صدرایی چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: انسان‌شناسی، اعراض نفس، علم، مراتب نفس، انسان، ملاصدرا، ابن‌سینا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱.۱.۴. خداشناسی

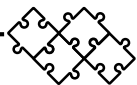
از مهم‌ترین شاخه‌های فلسفه، خداشناسی یا همان الهیات به معنای اخص است. در متون و منابع فلسفه اسلامی مطالب بسیاری درباره مباحثی همچون اثبات وجود خدا و اثبات صفات خدا مطرح شده است. با این حال امروزه و با گسترش مباحثی درباره علوم تجربی، مباحث نوینی در این زمینه مطرح شده است که در ادامه با برخی از آن‌ها آشنا می‌شویم.

۹۹. بررسی تطبیقی «برهان وجودی» در فلسفه لایبنیتس^۱ و محقق اصفهانی

سؤال: چه وجوه اشتراک و اختلافی میان تقریر لایبنیتس و تقریر محقق اصفهانی از برهان وجودی به چشم می‌خورد؟

تبیین مسئله: وجود خداوند موضوعی است که در علوم و شاخه‌های مختلف به آن پرداخته می‌شود. در فلسفه نیز با استفاده از روش عقلی تلاش می‌شود براهینی بر اثبات وجود خداوند اقامه شود. در میان فیلسوفان مسلمان و نیز در میان فیلسوفان غربی، استدلال‌هایی بر اثبات وجود خداوند اقامه شده است. از رایج‌ترین و قدیمی‌ترین براهین اثبات وجود خداوند «برهان وجودی» است که ریشه آن را به سنت آنسلم مسیحی

1. Gottfried Wilhelm Leibniz.



بازمی‌گردانند. باتوجه‌به اینکه بسیاری از فیلسوفان به بررسی این برهان، و نقد اشکال‌های وارد بر آن پرداخته‌اند و تلاش کرده‌اند تقریری کامل از این برهان ارائه کنند، می‌توان گفت برهان وجودی ازجمله براهینی است که در ابعاد مختلف آن بسیار دقت شده است. در میان فیلسوفان غربی، تقریر لایبنیتس یکی از دقیق‌ترین صورت‌بندی‌های برهان وجودی است. در میان فیلسوفان مسلمان نیز هرچند این برهان به‌دلیل وجود خلط مفهوم و مصداق ازسوی بسیاری مردود شناخته شده است، محقق اصفهانی با دقت و تأمل در این برهان تلاش کرده است تقریری از برهان وجودی ارائه کند که عاری از اشکالاتی ازجمله خلط مفهوم و مصداق باشد. بنابراین جای این پرسش وجود دارد که چه وجوه اشتراک و اختلافی میان تقریر لایبنیتس و تقریر محقق اصفهانی از برهان وجودی دیده می‌شود؟

کلیدواژه: خداشناسی، اثبات خدا، برهان وجودی، لایبنیتس، محقق اصفهانی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۵.

۱۰۰. بررسی تقریر محقق اصفهانی از «برهان وجودی» از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر تقریر محقق اصفهانی از برهان وجودی وارد است؟

تبیین مسئله: براهین اثبات وجود خدا، از مباحث خداشناسی است. بسیاری از حکمای اسلامی به این بحث پرداخته‌اند و افزون بر ارائه براهین ابتکاری، تقریرهای جدیدی نیز از برهان‌های رایج بر اثبات خداوند اقامه کرده‌اند؛ برای مثال در آثار مختلف فلسفه اسلامی به برهان صدیقین، برهان وجوب و امکان، برهان حرکت، برهان حدوث و... توجه شده است. از میان حکمای اسلامی معاصر، محقق اصفهانی در کتاب تحفۃ الحکیم با تمرکز بر برهان وجودی تلاش کرده است تقریری از این برهان ارائه کند که هیچ‌گونه اشکال و تردیدی در آن باقی نماند. بااین‌حال برخی دیگر از حکمای معاصر معتقدند برهان وجودی از چنان مشکلی رنج می‌برد که اصلاح و تکمیل آن میسر نیست. برای نمونه آیت‌الله جوادی آملی در کتاب عین نضاح به تفصیل به واکاوی براهین عرفا - که نمونه‌ای از برهان وجودی است - پرداخته و به‌خوبی نشان داده است که این براهین دچار خلط مفهوم و مصداق هستند. به‌هرحال، باتوجه‌به دقت نظر محقق اصفهانی و آیت‌الله جوادی آملی این پرسش مطرح می‌شود که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه اشکال‌هایی بر تقریر محقق اصفهانی از برهان وجودی وارد است؟



کلیدواژه: خداشناسی، اثبات خدا، برهان وجودی، محقق اصفهانی، جوادی آملی.
 قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۲/۷۵.

۱۰۱. بررسی تطبیقی برهان صدیقین علامه طباطبائی و برهان وجودی آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه تقریر علامه طباطبائی از برهان صدیقین و برهان وجودی آیت‌الله جوادی آملی می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث خداشناسی، براهین اثبات خداوند است. حکمای اسلامی نیز در ارائه براهین جدید و تقریرهای نوین از برهان‌های اثبات وجود خداوند سهیم بوده‌اند. نگرشی تاریخی به این مسئله گواه آن است که حکما و فیلسوفان مسلمان رفته‌رفته تلاش خویش را معطوف به ارائه براهینی کرده‌اند که به‌رغم بهره‌مندی از مقدمات کمتر (: اخصر) بتواند وجود واجب بالذات را با قوت بیشتر (: اسد) اثبات کند. در این میان برهان صدیقین علامه طباطبائی از دقت و وضوح بیشتری برخوردار است. این برهان، به‌دلیل بداعت در تقریر مقدمات، می‌توان برهان مستقلی به شمار آورد، نه آنکه تقریری از براهین صدیقین قبلی باشد. در ادامه، آیت‌الله جوادی آملی با استناد به اصل عدم تناقض تلاش کرده است، برهانی بدیع بر اثبات وجود خداوند اقامه کند که در عین کوتاهی، به قوت بیشتری وجود خداوند را اثبات کند. حال در یک پژوهش تطبیقی این پرسش مطرح می‌شود که وجوه اشتراک و اختلاف برهان صدیقین علامه طباطبائی و برهان وجودی آیت‌الله جوادی آملی چیست؟

کلیدواژه: خداشناسی، برهان صدیقین، اثبات خدا، جوادی آملی، علامه طباطبائی.
 قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۲/۷۵.

۱۰۲. بررسی دلالت برهان صدیقین بر اثبات صفات خداوند از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان دلالت‌های برهان صدیقین بر اثبات صفات خداوند چگونه تبیین می‌گردد؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث الهیات به معنای اخص بررسی ادله اثبات صفات خداوند است. بسیاری از حکمای اسلامی تلاش کرده‌اند با ارائه براهینی صفات خداوند را اثبات کنند. در این میان برخی از محققان بر این باور هستند که راه کوتاه‌تری برای اثبات صفات خداوند وجود دارد. به اذعان آنان، بسیاری از براهین اثبات اصل وجود خداوند این ظرفیت



را دارند که برهانی باشند بر صفات خداوند؛ برای مثال عده‌ای سعی کرده‌اند علم مطلق خداوند و قدرت مطلق خداوند را از طریق برهان صدیقین اثبات کنند. نمونه روشن این تلاش را می‌توان در تلاش محقق طوسی در کتاب شرح اشارات مشاهده کرد. وی کوشیده است از طریق برهان صدیقین صفات خداوند را نیز اثبات کند. باتوجه به اینکه علامه طباطبائی از حکمای معاصر است که افزون بر تربیت حکیمان بزرگ، در آثار مختلف خود به براهین اثبات خداوند به‌ویژه برهان صدیقین پرداخته است، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان دلالت‌های برهان صدیقین بر اثبات صفات خداوند چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: خداشناسی، اثبات خدا، برهان صدیقین، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۷۵.

۱۰۳. بررسی مسئله واسطه بودن برخی ممکنات در فیض الهی از منظر حکمت متعالیه و آیات و روایات

سؤال: واسطه فیض بودن برخی ممکنات در حکمت متعالیه از منظر آیات و روایات چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث الهیات به‌معنای اخص، بحث فیض حضرت حق است که گاهی از آن به خلق، و زمانی به افاضه، و در مواردی به تجلّی یاد می‌شود. از این رو بسیاری از فلاسفه به تبیین عقلی وساطت در فیض پرداخته‌اند. براساس اصول حکمت متعالیه محال نیست که برخی از ممکنات واسطه در فیض و تجلّی حضرت حق قرار گیرند. مراجعه به برخی آیات و روایات، گواه آن است که در مواردی واسطه در فیض بودن ممکنات نفی شده است. اگرچه ممکن است با نفی حقیقی بودن واسطه امکانی در فیض الهی میان این دو نگرش جمع کرد، ولی به‌هرحال این مسئله جای بررسی و واکاوی دقیق دارد. اکنون پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با عرضه این نگرش فلسفی بر آیات و روایات به چه نتیجه‌ای می‌توان رسید؟

کلیدواژه: خداشناسی، فیض، افاضه، وساطت در فیض، حضرت حق، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۰۴. امکان‌سنجی کاربست برهان معجزه در اثبات وجود خداوند در حکمت اسلامی

سؤال: بر پایه حکمت اسلامی چگونه می‌توان از برهان معجزه بر اثبات وجود خداوند استفاده کرد؟ تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در الهیات به معنای اخص، بحث براهین اثبات وجود خداوند است. براهین متعددی بر اثبات وجود خداوند، چه در فلسفه غرب و چه در حکمت اسلامی، مطرح شده است. همچنین تلاش‌هایی برای ارائه برهان‌های جدید بر اثبات خداوند در جریان است؛ از جمله براهینی که در میان فیلسوفان مغرب‌زمین بر اثبات وجود خداوند اقامه شده است، برهان معجزه است. در حالی که در حکمت اسلامی برهان معجزه در راستای اثبات عصمت انبیاء اقامه می‌شود. درست است که تعداد براهین اثبات وجود خداوند در حکمت اسلامی بسیار زیاد است، ولی این مطلب مانع از آن نیست که راه‌های جدید برای اثبات وجود خداوند گشوده شود. به هر حال با توجه به اهمیت بحث اثبات وجود خداوند، این پرسش مطرح می‌گردد که چه تبیینی از امکان کاربست برهان معجزه در اثبات وجود خداوند در حکمت اسلامی می‌توان مطرح ساخت؟

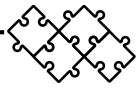
کلیدواژه: خداشناسی، اثبات خدا، برهان معجزه، معجزه، الهیات، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۱۰۵. بررسی نگرش الهیات پویشی به صفات خداوند

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه اشکالاتی بر نگرش الهیات پویشی در زمان‌مند شمردن خداوند وارد است؟

تبیین مسئله: در وجود تغییر و حرکت در جهان تردیدی نیست. از سوی دیگر نیز براساس براهین اثبات وجود خداوند، وجود خداوند اثبات می‌شود. نکته مهمی که در این باره وجود دارد، ربط عالم متغیر به خداوند است. بسیاری از حکما از طریق طرح مراتب تشکیکی وجود سعی کرده‌اند نشان دهند که خداوند به صورت مستقیم در عالم متغیر دخل و تصرف نمی‌کند. برخی دیگر از حکما ضمن ناکافی دانستن این تبیین، این پرسش را به میان کشیده‌اند که چرا تغییر در خداوند را مجاز ندانیم؟ برای نمونه در الهیات پویشی با متغیر دانستن خداوند تلاش می‌شود صفات و لوازم این نگرش توسعه داده شود و حتی تقریری از علم خداوند ارائه گردد که براساس آن، خداوند در بسیاری از صفات و ویژگی‌ها با انسان مشترک است؛ و هم از این رو علم خداوند نیز مانند علم انسان‌ها رفته‌رفته کامل می‌شود.



روشن است که در نظام حکمت صدرایی خداوند واجب الوجود بالذات شمرده می‌شود که عاری از هرگونه تغییر و زوال است. باتوجه به پیامدهایی که این نظریه در مباحث الهیاتی دارد، جای این پرسش وجود دارد که براساس نظام حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر نگرش الهیات پویشی به صفات خداوند مطرح است؟

کلیدواژه: خداشناسی، صفات خدا، واجب الوجود، الهیات پویشی، حکمت صدرایی.

قالب: پایان نامه سطح چهار. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۰۶. بررسی چالش شر اعتباری براساس هستی‌شناسی و انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی و انسان‌شناسی صدرایی چه پاسخی به چالش شر اعتباری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در الهیات، به معنای اخص مباحثی در زمینه اثبات وجود خداوند، اثبات صفات خداوند و... مطرح می‌شود. همچنین در این شاخه از مباحث عقلی، به بررسی شبهات مطرح درباره براهین اثبات خداوند پرداخته می‌شود. یکی از شبهاتی که از قدمت بسیاری برخوردار است و روزبه‌روز بر دایره مباحث مربوط به آن افزوده می‌شود، مسئله شر است. امروزه شر، به مثابه مهم‌ترین چالش براهین اثبات وجود خداوند شمرده می‌شود. بسیاری از ملحدان جدید با تمرکز تلاش خود بر مسئله شر، تقریرهای جدیدی از این مشکل ارائه کرده‌اند که به نظر می‌رسد پاسخ‌های سنتی به مسئله شر جواب‌گوی آن نیست؛ از این رو لازم است با تمرکز بر مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی صدرایی به جست‌وجوی پاسخی جدید به این شبهات نوپدید پرداخته شود. یکی از تلاش‌های حکمای اسلامی دقت در ابعاد مختلف مسئله شر است. این تلاش‌ها چنان عمیق و گسترده است که در مواردی به ابعاد از مسئله شر توجه شده است که در متون و منابع مدافعان شر نیز دیده نمی‌شود؛ برای مثال، تقسیم شر، به شر حقیقی و شر اعتباری از جمله تقسیماتی است که برخی حکمای معاصر اسلامی بدان توجه کرده، و به پاسخ‌گویی آن پرداخته‌اند. از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از اینکه براساس هستی‌شناسی و انسان‌شناسی صدرایی چه پاسخی به مشکل شر اعتباری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: خداشناسی، شر، خیر مطلق، شر منطقی، شر اخلاقی، شر اعتباری، حکمت متعالیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۱۰۷. مسئله اختفای الهی براساس مبانی حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی چه پاسخی به اشکال اختفای الهی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: از مباحث جدی در الهیات به‌معنای اخص، اثبات وجود خداوند است. تلاش‌های فراوانی برای ارائه استدلال‌های عقلی بر اثبات وجود خداوند انجام گرفته است و این تلاش‌ها به ارائه براهین متعددی بر اثبات خداوند انجامیده است. در عین حال، منکران خداوند نیز تلاش‌های خود را به رد براهین اثبات خداوند، بلکه ارائه ادله‌ای علیه وجود خداوند معطوف ساخته‌اند. ازجمله براهینی که به‌تازگی علیه وجود خداوند اقامه شده است برهان اختفای الهی است. براساس تقریر ساده این برهان، باتوجه‌به اینکه خداوند عالم مطلق، قادر مطلق، و خیرخواه مطلق است، این صفات در کنار هم اقتضا می‌کند، خداوند بر آن دسته از بندگان خود که طالب دیدار او هستند، آشکار گردد. ولی آنچه از گزارش‌های عمومی به دست می‌آید این است که خداوند بر کمتر کسی خود را آشکار کرده است. همین عدم آشکار شدن خداوند بر بندگان، گواه آن است که موجودی که هم عالم مطلق، هم خیرخواه مطلق، و هم قادر مطلق باشد، وجود خارجی ندارد. روشن است که مواجهه با این استدلال، نیازمند پژوهش و تحقیق است. به‌ویژه براساس مبانی حکمت صدرایی موجودات مادی کمتر از آن هستند که خداوند را شهود کنند. ازاین‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر برهان اختفای الهی وارد است؟

کلیدواژه: خداشناسی، اثبات خدا، برهان اختفاء، حکمت صدرایی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۱۰۸. استدلال‌های فلسفی بر اثبات وجود خداوند در مناظرات معصومان

سؤال: براساس مناظرات حضرات معصومان؟ س؟ چه استدلال‌هایی بر اثبات وجود خداوند قابل اصطیاد است؟

تبیین مسئله: مسئله اثبات وجود خدا از مباحث مهم فلسفی است. فلاسفه اسلامی در طول تاریخ تلاش کرده‌اند استدلال‌هایی بر اثبات وجود خداوند اقامه کنند. برهان امکان و وجوب، برهان صدیقین و برهان حدوث ازجمله این براهین است. اما نباید از نظر دور داشت که در طول تاریخ یکی از منابع مهم الهام‌کننده به فلاسفه متون دینی بوده است. جرعه بسیاری از مباحث فلسفی از مطاوی متون دینی زده شده است و رفته‌رفته پرورش و توسعه



پیدا کرده است؛ از این رو می‌توان متون دینی را منبع الهام‌کننده‌ای در بسیاری از مباحث فلسفی از جمله بحث براهین اثبات خداوند دانست و از این دیدگاه به آن نگریت. مراجعه به متون دینی نشان می‌دهد که برخی از ائمه شیعه با منکران خداوند احتجاجاتی داشته‌اند و در این زمینه براهینی بر اثبات وجود خداوند اقامه کرده‌اند؛ از این رو می‌توان این پرسش را مطرح کرد که براساس مطالعه و پژوهش در مناظرات حضرات معصومان علیهم‌السلام چه ادله‌ای بر اثبات وجود خداوند قابل اصطیاد است؟

کلیدواژه: خداشناسی، اثبات خدا، مناظرات، الهیات نقلی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۱۰۹. بررسی نگرش شلنبرگ^۱ به پدیده شر به مثابه استدلالی علیه وجود خداوند

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه اشکال‌هایی به نگرش شلنبرگ به پدیده شر به مثابه استدلالی بر عدم وجود خداوند وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه اسلامی دانشی است که روز به روز بر غنای آن افزوده شده است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند به غنای مباحث فلسفه اسلامی کمک کند، استفاده از متون و منابع غربی است. در این راستا می‌توان با مراجعه به متون غربی و استخراج شبهات و پرسش‌های آنان به بررسی و یافت پاسخی از متون و منابع اسلامی و بر پایه روش عقلی همت گمارد و به غنای مباحث فلسفی افزود. برای مثال در مباحث مربوط به اثبات وجود خداوند، برخی از نویسندگان غربی با ارائه تقریر جدید از مسئله شر آن را چالشی برای عموم ادله اثبات وجود خداوند شمرده‌اند؛ برای نمونه شلنبرگ از جمله کسانی است که تصور می‌کند تقریری از شبهه شر ارائه کرده است که همچنان بدون پاسخ مانده است. با بررسی دیدگاه شلنبرگ از منظر حکمت اسلامی می‌توان قوت‌های براهین اثبات وجود خداوند در سنت اسلامی را بیش از پیش نمایان ساخت؛ از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه انتقادهایی بر تقریر شلنبرگ از مسئله شر به منزله استدلالی علیه وجود خداوند می‌توان یافت؟

کلیدواژه: خداشناسی، اختفای الهی، برهان اختفا، شلنبرگ.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۱۰. بررسی استدلال نیکلاس اوریت^۱ علیه خدا باوری براساس الهیات صدرایی

سؤال: براساس الهیات صدرایی چه انتقادهایی بر استدلال نیکلاس اوریت علیه خدا باوری وارد است؟ تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفی، الهیات به معنای اخص است. در الهیات به معنای اخص ضمن طرح استدلال‌هایی بر اثبات وجود خداوند، به نقد و بررسی این استدلال‌ها پرداخته می‌شود. همچنین بخشی از الهیات به معنای اخص، به بررسی استدلال‌هایی اختصاص دارد که منکران وجود خداوند علیه وجود خدا اقامه کرده‌اند. از میان نویسندگان جدید نیکلاس اوریت با در پیش گرفتن روش تحلیلی تلاش کرده است استدلالی علیه اثبات وجود خداوند اقامه کند. برهان مقیاس، برهانی است که وی از طریق آن تلاش می‌کند نشان دهد که خلقت عالم گواه وجود خالق نیست؛ زیرا به رغم آنکه هدف از خلقت، آفرینش انسان شمرده شده است، پژوهش‌های علمی و تاریخی نشان می‌دهد که مدت زمان حیات انسان بر روی این کره خاکی چند صباحی بیش نیست. بنابراین عمده زمان خلقت فارغ از وجود انسان بوده است. باتوجه به اینکه براساس مبانی حکمت صدرایی، خلقت امری عبث قلمداد نمی‌شود و نتایج پژوهش‌های علمی - تاریخی، هیچ منافاتی با این مسئله ندارد، جای این پرسش وجود دارد که براساس مبانی الهیات صدرایی چه انتقادهایی بر استدلال نیکلاس اوریت علیه وجود خداوند وارد است؟

کلیدواژه: خداشناسی، اختفای الهی، برهان اختفا، نیکلاس اوریت.

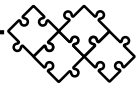
قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۱۱۱. بررسی لوازم غیر ماهوی شمردن حقیقت علم در مسئله علم الهی

سؤال: براساس دیدگاه ملاصدرا مبنی بر غیر ماهوی بودن حقیقت علم، چه لوازم و دلالت‌هایی در تحلیل علم الهی می‌توان اصطیاد کرد؟

تبیین مسئله: از جمله مباحث الهیات به معنای اخص، بررسی علم الهی است. در بحث علم الهی، ابعاد مختلفی از علم قبل از خلق تا انواع علم حضرت حق مطرح است و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده است؛ برای نمونه برخی از حکما بر این باورند که علم حصولی ناظر بر صورت ذهنی و مفاهیم ماهوی است که حضرت حق از آن پیراسته است؛ زیرا قائل شدن به چنین علمی درباره حضرت حق مستلزم محدود و نیازمند شدن حضرت حق به مفهوم و صورت ذهنی است. ملاصدرا با ارائه تحلیلی دقیق و هستی‌شناختی از حقیقت علم، بر این باور

1. Nicholas Everitt.



است که اساساً علم از سنخ ماهیت نیست و حقیقت آن، حقیقتی وجودی است. گذشته از اینکه در مواردی وی به مساوقت علم و وجود اشاره کرده است، وجودی شمردن علم می‌تواند پیامدها و لوازم بسیاری به‌ویژه در حل مسائل علم باری تعالی به دنبال داشته باشد؛ از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش پرداخت که براساس دیدگاه ملاصدرا مبنی بر غیرماهوی بودن حقیقت علم، چه لوازم و دلالت‌هایی در تحلیل علم الهی می‌توان اصطیاد کرد؟

کلیدواژه: خداشناسی، علم الهی، علم، اوصاف وجودی، صفات الهی، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۱۲. بررسی تحلیلی – عقلی نظریه «مرآتیت انسان» در برابر حضرت حق براساس هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیل عقلی از نظریه «مرآتیت انسان» در برابر حضرت حق می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل اصلی الهیات عقلی، بررسی و واکاوی نسبت انسان با حضرت حق است. انسان یکی از موجودات امکانی مظهر حضرت حق است. در متون و منافع فلسفی انسان آینه تمام‌نمای حق شمرده می‌شود و براین‌اساس نظریه‌ای شکل گرفته است که از آن به «مرآتیت انسان» در برابر حضرت حق تعبیر می‌شود. باتوجه‌به نظام تشکیکی وجود، و شمول آن نسبت به همه موجودات، مرآتیت انسان که وصفی وجودی است نیز از این قاعده مستثنا نیست. این وصف تشکیکی، دلالت‌ها و پیامدهایی در الهیات می‌تواند به دنبال داشته باشد. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر این مسئله، به بررسی این پرسش پرداخت که براساس هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیل عقلی از مرآتیت انسان در برابر حضرت حق می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: خداشناسی، انسان، مرآتیت انسان، حضرت حق، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۱۱۳. بررسی تطبیقی شخص بودن خداوند از منظر آیت‌الله جوادی آملی و اسپینوزا^۱

سؤال: چه وجوه شباهت و تفاوتی میان شخص بودن خداوند از نظر آیت‌الله جوادی آملی و اسپینوزا وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحثی که به‌تازگی در مغرب زمین مطرح شده است، مسئله

1. Baruch Spinoza.

«شخص» بودن خداوند است. برخی از نویسندگان با تمرکز بر آنچه باعث «شخص» بودن می‌گردد، مانند هویت و علم این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا می‌توان خداوند را واجد ویژگی‌های شخص دانست؟ سپس در مقام پاسخ، به استدلال‌هایی اشاره کرده‌اند، که شخص بودن خداوند را نشان می‌دهد. روشن است که از بسیاری از متون دینی شخص بودن خداوند قابل برداشت است، اما آنچه مطرح است این است که براساس بسیاری از مباحث فلسفی نمی‌توان شخص بودن خداوند را به سهولت تقریر و تبیین کرد. باتوجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی از جمله حکمای معاصر است که مباحث بسیاری درباره خداشناسی مطرح کرده است، مناسب است با تمرکز بر آرای ایشان به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر دیدگاه شخص بودن خداوند وارد است؟

کلیدواژه: خداشناسی، شخص بودن، تشخص، واجب الوجود، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱.۲. فلسفه مضاف

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، بخشی از مباحث عقلی ناظر به مباحث فلسفه مضاف است. در این زمینه حوزه‌های مختلفی وجود دارد که ظرفیت پژوهش و تحقیق در آن وجود دارد. در این قسمت به بررسی برخی از مسائل نوپدید در قلمرو فلسفه مضاف می‌پردازیم.

۱.۲.۱. فلسفه منطق و فلسفه علم منطق

فلسفه منطق و فلسفه علم منطق از جمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی و واکاوی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم منطق و نیز مباحثی در زمینه روش پژوهش منطقی می‌پردازد. امروزه و باتوجه به گسترش نظام‌های منطقی، بحث از فلسفه منطق رواج بسیاری یافته است. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید درباره فلسفه منطق آشنا می‌شویم.

۱.۱۴. بررسی جایگاه قضایای حقیقه در قیاس برهانی از منظر ابن‌سینا

سؤال: از منظر ابن‌سینا، قضایای حقیقه چه نقشی در قیاس برهانی دارند؟

تبیین مسئله: فلسفه علم منطق به بررسی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم منطق می‌پردازد. اگرچه چند دهه بیشتر نیست که این شاخه فلسفی به رشته مستقلی تبدیل



شده، از دیرباز محتوا و مسائل آن، بسته‌گرفته در متون و منابع منطقی مطرح شده است. برای مثال در آثار ارسطو به‌ویژه در کتاب ارغنون، مباحث مهمی درباره موضوعاتی مانند کلی، قیاس و استنتاج مطرح شده است. بلکه می‌توان گفت ابهام در سخنان ارسطو، منشأ بسیاری از مباحث فلسفه منطق بوده است. در این میان نباید نقش ابن‌سینا را که شارح برجسته آراء ارسطو بوده است در حل بسیاری از این معضلات نادیده گرفت. برای مثال یکی از مسائلی که در فلسفه منطق از اهمیت بسیاری برخوردار است، سنخ‌شناسی گزاره‌های به‌کاررفته در استنتاج قیاسی است. درحالی‌که بسیاری تصور می‌کنند این دسته از گزاره‌ها از سنخ گزاره‌های مسوره باشند، از برخی تعبیر ارسطو این‌گونه به دست می‌آید که این گزاره‌ها از سنخ گزاره‌های حقیقیه هستند. با توجه به تفاوت مهمی که میان گزاره‌های حقیقیه و گزاره‌های مسوره وجود دارد، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر ابن‌سینا، قضایای حقیقیه چه نقشی در قیاس برهانی دارند؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، قضیه حقیقیه، برهان، قیاس، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱۱۵. بررسی تطبیقی دیدگاه شیخ اشراق و ابن‌سینا درباره قضایای موجه

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شیخ اشراق و ابن‌سینا به قضایای موجه می‌توان اصطیاد کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه منطق، گونه‌شناسی گزاره‌هاست. در بسیاری از متون منطقی به تفکیک و تمایز میان گزاره‌های مختلف و بیان حکم هرکدام پرداخته شده است. برای مثال در آثار ابن‌سینا و شیخ اشراق، گزاره‌ها از نظر کم، کیف و جهت به اقسامی تقسیم شده‌اند. در این میان برخی از منطق‌دانان با طرح ایده‌های ابتکاری سعی کرده‌اند احکام برخی از گزاره‌ها را به گزاره‌های دیگر تعمیم و توسعه دهند. برای مثال، احکام گزاره‌های موجه، به‌ویژه گزاره‌های ضروریه، شیخ اشراق را بر آن داشته است با تحویل گزاره‌های ممکنه و حینی به وقتی به گزاره‌های ضروریه، زمینه را برای تعمیم استنتاجات ضروری فراهم سازد. اما این تلاش شیخ اشراق خالی از اشکال و ایراد نبوده است و می‌توان گفت در مواردی آسیب‌هایی نیز برای منطق به دنبال داشته است. برای بررسی دیدگاه شیخ اشراق مناسب است با مبنا قرار دادن افکار و اندیشه‌های ابن‌سینا به بررسی این مسئله

بپردازیم که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شیخ اشراق و ابن‌سینا به قضایای موجه می‌توان اصطیاد کرد؟
کلیدواژه: فلسفه منطق، قضیه موجه، قضیه ممکنه، قضیه ضروریه، شیخ اشراق، ابن‌سینا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

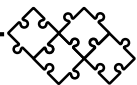
۱۱۶. بررسی نظام منطق نسبی‌گرایانه از منظر منطق سینوی

سؤال: از منظر منطق سینوی چه انتقادهایی به نظام منطق نسبی‌گرایانه وارد است؟
 تبیین مسئله: در فلسفه منطق، مبادی تصویری و مبادی تصدیقی دانش منطق مورد تحقیق و واکاوی قرار می‌گیرد. یکی از اصول و پیش‌فرض‌های منطق، اصول اساسی منطق مانند اصل عدم‌تناقض است. این اصل، دلالت‌ها و لوازم متعددی در نظام منطقی به دنبال دارد. از جمله این لوازم، می‌توان به رد نظام‌های منطقی نسبی‌گرایانه اشاره کرد. امروزه و با توسعه نظام‌های منطقی، تردیدهایی در اعتبار اصل عدم‌تناقض و دایره اعتبار آن مطرح شده است. در پی این تردیدها سخن از نظام‌های منطقی نسبی‌گرایانه به میان آمده است و برخی از منطق‌دانان جدید نظام‌هایی را براساس این نگرش تدوین و تنظیم کرده‌اند. آنچه روشن است این است که براساس نظام منطق قدیم، رد و تردید در اصول منطقی، مانند اصل عدم‌تناقض، خودشکن خواهد بود. از این‌رو هر نظام منطقی که عدم‌اعتبار اصل عدم‌تناقض را پیش‌فرض خود قرار دهد، خالی از اشکال نخواهد بود. با توجه به دقت و استحکام نظام منطق سینوی می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر منطق سینوی چه انتقادهایی به نظام منطق نسبی‌گرایانه وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه منطق، نسبی‌گرایی، مطلق‌گرایی، منطق سینوی، منطق جدید، ابن‌سینا.
قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱۱۷. بررسی نگرش گراهام پریست^۱ به جایگاه اصل عدم‌تناقض در نظام منطقی از منظر ابن‌سینا

سؤال: از منظر ابن‌سینا چه انتقادهایی به نگرش گراهام پریست به جایگاه اصل عدم‌تناقض در نظام منطقی وارد است؟
 تبیین مسئله: فلسفه علم منطق، مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم منطق را بررسی

1. Graham Priest.



می‌کند. از میان مبادی تصدیقی علم منطق می‌توان به اصل عدم تناقض اشاره کرد. این اصل مبنای همه استنتاجات منطقی را تشکیل می‌دهد و هرگونه تردید در آن، زمینه را برای تزلزل اعتبار استنتاج‌ها در منطق قدیم فراهم خواهد ساخت. در سال‌های اخیر برخی از منطق‌دانان، که دل در گرو منطق جدید دارند، به نقد و بررسی این اصل پرداخته‌اند و اشکال‌هایی به آن وارد ساخته‌اند. از جمله این منطق‌دانان می‌توان به گراهام پریست اشاره کرد. وی با نگارش کتابی مستقل به رد اصل عدم تناقض پرداخته است. چه‌بسا هدف وی از رد اصل عدم تناقض فراهم ساختن زمینه برای ارائه نظام‌های منطقی جدید است که به اصل عدم تناقض نیاز نداشته باشند. اما نکته اصلی این است که آیا هرگونه نقد و ارزیابی بدون کاربرست اصل عدم تناقض امکان دارد؟ باتوجه به تأکیدی که ابن‌سینا بر ارزش و اعتبار اصل عدم تناقض دارد، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر ابن‌سینا چه انتقادهایی به نگرش گراهام پریست به جایگاه اصل عدم تناقض در نظام منطقی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، اصل عدم تناقض، اثبات، گراهام پریست، ابن‌سینا.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۱۸. بررسی رابطه ضرورت هستی‌شناختی و ضرورت منطقی در نظام منطق صدرایی

سؤال: از منظر منطق صدرایی رابطه ضرورت هستی‌شناختی و ضرورت منطقی چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم منطق، دانشی است که به مباحث کلیدی در حوزه منطق می‌پردازد. در این دانش، مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم منطق مورد واکاوی و پژوهش قرار می‌گیرد. از جمله مبادی تصدیقی علم منطق می‌توان به واقع‌گرایی هستی‌شناختی اشاره کرد. براساس واقع‌گرایی هستی‌شناختی، منطق، ناظر به واقعیت‌ها و حقایقی است که تحقق عینی دارند. این مطلب بر پیوند وثیق مباحث منطقی و واقعیت دلالت دارد. یکی از محورهای اساسی منطق، تأکید بر وجود ضرورت در قواعد منطقی است. این‌گونه ضرورت که از آن به «ضرورت منطقی» تعبیر می‌گردد، براساس رابطه میان مفاهیم و قضایا تجزیه و تحلیل شده است. باتوجه به رابطه وثیق منطق و واقعیت می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر نظام منطق صدرایی رابطه ضرورت هستی‌شناختی و ضرورت منطقی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، ضرورت وجودی، ضرورت منطقی، نظام منطقی، حکمت متعالیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.



۱۱۹. بررسی چالش‌های جدید اعتبار ضروب قیاس اقترانی ارسطویی از منظر منطق سینوی

سؤال: از منظر منطق سینوی چالش‌های جدید اعتبار ضروب قیاس اقترانی ارسطویی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم منطق یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که عهده‌دار مباحث کلان و اساسی دریاب مفاهیم و گزاره‌های بنیادین علم منطق است. این دانش، که نگرش درجه دوم به مباحث علم منطق دارد، سعی می‌کند موضوعاتی اساسی را مورد توجه قرار دهد. از جمله این موضوعات، اعتبار نظام استنتاج قیاسی است که از زمان ارسطو مورد توجه عموم منطق‌دانان قرار گرفته است و آثار متعددی در تبیین اعتبار این نظام استنتاجی منتشر شده است. اما در دوره‌های اخیر برخی از منطق‌دانان با تمرکز بر ابعاد مختلف نظام منطق قیاس اقترانی ارسطو به طرح اشکال‌هایی پرداخته‌اند که حاکی از وجود تناقض‌هایی در منطق ارسطو است. با توجه به اهمیت این دسته از مباحث، مناسب است به بررسی این چالش‌ها پرداخت و این سؤال را بررسی کرد که از منظر منطق سینوی چالش‌های جدید اعتبار ضروب قیاس اقترانی ارسطویی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، قیاس اقترانی، ضروب قیاس، منطق سینوی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۱۲۰. بررسی رابطه منطق تعریف و منطق استدلال از منظر منطق سینوی

سؤال: از منظر منطق سینوی رابطه منطق تعریف و منطق استدلال چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم منطق از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم منطق می‌پردازد. بخشی از این مباحث به قلمرو تصورات مربوط است و برخی از مباحث آن نیز ناظر به مباحث تصدیقات است. امروزه و با گسترش نظام‌های منطقی جدید شاهد تحولی در نظام منطقی هستیم. براساس رویکردهای جدید، اساساً برای منطق تعریف، جایگاه روشنی در نظام منطق جدید در نظر گرفته نمی‌شود، و عمده مباحث منطق جدید ناظر به گزاره‌ها و روابط میان آن‌ها سامان می‌یابد. مراجعه به آثار منطق‌دانانی مانند ارسطو و ابن‌سینا گواه آن است که منطق تعریف، بخش جدایی‌ناپذیر منطق است و نمی‌توان بدون بررسی بسیاری از موضوعات مربوط به منطق تعریف، به واکاوی منطق گزاره‌ها پرداخت. حال برای آشکارتر شدن رابطه میان منطق تعریف



و منطق گزاره‌ها لازم است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر منطق سینوی رابطه منطق تعریف و منطق استدلال چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، منطق تعریف، منطق استدلال، منطق سینوی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱۲۱. بررسی حقیقت و جایگاه گزاره‌های سالبه در نظام منطق سینوی

سؤال: از منظر نظام منطق سینوی چه تحلیلی از حقیقت و جایگاه گزاره‌های سالبه می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم منطق است. در فلسفه علم منطق به بررسی مفاهیم و تصدیقات اساسی به کاررفته در منطق پرداخته می‌شود. یکی از مباحثی که از دیرباز مورد توجه منطق‌دانان قرار داشته است، گونه‌شناسی گزاره‌ها و تصدیقات است. در این زمینه تقسیماتی برای گزاره‌ها مطرح شده است که از میان آن‌ها، تقسیم گزاره به موجه و سالبه از اهمیت خاصی برخوردار است. اما درباره اینکه حقیقت گزاره سالبه چیست و اجزای اصلی و ارکان آن کدام است، میان منطق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. روشن است که بدون بررسی و تحلیل اجزای گزاره نمی‌توان لوازم و دلالت‌های منطقی آن را به خوبی بازشناخت. اختلاف درباره چیستی گزاره‌های سالبه تا سال‌های اخیر نیز ادامه داشته است و این امر اقتضا می‌کند با تمرکز بر این گونه از گزاره‌ها به واکاوی دقیق اجزای تشکیل‌دهنده آن و شناخت جایگاه آن در منطق پرداخت. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر نظام منطق سینوی چه تحلیلی از حقیقت و جایگاه گزاره‌های سالبه می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، قضیه سالبه، قضیه موجه، منطق سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱۲۲. بررسی تحلیلی کاربرست مربع تقابل در اشکال قیاس اقترانی در منطق سینوی

سؤال: کاربرست مربع تقابل در اشکال قیاس اقترانی منطق سینوی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: فلسفه منطق یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. این شاخه عقلی به بررسی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی دانش منطق می‌پردازد. از جمله مباحث مطرح در منطق، کاربرست مربع تقابل در شیوه‌های مختلف استنتاجی است. مقصود از مربع تقابل،



رابطه‌ای است که میان انحای گوناگون گزاره‌ها مطرح است و براساس آن، میان یک گزاره و گزاره دیگر یکی از فروض تضاد، تناقض، داخل تحت التضاد و عکس، مطرح است. این روابط پایه و اساس رابطه را میان مقدمات استدلال، به‌ویژه در مقام «توجیه منتج بودن» اشکال قیاس، تشکیل می‌دهد. با این حال خود مربع تقابل چندان مورد دقت و تأمل منطقی قرار نگرفته است. گذشته از آنکه به‌تازگی برخی از منطق‌دانان با تمرکز بر روابط میان گزاره‌های مختلف در مربع تقابل، اشکال‌هایی را مطرح کرده‌اند. در سنت اسلامی ابن‌سینا با پرداختن تفصیلی به مباحث منطق، ابعاد و زوایای مختلف آن را واکاوی کرده است. از این رو مناسب است به بررسی ابعاد مختلف مربع تقابل بپردازیم. کاربست مربع تقابل در اشکال قیاس اقترانی منطق سینوی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، قیاس اقترانی، مربع تقابل، روابط قضایا، ابن‌سینا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

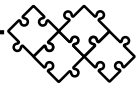
۱۲۳. بررسی پلورالیسم منطقی از منظر نظام منطق سینوی

سؤال: از منظر نظام منطق سینوی چه انتقادهایی به پلورالیسم منطقی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم منطق به بررسی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم منطق می‌پردازد. این مبادی نقشی اساسی در سامان دادن به مباحث منطق نقش مؤثری دارد. برای مثال اینکه آیا اساساً یک نظام منطقی وجود دارد یا می‌توان از نظام‌های مختلف منطقی سخن گفت، یکی از مباحث مهم فلسفه علم منطق است. اگر نظام‌های منطقی، نظام‌هایی در طول هم در نظر گرفته شود، شاید چالشی به وجود نیابد، و لیکن اگر این‌گونه در نظر بگیریم که برخی از منطق‌دانان جدید در راستای ارائه نظام‌های هم‌عرض منطقی گام برمی‌دارند، این پرسش مطرح می‌شود که با فرض اصول مبانی مشترک منطق، چگونه می‌توان از نظام‌های هم‌عرض سخن گفت. با توجه به اینکه یکی از نظام‌های دقیق منطقی در سنت اسلامی، منطق سینوی است می‌توان این پرسش را در کانون توجه قرار داد که از منظر نظام منطق سینوی چه انتقادهایی به پلورالیسم منطقی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، کثرت‌گرایی، پلورالیسم، وحدت‌گرایی، منطق سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.



۱۲۴. بررسی جایگاه قضیه جزئیۀ در استدلال قیاسی از منظر ابن سینا

سؤال: از منظر ابن سینا قضیه جزئیۀ چه جایگاهی در استدلال قیاسی دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه منطق از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در فلسفه منطق به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم منطق پرداخته می‌شود. از جمله مبادی تصدیقی منطق، تقسیم گزاره‌ها به اقسام مختلف است. براساس یکی از این تقسیمات، گزاره‌ها به کلیه و جزئیۀ تقسیم می‌شوند. احکام گزاره‌های کلیه با احکام گزاره‌های جزئیۀ تفاوت دارد؛ برای نمونه هر چند حکم در گزاره کلیه برای همه مصادیق موضوع است و از این جهت چنین گزاره‌ای قابلیت آن را دارد که کبرای استدلال باشد، ولی باید به این نکته نیز توجه داشت که در برخی از استدلال‌های قیاسی مادام که یک صغرای جزئی حکم کلی را به یک موضوع مشخص پیوند نزنند، امکان استنتاج حکمی درباره مصادیق خارجی فراهم نخواهد شد. باتوجه به اینکه ابن سینا در مباحث منطقی تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر ابن سینا قضیه جزئیۀ چه جایگاهی در استدلال قیاسی دارد؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، قضیه جزئیۀ، قضیه کلیه، استدلال، منطق سینوی، ابن سینا.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۱۲۵. بررسی لوازم معرفت‌شناختی قضیه ناتمامیت کورت گودل^۱ از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر لوازم معرفت‌شناختی قضیه ناتمامیت گودل وارد است؟

تبیین مسئله: امروزه با بسط مباحث منطقی، زمینه برای طرح نظام‌های جدید منطقی فراهم شده است. در منطق جدید تجدیدنظر در اصول و مبانی منطق شده است و براین اساس برخی از مبانی منطق سنتی و قدیم زیر سؤال رفته است. همچنین برخی از ریاضی‌دانان با ورود به عرصه کلان و بنیادین، مباحثی درباره نظام‌های منطقی مطرح کرده‌اند که پیش‌تر مطرح نبوده است. از جمله مباحث جدید، برهانی است که کورت گودل در راستای اثبات ناتمامیت نظام ریاضیات مطرح کرده است. به باور او هر نظامی که مشتمل بر اصول موضوعه باشد، مانند نظام ریاضیات، مشتمل بر قضایایی خواهند بود که براساس اصول موضوعه مذکور اثبات‌پذیر نخواهد بود. اگرچه این برهان گودل ناظر به نظام ریاضیات مطرح شده است، «لیم»

1. Kurt Godel.



مطرح شده در آن، شامل هر نظام اصل موضوعی، از جمله نظام منطق نیز می‌شود. باتوجه به اینکه در منطق اسلامی به‌ویژه منطق صدرایی تأکید فراوانی بر اعتبار قواعد منطقی صورت می‌گیرد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر لوازم معرفت‌شناختی قضیه ناتمامیت گودل وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، قضیه ناتمامیت، تمامیت نظام، گودل، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۳

۱۲۶. بررسی نظام‌های ناسازگار منطقی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظام‌های ناسازگار منطقی وارد است؟
تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفی فلسفه منطق است. امروزه با گسترش نظام‌های محاسباتی، تحقیقات مربوط به رایانه، و نیز هوش مصنوعی، تلاش‌های بسیاری برای طراحی نظام‌های منطقی انجام می‌گیرد، و در این زمینه نظام‌های جدید منطقی مطرح شده است؛ برای نمونه، سخن از نظام منطق فازی، نظام منطق تکلیف، نظام منطق چند ارزشی به میان آمده است. در کنار این موارد، پاره‌ای نظام‌های منطق جدید ظهور کرده‌اند، که آن‌ها را با عنوان نظام‌های منطق ناسازگار می‌شناسند. در این گونه از نظام‌ها ابایی از وجود پارادوکس وجود ندارد در حالی که براساس آموزه‌های منطق سنتی هرگونه پارادوکس و تناقض نشانه بی‌اعتباری یک نظام منطقی است. افزون بر این از منظر معرفت‌شناختی نیز وجود هرگونه تناقض در یک دستگاه فکری به معنای عدم اعتبار آن است. این نکته‌ای است که در معرفت‌شناسی به جد مورد توجه قرار گرفته است. اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظام‌های ناسازگار منطقی وارد است؟

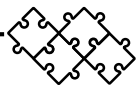
کلیدواژه: فلسفه منطق، سازگاری، منطق‌های ناسازگار، اصل عدم تناقض، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱۲۷. بررسی جایگاه اصل عدم تناقض در منطق جدید از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نگرش منطق جدید به اصل عدم تناقض وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه منطق، واکاوی اصول و مبانی علم منطق



است. در منطق سنتی، از زمان ارسطو، اصولی مانند اصل عدم تناقض از مبانی منطق شناخته شده است. این اصل در منطق اسلامی نیز اصل آغازین منطق شمرده شده و مورد توجه بوده است. با گسترش مباحث منطقی و ظهور نظام‌های منطق جدید، رفته‌رفته اصل عدم تناقض جایگاه خود را از دست داده است، و به گزاره‌ای تبدیل شده است که نه تنها پایه و اساس منطق شمرده نمی‌شود، بلکه تلاش‌هایی برای اثبات آن صورت گرفته است، صرف‌نظر از نظام‌های منطقی چند ارزشی که اساس آن‌ها بر رد اصل عدم تناقض استوار است. باتوجه به اهمیت این بحث و نقش مهمی که این مسئله در ابعاد مختلف نظام منطقی دارد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر معرفت‌شناسی صدرايي چه انتقادهایی بر نگرش منطق جدید به اصل عدم تناقض وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، اصل عدم تناقض، منطق جدید، پارادوکس، حکمت صدرايي.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۲۸. بررسی اشکالات نظام منطق قیاس ارسطویی

سؤال: چه پاسخ‌هایی به انتقادهای وارد بر نظام منطق قیاس ارسطویی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مهم‌ترین نظام‌های منطقی، نظام منطق قیاسی ارسطو است که به نظریه قیاس ارسطویی شناخته می‌شود. ارسطو با تحقیقات عمیق خود سرآغاز جریانی در منطق شد که بعدها بسیاری منطق‌دانان، از جمله منطق‌دانان اسلامی، به آن توجه کردند و آن را توسعه بخشیدند. در دوره‌های اخیر برخی از محققان بر ابعاد مختلف نظام منطق قیاسی ارسطو تمرکز کرده، به شرح و تفسیر آن پرداخته‌اند. از جمله اینکه محققان با تنظیم مجدد نظام منطق قیاسی ارسطو در قالب نظام اصل موضوعی، به نکات جدیدی درباره دیدگاه منطقی ارسطو دست یافته‌اند. یکی از این نکات جدید، ناسازگاری‌ای است که برخی در نظام استنتاج ارسطویی پیدا کرده‌اند و درباره تقریر آن و نحوه غلبه بر آن ادعاهایی را مطرح ساخته‌اند. درمقابل، عده‌ای با دستاویز قرار دادن این ناسازگاری ادعایی، مدعی لزوم کنار نهادن منطق ارسطویی شده‌اند. باتوجه به جدی بودن این چالش، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که چه پاسخ‌هایی به اشکالات وارد بر نظام منطق استنتاج قیاسی ارسطو می‌توان ارائه کرد؟



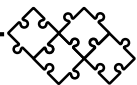
کلیدواژه: فلسفه منطق، استنتاج، قیاس، منطق ارسطویی.
 قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۲۵.

۱۲۹. بررسی نسبی‌گرایی منطقی از منظر منطق‌دانان مسلمان

سؤال: از منظر منطق‌دانان مسلمان چه اشکال‌هایی بر نسبی‌گرایی منطقی می‌توان وارد ساخت؟
 تبیین مسئله: علم منطق روشی برای یافتن خطا است؛ از این‌رو، مهم است که قواعد منطقی عاری از هرگونه خطا و اشتباه باشند. ملاک و معیار برای تحقق خطا آن است که میان معرفت و واقعیت سازگاری وجود نداشته باشد. هرگونه عدم‌سازگاری زمانی محقق خواهد شد که فرد از پیش، اصل اساسی منطق یعنی اصل عدم‌تناقض را پذیرفته باشد. در غیر این صورت، صرف عدم‌سازگاری هیچ مشکلی را به وجود نخواهد آورد؛ از این‌روست که در منطق اسلامی تأکید بسیاری بر اصولی مانند اصل عدم‌تناقض مشاهده می‌شود. باین حال در دهه‌های اخیر شاهد ظهور نظام‌های منطقی هستیم که ضمن رد اصل عدم‌تناقض، گونه‌ای از نسبی‌گرایی را مطرح می‌کنند که به نسبی‌گرایی منطقی مشهور است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا براساس نسبی‌گرایی منطقی می‌توان همچنان منطق را همچون ابزاری برای شناسایی درست از نادرست به کار گرفت؟ به عبارت دیگر از منظر منطق‌دانان مسلمان چه اشکال‌هایی بر نسبی‌گرایی منطقی می‌توان وارد ساخت؟
 کلیدواژه: فلسفه منطق، نسبی‌گرایی، منطق سینوی، منطق ارسطویی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۱۳۰. بررسی اصالت گزاره در منطق براساس نظام منطق ارسطویی – سینوی

سؤال: از منظر منطق ارسطویی – سینوی چه انتقادهایی بر اصالت گزاره در منطق وارد است؟
 تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفی می‌توان به فلسفه منطق اشاره کرد. در این شاخه عقلی – فلسفی به بررسی و واکاوی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم منطق پرداخته می‌شود. غایت اصلی منطق، آن‌گونه که در کتب بزرگانی مانند ارسطو و ابن‌سینا مطرح شده است، مصون داشتن تفکر از خطاست؛ از این‌روست که بزرگان منطق نه تنها یک نظام منسجم منطقی ارائه کرده‌اند، بلکه به پیرایش آن از هرگونه مطلب ناسازگار پرداخته‌اند. آنان برای ارائه نظام کامل منطقی، مباحث را در بخش تعریف و نیز در بخش گزاره دنبال کرده‌اند. به باور



منطق‌دانان ارسطویی - سینیوی، حدود در هر گزاره براساس منطق تعریف صورت‌بندی می‌گردد و در منطق تعریف لازم است بر ذاتیات اعتماد شود. بنابراین در این نگرش، گام‌های نخست منطق در ساحت تعریف سامان می‌یابد. باین حال در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای طرح نظام‌های مختلف منطقی صورت گرفته است. این تلاش‌ها به پیدایش نظام‌های مختلف منطقی انجامیده است که عمده آنان نقطه آغاز منطق را منطق گزاره‌ها قرار داده‌اند. بنابراین در نظر این منطق‌دانان منطق تعریف، اهمیت چندانی ندارد و لازم است عمده مباحث منطقی بر محور روابط میان گزاره‌ها استوار گردد. باتوجه به اینکه این نگرش در تقابل صریح منطق ارسطویی و سینیوی قرار دارد، جای طرح و بررسی این مسئله وجود دارد که از منظر منطق ارسطویی - سینیوی چه انتقادهایی بر اصالت گزاره در منطق وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، اصالت گزاره، منطق گزاره‌ها، منطق تعریف، منطق ارسطویی، منطق سینیوی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۱۳۱. بررسی تطبیقی قلمرو منطق از منظر منطق جدید و نظام منطق ارسطویی - سینیوی

سؤال: بر پایه یک پژوهش تطبیقی قلمرو منطق از منظر منطق جدید و منطق ارسطویی - سینیوی چه وجوه اشتراک و اختلافی دارند؟

تبیین مسئله: هنگامی که در دوران یونان باستان افرادی به نام سوفسطائیان ظهور کردند، بسیاری از فیلسوفان و متفکران به فکر مواجهه علمی با آنان برآمدند. اینجا بود که زمینه برای تأسیس علم منطق فراهم گشت. بنابراین از همان آغاز، به منطق همچون ابزاری برای رد سخنان نادرست نگرسته می‌شد. رفته‌رفته توجه به منطق از حد یک ابزار فراتر رفت و منطق خود موضوعی شد برای تحقیق و پژوهش. امروزه تحقیقات مستقل در باب منطق چنان گسترش یافته است که منطق جدید شاخه‌ای از علوم عقلی شناخته می‌شود که تفاوت‌های اساسی با منطق قدیم دارد. چه‌بسا تحقیق مستقل و جامعی درباره چپستی تفاوت‌های منطق قدیم و منطق جدید انجام نگرفته باشد، ولی این دیدگاه که منطق جدید تفاوت‌های بسیار جدی با منطق قدیم دارد، به آموزه‌ای رایج در میان منطق‌پژوهان تبدیل شده است. به هر حال، تفاوت‌ها هر چقدر که بسیار باشد، نباید بدان حد رسیده باشد که «منطق» تنها به یک لفظ مشترک تبدیل شده باشد و چه‌بسا همچنان وجوه اشتراکی میان



منطق جدید و منطق ارسطویی - سینوی وجود داشته باشد. اینجاست که مناسب است به بررسی این پرسش پردازیم که بر پایه یک پژوهش تطبیقی قلمرو منطق از منظر منطق جدید و منطق ارسطویی - سینوی چه وجوه اشتراک و اختلافی دارد؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، منطق جدید، منطق ارسطویی، منطق سینوی، قلمرو منطق.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

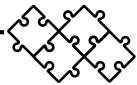
۱۳۲. بررسی منطق تکلیف از منظر دانش علم اصول با تأکید بر آرای محقق اصفهانی

سؤال: از منظر دانش علم اصول و با تأکید بر آرای محقق اصفهانی منطق تکلیف را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

تبیین مسئله: دانش منطق ابزاری است برای شناخت و تشخیص خطا از صواب که قدمتی دیرین دارد. در سراسر تاریخ فلسفه در بسیاری از گفت‌وگوها و مباحثات فلسفی، یکی از ابزارهایی که همواره به کمک متفکران آمده، منطق بوده است. از سوی دیگر اساساً صواب و خطا تنها در گزاره‌های واقعی معنا می‌یابد. گزاره‌هایی که گزارش از واقعیت می‌دهند، در صورتی که گزارش آن‌ها با واقعیت مطابق باشد، به صواب متصف می‌شوند. در غیر این صورت، خطا نامیده خواهند شد. حال منطق برای شناسایی خطا و صواب در میان گزاره‌های اخباری است. باین حال در دهه‌های اخیر با طرح نظام‌های منطق جدید، سخن از نظام منطق تکلیف به میان آمده است. مقصود از این نظام منطقی، بررسی رابطه میان گزاره‌هایی است که انشایی هستند؛ این نظام منطقی در تلاش میان گزاره‌های مختلف انشایی رابطه‌ای بیابد، بدون اینکه رابطه این گزاره‌ها با گزاره‌های خبری را مورد توجه قرار دهد. اکنون می‌توان این پرسش را مطرح کرد که نظام منطق تکلیف واجد چه ویژگی‌هایی است که براساس آن‌ها می‌توان چنین نظامی را یک نظام «منطقی» نامید؟ در سنت اسلامی، دانش اصول فقه عهده‌دار واکاوی ابعاد مختلف گزاره‌های انشایی است و مباحث دقیقی درباره روابط میان گزاره‌های انشایی مطرح ساخته است. اگر نگرش محقق اصفهانی - دانشمندی اصولی، معاصر و دقیق‌النظر - را مبنایی برای نگاه انتقادی قرار دهیم، می‌توانیم این پرسش را مطرح سازیم که از منظر دانش علم اصول، و با تأکید بر آرای محقق اصفهانی، منطق تکلیف را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، منطق تکلیف، بایدونباید، عقل عملی، علم اصول، محقق اصفهانی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.



۱۳۳. بررسی تطبیقی نظام منطق موجهاتی سینوی و نظام منطق موجهات جدید

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نظام منطق موجهات از نظر ابن‌سینا و از منظر منطق جدید وجود دارد؟

تبیین مسئله: منطق، نظامی تشکیل‌شده از قواعدی است که هدف اصلی آن، مصون داشتن تفکر از خطاست. در منطق، قواعد مختلفی مطرح می‌گردد که عمده آن ناظر به روابط میان گزاره‌ها و شیوه استنتاج است. ابن‌سینا - یکی از بزرگ‌ترین منطق‌دانان جهان - با تمرکز بر قواعد منطقی، نظامی دقیق از ضوابط منطقی ارائه کرده است که شامل مبحث جهات نیز می‌گردد. می‌توان گفت نظام منطق موجهات سینوی از جمله کامل‌ترین نظام‌های منطقی است. درمقابل، در دهه‌های اخیر، تلاش‌های بسیاری در جهان غرب برای پیشبرد منطق در قالب منطق جدید صورت گرفته است که بخشی از این تلاش‌ها در حوزه منطق موجهات انجام گرفته است. نظام منطق موجهاتی، بعد از منطق گزاره‌ها و منطق محمولات، از متقن‌ترین نظام‌های منطق جدید است. با این حال تقریری که در منطق جدید از موجهات ارائه می‌شود، با نگرش ابن‌سینا به منطق موجهات تفاوت دارد. از آنجاکه توجه به این تفاوت‌ها می‌تواند به تکامل منطق سینوی کمک کند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نظام منطق موجهات از نظر ابن‌سینا و از منظر منطق جدید وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، منطق موجهات، قضایای موجه، منطق سینوی، منطق جدید.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۱۳۴. بررسی اثبات اصل عدم تناقض در منطق جدید از منظر معرفت‌شناسی علامه طباطبائی

سؤال: با تأکید بر معرفت‌شناسی علامه طباطبائی چه انتقادهایی به اثبات اصل عدم تناقض در منطق جدید وارد است؟

تبیین مسئله: منطق، ابزاری برای تشخیص خطا از صواب است. اگرچه بسیاری از مسائل اساسی منطق در فلسفه منطق بررسی می‌گردد، مسائل فلسفه منطق براساس برخی از اصول بدیهی استوار شده است که به بررسی و تحقیق نیاز ندارد. از جمله اصول بدیهی منطق، اصل عدم تناقض است. در منطق جدید برخی از نویسندگان ادعا کرده‌اند که می‌توان با استفاده از برخی از اصول به اثبات اصل عدم تناقض پرداخت. آنان با در نظر گرفتن یک نظام

اصل موضوعی، برخی از اصول مانند اصل نفی و اصل عطف، درباره استخراج سایر روابط میان گزاره‌ها از این دو اصل اقدام می‌کنند. بنابراین در نظر آنان، اصل عدم‌تناقض نیز قابل استنتاج از برخی اصول پایه منطقی است. باتوجه‌به اینکه در معرفت‌شناسی اسلامی اذعان می‌شود که هرگونه اثباتی منوط به پذیرش قبلی اصل عدم‌تناقض است، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان این ادعای منطق‌دانان جدید را به جد گرفت که اصل عدم‌تناقض نیز قابل اثبات است؟ اگر نگرش معرفت‌شناختی علامه طباطبائی را مبنای بررسی خود قرار دهیم، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که با تأکید بر معرفت‌شناسی علامه طباطبائی چه انتقادهایی به اثبات اصل عدم‌تناقض در منطق جدید وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه منطق، اصل عدم‌تناقض، اصول منطق، علامه طباطبائی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱.۲.۲. فلسفه علم کلام

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم کلام است. در این دانش به بررسی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم کلام پرداخته می‌شود. در ادامه برخی از موضوعات نوپدید در این عرصه را از نظر می‌گذرانیم.

۱.۳.۵. بررسی معیار در جدید بودن علم کلام از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی، چه معیاری برای جدید شمردن علم کلام وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی، اصول و مبادی علم کلام واکاوی می‌شود. در دهه‌های اخیر با طرح مباحث جدید کلامی، سخن از «کلام جدید» به میان آمده است و برخی از نویسندگان نیز با پرداختن به این مسئله تلاش کرده‌اند وجوهی را برای جدید بودن کلام برشمارند. ازجمله این وجوه طرح مسائل جدید و طرح روش جدید است. به‌رغم بررسی این مسئله، همچنان ابهاماتی دراین‌باب وجود دارد و لازم است با تمرکز بر ابعاد مختلف این بحث به واکاوی دقیق کلام جدید پرداخت و روشن ساخت که آیا واقعاً با دانشی به نام کلام جدید مواجه هستیم، یا آنکه جدید بودن کلام از حد طرح برخی مسائل جدید فراتر نمی‌رود؟ در اینجا مناسب است با تمرکز بر آثار آیت‌الله جوادی آملی، که در مباحث کلامی و نیز در مباحث فلسفی



صاحب‌نظر است، به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی، چه معیاری برای جدید شمردن علم کلام وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، کلام جدید، کلام قدیم، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱۳۶. بررسی انتقادی مفهوم عقل در نظر معتزلیان جدید

سؤال: از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به نگرش معتزلیان جدید به مفهوم عقل وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام به بررسی مفاهیم و گزاره‌های بنیادین علم کلام می‌پردازد. از جمله مباحث فلسفه علم کلام، پرداختن به منابعی است که در حل مسائل علم کلام مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد. یکی از منابع مهم در علم کلام، عقل است. بسیاری از متکلمان در حل مسائل کلامی به سراغ ادله عقلی می‌روند و حل برخی از مسائل کلامی را تنها در گرو استفاده از عقل می‌دانند. امروزه و با گسترش مباحث مربوط به چیستی عقل، اعتبار عقل، و کاربرهای عقل، شاهد مفهوم جدیدی از عقل هستیم که مورد استفاده برخی از متکلمان جدید مانند معتزلیان جدید قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد آنچه درون این مکتب، عقل شمرده می‌شود، با آنچه در کلام قدیم عقل شناخته می‌شد، تفاوت اساسی پیدا کرده است. با توجه به تأکید مکتب کلامی امامیه بر عنصر عقل، مناسب است با محور قرار دادن تلقی امامیه از عقل، به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به نگرش معتزلیان جدید به مفهوم عقل وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، معتزله، نومتزله، عقلانیت، عقلانیت امامیه، عقل.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۳۷. بررسی انتقادی ملاک حسن و قبح از منظر اشاعره جدید براساس عقلانیت امامیه

سؤال: از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به نگرش اشاعره جدید به معیار حسن و قبح وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی و واکاوی مبادی تصوری و مبادی تصدیقی علم کلام می‌پردازد. از جمله این مبادی تصوری، اصول و پیش‌فرض‌های علم کلام است. مکاتب مختلف کلامی اصول و پیش‌فرض‌های خاصی را برای خود در نظر گرفته‌اند که براساس آن به بررسی مسائل کلامی می‌پردازند. از جمله



مکاتب کلامی، اشاعره است که با تأکید بر شرعی بودن حُسن و قبح، هرگونه توانایی و دخالت عقل در درک حُسن و قبح را زیر سؤال می‌برد. امروزه و با گسترش مباحث علم کلام، مکتب اشاعره دستخوش تغییر شده است و متکلمانی اشعری ظهور کرده‌اند که از آنان به اشاعره جدید تعبیر می‌شود. این دسته از متکلمان، نگرش جدیدی درباب پیش‌فرض‌های کلام اشعری مطرح ساخته‌اند. باتوجه‌به اینکه این پیش‌فرض‌ها، دلالت‌های بسیاری در مبحث علم کلام دارد، بررسی و نقد آن‌ها به منظور نزدیک شدن به حل دقیق‌تر مسائل علم کلام ضروری به نظر می‌رسد. ازاین‌رو می‌توان با مبنا قرار دادن کلام امامیه، این پرسش را مدنظر قرار داد که از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به نگرش اشاعره جدید به معیار حسن و قبح وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، اشاعره، نو‌اشاعره، حسن و قبح، عقلانیت، امامیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۳۸. بررسی تطبیقی چیستی و جایگاه عقل در نظر ماتریدیه و معتزله

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان ماتریدیه و معتزله در زمینه چیستی و جایگاه عقل قابل اصطیاد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام، مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم کلام را بررسی می‌کند. در این دانش عقلی، با استفاده از نگرش درجه دوم به علم کلام، اصول و مبانی علم کلام مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله اصول علم کلام، حجیت عقل است که در بسیاری از مسائل علم کلام مهم‌ترین منبع برای حل مسائل شناخته می‌شود و مورد استناد قرار می‌گیرد. روشن است که اصطلاح عقل مورد اتفاق بسیاری از متکلمان است، اما هنگامی که به بررسی ویژگی‌های عقل می‌پردازیم، اختلافات بسیاری میان متکلمان درباره چیستی و حدود توانایی عقل مشاهده می‌کنیم. برای مثال درحالی که معتزله به اعتبار عقل قائل هستند، در بسیاری از مباحث کلامی با ماتریدیه که آنان نیز عقل را منبع معتبری برای حل مسائل کلامی می‌شمرند، اختلاف‌نظر دارند. اکنون پرسشی که مطرح می‌شود این است که تفاوت‌های دقیق میان این دو مکتب در تلقی و برداشت از عقل چیست؟ به عبارت دیگر در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان ماتریدیه و معتزله در زمینه چیستی و جایگاه عقل قابل اصطیاد است؟



کلیدواژه: فلسفه کلام، ماتریدیه، عقل، معتزله، حسن و قبح.

قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۱۳۹. بررسی انتقادی مواجهه اشاعره جدید با مسئله تعارض علم و دین براساس عقلانیت کلام امامیه

سؤال: براساس عقلانیت کلام امامیه، چه انتقادهایی به مواجهه اشاعره جدید با مسئله تعارض علم و دین وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی اصول و پیش‌فرض‌های علم کلام پرداخته می‌شود. بسیاری از متکلمان با استفاده از شیوه‌های مختلف به بررسی مسائل کلامی پرداخته‌اند. اما کاربست شیوه‌های مختلف برای حل مسائل کلامی این مسئله را مطرح ساخته است که آیا همه این شیوه‌ها دارای ارزش و اعتبار هستند؟ افزون بر این، در میان شیوه‌های مختلف بررسی مسائل، آیا همه شیوه‌ها از اعتبار یکسانی برخوردارند؟ به نظر می‌رسد می‌توان با استفاده از نگرش درجه دوم، به بررسی نحوه کاربست شیوه‌های مختلف در بررسی مسائل کلامی پرداخت. ازجمله نحله‌های کلامی که به واکاوی مسائل کلامی پرداخته‌اند، اشاعره جدید هستند. آنان با مسلّم انگاشتن برخی روش‌های علمی مانند روش تجربی در مواجهه با مسئله تعارض علم و دین، سعی کرده‌اند از منظری تجربی به حل مسائلی مانند معجزه بپردازند. روشن است که این نحوه مواجهه با مسائل کلامی خالی از اشکال و ایراد نیست، به‌ویژه از منظر کلام امامیه که افزون بر معتبر شمردن روش عقلی، برای اعتبار روش تجربی نیز شروطی مطرح می‌سازد. ازاین‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که چه انتقادهایی به مواجهه اشاعره جدید با مسئله تعارض علم و دین وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، اشاعره، نواشاعره، علم و دین، عقلانیت امامیه.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۱۴۰. بررسی انتقادی نگرش اشاعره جدید به «ضرورت علی» از منظر عقلانیت امامیه

سؤال: از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به نگرش اشاعره جدید به ضرورت علی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم کلام می‌پردازد. ازجمله اصول و پیش‌فرض‌های علمی ازجمله در علم



کلام، اصل علیت است. براساس اصل علیت هر امر حادث ممکن، به علت نیاز دارد. درست است که در علم کلام تفسیر خاصی از اصطلاح «حادث» مطرح می‌شود و دایره اصل علیت به حادث زمانی محدود می‌گردد، ولی به هر حال تردیدی در اصل علیت و نقش آن در حل بسیاری از مسائل کلامی وجود ندارد. متکلمان اصلاح دیگری نیز در اصل علیت به انجام رسانده‌اند و آنچه را ضرورت علی خوانده می‌شود، به اولویت فروکاسته‌اند. برخی متکلمان اشاعره جدید نیز با تجدید نظر در اصل علیت و لوازم آن، «ضرورت» قانون علیت را مخدوش دانسته و تلاش کرده‌اند، آن را براساس «اولویت» تفسیر کنند. این امر دلالت‌های بسیاری در مسائل کلامی دارد و حل برخی مسائل کلامی را با چالش مواجه خواهد ساخت. از این رو مناسب است با مبنا قرار دادن عقلانیت کلام امامیه، به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به نگرش اشاعره جدید به ضرورت علی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، علیت، ضرورت علی، نوأشاعره، عقلانیت امامیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

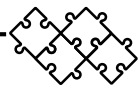
۱۴۱. بررسی مبانی نظری کلام کاربردی از منظر عقلانیت امامیه

سؤال: از منظر عقلانیت امامیه چه تحلیلی از مبانی نظری کلام کاربردی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام دانشی عقلی است که با استفاده از روش عقلی به بررسی مسائل اساسی علم کلام می‌پردازد. از جمله مسائلی که در علم کلام مطرح است، مبانی علم کلام است. مبانی علم کلام شامل پیش‌فرض‌ها، رویکردها و روش‌هایی است که یک متکلم برای حل مسائل علم کلام برمی‌گزیند. امروزه و با گسترش قلمرو علم کلام، شاخه‌های جدیدی مانند کلام کاربردی مطرح شده است که تلاش می‌کند به ابعاد کاربردی علم کلام بپردازد. اما در کنار توجه به ابعاد کاربردی نباید از مبانی کلام کاربردی غفلت کرد. چه اینکه هرگونه کوتاهی در بررسی مبانی، می‌تواند به حل غیردقیق مسائل کلامی بینجامد. با توجه به نقش و جایگاهی که عقل در نظام کلام امامیه دارد، مناسب است به بررسی مبانی کلام کاربردی از منظر عقلانیت امامیه بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که از منظر عقلانیت امامیه چه تحلیلی از مبانی نظری کلام کاربردی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، کلام کاربردی، الهیات تطبیقی، الهیات کاربردی، عقلانیت امامیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.



۱۴۲. بررسی چالش‌های الحاد مدرن از منظر عقلانیت امامیه

سؤال: از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به چالش‌های الحاد مدرن وارد است؟

تبیین مسئله: امروزه گسترش دانش‌های تجربی زمینه را برای طرح فرضیه‌ها و نظریه‌های جدید درباره نحوه پیدایش جهان و نیز ابعاد وجودی انسان فراهم ساخته است. برخی از نویسندگان غربی با مرور فرضیه‌ها و نظریه‌های جدید تجربی، و با استناد به برخی از این فرضیه‌ها و نظریه‌ها به هم‌آوردی با اندیشه دینی پرداخته‌اند. برای نمونه برخی فرضیه‌هایی که درباره نحوه پیدایش جهان و کیهان مطرح شده است، دخالت عوامل ارادی را در شکل‌گیری جهان زیر سؤال می‌برند. به‌رغم آنکه در کنار این فرضیه‌ها و نظریه‌ها، فرضیه‌ها و نظریه‌های دیگری نیز وجود دارد که هماهنگ و سازگار با تفسیرهای الهیاتی جهان است. این نویسندگان با انتشار کتاب‌های متعدد سعی دارند نگرش‌های الحادی را تبلیغ کنند دارند. این جریان که به الحاد مدرن شناخته می‌شود، نقادی و ارزیابی علمی نیازمند است. به نظر می‌رسد عقلانیت کلام امامیه ظرفیت لازم را برای مواجهه با الحاد مدرن داشته باشد. از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر عقلانیت امامیه چه انتقادهایی به چالش‌های الحاد مدرن وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، الحاد مدرن، عقلانیت امامیه، الهیات شیعی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۷۵.

۱۴۳. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های کلامی از منظر عقلانیت امامیه

سؤال: از منظر عقلانیت امامیه ارزش معرفتی گزاره‌های کلامی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم کلام به بررسی مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم کلام می‌پردازد. در علم کلام از روش‌ها و شیوه‌های مختلفی مانند عقل، نقل، استقرا و تجربه برای اثبات دعاوی دینی استفاده می‌شود. روشن است که ره‌آورد این شیوه‌ها از نظر ارزش و اعتبار یکسان نیست، بلکه در مواردی نتیجه کاربست برخی از شیوه‌ها صرفاً «قانع شدن مخاطب» است و در مواردی نیز شاهد وقوع تعارض میان برخی یافته‌های عقلی و بعضی از یافته‌های تجربی هستیم. اینجاست که اهمیت ویژه بحث معرفت‌شناختی گزاره‌های کلامی مشخص می‌شود. این بحث می‌تواند زمینه را برای تعیین معیار اعتبار هر کدام از آموزه‌های کلامی فراهم آورد. باتوجه به مباحثی که درباره چیستی و معیار ارزش معرفت در عقلانیت امامیه مطرح شده

است، می‌توان به واکاوی این مسئله پرداخت که صرف قانع شدن مخاطب - که در برخی از روش‌ها و شیوه‌های استدلالی علم کلام مورد توجه قرار گرفته است - با «درست» بودن مدعا چه نسبتی دارد؟ آیا ضرورتی وجود ندارد که در کنار «مجاب» کردن و «قانع» ساختن مخاطب نسبت به برخی ادعاهای کلامی، روش‌های دیگری نیز به کار گرفته شود تا «درست»ی و صدق مدعای کلامی احراز گردد؟ به عبارت دیگر می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر عقلانیت امامیه ارزش معرفتی گزاره‌های کلامی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، معرفت کلامی، معرفت دینی، صدق، توجیه، عقلانیت امامیه.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۵.

۱۴۲. بررسی انتقادی کاربرد روش پدیدارشناسی در مسائل کلامی

سؤال: چه انتقادهایی به کاربرد روش پدیدارشناسی در مسائل کلامی وارد است؟

تبیین مسئله: گفته شده یکی از ویژگی‌های علم کلام استفاده از روش‌های مختلف برای دفاع از آموزه‌های دینی است. امروزه با گسترش مباحث مربوط به روش، و طرح روش‌های جدید برای تحقیق و پژوهش، بستر مناسبی برای دانشمندان علم کلام برای استفاده از روش‌های جدید در دفاع از آموزه‌های دینی فراهم شده است. یکی از این روش‌ها، روش پدیدارشناسی است که در دهه‌های اخیر رواج و گسترش بسیاری یافته است. روش پدیدارشناسی این امکان را فراهم می‌سازد تا محقق از منظری همدلانه به موضوع پژوهش نزدیک شود و تجربه نابی از آن را در اختیار مخاطب قرار دهد. اما نباید از نظر دور داشت که بسیاری از روش‌ها بر مبانی و اصول خاصی استوار شده‌اند که چه‌بسا مبانی و اصول مذکور خود محل گفت‌وگو و نقد و ارزیابی قرار داشته باشند. باتوجه به اینکه در فلسفه علم کلام به بررسی کلان مباحث علم کلام پرداخته می‌شود، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که چه انتقادهایی به کاربرد روش پدیدارشناسی در مسائل کلامی وارد است؟

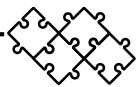
کلیدواژه: فلسفه کلام، پدیدارشناسی، روش‌شناسی، عقلانیت امامیه.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۷۵.

۱۴۵. بررسی مؤلفه‌های کلام اجتماعی در اندیشه کلام امامیه معاصر

سؤال: در اندیشه کلام امامیه معاصر، چه مؤلفه‌هایی برای کلام اجتماعی می‌توان بر شمرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحثی که در کلام معاصر مطرح شده، ورود کلام است به ابعاد



کاربردی و عملی زندگی. کلام عملی و کلام اجتماعی ازجمله این مباحث است که به‌رغم آنکه مدافعان کلام اجتماعی سعی کرده‌اند ابعاد و مختصات این تقریر از کلام را تبیین کنند، همچنان ابعاد مختلفی از آن مغفول مانده است. برای مثال برخی مدعی هستند که کلام اجتماعی، رویکردی در علم کلام است که تلاش می‌کند به مسائل اجتماعی بشر توجه کند و ابعاد کلامی آن را تجزیه و تحلیل کند. برای مثال تأمین اجتماعی یکی از مسائل اجتماعی انسان معاصر است. در کلام اجتماعی تلاش می‌شود، ابعاد نظری و کلامی تأمین اجتماعی مانند عدالت و نوع‌دوستی مورد توجه قرار گیرد. همچنین معنای زندگی ازجمله موضوعاتی است که انسان معاصر با آن درگیر است. کلام اجتماعی تلاش می‌کند، به واکاوی مبانی کلامی معنای زندگی توجه کند. همچنین مباحثی مانند رابطه دین و سیاست، ازجمله مباحث کلام اجتماعی است. بالاین حال اختلاف‌نظر میان مدافعان کلام اجتماعی اقتضا می‌کند با تمرکز بر مفهوم‌شناسی، درباره بررسی مؤلفه‌های کلام اجتماعی اقدام کنیم و به بررسی این پرسش بپردازیم که در اندیشه کلام امامیه معاصر، چه مؤلفه‌هایی برای کلام اجتماعی می‌توان برشمرد؟

کلیدواژه: فلسفه کلام، کلام اجتماعی، الهیات اجتماعی، عقلانیت امامیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱۴۶. بررسی تحلیلی روش‌شناسی کلام اجتماعی در کلام امامیه معاصر

سؤال: در کلام امامیه معاصر روش‌شناسی کلام اجتماعی واجد کدام ویژگی‌هاست؟

تبیین مسئله: یکی از مباحثی که در کلام معاصر مطرح شده است، ورود کلام به ابعاد کاربردی و عملی زندگی است. کلام عملی و کلام اجتماعی ازجمله این مباحث است که به‌رغم آنکه مدافعان کلام اجتماعی سعی کرده‌اند ابعاد و مختصات این تقریر از کلام را تبیین کنند، همچنان ابعاد مختلفی از آن مغفول مانده است. برای مثال اینکه روش کلام اجتماعی چه وجوه اشتراک و تفاوتی با کلام سنتی و کلام قدیم دارد، مسئله مهمی است که به بحث و بررسی نیاز دارد. برای نمونه هنگامی که گفته می‌شود در کلام اجتماعی درصدد پرداختن به موضوعات اجتماعی هستیم، لازم است به بررسی این پرسش بپردازیم که آیا می‌توان با کاربست همان روش به‌کاررفته در کلام قدیم به واکاوی موضوعات اجتماعی پرداخت؟ و برای مثال در بررسی رابطه دین و سیاست، بسیار مهم است که روشن شود آیا در شناخت سیاست نیز به متون دینی مراجعه می‌شود یا آنکه منابع علوم سیاسی مورد استناد قرار



می‌گیرد؟ باتوجه به اهمیت مباحث روش‌شناسی لازم است به بررسی این پرسش بپردازیم که در کلام امامیه معاصر روش‌شناسی کلام اجتماعی واجد کدام ویژگی‌هاست؟
کلیدواژه: فلسفه کلام، کلام اجتماعی روش‌شناسی، عقلانیت امامیه.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۳. فلسفه علم

تفسیر یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تفسیر است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و اصول نظری علم تفسیر پرداخته می‌شود. امروزه این شاخه علمی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید این علم آشنا می‌شویم.

۱۴۷. بررسی جایگاه فرهنگ در فهم متون دینی از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از جایگاه فرهنگ در فهم متون دینی می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: فلسفه علم تفسیر، دانشی عقلی است که به بررسی اصول و مبانی علم تفسیر می‌پردازد. ازجمله مبانی علم تفسیر شناخت عوامل مؤثر بر فهم و درک متون دینی است. در کتب فلسفه علم تفسیر به برخی از این عوامل اشاره شده است. ازجمله مهم‌ترین این عوامل، فرهنگ است. شاید کمتر مفسری باشد که نقش فرهنگ را در درک و فهم متون دینی نادیده گرفته باشد. اما مسئله این است که تعریف دقیق فرهنگ کدام است؟ فرهنگ چگونه بر فهم مفسر اثر می‌گذارد و دایره تأثیر فرهنگ بر فهم تا کجاست؟ اهمیت این مباحث تا آنجاست که هرگونه خطایی در این زمینه مفسر را به وادی «تفسیربه‌رأی» در خواهد افکند که مورد سرزنش بسیاری از روایات قرار گرفته است. از آنجاکه علامه طباطبائی که یکی از برجسته‌ترین مفسران معاصر است، تلاش‌های بسیاری در زمینه توضیح نحوه و روش فهم قرآن انجام داده است، می‌توان با مبنا قرار دادن دیدگاه‌های او به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از جایگاه فرهنگ در فهم متون دینی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم تفسیر، تأویل، فرهنگ، فهم، علامه طباطبائی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.



۱۴۸. بررسی رابطه زمان و فهم از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان زمان و فهم چگونه تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: در فلسفه تفسیر، اصول و مبانی فهم واکاوی می‌شود. ازجمله مباحث مهم در فلسفه تفسیر، رابطه مفسر و گوینده است. درحالی‌که ماتن و گوینده با طرح کلام و متن سعی می‌کند مقصود خود را، که امری ثابت و مشخص است که مراد وی را تشکیل می‌دهد، مفسر یک فرد انسانی با نیازهای مختلف است که چه‌بسا نیازهای او به‌مرور زمان تغییر می‌کند. ازاین‌رو گونه‌ای از رابطه ثابت و متغیر مطرح می‌گردد، که لازم است، با دقت و تمییز، امور متغیر از معنای ثابت، مقصود و مراد گوینده درست و بدون هرگونه تحریفی درک شود. اینجاست که مسئله رابطه فهم و زمان مطرح می‌شود. باتوجه‌به اینکه استاد آیت‌الله جوادی آملی در مباحث تفسیری خود در موارد متعددی با ورود به این سنخ از مباحث به واکاوی رابطه ثابت و متغیر در تفسیر پرداخته است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان زمان و فهم چگونه تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، زمان، شأن نزول، تفسیربه‌رأی، جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه اولویت: ۳/۷۵

۱۴۹. بررسی رویکرد عدم تعین معنا از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه انتقادهایی به رویکرد عدم تعین معنا وارد است؟

تبیین مسئله: در فلسفه تفسیر به بررسی و تحقیق درباره مبادی تصویری و مبادی تصدیقی دانش تفسیر پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث مهم در فلسفه تفسیر بررسی «تعین معنا» است. این پرسش که آیا معنا «متعین» است و در صورتی‌که معنا متعین باشد، چه عواملی موجب تعین معنا می‌گردد، بحثی مهم و البته پرچالش است. هرگونه نفی تعین معنا، زمینه را برای طرح تفسیرها و برداشت‌های مختلف و متعارض از یک متن فراهم می‌سازد. عده‌ای از نویسندگان معاصر با نفی هرگونه تعین معنا، استدلال‌هایی در دفاع از نگرش خود مطرح ساخته‌اند. باتوجه‌به اینکه علامه طباطبائی با ورود به روش‌شناسی تفسیر، در ارائه معیارهایی برای دستیابی به تعین معنا تلاش‌هایی داشته است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی چه انتقادهایی به رویکرد عدم تعین معنا وارد است؟



کلیدواژه: فلسفه فهم، معنا، تعین معنا، عدم تعین معنا، علامه طباطبائی.
 قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۱۵۰. بررسی رابطه اصول ثابت فهم و نیازهای مخاطبان از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی رابطه اصول ثابت فهم و نیازهای مخاطبان چگونه تحلیل می‌گردد؟
 تبیین مسئله: در فلسفه تفسیر به بررسی مبادی و پیش فرض‌های علم تفسیر پرداخته می‌شود. از جمله مبادی تفسیر، پذیرش وجود اصول ثابت بر فهم و تفسیر است. این اصول مراد و مقصود گوینده و نیز قواعد ثابت تفسیر و فهم را شامل می‌شود. اما در مقابل، هر کلام و متنی در راستای انتقال پیامی به مخاطب شکل گرفته است. از این رو مخاطب نیز در فرایند تفسیر حضور دارد. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که مخاطب دارای نیازهایی است و نیازهای او انتظاراتی را به وجود می‌آورد و انتظارات نیز وی به فهم و برداشت او جهت می‌دهد. بنابراین نمی‌توان نقش نیازهای مخاطبان در فرایند تفسیر را نادیده گرفت. اما دایره تأثیر این نیازها در فهم و تفسیر تا کجاست؟ آیا این امر به نسبت در تفسیر می‌انجامد. علامه مصباح یزدی با تمرکز بر مسئله تفسیر و قرائت، به واکاوی نقش نیازهای مخاطبان در فهم و تفسیر پرداخته است. از این رو مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی رابطه اصول ثابت فهم و نیازهای مخاطبان چگونه تحلیل می‌گردد؟
 کلیدواژه: فلسفه فهم، فهم، برداشت، تأویل، مصباح یزدی.
 قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۴/۵.

۱۵۱. بررسی تطبیقی اصول استظهارات عرفی از منظر علم تفسیر و فلسفه زبان

سؤال: در بررسی مقایسه‌ای علم تفسیر و فلسفه زبان چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره اصول استظهارات عرفی دیده می‌شود؟
 تبیین مسئله: فلسفه تفسیر از جمله شاخه‌های فلسفی است که در سنت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و مباحثی در خلال متون و منابع تفسیری درباره اصول و قواعد تفسیر تدوین شده است. بررسی اصولی که به فهم و برداشت از یک متن می‌انجامد، از جمله مباحثی است که در فلسفه تفسیر مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از این اصول و قواعد مستند به سیره عقلا و فهم عمومی است. این نکته گواه آن است که فلسفه تفسیر، علمی توقیفی نیست و در این زمینه می‌توان از یافته‌های دیگر فرهنگ‌ها، که جنبه عقلایی داشته باشد، بهره



گرفت. در فرهنگ غربی نیز در شاخه فلسفه زبان به واکاوی اصول و قواعدی برای برداشت از متن پرداخته شده است. بنابراین مسائل مهم مربوط به تفسیر و فهم هم در فلسفه تفسیر در سنت اسلامی و هم دانش هرمنوتیک در اندیشه غربی بررسی شده است. باتوجه به اینکه توجه به مباحث غربیان در این زمینه می‌تواند به غنای هر چه بیشتر مباحث فلسفه تفسیر در سنت اسلامی کمک کند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که در بررسی مقایسه‌ای علم تفسیر و فلسفه زبان چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره اصول استظهاریات عرفی دیده می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، استظهار، قواعد فهم، علم اصول، فلسفه تفسیر.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۲۵.

۱۵۲. بررسی شروط امکان تفاهم از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی شروط امکان تفاهم چگونه تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: در فلسفه تفسیر به بررسی اصول و پیش‌فرض‌های تفسیر پرداخته می‌شود. از جمله پیش‌فرض‌های تفسیر، امکان فهم و افزون بر این امکان تفاهم است. در حالی که برخی از نویسندگان معاصر با ذکر ادله‌ای هرگونه تفاهمی را انکار می‌کنند، بررسی شرایط امکان تفاهم می‌تواند راهی برای پاسخ‌گویی به این دست ادله باشد؛ و به‌ویژه اینکه این دسته از نویسندگان با امید به فهم مخاطبان به تقریر این دسته از ادله اقدام کرده‌اند. باتوجه به اینکه علامه طباطبائی از جمله متفکران معاصر است که به مباحث مربوط به روش‌شناسی تفسیر و فهم، توجه کرده است، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که از منظر علامه طباطبائی شروط امکان تفاهم چگونه تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تفسیر، فلسفه فهم، تفاهم، علامه طباطبائی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۱۵۳. بررسی تطبیقی عوامل تعیین معنا از منظر امیلیو بتی^۱ و محقق اصفهانی

سؤال: چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه امیلیو بتی و محقق اصفهانی درباره عوامل تعیین معنا وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تفسیر است که به بررسی عقلی

1. Emilio Betti.



مبانی و پیش‌فرض‌های دانش تفسیر می‌پردازد. در این شاخه عقلی، مباحثی مانند این بحث مطرح می‌شود که آیا معنا متعین است و در صورتی که متعین باشد چه عواملی موجب تعیین معنا می‌گردد. محقق اصفهانی از جمله اصولیان مبرز معاصر، به تفصیل به بررسی قواعد و اصلی پرداخته است که زمینه تعیین معنا را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر این بحث در مباحث غریبان نیز مطرح شده است و نویسندگان غربی نیز به بررسی عوامل تعیین معنا پرداخته‌اند. روشن است که پرداختن به مطالبی که در کتب و منابع غربی مطرح شده است می‌تواند به درک بهتر عوامل تعیین معنا کمک کند و موجب غنای مباحث فلسفه تفسیر گردد. در اینجا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه امیلیو بتی و محقق اصفهانی درباره عوامل تعیین معنا وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، تعیین معنا، تفسیر، امیلیو بتی، محقق اصفهانی.

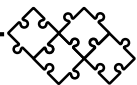
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱۵۲. بررسی انتقادی دور هرمنوتیکی از منظر گادامر^۱ بر اساس دیدگاه محقق نائینی

سؤال: از منظر محقق نائینی چه انتقادهایی بر نگرش گادامر به دور هرمنوتیکی وارد است؟

تبیین مسئله: در فلسفه تفسیر به بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های تفسیر پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مطرح در فلسفه تفسیر مسئله تعیین یا عدم‌تعیین معناست. برخی از نویسندگان معاصر با پذیرش عدم‌تعیین معنا استدلال‌هایی در دفاع از دیدگاه خود مطرح کرده‌اند. یکی از استدلال‌هایی که در دفاع از عدم‌تعیین معنا مطرح شده است، دور هرمنوتیکی است. گادامر با طرح این مسئله سعی کرده است نشان دهد که هیچ‌گاه نمی‌توان به تعیین معنا دست یافت. با توجه به چالشی که این دیدگاه برای مدافعان تعیین معنا مطرح می‌سازد، مناسب است به بررسی انتقادی این نگرش پرداخت. از جمله کسانی که به خوبی به این مسئله توجه کرده‌اند، محقق نائینی است که ضمن مباحث خود درباره علم اصول فقه، قواعد دستیابی به معنای متعین را بیان کرده است. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر محقق نائینی چه انتقادهایی بر نگرش گادامر به دور هرمنوتیکی وارد است؟

1. Hans-Georg Gadamer.



کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، دور هرمنوتیکی، گادامر، محقق نائینی.
 قالب: کتاب/ پایان‌نامه. اولویت: ۳/۲۵.

۱۵۵. بررسی مبانی عقلی تفسیر از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از مبانی عقلی تفسیر می‌توان ارائه کرد؟
 تبیین مسئله: ازجمله مسائل فلسفه تفسیر، بررسی مبادی و مبانی علم تفسیر است. در این شاخه عقلی به بررسی اصولی پرداخته می‌شود که زمینه‌ساز امکان فهم است. آنچه مهم است توجه به مبانی و اصولی است که فهم را امکان‌پذیر می‌سازد. از آنجاکه این دسته از مبانی برخاسته از مباحث عقلی است لازم است با تمرکز بر مباحث عقلی و فلسفی به بررسی مبانی عقلی تفسیر پرداخت، مسائلی درباره اینکه خاستگاه این مبانی عقلی کدام است و حدود مرز کاربست آن‌ها چیست، ازجمله مسائل مهم در این زمینه است. باتوجه به اینکه علامه طباطبائی ازجمله فیلسوفانی است که به این مباحث توجه داشته است، مناسب است با تمرکز بر آراء و دیدگاه‌های او به بررسی مبانی عقلی تفسیر پرداخت. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از مبانی عقلی تفسیر می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، مبانی عقلی، علامه طباطبائی.
 قالب: کتاب/ پایان‌نامه. اولویت: ۳/۷۵.

۱۵۶. جایگاه تفسیر در علوم طبیعی از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از جایگاه تفسیر در علوم طبیعی می‌توان ارائه کرد؟
 تبیین مسئله: ازجمله مباحث فلسفه تفسیر، واکاوی قلمرو تفسیر و فهم است. بسیاری بر این باورند که مسئله فهم و تفسیر تنها به پدیده‌های انسانی منحصر می‌گردد و از این‌رو در ساحت علوم طبیعی نمی‌توان بحث تفسیر را مطرح ساخت. درمقابل برخی از نویسندگان از این ایده دفاع می‌کنند که مباحث تفسیر همه قلمروها ازجمله علوم طبیعی را در برمی‌گیرد. از این‌رو نمی‌توان از عینیت مورد نظر در علوم طبیعی دفاع کرد. اینکه بتوان از قواعد تفسیر در قلمرو علوم طبیعی استفاده کرد یا آنکه این علوم فراتر از قواعد تفسیر هستند، مسئله مهمی است که نیاز به بررسی و دقت نظر دارد. باتوجه به اینکه علامه

طباطبائی از جمله متفکران معاصر است، که در مباحث فلسفه تفسیر صاحب‌نظر است، مناسب است به بررسی این مسئله پردازیم که از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از جایگاه تفسیر در علوم طبیعی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، علوم طبیعی، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۴. فلسفه فهم

فلسفه فهم از جمله شاخه‌های فلسفی است که به بررسی چیستی و مبانی فهم می‌پردازد. در ادامه برخی از مسائل مرتبط با فلسفه فهم را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱۵۷. بررسی تطبیقی «تعیّن معنا» در نگرش ویتگنشتاین متأخر^۱ و نگرش شهید صدر

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه شهید صدر و دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره تعین معنا به دست می‌آید؟

تبیین مسئله: در مباحث فلسفه فهم، مسائل مختلفی مطرح می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مسئله «تعیّن» معناست. در این بحث سخن در این است که آیا مخاطب با مراجعه به یک متن با معنای متعینی مواجه خواهد شد یا آنکه صرفاً برداشت ذهنی خود را به متن تحمیل می‌کند؟ بنابراین برخی منکر تعین معنا هستند و برخی مثبت آن. البته ممکن است دیدگاه‌های دیگری نیز در این مسئله وجود داشته باشد که نه تعین معنا را به کلی نفی کنند و نه معنا را کاملاً متعین بشمارند. به‌رحال طرف‌داران هر دیدگاه تلاش کرده‌اند استدلال‌هایی در دفاع از نظر خود اقامه کنند. در سنت اسلامی، شهید صدر با توجه به اهمیت این مسئله، استدلال‌هایی بر تعین معنا اقامه کرده است و نظریه «القرن الأكید» او در این زمینه مطرح شده است، در سنت غربی نیز ویتگنشتاین متأخر با طرح نظریه «بازی‌های زبانی» راهی به نسبت معنا و عدم تعین آن گشوده است. مناسب است با انجام یک پژوهش تطبیقی درصدد مقایسه این دو دیدگاه برآییم. بنابراین پرسش پژوهش عبارت خواهد بود از اینکه در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه شهید صدر و دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره تعین معنا به دست می‌آید؟

1. Ludwig Josef Johann Wittgenstein.



کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، تعین معنا، شهید صدر، ویتگنشتاین متأخر.
قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۱۵۸. بررسی تطبیقی «عناصر فهم» در نگرش گادامر و دیدگاه محقق اصفهانی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان عناصر فهم از منظر گادامر و محقق اصفهانی وجود دارد؟

تبیین مسئله: توجه به چیستی و مقومات فهم از جمله مباحثی است که در فلسفه فهم مطرح می‌شود. در سنت اسلامی و نیز در سنت غربی این بحث مورد توجه محققان بوده است و تلاش‌هایی در زمینه شناسایی و توضیح عوامل دخیل در شکل‌گیری فهم انجام شده است. در سنت اسلامی، محقق اصفهانی با طرح دیدگاه‌های بدیعی مانند اعتباریات، در ارائه تصویری روشن از چیستی فهم کوشیده است و در سنت غربی نیز برخی مانند هانس گادامر با نگارش کتاب حقیقت و روش به هستی‌شناسی فهم پرداخته است. وی برای افق ذهنی مخاطب نقشی محوری در شکل‌گیری فهم قائل است و از این‌رو دیدگاه او - برخلاف نظریه محقق اصفهانی - به نوعی از نسبیت در معنا می‌انجامد. از آنجاکه روش تطبیق و مقایسه می‌تواند به فهم دقیق هر دو دیدگاه کمک کند و نیز موجب ارتقا و تکمیل نظریه‌های اسلامی درباره چیستی فهم گردد، مناسب است به مقایسه میان دیدگاه این دو متفکر پرداخت. از این‌رو این پرسش در کانون توجه قرار می‌گیرد که براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان عناصر فهم از منظر گادامر و محقق اصفهانی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، فهم، گادامر، محقق اصفهانی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۱۵۹. بررسی تطبیقی نقش دور هرمنوتیکی در «فهم» از منظر شهید صدر و گادامر

سؤال: چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شهید صدر و گادامر به نقش دور هرمنوتیکی در فهم وجود دارد؟

تبیین مسئله: از جمله مباحث مطرح در فلسفه فهم، چیستی و عوامل دخیل در شکل‌گیری فهم است. در حالی که در سنت اسلامی مسئله چیستی فهم افزون‌بر مباحث فلسفی در قلمرو علم اصول نیز مطرح می‌شود و عموم متفکران به تعین معنا گرایش دارند،



در سنت غربی به‌ویژه بعد از طرح دیدگاه‌های گادامر، برخی از نویسندگان درصدد ترویج نظریه عدم‌تعیّن معنا برآمده‌اند. یکی از دلایل‌هایی که بر عدم تعین معنا مطرح شده است، «دور هرمنوتیکی» است. براساس این نظریه، مخاطب و متن در یک سیر دیالکتیکی قرار می‌گیرند که نوعی گفت‌وگو را میان مفسر و متن شکل می‌دهد. این سیر بی‌پایان گفت‌وگو مانع از تعین معنا می‌گردد. از نظر شهید صدر اگرچه گونه‌ای از رفت‌وبرگشت میان مخاطب و متن در فرایند فهم وجود دارد، چنین سیر بی‌پایانی در کار نیست، و عمده عواملی که در شکل‌گیری معنا دخالت دارند به «تعیّن معنا» می‌انجامند. باتوجه‌به این نکته مناسب است مقایسه‌ای میان دیدگاه شهید صدر و گادامر درباره رفت‌وبرگشت میان مخاطب و متن انجام گیرد. از این‌رو سؤال پژوهشی عبارت است از: چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شهید صدر و گادامر به نقش دور هرمنوتیکی در فهم وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، دور هرمنوتیکی، گادامر، شهید صدر.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱۶۰. امکان‌سنجی فهم مؤلف‌متن‌محور براساس نگرش علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: براساس نگرش علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چگونه می‌توان تبیینی از فرایند فهم ارائه کرد که واجد ویژگی مؤلف‌متن‌محور باشد؟

تبیین مسئله: در مباحث فلسفه فهم، گرایش‌های مختلفی شکل گرفته است که از میان آن‌ها می‌توان به مؤلف‌محور، متن‌محور و مفسر‌محور اشاره کرد. با مراجعه به متون و منابع سنت اسلامی درمی‌یابیم که برخلاف این دیدگاه‌های سه‌گانه، نگرش دیگری در میان متفکران اسلامی رواج دارد که می‌توان از آن به «مؤلف‌متن‌محور» اشاره کرد. در این نگرش، در کنار نقش مهم و اساسی متن در فهم، برای مؤلف هم نقشی اساسی مطرح می‌شود. از این‌رو در این نگرش، ضمن واکاوی صفات و مشخصات مؤلف، در مواردی با استناد به این صفات و مشخصات مسیر تعین معنا متفاوت از آن چیزی می‌گردد که متن اقتضا می‌کند. باتوجه‌به بدیع بودن این نظریه در میان نظریه‌های فلسفه فهم غربی، مناسب است با تمرکز بر آراء و اندیشه‌های علامه طباطبائی و شاگردان ایشان به واکاوی این نظریه بپردازیم. براساس نگرش علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چگونه می‌توان تبیینی از فرایند فهم ارائه کرد که واجد ویژگی مؤلف‌متن‌محور باشد؟



کلیدواژه: فلسفه تفسیر، فلسفه فهم، مؤلف‌محور، متن‌محور، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱۶۱. بررسی تطبیقی «جایگاه عرف در فهم» از منظر گادامر و دیدگاه محقق اصفهانی

سؤال: در بررسی تطبیقی نگرش گادامر و محقق اصفهانی چه وجوه اشتراکی و اختلافی درباره جایگاه عرف در فهم به دست می‌آید؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث فلسفه فهم، بررسی عوامل شکل‌گیری فهم است. برخی از متفکران با تأکید بر عنصر «عرف» نقش آن در شکل‌گیری فهم را بسیار اساسی شمرده‌اند. درمقابل، نویسندگان دیگری ضمن پذیرش فی‌الجمله نقش عرف در شکل‌گیری فهم، بر این نکته تأکید کرده‌اند که این نقش، مطلق و اساسی نیست، بلکه در مواردی می‌توان عوامل دیگری را شناسایی کرد که مانع از تأثیر عرف در فهم است. این مسئله در سنت اسلامی در قالب مفاهیمی مانند «تبادر» و «متفاهم عرفی» مورد توجه قرار گرفته است. محققانی مانند محقق اصفهانی با پرداختن به این مسئله تلاش کرده‌اند، جایگاه دقیق عرف در فرایند فهم را ترسیم کنند. در سنت غربی نیز عمدتاً با مفهوم «فرهنگ» به نقش عرف در فرایند فهم اشاره شده است. ازجمله نویسندگان غربی که به این مسئله پرداخته است، می‌توان به گادامر اشاره کرد. باتوجه به اهمیت این بحث در مسئله فهم متن، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که در بررسی تطبیقی میان نگرش گادامر و محقق اصفهانی چه وجوه اشتراکی و اختلافی درباره عناصر فهم به دست می‌آید؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، هرمنوتیک، گادامر، محقق اصفهانی.
قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۳.

۱۶۲. بررسی «امتزاج افق‌ها» به مثابه اصل نسبیت هرمنوتیکی از منظر محقق اصفهانی

سؤال: براساس نگرش محقق اصفهانی چه انتقادهایی بر «امتزاج افق‌ها» به مثابه اصل نسبیت هرمنوتیکی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در فلسفه فهم، امکان دستیابی به فهم درست و بازشناسی فهم درست از فهم نادرست است. درحالی‌که برخی از نویسندگان اساساً منکر

وجود فهم درست هستند، در سنت اسلامی ملاک‌هایی برای دستیابی به فهم درست مطرح شده است. محققان اسلامی ضمن رد نسبی‌گرایی در فهم، بر این باورند که این نگرش می‌تواند فلسفه تفاهم را مخدوش سازد. به‌رحال در سنت غربی برخی از نویسندگان، از جمله گادامر، با طرح نظریاتی بر نسبی‌گرایی در فهم تأکید کرده است. با توجه به اینکه نسبی‌گرایی دیدگاهی است که از سوی محققان اسلامی مردود شناخته شده است، مناسب است به بررسی مسئله امتزاج افق‌ها، که یکی از استدلال‌ها در دفاع از نسبی‌گرایی در فهم است، بپردازیم. از این‌رو این پرسش مطرح می‌شود که براساس نگرش محقق اصفهانی چه انتقادهایی بر «امتزاج افق‌ها» به مثابه اصل نسبیت هرمنوتیکی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، امتزاج افق‌ها، هرمنوتیک، محقق اصفهانی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۷۵.

۱۶۳. بررسی اصل «پایان‌ناپذیری فهم» در هرمنوتیک فلسفی از منظر شهید صدر

سؤال: از منظر شهید صدر چه انتقادهایی به اصل «پایان‌ناپذیری فرایند فهم» در هرمنوتیک فلسفی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه فهم به بررسی مبادی و مبانی فهم می‌پردازد. از جمله مباحث مهم درباره فهم، پایان‌پذیری یا پایان‌ناپذیری فرایند فهم است. در حالی که در سنت اسلامی و به‌ویژه در علم اصول با ذکر قواعد و قوانینی برای دستیابی به فهم، معیارهایی برای تعیین معنا و پایان‌پذیری فهم بیان می‌شود، در سنت غربی تلاش‌هایی برای پایان‌ناپذیر جلوه دادن فرایند فهم انجام گرفته است. در سنت اسلامی، شهید سید محمدباقر صدر از جمله متفکرانی است که به پایان‌پذیری فهم قائل است. اما در سنت غربی، از جمله این تلاش‌ها دیدگاهی است که گادامر مطرح ساخته است و با عنوان «هرمنوتیک فلسفی» شناخته می‌شود. از آنجاکه پایان‌ناپذیر شمردن فهم پیامدهای متعددی در زمینه فلسفه فهم به دنبال دارد، مناسب است از موضعی انتقادی به بررسی و ارزیابی آن پرداخته شود. بنابراین این پرسش مورد توجه قرار می‌گیرد که از منظر شهید صدر چه انتقادهایی به اصل «پایان‌ناپذیری فرایند فهم» در هرمنوتیک فلسفی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، سیالیت فهم، شهید صدر.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۷۵.



۱۶۴. بررسی راهبردهای اریک هرش^۱ در مواجهه با نسبیت فهم گادامر

سؤال: اریک هرش در مواجهه انتقادی با نسبیت فهم گادامر از کدام راهبردها سود جسته است؟ تبیین مسئله: در قلمرو فلسفه فهم، به مبادی و مبانی فهم پرداخته می‌شود. از جمله مبانی فهم، مسئله امکان «تفاهم» یا عدم امکان تفاهم است. برخی از نویسندگان غربی با ارائه نظریه «هرمنوتیک فلسفی»، نگرش‌هایی را مطرح ساخته‌اند که اساساً زمینه هرگونه تفاهمی را از میان می‌برد. گادامر یکی از این نویسندگان است که در کتاب حقیقت و روش به طرح و دفاع از هرمنوتیک فلسفی پرداخته است. درمقابل، نویسندگان دیگری ضمن مردود شمردن هرمنوتیک فلسفی، به نقد و ارزیابی اصول و مبانی آن پرداخته‌اند. برای مثال اریک هرش در کتاب مبانی تفسیر به‌دقت، ضمن رد مبانی هرمنوتیک فلسفی راهبردهایی را برای مواجهه با نسبیت در فهم مطرح کرده است. با توجه به نقشی که هرمنوتیک فلسفی در ترویج نسب‌گرایی در فهم دارد، مناسب است به بررسی این پرسش پرداخته شود که اریک هرش در مواجهه انتقادی با نسبیت فهم گادامر از کدام راهبردها سود جسته است؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، نسبیت فهم، گادامر، اریک هرش.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۱۶۵. بررسی تطبیقی «قصدمندی» از منظر رولان بارت^۲ و محقق طوسی

سؤال: در یک مقایسه تطبیقی چه وجوه تفاوت و شباهتی میان نگرش رولان بارت و محقق طوسی درباره مسئله قصدمندی وجود دارد؟

تبیین مسئله: در مباحث فلسفه فهم، به بررسی و پژوهش درباره مبادی تصویری و مبادی تصدیقی فهم پرداخته می‌شود. یکی از مسائلی که از دیرباز مورد توجه محققان این رشته قرار گرفته است، مسئله «قصدمندی» است. در این مسئله سخن در این است که آیا متون واجد ویژگی التفات یا همان قصدمندی هستند؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، وجوه قصدمندی متون چگونه تبیین می‌گردد؟ در سنت اسلامی محقق طوسی با پرداختن به این مسئله بر قصدمند بودن متون و کلمات تأکید دارد. در سنت غربی نیز برخی از نویسندگان مانند رولان بارت ضمن تأکید بر عنصر قصدمندی، به واکاوی ابعاد مختلف آن پرداخته است. با توجه به

1. Eric Donald, Hirsch.

2. Roland Barthes.



اینکه گفت‌وگو میان این دو متفکر به فهم بهتر مسئله و تکمیل مباحث مربوط به آن کمک خواهد کرد، جا دارد به بررسی این مسئله بپردازیم که در یک مقایسه تطبیقی چه وجوه تفاوت و شباهتی میان نگرش رولان بارت و محقق طوسی به مسئله قصدمندی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، قصدمندی، محقق طوسی، رولان بارت.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۱۶۶. بررسی رابطه دلالت و اراده از منظر محقق خراسانی و پل ریکور^۱

سؤال: در یک مطالعه مقایسه‌ای چه وجوه شباهت و تفاوتی میان نگرش محقق اصفهانی و پل ریکور درباره رابطه میان دلالت و اراده وجود دارد؟

تبیین مسئله: ازجمله مسائل مطرح در قلمرو فلسفه فهم، رابطه میان دلالت و اراده است. درحالی‌که برخی از محققان بر اعم بودن دلالت از اراده تأکید دارند و از مدلول‌هایی سخن می‌گویند که مقصود و مراد گوینده و مؤلف نبوده است ولی مدلول شمرده می‌شود، عده‌ای دیگر از محققان بر ارادی بودن دلالت تأکید کرده‌اند و بر این باور هستند که اساساً امری که متعلق اراده مؤلف یا گوینده نباشد، نباید در زمره مدلول شمرده شود. ازجمله کسانی که در سنت اسلامی به رابطه میان دلالت و اراده پرداخته است، محقق خراسانی است. در میان نویسندگان غربی نیز پل ریکور به این مسئله پرداخته است. باتوجه‌به اینکه مقایسه میان دیدگاه این دو متفکر بر غنای این بحث می‌افزاید، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که در یک مطالعه مقایسه‌ای چه وجوه شباهت و تفاوتی میان نگرش محقق اصفهانی و پل ریکور درباره رابطه میان دلالت و اراده وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، دلالت، اراده، محقق اصفهانی، پل ریکور.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۱۶۷. بررسی جایگاه «ابتکار» در تفسیر از منظر محقق اصفهانی و اریک هرش

سؤال: در یک مطالعه مقایسه‌ای چه وجوه شباهت و تفاوتی میان نگرش محقق اصفهانی و اریک هرش درباره جایگاه ابتکار در تفسیر وجود دارد؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث مرتبط با فلسفه فهم و تفسیر، عوامل مؤثر بر تفسیر است.

1. Paul Ricœur.



به باور بسیاری از نویسندگان شناسایی این عوامل می‌تواند به فهم دقیق چیستی و ابعاد فهم کمک کند. از جمله عوامل مؤثر بر فهم می‌توان به عرف، جامعه، متن، و نیز ذهن مفسر اشاره کرد. درباره ذهنیت مفسر مباحث بسیاری مطرح شده است. برای مثال اینکه آیا صرفاً پرسش‌های ذهنی مفسر در فهم او مؤثر است یا آنکه افزون بر آن، انتظارات ذهنی مفسر نیز در فهم مؤثر است؟ همچنین عوامل مرتبط به ذهنیت دیگری مطرح شده است که درباره تأثیر آن بر فهم، بحث و گفت‌وگو در گرفته است. از جمله این عوامل، مسئله «ابتکار» و خلاقیت مفسر است. به عبارت دیگر باید به بررسی این نکته پرداخت که آیا می‌توان برای ابتکارات مفسر نیز نقشی هرچند اندک در فهم متن قائل شد یا آنکه لازم است مفسر به کلی ابتکارات خود را کنار نهد؟ از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که در یک مطالعه مقایسه‌ای چه وجه شباهت و تفاوتی میان نگرش محقق اصفهانی و اریک هرش درباره جایگاه ابتکار در تفسیر وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، خلاقیت، محقق اصفهانی، اریک هرش.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۱۶۸. بررسی ادله مغالطه قصدی بر اساس نگرش شهید صدر

سؤال: در یک مطالعه انتقادی از منظر شهید صدر چه اشکال‌هایی به ادله اقامه شده در دفاع از مغالطه قصدی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه فهم و تفسیر به بررسی اصول و مبادی فهم می‌پردازد. از جمله مباحث این شاخه فلسفی این نکته است که آیا مؤلف اساساً طرح و نقشه‌ای در ذهن می‌پروراند تا آن را در قالب متن ارائه کند، یا آنکه طرحی از سوی مؤلف دنبال نمی‌شده است. همچنین در صورتی که وجود طرحی ذهنی مؤلف به اثبات رسد، آیا می‌توان ادعا کرد که فرایند فهم در پی دستیابی به طرح ذهنی مؤلف است؟ بسیاری از نویسندگان در سنت غربی امکان دستیابی به طرح ذهنی مؤلف را انکار می‌کنند. این عده پا را از این فراتر می‌نهد و هرگونه تلاش برای رسیدن به مراد ذهنی مؤلف را با عنوان «مغالطه قصدی» رد می‌کنند. در مقابل، در سنت اسلامی، نه تنها وجود قصد، اراده و طرح ذهنی مؤلف انکار نمی‌شود، بلکه راه‌هایی برای دستیابی به آن پیشنهاد می‌شود. به باور این دسته از نویسندگان، با انکار طرح ذهنی و مراد مؤلف، و نیز نفی امکان دسترسی به آن، اساساً امکان تفاهم از میان خواهد



رفت. بنابراین این نویسندگان ایده «مغالطه قصدی» را مطلبی بدون دلیل می‌شمردند. براین اساس مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که در یک مطالعه انتقادی از منظر شهید صدر چه اشکال‌هایی به ادله اقامه شده در دفاع از مغالطه قصدی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، مغالطه قصدی، هرمنوتیک، شهید صدر.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱۶۹. بررسی روش ایزوتسو در فهم پدیدارشناختی از قرآن کریم براساس روش تفسیر قرآن به قرآن

سؤال: در یک مطالعه انتقادی از منظر روش تفسیر قرآن به قرآن، چه اشکال‌هایی بر روش ایزوتسو در فهم پدیدارشناختی قرآن کریم وارد است؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث در فلسفه فهم، کاربرت روش‌های مختلف برای درک معنای متن است. امروزه با گسترش روش‌ها شاهد تنوع برداشت‌ها از متون و منابع هستیم. بخشی از متونی که روش‌های مختلف درباره آن به کار بسته شده است، متون دینی و برای نمونه قرآن کریم است. نویسندگان مختلف به فراخور دل‌بستگی به روش‌های گوناگون برای استخراج معانی مختلف از این متن دینی تلاش کرده‌اند. یکی از کسانی که در این زمینه تألیفاتی داشته است، ایزوتسو است. این نویسنده ژاپنی پس از آنکه مدتی به شاگردی مارتین هایدگر پرداخت، روش پدیدارشناسی را از وی فراگرفت، سپس با تمرکز بر متن قرآن کریم سعی کرد روش پدیدارشناسی را در فهم و برداشت خود از قرآن کریم به کار بندد. روشن است که هر روشی بر برخی مبانی و اصول استوار است که آن مبانی و اصول نیز نیازمند بررسی و پژوهش است و چه‌بسا در مواردی با اشکال‌هایی مواجه گردد. باتوجه‌به اینکه برخی از اصول و مبانی روش پدیدارشناسی خالی از اشکال نیست، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که در یک مطالعه انتقادی از منظر روش تفسیر قرآن، به قرآن چه اشکال‌هایی بر روش فهم پدیدارشناختی قرآن کریم وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، پدیدارشناسی، روش پدیدارشناسی، تفسیر قرآن.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۱۷۰. بررسی نقش موقعیت و جهان‌ماتن در امر فهم معنا از منظر شهید صدر

سؤال: براساس نظر شهید صدر موقعیت و جهان‌ماتن چه نقشی در فهم دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه فهم و تفسیر توجه به مبادی و مبانی فهم و



تفسیر است. هنگامی که به واکاوی عوامل شکل‌گیری متن می‌پردازیم، با عوامل مختلفی مواجه می‌شویم. از جمله این عوامل، نقش ماتن در شکل‌گیری متن است. ماتن حقیقتی جدای از جهان نیست و از این‌رو در هاله‌ای از موقعیت‌ها و وضعیت‌ها قرار گرفته است. اینکه جهان ماتن چه نقشی در شکل‌گیری متن دارد، پرسش مهمی است که لازم است به بررسی و پژوهش درباره آن پرداخت. باتوجه به اینکه شهید صدر از جمله محققانی است که ابعاد مختلف فهم پرداخته است. روشن است که هرچه آگاهی مخاطبان از ویژگی‌های ماتن بیشتر باشد، درک متن سهل‌تر خواهد شد. از این‌رو مناسب است با تکیه بر آراء و افکار ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس نظر شهید صدر موقعیت و جهان ماتن چه نقشی در فهم دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، شأن نزول، شأن صدور، شهید صدر.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۱۷۱. بررسی هستی‌شناسی معنا از منظر استاد فیاضی

سؤال: براساس نگرش استاد فیاضی چه تحلیلی از هستی معنا می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث اصلی در فلسفه فهم و تفسیر، واکاوی چیستی فهم است. از جمله عناصری که در شکل‌گیری فهم نقش اساسی دارد، «معنا» است. برای درک بهتر معنا لازم است به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخت. از جمله ابعاد معنا، هستی‌شناسی معناست. در مباحث مربوط به هستی‌شناسی معنا به بررسی حقیقت معنا و اینکه معنا از چه سنخ وجودی است و آیا امری اعتباری است یا امری حقیقی پرداخته می‌شود. استاد فیاضی با تمرکز بر این مسئله به تبیین چیستی معنا، چیستی مفهوم و رابطه آن‌ها با لفظ پرداخته است. باتوجه به اهمیت این بحث مناسب است به بررسی این سؤال پرداخت که براساس نگرش استاد فیاضی چه تحلیلی از هستی معنا می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، معنا، نفس الامر، استاد فیاضی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۱۷۲. بررسی رابطه معنا و مفهوم از منظر استاد فیاضی

سؤال: از منظر استاد فیاضی رابطه میان معنا و مفهوم چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه فهم و تفسیر، توجه به مبادی تصویری و تصدیقی



فهم است. از جمله مبادی تصویری فهم، توضیح و تبیین چیستی معناست. همچنین در این بحث لازم است رابطه میان معنا و اموری مانند مفهوم، لفظ و کلی توضیح داده شود. استاد فیاضی با تمرکز بر این بحث، به بررسی چیستی معنا و رابطه آن با مفهوم پرداخته است. در حالی که برخی از نویسندگان تمایزی میان مفهوم و معنا قائل نشده‌اند، ایشان تمایزهای روشنی میان معنا و مفهوم بیان کرده‌اند. همچنین رابطه میان معنا و مفهوم را روشن ساخته‌اند. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر استاد فیاضی رابطه میان معنا و مفهوم چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

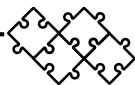
کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، معنا، مفهوم، استاد فیاضی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۱۷۳. بررسی ظرفیت‌های هرمنوتیک در اسلامی‌سازی علوم انسانی

سؤال: در فرایند اسلامی‌سازی علوم انسانی، هرمنوتیک واجد چه ظرفیت‌هایی است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، هرمنوتیک است. در دانش هرمنوتیک، روش‌های فهم و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود. در مباحث فلسفه فهم، گرایش‌های مختلفی شکل گرفته است که از میان آن‌ها می‌توان به مؤلف‌محور، متن‌محور و مفسر‌محور اشاره کرد. بسیاری از مدافعان هرمنوتیک معاصر، نگرشی نسبی‌گرایانه اتخاذ کرده‌اند و بر این اساس به بررسی مسائل می‌پردازند. با مراجعه به متون و منابع سنت اسلامی درمی‌یابیم که برخلاف این دیدگاه‌های سه‌گانه، که عمدتاً نسبی‌گرایانه هستند، نگرش دیگری در میان متفکران اسلامی رواج دارد که می‌توان از آن به «مؤلف‌متن‌محور» اشاره کرد. در این نگرش، در کنار نقش مهم و اساسی متن در فهم، برای مؤلف نیز نقشی اساسی مطرح می‌شود. از این رو در این نگرش ضمن واکاوی صفات و مشخصات مؤلف، در مواردی با استناد به این صفات و مشخصات، مسیر تعیین معنا متفاوت از آن چیزی می‌گردد که متن اقتضا می‌کند. باتوجه به بدیع بودن این نظریه و کاربردهایی که می‌تواند در اسلامی‌سازی علوم انسانی داشته باشد، به نظر می‌رسد بتوان از این دست مباحث هرمنوتیکی در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی بهره برد؛ از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که در فرایند اسلامی‌سازی علوم انسانی، هرمنوتیک واجد چه ظرفیت‌هایی است؟



کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، مؤلف‌محور، متن‌محور، هرمنوتیک، اسلامی‌سازی علوم.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۱۷۴. بررسی تطبیقی روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک رمانتیک

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان روش هرمنوتیکی در علم اصول، و هرمنوتیک رمانتیک می‌توان شناسایی کرد؟

تبیین مسئله: توجه به چیستی و مقومات فهم از جمله مباحثی است که در فلسفه فهم مطرح می‌شود. در سنت اسلامی و نیز در سنت غربی این بحث مورد توجه محققان بوده است و تلاش‌هایی در زمینه شناسایی و توضیح روش فهم و استظهار انجام شده است. در سنت اسلامی، بسیاری از اندیشمندان در قالب مباحث الفاظ علم اصول، به واکاوی روش فهم و برداشت از متن پرداخته‌اند. در سنت غربی نیز بسیاری از نویسندگان در قلمرو هرمنوتیک به واکاوی روش فهم پرداخته‌اند. در هرمنوتیک غربی شاهد مراحلی از تحول هستیم که یکی از این مراحل به هرمنوتیک رمانتیک شناخته می‌شود. مقایسه این دو سنت، از وجود شباهت‌هایی میان یافته‌های دانشمندان علم اصول و مدافعان علم هرمنوتیک حکایت دارد. با توجه به اینکه روش مقایسه و تطبیق به فهم و درک بهتر مسائل مرتبط با فهم و برداشت کمک می‌کند، مناسب است با اتخاذ چنین رویکردی بررسی شود که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک رمانتیک می‌توان شناسایی کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، هرمنوتیک رمانتیک، علم اصول.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۱۷۵. بررسی تطبیقی روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک کلاسیک

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک کلاسیک می‌توان شناسایی کرد؟

تبیین مسئله: توجه به چیستی و مقومات فهم از جمله مباحثی است که در فلسفه فهم مطرح می‌شود. در سنت اسلامی و نیز در سنت غربی این بحث مورد توجه محققان بوده است و تلاش‌هایی در زمینه شناسایی و توضیح روش فهم و استظهار انجام شده است. در



سنت اسلامی، بسیاری از اندیشمندان در قالب مباحث الفاظ علم اصول، به واکاوی روش فهم و برداشت از متن پرداخته‌اند. در سنت غربی نیز بسیاری از نویسندگان در قلمرو هرمنوتیک به واکاوی روش فهم پرداخته‌اند. در هرمنوتیک غربی شاهد مراحل از تحول هستیم که یکی از این مراحل به هرمنوتیک کلاسیک شناخته می‌شود. مقایسه این دو سنت، از وجود شباهت‌هایی میان یافته‌های دانشمندان علم اصول و مدافعان علم هرمنوتیک حکایت دارد. باتوجه به اینکه روش مقایسه و تطبیق به فهم و درک بهتر مسائل مرتبط با فهم و برداشت کمک می‌کند، مناسب است با اتخاذ چنین رویکردی بررسی شود که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و وجوه میان روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک کلاسیک می‌توان شناسایی کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فهم، فلسفه تفسیر، هرمنوتیک کلاسیک، علم اصول.

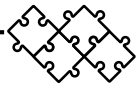
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۵. فلسفه علم فقه و فلسفه علم اصول فقه

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فقه است. در کنار این شاخه فلسفی، شاخه دیگری که مباحث آن قرابت بسیاری به این مباحث دارد، فلسفه علم اصول فقه است. در ادامه برخی از مباحث نوپدید این دو حوزه را از نظر می‌گذرانیم.

۱۷۶. بررسی نقش حکومت اسلامی در تجدید ساختار علم فقه

سؤال: شکل‌گیری حکومت اسلامی چه نقشی در تجدید ساختار علم فقه می‌تواند داشته باشد؟
تبیین مسئله: از مباحث مهم در فلسفه فقه، قلمرو مباحث فقه است. براساس تلقی رایج و سنتی، مباحث فقه بر مدار احکام تکلیفی و وضعی مکلفان دور می‌زند. درحالی‌که در روایات و نیز در مسائل عینی جامعه اسلامی با موضوعاتی روبرو می‌شویم که از مرز احکام فردی فراتر می‌رود و جنبه حکومتی می‌یابد؛ بنابراین لازم است بادقت قلمرو فقه مشخص گردد. با روشن شدن قلمرو فقه، دیگری در مباحث فلسفه فقه مطرح خواهد شد؛ ازجمله ضرورت بازنگری ساختار مباحث علم فقه و خارج ساختن ساختار فعلی آن از دایره محدود احکام فردی و نیز در نظر گرفتن ساختاری جدید که ناظر به احکام حکومتی است. بنابراین تجدیدنظر در دایره و قلمرو فقه و ضرورت بازنگری در ساختار علم فقه ازجمله مباحث مهم



در فلسفه فقه است. از این رو به جاست به بررسی این نکته بپردازیم که شکل گیری حکومت اسلامی چه نقشی در تجدید ساختار علم فقه می تواند داشته باشد؟
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، حکومت، ساختار فقه.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۱۷۷. بررسی معرفت شناختی مبانی اختلاف فقهی در فقه امامیه

سؤال: از منظر معرفت شناسی اسلامی، اختلاف فقههای امامیه را چگونه می توان تبیین کرد؟
تبیین مسئله: علم فقه، مجموعه ای از گزاره هاست که ناظر به افعال مکلفین است. این گزاره ها مانند گزاره های سایر علوم، گزاره هایی «اخباری» است؛ گزاره های اخباری بر گزارش از واقعیت مشتمل است و از این رو به صدق یا کذب متصف می گردد؛ از جمله مباحث فلسفه فقه، بررسی و واکاوی ارزش معرفت شناختی گزاره های فقهی است. مقصود از ارزش معرفت شناختی گزاره های فقهی، واکاوی مطابقت این گزاره ها با واقع است. با توجه به اینکه مبنای بسیاری از فقههای امامیه بر «تخطئه» است، مناسب است با تبیین معیار صدق گزاره های فقه امامیه به تبیین پایه و اساس اختلافات فقهی در فقه امامیه بپردازیم و این پرسش را بررسی کنیم که از منظر معرفت شناسی اسلامی، اختلاف فقههای امامیه را چگونه می توان تبیین کرد؟
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، فقه امامیه، معرفت شناسی.
قالب: مقاله. **اولویت:** ۴.

۱۷۸. بررسی ادله «منطقه الفراغ» بر اساس مبانی کلامی امامیه

سؤال: بر اساس مبانی کلام امامیه چه ادله ای بر قاعده منطقه الفراغ مطرح شده است
تبیین مسئله: از جمله مسائل فلسفه فقه، بررسی قلمرو علم فقه است. در بسیاری از متون و منابع فلسفه فقه، معیارهایی مطرح شده است؛ همچنین برخی از فیلسوفان فقه به طرح نظریه هایی در این باره اقدام کرده اند. از جمله نظریه های مطرح شده در این زمینه نظریه منطقه الفراغ شهید صدر است. شهید سید محمدباقر صدر با بررسی متون و منابع فقهی به این نتیجه رسید که در فقه امامیه دایره احکام به مواردی محدود است که شارع مقدس درباره آن «بیان» شرعی داشته باشد؛ از این رو مواردی که هیچ گونه بیان شرعی وجود ندارد، منطقه و قلمرویی است که می توان آن را منطقه آزاد یا فراغ برای مکلفین شمرد. یکی از



ابعاد این مسئله، واکاوی ادله‌ای است که مبانی این نظریه را تأمین می‌کند. از این‌رو می‌توان این مسئله را مطرح ساخت که براساس مبانی کلام امامیه، چه ادله‌ای بر قاعده منطقه الفراغ مطرح شده است؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، منطقه الفراغ، کلام امامیه.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۱۷۹. بررسی مبانی کلامی تکلیف از منظر آخوند خراسانی

سؤال: از منظر آخوند خراسانی، مبانی کلامی تکلیف را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

تبیین مسئله: از جمله مسائلی که در فلسفه فقه مطرح می‌شود، چپستی تکلیف، و حدود و قلمرو آن است. همچنین در فلسفه فقه، مبانی کلامی تکلیف نیز واکاوی می‌شود. یکی از محققانی که در این زمینه تلاش فراوانی انجام داده است، محقق خراسانی است. وی در کتاب کفایة الأصول به برخی از مبانی تکلیف اشاره کرده است. مرور آثار او نشان می‌دهد که در برخی از آثار او مطالبی وجود دارد که با پاره‌ای از مبانی تکلیف ناسازگار است. با توجه به اینکه ناسازگاری یکی از عوامل عدم اعتبار یک نظام فکری است، بسیاری درصدد رفع این تعارض برآمده‌اند؛ از این‌رو لازم است با ارائه تقریری روشن از دیدگاه او تصویری سازگار از اندیشه او در این زمینه ارائه کرد. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر آخوند خراسانی، مبانی کلامی تکلیف را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

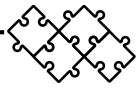
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، تکلیف، آخوند خراسانی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۲۵.

۱۸۰. بررسی هستی‌شناسی «الزام» فقهی از منظر شهید صدر

سؤال: از منظر شهید صدر چه تحلیلی از هستی‌شناسی الزام فقهی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: از جمله مباحث فلسفه فقه، بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم فقه است. یکی از مبادی تصویری علم فقه، الزام است. در اینکه بسیاری از احکام فقهی با الزام همراه است، تردیدی نیست؛ اما اینکه حقیقت الزام چیست و چه نسبتی با اختیار و اراده مکلفین دارد، مطلبی است که چندان مورد توجه قرار نگرفته است؛ از این‌رو لازم است به مثابه یکی از مهم‌ترین مفاهیم فقهی، به واکاوی این تصور پرداخت. مفهوم الزام دارای ابعاد مختلفی است که یکی از



این ابعاد، هستی‌شناسی است. مقصود از هستی‌شناسی الزام این است که این حقیقت از چه سنجی از وجود است و رابطه آن با سایر انحای وجود چگونه است. باتوجه به تلاش‌هایی که شهید صدر در زمینه تبیین مبانی فقه انجام داده است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر شهید صدر چه تحلیلی از هستی‌شناسی الزام فقهی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، الزام، فلسفه تفسیر، شهید صدر.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۱۸۱. بررسی انتقادی دایره حق در فقه اسلامی و حقوق فرانسه

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دایره حق در فقه اسلامی و حقوق فرانسه وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه فقه، بررسی دایره تکلیف و حق است. در فقه اسلامی، مواردی دیده می‌شود که نشان می‌دهد دایره حق بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که در سایر نظام‌های حقوقی، مانند حقوق فرانسه دیده می‌شود؛ برای نمونه در فقه اسلامی برخی از احکام مربوط به رابطه انسان با محیط زیست و رابطه انسان با حیوانات مطرح شده است و تکالیفی برای انسان‌ها در قبال حیواناتی که از آن‌ها نگاهداری می‌کنند یا در قبال محیط زیست بیان شده است. روشن است که این نکته می‌تواند یکی از امتیازات یک نظام حقوقی شمرده شود که دایره حق و تکلیف را گسترده‌تر از آنچه بسیاری تصور می‌کنند، در نظر می‌گیرد. باتوجه به چنین گستره‌ای مناسب است به بررسی تطبیقی نظام حقوق اسلامی با سایر نظام‌های حقوقی مانند نظام حقوق فرانسه پرداخت. حال پرسش این است که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دایره حق در فقه اسلامی و حقوق فرانسه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه فهم، فقه اسلامی، حق، حقوق فرانسه.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۷۵.

۱۸۲. بررسی تطبیقی منابع فقه اسلامی و منابع قانون فرانسه

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان منابع فقه اسلامی و قانون فرانسه وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل فلسفه فقه، تبیین منابع فقه است. اینکه احکام و گزاره‌های



فقهی از کدام منابع به دست می‌آید و اینکه نحوه استخراج احکام فقهی چگونه است، از جمله مسائل مهم فلسفه فقه است. این بحث نقشی جدی در تعیین میزان و قلمرو مباحث فقهی دارد. درمقابل، در برخی از نظام‌های حقوقی نیز منابعی برای استخراج احکام مربوط به بایدها و نبایدها مطرح شده است. مروری اجمالی بر منابع برخی از نظام‌های حقوقی گواه آن است که اشتراکاتی میان منابع فقه و منابع نظام‌های فقهی مشاهده می‌شود. در اینجا مناسب به نظر می‌رسد که با انجام تحقیقی مقایسه‌ای، نسبت میان منابع فقه اسلامی و منابع نظام حقوقی فرانسه سنجیده شود تا میزان مشابهت میان منابع این دو نظام را به دست آید. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان منابع فقه اسلامی و قانون فرانسه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، منابع فقه، فقه اسلامی، قانون فرانسه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲.

۱۸۳. بررسی تطبیقی غایت در فقه اسلامی و غایت در اخلاق اسلامی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در فقه اسلامی و غایت در اخلاق اسلامی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه فقه، بررسی غایت فقه است. اینکه هدف نهایی احکام فقهی چیست؟ و آیا این هدف، تأمین مصلحت اجتماعی است یا امری ورای آن؟ این‌گونه پرسش‌ها از جمله مباحث مهم در فلسفه فقه است. آگاهی از غایت فقه می‌تواند زمینه را برای درک بهتر وجه تشریع احکام فقهی فراهم سازد. در کنار علم فقه، علم اخلاق نیز عهده‌دار بررسی رفتار اختیاری انسان است. در علم اخلاق نیز غایتی همچون غایت اخلاق مطرح می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد. باتوجه به اینکه در دین اسلام به فقه و به اخلاق بسیار بها داده شده است، این پرسش مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای میان غایت فقه و غایت اخلاق وجود دارد؟ به عبارت دیگر براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در فقه اسلامی و غایت در اخلاق اسلامی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه فهم، غایت فقه، فقه اسلامی، حقوق فرانسه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.



۱۸۴. بررسی تطبیقی قلمرو تکلیف در فقه اسلامی و حقوق انگلستان

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دایره تکلیف در فقه اسلامی و دایره تکلیف در حقوق انگلستان وجود دارد؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث فلسفه فقه، واکاوی ابعاد مختلف تکلیف است. ازجمله ابعاد تکلیف، قلمرو تکلیف است. اینکه هر فرد انسانی درصورت احراز کدامین شرط یا شروط، مکلف شمرده می‌شود. آیا دایره تکلیف تنها در نسبت میان انسان‌ها مطرح است یا آنکه انسان در قبال حیوانات و محیط زیست نیز دارای تکلیف است؟ افزون بر این، کدام عامل یا عوامل باعث از بین رفتن تکلیف می‌شود؟ این دسته از مسائل در فلسفه فقه، به‌ویژه فقه امامیه، به تفصیل بررسی شده است. در سنت غربی نیز بسیاری از نظام‌های حقوقی به تفصیل به بررسی ابعاد مختلف تکلیف پرداخته‌اند. باتوجه به اینکه بررسی و پژوهش تطبیقی به درک بهتر مزایا و قوت‌های یک نظام فقهی و حقوقی کمک خواهد کرد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دایره تکلیف در فقه اسلامی و دایره تکلیف در حقوق انگلستان وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، تکلیف، حقوق انگلستان.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۲۵.

۱۸۵. بررسی قلمرو عقل در قانون‌گذاری در فقه اسلامی

سؤال: چه تبیینی از قلمرو عقل در قانون‌گذاری در فقه اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: ازجمله مسائل مورد توجه در فلسفه فقه، مسئله عقل است. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، عقل یکی از منابع، بلکه مهم‌ترین منبع فقه و حقوق شناخته می‌شود. اینکه تعریف دقیق عقل چیست و اینکه قلمرو ادراکات عقلی تا کجاست، بحث بسیار مهمی است که اختلافاتی را میان فیلسوفان فقه برانگیخته است. برخی از فیلسوفان فقه معتقدند که مقصود از عقل تنها مُدرکات بدیهی عقل نظری است که بدون پذیرش آن اساساً زمینه برای استدلال‌آوری به وجود نخواهد آمد. درمقابل، برخی دیگر از فیلسوفان فقه معتقدند که عقل، استدلال‌های عقلی را نیز شامل می‌شود. در کنار این موارد، نحوه پی بردن به احکام عقلی نیز بحث دیگری است که در فلسفه فقه مورد توجه قرار گرفته است. باتوجه به اهمیتی

که این بحث در مباحث فقهی می‌تواند داشته باشد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که چه تبیینی از قلمرو عقل در قانون‌گذاری در فقه اسلامی می‌توان ارائه کرد؟
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، عقل، قانون‌گذاری، فقه اسلامی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۸۶. بررسی نقش «پیش‌زمینه‌های فهم» از منظر محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی چه انتقادهایی بر زمینه‌مند دانستن فهم وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اصول از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی، با استفاده از روش عقلی به بررسی مبادی و مبانی علم اصول پرداخته می‌شود. از جمله مسائل مرتبط با این مبانی، جایگاه فاعل شناسا در فرایند فهم است. برخی از نویسندگان بر این باورند که اساساً هر فاعل شناسا، براساس پیش‌دانسته‌ها و پیش‌زمینه‌های خود، به سراغ فهم و برداشت از یک متن می‌رود. از این‌رو فهم خالص و برداشت ناب، وجود خارجی ندارد. به باور این دسته از نویسندگان، فهم، زمینه‌مند است. با مراجعه به متون و منابع علم اصول روشن می‌گردد که بسیاری از دانشمندان علم اصول اگرچه نقش پیش‌زمینه‌ها را در فهم انکار نمی‌کنند، اما معتقدند می‌توان با دقت‌نظر و تلاش مانع از دخالت پیش‌دانسته‌ها و پیش‌زمینه‌ها گردید. باتوجه به اینکه این مسئله در آثار بزرگان علم اصول مانند محقق اصفهانی مطرح شده است، مناسب است با تمرکز بر آثار ایشان به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر محقق اصفهانی چه انتقادهایی بر زمینه‌مند دانستن فهم وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، زمینه‌مندی، محقق اصفهانی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۱۸۷. بررسی دلالت‌های نگرش به قواعد علم اصول در جایگاه روش فهم

سؤال: روش فهم تلقی کردن قواعد علم اصول چه دلالت‌هایی به دنبال دارد؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در زمینه فلسفه علم اصول، تبیین غایت قواعد علم اصول است. مراد از غایت علم اصول این است که آیا قواعدی که در علم اصول استفاده می‌شود، صرفاً در راستای کشف احکام تکلیفی و وضعی به کار می‌آید یا آنکه این قواعد ظرفیت لازم را دارد تا روشی باشد برای فهم دینی؟ در اینجا شاهد بروز اختلاف میان



فیلسوفان علم اصول هستیم. درحالی که برخی بر این باورند که این قواعد صرفاً برای کشف احکام فرعی فقهی مشروعیت دارد و حتی نمی‌توان از آن برای استنباط سایر باورهای دینی، مانند مطالب تاریخی، استفاده کرد، برخی دیگر ضمن رد این دیدگاه، معتقدند که بسیاری از احکام و قواعد اصولی، به‌ویژه در بخش مباحث الفاظ، ظرفیت لازم را برای استنباط هر مطلبی از متون دینی دارند. این عده تلاش می‌کنند این نکته را آشکار سازند که این قواعد حتی در متون غیردینی نیز قابلیت کاربرد دارند. این بحث آثار بسیاری می‌تواند داشته باشد. باتوجه به اهمیت این بحث و از آنجاکه نتیجه این بحث در فرایند اسلامی‌سازی علوم انسانی بسیار مؤثر خواهد بود، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که روش فهم تلقی کردن قواعد علم اصول چه دلالت‌هایی به دنبال دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، قواعد فهم، علم اصول.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۱۸۸. بررسی هستی‌شناسی وضع از منظر محقق اصفهانی و شهید صدر

سؤال: در یک پژوهش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش محقق اصفهانی و شهید صدر به هستی‌شناسی وضع می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در فلسفه علم اصول، به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم اصول پرداخته می‌شود. یکی از مباحث علم اصول، مسئله وضع است. مقصود از وضع، نحوه‌ای از دلالت لفظ بر معناست که در اثر قرار داد حاصل شده باشد. باتوجه به اینکه فرایند وضع نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم بسیاری از مفاهیم به‌کاررفته در متون دینی دارد، مناسب است با تمرکز بر این فرایند، به بررسی هستی‌شناسی وضع پرداخت. برای مثال اینکه آیا وضع از عمل فرد خاصی ناشی بوده است یا آنکه جنبه اجتماعی داشته؟ اینکه اگر وضع فرایندی اجتماعی بوده، چه معیارها و ملاک‌هایی برای تحقق وضع موردنظر بوده است. این سنخ از مباحث به‌رغم اهمیتی که می‌تواند داشته باشد، کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. ازجمله محققان معاصر که به این بحث پرداخته‌اند می‌توان از شهید صدر و محقق اصفهانی نام برد. در اینجا مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که در یک پژوهش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش محقق اصفهانی و شهید صدر به هستی‌شناسی وضع می‌توان ارائه کرد؟



کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، وضع، دلالت، محقق اصفهانی، شهید صدر.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۲۵.

۱۸۹. بررسی رابطه کاربرد و معنا از منظر شهید صدر

سؤال: از منظر شهید صدر چه تبیینی از رابطه میان کاربرد الفاظ و معنا می‌توان ارائه کرد؟
 تبیین مسئله: فلسفه علم اصول به بررسی مبادی تصوری و تصدیقی علم اصول می‌پردازد. ازجمله این مبادی، معناست. معنا، رکن اساسی مسائل مربوط به استظهارات و دلالت‌های کلمات و الفاظ را برعهده دارد. اینکه معنا از چه طریق آشکار می‌گردد، بحثی است که به تفصیل از سوی محققان فلسفه اصول فقه مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. برخی بر این باورند که عامل اصلی در شکل‌گیری معنا، کاربرد است. درمقابل، برخی دیگر افزون بر کاربرد برای اموری مانند وضع، نیز تأثیری اساسی در معنا قائل هستند. اگر دیدگاه کسانی در نظر بگیریم که کاربرد را ملاک قرار داده‌اند، جای طرح این پرسش وجود دارد که چه عواملی بر کاربرد کلمات و الفاظ مؤثر است و این تأثیر چگونه خود را در معنای کلمات و الفاظ نشان می‌دهد. شهید صدر ازجمله کسانی است که به تفصیل به بررسی رابطه میان معنا و کاربرد پرداخته است. بنابراین می‌توان سؤال را این‌گونه تقریر کرد که از منظر شهید صدر چه تبیینی از رابطه میان کاربرد الفاظ و معنا می‌توان ارائه کرد؟
 کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، لفظ، معنا، وضع، کاربرد، علم اصول.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۲۵.

۱۹۰. بررسی تطبیقی قواعد حل تراحم در اصول فقه اسلامی و نظام حقوق فرانسه

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان قواعد حل تراحم در اصول فقه اسلامی و نظام حقوق فرانسه می‌توان یافت؟
 تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه علم اصول فقه، مطالعه و بررسی قواعد ناظر به تراحمات قوانین و قواعد است. روشن است که افعال مکلفان به‌گونه‌ای است که در مواردی به ایجاد تراحم میان احکام و قوانین می‌انجامد، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، مطالعه و بررسی معیارهایی برای حل تراحمات قوانین و قواعد صورت گرفته است. در فلسفه علم اصول فقه نیز معیارهایی درون‌دینی و برون‌دینی برای این منظور در نظر گرفته شده است؛



برای مثال معیار «اهم و مهم» یکی از معیارهای عقلی است که در نظام‌های حقوقی دیگر نیز به رسمیت شناخته شده است. باین حال همچنان زمینه‌هایی از بحث در این باره وجود دارد، اینکه ملاک ثبوتی و ملاک اثباتی تشخیص اهم چیست، از جمله مباحث جدی در این باره است. باتوجه به اهمیت این بحث، مناسب است با تمرکز بر نظام حقوقی فرانسه تحقیقی تطبیقی در این باره انجام شود. از این رو پرسش تحقیق این گونه صورت‌بندی می‌شود که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان قواعد حل نزاع در اصول فقه اسلامی و نظام حقوق فرانسه می‌توان یافت؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، قواعد فهم، نزاع، فقه اسلامی، حقوق فرانسه.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

۱۹۱. بررسی مبانی کلامی نظریه حق الطاعة شهید صدر

سؤال: چه تبیینی از مبانی کلامی نظریه حق الطاعة شهید صدر می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل فلسفه علم اصول فقه، شناسایی چیستی تکلیف و شرایط آن است. در اینجا بسیاری از فیلسوفان علم اصول فقه، به بررسی و مطالعه پرداخته‌اند و نظریه‌هایی نیز در این باره مطرح شده است. برخی از فیلسوفان علم اصول فقه معتقدند که اصل بر عدم تعلق تکلیف بر افراد است مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد، در مقابل، برخی دیگر از فیلسوفان علم اصول فقه، اساس را بر مکلف بودن افراد می‌دانند مگر آنکه روشن گردد که تکلیفی متوجه او نیست. شهید سید محمدباقر صدر با ارائه نظریه حق الطاعة، گامی نوین در تحلیل دایره تکلیف براساس مبانی فلسفی و کلامی برداشته است. به باور او، انسان، بنده خداوند است و خداوند مالک و رب است؛ از این رو همه حالات و وضعیت‌های انسان در گرو تصمیم و اراده الهی است. بنابراین نمی‌توان انسان را موجودی رها شمرد، و بر افراد انسانی لازم است که فحص و بررسی کنند و از تکلیف خود آگاهی پیدا کنند. بنابراین نمی‌توان به صرف عدم اطلاع از تکلیف، حکم به منتفی بودن آن کرد و در این زمینه باید تلاش مجدانه‌ای صورت گیرد تا عدم وجود تکلیف به یقین احراز گردد. باتوجه به اهمیت این بحث، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که چه تبیینی از مبانی کلامی نظریه حق الطاعة شهید صدر می‌توان ارائه کرد؟



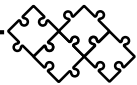
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، حق الطاعه، کلام امامیه، شهید صدر.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۱۹۲. بررسی رابطه علم اصول فقه و علم زبان‌شناسی از منظر محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی رابطه علم اصول فقه و علم زبان‌شناسی چگونه قابل تبیین است؟
 تبیین مسئله: ازجمله مسائل فلسفه علم اصول فقه، بررسی و واکاوی ابعاد و احکام زبان است. اینکه معنا و زبان چه رابطه‌ای باهم دارند و اینکه خاستگاه معنا چیست، رابطه کاربرد و وضع، با معنا چگونه تبیین می‌گردد؛ همچنین مباحثی درباره وضع در زبان ازجمله مباحثی است که در فلسفه علم اصول فقه مورد توجه قرار گرفته است. در دانش زبان‌شناسی نیز مطالبی درباره ابعاد مختلف زبان دیده می‌شود. برای مثال تحول زبان، سیر این تحول و نیز عناصر ثابت در زبان، ازجمله مباحثی است که در دانش زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. باتوجه به اشتراکاتی که میان این دو علم وجود دارد، جای بررسی این مسئله وجود دارد که از منظر محقق اصفهانی رابطه علم اصول فقه و علم زبان‌شناسی چگونه قابل تبیین است؟
 کلیدواژه: فلسفه اصول، زبان‌شناسی، فلسفه تفسیر، محقق اصفهانی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۱۹۳. بررسی غایت علم اصول فقه از منظر محقق اصفهانی و شهید صدر

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه محقق خراسانی و شهید صدر درباره غایت علم اصول می‌توان مطرح ساخت؟
 تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه علم اصول توجه به غایت علم اصول فقه است. محققان به بررسی این غایت پرداخته‌اند و نظریه‌هایی نیز در این زمینه مطرح شده است. ازجمله محققانی که به این بحث توجه کرده‌اند، محقق اصفهانی و شهید صدر بوده‌اند که در آثار مختلف خود به واکاوی غایت علم اصول فقه پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد هر دو متفکر بر این باورند که قواعد علم اصول فقه همچون مقدمه‌ای برای استنباط احکام فرعی فقهی قرار می‌گیرد. با این حال، با دقت بیشتر می‌توان تفسیر دقیق‌تری از دیدگاه ایشان در این زمینه به دست آورد. باتوجه به اینکه آشنایی و آگاهی از غایت علم اصول فقه می‌تواند بر بسیاری از مباحث این علم سایه بگستراند، جای بررسی این پرسش وجود دارد که در



یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه محقق اصفهانی و شهید صدر درباره غایت علم اصول می‌توان مطرح ساخت؟
کلیدواژه: فلسفه اصول، غایت علم اصول، محقق اصفهانی، شهید صدر.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۱۹۴. بررسی تطبیقی حقیقت «حکم» از نظر ملاصدرا و آخوند خراسانی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان تفسیر ملاصدرا و آخوند خراسانی از حقیقت حکم قابل اصطیاد است؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اصول فقه از جمله شاخه‌های فلسفی است که به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم اصول فقه می‌پردازد. یکی از مسائل مهم این شاخه عقلی، واکاوی حقیقت حکم است. اینکه حقیقت حکم چیست و حاکم واقعی، کدام منبع و مصدر شمرده می‌شود، از جمله مسائل جدی در این باره است. مسئله حکم، ارتباطی نیز با مباحث فلسفی درباره عقل عملی پیدا می‌کند؛ از این رو نگرش فلسفی به مسئله می‌تواند به حل بهتر این مسئله کمک کند. باتوجه به اینکه ملاصدرای فیلسوف و نیز آخوند خراسانی اصولی برجسته امامیه به این مبحث توجه کرده‌اند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان تفسیر ملاصدرا و آخوند خراسانی از حقیقت حکم قابل اصطیاد است؟
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه فهم، حکم، ملاصدرا، آخوند خراسانی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱۹۵. بررسی جایگاه «ارتکازات» در فهم متن از منظر شهید صدر و محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی و شهید صدر جایگاه ارتکازات در فهم چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اصول فقه به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم اصول فقه می‌پردازد. از جمله این مباحث، بررسی منابع علم اصول فقه است. از اموری که منبعی برای علم اصول فقه معرفی شده است، می‌توان به ارتکازات اشاره کرد. ارتکازات عقلا، به معنای آن چیزی است که در ذهنیت عقلا روشی عملی برای درک و فهم یک پدیده، در نظر گرفته شده است. به رغم اشاره بسیاری از دانشمندان علم اصول به پدیده ارتکازات، ابعاد مختلف این پدیده همچنان مبهم است. روشن است که واکاوی ابعاد مختلف این ارتکازات به تحقیق



و پژوهش نیاز دارد. دو تن از بزرگان علم اصول فقه که به این بحث توجه کرده‌اند، عبارت‌اند از محقق اصفهانی و شهید صدر. باتوجه به اینکه مقایسه دیدگاه این دو تن، در ارتقای این بحث مفید خواهد بود، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر محقق اصفهانی و شهید صدر جایگاه ارتکازات در فهم چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، ارتکاز، تبادر، محقق اصفهانی، شهید صدر.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱۹۶. بررسی ارزش معرفت‌شناختی «بنائات عقلا» از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از ارزش معرفت‌شناختی بنائات عقلا می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مرتبط با فلسفه علم اصول، روش‌های استظهار عرفی است. از میان این روش‌ها، بناء عقلا، از کاربردی‌ترین روش‌های استظهار است. باتوجه به اینکه روش بناء عقلا، زمینه‌ساز استخراج احکام الهی است، دقت در بررسی ابعاد مختلف آن به فهم بهتر معرفت دینی کمک خواهد کرد، افزون بر اینکه بر غنای مباحث فلسفه علم اصول نیز خواهد افزود. یکی از ابعاد مسئله بناء عقلا، ارزش و اعتبار معرفت حاصل از این روش است. در این مسئله، پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان ارزش و اعتبار معرفتی این دسته از معرفت‌ها را تبیین کرد؟ به عبارت دیگر چه تضمینی وجود دارد که این دسته از معرفت‌ها اگرچه نه یقینی، دست‌کم به صورت ظنی با واقعیت مطابقت داشته باشند؟ باتوجه به اینکه علامه طباطبائی از سویی در دانش علم اصول صاحب‌نظر است و از سویی دیگر آثار مختلفی درباره مباحث معرفت‌شناسی به رشته تحریر درآورده است، مناسب است با تمرکز بر آرای ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از ارزش معرفت‌شناختی بنائات عقلا می‌توان ارائه کرد؟

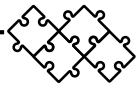
کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه تفسیر، بناء عقلا، معرفت‌شناسی، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱۹۷. بررسی ارزش معرفت‌شناختی «اتفاق و توافق» از منظر محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی چه تبیینی از ارزش معرفت‌شناختی اتفاق و توافق می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مرتبط به فلسفه علم اصول، روش‌های استظهار عرفی است.



از میان این روش‌ها، اتفاق، از کاربردی‌ترین روش‌های استظهار است. درباره چیهستی اتفاق و توافق، مباحث مختلفی صورت گرفته است؛ از جمله اینکه آیا مقصود از اتفاق و توافق، محدود به دانشمندان است یا اتفاق و توافق عموم افراد را شامل می‌شود؟ یا اینکه اساساً مقصود اتفاق، دانشمندان و عموم مردم، هر دو مراد است؟ افزون بر این، بحث مهم دیگری که در این باره مطرح می‌گردد، این است که آیا معرفت‌های حاصل از این راه معتبر است؟ باتوجه به اینکه روش توافق و اتفاق زمینه‌ساز دستیابی به احکام الهی است، دقت در بررسی ابعاد مختلف آن به فهم بهتر معرفت دینی کمک خواهد کرد. افزون بر اینکه بر غنای مباحث فلسفه علم اصول نیز خواهد افزود. یکی از ابعاد مسئله اتفاق و توافق، ارزش و اعتبار معرفت حاصل از این روش است. در این مسئله پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان ارزش و اعتبار معرفتی این دسته از معرفت‌ها را تبیین کرد؟ به عبارت دیگر چه تضمینی وجود دارد که این دسته از معرفت‌ها اگرچه نه یقینی، دست کم به صورت ظنی، با واقعیت مطابقت داشته باشند؟ باتوجه به اینکه محقق اصفهانی با استفاده از روش عقلی، مسئله توافق و اتفاق را بررسی کرده است، مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر محقق اصفهانی چه تبیینی از ارزش معرفت‌شناختی اتفاق و توافق می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه فهم، اتفاق، محقق اصفهانی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱۹۸. بررسی ارزش معرفت‌شناختی «رجوع به خبره» از منظر شهید صدر

سؤال: از منظر شهید صدر چه تبیینی از ارزش معرفت‌شناختی رجوع به خبره می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث مرتبط به فلسفه علم اصول، بررسی اعتبار و ارزش روش‌های استخراج معرفت دینی است. از میان این روش‌ها می‌توان به روش‌هایی مانند بناء عقلا، اتفاق، و نیز مراجعه به خبره اشاره کرد. در این میان، رجوع به خبره بسیار پرکاربرد است. مقصود از خبره، متخصص و صاحب‌نظر در هر فن و دانشی است و مراد از مراجعه به خبره آن است که در هر حوزه‌ای، سخن متخصص آن حوزه دارای حجیت و اعتبار است و می‌توان اظهارنظر او را مبنای معرفت و عمل قرار داد. اما روشن است هنگامی که سخن از حجیت در قلمرو علم اصول مطرح می‌گردد، مراد مُعَدِّر و مُنَجِّز بودن است. باین حال برای آنکه از ارزش و اعتبار روش مراجعه به خبره بیش‌ازپیش آشکار گردد، مناسب است به بررسی ابعاد معرفت‌شناختی



آن پرداخت. یکی از ابعاد معرفت‌شناختی مراجعه به خبره بررسی ارزش و اعتبار معرفت‌شناختی آن است. از آنجاکه یکی از صاحب‌نظران در این عرصه علمی، شهید سید محمدباقر صدر است مناسب است با تمرکز بر آرای ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر شهید صدر چه تبیینی از ارزش معرفت‌شناختی رجوع به خبره می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اصول، فلسفه فهم، متخصص، خبره، شهید صدر.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۶. فلسفه عرفان و فلسفه علم عرفان

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه عرفان است که در کنار فلسفه علم عرفان، به بررسی مبادی و مبانی علم عرفان نظری می‌پردازد. در ادامه با برخی از مسائل فلسفه عرفان و فلسفه علم عرفان آشنا می‌شویم.

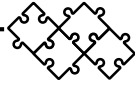
۱۹۹. بررسی معیار ارزیابی کشف و شهود عرفانی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان، چه معیاری برای ارزیابی کشف‌وشهود عرفانی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم عرفان نظری است. در این شاخه عقلی، به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم عرفان نظری پرداخته می‌شود. از جمله مسائل مهم در این قلمرو، بررسی اعتبار کشف‌وشهود عرفانی است. مسئله این است که آیا آنچه تحت‌عنوان کشف‌وشهود خوانده می‌شود، واجد ارزش معرفتی است و می‌توان به آن اعتماد کرد یا آنکه کشف‌وشهودهای ادعایی، صرف انعکاس محتویات ذهن سالک است و هیچ‌گونه ارتباطی با واقعیت ندارد؟ روشن است که اگر در مباحث عرفان نظری به این مسئله مهم توجه نشود، هر کسی می‌تواند در هر بحثی ادعای کشف‌وشهود کند و از مخاطب بخواهد آن‌ها را بپذیرد. این بحث از زمان علامه طباطبائی مورد توجه جدی قرار گرفته است و شاگردان ایشان نیز این بحث را دنبال کرده‌اند. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه معیاری برای ارزیابی کشف‌وشهود عرفانی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، شهود، اعتبار، مشاهدات، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.



۲۰۰. بررسی رابطه علم عرفان نظری و علم عرفان عملی از منظر عرفای معاصر (امام خمینی، علامه طباطبائی، آیت‌الله جوادی، علامه مصباح و آیت‌الله حسن‌زاده)

سؤال: از منظر عرفای معاصر، رابطه علم عرفان نظری و علم عرفان عملی چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه عرفان نظری بررسی رابطه این علم با سایر علوم است. از جمله علمی که ارتباط وثیقی با عرفان نظری دارد، عرفان عملی است. بسیاری از یافته‌های عرفان نظری برخاسته از مشاهداتی است که سالک در عرفان عملی بدان نائل می‌گردد. از سوی دیگر معیارهایی که در عرفان نظری مطرح می‌شود، می‌تواند به سالک در تشخیص مسیر صحیح سلوک کمک کند. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر رابطه میان عرفان نظری و عرفان عملی به واکاوی رابطه این دو شاخه علمی پرداخت. برخی عرفای معاصر با تمرکز بر این بحث به برخی از نکات درباره رابطه این دو شاخه علمی پرداخته‌اند. روشن است که این بحث و بررسی به معیارهایی نیازمند است که در فلسفه مضاف بدان توجه شده است. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر عرفای معاصر، رابطه علم عرفان نظری و علم عرفان عملی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، عرفان عملی، امام خمینی، علامه طباطبائی، آیت‌الله جوادی، علامه مصباح و آیت‌الله حسن‌زاده.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۲۰۱. بررسی مبادی تصویری علم عرفان از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از مبادی تصویری علم عرفان می‌توان به دست داد؟

تبیین مسئله: فلسفه عرفان، دانشی است که به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم عرفان می‌پردازد. باتوجه به اینکه ایضاً مفهومی بسیاری از مفاهیم به‌کاررفته در عرفان می‌تواند به حل ابهامات بسیاری کمک کند، مناسب است با تمرکز بر این بحث، به واکاوی مبادی تصویری علم عرفان، مانند حقیقت وجود، وجود لایشرط مقسمی، وجود لایشرط قسمی و سایر مفاهیم دیگر پرداخته شود. روشن است که بسیاری از سوءبرداشت‌ها در عرفان نظری برخاسته از عدم توجه دقیق به مفاهیم به‌کاررفته در این علم است؛ چه اینکه می‌توان گفت برخی از استدلال‌های مطرح در عرفان نظری، به دلیل اشتباهاتی که در مبادی تصویری علم عرفان صورت گرفته، فاقد اعتبار است. استاد جوادی آملی در آثار عرفانی خود

به‌دقت به ایضاح مفاهیم اساسی به‌کاررفته در علم عرفان پرداخته است. ازاین‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از مبادی تصویری فلسفه علم عرفان می‌توان به دست داد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، مبادی عرفان، عرفان نظری، جوادی آملی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۲۵.

۲۰۲. بررسی مبادی تصدیقی علم عرفان از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از مبادی تصدیقی فلسفه علم عرفان می‌توان به دست داد؟
تبیین مسئله: فلسفه عرفان، دانشی است که به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم عرفان می‌پردازد. باتوجه‌به اینکه ایضاح مبادی تصدیقی به‌کاررفته در عرفان می‌تواند به حل ابهامات بسیاری کمک کند، مناسب است با تمرکز بر این بحث، به واکاوی مبادی تصدیقی علم عرفان، مانند اعتبار شهود، تحقق مطلق وجود و نفی کثرت وجود پرداخته شود. روشن است که بسیاری از سوءبرداشت‌ها در عرفان نظری برخاسته از عدم توجه دقیق به محتوای مبادی تصدیقی عرفان نظری به‌کاررفته در این علم است؛ چه اینکه می‌توان گفت برخی از استدلال‌های مطرح در عرفان نظری، به‌دلیل اشتباهاتی که در مبادی تصدیقی علم عرفان صورت گرفته، فاقد اعتبار است. استاد جوادی آملی در آثار عرفانی خود به‌دقت به تفکیک مبادی تصدیقی علم عرفان پرداخته است. ازاین‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از مبادی تصدیقی فلسفه علم عرفان می‌توان به دست داد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، مبادی عرفان، عرفان نظری، جوادی آملی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۲۰۳. بررسی تطبیقی جایگاه عقل در عرفان نظری و فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده

سؤال: در یک نگرش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان جایگاه عقل در عرفان نظری و جایگاه عقل در فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده می‌توان به دست داد؟
تبیین مسئله: فلسفه عرفان نظری از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی علم عرفان پرداخته می‌شود. ازجمله مبانی عرفان نظری، اعتبار و



ارزش عقل است. هرچند ظاهر برخی عبارات عرفان نفی اعتبار عقل است، اما مقصود از چنین عقلی، عقل ظنی است که در تقابل با شهود قرار گیرد. اما عقلی که در هماهنگی و سازگاری با شهود باشد، واجد اعتبار است و در عرفان نظری نیز استفاده می‌شود. اما لازم است به این نکته توجه داشت که میان کاربست عقل در عرفان نظری و کاربست آن در فلسفه تفاوت‌هایی وجود دارد. همین تفاوت باعث اختلاف‌نظرهایی میان عارفان و فیلسوفان شده است. از این رو توجه به دایره کاربست عقل در عرفان نظری و فلسفه به فهم محتوای این دو شاخه عقلی کمک خواهد کرد. باتوجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده در آثار خود به قلمرو کاربست عقل توجه کرده‌اند، مناسب است به بررسی این مسئله پرداخت که در یک نگرش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان جایگاه عقل در عرفان نظری و جایگاه عقل در فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده می‌توان به دست داد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، عقل، جوادی آملی، حسن‌زاده.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۲۰۴. بررسی تطبیقی غایت در عرفان نظری و فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده

سؤال: در یک نگرش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در عرفان نظری و غایت در فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم عرفان است. در این شاخه عقلی به واکاوی اصول، مبادی و مبانی علم عرفان پرداخته می‌شود. از مباحث جدی در عرفان نظری، مسئله غایت است. در عرفان، مسئله فنا همچون غایت عرفان مطرح می‌شود، اما اینکه آیا در عرفان نظری نیز - همچون عرفان عملی - غایت نهایی همچنان فناست، مباحثی مطرح است. از این مباحث که بگذریم، رابطه میان غایت فلسفه و غایت عرفان نظری نیز بحثی است که بررسی آن به تفاوت‌های میان این دو شاخه عقلی کمک خواهد کرد. باتوجه به اشرافی که آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده به این دو شاخه عقلی دارند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که در یک نگرش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در عرفان نظری و غایت در فلسفه از منظر ایشان می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، فنا، وحدت شخصی، جوادی آملی، حسن‌زاده.
قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳.

۲۰۵. بررسی تأثیر و تأثر عرفان نظری و فلسفه از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی رابطه میان علم عرفان نظری و علم فلسفه چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه عرفان از جمله فلسفه‌های مضاف است که با استفاده از روش عقلی به بررسی مبادی و مبانی علم عرفان می‌پردازد. از جمله مباحثی که در فلسفه عرفان مورد توجه قرار می‌گیرد، رابطه علم عرفان با سایر علوم عقلی است. یکی از مهم‌ترین علوم عقلی، فلسفه است. مقایسه میان علم عرفان نظری و علم فلسفه، افزون بر اینکه فهم ما را از هر کدام از آن‌ها تعمیق می‌بخشد، به تکمیل مباحث این دو شاخه عقلی نیز کمک خواهد کرد. علامه طباطبائی از متفکران معاصر است که به بررسی مسائل هر دو علم پرداخته است و در آثار او تأثیر و تأثر این دو علم بر یکدیگر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی رابطه میان علم عرفان نظری و علم فلسفه چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، فلسفه اسلامی، ترابط علوم، علامه طباطبائی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۲۰۶. بررسی رابطه علم عرفان نظری و عرفان عملی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از نظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، رابطه میان علم عرفان نظری و علم عرفانی عملی چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه عرفان از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی و واکاوی مبادی و مبانی علم عرفان می‌پردازد. از جمله مباحث مورد توجه در فلسفه عرفان عبارت است از رابطه عرفان نظری و عرفان عملی. از آغاز مباحث عرفانی، تا مدت‌ها عموم مباحث درباره عرفان عملی سامان گرفته بود، و رفته‌رفته به ابعاد علمی عرفان نیز توجه شد، تا اینکه با ظهور ابن‌عربی، مباحث عرفان نظری تحول چشم‌گیری یافت و از این دوره به بعد پرداختن به عرفان نظری بسیار مورد اهتمام قرار گرفت. باین‌حال عرفان عملی نیز مورد غفلت قرار نگرفت. نکته مهم این است که بسیاری از مباحث عرفان عملی در توسعه مباحث



عرفان نظری نقش دارد؛ چه اینکه یافته‌های عرفان نظری نیز در تعمیق عرفان عملی نقش دارد. باتوجه به اینکه علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، در شاخه عرفان نظری صاحب نظر هستند و ازسوی دیگر مراحل عرفان عملی را در نظر داشته‌اند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، رابطه میان علم عرفان نظری و علم عرفانی عملی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان عملی، ترابط علوم، فنا، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.
قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۲۰۷. بررسی بین‌الذّهانی بودن تجربه عرفانی از منظر عرفان اسلامی

سؤال: از نظر عرفان اسلامی بین‌الذّهانی بودن تجربه عرفانی چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه علم عرفان به بررسی مبادی و مبانی علم عرفان می‌پردازد. یکی از مباحث مهم در عرفان، مسئله بین‌الذّهانی بودن تجربه عرفانی است. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان به کشف و شهود عرفانی و آنچه را تجربه عرفانی شناخته می‌شود، ابعادی عمومی بخشید تا اعتباری بیابند که بتوان از آن‌ها در مباحث عرفان نظری استفاده کرد. به عبارت دیگر تجارب عرفانی، اموری شخصی هستند که تنها برای شخص تجربه‌کننده ارزش و اعتبار دارد درحالی که اگر بتوان برای آن اعتباری عمومی تبیین کرد، می‌توان از آن‌ها برای اثبات مدعیات عرفان نظری بهره گرفت. باتوجه به اینکه ابن عربی توجه خاصی به این بحث کرده است و شارحان او نیز به تفصیل به این مباحث پرداخته‌اند، مناسب است به بررسی این مسئله پرداخت که از نظر عرفان اسلامی بین‌الذّهانی بودن تجربه عرفانی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، تجربه عرفانی، معرفت‌شناسی، توجیه، عرفان اسلامی.
قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۲۰۸. بررسی تحولات علم عرفان نظری در جهان اسلام

سؤال: تحولات علم عرفان نظری در جهان اسلام چگونه قابل تبیین است؟
تبیین مسئله: فلسفه عرفان نظری، از جمله شاخه‌های مهم فلسفه مضاف است. در این

شاخه عقلی به بررسی ابعاد مختلف علم عرفان پرداخته می‌شود. همچنین در این شاخه علمی به واکاوی سیر تحولات علم عرفان نظری نیز توجه می‌شود. اینکه علم عرفان نظری چه نقاط عطفی را پشت‌سر گذاشته و ابتدا از چه نقطه‌ای آغاز شده و در سیر تحول خود کدام افول و اوج‌ها را از سر گذرانده و هم‌اکنون در چه وضعیتی است، از جمله مباحث فلسفه علم عرفان نظری است. باتوجه به اینکه تحولات علم عرفان نظری به‌دوراز تحولات اجتماعی و موضع‌گیری‌های حاکمان و سلاطین نبوده است، مناسب است با در نظر گرفتن تحولات اجتماعی به بررسی سیر تحولات علم عرفان پرداخت. از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که تحولات علم عرفان نظری در جهان اسلام چگونه قابل تبیین است؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، تحول عرفان، جهان اسلامی، عرفان نظری.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

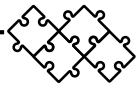
۲۰۹. بررسی انتقادی کثرت‌گرایی عرفان نظری از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی به کثرت‌گرایی عرفانی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه عرفان نظری از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های علم عرفان می‌پردازد. یکی از مبانی عرفان نظری، وحدت وجود است که بسیاری از عارفان بر آن اتفاق نظر دارند. باین‌حال، شرح و تفسیر وحدت وجود دستخوش تفسیرهای مختلفی شده و رفته‌رفته به شکل‌گیری مکاتب مختلف عرفانی انجامیده است. باوجود این، بسیاری از عارفان بر این باورند که واقعیت، یک حقیقت بیشتر نیست و از میان تفسیرهای مختلف، تنها یک تفسیر درست است و سایر تفاسیر به تجدیدنظر و اصلاح نیازمندند. در دهه‌های اخیر، برخی گرایش‌های عرفانی مطرح شده که به‌رغم این نگرش، از کثرت‌گرایی عرفانی دفاع می‌کند و بر این باورند که می‌توان مکاتب مختلف عرفانی را در کنار هم معتبر دانست. باتوجه به اینکه ملاصدرا از جمله فیلسوفان برجسته‌ای است که تلاش بسیاری در حل معضلات علمی درباره عرفان و فلسفه انجام داده است، مناسب است با تمرکز بر آرای ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی به کثرت‌گرایی عرفانی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، کثرت‌گرایی عرفانی، عرفان نظری، هستی‌شناسی، حکمت صدرایی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴/۲۵.



۲۱۰. بررسی معیار اعتبار معرفت عرفانی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه تبیینی از معیار اعتبار معرفت عرفانی می‌توان مطرح کرد

تبیین مسئله: فلسفه عرفان از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی اصول و مبانی عرفان نظری می‌پردازد. گزاره‌های عرفانی نیز موضوعی برای مباحث فلسفه عرفان است. در این بحث به واکاوی ارزش و اعتبار معرفتی گزاره‌های عرفانی پرداخته می‌شود. اینکه معیار صدق گزاره‌های عرفانی چیست، از جمله مهم‌ترین مباحث فلسفه عرفان است. برخی از نویسندگان بر این باورند که گزاره‌های عرفانی، از سنخ وجدانیات است که انعکاس یافته‌های درونی است. برخی دیگر بر این باورند که گزاره‌های عرفانی، کشف واقعیت عینی است؛ البته واقعیاتی که برای عموم افراد قابل درک و فهم نیست. به هر حال، آنچه روشن است این واقعیت است که لازم است معیاری برای اعتبار معرفت‌های عرفانی به دست داد. باتوجه به اهمیتی که در حکمت صدرایی به مباحث معرفت‌شناسی داده می‌شود، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه تبیینی از معیار اعتبار معرفت عرفانی می‌توان مطرح کرد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، معرفت عرفانی، عرفان نظری، معرفت‌شناسی، حکمت صدرایی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴/۲۵.

۲۱۱. بررسی وحدت‌گرایی جهله صوفیه در باب وجود از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی به وحدت‌گرایی جهله صوفیه در باب وجود وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه عرفان از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبانی و مبادی عرفان می‌پردازد. همچنین در این شاخه فلسفی ابعاد مختلف مکاتب عرفانی بررسی می‌شود. یکی از مکاتبی که در قلمرو عرفان نظری مطرح شده است، وحدت‌گرایی افراطی در باب وحدت شخصی وجود است. براساس این نگرش، هیچ‌گونه کثرتی، حتی کثرت در مظاهر و تجلیات، به رسمیت شناخته نمی‌شود و نظام هستی، جز یک وجود شخصی واحد نیست. براساس این دیدگاه هر آنچه کثرت معرفی می‌گردد، چیزی جز اوهام و خیالات افراد نیست. باتوجه به اینکه این نگرش از منظر هستی‌شناسی عرفانی با چالش‌هایی روبه‌رو است، مناسب است مورد ارزیابی انتقادی قرار گیرد و کاستی‌های آن نمایان گردد. به عبارت دیگر، می‌توان با تمرکز بر ابعاد مختلف نفی کثرت، آن را از منظر هستی‌شناختی مورد بررسی قرار داد و از این‌رو به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی به نفی کثرت در قلمرو عرفانی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، وحدت و کثرت، عرفان نظری، وحدت وجود، جهله صوفیه، حکمت صدرایی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۳.

۲۱۲. بررسی معیارهای رفع تعارض میان کشف‌های عرفانی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه معیارهایی برای حل تعارض میان کشف‌های عرفانی می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه عرفان است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی علم عرفان پرداخته می‌شود. باتوجه به اینکه در قلمرو عرفان، یکی از منابع معرفتی، کشف و شهود است، در مواردی مشاهده می‌شود که میان دعاوی کشف و شهود اختلافات واضحی وجود دارد. از آنجاکه کشف و شهود نقش مهمی در حل مسائل عرفانی دارد، در صورتی که میان موارد کشف و شهود تعارضی واقع شود، این تعارض می‌تواند به بی‌اعتباری هر دو طرف تعارض یا دست‌کم یکی از طرفین بینجامد. از این‌رو تلاش برای یافتن راه‌حلی برای این تعارض بسیار اهمیت دارد. بنابراین می‌توان گفت پذیرش دعاوی کشف و شهود منوط به حل این دست تعارض‌هاست. باتوجه به اینکه علامه طباطبائی و شاگردان ایشان از جمله حکمای هستند که به مسئله کشف و شهود و اعتبار آن توجه داشته‌اند، مناسب به نظر می‌رسد که با تکیه بر دیدگاه ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه معیارهایی برای حل تعارض میان کشف‌های عرفانی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، کشف عرفانی، توجیه، عرفانی نظری، تعارض شهودها، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۲۱۳. بررسی معیارهای مراحل سه‌گانه گزارش، ترجمه و تفسیر در معنابخشی به مشاهدات عرفانی از

منظر صدر المتألهین و ابن عربی

سؤال: از منظر ملاصدرا و ابن عربی معیارهای مراحل سه‌گانه گزارش، ترجمه، و تفسیر مشاهدات عرفانی کدام است؟

تبیین مسئله: فلسفه عرفان که یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است به واکاوی و بررسی



مبانی و مبادی عرفان نظری می‌پردازد. باتوجه به اینکه کشف و شهود عرفانی از جمله منابع مهم در عرفان نظری است، لازم است به تبیین ارزش و اعتبار آن‌ها اهتمام شود. مراحل مختلف کاربست کشف و شهود عرفانی در مباحث عرفانی، عبارت است از گزارش، ترجمه و تفسیر. ملاصدرا با عطف توجه به ابعاد مختلف کشف و شهود به بررسی این منبع مهم عرفان نظری پرداخته است. از آنجاکه هر کدام از این مراحل در معرض چالش‌های معرفتی است، مناسب است با تمرکز بر آرای ملاصدرا و ابن عربی به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر ملاصدرا و ابن عربی معیارهای مراحل سه‌گانه گزارش، ترجمه، و تفسیر مشاهدات عرفانی کدام است؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، کشف، شهود، تفسیر، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۲۱۴. بررسی تطبیقی تجربه سالکانه و تجربه عارفانه از منظر استاد یزدان‌پناه

سؤال: در یک نگرش مقایسه‌ای از منظر استاد یزدان‌پناه چه وجوه شباهت و تفاوتی میان تجربه سالکانه و تجربه عارفانه وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه عرفان از جمله یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبانی و مبادی علم عرفان می‌پردازد. از مباحث مهم در فلسفه عرفان، واکاوی ارزش و اعتبار کشف و شهود است که با عنوان «تجربه عرفانی» شناخته می‌شود. بررسی اعتبار کشف و شهود به طرح طبقه‌بندی‌های مختلف از کشف و شهود انجامیده است که از میان آن‌ها می‌توان به کشف صوری و کشف مادی اشاره کرد. همچنین برخی از معاصران، ضمن تمرکز بر گونه‌شناسی کشف و شهود یا همان تجارب عرفا، آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: تجارب سالکانه و تجارب عارفانه. باتوجه به این تمایز، ادعا شده است که احکام این دو دسته باهم تفاوت دارد. از این رو مناسب است با تمرکز بر این دیدگاه به بررسی این پرسش بپردازیم که در یک نگرش مقایسه‌ای از منظر استاد یزدان‌پناه چه وجوه شباهت و تفاوتی میان تجربه سالکانه و تجربه عارفانه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، تجربه سالکانه، تجربه عارفانه، عرفان نظری، یزدان‌پناه.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.



۲۱۵. بررسی تطبیقی زبان شعر و زبان فلسفه در ترجمه مشاهدات عرفانی از منظر حکمای اسلامی معاصر

سؤال: از منظر حکمای اسلامی معاصر کاربریست زبان شعر و زبان فلسفه در ترجمه مشاهدات عرفانی چه وجوه اشتراک و تفاوتی دارند؟

تبیین مسئله: فلسفه عرفان از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی و مبانی علم عرفان می‌پردازد. همچنین در این شاخه عقلی ابعاد مختلف کشف‌وشهود عرفانی بررسی می‌شود. درباره کشف‌وشهود عرفانی، دست‌کم سه مرحله قابل شناسایی است: مرحله درک و گزارش، مرحله ترجمه و مرحله تفسیر. در مرحله ترجمه کشف‌وشهود عرفانی، شیوه‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است که از آن میان می‌توان به زبان شعر و زبان فلسفه اشاره کرد. هر کدام از این شیوه‌ها دارای قوت‌ها و ضعف‌هایی است. بنابراین می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر حکمای اسلامی معاصر کاربریست زبان شعر و زبان فلسفه در ترجمه مشاهدات عرفانی چه وجوه اشتراک و تفاوتی دارند؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، مشاهده عرفانی، شعر، عرفان نظری، تفسیر مکاشفه، فلسفه اسلامی. قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۲۱۶. بررسی تحلیلی عوامل تحول مباحث عرفان نظری

سؤال: براساس یک پژوهش تحلیلی چه عواملی در تحول مباحث عرفان نظری مؤثر بوده است؟ تبیین مسئله: در هر علمی، نگرش تاریخی به موضوعات و مسائل آن علم می‌تواند به فهم و درک بهتر مسائل آن علم کمک کند. علم عرفان نظری نیز از این قاعده مستثنا نیست. یکی از مباحث فلسفه علم عرفان، بررسی تاریخ مباحث عرفانی و مطالعه سیر تحولات مباحث عرفانی است. از جمله مسائل مرتبط به تحولات مسائل عرفانی، واکاوی عوامل مؤثر بر این تحولات است. در متون و منابع فلسفه علم تاریخ عرفان، به برخی از عوامل، مانند ظهور ابن عربی، درگیری نظری علم عرفان با علوم دیگر از جمله فلسفه و پیوند عرفان و متون دینی، پرداخته می‌شود. باتوجه به اینکه پرداختن به این دست مسائل به فهم و درک دقیق‌تر مباحث عرفان نظری کمک می‌کند، مناسب است به تحقیق و پژوهش در این باره پرداخت. بنابراین پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که براساس یک پژوهش تحلیلی، چه عواملی در تحول تاریخی مباحث عرفان نظری مؤثر بوده است؟



کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، تحول عرفان، ابن عربی.
 قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳.

۲۱۷. بررسی تأثیرات فلسفه اسلامی بر عرفان نظری از منظر استاد یزدان‌پناه

سؤال: از نظر استاد یزدان‌پناه فلسفه چه تأثیری بر عرفان نظری داشته است؟
 تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه علم عرفان، واکاوی و بررسی رابطه علم عرفان با سایر علوم است. از جمله علوم مرتبط با عرفان، فلسفه است. روشن است که در طول تاریخ مباحثات و مجادلات بسیاری میان حکیمان و عارفان در گرفته است و همین مجادلات در مواردی موجب تجدیدنظر در مباحث فلسفی یا مباحث عرفانی شده است. بنابراین می‌توان گفت برخی از پیشرفت‌های علم عرفان ناشی از تعاملاتی که با فلسفه داشته است. از این رو دقت در مباحث و مجادلاتی که میان عارفان و فیلسوفان به وجود آمده است می‌تواند به درک بهتر پیشرفت‌های علم عرفان کمک کند. برای این کار لازم است بدون جهت‌گیری خاصی در دفاع از فلسفه یا دفاع از عرفان، با نگاهی بی‌طرفانه به بررسی این مسئله بپردازیم. باتوجه به اینکه استاد یزدان‌پناه از جمله شارحان مباحث عرفانی و فلسفی معاصر و نیز از صاحب‌نظران در این قلمرو علمی است، مناسب است با تمرکز بر نگرش ایشان به این مسئله به بررسی این موضوع بپردازیم که از نظر استاد یزدان‌پناه فلسفه اسلامی چه تأثیری بر عرفان نظری داشته است؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، فلسفه، عرفان نظری، ترابط علوم، یزدان‌پناه.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۲۱۸. بررسی نقش حکمت اشراق در تقریب مباحث عرفانی با فلسفه

سؤال: از منظر فلاسفه، حکمت اشراق چه نقشی در تقریب مباحث عرفانی با فلسفه دارد؟
 تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه علم عرفان، واکاوی و بررسی رابطه علم عرفان با سایر علوم است. از جمله علوم مرتبط با عرفان، فلسفه است. هنگامی که به سیر تحول علم عرفان نظری و علم فلسفه می‌نگریم، درمی‌یابیم که این دو شاخه عقلی در بررسی مسائل خود روز به روز به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند. حکمت متعالیه، که امروزه مکتب غالب در فضای فلسفی است، در بسیاری از مسائل به مباحث عرفانی قرابت دارد. اما این قرابت بدون تأمل

و دقت‌های علمی نیست. در طول تاریخ فلسفه و عرفان، تلاش‌هایی برای مقایسه و سنجش میان مباحث عرفانی و فلسفی صورت گرفته است که ره‌آورد آن‌ها نزدیکی علم فلسفه و علم عرفان بوده است. یکی از رویکردهایی که در ایجاد این تقرب و نزدیکی نقش بسزایی داشته است، مکتب حکمت اشراق است. شیخ شهاب‌الدین سهروردی با تأملات خویش تلاش کرد مسائل فلسفی را بر پایه روش شهودی بررسی کند، که باعث شد در مطالعات فلسفی، در بسیاری از مسائل به یافته‌های علم عرفان نزدیک گردد. باتوجه به نقش حکمت اشراق در این زمینه، مناسب است با تمرکز بر نگرش ایشان به این مسئله به بررسی این موضوع بپردازیم که از منظر فلسفه اسلامی، حکمت اشراق چه نقشی در تقریب مباحث عرفانی با فلسفه دارد؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، حکمت اشراق، عرفان نظری، ترابط علوم.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۲۱۹. بررسی انتقادی تأثیر زبان در تجربه‌های عرفانی از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به ادعای تأثیر زبان در تجربه‌های عرفانی وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه عرفان نظری، بررسی و واکاوی ارزش و اعتبار تجربه‌های عرفانی است. بسیاری از مسائل و مباحث عرفانی مبتنی بر تجاربی است که عمدتاً از سنخ کشف، شهود، و مکاشفه است. درباره کشف و شهود چالش‌هایی مطرح شده است که در متون و منابع غربی به تفصیل به آن پرداخته‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مسئله زبان اشاره کرد. برخی از نویسندگان غربی بر این باورند که اساساً زبان واسطه‌ای است میان عارف و بررسی تجارب او و باتوجه به محدودیت‌هایی که زبان دارد، انتقال محتوای تجارب عرفانی به درستی انجام نمی‌گردد. همین امر زمینه را برای بی‌اعتباری تجارب عرفانی فراهم می‌سازد. باتوجه به اهمیت و جایگاه تجارب عرفانی در مسائل عرفان نظری مادامی که به این چالش پاسخ داده نشود، اعتبار مباحث عرفانی زیر سؤال خواهد بود. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر فلاسفه اسلامی چه انتقادهایی به ادعای تأثیر زبان در تجربه‌های عرفانی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، تجربه عرفانی، زبان عرفان، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.



۲۲۰. بررسی انتقادی تأثیر فرهنگ در تجربه‌های عرفانی از نظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به ادعای تأثیر فرهنگ در تجربه‌های عرفانی وارد است؟ تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه عرفان نظری، بررسی و واکاوی ارزش و اعتبار تجربه‌های عرفانی است. بسیاری از مسائل و مباحث عرفانی مبتنی بر تجاربی است که عمدتاً از سنخ کشف، شهود و مکاشفه است. درباره کشف و شهود چالش‌هایی مطرح شده است که در متون و منابع غربی به تفصیل به آن پرداخته‌اند. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مسئله فرهنگ اشاره کرد. برخی از نویسندگان غربی بر این باورند که اساساً فرهنگ بر همه تجارب عرفانی سایه افکنده است و هرگونه ادعای تجربه عرفانی آمیخته با محتوای فرهنگ شخص عارف است. بنابراین نمی‌توان از چیزی به نام تجربه عرفانی ناب و خالص سخن گفت. در این صورت، پرواضح است که ارزش و اعتبار تجارب عرفانی نیز دست‌خوش چالش خواهد شد؛ زیرا نتیجه چنین خواهد شد که انتقال محتوای تجارب عرفانی به درستی انجام نمی‌گردد. همین امر زمینه را برای بی‌اعتباری تجارب عرفانی فراهم می‌سازد. باتوجه به اهمیت و جایگاه تجارب عرفانی در مسائل عرفان نظری مادامی که به این چالش پاسخ داده نشود، اعتبار مباحث عرفانی زیر سؤال خواهد بود. از این رو مناسب است با تمرکز بر اندیشه‌های فیلسوفان مسلمان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی به ادعای تأثیر فرهنگ در تجربه‌های عرفانی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه عرفان، عرفان نظری، فرهنگ، تجربه عرفانی، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۱،۲،۷. فلسفه دین

یکی از حوزه‌های فلسفه مضاف، فلسفه دین است. در فلسفه دین به بررسی مبادی و مبانی دین پرداخته می‌شود. در ادامه برخی از موضوعات و مسائل مطرح در این حوزه فلسفی را از نظر می‌گذرانیم.

۲۲۱. بررسی «پیش‌فرض فروگاهش‌گرایانه فیزیکالیستی» در الحاد جدید براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر پیش‌فرض فروگاهش‌گرایانه فیزیکالیستی الحاد مدرن وارد است؟

تبیین مسئله: امروزه بخشی از چالش‌های باورهای دینی از ناحیه کسانی مطرح می‌شود



که از «الحاد مدرن» دفاع می‌کنند. این دسته از نویسندگان، با مسلّم و مفروض گرفتن برخی فرضیه‌های علوم طبیعی به نقد و ارزیابی باورهای دینی می‌پردازند. بخش مهمی از فرضیه‌های علوم طبیعی برخاسته از پیش‌فرض‌های نادرستی است که اجازه فهم دقیق و درست جهان هستی را از دانشمندان علوم طبیعی ربوده است. برای نمونه در این دسته از دانش‌ها، جهان هستی منحصر در یک جهان فیزیکی و مادی قلمداد می‌گردد و هرگونه ابعاد ماورایی جهان نفی می‌شود درحالی‌که براساس مبانی حکمت متعالیه نظام هستی مشتمل بر مراتب وجود است که از عالم مجردات تا عالم ماده را شامل می‌گردد. حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر پیش‌فرض فروکاهش‌گرایانه فیزیکالیستی الحاد مدرن وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه دین، الحاد مدرن، کلام جدید، فیزیکالیسم، فروکاهش‌گرایی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۲۲۲. بررسی «پیش‌فرض انحصارگرایانه روش‌شناختی» در الحاد جدید براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر پیش‌فرض انحصارگرایانه روش‌شناختی الحاد مدرن وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از اضلاع مهم هر علمی، روش آن علم است. در علوم مختلف از روش‌های گوناگون برای بررسی و حل مسائل استفاده می‌شود. برخی از مهم‌ترین روش‌های حل مسائل عبارت است از روش عقلی، روش شهودی و روش تجربی. برای نمونه در فلسفه دین، برای بررسی این مسئله که «آیا خداوند وجود دارد؟» می‌توان از روش شهودی استفاده کرد و نیز می‌توان از روش عقلی بهره گرفت. اما در این میان، در برخی از دانش‌ها بدون دلیل موجهی، انحصارگرایی روش‌شناختی دنبال می‌شود که براساس آن با تمرکز بر یک روش، ارزش و اعتبار سایر روش‌ها در حل و بررسی مسائل آن علم نفی می‌شود. در الحاد مدرن با تمرکز بر روش تجربی، ارزش و اعتبار روش عقلی در حل و بررسی مسائل نفی می‌گردد. باتوجه‌به اینکه این انحصارگرایی روش‌شناختی یک پیش‌فرض در الحاد مدرن معرفی می‌شود، این پرسش مطرح می‌گردد که براساس مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر پیش‌فرض انحصارگرایانه روش‌شناختی الحاد مدرن وارد است؟



کلیدواژه: فلسفه دین، الحاد مدرن، کلام جدید، انحصارگرایی روش شناختی، حکمت متعالیه.
قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۲۲۳. بررسی توجیه معرفت دینی از منظر کانت براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر توجیه معرفت دینی از منظر کانت وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه دین از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی و تحلیل آموزه‌های دینی براساس روش تحلیلی - عقلی می‌پردازد. از مباحث مهم در فلسفه دین، مسئله توجیه معرفت دینی است. باتوجه به اینکه از زمان کانت به این سو ارزش معرفت‌های حاصل از عقل نظری زیر سؤال رفت، این مسئله به صورت جدی مطرح شد که چه توجیهی برای معرفت‌های دینی می‌توان ارائه کرد. کانت خود درصدد برآمد بسیاری از معرفت‌های دینی را براساس عقل عملی توجیه کند. اما اعتبار عقل عملی به‌ویژه در قلمرو هست و نیست‌ها با اشکالاتی مواجه است. ازجمله این اشکال‌ها آن است که چگونه می‌توان میان بایدها و نبایدها و هست و نیست‌ها رابطه برقرار ساخت. به‌هرحال باتوجه به اینکه کانت از مدافعان برخی از آموزه‌های دینی است، این پرسش مطرح می‌شود که از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر توجیه معرفت دینی از منظر کانت وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه دین، معرفت دینی، معرفت‌شناسی، کانت، حکمت متعالیه.
قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۲۲۴. بررسی عقلی مسئله ذبح فرزند ابراهیم از منظر الهیات اسلامی و الهیات مسیحی

سؤال: در یک بررسی مقایسه‌ای ذبح فرزند ابراهیم از منظر الهیات اسلامی و الهیات مسیحی چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه دین از شاخه‌های مهم فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی اصول و آموزه‌های دینی براساس روش عقلی و تحلیلی پرداخته می‌شود. ازجمله آموزه‌هایی که در ادیان ابراهیمی مورد توجه قرار گرفته است، مسئله ذبح فرزند ابراهیم است. برخی از متفکران درصدد تبیین این آموزه براساس تمایز میان اخلاق و دین برآمده‌اند درحالی که برخی دیگر ضمن تأکید بر جدایی‌ناپذیری دین از اخلاق، تلاش کرده‌اند، دستور به ذبح فرزند را دستوری امتحانی ازسوی خداوند تحلیل کنند. باتوجه به چالشی که این

مسئله برای الهیات اسلامی و الهیات مسیحی به وجود آورده است، مناسب است به بررسی این مسئله پردازیم که در یک بررسی مقایسه‌ای ذبح فرزند ابراهیم از منظر الهیات اسلامی و الهیات مسیحی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه دین، الهیات اسلامی، کلام جدید، الهیات مسیحی، ذبح اسماعیل، ذبح اسحاق.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۲۲۵. بررسی نظریه تغییر در خدا از منظر حکمت متعالیه

سؤال: نظریه تغییر در خدا از منظر حکمت متعالیه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه دین، از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی تحلیلی و عقلی آموزه‌های دینی می‌پردازد. برخی از الهی‌دانان در مواجهه با چالش‌هایی که درباره آموزه‌های دینی مطرح شده است، تلاش کرده‌اند به ارائه نظریه‌های جدید اقدام کنند. یکی از این نظریه‌ها دیدگاهی است که ضمن رد ثابت بودن خداوند، خداوند را امری تغییرپذیر تفسیر می‌کند. مدافعان این نظریه امید دارند با تجویز تغییر در خدا بر بسیاری از چالش‌های الهیاتی از جمله چالش ربط ثابت به متغیر غلبه کنند. روشن است که هرگونه تغییر در خداوند با واجب‌الوجود بودن خداوند ناسازگار است. باتوجه به اینکه در حکمت متعالیه خداوند واجب‌الوجود شمرده می‌شود، لازم است به بررسی این مسئله پردازیم که نظریه تغییر در خدا از منظر حکمت متعالیه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

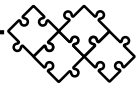
کلیدواژه: فلسفه دین، کلام جدید، تغییر در خدا، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۲۲۶. بررسی دلالت‌های اعتبارات طولی ماهیت در حل مسائل الهیاتی از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی دلالت‌های اعتبارات طولی ماهیت چه نقشی در حل مسائل الهیاتی دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث اصلی فلسفه، بررسی چیستی ماهیت و اعتبارات آن است. درست است که براساس اصالت وجود، وجود به ماهیت تقدم پیدا می‌کند، اما این بدان معنا نیست که ماهیت هیچ‌گونه حظی از وجود نداشته باشد و در حل مسائل فلسفی از حیث انتفاع خارج گردد. چه اینکه با تمرکز بر ماهیت امکانی و توجه به اعتبارات مختلف آن می‌توان راه‌حل‌های دقیقی برای برخی مسائل فلسفی ارائه کرد. از جمله اعتبارات ماهیت،



تقسیم ماهیت به لابلشروط، به شرط شیء، و به شرط لاسط. اما در کنار این اعتبار رایج، اعتبارات و تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز از ماهیت ارائه شده است که از جمله آن می‌توان به اعتبارات طولی ماهیت اشاره کرد. مقصود از اعتبارات طولی ماهیت، تمایز نهادن میان مراتب تقرر، امکان، احتیاج، ایجاب، وجوب و وجود است. این اعتبارات، جملگی ساخته و پرداخته تحلیل و انتزاع ذهن است، اما نه به این معنا که عاری از هرگونه حقیقتی باشد. براساس این اعتبارات می‌توان به تجزیه برخی از مسائل الهیاتی از جمله نحوه هستی‌بخشی خداوند به ممکنات پرداخت و برخی از مسائل بغرنج فلسفی را حل کرد. از این رو می‌توان پرسش تحقیق را این گونه صورت‌بندی کرد که از منظر فلسفه اسلامی دلالت‌های اعتبارات طولی ماهیت چه نقشی در حل مسائل الهیاتی دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، اثبات واجب، ماهیت، اعتبارات ماهیت، ذات، فلسفه اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۲۲۷. بررسی تطبیقی برهان فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی و برهان اخلاقی کانت درباره وجود خدا

سؤال: چه وجوه شباهت و تفاوتی میان برهان فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی و برهان اخلاقی درباره وجود خداوند می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث اصلی فلسفه، بررسی وجود خداوند است. بسیاری از فیلسوفان مسلمان با ارائه برهان‌های بدیعی بر اثبات خدا همت گماشته‌اند. برهان صدیقین علامه طباطبائی و برهان فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی از جمله نوآوری‌ها در این زمینه است. در برهان فطرت با تکیه بر فطری بودن گرایش به وجود نامتناهی، تحقق این وجود در عالم واقع نتیجه‌گیری می‌شود. در فلسفه غرب نیز برخی از فیلسوفان به ارائه تبیینی از وجود خداوند پرداخته‌اند که نسبت به مباحث دیگر متفاوت است. برای مثال، کانت با نقد توانایی عقل نظری در اثبات خداوند، تلاش می‌کند از راه الزام اخلاقی به تبیین وجود خداوند بپردازد. با توجه به اینکه هم در برهان فطرت و هم در برهان اخلاقی کانت، بر ابعاد درونی انسان تمرکز شده است، مناسب است به بررسی وجوه شباهت و تفاوت این دو برهان پرداخت. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که چه وجوه شباهت و تفاوتی میان برهان فطرت آیت‌الله شاه‌آبادی و برهان اخلاقی کانت درباره وجود خداوند می‌توان یافت؟



کلیدواژه: هستی‌شناسی، اثبات واجب، براهین اثبات خدا، برهان فطرت، برهان اخلاقی، شاه‌آبادی، کانت.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۴/۲۵.

۲۲۸. بررسی انتقادی انگاره «معرفت‌ناپذیری» خداوند از منظر حکمت متعالیه

سؤال: از منظر حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر انگاره «معرفت‌ناپذیری» خداوند وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه دین یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبانی و آموزه‌های دین براساس روش تحلیلی - عقلی پرداخته می‌شود. برخی از الهی‌دانان که در مواجهه با اشکالات دشوار مخالفان دین، به دفاع از آموزه‌های دینی پرداخته‌اند و برای در امان ماندن از بسیاری از اشکالات مسئله «معرفت‌ناپذیری» خداوند را مطرح کرده‌اند. روشن است که معرفت‌ناپذیری خداوند، تاب تفسیرهای مختلفی دارد؛ براساس برخی از تفاسیر، این مطلب نکته دقیق و عمیقی است؛ چه اینکه هیچ‌گاه خداوند متعلق علم حصولی خداوند قرار نخواهد گرفت و از این طریق معرفتی به ذات خداوند حاصل نخواهد شد. اما گاه تفسیر اشتباهی از این مطلب مطرح می‌شود که زمینه انسداد معرفت به خداوند است. باتوجه به ابهام این مطلب مناسب است با تکیه بر حکمت متعالیه به نقد و بررسی این مسئله پرداخت و این سؤال را مطرح کرد که از منظر حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر انگاره «معرفت‌ناپذیری» خداوند وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه دین، معرفت به خدا، کلام جدید، معرفت‌ناپذیری، حکمت متعالیه.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴/۲۵.

۲۲۹. بررسی گونه‌شناختی تئودیه‌ها در الهیات مسیحی و الهیات اسلامی در پاسخ به مسئله شر

سؤال: گونه‌های تئودیه در الهیات مسیحی و الهیات اسلامی چگونه طبقه‌بندی می‌گردد؟
تبیین مسئله: فلسفه دین از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی عقلی اعتقادات دینی می‌پردازد. یکی از مباحث جدی در فلسفه دین، مسئله شر است. این مسئله ابعاد مختلفی دارد. یکی ابعاد این مسئله، ناسازگاری شر با وجود خداوند است. در مباحث فلسفه دین پاسخی‌هایی به این مسئله داده شده است. یکی دیگر از ابعاد این مسئله، ناسازگاری آن با عدل الهی است. در این زمینه نیز الهی‌دانان به پاسخی‌هایی درباره مسئله شر ارائه کرده‌اند.



تعداد پاسخ‌ها چنان زیاد است که بررسی آن‌ها را دشوار ساخته است. از این‌رو مناسب است با نگاهی درجه دوم، به گونه‌شناسی این پاسخ‌ها پرداخت و این نکته را بررسی کرد که مجموعه پاسخ‌های مربوط به شر در چند دسته قابل دسته‌بندی است. از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که گونه‌های تئودیه در الهیات مسیحی و الهیات اسلامی چگونه طبقه‌بندی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه دین، کلام جدید، الهیات مسیحی، الهیات اسلامی، عدل الهی، تئودیه. **قالب:** کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۲۳۰. بررسی تحلیلی – انتقادی نظریه استاد عابدی شاهرودی در پاسخ به مسئله شر از منظر الهیات متعالیه

سؤال: براساس الهیات متعالیه چه تحلیل و انتقادی به پاسخ استاد عابدی شاهرودی به مسئله شر می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم فلسفه دین، مسئله شر است. پدیده شر هم با وجود خداوند ناسازگار شمرده شده است و هم با عدل الهی. الهی‌دانان تلاش کرده‌اند به این چالش پاسخ دهند. باتوجه به کاستی‌هایی که در هریک از این پاسخ‌ها وجود دارد، نظریه‌های جدیدی درباره شر مطرح شده است که لازم است به بررسی آن‌ها پرداخت. یکی از نظریه‌های جدیدی که درباره تحلیل و تبیین شر مطرح شده است، پاسخی است که استاد عابدی شاهرودی ارائه کرده است؛ ایشان ضمن نقد سایر نظریه‌ها، نظریه بدیعی در این زمینه مطرح کرده است. در اینجا مناسب است برای دستیابی به درک بهتر به بررسی این نظریه براساس حکمت متعالیه بپردازیم. براساس الهیات متعالیه چه تحلیل و انتقادی به پاسخ استاد عابدی شاهرودی به مسئله شر می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه دین، شر، اثبات خدا، شر منطقی، شر اخلاقی، عابدی شاهرودی. **قالب:** کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۲۳۱. بررسی تحلیلی – انتقادی مؤلفه‌های الهیات رنج از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی مؤلفه‌های الهیات رنج چگونه تحلیل و ارزیابی می‌گردد؟ **تبیین مسئله:** یکی از مسائل مهم فلسفه دین، مسئله رنج است. در بسیاری از متون و منابع فلسفه دین، به بررسی ابعاد مختلف رنج پرداخته شده است. حجم بالای این مباحث



زمینه شکل‌گیری شاخه‌ای مستقل از مباحث فلسفه دین را فراهم ساخته است که با عنوان «الهیات رنج» از آن یاد می‌شود. در الهیات رنج، نخست به تعریف رنج پرداخته می‌شود، سپس خاستگاه‌های رنج واکاوی می‌گردد و در ادامه راه‌هایی برای مواجهه انسان با رنج مطرح می‌گردد. از آنجاکه حل مسائل مرتبط با رنج در گرو درک واقعی و واضحی از چیستی رنج و الهیات آن است، مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی، که از جمله حکمای و اندیشمندان معاصر اسلامی است، به بررسی مؤلفه‌های الهیات رنج بپردازیم. از این‌رو پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌گردد که از منظر آیت‌الله جوادی آملی مؤلفه‌های الهیات رنج چگونه تحلیل و ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه دین، الهیات رنج، کلام جدید، حکمت متعالیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۲۳۲. بررسی مبانی هستی‌شناختی نماد از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس فلسفه اسلامی مبانی هستی‌شناختی نماد چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: در فلسفه زبان به بررسی مسائل مختلفی پرداخته می‌شود که از جمله آن می‌توان به مسئله اعتباریات، مفهوم، لفظ، وضع و نماد اشاره کرد. در مسئله نماد این بحث مطرح می‌گردد که حقیقت نماد چیست و چه رابطه‌ای میان نماد و معنا وجود دارد. همچنین به مباحث هستی‌شناسی نماد پرداخته می‌شود. مقصود از هستی‌شناسی نماد این است که آیا نماد هستی واقعی است یا دارای هستی اعتباری؟ اگر هستی آن واقعی است از چه سنخی است و اگر هستی آن اعتباری است، خاستگاه و مبنای چنین اعتباری چیست؟ برای درک بهتر این مسئله لازم است با تمرکز بر فلسفه اسلامی به بررسی آن پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که مبانی هستی‌شناختی نماد از منظر فلسفه اسلامی چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، معنا، نماد، دلالت، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۸. فلسفه زبان

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه زبان است. این شاخه فلسفی به واکاوی و بررسی مبادی و مبانی زبان می‌پردازد. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید این قلمرو آشنا می‌شویم.



۲۳۳. بررسی مفهوم «نماد» از منظر فلسفه زبان و علم اصول

سؤال: با تأکید بر فلسفه زبان و علم اصول چه تحلیلی از مفهوم نماد می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه زبان یکی از شاخه‌های عقلی و فلسفی است که به بررسی مبادی و مبانی زبان می‌پردازد. یکی از مباحث مهم در فلسفه زبان، مسئله نماد است. اینکه رابطه میان نماد و معنا چگونه است؟ چه عواملی بر پیدایش نماد مؤثر است؟ در علم اصول فقه نیز مباحثی درباره چیستی وضع، انواع موضوع‌له و رابطه معنا و موضوع‌له مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخشی از مباحث علم اصول فقه و فلسفه زبان، دارای اشتراکاتی است که مسئله نماد نیز می‌تواند در این قلمرو قرار گیرد. می‌توان با طرح یک پرسش به بررسی تطبیقی این مسئله پرداخت. پرسش تحقیق چنین است که با تأکید بر فلسفه زبان و علم اصول چه تحلیلی از مفهوم نماد می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، نماد، علم اصول، دلالت.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۲۳۴. بررسی انتقادی معیارهای دلالت‌شناسی «نمادهای دینی» از منظر پل تیلیش^۱

سؤال: چه انتقادهایی به معیارهای دلالت‌شناسی نمادهای دینی از منظر پل تیلیش می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه زبان به بررسی ابعاد مختلف زبان، از جمله چیستی نماد، معنا و نیز دلالت می‌پردازد. از جمله مباحث مطرح در این قلمرو، واکاوی نحوه دلالت در نمادهاست. روشن است که دلالت در قلمرو نماد، تابع برخی از عوامل است و معیارهایی برای پی بردن به نماد وجود دارد. پل تیلیش یکی از صاحب‌نظران در مباحث الهیات، معیارهایی برای بازشناسی نمادهای دینی مطرح کرده است. این معیارها، برخی از واقعیت‌های دینی را نادیده می‌گیرد. از این‌رو می‌توان آن‌ها را مورد انتقاد و ارزیابی قرار داد. نکته‌ای که در اینجا می‌توان مطرح ساخت این است که چه عواملی باعث تحقق دلالت در نمادهای دینی می‌شود و این عوامل چگونه درک واقعی از دین را نادیده می‌انگارد. براین‌اساس می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که چه انتقادهایی به معیارهای بازشناسی دلالت نمادهایی دین از منظر پل تیلیش وارد است؟

1. Paul Tillich.

کلیدواژه: فلسفه زبان، دلالت، نماد، نماد دینی، زبان دین، پل تیلیش.
 قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۷۵.

۲۳۵. بررسی امکان کاربرست اسطوره در تحلیل زبان دینی از منظر فلسفه اسلامی

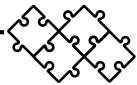
سؤال: براساس فلسفه اسلامی چگونه می‌توان کاربرست اسطوره در تحلیل زبان دینی را تجزیه و تحلیل کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفی، فلسفه زبان است. در فلسفه زبان مباحث مختلفی مطرح می‌شود. از جمله این مباحث، چیستی نماد و نحوه دلالت آن و رابطه نماد و واقعیت است. برخی از نویسندگان معاصر با استفاده از ادبیات مطرح در زمینه اسطوره، تلاش کرده‌اند زبان دین را براساس اسطوره تجزیه و تحلیل کنند. روشن است که تمرکز بر عناصر اسطوره باعث نادیده گرفتن بخشی از حقایق دین خواهد شد. از این رو لازم است با رویکردی انتقادی با این دیدگاه مواجه شد. بسیاری از حقایق و واقعیت‌ها براساس کاربرست روش عقلی و فلسفی قابل شناخت است، و روش‌های دیگر از درک این بُعد از حقایق ناتوان است. حال اگر فلسفه اسلامی را مبنای بررسی خود قرار دهیم، می‌توانیم این پرسش را مطرح سازیم که براساس فلسفه اسلامی چگونه می‌توان کاربرست اسطوره در تحلیل زبان دینی را تجزیه و تحلیل کرد؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، اسطوره، کلام جدید، زبان دین.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۲۳۶. بررسی معیارهای کارل یونگ در تحلیل نمادهای دینی

سؤال: چه انتقادهایی بر معیارهای مطرح شده از سوی یونگ در تحلیل نمادهای دینی وارد است؟
 تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه زبان دین، مبحث نماد دینی است. در بحث از نمادها آنچه اهمیت اساسی دارد، معیارهایی است که باعث معناداری نمادهای دینی می‌شود. بسیاری از محققان فلسفه زبان بر این باورند که خاستگاه معناداری بسیاری از نمادها اسطوره‌هاست. آنان این نکته را نیز بیان می‌کنند که هیچ توضیح معقولی از اسطوره نمی‌توان به دست داد. از این رو نباید انتظار داشت که نمادهای دینی واجد معانی معقول و عقلانی باشند. حال باتوجه به اینکه در بسیاری از آموزه‌های دینی بر عقلانیت تأکید شده است، جای



این پرسش وجود دارد که فروکاستن آموزه‌های دینی به اسطوره، چگونه با تأکید برخی از ادیان بر عقلانیت قابل جمع است؟ از این رو لازم است با نگرش انتقادی با دیدگاه افرادی همچون یونگ، که تلاش می‌کنند نمادهای دینی را براساس اسطوره تفسیر کنند، مواجه شد. بنابراین مناسب است به بررسی این پرسش پرداخت که چه انتقادهایی بر معیارهای مطرح‌شده از سوی یونگ در تحلیل نمادهای دینی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، کلام جدید، نماد دینی، زبان دین، کارل یونگ.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۲۵.

۲۳۷. تحلیل فلسفی عناصر نمادین در حکایات شیخ اشراق

سؤال: با تمرکز بر حکایات شیخ اشراق چه تحلیل فلسفی از عناصر نمادین در آن می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه زبان یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی ابعاد مختلف زبان مانند نماد، معنا، دلالت و... می‌پردازد. نماد از ابزارهای انتقال پیام است. در بسیاری از حکایات و داستان‌ها از نماد برای انتقال پیام استفاده می‌شود. در سنت اسلامی، افرادی همچون شیخ اشراق با استفاده از حکایت و داستان‌های حکمی درصدد انتقال پیام‌های فلسفی برآمده‌اند. درک این مفاهیم فلسفی به سهولت امکان‌پذیر نیست. همچنین این پیام‌های فلسفی تجزیه و تحلیل نیاز دارد. باتوجه به اینکه تجزیه و تحلیل عناصر فلسفی موجود در حکایت فلسفی شیخ اشراق به درک بهتر دیدگاه‌های فلسفی او کمک می‌کند، می‌توان این پرسش را مورد توجه قرار داد که با تمرکز بر حکایات شیخ اشراق چه تحلیل فلسفی از عناصر نمادین در آن می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، کلام جدید، زبان فلسفه، تمثیلات، شیخ اشراق.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۲۳۸. بررسی تحلیلی - انتقادی رابطه زبان و واقعیت از منظر حکمت سینوی

سؤال: از منظر حکمت سینوی رابطه زبان و واقعیت چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه زبان به بررسی ابعاد مختلف زبان می‌پردازد. این شاخه فلسفی، که با استفاده از روش عقلی - تحلیلی به واکاوی ابعاد مختلف زبان می‌پردازد، درصدد است مبادی و مبانی زبان را تجزیه و تحلیل کند. یکی از ابعاد زبان، رابطه آن با واقعیت است.

روشن است که واقعیت به معنای عام آن شامل هر امری از جمله امور اعتباری می‌شود. امور اعتباری تا حدی تحت تأثیر اراده قرار دارند. اما نقش اراده در واقعیت بخشی به برخی از پدیده‌ها امری نیست که فاقد معیار و ملاک باشد. در اینجا است که می‌توان پیوند میان زبان را، که امری اعتباری است با واقعیت مطرح ساخت. این بحث می‌تواند ما را به شناخت معیارهای اعتبار زبان رهنمون گردد. برای تحلیل این مسئله می‌توان با مبنا قرار دادن مباحث فلسفه سینوی به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر حکمت سینوی رابطه زبان و واقعیت چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، واقعیت، زبان، حکمت سینوی.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۲۳۹. بررسی تطبیقی روش نحوی و روش معنایی در مطالعات زبان از منظر منطق سینوی

سؤال: از منظر منطق سینوی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان روش نحوی و روش معنایی در مطالعات زبان وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از فلسفه‌های مضاف، فلسفه زبان است که به بررسی مبادی و مبانی زبان می‌پردازد. در این شاخه فلسفی ابعاد مختلف زبان مانند نماد، وضع، دلالت و اعتبار واکاوی می‌شود. به اذعان بسیاری از محققان فلسفه زبان، زبان دارای دو سطح متفاوت است: نحو و معنا. هر کدام از ابعاد نحوی و معنایی زبان دارای قواعد و اصول خاص خود است. همچنین تلاش‌هایی برای تدوین سطوح نحوی و سطوح معنایی زبان براساس نظام اصل موضوعی انجام شده است. در این شیوه با طراحی برخی از اصول به استخراج قضایایی براساس آن اصول اقدام می‌شود. با توجه به اینکه منطق ابزاری برای تدوین و تنظیم هرگونه نظام استنتاجی است، مناسب است با تمرکز بر منطق سینوی، که یک نظام دقیق منطقی در سنت اسلامی است، به بررسی رابطه میان روش نحوی و روش معنایی زبان پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که از منظر منطق سینوی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان روش نحوی و روش معنایی در مطالعات زبان وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، زبان، معنا، نحو، منطق سینوی.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.



۲۴۰. بررسی تحلیلی - انتقادی مبانی زبان‌شناسی شناختی از منظر محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی مبانی زبان‌شناسی شناختی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه زبان است. فلسفه زبان به بررسی مبادی و مبانی زبان می‌پردازد. از جمله مباحث مطرح در این شاخه فلسفی می‌توان به وضع، اعتبار، دلالت و نماد اشاره کرد. دانشمندان این شاخه علمی شیوه‌های مختلفی را برای بررسی مسائل دنبال کرده‌اند. برخی از نویسندگان در پی واکاوی عناصر زبان از منظر شناختی برآمده‌اند. روشن است که هر شیوه‌ای محدودیت‌های خاص خود را دارد، برای مثال روش شناختی از درک ابعاد تاریخی زبان ناتوان است و از این رو لازم است در بررسی مکاتب مختلف، با استفاده از روش انتقادی از کاستی‌ها و ضعف‌های هر شیوه‌ای آگاهی پیدا کرد. حال با در نظر گرفتن رویکرد انتقادی لازم است به بررسی نگرش زبان‌شناسی شناختی پرداخت. برای این کار با مبنا قرار دادن مباحث علم اصول و با استفاده از دیدگاه‌های محقق اصفهانی می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر محقق اصفهانی مبانی زبان‌شناسی شناختی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی شناختی، محقق اصفهانی.

قالب: کتاب/ پایان‌نامه. اولویت: ۳/۲۵.

۲۴۱. بررسی تحلیلی - انتقادی دیدگاه دونالد دیویدسون^۱ درباره رابطه زبان و تفکر از منظر محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی دیدگاه دونالد دیویدسون درباره رابطه زبان و تفکر چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه زبان، از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی و مبانی زبان پرداخته می‌شود. مباحثی مانند چیستی زبان، وضع، اعتبار و نماد از جمله مباحث فلسفه زبان است. برخی از نویسندگان افزون بر این مباحث، به واکاوی رابطه میان زبان و سایر پدیده‌های اجتماعی از جمله تفکر پرداخته‌اند. در کنار این دست از مباحث می‌توان با تمرکز بر خاستگاه‌های زبان به بررسی عوامل و منشأهایی پرداخت که زمینه‌های شکل‌گیری زبان را به وجود می‌آورند. از جمله این عوامل می‌توان به تفکر اشاره کرد. دونالد دیویدسون از محققان معاصر، با تمرکز بر رابطه زبان و تفکر، به تبیین رابطه

1. Donald Davidson.



میان این دو پرداخته است. دیدگاه او اگر چه برخی از ابهامات مطرح در این زمینه را برطرف می‌سازد، عاری از ابهام و انتقاد نیست. از این رو مناسب است با مبنا قرار دادن دیدگاه‌های محقق اصفهانی به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر محقق اصفهانی دیدگاه دونالد دیویدسون درباره رابطه زبان و تفکر چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، تفکر، زبان فلسفه، دونالد دیویدسون، محقق اصفهانی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۲۵.

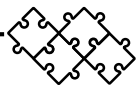
۲۴۲. بررسی تحلیلی - انتقادی دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره رابطه زبان و واقعیت از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره رابطه زبان و واقعیت چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: از جمله مسائل مرتبط با فلسفه زبان، بررسی رابطه زبان و اموری مانند فرهنگ، جامعه، و واقعیت است. از این میان رابطه زبان و واقعیت از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا مرز میان واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی در قلمرو ارتباط زبان و واقعیت آشکار خواهد شد. این مسئله در سنت غربی و نیز در سنت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. در سنت غربی، ویتگنشتاین از جمله متفکرانی است که در دوره اخیر به این مسئله پرداخته و نظریه بدیعی در این باره مطرح ساخته است. وی که دو دوره فکری را پشت سر گذارده است، در دوره دوم فکری خود، با ارائه نظریه بازی‌های زبانی کوشیده است نگرشی نسبی‌گرایانه درباره زبان ارائه کند که در پی آن، رابطه میان زبان و واقعیت قطع می‌گردد. براساس این نظریه، افق‌های فکری و ذهنی، پایه و اساس زبان را تشکیل می‌دهند. در سنت اسلامی مراجعه به آثار علامه طباطبائی گواه آن است که به‌رغم اعتباری شمردن مسئله زبان، ارتباط و پیوند آن با واقعیت قطع نمی‌گردد. بنابراین نوعی اختلاف‌نظر جدی میان دیدگاه علامه طباطبائی و ویتگنشتاین متأخر در این مسئله دیده می‌شود. با توجه به این توضیحات مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره رابطه زبان و واقعیت چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان، واقعیت، زبان، زبان فلسفه، ویتگنشتاین، علامه طباطبائی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.



۱,۲,۹. فلسفه معرفت

فلسفه معرفت، از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به واکاوی ابعاد هستی‌شناختی معرفت پرداخته می‌شود. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید در این عرصه آشنا می‌شویم.

۲۴۳. بررسی دلالت‌هایی معرفت‌شناختی سیالیت وجود ذهنی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس حکمت متعالیه دلالت‌های معرفت‌شناختی سیالیت وجود ذهنی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه مضاف، فلسفه معرفت است. فلسفه معرفت به بررسی ابعاد هستی‌شناختی معرفت می‌پردازد. در این شاخه عقلی به واکاوی هستی معرفت، عوامل شکل‌گیری آن، و عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود. یکی از مباحث معرفت، معرفت از أعراض نفس است؛ از این‌رو اگر نظریه حرکت جوهری نفس را بپذیریم، حرکت در أعراض نفس نیز قابل انکار نخواهد بود. در این صورت سیالیت نفس، به معرفت و صورت‌های ذهنی نیز سرایت می‌کند. سیالیت هستی‌شناختی معرفت عاری از دلالت‌ها و پیامدهای مختلف، از جمله دلالت‌های معرفت‌شناختی نخواهد بود. باتوجه‌به اینکه در معرفت‌شناسی از ثبات برخی از معرفت‌ها سخن به میان می‌آید، لازم است نحوه سازگاری سیالیت معرفت با ثبات معرفت‌شناختی آن، مورد کاوش قرار گیرد. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های حکمت متعالیه به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس حکمت متعالیه دلالت‌های معرفت‌شناختی سیالیت وجود ذهنی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

کلیدواژه: فلسفه معرفت، وجود ذهنی، وجود سیال، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۲۴۴. بررسی مبادی پیدایش «معرفت» از منظر فلسفه صدرایی

سؤال: براساس فلسفه صدرایی مبادی پیدایش معرفت چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: فلسفه معرفت از شاخه‌های فلسفی است و به بررسی ابعاد مختلف معرفت می‌پردازد. معرفت ابعاد مختلفی دارد، که برای نمونه می‌توان به پیدایش، ارتباط با سایر پدیده‌ها و نیز آثار و لوازم آن اشاره کرد. در فلسفه معرفت عمدتاً بر ابعاد هستی‌شناختی



معرفت تأکید می‌شود. برای مثال اینکه چه عواملی در پیدایش معرفت نقش دارند. از آنجاکه معرفت امری است که بر نفس عارض می‌گردد، این دسته از عوامل عمدتاً در ارتباط با نفس انسانی مطرح می‌گردد. باتوجه به اینکه معرفت همانند هر امر ممکن‌الوجودی دارای علت هستی‌بخش است، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که مبادی پیدایش معرفت چیست؟ از این‌رو با تمرکز بر حکمت صدرایی می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس فلسفه صدرایی مبادی پیدایش معرفت چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه معرفت، معرفت، وجود ذهنی، فلسفه صدرایی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۲۴۵. بررسی تعامل میان «معرفت» و احساسات از منظر فلسفه صدرایی

سؤال: براساس فلسفه صدرایی چه تبیینی از رابطه میان معرفت و احساسات می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه معرفت از جمله فلسفه‌های مضاف که با تمرکز بر معرفت، به بررسی عوامل شکل‌گیری، تحول و تغییر آن، و نیز روابط میان معرفت و سایر پدیده‌ها می‌پردازد. یکی از مباحث مهم در زمینه پیدایش معرفت، عوامل و خاستگاه‌هایی است که در پیدایش معرفت مؤثر است. بسیاری بر این باورند که نفس انسانی در فرایند پیدایش معرفت باید با دقت از تأثیر عوامل غیرمعرفتی جلوگیری کند. باتوجه به اینکه معرفت با احساسات نیز ارتباط دارد، تأثیر معرفت بر احساسات امری واضح و روشن است؛ اما آنچه جای واکاوی و بررسی دارد، تأثیر احساسات بر معرفت است. پس بررسی رابطه میان معرفت و احساسات لازم به‌نظر می‌رسد. از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس فلسفه صدرایی چه تبیینی از رابطه میان معرفت و احساسات می‌توان ارائه کرد؟

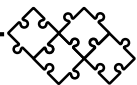
کلیدواژه: فلسفه معرفت، معرفت، وجود ذهنی، احساس، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۲۴۶. بررسی نقش «جامعه» در شکل‌گیری معرفت از نظام حکمت صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی نقش جامعه در پیدایش معرفت چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه معرفت است. در این شاخه عقلی و فلسفی به واکاوی ابعاد مختلف هستی معرفت پرداخته می‌شود. در این میان بحث و



بررسی عوامل شکل‌گیری معرفت از اهمیت خاصی برخوردار است. ازجمله عواملی که از امور مؤثر در شکل‌گیری معرفت مطرح می‌گردد، جامعه است. اینکه نفس انسان، در اثر مواجهه با سایر انسان‌ها و در بستر یک جامعه واجد معرفت گردد، ادعایی است که بسیاری از نویسندگان در مغرب‌زمین بر آن تأکید دارند. اما مسئله این است که آیا در فلسفه اسلامی نیز چنین نگرشی مورد قبول است. برای مثال درحالی که در حکمت صدرایی از عقل فعال به منزله منشأ معرفت یاد می‌شود، چگونه می‌توان برای جامعه در شکل‌گیری معرفت نقشی قائل شد. طرح این پرسش‌ها زمینه را برای طرح این مسئله فراهم می‌سازد که براساس نظام حکمت صدرایی نقش جامعه در پیدایش معرفت چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه معرفت، جامعه، معرفت، وجود ذهنی، حکمت صدرایی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۲۴۷. بررسی عوامل شکل‌گیری «معرفت اجتماعی» از منظر نظام حکمت صدرایی

سؤال: براساس فلسفه صدرایی عوامل پیدایش معرفت اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه معرفت به واکاوی عوامل شکل‌گیری معرفت می‌پردازد. در این شاخه فلسفی، مباحثی درباره شکل‌گیری معرفت مطرح می‌گردد. روشن است که عوامل مختلفی می‌تواند در پیدایش معرفت نقش داشته باشد. ازجمله این عوامل می‌توان به دو دسته از عوامل اشاره کرد: عوامل غیرمادی و عوامل مادی. عوامل غیرمادی دربردارنده عقل فعال است که واهب‌الصور است و عوامل مادی که زمینه را برای فعالیت قوای ادراکی ازطریق مغز فراهم می‌سازد. در کنار این موارد لازم است به عوامل اجتماعی معرفت نیز اشاره کرد که معرفت حاصل از آن به معرفت اجتماعی تعبیر می‌شود. ازآنجا که بررسی عوامل اجتماعی شکل‌گیری معرفت کمتر مورد توجه قرار گرفته است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس فلسفه صدرایی عوامل پیدایش معرفت اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه معرفت، معرفت، وجود ذهنی، معرفت اجتماعی، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۲۴۸. بررسی رابطه معرفت و قدرت از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان قدرت و معرفت چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه معرفت ازجمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی ابعاد مختلف



معرفت می‌پردازد. معرفت تحت‌تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد؛ برخی از این عوامل، اموری ماورایی مانند تأثیر مبادی عالیه بر نفس ناطقه انسانی است و برخی عوامل، اموری مادی مانند پدیده‌های اجتماعی است. در سنت غربی، برخی از نویسندگان، اموری مانند قدرت را عاملی مؤثر بر شکل‌گیری معرفت معرفی کرده‌اند. در حکمت اسلامی نیز به عوامل شکل‌گیری معرفت پرداخته شده است. برای مثال در حکمت صدرایی به عوامل مختلف شکل‌گیری معرفت توجه شده است. از آنجاکه در دوره معاصر آیت‌الله جوادی آملی شارح برجسته حکمت متعالیه شمرده می‌شود، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان قدرت و معرفت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه معرفت، وجود ذهنی، قدرت، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

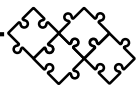
۲۴۹. بررسی انگاره ساختارمندی ذهن از منظر آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری انگاره ساختارمندی ذهن چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه معرفت از جمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی عوامل شکل‌گیری معرفت و ابعاد مختلف آن می‌پردازد. در سنت غربی نیز این بحث مورد توجه قرار گرفته است و به طرح نظریه‌های مختلفی در این زمینه انجامیده است. یکی از نظریه‌های رایج درباره شکل‌گیری معرفت، نظریه‌ای است که شکل‌گیری معرفت را در پرتو ساختارهای ذهنی تبیین می‌کند. از آنجاکه در حکمت صدرایی نیز به عوامل شکل‌گیری معرفت توجه شده است، لازم است به بررسی این نکته بپردازیم که آیا از منظر حکمت متعالیه نیز ایده ساختارمند بودن ذهن انسان پذیرفته شده است یا نه. باتوجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری از شارحان برجسته حکمت متعالیه در روزگار معاصر هستند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر ایشان انگاره ساختارمندی ذهن چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه معرفت، وجود ذهنی، ساختار، معرفت، جوادی آملی، شهید مطهری.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.



۲۵۰. بررسی رابطه معرفت و قوانین طبیعی با تأکید بر دیدگاه‌های استاد عابدی شاهرودی

سؤال: با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله عابدی شاهرودی رابطه میان معرفت و قوانین طبیعی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه معرفت از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی و مبانی معرفت می‌پردازد. باتوجه به اینکه عوامل مختلفی بر پیدایش معرفت اثرگذار است، در این شاخه فلسفی به بررسی عوامل پیدایش معرفت پرداخته می‌شود. ازجمله این عوامل می‌توان به عوامل طبیعی اشاره کرد که جنبه اعدادی برای نفس به‌منظور اتصاف به معرفت دارند. حال باتوجه به نقش اجمالی عوامل مادی در پیدایش معرفت، این پرسش مطرح می‌شود که این عوامل مادی تا چه اندازه تحت‌تأثیر قوانین طبیعی قرار دارند؟ آیا می‌توان تبیینی از شکل‌گیری معرفت، صرفاً براساس عوامل طبیعی ارائه کرد؟ برخی از متفکران معاصر با تمرکز بر این بحث، به توضیح و تبیین دقیق نقش قوانین طبیعی در شکل‌گیری معرفت پرداخته‌اند. از جمله این متفکران می‌توان به استاد عابدی شاهرودی اشاره کرد. ازاین‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله عابدی شاهرودی رابطه میان معرفت و قوانین طبیعی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه معرفت، طبیعت، علوم طبیعی، قوانین علمی، معرفت، عابدی شاهرودی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۲۵۱. بررسی تحلیلی دلالت‌های معرفت‌شناختی تفاوت‌های مفهوم و ماهیت از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی تفاوت‌های مفهوم و ماهیت چه دلالت‌های معرفت‌شناختی به دنبال دارد؟ تبیین مسئله: اصطلاح مفهوم و ماهیت از اصطلاحات مهم و پرکاربرد در مباحث فلسفی است. در برخی متون فلسفی به تفاوت اساسی میان مفهوم و ماهیت توجه نشده است و در مواردی احکام هریک به دیگری سرایت داده شده است. برای نمونه اینکه مفهوم، هیچ‌گاه واجد تحقق خارجی نیست، لزوماً بدان معنا نیست که هرگونه تحقق خارجی را از ماهیت سلب کنیم. باتوجه به نقش و اهمیتی که این تمایز در حل بسیاری از مباحث فلسفی، ازجمله اصالت وجود و مسئله صدق دارد، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر فلسفه اسلامی تفاوت‌های مفهوم و ماهیت چه دلالت‌ها و لوازم معرفت‌شناختی به دنبال دارد؟



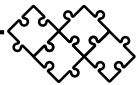
کلیدواژه: معرفت‌شناسی، مفهوم، ماهیت، وجود، ذهن، وجود ذهنی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۲۵.

۲۵۲. بررسی حیث التفات و اضافه در معرفت از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی چگونه می‌توان اشتغال معرفت بر حیث التفاتی و اضافه را تبیین کرد؟
 تبیین مسئله: فلسفه معرفت از جمله شاخه‌های مهم فلسفه مضاف است که به واکاوی ابعاد مختلف معرفت می‌پردازد. توجه به واکاوی عوامل مؤثر بر معرفت، برخی از دانشمندان را به ارائه نظریه‌های جدیدی درباره حقیقت معرفت سوق داده است. از جمله این دانشمندان فخر رازی است که ضمن توجه به این مسئله بر این دیدگاه تأکید کرده است که معرفت چیزی جز اضافه نیست؛ بنابراین نباید وجودی غیرنسبی برای معرفت در نظر گرفت. اگرچه این دیدگاه نادرست است، ولی به نظر می‌رسد می‌توان نحوه‌ای از اضافه را برای معرفت در نظر گرفت. به این معنا که در معرفت‌های حصولی، معرفت - چه تصویری و چه تصدیقی - ناظر و ملتفت به یک حقیقتی است و رای خودش. به عبارت دیگر معرفت حصولی از این ویژگی هستی‌شناختی بهره‌مند است که ناظر به امری و رای خودش است. حال این امر ممکن است در وعاء ذهن باشد یا در وعاء خارج، که این نکته بستگی به حیث حکایت آن معرفت خواهد داشت. با توجه به دلالت‌هایی که این بحث در مباحث معرفت‌شناسی به دنبال خواهد داشت، می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر فلسفه اسلامی چه تبیینی از اشتغال معرفت بر حیث التفاوت و اضافه می‌توان ارائه کرد؟
 کلیدواژه: فلسفه معرفت، وجود ذهنی، اضافه، فخر رازی، حیث التفاتی، فلسفه اسلامی.
 قالب: مقاله. اولویت: ۳/۵.

۲۵۳. بررسی تحلیلی دلالت‌های هستی‌شناختی تفاوت‌های موجود مجرد عقلی و کلی طبیعی در فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فیلسوفان مسلمان تفاوت‌های موجود مجرد عقلی و کلی طبیعی چه دلالت‌های هستی‌شناختی را به دنبال دارد؟
 تبیین مسئله: در مباحث فلسفی، اصطلاحاتی همچون موجود مجرد عقلی و نیز اصطلاح کلی طبیعی به کار می‌رود. مقصود از موجود مجرد عقلی مرتبه‌ای از وجود است که از



بساطت برخوردار است و همه حقایق مادون خود را به‌اجمال داراست ولی هیچ‌یک از آن‌ها نیست. درمقابل، کلی طبیعی، به‌رغم آنکه مرتبه‌ای از وجود مجرد است، به‌نحو ممازجت داخل در افراد خود است. این تمایز اساسی زمینه‌ساز تفاوت‌های دیگری میان موجود مجرد عقلی و کلی طبیعی است که شناخت آن‌ها راه را برای اجتناب از هرگونه مغالطه، از جمله خلط و اشتباه میان احکام معرفت‌شناختی و احکام هستی‌شناختی موجود عقلی و کلی طبیعی، از بین خواهد بود. بنابراین می‌توان سؤال تحقیق را این‌گونه تقریر کرد که از منظر فلاسفه اسلامی تفاوت‌های موجود مجرد عقلی و کلی طبیعی چه دلالت‌های هستی‌شناختی را به دنبال دارد؟

کلیدواژه: هستی‌شناسی، مجرد عقلی، کلی طبیعی، عالم عقل، عالم مثال، فلسفه اسلامی.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۱.۲.۱۰. فلسفه اخلاق و فلسفه علم اخلاق

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق و فلسفه علم اخلاق است. در ادامه با برخی از مسائل جدید این شاخه فلسفی آشنا می‌شویم.

۲۵۴. بررسی چالش‌های نظریه «خودگرایی» بر نظام اخلاقی اسلام بر پایه انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه پاسخی به اشکالات ناشی از خودگرایی بر نظام اخلاقی اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه اخلاق یکی از شاخه‌های فلسفه‌های مضاف است که به بررسی چیستی خوب، بد، باید و نباید و نیز اصول کلی اخلاق و غایت اخلاقی می‌پردازد. خودگرایی یکی از نظریه‌های مطرح درباره غایت اخلاقی است. براساس این نظریه، عموم انسان‌ها کارهای اختیاری خود را براساس انگیزه نفع شخصی خود انجام می‌دهند. بنابراین اینکه تصور شود نیت، از ارکان فعل اخلاقی است و برای آنکه یک کار واجد ارزش اخلاقی گردد، حتماً باید برای رضای خداوند انجام گیرد، صرف بیان یک امر ایدئال و غیرواقع‌بینانه است. با این دیدگاه، چالشی جدی اخلاق اسلامی را، که بر ارزش و جایگاه نیت در فعل اخلاقی تأکید دارد، تهدید می‌کند. مسئله، زمانی بغرنج می‌گردد که دریابیم در انسان‌شناسی فلسفه اسلامی، به‌ویژه انسان‌شناسی متعالیه نیز بر عنصر «حب ذات» تأکید می‌شود. بنابراین لازم



است درصدد چاره‌جویی برآییم و راهی برای غلبه بر این چالش بیابیم. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح کرد که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه پاسخی به اشکالات ناشی از خودگرایی بر نظام اخلاق اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، خودگرایی، اخلاق اسلامی، انسان‌شناسی صدرایی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

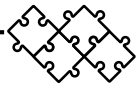
۲۵۵. بررسی رابطه گزاره‌های انشائی و گزاره‌های خبری از منظر ابن‌سینا

سؤال: براساس دیدگاه ابن‌سینا چه رابطه‌ای میان گزاره‌های انشائی و گزاره‌های خبری وجود دارد؟
تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه‌های مضاف می‌توان به فلسفه اخلاق اشاره کرد که در آن به واکاوی مفاهیم و احکام اخلاقی پرداخته می‌شود. براساس عمده‌نگرش‌های مطرح در فلسفه اخلاق، احکام اخلاقی از سنخ «گزاره‌های انشائی» است. به عبارت دیگر این دسته از احکام فاقد حکایت از واقع هستند. منبع بسیاری از احکام اخلاقی، عقل عملی است و در کنار عقل عملی باید از عقل نظری یاد کرد که احکام خود را در قالب گزاره‌های خبری بیان می‌کند. شاید چنین پنداشته شود که عقل عملی و عقل نظری دو حوزه کاملاً مستقل هستند و هیچ ارتباطی میان مُدرکات عقل عملی و مُدرکات عقل نظری وجود ندارد. مرور آثار برخی از فیلسوفان مسلمان مانند ابن‌سینا نشان می‌دهد به‌رغم این نگرش نسبتاً غالب، از نظر ابن‌سینا می‌توان میان احکام عقل نظری و احکام عقل عملی ارتباط برقرار کرد و اصولاً عقل عملی و عقل نظری دو ساحت برای یک حقیقت واحد به نام عقل است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که ارتباط میان احکام عقل نظری و احکام عقل عملی چگونه تبیین می‌شود؟ و این دو حوزه دانشی چه ارتباطی با هم دارند؟ بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر ابن‌سینا رابطه میان گزاره‌های انشائی عقل عملی و گزاره‌های خبری عقل نظری چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، عقل عملی، گزاره‌های خبری، عقل نظری، ابن‌سینا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۵.

۲۵۶. بررسی نظام استنتاجی میان گزاره‌های انشائی از منظر استاد آملی لاریجانی

سؤال: براساس دیدگاه استاد آملی لاریجانی نظام استنتاجی میان گزاره‌های انشائی چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: فلسفه دارای شاخه‌های مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان به منطق



اشاره کرد. همچنین در میان فلسفه‌های مضاف، فلسفه اخلاق از جایگاه مهمی برخوردار است. در مواردی ترابط میان دو یا چند شاخه فلسفی به طرح مباحث نوینی می‌انجامد. برای مثال در منطق این پرسش مطرح می‌گردد که آیا شیوه استنتاجی شیوه‌ای است که تنها شامل گزاره‌های اخباری می‌شود یا افزون بر گزاره‌های خبری، گزاره‌های انشائی را نیز پوشش می‌دهد. همچنین در مباحث فلسفه اخلاق پس از آنکه بر وجود برخی مبانی و اصول اخلاقی بدیهی مانند «عدالت حسن است» تأکید شد، نوبت به طرح این پرسش می‌رسد که آیا میان گزاره‌های بدیهی اخلاقی و سایر گزاره‌ها رابطه استنتاجی وجود دارد؟ بنابراین از پیوند میان دو شاخه فلسفی به پرسشی جدید می‌رسیم. باتوجه به اینکه از میان محققان معاصر آیت‌الله آملی لاریجانی به دفاع از حاکم بودن نظام استنتاجی بر گزاره‌های انشائی اخلاقی پرداخته است، می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که براساس دیدگاه آیت‌الله آملی لاریجانی نظام استنتاجی میان گزاره‌های انشائی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، نظام استنتاجی، گزاره‌های انشائی، منطق تکلیف، آملی لاریجانی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۲۵۷. بررسی نقش جنسیت در روش‌شناسی اخلاق اسلامی

سؤال: در روش‌شناسی اخلاق اسلامی نقش جنسیت چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: امروزه و با طرح شبهات جدید، بسیاری از دانش‌های اسلامی چالش‌های نوینی را تجربه می‌کنند. برخی از این شبهات ریشه در فرهنگ غربی دارد. برای نمونه پس از آنکه در سده‌های اخیر در اروپا در راستای فعال کردن بنگاه‌های اقتصادی بر میزان آزادی‌های زنان افزوده شد، رفته‌رفته نقش و جایگاه زن در فرهنگ غربی به مسئله مهمی تبدیل شد و مباحث جدی را به دنبال آورد؛ مباحثی فرهنگی درباره چیستی و نقش فرهنگی «جنسیت» از آن جمله است. این مباحث با ورود به عرصه عمومی، زمینه شکل‌گیری جنبش‌هایی سیاسی-اجتماعی را فراهم ساخت که به شکل‌گیری موج‌های سه‌گانه فمینیسم انجامید. مدافعان نگرش فمینیستی با تأکید بر اصالت جنسیت به واکاوی دانش‌های مختلف از منظری زنانه می‌پردازند. آنان در این زمینه تا آنجا پیش رفته‌اند که سخن از اخلاق زنانه به میان آورده‌اند. در نظر آنان لازم است قواعد اخلاقی بر پایه زنانگی بازسازی گردد. دغدغه مهم این افراد واکاوی نقش جنسیت در اخلاق است. در اخلاق اسلامی ارزش نهایی «تقوا»



شمرده شده است و در این زمینه تبعیضی میان زن و مرد در نظر گرفته نشده است. از این رو اخلاق اسلامی ظرفیت خوبی برای پاسخ‌گویی به چالش‌های فمینیستی دارد. حال با توجه به این چالش‌های نوپدید، جای طرح این پرسش وجود دارد که نقش جنسیت در اخلاق اسلامی چگونه تجزیه، تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

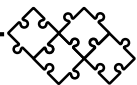
کلیدواژه: فلسفه اخلاق، جنسیت، اخلاق اسلامی، نظام اخلاقی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۲۵۸. بررسی چالش‌های اخلاق جنگ بر اساس واقع‌گرایی اخلاقی در نظام اخلاق صدرایی

سؤال: بر اساس واقع‌گرایی اخلاقی در نظام اخلاقی اسلام، چالش‌های اخلاق جنگ چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: از میان شاخه‌های فلسفه مضاف می‌توان به فلسفه اخلاق اشاره کرد. امروزه با گسترش مباحث فلسفه اخلاق شاهد شکل‌گیری قلمروهای جدیدی در فلسفه اخلاق هستیم. برای نمونه می‌توان به اخلاق جنگ اشاره کرد که مباحث بسیاری را مطرح کرده است. شاید بسیاری بر این باور باشند که وضعیت جنگ یک وضعیت غیرعادی و نامتعارف است و از این رو بسیاری از قواعد زندگی عادی در وضعیت جنگ قابل رعایت نیست. برای نمونه در وضعیت جنگی که خطر جانی افراد را تهدید می‌کند برخی از اصول اخلاقی مانند لزوم راست‌گویی، لزوم احترام به مال دیگران به کنار می‌رود و افراد برای فرار از صدمات جانی مجاز به تصرف در اموال دیگران هستند و برای نمونه با نقض مالکیت خصوصی افراد از وسایل دیگران برای فرار از معرکه بهره بگیرند. به هر حال هر چند می‌توان پذیرفت که در وضعیت جنگی، برخی از قواعد اخلاقی اجمالاً قابل نقض کردن است، اما نباید از نظر دور داشت که در همین وضعیت جنگ، برخی قواعد جدید اخلاقی پا به عرصه وجود می‌نهد. برای نمونه لزوم حفظ جان افراد بی‌گناه گرفتار آمده در معرکه جنگ از جمله قواعد اخلاقی است که در برهه جنگ مطرح می‌گردد. به هر حال شرایط خاص میدان جنگ، چالش‌هایی را برای قواعد اخلاقی به میان آورده است و هر مکتب اخلاقی تلاش کرده است بر اساس اصول و مبانی خود به بررسی این چالش‌ها بپردازد. با توجه به اینکه نظام اخلاق اسلامی نیز اصول و قواعد خاص خود را دارد، این پرسش مطرح می‌شود که بر اساس نظام واقع‌گرایانه اخلاق اسلامی، چالش‌های ناشی از اخلاق جنگ چگونه تجزیه، تحلیل و ارزیابی می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه اخلاق، اخلاق جنگ، اخلاق کاربردی، نظام اخلاق اسلامی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۲۵۹. بررسی چالش‌های نظریه «اخلاق ژنتیک» براساس واقع‌گرایی اخلاقی در نظام اخلاق متعالیه

سؤال: براساس واقع‌گرایی اخلاقی در نظام اخلاق متعالیه چه انتقادهایی بر نظریه اخلاق ژنتیک وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در مباحث فلسفه اخلاق به واکاوی مفاهیم و احکام اخلاقی پرداخته می‌شود. همچنین در بخشی از مباحث فلسفه اخلاق به این مسئله پرداخته می‌شود که چه چیزی خاستگاه رفتار اخلاقی است؟ در این زمینه نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. از جمله نظریه‌هایی که در این زمینه مطرح شده، نظریه‌های مربوط به اخلاق ژنتیک است. به باور برخی از نویسندگان اساساً چیزی به نام ارزش‌های اخلاقی برخاسته از اختیار وجود ندارد و آنچه رفتار اختیاری شمرده می‌شود، چیزی نیست جز پیامدهای تأثیر عوامل ژنتیک در سیستم عصبی افراد. به عبارت دیگر از آنجاکه هر فردی از مشخصات ژنتیکی خاصی برخوردار است، این مشخصات ژنتیکی سمت و سوی خاصی به رفتار او می‌بخشد و از همین روست که برخی افراد دارای گشاده دستی هستند و برخی افراد بخیل، برخی افراد شجاع‌اند و برخی افراد ترسو. روشن است که براساس این نگرش اساساً جایی برای تدوین نظام اخلاقی و باید و نبایدهای اخلاقی باقی نمی‌ماند. بنابراین لازم است با تکیه بر نظام اخلاق متعالیه، به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس نظام اخلاق متعالیه ژنتیکی خواندن خاستگاه رفتارهای اخلاقی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، اخلاق ژنتیک، نظام اخلاق اسلامی، اخلاق متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۲۶۰. بررسی تمایز درون‌گرایی و برون‌گرایی در قلمرو فرااخلاق از منظر واقع‌گرایی اخلاقی در نظام

اخلاق اسلامی با تأکید بر آراء علامه طباطبائی

سؤال: براساس واقع‌گرایی اخلاق اسلامی و با تأکید بر آراء علامه طباطبائی چه تبیینی از درون‌گرایی و برون‌گرایی در قلمرو فرااخلاق می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در فلسفه اخلاق به

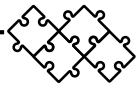
بررسی مفاهیم و احکام اخلاقی پرداخته می‌شود. همچنین در فلسفه اخلاق خاستگاه رفتارهای اخلاقی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. درباره خاستگاه رفتار اخلاقی، نظریه‌های مختلف مطرح شده است که از میان آن‌ها می‌توان به رویکردی اشاره کرد که خاستگاه رفتار اخلاقی را در حالات روان‌شناختی افراد جست‌وجو می‌کند. مدافعان این دیدگاه بر آنند که مطالعه حالات روانی افراد، ما را به منشأ رفتار آنان می‌رساند. برای مثال با تمرکز بر برخی ویژگی‌های روانی افراد می‌توان نشان داد که چرا فرد خاصی یک فرد بخشنده است و فرد دیگر، بخیل. روشن است که در یک سطح عمیق‌تر می‌توان این سؤال را مطرح ساخت که خاستگاه حالات روانی فرد چیست؟ در این صورت ریشه رفتارهای اخلاقی به امور غیرارادی خواهد رسید. این نکته خود می‌تواند چالشی برای دیدگاه‌هایی شمرده شود که موضوع اخلاق را رفتار اختیاری دانسته‌اند. با این توضیح جای بررسی این مسئله وجود دارد که براساس واقع‌گرایی اخلاق اسلامی چه تبیینی از نقش درون‌گرایی و برون‌گرایی در قلمرو فرااخلاق می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، فرااخلاق، درون‌گرایی، برون‌گرایی، اخلاق اسلامی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۲۶۱. بررسی چالش‌های فضیلت‌مندی فرزندآوری از منظر واقع‌گرایی اخلاقی در نظام اخلاق اسلامی

سؤال: براساس واقع‌گرایی اخلاقی، در نظام اخلاق اسلامی چه پاسخی به چالش‌های نفی فضیلت‌مندی فرزندآوری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در این شاخه فلسفی به بررسی مفاهیم و احکام اخلاقی پرداخته می‌شود. تعریف خوب و بد و نیز چیستی اصول اخلاقی، از جمله این مباحث است. همچنین در فلسفه اخلاق، مباحثی درباره تعارضات اخلاقی نیز مطرح می‌شود. از جمله مباحثی که در ضمن تعارضات اخلاقی مورد توجه قرار می‌گیرد، مسئله تعارض حقوق افراد است. برای مثال برخی بر این باورند که هر زنی حق دارد آزاد و براساس اراده و اختیار خود زندگی کند، درحالی‌که فرزندآوری بسیاری از آزادی‌های او را محدود می‌سازد. بنابراین شاهد بروز نوعی تعارض اخلاقی میان مسئله فرزندآوری از یک‌سو و آزادی‌های فردی زن از سوی دیگر هستیم. اینجاست که برخی با تقدیم آزادی‌های فردی، فضیلت داشتن فرزندآوری را زیر سؤال می‌برند. درحالی‌که در تعلیم



اخلاق اسلامی بر فضیلت داشتن فرزندآوری بسیار تأکید شده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که از منظر واقع‌گرایی اخلاق اسلامی چالش‌های ناشی از نفی فضیلت‌مندی فرزندآوری چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، فضیلت، اخلاق اسلامی، واقع‌گرایی اخلاق، نظام اخلاقی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

۲۶۲. بررسی مبانی اخلاق اگزیستانسیالیستی از منظر کی‌یر کگور^۱ براساس دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر مبانی اخلاق اگزیستانسیالیستی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. با مراجعه به متون و منابع فلسفه اخلاق درمی‌یابیم که مکاتب و دیدگاه‌های بسیار متنوعی درباره چیستی و معیار ارزش اخلاقی مطرح شده است. ازجمله این مکاتب، اگزیستانسیالیسم است که با تأکید بر عنصر آزادی، هرگونه ملاک و معیار اخلاقی را وابسته به اراده و تصمیم خود فرد می‌شمارد. با گسترش نگرش اگزیستانسیالیسم، این مکتب با عناصری از دین مسیحیت نیز پیوند برقرار کرد و تلاش کرد تقریری دینی از مبانی و اصول خود ارائه دهد. یکی از پیشگامان این حرکت کی‌یر کگور است. وی در تلاش برای ارائه تقریری مسیحی از اگزیستانسیالیسم، اراده خداوند را برتر از هرگونه حکم اخلاقی قرار می‌دهد به‌گونه‌ای که لازمه دیدگاه او چنان است که اگر خداوند از عدالت نهی کند، عدالت امری مذموم خواهد شد. به عبارت دیگر او معیار و ملاک نهایی در مجاز بودن رفتار را اراده خدا می‌شمارد. با توجه به اینکه در نظام اخلاقی اسلام، برخی از اصول بدیهی اخلاقی مورد اذعان است، و بسیاری از نویسندگان ازجمله علامه مصباح یزدی به تفصیل در این زمینه به بحث و پژوهش پرداخته‌اند، این پرسش مطرح می‌شود که از منظر علامه مصباح یزدی مبانی و اصول اخلاق اگزیستانسیالیسم چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، مبانی اخلاق، اخلاق اگزیستانسیالیسم، اخلاق اسلامی، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

1. Soren Kierkegaard.

۲۶۳. بررسی تطبیقی نظریه «تشبه به باری» به مثابه غایت اخلاق از منظر رابرت آدامز^۱ و اخلاق متعالیه

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و اختلافی میان تقریر رابرت آدامز و تقریر اخلاق متعالیه در نظریه تشبه به باری به منزله غایت اخلاق وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در این شاخه فلسفی به بررسی مفاهیم و احکام اخلاقی و نیز غایت اخلاقی پرداخته می‌شود. موضوعات فلسفه اخلاق همواره مورد توجه فیلسوفان اخلاق اسلامی قرار گرفته است و از سوی دیگر فیلسوفان غربی نیز به این موضوع توجه داشته‌اند. مرور ادبیات وجود در متون و منابع فلسفه اخلاق گواه آن است که نظریه‌های مختلفی درباره چیستی غایت اخلاقی مطرح شده است. در میان فیلسوفان اخلاق غربی، رابرت آدامز از تشبه به باری به منزله غایت اخلاق یاد کرده است. در میان حکمای اسلامی نیز در حکمت متعالیه تشبه به باری، به مثابه غایت اخلاق ذکر شده است. باتوجه به قرابت ظاهری که میان دو دیدگاه دیده می‌شود، این احتمال وجود دارد که در پس این شباهت ظاهری، تفاوت‌های عمیقی میان این دو نظریه علمی وجود داشته باشد. از این رو این پرسش مطرح می‌شود که براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان دیدگاه رابرت آدامز و اخلاق متعالیه درباره تشبه به باری به مثابه غایت اخلاق وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، تشبه به باری، اخلاق متعالیه، رابرت آدامز.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۲۶۴. بررسی دیدگاه پتر سینگر^۲ درباره اخلاق حیوانات براساس نظام اخلاق اسلامی

سؤال: براساس نظام اخلاق اسلامی نگرش پتر سینگر به اخلاق حیوانات چگونه ارزیابی می‌شود؟ تبیین مسئله: فلسفه دانشی عقلی است که به موضوع وجود به ما هو وجود می‌پردازد. به مرور زمان و با گسترش مباحث فلسفی، روش عقلی در بررسی موضوعات دیگری از جمله موضوعات اخلاقی نیز به کار گرفته شد و رفته رفته شاخه‌هایی مانند فلسفه اخلاق شکل گرفت. یکی از موضوعات فلسفه اخلاق، حدود و قلمرو اخلاق است. تا چندی پیش، عمده

1. Robert Adams.

2. Peter Albert David Singer.



تحقیقات اخلاقی درباره اخلاق انسانی بود. امروزه با نویسندگانی مواجه می‌شویم که دایره اخلاق را به حوزه حیوانات نیز گسترش داده‌اند و از آداب نگهداری حیوانات سخن به میان آورده‌اند. در تعالیم دینی اسلامی نیز با آموزه‌هایی مواجه می‌شویم که حقوقی را برای حیوانات در نظر گرفته است. باتوجه به اینکه یکی از نویسندگان معاصر که به مسئله حقوق حیوانات توجه کرده است، پیتر سینگر است، این پرسش مطرح می‌شود که از منظر نظام اخلاق اسلامی دیدگاه پیتر سینگر درباره اخلاق حیوانات چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، اخلاق اسلامی، نظام اخلاقی، پیتر سینگر.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۲۶۵. بررسی استدلال‌های اخلاقی در دفاع از گیاه‌خواری از منظر اخلاق اسلامی

سؤال: براساس نظام اخلاق اسلامی استدلال‌های اخلاقی در دفاع از گیاه‌خواری چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: باتوجه به اینکه در فلسفه اخلاق از معیار حُسن و قبح سخن به میان می‌آید، یک نظام اخلاقی از ظرفیت خوبی برای جهت‌دهی به رفتار افراد برخوردار است. بنابراین بسیاری در تلاش هستند با طرح نظامی از بایدها و نبایدها مسیری عملی برای زندگی تدوین کنند. بخشی از رفتارهای افراد به تغذیه مربوط می‌شود. درباره تغذیه پرسش‌هایی مطرح است که پاره‌ای از آن‌ها به پزشکی و بهداشت مربوط می‌شود. اما پاره‌ای از آن‌ها نیز به اخلاق مربوط است. شاید در گذشته افراد برای حفظ جان خود چاره‌ای از شکار حیوانات نداشتند، اما امروزه و با گسترش نسبی رفاه عمومی اینکه آیا می‌توان از گوشت حیوانات برای تغذیه استفاده کرد، چالشی مهم در محدوده اخلاق است. برخی از نویسندگان با صورت‌بندی استدلال‌هایی تلاش کرده‌اند براساس برخی استدلال‌های اخلاقی استفاده از گوشت حیوانات برای تغذیه را نادرست جلوه دهند. باتوجه به اینکه در نظام اخلاق اسلامی نیز توصیه‌هایی درباره تغذیه و به‌ویژه استفاده از گوشت حیوانات مطرح شده است، این پرسش مطرح می‌شود که از منظر نظام اخلاق اسلامی، استدلال‌های اخلاقی در نهی از تغذیه از گوشت حیوانات چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، گیاه‌خواری، اخلاق تغذیه، نظام اخلاقی، اخلاق اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۲۶۶. بررسی رابطه لذت و کمال اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از رابطه لذت و کمال اخلاقی می‌توان ارائه کرد؟ تبیین مسئله: در فلسفه اخلاق به بررسی مفاهیم و احکام اخلاقی پرداخته می‌شود. همچنین ازجمله مباحث فلسفه اخلاق، بررسی کمال‌نهایی اخلاق است. از منظر اخلاق اسلامی قرب به خداوند غایت فعل اخلاقی شمرده می‌شود. بسیاری از متفکران اسلامی به تفصیل به توضیح ابعاد مختلف قرب الهی پرداخته‌اند. ازجمله این متفکران علامه مصباح یزدی است که در آثار مختلف خود این موضوع را مورد کاوش و پژوهش قرار داده است. ازسوی دیگر باتوجه به اینکه خداوند گرایش به لذت را نیز در نهاد آدمی تعبیه کرده است، لازم است به واکاوی رابطه میان لذت و قرب به خداوند پرداخت. ازاین‌رو این پرسش مطرح می‌شود که از منظر علامه مصباح یزدی چه تبیینی از رابطه میان لذت و کمال اخلاقی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، لذت، کمال اخلاقی، نظام اخلاقی، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۲۶۷. بررسی رابطه قدرت و کمال اخلاقی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه تحلیلی از رابطه قدرت و کمال اخلاقی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: باتوجه به اینکه در نظام اخلاق اسلامی غایت اخلاقی، رسیدن به قرب خداوند است، بسیاری از مکاتب اخلاقی غرب ازجمله لذت‌گرایی و قدرت‌گرایی مردود شناخته می‌شود. علامه مصباح یزدی ازجمله متفکرانی است که به تفصیل به این مسئله پرداخته است. ازسوی دیگر نگاهی واقع‌گرایانه به پدیده‌های جهان حاکی از آن است که دستیابی به قدرت می‌تواند زمینه را نه تنها برای فرد، بلکه برای جامعه به‌منظور رسیدن به قرب الهی فراهم سازد. ازاین‌رو اگرچه از منظر اخلاق اسلامی قدرت مطلوبیت اصلی ندارد، اما نمی‌توان ارزش مقدمی آن را نفی کرد. البته لازم است برخی ابهاماتی که درباره دایره قدرت و حدود و شیوه‌های تحصیل قدرت و قلمرو آن وجود دارد، مورد واکاوی اخلاقی قرار گیرد. ازاین‌رو این پرسش مطرح می‌شود که از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان قدرت و کمال اخلاقی چگونه تبیین می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه اخلاق، قدرت، کمال اخلاقی، نظام اخلاقی، جوادی آملی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۲۶۸. بررسی رابطه سود جمعی و کمال اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از رابطه لذت و کمال اخلاقی می‌توان ارائه کرد؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در فلسفه اخلاق به بررسی و واکاوی مفاهیم و احکام اخلاقی و نیز غایت اخلاقی می‌پردازند. یکی از مباحث مهم در فلسفه اخلاق بررسی غایت اخلاقی است. در یکی از مکاتب اخلاقی تأکید می‌شود که غایت اخلاقی سود جمعی است. براساس این نگرش هر فردی که بتواند بیشترین سود را برای بیشترین افراد به ارمغان آورد، از نظر اخلاقی در مرتبه بالاتری قرار خواهد گرفت. براساس این نگرش بسیاری از انسان‌های خیر مانند ادیسون واجد معیارهای ارزش اخلاقی خواهند بود. در نظام اخلاقی اسلام با تأکید بر نقش نیت در اخلاقی شمردن یک رفتار، فعالیت انسان‌های خیری که در رفتار خود فاقد نیت هستند، غیراخلاقی شمرده می‌شود. علامه مصباح یزدی با تمرکز بر مکاتب اخلاقی به نقد و بررسی این مکاتب پرداخته است. باین حال، همچنان ابهام‌هایی در این زمینه وجود دارد. اینجاست که این چالشی برای نظام اخلاق اسلامی به وجود می‌آید که رابطه سود جمعی با کمال اخلاقی چگونه تبیین می‌شود؟ بنابراین می‌توان پرسش را این گونه صورت‌بندی کرد: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی رابطه میان سود جمعی و کمال اخلاقی چگونه تبیین می‌شود؟
 کلیدواژه: فلسفه اخلاق، سود جمعی، کمال اخلاقی، نظام اخلاقی، مصباح یزدی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۲۶۹. بررسی تطبیقی «حاکم» در احکام اخلاقی از منظر کانت و ملاصدرا

سؤال: برپایه یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اختلاف و شباهتی میان نگرش کانت و ملاصدرا به «حاکم» در احکام اخلاقی وجود دارد؟
 تبیین مسئله: یکی از مسائل فلسفه اخلاق، مسئله چیستی و ویژگی‌های «احکام اخلاقی» است. در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای انجام گرفته است. از جمله مسائل مرتبط به احکام اخلاقی، منشأ و خاستگاه حکم اخلاقی است. اینکه حاکم در احکام اخلاقی چه مبدأی است،



پرسشی جدی است که برخی از فیلسوفان اخلاق را بر آن داشته است با تأمل و دقت در این زمینه به طرح دیدگاه‌ها و نظریه‌هایی بپردازند. از جمله فیلسوفان اخلاق، ایمانوئل کانت است که معتقد است حاکم در احکام اخلاقی، عقل عملی انسان است. وی با رد ارزش و اعتبار عقل نظری، بر اعتبار عقل عملی تأکید دارد. در حقیقت در نگرش او، عقل عملی بریده از عقل نظری است و در احکام خود استقلال دارد. در مقابل، در سنت فلسفه اسلامی بسیاری از فیلسوفان بر این باورند که عقل عملی ساحت دیگری از قوه عقل است که در کنار ساحت عقل نظری به انسان در دستیابی به معرفت یاری می‌رسانند. مُدرکات عقل نظری و مُدرکات عقل عملی هر دو برخاسته از یک حقیقت هستند. از این رو ارتباط میان عقل نظری و عقل عملی بسیار وثیق است. باتوجه به اینکه نگرش ملاصدرا به حاکم در عقل عملی در تقابل با نگرش کانت قرار می‌گیرد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که بر پایه یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اختلاف و شباهتی میان نگرش کانت و ملاصدرا به حاکم در احکام اخلاقی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، حاکم، حکم، کانت، ملاصدرا.

قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۷۵.

۲۷۰. بررسی تطبیقی غایت اخلاقی در نظام اخلاق عقلی و نظام اخلاق نقلی

سؤال: در یک تحقیق تطبیقی چه وجوه اختلاف و شباهتی میان غایت اخلاقی در نظام اخلاق عقلی و نظام اخلاق نقلی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل فلسفه اخلاق، غایت در اخلاق است. فیلسوفان اخلاق با استفاده از روش عقلی به بررسی غایت اخلاق پرداخته‌اند و در این زمینه اموری مانند سعادت و خیر همگانی را غایت اخلاق معرفی کرده‌اند. در حکمت متعالیه نیز سخن از غایت اخلاقی به میان آمده است و برای واکاوی آن از روش عقلی استفاده شده است. تأکیدی که حکمت متعالیه بر هماهنگی عقل و نقل در مسائل اساسی دارد، این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا در زمینه چیستی غایت اخلاقی نیز چنین هماهنگی میان عقل و نقل وجود دارد؟ یا آنکه شاهد تقابل و تعارض میان نگرش دین اسلام به غایت اخلاقی و نگرش عقلی - فلسفی به غایت اخلاقی هستیم؟ بنابراین برای احراز نسبت میان نگرش دین و نگرش فلسفه به غایت اخلاقی مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که در یک تحقیق تطبیقی چه وجوه اختلاف و وجوه میان غایت اخلاقی در نظام اخلاق عقلی و نظام اخلاق نقلی وجود دارد؟



کلیدواژه: فلسفه اخلاق، غایت اخلاق، نظام اخلاقی، اخلاق نقلی، اخلاق اسلامی.
قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۲۷۱. بررسی تطبیقی «فضایل عقلی» از نظر لیندا زگزیسکی^۱ و آیت الله جوادی آملی

سؤال: براساس یک تحقیق مقایسه‌ای چه وجوه شباهت و تفاوتی میان نگرش زگزیسکی و آیت الله جوادی آملی درباره فضایل عقلی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در این شاخه عقلی - فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق پرداخته می‌شود. امروزه بخشی از مباحث فلسفه اخلاق به واکاوی چیستی و گونه‌های فضیلت اخلاقی معطوف است. بسیاری از فیلسوفان اخلاق به بررسی این نکته می‌پردازند که معیار فضیلت اخلاقی چیست؟ و انواع مختلف آن کدام است؟ از میان فیلسوفان اخلاق لیندا زگزیسکی با تمرکز بر فضایل عقلی به تفصیل به بررسی چیستی و انواع فضایل عقلی پرداخته است. مقصود او از فضیلت عقلی آن دسته از معیارهای رفتاری است که ناظر به رفتار اختیاری عقل در زمینه دستیابی به معرفت است. در سنت اسلامی نیز آیت الله جوادی آملی در برخی از آثار خود فضایل عقلی و موانع دستیابی عقل به معرفت را مورد توجه قرار داده است. از این رو جای بررسی این مسئله وجود دارد که براساس یک تحقیق مقایسه‌ای چه وجوه شباهت و تفاوتی میان نگرش زگزیسکی و آیت الله جوادی آملی درباره فضایل عقلی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، فضیلت عقلی، زگزیسکی، فضیلت عقلی، جوادی آملی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

۲۷۲. بررسی امکان ارائه نظام اخلاق اسلامی براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: با مبنا قرار دادن حکمت متعالیه چه تبیینی از نظام اخلاق اسلامی می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه اخلاق، پژوهش درباره مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق است. از جمله ثمر نگرش عقلی به مباحث اخلاقی، پی بردن به این نکته است که آیا می‌توان با تدوین و تنظیم مبانی اخلاق، به ارائه یک نظام اخلاقی همت گماشت؟

1. linda-zagzebski.



برخی از فیلسوفان اخلاق سعی کرده‌اند بررسی مبادی و مبانی اخلاق را مقدمه‌ای برای تدوین و تنظیم یک نظام اخلاقی قرار دهند، اما ارائه یک نظام اخلاقی رعایت شروط و شرایطی را اقتضا می‌کند که احراز آن کار ساده‌ای نیست. باتوجه به اینکه حکمت متعالیه، مکتبی فلسفی و تکامل‌یافته در سنت اسلامی است و به بسیاری از قلمروهای علمی ورود کرده است، پرسش این است که آیا نظام حکمت صدرایی ظرفیت لازم را برای تدوین یک نظام کامل اخلاقی دارد؟ به عبارت دیگر با مبنا قرار دادن حکمت متعالیه چه تبیینی از نظام اخلاق اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، نظام اخلاقی، اخلاق اسلامی، اخلاق عقلی، اخلاق متعالیه.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

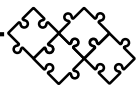
۲۷۳. بررسی «شهودگرایی» در فلسفه اخلاق از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر شهودگرایی در فلسفه اخلاق وارد است؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در این شاخه عقلی و فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث فلسفه اخلاق، رویکرد و روش بررسی مسائل اخلاقی است. درحالی که برخی در پی آن هستند که نظام استنتاج قیاسی را شیوه‌ای برای بررسی مسائل اخلاقی به شمار آورند، برخی دیگر از فیلسوفان اخلاق با انتخاب روش «شهودگرایی» بر این نکته تأکید می‌کنند که دست کم برخی از حقایق اخلاقی را می‌توان از راهی غیراستنتاجی دریافت. برای مثال مفهوم «خیر» حقیقتی است که می‌توان آن را از راه شهود درک کرد. باتوجه به تأکیدی که علامه مصباح یزدی بر جریان روش عقلی در قلمرو اخلاق دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر شهودگرایی در فلسفه اخلاق وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، شهودگرایی، نظام اخلاقی، اخلاق اسلامی، مصباح یزدی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۵.

۲۷۴. بررسی رابطه فضایل عقلی و فضایل اخلاقی از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه رابطه‌ای میان فضایل عقلی و فضایل اخلاقی وجود دارد؟
 تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه اخلاق، بررسی چیستی فضیلت اخلاقی است.



بسیاری از فیلسوفان اخلاق متقدم به این بحث پرداخته‌اند، سپس برای مدتی در دوره جدید این بحث از محور مباحث فلسفه اخلاق کنار رفت و کمتر مورد توجه قرار گرفت. امروزه با بسط و گسترش مباحث فلسفه اخلاق، توجهی مجدد به مباحثی مانند فضیلت اخلاقی صورت گرفته است. از جمله مباحث مرتبط با بحث فضایل اخلاقی، رابطه این دسته از فضایل با فضایی است که به فضیلت عقلی شناخته می‌شوند. فضایل اخلاقی معیارهایی برای رفتارها و اعمال انسان است، درحالی که فضایل عقلی ملاک‌هایی است برای بازشناسی رفتار مناسب و درست عقلی در مقابل، رفتار نامناسب و نادرست است. اما سؤال اصلی این است که آیا این دو دسته از فضایل کاملاً از هم مستقل هستند یا آنکه میان آن‌ها ارتباط وثیقی وجود دارد؟ باتوجه به اینکه علامه طباطبائی به تفصیل به مباحث مرتبط با فضایل پرداخته است، می‌توان این پرسش را مطرح و بررسی ساخت که از منظر علامه طباطبائی چه رابطه‌ای میان فضایل عقلی و فضایل اخلاقی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، فضیلت اخلاقی، فضیلت عقلی، نظام اخلاقی، علامه طباطبائی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۲۷۵. بررسی تطبیقی غایت اخلاقی در نظام اخلاق عرفانی و نظام اخلاق فلسفی

سؤال: در یک پژوهش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت اخلاقی در نظام اخلاق عرفانی و نظام اخلاق فلسفی وجود دارد؟

تبیین مسئله: در فلسفه اخلاق به بررسی غایت اخلاقی پرداخته می‌شود. بسیاری از فیلسوفان اخلاق بر این باورند که هر فردی به دنبال «خیر» است، اما اینکه مصداق این خیر چیست، میان فیلسوفان اخلاق اختلاف نظر وجود دارد. می‌توان گفت براساس روش عقلی «سعادت» غایت فعل اخلاقی شناخته می‌شود، اما در نظام کنار فلسفه، در عرفان نظری نیز مطالبی درباره غایت اخلاق مطرح شده است. باتوجه به اینکه هرگونه مقایسه و سنجش میان یافته‌های فلسفی با یافته‌های سایر علوم به دقت و اتقان مباحث فلسفی کمک می‌کند، مناسب است با درپیش گرفتن رویکردی تطبیقی به بررسی این مسئله پرداخت که در یک پژوهش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت اخلاقی در نظام اخلاق عرفانی و نظام اخلاق فلسفی وجود دارد؟



کلیدواژه: فلسفه اخلاق، زبان اخلاق، اخلاق اسلامی، نظام اخلاق، اخلاق عرفانی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۲۷۶. بررسی کاربری شهودات مشترک زبانی به‌منزله ابزار تشخیص مصادیق اخلاقی

سؤال: چه انتقادهایی بر کاربری شهودات مشترک زبانی به‌منزله ابزار تشخیص مصادیق اخلاقی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه اخلاق یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی مبادی و مبانی اخلاق پرداخته می‌شود. یکی از مباحث مهم در فلسفه اخلاق واکاوی روش‌هایی است که برای تشخیص کارهای خوب از کارهای بد به کار می‌رود. اگرچه این بحث یکی از مباحث بسیاری کلیدی در زمینه اخلاق است، ولی کمتر توجهی را از سوی فیلسوفان اخلاق متقدم جلب کرده است. برای نمونه ارسطو تنها در عبارات موجزی اذعان می‌کند که «بصیرت» معیاری اثباتی برای تشخیص کارهای خوب از کارهای بد است. فیلسوفان اخلاق در دهه‌های اخیر به این بحث توجه کرده‌اند و معیارهایی را مطرح کرده‌اند. ازجمله معیارهایی که در این زمینه مطرح شده است، تکیه بر شهودات مشترک زبانی است. باتوجه به اینکه زبان اساساً امری اعتباری است درحالی که قواعد اخلاقی فراتر از اعتبار و جعل هستند، این پرسش مطرح می‌شود که چه انتقادهایی به معیار قرار دادن شهودات مشترک زبانی وارد است. به عبارت دیگر چه انتقادهایی بر کاربری شهودات مشترک زبانی به‌منزله ابزار تشخیص مصادیق اخلاقی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، زبان اخلاقی، شهودات اخلاقی، اخلاق اسلامی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۲۵.

۲۷۷. بررسی نقش جنسیت در نظام اخلاق اسلامی (مفاهیم، قواعد، روش و غایت)

سؤال: جنسیت چه نقشی در نظام اخلاق اسلامی (مفاهیم، قواعد، روش، و غایت) بر عهده دارد؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه اخلاق است. در این شاخه فلسفی به پژوهش و تحقیق درباره مبادی و مبانی علم اخلاق پرداخته می‌شود. در سده اخیر و به تبع رواج موج فمینیسم برخی مسائل جدید وارد عرصه اجتماعی گردید. این مسائل عمدتاً درباره نقش زن در جامعه و میزان و حدود اختیارات و آزادی زن بود. رفته‌رفته این مباحث



وارد عرصه علمی نیز شد و در بسیاری از شاخه‌های علمی، مسئله زن و جایگاه او به پرسش اصلی تبدیل شد. طرح این مباحث رفته‌رفته به موجی از فمینیسم در عرصه علمی انجامید. این موج، فلسفه اخلاق را نیز شامل گردید و این پرسش مطرح شد که جنسیت چه نقشی در نظام اخلاقی بر عهده دارد. باتوجه‌به اینکه نظام اخلاقی اسلام ازسوی خداوند نازل شده است و در این نظام به همه نیازهای انسان توجه شده است، این پرسش مطرح می‌شود که جنسیت چه نقشی در نظام اخلاق اسلامی (مفاهیم، قواعد، روش، و غایت) بر عهده دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، غایت اخلاق، غایت اخلاق، روش اخلاق، اخلاق اسلامی، جنسیت.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۲۷۸. بررسی جایگاه اخلاق در قلمرو خصوصی با تأکید بر نظام اخلاق اسلامی

سؤال: جایگاه اخلاق در قلمرو خصوصی از منظر اخلاق اسلامی چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه اخلاق یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی عقلی مبادی و مبانی علم اخلاق می‌پردازد. ازجمله مباحث مطرح در فلسفه اخلاق رابطه اخلاق با دانش‌های همگن مانند حقوق است. در قلمرو حقوق تمایز میان قلمرو خصوصی و قلمرو عمومی یکی از تمایزهای اساسی است که بسیاری از قواعد حقوقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعاملات علم حقوق و علم اخلاق موجب گشته تا مشابه همین تمایز در ساحت اخلاق نیز مطرح گردد و این مسئله مورد توجه قرار گیرد که قواعد اخلاقی ناظر به حوزه عمومی چه تفاوتی با قواعد اخلاقی ناظر به حوزه خصوصی دارد. باتوجه‌به اینکه نظام اخلاق اسلامی ازجمله کامل‌ترین نظام‌های اخلاقی است می‌توان این پرسش را ناظر به اخلاق اسلامی این‌گونه صورت‌بندی کرد که جایگاه اخلاق در قلمرو خصوصی از منظر اخلاق اسلامی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه اخلاق، حوزه خصوصی، اخلاق اسلامی، نظام اخلاقی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱،۲،۱۱. فلسفه علم حقوق

یکی دیگر از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در ادامه برخی از مسائل نوپدید در قلمرو فلسفه علم حقوق را از نظر می‌گذرانیم.

۲۷۹. بررسی دایره حق برای انسان و حیوان از منظر مبانی عقلی حقوق اسلامی

سؤال: از منظر مبانی عقلی حقوق اسلامی دایره حق برای انسان و حیوان چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبانی، اصول و پیش‌فرض‌های علم حقوق پرداخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین مسائل فلسفه علم حقوق، دایره حقوق است. بسیاری از حقوق‌دانان براساس تحلیل‌های جامعه‌شناختی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که اساساً خاستگاه و قلمرو حقوق، زندگی اجتماعی انسان است و جامعه انسانی قلمرو حقوق را تشکیل می‌دهد. درمقابل، مرور برخی از نظام‌های حقوقی مانند حقوق اسلامی گواه آن است که در این نظام‌های حقوقی، پاره‌ای از حقوق شامل حیوانات و حتی محیط زیست نیز می‌شود. برای مثال در رساله حقوق امام سجاد^ع مواردی از حقوقی ذکر شده است حیوان بر عهده مالک خود دارد. اکنون و باتوجه به این موارد این پرسش مطرح می‌شود که از منظر مبانی عقلی حقوق اسلامی دایره حق درباره انسان و حیوان چگونه تبیین می‌گردد؟
کلیدواژه: فلسفه حقوق، حق، حیوان، حقوق اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۲۸۰. بررسی نقش زبان متعارف در فهم قواعد حقوقی از منظر شهید صدر و هربرت هارت^۱

سؤال: در یک بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان تلقی شهید صدر و هربرت هارت از نقش زبان متعارف در فهم قواعد حقوقی دیده می‌شود؟
تبیین مسئله: در مباحث فلسفه علم حقوق، موضوعات مختلفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از این مسائل، نقش زبان در فهم قواعد حقوقی است. باتوجه به اینکه بسیاری از قواعد حقوقی در قالب متون و نصوص مطرح شده است، قواعد استظهارات زبانی نقشی مهم در فهم و تفسیر این قوانین دارد. مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد اختلافی است که در بین برخی فیلسوفان حقوق در نحوه کاربست زبان در فهم و تفسیر حقوق و قوانین وجود دارد. برای نمونه شهید صدر در کتب مختلف خود از جمله کتب اصول فقه به تفصیل به نحوه برداشت و استنباط از منابع حقوق اشاره کرده است. در مقابل، در سنت غربی نیز هربرت

1. Herbert Lionel Adolphus Hart.



هارت به تفصیل به جایگاه و نقش زبان متعارف در فهم قواعد حقوقی پرداخته است. با توجه به این پیشینه، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که در یک بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان تلقی شهید صدر و هربرت هارت از نقش زبان متعارف در فهم قواعد حقوقی دیده می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، زبان حقوق، زبان متعارف، شهید صدر، هربرت هارت.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

۲۸۱. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم حقوق از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: در مباحث فلسفه علم حقوق به ابعاد مختلف و پیش‌فرض‌های علم حقوق پرداخته می‌شود. از جمله این موارد مباحث مربوط به معرفت‌شناسی گزاره‌های حقوقی است. روشن است که علم حقوق به تولید و ارائه پاره‌ای از گزاره‌ها خواه در قالب گزاره‌های اخباری خواه در قالب گزاره‌های انشائی می‌پردازد. اما نکته اصلی این است که اگر بخواهیم از زاویه معرفت‌شناسی اسلامی به این دسته از گزاره‌ها بنگریم، اعتبار و ارزش معرفت‌شناختی این گزاره‌ها چگونه تبیین می‌گردد؟ در معرفت‌شناسی اسلامی معیارها و ملاک‌هایی برای ارزیابی اعتبار هرگونه گزاره و تصدیق ارائه شده است. از این رو می‌توان مبنای ارزیابی خود را معرفت‌شناسی اسلامی قرار داد. به بررسی این پرسش پرداخت که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، معرفت‌شناسی، گزاره حقوقی، صدق، اعتبار، توجیه.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۲۸۲. بررسی مبادی تصویری علم حقوق از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در این دانش عقلی به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم حقوق پرداخته می‌شود. روشن است که

بسیاری از مباحث علم حقوق در گرو پاره‌ای از تصورات و اصطلاحات فنی است که ابهام یا اشتباه در تلقی و تفسیر آن می‌تواند مسیر بسیاری از مباحث حقوق را تغییر دهد. نکته مهمی که در اینجا مطرح می‌شود واکاوی این مفاهیم و تصورات است. می‌توان این مفاهیم را از منظر معرفت‌شناسی تجزیه و تحلیل کرد و به منشأ انتزاع آن‌ها پی برد. افزون بر این می‌توان ضمن سنخ‌شناسی تصورات به کاررفته در علم حقوق، رابطه آن‌ها را با سایر مفاهیم عقلی و فلسفی بررسی کرد. این کار می‌تواند به ایضاح و توضیح دقیق تصورات علم حقوق کمک کند. برای مثال بحث از چیستی و منشأ انتزاع مفهوم «الزام» می‌تواند پرده از این حقیقت بر دارد که آیا قلمرو الزام شامل رفتارهای اختیاری و ارادی می‌شود یا افزون بر این موارد، شامل برخی رفتارهای غیراختیاری و ارادی نیز می‌شود؟ از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، مبادی تصویری، مبانی علم حقوق، نظام حقوقی اسلام.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۲۸۳. بررسی مبادی تصدیقی علم حقوق از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در این دانش عقلی به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم حقوق پرداخته می‌شود. روشن است که بسیاری از مباحث علم حقوق بر پیش‌فرض‌ها و اصولی استوار شده‌اند که لازم است در علمی مقدم بر علم حقوق مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد. همچنین لازم است به بررسی استدلال‌هایی پرداخت که در دفاع از این اصول و پیش‌فرض‌ها مطرح شده است؛ چه اینکه هرگونه ابهام یا اشتباه در فهم و درک این اصول می‌تواند مسیر بسیاری از مباحث حقوق را تغییر دهد. نکته مهمی که در اینجا مطرح می‌شود واکاوی این مبادی تصدیقی است. می‌توان این تصدیقات را از منظر معرفت‌شناسی تجزیه و تحلیل کرد و به معیار ارزش و اعتبار آن‌ها پی برد. افزون بر این می‌توان ضمن سنخ‌شناسی تصدیقات به کاررفته در علم حقوق، رابطه آن‌ها با سایر تصدیقات عقلی و فلسفی را بررسی کرد. این کار می‌تواند به ایضاح و توضیح



دقیق گزاره‌های علم حقوق کمک کند. برای مثال بحث از مسئول بودن انسان، بحث از محدود بودن دایره مسئولیت به آگاهی و قدرت، می‌تواند پرده از این حقیقت بردارد که آیا قلمرو تکالیف و الزام حقوقی شامل رفتارهای آگاهانه و ارادی می‌شود یا افزون بر این موارد، شامل برخی رفتارهای غیرآگاهانه و غیرارادی نیز می‌شود؟ از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، مبادی تصدیقی، مبانی علم حقوقی، نظام حقوقی اسلام.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۲۸۴. بررسی رابطه علم اخلاق و علم حقوق از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از رابطه علم اخلاق و علم حقوق می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف می‌توان به فلسفه علم حقوق اشاره کرد. این شاخه فلسفی عهده‌دار بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم حقوق است. برای نمونه واکاوی مفاهیم کلیدی مانند حق، تکلیف، الزام، و نیز گزاره‌هایی مانند مسئول بودن انسان و لزوم آگاهی‌بخشی به حقوق و قوانین بر عهده فلسفه علم حقوق است. از سوی دیگر علم حقوق با سایر علوم مانند فلسفه اخلاق روابطی دارند که بررسی روابط میان آن‌ها می‌تواند به فهم و درک بهتر مباحث علم حقوق کمک کند. باتوجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی مباحث حقوقی اسلام و نیز مباحث اخلاق اسلامی را مورد توجه قرار داده است، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از رابطه علم اخلاق و علم حقوق می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، فلسفه اخلاق، نظام حقوقی، حقوق اسلام، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۲۸۵. بررسی تطبیقی جایگاه نیت در فعل اخلاقی و فعل حقوقی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان جایگاه نیت در فعل اخلاقی و فعل حقوقی وجود دارد؟

تبیین مسئله: مباحث مختلفی در فلسفه علم حقوق مورد بررسی قرار می‌گیرد. از جمله

این مباحث اشاره به شرایط اساسی تحقق یک فعل حقوقی زمینه‌ساز مسئولیت حقوقی است. این مسئله می‌تواند ارتباط و پیوندی با مسایل سایر علوم - که به بررسی رفتار و کنش افراد می‌پردازند- داشته باشد. برای مثال در فلسفه علم اخلاق به واکاوی عناصر مؤثر در شکل‌گیری فعل اختیاری پرداخته می‌شود. همچنین نیت عنصری است که در علم اخلاق بسیار اهمیت دارد و از این‌رو بسیاری از مباحث علم اخلاق ناظر به عنصر نیت تنظیم و تدوین شده است. با توجه به اینکه مرور متون حقوقی گواه آن است که در دانش حقوق نیز به مسئله نیت توجه شده است. علامه مصباح یزدی در آثار خود به مباحث اخلاقی پرداخته است و به ویژگی‌های نظام حقوقی اسلام توجه کرده است. از این‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر علامه مصباح یزدی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان جایگاه نیت در فعل اخلاقی و فعل حقوقی وجود دارد؟

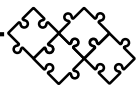
کلیدواژه: فلسفه حقوق، نیت، اخلاق، فلسفه اخلاق، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۲۸۶. بررسی لوازم نظریه اعتباریات علامه طباطبائی در فلسفه حقوق

سؤال: نظریه اعتباریات علامه طباطبائی چه لوازمی در فلسفه حقوق به دنبال دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. این شاخه فلسفی با استفاده از روش عقلی به واکاوی مبانی، اصول و پیش‌فرض‌های علم حقوق می‌پردازد. در میان رویکردهایی که در فلسفه علم حقوق مطرح است، برخی با نظریه‌پردازی مبنای خاصی برای تحلیل اصول و مبانی علم حقوق فراهم ساخته‌اند. برای نمونه علامه طباطبائی با طرح نظریه اعتباریات بستر علمی مناسب برای تجزیه و تحلیل مسائل علم حقوق فراهم ساخته است. اگرچه این نظریه دلالت‌های بسیاری در علم حقوق دارد، ولی دلالت‌ها و لوازم آن مورد توجه قرار نگرفته است. از این‌رو جای طرح این پرسش وجود دارد که نظریه اعتباریات علامه طباطبائی چه لوازمی در فلسفه حقوق به دنبال دارد؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، اعتباریات، نظام حقوقی، علامه طباطبائی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.



۲۸۷. بررسی تطبیقی مکتب غایت‌گرایی و قراردادگرایی در فلسفه حقوق

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان مکتب غایت‌گرایی و مکتب قراردادگرایی در فلسفه حقوق می‌توان استخراج کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم حقوق ازجمله فلسفه‌های مضاف است که با کاربست روش عقلی و فلسفی به بررسی و واکاوی مبانی، اصول و پیش‌فرض‌های علم حقوق می‌پردازد. باتوجه‌به نیاز این سنخ مباحث به طرح نظریه‌های کلان، برخی از فیلسوفان علم حقوق به طرح نظریه‌های اساسی در فلسفه علم حقوق پرداخته‌اند. ازجمله این نظریه‌ها می‌توان به غایت‌گرایی و قراردادگرایی اشاره کرد که تلاش دارند با تکیه بر گزاره‌های علم حقوق به واکاوی آن‌ها براساس غایت یا قرارداد بپردازند. در غایت‌گرایی هدف اصلی از تقنین و اجرای قانون را رسیدن به غایت خاصی می‌دانند که ازسوی جامعه یا هر نهاد دیگری مورد توجه قرار گرفته است، درحالی‌که براساس قراردادگرایی خاستگاه قوانین به قرارداد و معاهده میان دو طرف تفسیر می‌شود. هرکدام از این نظریه‌ها قوت‌ها و کاستی‌هایی دارند. آگاهی از این قوت‌ها و ضعف‌ها، تنها در سایه انجام پژوهش تطبیقی میسر است. ازاین‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان مکتب غایت‌گرایی و مکتب قراردادگرایی در فلسفه حقوق می‌توان استخراج کرد؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، غایت‌گرایی، قراردادگرایی، نظام حقوقی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۲۸۸. بررسی رابطه فلسفه حق و فلسفه حقوق براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: رابطه میان فلسفه حق و فلسفه حقوق از منظر آیت‌الله جوادی آملی چگونه تبیین می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم حقوق پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث این شاخه فلسفی واکاوی و ایضاح اصطلاحات و تصورات به‌کاررفته در علم حقوق است. برای مثال در علم حقوق، کلمه حقوق به دو معنای متفاوت به‌کاررفته است؛ یکی حقوق نفس‌الامری است که هر فرد انسانی می‌تواند واجد آن باشد، و دیگری حقوق، به‌معنای قانون است. ابهام در کاربرد این دو اصطلاح باعث گسترش ابهام به مباحث دیگر شده است و رفته‌رفته دو شاخه مختلف در علم حقوق شکل گرفته است که یکی به بررسی فلسفه حق می‌پردازد و دیگری به

فلسفه قانون. به هر حال این دو شاخه مختلف، دارای اشتراکات و اختلافاتی است. با توجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی از متفکران معاصر اسلامی است که به مباحث حق و نیز به مباحث مرتبط با قانون توجه داشته است، می‌توان این مسئله را مطرح ساخت که رابطه میان فلسفه حق و فلسفه حقوق از منظر آیت‌الله جوادی آملی چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، حق، فلسفه حق، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۲۸۹. بررسی انتقادی مکتب پوزیتیویسم حقوقی از منظر فلسفه حقوق اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه حقوق اسلامی چه نقدهایی بر مکتب پوزیتیویسم حقوقی وارد است؟

تبیین مسئله: شاخه فلسفه علم حقوق از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که عهده‌دار بررسی مسائل کلیدی و اساسی در علم حقوق است. از جمله مباحث مطرح در فلسفه علم حقوق، واکاوی چیستی و منشأ قوانین و خاستگاه ضرورت آنهاست. یکی از مکاتبی که به بررسی این مسئله پرداخته است، مکتب پوزیتیویسم است. این مکتب ضمن رد هر گونه حق طبیعی، خاستگاه اصلی حقوق را در اراده جمعی جست‌وجو می‌کند. با توجه به سیال بودن اراده جمعی در هر دوره‌ای، در این مکتب ثبات و استمرار قوانین حقوقی انکار می‌شود. این مکتب با نگرش اسلامی به فلسفه حقوق در تقابل است؛ چراکه در مکتب حقوقی اسلام منشأ حق، حضرت حق سبحانه است که خالق و پروردگار انسان است. از این رو لازم است با نگاهی انتقادی به بررسی مکتب پوزیتیویسم در قلمرو حقوق پرداخت. بنابراین سؤال تحقیق این گونه تقریر می‌شود که از منظر فلسفه حقوق اسلامی چه نقدهایی بر مکتب پوزیتیویسم حقوقی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، حق، تکلیف، خاستگاه حق، پوزیتیویسم، نظام حقوقی اسلام.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۲۹۰. بررسی رابطه میان غایت اخلاقی و غایت حقوقی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تحلیلی از رابطه میان غایت اخلاقی و غایت حقوقی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در این شاخه



عقلی به پژوهش در مسائل بنیادین علم حقوق پرداخته می‌شود. برای نمونه، واکاوی چیستی حق و پژوهش در زمینه چیستی الزام از جمله مباحث فلسفه علم حقوق است. همچنین بحث و بررسی درباره غایت علم حقوق نیز در شمار مباحث این شاخه فلسفی است. از سوی دیگر باتوجه به اینکه بررسی غایت علم حقوق، بی‌ارتباط با مباحث مربوط به کنش انسانی نیست، شاخه‌های دیگری در علوم عقلی نیز می‌توان یافت که به بررسی کنش انسانی و از آن جمله، کنش‌های اختیاری بپردازند. برای نمونه در علم اخلاق نیز به واکاوی غایت فعل اخلاقی پرداخته می‌شود. در علم اخلاق، غایت افعال اختیاری رسیدن به سعادت تعریف می‌شود، و در علم حقوق رسیدن به نظم و انضباط اجتماعی غایت حقوق تعریف شده است. آیت‌الله جوادی آملی از جمله متفکران معاصر است که مباحث اخلاقی و نیز مباحث فلسفه علم حقوق را در آثار خود مورد توجه قرار داده است. از این رو جای بررسی رابطه میان سعادت و نظم اجتماعی در آثار ایشان وجود دارد؛ بنابراین باید پرسید، که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تحلیلی از رابطه میان غایت اخلاقی و غایت حقوقی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، اخلاق، فلسفه اخلاق، غایت.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۲۹۱. بررسی تحلیلی – عقلی مفهوم «الزام» از منظر علامه طباطبائی گروه حقوق

سؤال: براساس نگرش علامه طباطبائی چه تحلیل عقلی از مفهوم الزام می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه مضاف مشتمل بر شاخه‌های مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان به فلسفه علم حقوق اشاره کرد. در فلسفه علم حقوق به واکاوی مفاهیم بنیادین و اصول و مبادی تصدیقی علم حقوق پرداخته می‌شود. برای نمونه در فلسفه علم حقوق به پژوهش درباره مفاهیمی مانند حق، تکلیف و الزام و نیز اصولی مانند مسئول بودن انسان و قبح عقاب بدون بیان پرداخته می‌شود. درباره مفهوم الزام، مباحثی جدی مطرح است که مقصود از الزام چیست و خاستگاه آن کدام است؟ فاعل الزام و دایره و قلمرو آن کدام است؟ بسیاری از این مسائل از چنان اهمیتی برخوردار است که هرگونه پاسخ به آن می‌تواند مباحث علم حقوق را در مسیری متفاوت قرار دهد. باتوجه به اینکه علامه طباطبائی در آثار مختلف به مباحث مرتبط با این مفاهیم اساسی پرداخته است، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس نگرش علامه طباطبائی چه تحلیل عقلی از مفهوم الزام می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، الزام، تکلیف، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۲۹۲. بررسی مبادی انسان‌شناختی علم حقوق از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه تحلیلی از مبانی انسان‌شناختی علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه علم حقوق از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که با کاربردی‌ترین روش عقلی، به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم حقوق می‌پردازد. برخی از مبادی تصدیقی علم حقوق، مباحث گسترده‌ای را در فلسفه علم حقوق به دنبال داشته است و بحث و بررسی ادله و شواهدی که در تأیید یا رد آن مطرح شده است، بخش وسیعی از مباحث فلسفه علم حقوق را تشکیل می‌دهد. بخش مهمی از مبادی تصدیقی علم حقوق را مبانی انسان‌شناختی تشکیل می‌دهد. برای نمونه اینکه شرایط عمومی تکلیف چیست و معیار در هر کدام از آن‌ها کدام است؟ روشن است که برای ارزیابی این مبادی انسان‌شناختی به معیارها و ملاک‌هایی نیاز است که خارج از قلمرو علم حقوق تعیین می‌گردد. بنابراین لازم است با آگاهی از این ملاک‌ها و معیارها به واکاوی مبادی تصدیقی علم حقوق پرداخت. بخشی از این معیارها و ملاک‌ها در حکمت متعالیه مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس حکمت متعالیه چه تحلیلی از مبادی انسان‌شناختی علم حقوق می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، مبادی انسان‌شناختی، نظام حقوقی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۲۹۳. بررسی عدالت در فلسفه حقوق و عدالت در فلسفه اخلاق از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از رابطه میان عدالت در فلسفه حقوق و عدالت در فلسفه اخلاق می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم حقوق است. در فلسفه علم حقوق، مفاهیم و گزاره‌های اساسی علم حقوق بررسی می‌شود. برای نمونه، مفاهیمی مانند حق، تکلیف، عدالت و الزام و نیز اصول و مبانی‌ای مانند ملازمه حق و تکلیف و لزوم آگاهانه



بودن تکلیف از جمله مباحث فلسفه علم حقوق است. در میان این مباحث، بحث عدالت از اهمیت چشم‌گیری برخوردار است. هرگونه تفسیر و تحلیل از چیستی عدالت نقش گسترده‌ای در نحوه صورت‌بندی نظام حقوقی دارد؛ چه اینکه بسیاری از قوانین در راستای تأمین عدالت تنظیم شده است. مناسب است با تمرکز بر مفهوم عدالت به بررسی جایگاه آن در دو شاخه فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق پرداخته شود. علامه مصباح یزدی در آثار مختلف خود به مباحث فلسفه اخلاق و نیز به مباحث فلسفه حقوق پرداخته است؛ از این رو مناسب است این پرسش در کانون توجه قرار گیرد که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از رابطه میان عدالت در فلسفه حقوق و عدالت در فلسفه اخلاق می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه حقوق، عدالت، فلسفه اخلاق، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۱۲. فلسفه روش و فلسفه علم روش‌شناسی

فلسفه روش و فلسفه علم روش‌شناسی از جمله شاخه‌های علوم عقلی است که به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی روش می‌پردازد. اگرچه خاستگاه این رشته عمدتاً فلسفه غرب بوده و از این رو فضایی از تجربه‌گرایی بر آن سایه افکنده است، امروزه و با نقادی تجربه‌گرایی زمینه برای پژوهش‌های عقلی درباره فلسفه روش و فلسفه علم روش‌شناسی فراهم شده است. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید این حوزه آشنا می‌شویم.

۲۹۴. بررسی نسبت روش و دانش از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی چه نسبتی میان روش و دانش برقرار است؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف فلسفه روش است. در این شاخه عقلی به بررسی مبادی و مبانی و پیش‌فرض‌های روش‌های تحقیق پرداخته می‌شود. از جمله مهم‌ترین مسائلی که در این شاخه عقلی مورد توجه قرار گرفته است، جایگاه روش در هندسه علوم است. مسئله اصلی این است که آیا روش نیز بخشی از دانش است، در این صورت روش بررسی روش کدام است؟ یا آنکه روش خارج از قلمرو علوم است، در این صورت یافته‌های این حوزه را چگونه باید ارزیابی کرد؟ آنچه باعث پیچیده‌تر شدن این مسئله می‌شود این است که بسیاری از نویسندگان با انتخاب روش‌های پیچیده و مبتنی بر برخی



از نظریه‌های علمی، در ترسیم مرز میان روش و دانش در مانده‌اند. در حکمت متعالیه و با مبنا قرار دادن شهود بسیط، نقطه آغاز روش، ارتباط روشنی با دانش شهودی پیدا می‌کند. از این‌رو حل این دشواره در حکمت متعالیه چندان دشوار نیست. باتوجه به اهمیت این بحث در فضای فلسفه روش می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی حکمت صدرایی چه نسبتی میان روش و دانش برقرار است؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، حکمت صدرایی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۲۹۵. بررسی معیارهای تناسب روش و دانش براساس روش‌شناسی حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی چه معیارهایی برای احراز تناسب روش و دانش وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه روش یکی از شاخه‌های مهم در فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی روش پرداخته می‌شود. از جمله مسائل مهمی که ذهن محققان را درگیر کرده است، نسبت میان روش و دانش است. بسیاری از محققان بر این باورند که همان‌گونه که شاخه‌های دانش، متعدد و متفاوت است، روش‌هایی که در علوم می‌توان به کار بست نیز متعدد و متنوع است. این مطلب هرچند ممکن است مزیتی به شمار آید، چالش‌هایی را نیز به وجود می‌آورد. برای نمونه در کاربرست روش‌ها لازم است به یک اصل اساسی در این زمینه توجه کرد. براساس این اصل، باید میان موضوع دانش و نوع روش تناسب وجود داشته باشد. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که معیار چنین تناسبی چیست؟ آیا نمی‌توان تأثیر عوامل ماورایی در جهان ماده را براساس روش تجربی بررسی کرد؟ چرا؟ در حکمت متعالیه توجه خاصی به انواع راه‌های کسب معرفت و حدود مرز هر کدام شده است. از این‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی حکمت صدرایی چه معیارهایی برای احراز تناسب روش و دانش وجود دارد؟

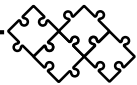
کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۶.

۲۹۶. بررسی کثرت‌گرایی روش‌شناختی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه کثرت‌گرایی روش‌شناختی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در زمینه روش و فلسفه روش، تنوع و کثرت روش‌های



بررسی یک مسئله علمی است. درحالی که برخی بر این باورند که هر موضوعی روش خاصی را می‌طلبد و نباید از روش‌های مختلف برای بررسی یک موضوع استفاده کرد، درمقابل، برخی دیگر بر این باورند که می‌توان با استفاده از روش‌های متنوع از ابعاد مختلف یک موضوع، معرفت به دست آورد. مدافعان تکثر در روش، بر این اعتقادند که هر روش اقتضائات خاص خود را دارد و از این رو تنها بُعدی از ابعاد یک موضوع را بر ما نمایان می‌سازد. بنابراین شناخت کامل از یک پدیده در گرو کاربست روش‌های مختلف است. درمقابل، چالش‌هایی برای این دیدگاه مطرح شده است. در حکمت صدرایی بر پایه تناسب روش و موضوع پژوهش، باور بر این است که هرچند می‌توان درباره برخی از موضوعات، روش‌های مختلف را به کار گرفت، اما این سخن کلیت ندارد. از این رو در برخی موضوعات تنها و تنها یک روش می‌تواند ما را به معرفت برساند. باتوجه به این مطالب می‌توان این مسئله را مطرح ساخت که براساس مبانی حکمت متعالیه کثرت‌گرایی روش‌شناختی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، کثرت‌گرایی روش‌شناختی، وحدت‌گرایی روش‌شناختی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۲۹۷. بررسی معیارهای ارزشیابی روش در حل مسئله

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی چه معیارهایی برای ارزیابی روش‌های حل مسئله وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در فلسفه روش، ارزیابی روش است. درواقع درست است که هر دانشی به روش یا روش‌هایی نیاز دارد و ملاک ارزیابی گزاره‌های آن دانش، کاربست دقیق و صحیح روش مرتبط با آن دانش است، اما نکته در این است که چگونه می‌توان از اعتبار یک روش آگاهی یافت؟ به عبارت دیگر آیا ارزیابی روش‌ها نیز خود تابع کاربست برخی روش‌هاست؟ در این صورت، سیر این روش‌ها تا کجا ادامه خواهد داشت؟ باتوجه به اینکه در بسیاری از مکاتب روش‌شناسی غربی، روش‌هایی مانند «شهود» به رسمیت شناخته نمی‌شود، مسئله فوق به یک چالش جدی و معضل علمی تبدیل می‌گردد. اما در حکمت متعالیه که شهود و بدهات عقلی روشی بنیادین شناخته شده است، حل این مسئله چندان دشوار نیست. از این رو برای بررسی و حل این مسئله می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی حکمت صدرایی چه معیارهایی برای ارزیابی روش‌های حل مسئله وجود دارد؟



کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، حل مسئله، مسئله‌شناسی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۲۹۸. بررسی ابعاد تأثیر متقابل روش و کاربرد از نظر علم‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی ابعاد تأثیر متقابل روش و کاربرد چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در فلسفه روش و روش‌شناسی، توجه به کاربردی روش‌هاست. به عبارت دیگر بعد از واکاوی ابعاد مختلف روش و شروط کاربرد هر یک، لازم است به این بحث توجه کرد که هر کدام از روش‌های کسب معرفت، در هنگام کاربردی با چه مسائلی مواجه می‌شوند؟ توجه به این امر پسینی، محققان را قادر می‌سازد تا از حدود مرز روش‌های مختلف آگاه گردند و در مواردی براساس نحوه کاربرد و نیز پیامدهای کاربرد یک روش، در شروط و شرایط یک روش تجدیدنظر کنند. برای مثال هرگاه روش آزمایشگاهی درباره جمعی از انسان‌ها به کار گرفته شود، در صورتی که افراد انسانی مذکور از اینکه در معرض آزمایش قرار گرفته‌اند، آگاه گردند، این اطلاع می‌تواند بر نتایج آزمایش تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، هر روش نیز اقتضائات خاصی دارد که لازم است به شرایط و اقتضائات آن توجه شود. به عبارت دیگر میان روش و کاربرد آن، نوعی از تعامل و تأثیر و تأثر وجود دارد. با توجه به اهمیت این مسئله، لازم است با تمرکز بر علم‌شناسی صدرایی درباره وجوه این تعامل تحقیق کرد و به این پرسش پاسخ داد که براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی، ابعاد تأثیر متقابل روش و کاربرد چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، علم‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۲۹۹. بررسی معیار «سادگی» در روش از نظر علم‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی معیار سادگی چه جایگاهی در روش دارد؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه روش، تنوع روش‌هاست. بسیاری از فیلسوفان روش بر این باورند که برای بررسی یک موضوع، روش‌های مختلف و متنوعی وجود دارد. گاهی می‌توان از همه روش‌های متصور، برای تحقیق درباره یک پدیده استفاده کرد. اما گاه چاره‌ای نیست جز گزینش یک روش اینجاست که معیارهایی برای ترجیح یک



روش بر روش‌های دیگر مطرح می‌شود. از جمله این معیارها می‌توان به اصل سادگی اشاره کرد. اما اینکه سادگی چگونه می‌تواند معیاری برای ترجیح یک باشد، امری است که خود به تحقیق و پژوهش نیاز دارد. از این رو مناسب است با مبنا قرار دادن علم‌شناسی صدرایی به واکاوی این مسئله بپردازیم و این سؤال را در کانون توجه قرار دهیم که براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی معیار سادگی چه جایگاهی در روش دارد؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، علم‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۳.

۳۰۰. بررسی معیار «کارایی» در روش از نظر علم‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی معیار کارایی چه جایگاهی در روش دارد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه روش، تنوع روش‌هاست. بسیاری از فیلسوفان روش بر این باورند که برای بررسی یک موضوع، روش‌های مختلف و متنوعی وجود دارد. گاهی می‌توان از همه روش‌های متصور برای تحقیق درباره یک پدیده استفاده کرد. اما در مواردی چاره‌ای نیست جز گزینش یک روش از میان روش‌های مختلف. در اینجا است که معیارهایی برای ترجیح یک روش بر روش‌های دیگر مطرح می‌شود. از جمله این معیارها می‌توان به اصل کارایی اشاره کرد. به اجمال، مقصود از کارایی، اثربخشی بهتر یک روش در شناخت یک پدیده است. اما اینکه کارایی چگونه می‌تواند معیاری برای ترجیح یک روش شمرده شود، امری است که خود به تحقیق و پژوهش نیاز دارد. از این رو مناسب است با مبنا قرار دادن علم‌شناسی صدرایی به واکاوی این مسئله بپردازیم و این سؤال را در کانون توجه قرار دهیم که براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی معیار کارایی چه جایگاهی در روش دارد؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، علم‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۳.

۳۰۱. بررسی لوازم روش‌شناختی «تشکیک در وجود» از نظر علم‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی تشکیک در وجود، چه لوازم روش‌شناختی به دنبال دارد؟
تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در قلمرو فلسفه روش و روش‌شناسی، توجه به مبانی

هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی روش است. براساس برخی از مبانی هستی‌شناختی، لازم است ویژگی‌هایی در روش مورد توجه قرار گیرد. برای مثال گفته شده است که اصالت وجود یکی از مبانی هستی‌شناختی است که در روش منطقی مبتنی بر اصالت ماهیت و جدول کلیات خمس تجدیدنظرهایی را ایجاب می‌کند. از درستی یا نادرستی این دیدگاه که بگذریم، مشابه این سخن درباره لوازم تشکیک وجود در روش‌شناسی نیز مطرح است. اگر براساس مبانی هستی‌شناختی، تشکیک وجود را بپذیریم، موضوعات علم، که جملگی از امور وجودی هستند، نیز در معرض چنین تشکیکی خواهند بود. حال مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که تشکیک وجود چه اقتضائاتی درباره کاربست روش به دنبال دارد. می‌توان با مبنا قرار دادن علم‌شناسی صدرایی به واکاوی این مسئله پرداخت که براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی تشکیک در وجود چه لوازم روش‌شناختی به دنبال دارد؟

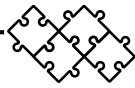
کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، تشکیک وجود، علم‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۳۰۲. بررسی انتقادی «فردگرایی روش‌شناختی» در روش، از نظر علم‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به فردگرایی روش‌شناختی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. در این شاخه عقلی، به بررسی مبادی و مبانی روش پرداخته می‌شود. اختلاف‌نظر در این حوزه به شکل‌گیری مکاتب و جریان‌های گوناگونی انجامیده است که داوری درباره آن، موضوع برخی از تحقیقات فلسفه روش قرار گرفته است. یکی از مکاتبی که در زمینه فلسفه روش مطرح شده است، فردگرایی روش‌شناختی است. براساس فردگرایی روش‌شناختی هرگونه تجزیه و تحلیل پدیده‌های اجتماعی در گرو فروکاستن آن به افراد است. به عبارت دیگر تنها راه شناخت پدیده‌های اجتماعی، تمرکز بر ویژگی‌های افرادی است که آن پدیده اجتماعی را سامان داده‌اند. در این مکتب، هرگونه ویژگی و وصفی که واجد ابعاد اجتماعی باشد، بدون اینکه به فرد تقلیل یابد، انکار می‌شود. اما همین ادعای روش‌شناختی نیز جای واکاوی و بررسی دارد. از این رو می‌توان با مبنا قرار دادن علم‌شناسی صدرایی به بررسی این پرسش پرداخت که براساس مبانی علم‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به فردگرایی روش‌شناختی وارد است؟



کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، فردگرایی روش‌شناختی، علم‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۲/۵.

۳۰۳. بررسی رابطه روش شهودی و روش عقلی از نظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی صدرایی رابطه میان روش شهودی و روش عقلی چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: در فلسفه روش، به تحقیق درباره روش‌های تحقیق پرداخته می‌شود. کسانی که به کثرت روش معتقدند مباحثی درباره روش‌های مختلف تحقیق مطرح می‌کنند. یکی از مباحث مهم در فلسفه روش و روش‌شناسی، بررسی رابطه میان روش‌های مختلف است. برای مثال، اگر در مجموعه روش‌های روش شهودی، روش عقلی، و روش تجربی به رسمیت شناخته شود، لازم است به بررسی رابطه هر کدام از این روش‌ها با دیگری پرداخت. برای مثال، روش شهودی چه نسبتی با روش عقلی دارد و روش عقلی چه ارتباطی با روش تجربی پیدا می‌کند. این سخن، خود از حوزه روش‌شناسی خارج است و لازم است در دانشی عقلی و مقدم بر روش‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. از این رو می‌توان با مینا قرار دادن دانش معرفت‌شناسی، به واکاوی این دست از مسائل پرداخت. بنابراین سؤالی را که در اینجا مطرح است، این گونه می‌توان صورت‌بندی کرد که براساس معرفت‌شناسی صدرایی رابطه میان روش شهودی و روش عقلی چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، روش شهودی، روش عقلی، معرفت‌شناسی، حکمت صدرایی، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۶.

۳۰۴. بررسی روش کاربست نقل در اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی، شیوه کاربست نقل در اسلامی‌سازی علوم انسانی چگونه تبیین می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه روش و روش‌شناسی، بررسی و واکاوی نسبت میان روش‌های مختلف است. در سنت اسلامی با توجه به اثبات اعتبار روش نقلی، روش نقلی نیز در کنار سایر روش‌های پژوهش، مانند روش عقلی و روش تجربی، واجد

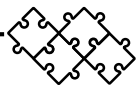
ارزش و اعتبار علمی است. از این رو لازم است به دقت به بررسی ابعاد مختلف روش نقلی پرداخت. یکی از مسائلی که درباره روش نقلی مطرح می‌گردد، نحوه کاربرست آن در تولید علم است. اگر درصدد برآییم علوم انسانی اسلامی را به جهان عرضه کنیم، چگونه می‌توانیم از روش نقلی در این زمینه استفاده کنیم. استاد جوادی آملی یکی از محققان معاصر است که با نگارش کتاب‌های مختلف، از جمله کتاب منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، برخی از ابعاد کاربرست روش نقلی در تولید علم را مورد توجه قرار داده است. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی شیوه کاربرست نقل در اسلامی‌سازی علوم انسانی چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، اسلامی‌سازی علوم، روش نقلی، حکمت متعالیه، آیت‌الله جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۶.

۳۰۵. بررسی «جمع‌گرایی روش‌شناختی» از منظر روش‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به جمع‌گرایی روش‌شناختی وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در قلمرو فلسفه روش و روش‌شناسی، وجود روش‌های مختلف بررسی یک پدیده است. افزون بر کثرت روش‌ها، دیدگاه‌ها و نگرش‌ها به روش‌های مختلف و متنوع نیز بر پیچیدگی مسائل روش‌شناسی افزوده است. ظهور مکاتب مختلفی که هر کدام معیارهایی برای کاربرست روش‌ها مطرح کرده‌اند، ایجاب می‌کند در وهله نخست داوری‌ها را درباره این مکاتب سنجید و سپس درباره آن‌ها اظهارنظر کرد. یکی از مکاتبی که درباره روش‌شناسی مطرح شده است، جمع‌گرایی روش‌شناختی است. مدافعان این نگرش بر این باورند که اساساً هر امر انسانی خارج از جامعه انسانی شکل نمی‌گیرد. بنابراین حتی فردی‌ترین پدیده انسانی را نیز باید براساس جمع‌گرایی و نگرش اجتماعی تجزیه و تحلیل کرد. باتوجه به اینکه این نگرش چالش‌هایی را به وجود آورده است، که از جمله آن می‌توان به فروکاهش‌گرایی فرد به جمع اشاره کرد، لازم است به بررسی این نگرش پرداخت. از این رو می‌توان با مبنا قرار دادن روش‌شناسی صدرایی به بررسی این پرسش پرداخت که براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به جمع‌گرایی روش‌شناختی وارد است؟



کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، جمع‌گرایی روش‌شناختی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۳.

۳۰۶. بررسی انتقادی «انحصارگرایی روش‌شناختی» از منظر روش‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به انحصارگرایی روش‌شناختی وارد است
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. در
 این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی روش پرداخته می‌شود. ازجمله مباحثی که در
 دهه‌های اخیر مطرح شده است، مسئله انحصارگرایی روش‌شناختی است. توضیح آنکه
 باتوجه به کثرت و تنوع روش‌ها برخی بر این باورند که با روش‌های مختلف می‌توان به بررسی
 یک موضوع پرداخت، درمقابل، برخی بر این باورند که هر موضوعی تنها تاب کاربست یک
 روش را دارد و نباید از روش‌های مختلف، در مطالعه یک پدیده استفاده کرد. باتوجه به اینکه
 از دیدگاه اخیر به انحصارگرایی روش‌شناختی تعبیر می‌شود و براساس آن لازم است از میان
 روش‌های مختلف بررسی یک پدیده، تنها بر یک روش تمرکز کرد، این پرسش مطرح
 می‌شود که ادله مدافعان این دیدگاه چیست و استفاده از روش‌های مختلف، دست‌کم در
 برخی از موضوعات چه پیامدهایی به دنبال دارد. می‌توان با مبنا قرار دادن روش‌شناسی
 صدرایی به بررسی این مسئله پرداخت که براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به
 انحصارگرایی روش‌شناختی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، انحصارگرایی روش‌شناختی، حکمت متعالیه،
 ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۳.

۳۰۷. بررسی انتقادی «نسبی‌گرایی روش‌شناختی» از منظر روش‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به نسبی‌گرایی روش‌شناختی وارد است؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. در
 این شاخه فلسفی به بررسی و واکاوی اصول و مبانی روش پرداخته می‌شود. در دهه‌های
 اخیر بحث و بررسی درباره چیستی و ابعاد مختلف روش، به شکل‌گیری مکاتب مختلفی
 انجامیده است که از میان آن‌ها می‌توان به نسبی‌گرایی روش‌شناختی اشاره کرد. براساس

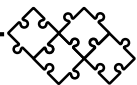
این نگرش کاربست روش‌های گوناگون در شناخت پدیده‌ها به گونه‌ای از نسبت معرفت‌شناختی می‌انجامد. روش‌های مختلف، هرکدام شرایط کاربست و اقتضائاتی دارد که به تفاوت در نگرش به یک موضوع منتهی می‌شود؛ بنابراین معرفت حاصل از روش‌های مختلف، متفاوت خواهد بود و از آنجاکه هرکدام از آن‌ها براساس روش معتبری به دست آمده است، نمی‌توان درباره معرفت‌های مختلف و حتی متعارض، داوری کرد و یکی را مطابق با واقع و درست دانست و باقی معرفت‌ها را نادرست. باتوجه به چالشی که نسبی‌گرایی روش‌شناختی به دنبال دارد، مناسب است به بررسی و ارزیابی انتقادی آن بپردازیم. از آنجاکه روش‌شناسی صدرایی با نسبی‌گرایی معرفتی حاصل از کاربست روش‌های مختلف، مخالف است، می‌توان روش‌شناسی صدرایی را مبنای این ارزیابی قرار داد. بنابراین مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به نسبی‌گرایی روش‌شناختی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، نسبی‌گرایی روش‌شناختی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۳.

۳۰۸. بررسی عوامل مؤثر بر تناسب روش با موضوع از منظر روش‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرایی چه عواملی بر تناسب روش و موضوع مؤثر است؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. در این شاخه عقلی به بررسی ابعاد مختلف روش پرداخته می‌شود. ازجمله مسائلی که در این شاخه مطرح است، لزوم تناسب میان روش و موضوع تحقیق است. برخی از نویسندگان با تمرکز بر این مسئله، معیارهایی برای احراز تناسب میان موضوع و روش تحقیق ارائه کرده‌اند. برای مثال به باور برخی از این نویسندگان تنها روش بررسی پدیده‌های مادی، استفاده از روش تجربی است و ازاین‌رو این عده استفاده از روش عقلی را دراین‌زمینه رد می‌کنند. باتوجه به اینکه این بحث در روش‌شناسی حکمت متعالیه نیز مورد توجه قرار گرفته است و اعتبار روش تجربی در ارائه معرفت معتبر از جهان طبیعی مورد ارزیابی قرار گرفته است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس روش‌شناسی صدرایی چه عواملی بر تناسب روش و موضوع اثرگذار است؟



کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳.

۳۰۹. بررسی انتقادی کاربست روش «پدیدارشناسی» در مطالعات اسلامی از منظر روش‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به کاربست روش پدیدارشناسی در مطالعات اسلامی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. در این قلمرو، به بررسی مبانی و اصول حاکم بر روش و روش‌شناسی پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث مرتبط با روش، ظهور روش‌های مختلف است که زمینه را برای گزینش میان روش‌ها برای مطالعه یک پدیده فراهم می‌سازد. یکی از روش‌های مطرح‌شده در دهه‌های اخیر، که مورد استقبال محققان نیز قرار گرفته است، روش پدیدارشناسی است. روش پدیدارشناسی بر برخی از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، مانند تمایز نومن و فنومن استوار است که این مبانی از منظر روش‌شناسی صدرایی جای اشکال و تردید دارد. اما در عمل شاهد آن هستیم که برخی از محققان در مطالعات اسلامی نیز از این روش برای بررسی یک موضوع استفاده می‌کنند. باتوجه به پیامدهایی که کاربست روش پدیدارشناسی در مطالعات اسلامی می‌تواند به دنبال داشته باشد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس روش‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به کاربست روش پدیدارشناسی در مطالعات اسلامی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، پدیدارشناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۲/۶.

۳۱۰. بررسی تحلیلی و انتقادی گونه‌های تلائم میان روش عقلی و روش نقلی در روش‌شناسی

مطالعات اسلامی

سؤال: براساس روش‌شناسی مطالعات اسلامی چه نقدهایی به گونه‌های تلائم میان روش عقلی و روش نقلی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. در دهه‌های اخیر و در پی طرح روش‌های گوناگون، مباحث و مطالعات مربوط به روش‌شناسی از رواج روزافزونی برخوردار شده است. در سنت اسلامی نیز محققان با عطف توجه به



موضوعات مرتبط با روش‌شناسی، به طرح دیدگاه‌های گوناگون پرداخته‌اند. یکی از مباحثی که در این زمینه شکل گرفته است، نحوه کار بست روش نقلی در تولید علم است. جریان‌های گوناگونی به دنبال بهره‌گیری از روش نقلی در تولید علم‌اند. اما تفاوت‌های میان آن‌ها موجب شده است هر کدام جایگاه خاصی برای نقل در نظر بگیرند. در حالی که برخی نقل‌های نه‌چندان قطعی را مبنای داوری درباره قوانین عقلی قرار می‌دهند، عده‌ای دیگر به مجرد مشاهده کوچک‌ترین ضعفی در یک نقل، آن را فاقد هرگونه اعتباری می‌شمارند. باتوجه به جدی بودن جایگاه این بحث در تولید علم دینی، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس روش‌شناسی مطالعات اسلامی چه نقدهایی به گونه‌های تلائم میان روش عقلی و روش نقلی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، روش عقلی، روش نقلی، مطالعات اسلامی.
قالب: پایان‌نامه. **اولویت:** ۳.

۳۱۱. بررسی جایگاه تجربه در روش‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرایی جایگاه تجربه چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. این شاخه عقلی به واکاوی و تحقیق درباره مبانی و اصول روش می‌پردازد. از جمله روش‌هایی که در بسیاری از موضوعات به کار گرفته می‌شود، روش تجربی است. این روش، بر مشاهده و تکرار مشاهده و دستیابی به قانون کلی از خلال مشاهدات استوار است. در روش‌شناسی صدرایی، با تمرکز بر فرایند تحقق تجربه، به واکاوی عناصر دخیل در آن و نیز اعتبارسنجی هر کدام از این عناصر پرداخته شده است. ره‌آورد این بررسی‌ها ارائه شرایط دقیقی برای معتبر بودن تجربه است. روشن است که در هر پژوهشی که روش تجربی به کار گرفته شود، مادامی که شروط و شرایط مذکور احراز نگردد، کار بست روش تجربه فاقد ارزش و اعتبار علمی خواهد بود. از آنجاکه روش تجربی، روشی بسیار پر کاربرد است، مناسب است با تمرکز بر روش‌شناسی صدرایی به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس روش‌شناسی صدرایی جایگاه تجربه چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، روش تجربی، تجربه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.



۳۱۲. بررسی تحولات نظریه‌های تجربی از منظر روش‌شناسی صدرايي

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرايي چه تبیینی از تحولات نظریه‌های تجربی می‌توان ارائه کرد؟ تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه روش و روش‌شناسی، ارزش و اعتبار یافته‌های هر روش است. در موارد متعددی مشاهده شده است که نظریه‌های علمی حاصل از کاربست روش تجربی، به‌رغم رعایت همه شروط یک روش، درنهایت نادرست و مردود شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، محققى که همه شروط مربوط به کاربست یک روش تجربی را احراز کرده است، در پایان تحقیق خود، همچنان از اعتبار یافته‌های تحقیق اطمینان ندارد، و همواره منظر است پس از گذشت مدت زمانی، یافته‌های تحقیق او زیر سؤال رود. مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌شود این است که روش‌های تجربی چه نسبتی با شناخت واقعیت دارند؟ آیا تحولات نظریه‌های تجربی توجیه عقلانی دارد؟ در صورتی که روش‌شناسی صدرايي را مبنای پژوهش خود قرار دهیم، می‌توانیم این پرسش را مطرح سازیم که براساس روش‌شناسی صدرايي چه تبیینی از تحولات نظریه‌های تجربی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، نظریه تجربی، تجربه، حکمت متعالیه، ملاصدرا. قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۳۱۳. بررسی انتقادی جایگاه فرضیه در روش‌شناسی صدرايي

سؤال: براساس روش‌شناسی صدرايي، جایگاه فرضیه چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟ تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه روش و روش‌شناسی است. در بسیاری از متون و منابع روش‌شناسی، فرضیه یکی از عناصر روش تجربی معرفی می‌شود. مراد از فرضیه، در گسترده‌ترین معنا و کاربرد، پاسخی حدسی به پرسش تحقیق است که می‌تواند همچون یک راه‌بر برای محقق عمل کند و مسیر حرکت پژوهش را برای او نمایان سازد. اما ثمرات فرضیه به این مقدار محدود نمی‌شود. براساس فرضیه می‌توان درباره اینکه کدام روش برای حل مسائل مناسب است نیز تصمیم‌گیری کرد. باین حال نباید از پیامدهای منفی طرح فرضیه نیز غفلت کرد. طرح فرضیه در یک روش‌شناسی می‌تواند افق دید محقق را محدود سازد و مانع از آن شود که محقق ابعاد مختلف یک پدیده را درک کند. باتوجه به جایگاه و اهمیت فرضیه در روش‌شناسی می‌توان با مبنا قرار دادن روش‌شناسی صدرايي به



بررسی این پرسش پرداخت که براساس روش‌شناسی صدرایی جایگاه فرضیه چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه روش، روش‌شناسی، روش، فرضیه، روش‌شناسی صدرایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۶.

۱،۲،۱۳. فلسفه علوم اجتماعی و فلسفه علم جامعه‌شناسی

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم جامعه‌شناسی است. در این شاخه علمی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم جامعه‌شناسی پرداخته می‌شود. در ادامه به برخی از مسائل جدید در این شاخه فلسفی اشاره می‌کنیم.

۳۱۴. ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های جامعه‌شناختی از منظر استاد پارسانیا

سؤال: براساس دیدگاه استاد پارسانیا چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم جامعه‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم جامعه‌شناسی است. در این شاخه علمی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی جامعه‌شناسی پرداخته می‌شود. همچنین در فلسفه علم جامعه‌شناسی، به ارزش گزاره‌های جامعه‌شناختی نیز توجه می‌شود. از آنجاکه عمده مباحث جامعه‌شناسی از روش مشاهده و تجربه استفاده می‌کند، در میان مباحث فلسفه علم جامعه‌شناسی، بررسی و واکاوی روش تجربی از اهمیت بسزایی برخوردار است. باتوجه‌به اینکه در راستای تحقق جامعه‌شناسی اسلامی، لازم است بر مبانی معرفت‌شناختی اسلامی تکیه شود، مناسب است گزاره‌های دانش جامعه‌شناسی براساس معیارهای معرفت‌شناسی اسلامی ارزیابی شود. از آنجاکه استاد پارسانیا با نگرش چندین اثر درباره ارزش گزاره‌های جامعه‌شناختی در این باره صاحب‌نظر هستند، مناسب است با تکیه بر دیدگاه ایشان درباره فلسفه علم جامعه‌شناسی به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس دیدگاه استاد پارسانیا چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم جامعه‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، فلسفه جامعه‌شناسی، علم جامعه‌شناسی، حمید پارسانیا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.



۳۱۵. الگوی «بومی‌سازی» دانش جامعه‌شناسی براساس حکمت متعالیه

سؤال: براساس علم‌النفس صدرایی بومی‌سازی دانش جامعه‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، بررسی و تحقیق درباره مبادی تصویری و تصدیقی دانش جامعه‌شناسی است. بسیاری بر این اعتقادند که جامعه‌شناسی دانشی است که تحت‌تأثیر شرایط محیطی و فرهنگی قرار دارد و جامعه‌شناسی هر اقلیمی با جامعه‌شناسی سایر اقالیم متفاوت است. به عبارت دیگر به جای آنکه رؤیای ایجاد یک دانش فراگیر جامعه‌شناسی را در سر پیورانیسم، لازم است با تمرکز بر شرایط هر بوم، به تدوین و تنظیم جامعه‌شناسی بومی اقدام کنیم. این نگرش، در اساس به دنبال تولید علم بومی است و جامعه‌شناسی نیز، که یکی از شاخه‌های علوم است، ذیل این رویکرد لازم است جنبه بومی یابد. با توجه به اینکه جریان‌های مختلف در راستای بومی‌سازی جامعه‌شناسی گام برمی‌دارند، لازم است به بررسی و واکاوی فرایند بومی‌سازی علوم بپردازیم و در این زمینه مناسب است با تمرکز بر علم‌النفس صدرایی امکان و ویژگی‌های جامعه‌شناسی بومی را واکاوی کنیم. بنابراین می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس علم‌النفس صدرایی بومی‌سازی دانش جامعه‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، فلسفه جامعه‌شناسی، علم النفس، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۳۱۶. جایگاه تجربه در دانش جامعه‌شناسی براساس معرفت‌شناسی حکمت متعالیه

سؤال: براساس معرفت‌شناسی متعالیه جایگاه تجربه در دانش جامعه‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم جامعه‌شناسی از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به واکاوی مبادی و مبانی علم جامعه‌شناسی پرداخته می‌شود. در میان موضوعات مورد بحث در فلسفه جامعه‌شناسی، بحث از روش نیز جایگاه خاصی دارد. مباحثی درباره روش دانش جامعه‌شناسی و شیوه‌هایی که یک جامعه‌شناس از طریق آن به تجزیه، تحلیل و حل مسائل اقدام می‌کند، از جمله مسائل مورد توجه در فلسفه علم جامعه‌شناسی است. بسیاری از جامعه‌شناسان بر این باورند که یگانه روش بررسی مسائل جامعه‌شناسی، مشاهده

و تجربه است. به باور آنان همین رویکرد است که جامعه‌شناسی را به یک علم انضمامی تبدیل کرده است. درمقابل، برخی از نویسندگان و اندیشمندان بر این نکته تأکید می‌کنند که روش مشاهده و تجربه به‌تنهایی برای حل نهایی مسائل جامعه‌شناسی کافی نیست. این دسته، بر روش تفهیمی به‌منزله روش جایگزین، یا روش مکمل در جامعه‌شناسی اصرار دارند. به‌هرحال، روشن است که بدون تعیین موضع در این بحث نمی‌توان وارد مباحث جامعه‌شناسی شد. باتوجه‌به اینکه مبانی و معیارهای ارزیابی یک روش در دانشی مانند معرفت‌شناسی تدوین و تنظیم می‌گردد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس معرفت‌شناسی متعالیه جایگاه تجربه در دانش جامعه‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، تجربه، روش تجربی، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۳۱۷. رویکرد انتقادی به دیدگاه ماکس وبر^۱ در زمینه رابطه اخلاق و جامعه‌شناسی براساس اندیشه

علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به دیدگاه ماکس وبر درباره رابطه اخلاق و جامعه‌شناسی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم جامعه‌شناسی در شمار فلسفه‌های مضافی قرار می‌گیرد که با استفاده از روش عقلی به بررسی مسائل اصلی و کلان در علم جامعه‌شناسی می‌پردازند. برخی از فیلسوفان جامعه‌شناسی با مطرح کردن مسائلی جدید، افق‌های جدیدی برای علم جامعه‌شناسی گشوده‌اند. اما این مسائل جدید بر مبانی خاصی در فلسفه علم جامعه‌شناسی استوار است. برای مثال، ماکس وبر با تمرکز بر رابطه میان اخلاق دینی و اقتصاد به واکاوی جامعه‌شناختی رابطه این دو شاخه علمی پرداخته است. باتوجه‌به اینکه روش علم اخلاق با روش علم جامعه‌شناسی تفاوت دارد، لازم است به بررسی دقیق این نکته پرداخته که برای بررسی رابطه اخلاق و جامعه‌شناسی به چه پیش‌شرط‌هایی نیاز است. به‌عبارت‌دیگر چه پیش‌فرض‌هایی پایه ربط میان اخلاق و جامعه‌شناسی را فراهم می‌کند. باتوجه‌به اینکه علامه مصباح یزدی

1. Max Weber.



در این زمینه تلاش‌هایی انجام داده است و در کتاب جامعه و تاریخ به برخی از ابعاد این مسئله پرداخته است، مناسب است به بررسی این مسئله پردازیم که براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به دیدگاه ماکس وبر درباره رابطه اخلاق و جامعه‌شناسی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، اخلاق، جامعه‌شناسی، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۳۱۸. بررسی هستی‌شناختی جامعه بر پایه اصل تشکیک وجود در مکتب حکمت متعالیه

سؤال: براساس اصل تشکیک وجود در مکتب حکمت متعالیه چه تحلیلی از هستی‌شناسی جامعه می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در فلسفه علم جامعه‌شناسی که یک شاخه از فلسفه‌های مضاف است و به بررسی عقلی مبانی و مبادی علم جامعه‌شناسی می‌پردازد، تلاش می‌شود، دلالت‌های اصول هستی‌شناختی در دانش جامعه‌شناسی دنبال شود. برای مثال، اینکه اصالت با وجود است یا با ماهیت، اینکه وجود امری مُشکک است یا متواطی، اینکه امور اعتباری نیز دارای وجود حقیقی‌اند یا نه، همگی در مباحث مربوط به هستی جامعه مؤثر است. باتوجه به اینکه از منظر حکمت متعالیه، هستی امری مُشکک است و وجود مراتبی دارد، چه‌بسا بتوان گفت که هستی جامعه نیز مرتبه‌ای از مراتب وجود خواهد بود. اما اینکه هستی جامعه از کدام مراتب وجود و واجد کدام ویژگی‌های مراتب وجود است، پرسشی است که به بررسی و تحقیق نیاز دارد. از این رو می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس اصل تشکیک وجود در مکتب حکمت متعالیه چه تحلیلی از هستی‌شناسی جامعه می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، تشکیک وجود، جامعه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۳۱۹. نقش نقل در نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی نقش نقل در نظریه‌پردازی در دانش جامعه‌شناسی چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: در فلسفه علم جامعه‌شناسی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم

جامعه‌شناسی پرداخته می‌شود. باتوجه‌به اینکه اساس دانش جامعه‌شناسی در جهان غرب نهاده شده است، بسیاری از منابع و مآخذ این دانش، برخاسته از فرهنگ غربی است. در فرایند اسلامی‌سازی علوم لازم است متون و منابع دینی نیز بررسی شود. یکی از متون دینی نقل است که قرآن و روایات را شامل می‌شود. در روایات بسیاری از مباحث اجتماعی و روابط میان پدیده‌ای اجتماعی سخن به میان آمده است. علامه مصباح یزدی در کتاب جامعه و تاریخ، بخشی از این آیات و روایات را مورد توجه قرار داده است. اما بجاست که به‌طور کلی به این مسئله پرداخته شود که توجه به نقل چه تحولی در نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی ایجاد خواهد کرد. بنابراین پرسش تحقیق چنین است که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی نقش نقل در نظریه‌پردازی در دانش جامعه‌شناسی چگونه تبیین می‌شود؟

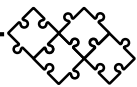
کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، روش نقلی، جامعه‌شناسی، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵

۳۲۰. هویت انسان مسلمان براساس مبانی انسان‌شناختی صدرایی

سؤال: براساس فلسفه صدرایی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی هویت انسان مسلمان می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم جامعه‌شناسی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم جامعه‌شناسی می‌پردازد. در این شاخه عقلی، مسائلی که عمدتاً جنبه عقلی دارند و در علم جامعه‌شناسی نیز مؤثرند، مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، بسیاری از مباحث جامعه‌شناسی تحت‌تأثیر مباحثی مانند انسان‌شناسی قرار دارند که هرگونه موضع‌گیری در این زمینه در نحوه حل این دست مسائل بسیار مؤثر است. جامعه‌شناسی به مباحثی مانند هویت، جامعه، ارزش، هنجار و جامعه‌پذیری می‌پردازد. اینکه نویسنده چه موضعی درباره انسان‌شناسی اتخاذ کند، در نحوه حل مسائلی مانند مسئله هویت نقش اساسی دارد. باتوجه‌به اینکه در فلسفه صدرایی توجه زیادی به مباحث انسان‌شناسی شده است، جا دارد مباحثی مانند هویت را براساس انسان‌شناسی صدرایی بازخوانی کنیم. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس فلسفه صدرایی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی هویت انسان مسلمان می‌توان ارائه کرد؟



کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۳۲۱. خاستگاه زندگی اجتماعی انسان برپایه حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از خاستگاه زندگی اجتماعی انسان می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: فلسفه علم جامعه‌شناسی از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی علم جامعه‌شناسی پرداخته می‌شود. همچنین بسیاری از مباحثی که نقش پیش‌فرض در جامعه‌شناسی دارد، ولی در خود علم جامعه‌شناسی قابل تحقیق و بررسی نیست، در فلسفه علم جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برخی مباحث، مانند خاستگاه زندگی اجتماعی انسان، دارای ابعاد نظری و فلسفی است و فیلسوفان جامعه‌شناسی از دیرباز به بررسی آن پرداخته‌اند. باتوجه‌به اینکه در فلسفه و حکمت اسلامی نیز مسئله حیات اجتماعی انسان مورد توجه است، مناسب است این مسئله از منظر حکمت اسلامی نیز بررسی شود. در حکمت متعالیه، که نظام فلسفی رایج در سنت اسلامی است، تقریرهایی از خاستگاه حیات اجتماعی انسان ارائه شده است. از این‌رو می‌توان این پرسش را مطرح کرد که براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از خاستگاه زندگی اجتماعی انسان می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، زندگی، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۳۲۲. تأثیر محبت در روابط اجتماعی از منظر فارابی

سؤال: براساس نگرش فارابی چه تبیینی از جایگاه محبت در روابط اجتماعی انسان می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: فلسفه علم جامعه‌شناسی شاخه‌ای از علوم عقلی است که به مباحث بنیادین در علم جامعه‌شناسی می‌پردازد. برای نمونه، مباحثی درباره خاستگاه زندگی اجتماعی، اصالت فرد یا جامعه و روش تحقیق در جامعه‌شناسی از مسائلی است که در این شاخه فلسفی مورد بررسی قرار می‌گیرد. متفکران اسلامی از دیرباز موضوعات اساسی جامعه‌شناسی را مدنظر قرار داده‌اند و در این زمینه به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. برای نمونه، فارابی در آثار مختلف خود به عناصر شکل‌گیری حیات اجتماعی و نیز اموری که به تحکیم



پیوند اجتماعی می‌انجامد، پرداخته است. از نظر فارابی در میان امور انسانی عنصر محبت، از عناصر مهم در ایجاد پیوند میان افراد انسانی است. باتوجه به لوازمی که این نظریه در مباحث اجتماعی به دنبال دارد، مناسب است به بررسی این مسئله پرداخته شود که براساس نگرش فارابی چه تبیینی از جایگاه محبت در روابط اجتماعی انسان می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، محبت، فارابی.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۳۲۳. رویکرد انتقادی به نگرش پارادایمی به جامعه‌شناسی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر نگرش پارادایمی به جامعه‌شناسی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به واکاوی و پژوهش درباره مبادی تصویری و تصدیقی علم جامعه‌شناسی می‌پردازد. بسیاری از نویسندگان معاصر در زمینه جامعه‌شناسی به این مطلب گرایش پیدا کرده‌اند، که دانش جامعه‌شناسی تحت‌تأثیر پارادایم‌های مختلف قرار گرفته است و هر محقق قبل از آغاز پژوهش و تحقیق لازم است پارادایم مورد نظر خود را از میان پارادایم‌های مختلف برگزیند. به عبارت دیگر بدون در نظر گرفتن یک پارادایم خاص نمی‌توان وارد مباحث جامعه‌شناختی شد. اما مسئله پارادایم و رویکرد کلان به مسائل جامعه‌شناسی خود محل بحث و گفت‌وگو است. مسئله اصلی این است که آیا می‌توان چیزی به نام پارادایم را پذیرفت؟ آیا مبانی فلسفی اجازه طرح چنین مفهومی را می‌دهد؟ به نظر می‌رسد براساس مبانی حکمت صدرایی اساساً مفهوم پارادایم، مفهومی خودمتناقض است که دلالت‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی بسیاری در جامعه‌شناسی به دنبال دارد. از این رو لازم است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر نگرش پارادایمی به جامعه‌شناسی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، جامعه‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۵.

۳۲۴. بررسی تحلیلی تمایز کل‌گرایی و ساختارگرایی و دلالت‌های آن در علوم اجتماعی

سؤال: دلالت‌های تمایز کل‌گرایی و ساختارگرایی در علوم اجتماعی چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علوم اجتماعی و فلسفه



جامعه‌شناسی است. در این شاخه فلسفی به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی علوم اجتماعی پرداخته می‌شود. در دهه‌های اخیر، در عرصه علوم اجتماعی ظهور دوگانه‌هایی مانند عاملیت و ساختار توانسته است به بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌ها جهت دهد. مرور بسیاری از متون و منابع مطرح در این زمینه گواه آن است که دوگانه عاملیت و ساختار بر بسیاری از تحقیقات علوم اجتماعی سایه افکنده است. یکی از تمایزهای مطرح در فلسفه علوم اجتماعی، تمایز عاملیت و ساختار است. براساس این تمایز لازم است در تحلیل پدیده‌های اجتماعی نخست به واکاوی این مسئله بپردازیم که آیا اصل با نقش عامل انسانی در شکل‌گیری یک پدیده اجتماعی است یا لازم است در تحلیل آن بر نقش ساختارها تأکید کنیم که عامل انسانی را مقهور خویش قرار می‌دهند. باتوجه به اینکه ساختارگرایی گونه‌ای خاص از کل‌گرایی است، چه‌بسا در تحلیل یک پدیده اجتماعی بتوان به‌جای ساختارگرایی بر «کل‌گرایی» تأکید کرد، بدون آنکه دچار لوازم ساختارگرایی شد. از اینجاست که به لزوم دقت در تمایز کل‌گرایی و ساختارگرایی می‌توان پی برد. از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که دلالت‌های کل‌گرایی و ساختارگرایی در علوم اجتماعی چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، عاملیت، ساختار، کل‌گرایی، ساختارگرایی.

قالب: مقاله. **اولویت:** ۳/۵.

۳۲۵. رویکرد انتقادی به نظریه بازی براساس مبانی آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر نظریه بازی که یک کلان‌نظریه مطرح در علوم اجتماعی است، وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در زمینه علوم اجتماعی، بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های نظریه‌های کلان مطرح در علوم اجتماعی است. از جمله نظریه‌های کلان در زمینه تحلیل کنش اجتماعی، نظریه بازی است. این نظریه مدعی است که براساس حساب احتمالات می‌تواند از فروض مختلف رفتار در آینده آگاهی‌های دقیقی ارائه کند. برخی از اصول این نظریه مبتنی بر احتمالات متصور از یک‌سو و توانایی‌های افراد از سوی دیگر است. به‌رغم گذشت چند دهه از مطرح شدن این نظریه، همچنان نگرش انتقادی به آن، براساس مبانی اندیشه اسلامی صورت نگرفته است. باتوجه به اینکه در آثار آیت‌الله جوادی آملی ظرفیت لازم برای نگرش انتقادی به این نظریه وجود دارد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر نظریه بازی که یک کلان‌نظریه مطرح در علوم اجتماعی است، وارد است؟



کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، نظریه بازی، جوادی آملی.
 قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۲/۶.

۳۲۶. رویکرد تطبیقی به ویژگی‌های بخشی علم از منظر هابرماس^۱ و شهید مطهری

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شهید مطهری و نگرش هابرماس به ابعاد رهایی‌بخش علم می‌توان یافت؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه جامعه‌شناسی است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های جامعه‌شناسی پرداخته می‌شود. از جمله مباحث جدی در جامعه‌شناسی بحث رهایی‌بخش بودن علم است. برخی از نویسندگان غربی، مانند هابرماس و سایر هم‌فکران او در مکتب فرانکفورت به واکاوی ابعاد رهایی‌بخشی علم پرداخته‌اند. به باور آنان علم توانایی لازم برای رهایی انسان از دام پیامدهای منفی مدرنیته را داراست. در سنت اسلامی نیز علم یکی از ارکان کمال انسانی شناخته شده و مورد توجه قرار گرفته است و هرچند برای علم، اصالت مطرح نشده است، تأثیر آن بر رهایی انسان از برخی مراتب نازله وجود و ارتقای او به مراتب بالای وجود مورد اذعان قرار گرفته است. باتوجه به اینکه میان نگرش حکمای اسلامی مانند شهید مطهری و نگرش نویسندگان غربی مانند هابرماس تفاوت روشنی وجود دارد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شهید مطهری و نگرش هابرماس به ابعاد رهایی‌بخش علم می‌توان یافت؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، رهایی‌بخشی، هابرماس، شهید مطهری.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۶.

۳۲۷. رویکرد تطبیقی به ضرورت اجتماعی دین براساس نگرش دورکیم^۲ و ابن‌سینا

سؤال: براساس بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراکی میان نگرش ابن‌سینا و نگرش دورکیم به ضرورت اجتماعی دین وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علوم اجتماعی است. در این

1. Jürgen Habermas.

2. David Émile Durkheim.



شاخه فلسفی، مباحث مهمی همچون چیستی زندگی اجتماعی، منشأ زندگی اجتماعی و روش مطالعه پدیده‌های اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از جمله مباحثی که در این زمینه مطرح می‌شود، نقش زندگی اجتماعی در برخی از پدیده‌ها مانند دین است. در سنت اسلامی و نیز در سنت غربی مباحثی درباره ضرورت اجتماعی برخی پدیده‌ها مطرح شده است. از جمله این پدیده‌ها می‌توان به «دین» اشاره کرد. در سنت اسلامی در برخی از آثار ابن‌سینا، تقریر ضرورت دین براساس ضرورت زندگی اجتماعی را شاهد هستیم، و در سنت غربی نیز امثال دورکیم بر ضرورت اجتماعی دین تأکید کرده‌اند. با توجه به شباهتی که میان این دو دیدگاه وجود دارد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراکی میان نگرش ابن‌سینا و نگرش دورکیم به ضرورت اجتماعی دین وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، جامعه‌شناسی دین، دورکیم، ابن‌سینا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۵.

۳۲۸. رویکرد انتقادی به نگرش پیتز برگر^۱ به ضرورت اجتماعی دین از منظر علامه طباطبائی

سؤال: براساس نگرش علامه طباطبائی چه انتقادهایی بر نگرش پیتز برگر به ضرورت اجتماعی دین مطرح می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه جامعه‌شناسی، بحث الزامات زندگی اجتماعی است. زندگی اجتماعی، برخی پدیده‌ها مانند تقسیم مشاغل را الزامی کرده است. دین از جمله اموری است که ضرورت اجتماعی آن مورد بحث است. پیتز برگر با تمرکز بر این بحث، ضمن ارائه شواهدی بر ضروری بودن دین برای زندگی اجتماعی انسان تأکید کرده است. در مقابل، بررسی‌ها حاکی از آن است که معیاری که پیتز برگر برای دین مطرح کرده است، خالی از اشکال و ابهام نیست. یکی از چالش‌های دیدگاه برگر حاکم بودن نگرش ناواقع‌گرایی بر آن است. از آنجاکه مشابه این بحث در آثار علامه طباطبائی البته با نگرش واقع‌گرایانه نیز مطرح شده است، مناسب است به بررسی انتقادی دیدگاه او بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که براساس نگرش علامه طباطبائی چه انتقادهایی بر نگرش پیتز برگر به ضرورت اجتماعی دین مطرح می‌گردد؟

1. Peter L. Berger.



کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، جامعه‌شناسی دین، برگز، علامه طباطبائی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۵.

۳۲۹. جایگاه تبیین و تفهم در مطالعات اجتماعی براساس مبانی آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه تبیین و تفهم در مطالعات اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از موضوعات مورد بررسی در فلسفه علوم اجتماعی، واکاوی روش‌هایی است که در بررسی‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در سنت غرب، با تکیه بر روش تجربه‌گرایی، روش تبیینی مورد توجه قرار گرفته است و به شکل‌گیری جریانی در این زمینه انجامیده است. از سوی دیگر، برخی دیگر از نویسندگان با مبنا قرار دادن آموزه‌های فلسفه قاره‌ای به طرح روش تفهمی دست یازیده‌اند که این روش نیز در سال‌های اخیر رواج یافته است. ادبیات موجود در این زمینه به شکل‌گیری دو جریان تفهمی و تبیینی انجامیده است. باتوجه به مزیت‌ها و کاستی‌های هر کدام از این دو روش، لازم است به بررسی و ارزیابی آن‌ها اقدام کرد. استاد جوادی آملی از جمله شارحان معاصر حکمت متعالیه است که به دقت و تفصیل، ابعاد مهمی از روش‌شناسی حکمت متعالیه را مطرح ساخته است. باتوجه به مباحثی که استاد جوادی آملی در این زمینه مطرح ساخته است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه تبیین و تفهم در مطالعات اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، تفهم، جوادی آملی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۵.

۳۳۰. رویکرد انتقادی به رابطه نظر و عمل از دیدگاه پراگماتیسم برپایه مبانی حکمت صدرایی

سؤال: برپایه مبانی حکمت صدرایی چه انتقادهایی به دیدگاه پراگماتیسم درباره رابطه نظر و عمل وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علوم اجتماعی است. در این شاخه عقلی، به بررسی مبانی و مبادی علوم اجتماعی پرداخته می‌شود. همچنین یکی از محورهای این شاخه علمی، واکاوی روش‌هایی است که در علوم اجتماعی به آن توجه می‌شود. روش پراگماتیسم از جمله این روش‌هاست که بسیاری از متفکران به آن توجه کرده‌اند. در روش



پراگماتیسم، با دست شستن از صدق به معنای مطابقت یا سازگاری، بر ارزش و فایده عملی ایده‌ها تأکید می‌شود. مدافعان پراگماتیسم با کاربرست این روش، به بررسی موضوعات مهمی در علوم اجتماعی از جمله مسئله رابطه نظر و عمل پرداخته‌اند. از آنجاکه این روش و نیز کاربرست‌های آن خالی از ایراد و اشکال نیست، مناسب است برپایه مبانی حکمت صدرایی به بررسی آن اقدام کنیم و به بررسی این پرسش بپردازیم که بر پایه مبانی حکمت صدرایی چه انتقادهایی به دیدگاه پراگماتیسم درباره رابطه نظر و عمل وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، نظر و عمل، پراگماتیسم، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۳۳۱. بررسی لوازم نظریه اتم‌گرایی در تحلیل مبادی کنش اختیاری از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی لوازم نظریه اتم‌گرایی در تحلیل مبادی کنش اختیاری چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علوم اجتماعی است. در این شاخه فلسفی، به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی علوم اجتماعی پرداخته می‌شود. یکی از موضوعات مهم در زمینه فلسفه علوم اجتماعی، موضوع علوم اجتماعی است. به باور بسیاری از نویسندگان، موضوع علوم اجتماعی عبارت است از کنش اختیاری انسان. اینکه مبادی و عوامل پیدایش این دسته از کنش‌ها چیست، به محور بسیاری از مباحث علوم اجتماعی تبدیل شده است و برخی از نویسندگان به ارائه نظریه‌هایی در این زمینه پرداخته‌اند. یکی از نظریه‌های کلانی که دلالت‌ها و لوازمی بسیاری در تحلیل مبادی کنش اختیاری به دنبال دارد، نظریه اتم‌گرایی (اتمیسم) است. براساس این نگرش، ضمن رد «عروسک خیمه‌شب‌بازی» بودن عامل‌های انسانی، بر تمایز میان «من» و «دیگری» تأکید می‌شود. این نگرش به ارائه تصویری می‌انجامد متفاوت با آنچه مدافعان اجتماعی بودن هرگونه کنش انسانی ارائه می‌دهند. باتوجه به اینکه بخش مهمی از این مباحث در ارتباط تنگاتنگی با مباحث فلسفه اسلامی، به‌ویژه علم‌النفوس اسلامی است، مناسب است با تمرکز بر اندیشه‌های علامه مصباح یزدی که یکی از استادان برجسته معاصر در حکمت متعالیه و کسی است که به برخی مباحث علوم اجتماعی نیز پرداخته، به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی لوازم نظریه اتم‌گرایی در تحلیل مبادی کنش اختیاری چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، اتم‌گرایی، اتمیسم، کنش اختیاری، مصباح یزدی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۳۳۲. رویکرد انتقادی به دوگانه من / دیگری در علوم اجتماعی از منظر نظام حکمت صدرایی

سؤال: از منظر نظام حکمت صدرایی دوگانه من / دیگری در علوم اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟
 تبیین مسئله: فلسفه علوم اجتماعی به بررسی مبادی و مبانی علوم اجتماعی می‌پردازد. از جمله مباحث محوری در این شاخه فلسفی مباحثی مانند عاملیت و ساختار، تبیین و تفهیم و من و دیگری است. این موارد با عنوان دوگانه‌های علوم اجتماعی شناخته می‌شود. در دهه‌های اخیر، مباحث بسیاری درباره هر کدام از این دوگانه‌ها مطرح شده است. در سال‌های اخیر گرایشی مطرح شده است که از اساس، این دوگانه‌ها را زیر سؤال می‌برد و در پی گزینش راه سومی برمی‌آید. باتوجه به اینکه پذیرش یا عدم پذیرش این دوگانه‌ها، نقش مهمی در علوم اجتماعی دارد، لازم است درباره قبول یا رد آن موضع‌گیری کرد. از جمله دوگانه‌های پرکاربرد در علوم اجتماعی، دوگانه من / دیگری است. مراجعه ادبیات به فلسفه و حکمت اسلامی نشان می‌دهد که این دوگانه، چندان خالی از اشکال نیست، و در برخی مراتب هستی‌انسانی می‌توان از این دوگانه عبور کرد؛ از این‌رو جا دارد به بررسی آن بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که از منظر نظام حکمت صدرایی دوگانه من / دیگری در علوم اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟
 کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، دوگانه‌ها، دوگانه من / دیگری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۳۳۳. رویکرد انتقادی به کاربست رئالیسم انتقادی در قلمرو دین از منظر روش‌شناسی حکمت صدرایی

سؤال: از منظر روش‌شناسی حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر کاربست رئالیسم انتقادی در قلمرو دین وارد است؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف فلسفه علوم اجتماعی است. این شاخه فلسفی به بررسی مبادی و مبانی علوم اجتماعی می‌پردازد. مباحث مطرح‌شده در فلسفه علوم اجتماعی به شکل‌گیری مکاتب و دیدگاه‌های مختلفی انجامیده است که از جمله آن می‌توان به



رئالیسم انتقادی اشاره کرد. روی بَسکار^۱ با طرح این دیدگاه تلاش کرده است، ضمن شناسایی کاستی‌های موجود در سایر مکاتب، برای رفع آن‌ها در ضمن یک مکتب جدید اقدام کند؛ این تلاش او به شکل‌گیری رئالیسم انتقادی انجامیده است. به باور بسکار مکاتب قبلی، هرکدام با نادیده گرفتن بُعدی از ابعاد واقعیت و موضوع پژوهش تصویری نادرست از موضوع ارائه کرده‌اند. در سال‌های اخیر، برخی با تأثیرپذیری از رئالیسم انتقادی سعی کرده‌اند آموزه‌های این مکتب را درباره دین نیز پیاده کنند. باتوجه به اینکه بنیان این مکتب بر فلسفه مدرن در غرب استوار شده است، لازم است به بررسی انتقادی آن اقدام کرد. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر روش‌شناسی حکمت صدرایی به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر روش‌شناسی حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر کاربست رئالیسم انتقادی در قلمرو دین وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، رئالیسم انتقادی، حکمت متعالیه، ملاصدرا. **قالب:** رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴/۲۵.

۳۳۴. رویکرد انتقادی به نظریه گئورگ زیمل^۲ در تحلیل چیستی جامعه براساس مبانی آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی به نگرش گئورگ زیمل در تحلیل چیستی جامعه مطرح است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علوم اجتماعی است. فلسفه علوم اجتماعی به بررسی مبادی، مبانی و پیش‌فرض‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی می‌پردازد. ازجمله مباحث مطرح در این شاخه عقلی، بررسی چیستی جامعه است. جامعه، به‌منزله موضوع محوری علوم اجتماعی، تحلیل‌ها و تفسیرهای مختلفی به خود دیده است. از میان متفکران اسلامی، آیت‌الله جوادی آملی به بررسی جامعه از منظر قرآن کریم پرداخته است. در میان نویسندگان غربی نیز گئورگ زیمل تلاش‌هایی برای تجزیه و تحلیل مفهوم جامعه به کار بسته است. باتوجه به نقشی که زیمل در جامعه‌شناسی داشته است، مواجهه انتقادی با افکار او می‌تواند به غنای فلسفه علوم اجتماعی اسلامی کمک کند. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی به نگرش گئورگ زیمل در تحلیل چیستی جامعه مطرح است؟

1. Ram Roy Bhaskar.

2. Georg Simmel.



کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، جامعه، زیمل، جوادی آملی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۳۳۵. رویکرد انتقادی به نظریه هربرت اسپنسر^۱ در تحلیل چستی جامعه از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به نگرش هربرت اسپنسر در تحلیل چستی جامعه مطرح است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علوم اجتماعی است. فلسفه علوم اجتماعی به بررسی مبادی، مبانی و پیش‌فرض‌های علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی می‌پردازد. از جمله مباحث مطرح در این شاخه عقلی، بررسی چستی جامعه است. جامعه، به‌منزله موضوع محوری علوم اجتماعی، تحلیل‌ها و تفسیرهای مختلفی به خود دیده است. از میان متفکران اسلامی، علامه مصباح یزدی به بررسی جامعه از منظر قرآن کریم پرداخته است. در میان نویسندگان غربی نیز هربرت اسپنسر تلاش‌هایی برای تجزیه و تحلیل مفهوم جامعه به کار بسته است. باتوجه به نقشی که اسپنسر در جامعه‌شناسی داشته است، مواجهه انتقادی با افکار او می‌تواند به غنای فلسفه علوم اجتماعی اسلامی کمک کند. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به نگرش هربرت اسپنسر در تحلیل چستی جامعه مطرح است؟

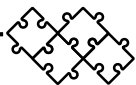
کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، جامعه، اسپنسر، مصباح یزدی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۳۳۶. رویکرد انتقادی به عقلانیت ابزاری از منظر عقلانیت صدرایی

سؤال: از منظر عقلانیت صدرایی چه نقدهایی بر عقلانیت ابزاری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث جدی در قلمرو فلسفه علوم اجتماعی، بررسی و واکاوی مکاتب کلان در حوزه علوم اجتماعی است. از جمله مکاتب کلان در این حوزه، عقلانیت ابزاری است. عقلانیت ابزاری با تحریف قوه عاقله تلاش می‌کند، عقلانیت را در حد رابطه میان وسیله و هدف و در راستای تأمین نیازهای مادی تجزیه و تحلیل کند. مراجعه به متون و منابع حکمت اسلامی گواه آن است که خلاصه کردن عقلانیت در این معنای ضیق، باعث نادیده گرفتن

1. Herbert Spencer.



بسیاری از ابعاد وجودی انسان خواهد شد و این امر باعث تفاوت جدی مباحث علوم اجتماعی غربی با علوم اجتماعی اسلامی می‌گردد. از این رو مناسب است با اتخاذ رویکردی انتقادی درباره این عقلانیت، به واکاوی ابعاد مختلف آن پرداخت. از آنجاکه عقلانیت صدرایی برخاسته از آموزه‌های حکمت صدرایی است، می‌توان با تمرکز بر عقلانیت صدرایی به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر عقلانیت صدرایی چه نقدهایی بر عقلانیت ایزاری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، عقلانیت انتقادی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۳۳۷. جایگاه نقل در مرحله گردآوری و مرحله داوری در علوم انسانی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه تبیینی از جایگاه نقل، در مرحله گردآوری و در مرحله داوری در علوم انسانی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علوم اجتماعی از جمله شاخه‌های فلسفی است که به بررسی و واکاوی مبادی و مبانی علوم اجتماعی می‌پردازد. بررسی مبانی این علم، زمینه را برای شکل‌گیری علوم انسانی برپایه فلسفی فراهم می‌سازد. یکی از ابعاد فلسفه علوم اجتماعی، تلاش برای تدوین مبانی نظری و اصول علوم اجتماعی و نیز علوم انسانی است. باتوجه به اینکه براساس نگرش اسلامی، عقل در کنار نقل از حجیت و اعتبار معرفت‌شناختی برخوردار است، لازم است در تدوین و تنظیم این مبانی، از یک سو به عقل مراجعه شود، و از سوی دیگر نقل مورد توجه قرار گیرد. حال اگر در نظر آوریم که فرایند نظریه‌پردازی در علوم تجربی به دو مرحله گردآوری و داوری قابل تفکیک است، می‌توان به بررسی نسبت نقل و این دو مرحله از علم پرداخت. در میان متفکران اسلامی معاصر علامه مصباح یزدی از جمله محققانی است که به تفصیل به بررسی مبانی علوم انسانی از منظر اسلامی پرداخته است. نکته مهم در بررسی دیدگاه‌های ایشان توجه به نحوه مراجعه ایشان به نقل است که یکی از منابع معرفتی شناخته می‌شود. از این رو می‌توان به طرح و بررسی این مسئله پرداخت که از منظر علامه مصباح یزدی چه تبیینی از جایگاه نقل، در مرحله گردآوری و در مرحله داوری در علوم انسانی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه اجتماع، روش نقلی، گردآوری، داوری، اسلامی‌سازی علوم، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.



۳۳۸. دلالت‌های نظریه فطری بودن ارزش‌ها در تحلیل سنت‌های الهی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی، فطری بودن ارزش‌ها چه نقشی در تحلیل سنت‌های الهی دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه علوم اجتماعی ازجمله شاخه‌های فلسفی است که به بررسی و واکاوی مبادی و مبانی علوم اجتماعی می‌پردازد. بررسی مبانی این علم، زمینه را برای شکل‌گیری علوم انسانی برپایه فلسفی فراهم می‌سازد. یکی از ابعاد فلسفه علوم اجتماعی، تلاش برای تدوین مبانی نظری و اصول علوم اجتماعی و نیز علوم انسانی است. باتوجه‌به اینکه براساس نگرش اسلامی، فطرت یکی از اصول و مبانی معرفتی و گرایشی شمرده می‌شود، لازم است در تدوین و تنظیم این مبانی ازیک‌سو به فطرت و ازسوی‌دیگر معرفت‌های فطری اهتمام شود. در میان متفکران اسلامی معاصر، علامه مصباح یزدی در کتاب جامعه و تاریخ در قرآن، به تفصیل، سنت‌های الهی را تحلیل و بررسی کرده است. باتوجه‌به اینکه ازیک‌سو براساس آیات قرآن کریم، ارزش‌های الهی به‌صورت الهام در وجود انسان قرار داده شده است، و انسان فطرتاً شناختی اجمالی از ارزش‌های الهی دارد، می‌توان به طرح و بررسی این مسئله پرداخت که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی، فطری بودن ارزش‌ها چه نقشی در تجزیه و تحلیل سنت‌های الهی دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم اجتماعی، فلسفه ارزش، سنت‌های الهی، فطرت، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۱،۲،۱۴. فلسفه علم اقتصاد و فلسفه پول

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم اقتصاد است. در ادامه برخی از مسائل نوپدید در عرصه فلسفه علم اقتصاد را از نظر می‌گذرانیم.

۳۳۹. بررسی تطبیقی منفعت در نگرش آدام اسمیت^۱ و نگرش شهید صدر

سؤال: چه وجوه اشتراک و اختلافی میان چپستی و ویژگی‌های منفعت در نگرش آدام اسمیت و شهید صدر وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم اقتصاد است. در این شاخه

1. Adam Smith.



فلسفی، به بررسی ارزش و اعتبار گزاره‌های اقتصادی، و نیز چیستی و ویژگی‌های انسان از آن جهت که موضوع توسعه اقتصادی است، و نیز غایت اقتصاد پرداخته می‌شود. باتوجه به اینکه یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه اقتصاد، منفعت است، لازم است به بررسی چیستی و ماهیت منفعت، و نیز معیارهای ثبوتی و اثباتی منفعت پرداخت تا روشن گردد که در علم اقتصاد، دقیقاً مقصود از منفعت چیست. یکی از نظریه‌پردازان مهم در موضوع فلسفه علم اقتصاد، آدام اسمیت است که به تفصیل، به چیستی و معیارهای منفعت پرداخته است. همچنین در سنت اسلامی، شهید سید محمدباقر صدر، با تمرکز بر مباحث اقتصادی به توضیح غایت اقتصاد اسلامی و نقش منفعت در این زمینه پرداخته است. باتوجه به اینکه کاربست روش تطبیقی می‌تواند به فهم بهتر دیدگاه‌ها کمک کند، مناسب است به بررسی این مسئله پرداخت چه وجوه اشتراک و اختلافی میان چیستی و ویژگی‌های منفعت در نگرش آدام اسمیت و شهید صدر وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه اقتصاد، اقتصاد، اسمیت، شهید صدر.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۴۰. بررسی تطبیقی ویژگی‌های نظام اقتصادی از منظر میلتون فریدمن^۱ و شهید صدر

سؤال: چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان دیدگاه میلتون فریدمن و شهید صدر درباره ویژگی‌های نظام اقتصادی وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه اقتصاد از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی، با استفاده از روش عقلی، به بررسی موضوعاتی مانند نظام اقتصادی، انسان اقتصادی، غایت اقتصاد و مبانی نظری اقتصاد پرداخته می‌شود. یکی از بحث‌های مهم در فلسفه علم اقتصاد، بررسی ابعاد مختلف نظام اقتصادی است. متفکران اسلامی و نیز متفکران غربی این موضوع را مورد بررسی و پژوهش قرار داده‌اند. در سنت اسلامی، شهید سید محمدباقر صدر با نگارش کتاب اقتصادنا از پیش‌قراولان مباحث فلسفه علم اقتصاد است. در تفکر غربی نیز برخی نویسندگان مانند فریدمن به این مبحث توجه داشته‌اند. حاصل این تحقیقات، طرح دیدگاه‌های مختلفی است که هرکدام ظرفیت لازم برای مبنا قرار گرفتن برای یک برنامه اقتصادی کلان و تعیین راهبردهای اقتصادی را واجد هستند. باتوجه به تأثیر مهمی که

1. Milton Friedman.



ویژگی‌های نظام اقتصادی در هرگونه تصمیم اقتصادی کلان به دنبال دارد، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که چه وجوه شباهت و تفاوتی میان دیدگاه فریدمن و شهید صدر درباره ویژگی‌های نظام اقتصادی می‌توان بیان کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، نظام اقتصادی، فریدمن، شهید صدر
قالب: کتاب. اولویت: ۳/۳.

۳۴۱. بررسی مبانی انسان‌شناختی اقتصاد متعالیه از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر حکمت متعالیه و با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی چه تقریری از مبانی انسان‌شناختی اقتصاد می‌توان ارائه کرد؟

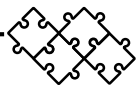
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم اقتصاد است. در این شاخه فلسفی با کاربری روش عقلی، به بررسی موضوعات اساسی در علم اقتصاد پرداخته می‌شود. یکی از موضوعات اساسی در علم اقتصاد، موضوع فعالیت‌های اقتصادی یا همان انسان است. روشن است که هرگونه تحلیل و تفسیر از وجود انسان به مباحث علم اقتصاد جهت خواهد داد و از این رو انسان‌شناسی نقشی اساسی در علم اقتصاد ایفا می‌کند. باتوجه به اینکه برپایه مبانی حکمت متعالیه می‌توان تصویری از انسان ارائه کرد که واجد ویژگی‌هایی است که در کمتر مکتب فلسفی مورد توجه قرار گرفته است، می‌توان از انسان‌شناسی متعالیه سخن به میان آورد. آیت‌الله جوادی آملی که یکی از بزرگ‌ترین شارحان حکمت متعالیه است، از حی متألّه همچون هویت انسان، براساس حکمت متعالیه یاد می‌کند. انسان‌شناسی متعالیه، مجموعه تعلیم و آموزه‌هایی است که برپایه مکتب حکمت متعالیه می‌توان درباره انسان بیان کرد. اکنون با ضمیمه کردن این دو مطلب می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از برپایه انسان‌شناسی متعالیه، به‌ویژه با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی چه تقریری از مبانی نظری اقتصاد می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، انسان‌شناسی، جوادی آملی.
قالب: کتاب. اولویت: ۳/۶.

۳۴۲. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم اقتصاد از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم اقتصاد می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم اقتصاد است. در این شاخه



فلسفی به بررسی موضوعات اساسی علم اقتصاد پرداخته می‌شود. در بخشی از فلسفه علم اقتصاد، سخن از ارزش و اعتبار گزاره‌های علم اقتصاد به میان می‌آید. اگرچه نمی‌توان همه گزاره‌های علم اقتصاد را از نظر اعتبار معرفت‌شناختی یک‌سان انگاشت؛ زیرا بسیاری از گزاره‌های علم اقتصاد به موقعیت‌ها و وضعیت‌های نامشخص درباره آینده مربوط است و به نظر می‌رسد رسیدن به یقین معرفت‌شناختی در علم اقتصاد به سهولت امکان‌پذیر نباشد. اما مهم بررسی این موضوع است که یقینی بودن یا نبودن گزاره‌های علم اقتصاد دلالت‌ها و لوازم بسیاری درون علم اقتصاد و در ارتباط این علم با سایر علوم به دنبال خواهد داشت. اینجاست که نگرش معرفت‌شناختی اقتضا می‌کند با تمرکز بر گزاره‌های علم اقتصاد به واکاوی ارزش معرفت‌شناختی آن پردازیم و به این پرسش توجه کنیم که از منظر مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم اقتصاد می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۳۴۳. بررسی رابطه عقلانیت و ارزش اقتصادی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی، چه تبیینی از رابطه میان عقلانیت و ارزش اقتصادی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در میان شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم اقتصاد اهمیت خاصی دارد. یکی از وجوه اهمیت این شاخه علمی، ارتباط آن با مسائل دنیوی جامعه است. پرواضح است که ریشه بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در سطح کلان، به نگرش‌ها و بینش‌های تصمیم‌گیران درباره چیستی ارزش اقتصادی بازمی‌گردد. ارزش اقتصادی همچون یک معیار در بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها حضور فعال دارد. ازسوی دیگر مباحثی درباره عقلانیت در متون و منابع فلسفی وجود دارد که می‌تواند با محک زدن گزاره‌های مربوط به ارزش اقتصادی، ارزش و اعتبار واقعی آن‌ها را آشکار سازد. به عبارت دیگر می‌توان با نگرش معرفت‌شناختی، معیار یا معیارهایی برای بازشناسی ارزش واقعی اقتصادی از ارزش غیرواقعی به دست داد. مشکلی که در این میان وجود دارد این است که در کمتر پژوهشی ارزش اقتصادی از منظر عقلانیت دینی مورد کاوش قرار گرفته است؛ ازاین‌رو جا دارد به بررسی این مسئله پردازیم که از منظر معرفت‌شناسی اسلامی رابطه میان عقلانیت و ارزش اقتصادی چگونه تبیین می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، ارزش اقتصادی، عقلانیت، معرفت‌شناسی اسلامی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۶.

۳۴۴. بررسی انتقادی فردگرایی در نظام اقتصادی براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر فردگرایی در نظام اقتصادی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه علمی به بررسی و واکاوی موضوعات کلان علم اقتصاد پرداخته می‌شود. چیستی ارزش اقتصادی و ویژگی‌های انسان به مثابه موضوع فعالیت اقتصادی از جمله موضوعات محوری در فلسفه علم اقتصاد است. همچنین نظریه پردازی در علم اقتصاد، ریشه در برخی پیش‌فرض‌ها دارد که بحث و بررسی درباره اعتبار آن‌ها در فلسفه علم اقتصاد انجام می‌گیرد. یکی از اصول و پیش‌فرض‌ها در برخی نظریه‌های علم اقتصاد، فردگرایی روش‌شناختی است. بسیاری بر این باورند که فردگرایی روش‌شناختی، پایه و اساس مکتب اقتصادی اتریش را تشکیل می‌دهد. می‌توان چهار رکن برای فردگرایی روش‌شناختی برشمرد؛ الف. نفی ابعاد ماورایی از جامعه، ب. نفی دخالت عناصر غیرانسانی در جامعه، ج. مساوی و یکسان شمردن افراد انسان، د. فروکاهش جامعه به جمع جبری اجزای آن. با توجه به اهمیت هریک از این عناصر، لازم است به بررسی و واکاوی هر کدام ذیل عنوان فردگرایی روش‌شناختی پرداخت. به نظر می‌رسد فلسفه علوم اجتماعی متعالیه مبنای مناسبی برای نقد این عناصر باشد؛ از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از اینکه براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر فردگرایی در نظام اقتصادی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، فردگرایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۳۴۵. بررسی انتقادی جامعه‌گرایی در نظام اقتصادی براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر جامعه‌گرایی در نظام اقتصادی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. فلسفه علم اقتصاد



عهده‌دار بررسی موضوعات اساسی علم اقتصاد است. بررسی‌ها و پژوهش‌های فلسفه علم اقتصاد به شکل‌گیری نظریه‌ها و مکاتب مختلفی انجامیده است. برای نمونه، یکی از مکاتب فلسفه علوم اجتماعی، با در پیش گرفتن نگرش فردگرایانه، جامعه را حاصل جمع جبری افراد برشمرده است. درمقابل، مکتبی جامعه‌گرایانه وجود دارد که از هرگونه فروکاهش جامعه به جمع جبری افراد، اجتناب می‌کند و بر اصالت بخشیدن به ارزش‌های حاصل از جامعه تأکید دارد. روشن است که داوری میان این دو نظریه کار ساده‌ای نیست. هرگونه اظهار نظر در این زمینه به نظامی از مبانی و نگرش‌های کلی نیاز دارد؛ به تعبیر دیگر به نوعی از جهان‌بینی نیازمند است. اگر درصدد ارائه نظامی از آموزه‌ها باشیم، به نظر می‌رسد فلسفه علوم اجتماعی متعالیه، که ریشه در مبانی حکمت صدرایی دارد، بتواند بستر مناسبی برای نگرش انتقادی به مکاتب فلسفه علم اقتصاد باشد؛ از این رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر جامعه‌گرایی در نظام اقتصادی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، جامعه‌گرایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۳۴۶. بررسی انتقادی مبانی آموزه دولت لسه‌فر^۱ در نظام اقتصادی براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی آموزه دولت لسه‌فر در نظام اقتصادی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به پژوهش و تحقیق درباره اصول و مبانی علم اقتصاد می‌پردازد. مرور ادبیات فلسفه علم اقتصاد، گواه آن است که مکاتب و نظریه‌های مختلفی در این زمینه شکل گرفته است. یکی از نظریه‌های رایج در فلسفه علم اقتصاد دولت لسه‌فر است. برپایه این نظریه لازم است هر دولتی با واگذاری عمده مسئولیت‌ها به بخش خصوصی، افراد را در هرگونه فعالیت، اعم از اجتماعی و اقتصادی، آزاد بگذارد. لازم است فعالیت‌های دولت محدود به قلمرویی گردد که به امنیت ملی مربوط می‌شود. اینکه تعریف دقیق انسان چیست و حدود آزادی‌های او تا کجاست، موضوع بسیار مهمی است که دلالت‌های بسیاری در علوم اجتماعی به‌ویژه علم اقتصاد دارد؛

1. Laissez-faire.



از این رو مناسب است با تمرکز بر این مسئله، این پرسش را بررسی کنیم که از منظر فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه نقدهایی بر نظریه دولت لسه‌فر وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، دولت لسه‌فر، فلسفه علوم اجتماعی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۳.

۳۴۷. بررسی انتقادی مبانی نظریه توسعه تجددسازی در نظام اقتصادی براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه توسعه تجددسازی در نظام اقتصادی وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در فلسفه علم اقتصاد، بررسی مبانی نظری توسعه است. در حالی که بسیاری از نویسندگان بر این باورند که توسعه امری است که باید در سایه شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کشور سامان یابد، برخی تلاش می‌کنند نسخه واحدی برای توسعه در نظر بگیرند. این دسته از افراد ضمن نادیده گرفتن مقتضیات فرهنگی - اجتماعی مناطق مختلف، توسعه غربی را الگوی مناسبی برای سایر کشورها در نظر می‌گیرند که منعکس‌کننده ویژگی‌های زندگی مطلوب است. چنین الگویی از توسعه اقتصادی با عنوان توسعه تجددساز مشهور است. در مقابل، نقدهایی به این الگوی توسعه وارد شده است. از جمله این نقدها می‌توان به مواردی اشاره کرد که براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه وارد شده است. با توجه به لزوم توجه به شرایط فرهنگی هر کشوری در ترسیم خطوط توسعه اقتصادی می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه توسعه تجددسازی در نظام اقتصادی وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، توسعه، تجددسازی، نظام اقتصادی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۳.

۳۴۸. بررسی انتقادی مبانی نظریه توسعه ساختارگرایانه در نظام اقتصادی براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه توسعه ساختارگرایانه در نظام اقتصادی وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به موضوعات



اصلی و اساسی در علم اقتصاد می‌پردازد. در این شاخه علمی، مبانی و پیش‌فرض‌هایی مورد کاوش قرار می‌گیرند که هرگونه اظهارنظر درباره آن‌ها، نظام اقتصادی مطلوب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از موضوعات فلسفه علم اقتصاد ابعاد نظری مسئله توسعه است. در قلمرو فلسفه علم اقتصاد، نظریه‌های مختلفی درباره ابعاد نظری توسعه ظهور کرده است. یکی از این نظریه‌ها نظریه توسعه ساختارگراست. برپایه این نظریه، اولاً هرگونه تلاشی برای توسعه باید ناظر به اصلاح و ترمیم ساختارها باشد، نه در سطح روابط اقتصادی. به عبارت دیگر ریشه بسیاری از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در ساختارهای معیوب اقتصادی نهفته است. افزون‌بر این هرگونه توسعه‌ای باید به عوامل غیراقتصادی دخیل نیز توجه کند. بنابراین نباید تصور کرد که موانع توسعه صرفاً مربوط به حوزه اقتصاد است. ثالثاً باتوجه به هزینه‌هایی که اصلاح ساختاری به دنبال دارد، تنها مسیر انجام اصلاح ساختاری برای رسیدن به توسعه، دولت است. از این‌رو باید دست دولت در ایجاد تغییرات را باز گذاشت. روشن است که کشور ما فرهنگ خاصی دارد که این فرهنگ، اقتضائاتی در عرصه علوم انسانی به‌ویژه در حوزه اقتصاد و به‌خصوص در عرصه نظریه توسعه به دنبال دارد. در صورتی که بخواهیم نظریه ساختارگرایانه توسعه را از منظر مبانی فرهنگ اسلامی نقد و ارزیابی کنیم، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه «توسعه ساختارگرایانه» در نظام اقتصادی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، ساختارگرایی، نظام اقتصادی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۶.

۳۴۹. بررسی انتقادی مبانی نظریه توسعه وابستگی در نظام اقتصادی براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه توسعه وابستگی در نظام اقتصادی وارد است؟

تبیین مسئله: در دانش فلسفه علم اقتصاد به بررسی مبانی نظری علم اقتصاد پرداخته می‌شود. ازجمله موضوعات مورد توجه در علم اقتصاد، مسئله توسعه است. بسیاری از نویسندگان، با واکاوی ابعاد مختلف توسعه، نظریه‌های ارائه کرده‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به توسعه ساختارگرا و توسعه تجددساز اشاره کرد. اما در میان این نظریه‌ها می‌توان برخی دیدگاه‌ها را یافت که نگرش انتقادی به مسئله توسعه دارند. برای مثال، آندره گوندر فرانک با تأمل بر ابعاد

مختلف توسعه به این نتیجه رسید که نظریه‌هایی که با موضوع توسعه مطرح می‌گردد، در عمل به افزایش و شدت وابستگی کشورها می‌انجامد. به باور فرانک، نظریه‌های توسعه ابزاری، در دست کشورهای مدافع سرمایه‌داری، به منظور استعمار بیشتر و پیچیده‌تر کشورهای جهان سوم است و می‌توان شواهد روشنی در تأیید این نظریه گردآوری کرد. به هر حال، این نظریه از پاره‌ای اصول و مبانی بهره می‌برد که بدون توجه به آن‌ها نمی‌توان دآوری دقیقی درباره این نظریه به دست داد. حال اگر فلسفه علوم اجتماعی صدراپی را مبنای نقد و ارزیابی در نظر بگیریم، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه توسعه وابستگی در نظام اقتصادی وارد است؟

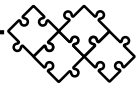
کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، توسعه، وابستگی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۳.

۳۵۰. بررسی انتقادی مبانی نظریه توسعه انسانی در نظام اقتصادی براساس فلسفه علوم اجتماعی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه توسعه انسانی در نظام اقتصادی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم اقتصاد است. در این شاخه فلسفی، با استفاده از روش تحلیلی - عقلی، به واکاوی مبانی و پیش‌فرض‌های بسیاری از نظریات کلان اقتصادی پرداخته می‌شود. از جمله موضوعاتی که مورد توجه فیلسوفان علم اقتصاد قرار گرفته است، پرداختن به ابعاد نظری نظریه توسعه است. یکی از نظریه‌های مهم در موضوع توسعه، نظریه توسعه انسانی است. براساس این نظریه، در طراحی نظریه جامع توسعه، نباید اسیر دوگانه‌های علوم اجتماعی شد و لازم است در طراحی نظریه توسعه، بر ارزش‌های انسانی متمرکز شد. مدافعان این نظریه، دوگانه‌هایی مانند فرد/جامعه، ساختار/عاملیت، واقعیت/ارزش، خیر خصوصی/خیر عمومی را رد می‌کنند، و در مقابل، ارزش‌هایی مانند آزادی، مردم‌سالاری و عدالت اجتماعی را مطرح می‌سازند. روشن است که مواجهه معقول و علمی با هر نظریه‌ای به انتخاب مبنایی برای نقد نیازمند است، حال اگر موضوع نقد را در تناسب با فرهنگ کشور، فلسفه علوم اجتماعی متعالیه قرار دهیم، می‌توان پرسش را این گونه تقریر کرد: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی متعالیه چه انتقادهایی بر مبانی نظریه توسعه انسانی در نظام اقتصادی وارد است؟



کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، توسعه انسانی، نظام اقتصادی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب/ پایان‌نامه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۳۵۱. بررسی انتقادی ابعاد اخلاقی نظام اقتصاد سرمایه‌داری از منظر فلسفه اخلاق اسلامی

سؤال: براساس مبانی فلسفه اخلاق اسلامی چه انتقادی بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری وارد است؟
تبیین مسئله: امروز و با توسعه نظام سرمایه‌داری، اصول و ارزش‌های این مکتب در اقصا نقاط جهان گسترش یافته است. ارزش‌هایی مانند مصرف‌گرایی، آزادی فردی و سود شخصی از جمله ارکان این مکتب اقتصادی است. نظام اقتصاد سرمایه‌داری گاهی حتی از تقابل و تعارض با ارزش‌های اخلاقی نیز ابایی ندارد. برای مثال مفهوم اخلاقی قناعت، در یک نظام اقتصادی سرمایه‌داری جایگاهی ندارد. ازسوی دیگر مکتب اسلام تأکید خاصی بر ارزش‌های اخلاقی دارد. اهمیت اخلاق در فرهنگ اسلامی به گونه‌ای است که هدف بعثت پیامبر خدا ﷺ اتمام مکارم اخلاق شمرده شده است. بنابراین هر مکتبی که در تقابل با اخلاق اسلامی قرار گیرد، درحقیقت با هدف نهایی این مکتب آسمانی در تعارض واقع شده است. اکنون و باتوجه به اهمیتی که مکتب اسلام برای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی قائل است، لازم است با تمرکز بر ارزش‌های اخلاق اسلامی به نقد و ارزیابی ابعاد مختلف نظام اقتصاد سرمایه‌داری بپردازیم. ازاین‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی فلسفه اخلاق اسلامی چه انتقادی بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، نظام اقتصادی، سرمایه‌داری، فلسفه اخلاق.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۳۵۲. بررسی انتقادی ابعاد اخلاقی نظام اقتصاد سوسیالیستی از منظر فلسفه اخلاق اسلامی

سؤال: براساس مبانی فلسفه اخلاق اسلامی، چه انتقادی بر نظام اقتصاد سوسیالیستی وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی و پژوهش درباره مبانی و پیش‌فرض‌های نظریه‌های کلان مطرح در علم اقتصاد می‌پردازد. در علم اقتصاد با شکل‌گیری مکاتب مهمی مواجه می‌شویم که مکتب سرمایه‌داری و مکتب سوسیالیسم از جمله آن‌هاست. تردیدی نیست که هریک از این مکاتب برپایه برخی مبانی و اصول شکل گرفته است که هر کدام از این مبانی و اصول، موضوع مناسبی برای بررسی و

تحقیق در قلمرو فلسفه علم اقتصاد است. در صورتی که یک جامعه بخواهد با نگرشی انتقادی با مکاتب مذکور مواجه گردد، لازم است با در نظر گرفتن مبانی اندیشه اسلامی به واکاوی مبانی این مکاتب پرداخت. از جمله این مکاتب، سوسیالیسم است که به رغم شکست در ابعاد سیاسی، در بُعد اقتصادی نقدهایی جدی بر مکتب سرمایه‌داری وارد کرده است. با این حال خود این مکتب نیز خالی از نقدها و اشکال‌ها نیست. از این رو مناسب است با طرح این پرسش که براساس مبانی فلسفه اخلاق اسلامی چه انتقادی بر نظام اقتصاد سوسیالیستی وارد است؟ به واکاوی ابعاد مختلف این مکتب پرداخت.

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، نظام اقتصادی، سوسیالیسم، فلسفه اخلاق.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۵۳. بررسی مبادی تصویری علم اقتصاد از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم اقتصاد می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این قلمرو فلسفی به واکاوی مبانی و پیش‌فرض‌های علم اقتصاد پرداخته می‌شود. از جمله محورهای فلسفه علم اقتصاد، واکاوی مبادی علم اقتصاد است. مبادی به برخی از مفاهیم و گزاره‌ها اطلاق می‌گردد که در دانشی مقدم بر اقتصاد بررسی می‌گردد. روشن است هرگونه صورت‌بندی از مفاهیم، و هر تقریری از گزاره‌های مذکور، نقشی اساسی در جهت‌دهی به مباحث علم اقتصاد دارد. اندیشه اسلامی با برخورداری از قلمروهای مختلفی از جمله معرفت‌شناسی اسلامی، ظرفیت خوبی برای تجزیه و تحلیل مبادی علم اقتصاد فراهم کرده است. از این رو می‌توان با تمرکز بر مبادی تصویری علم اقتصاد، به واکاوی و بررسی آن از منظر معرفت‌شناسی اسلامی پرداخت. بنابراین پرسش تحقیق عبارت است از اینکه براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم اقتصاد می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۳.



۳۵۴. بررسی مبادی تصدیقی علم اقتصاد از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم اقتصاد می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این قلمرو فلسفی به واکاوی مبانی و پیش‌فرض‌های علم اقتصاد پرداخته می‌شود. از جمله محورهای فلسفه علم اقتصاد، واکاوی مبادی علم اقتصاد است. مبادی به برخی از مفاهیم و گزاره‌ها اطلاق می‌گردد که در دانشی مقدم بر اقتصاد بررسی می‌گردد. روشن است هرگونه صورت‌بندی از مفاهیم، و هر تقریری از گزاره‌های مذکور، نقشی اساسی در جهت‌دهی به مباحث علم اقتصاد دارد. اندیشه اسلامی با برخورداری از قلمروهای مختلفی از جمله معرفت‌شناسی اسلامی، ظرفیت خوبی برای تجزیه و تحلیل مبادی علم اقتصاد فراهم کرده است. از این‌رو می‌توان با تمرکز بر مبادی تصدیقی علم اقتصاد، آن را از منظر معرفت‌شناسی اسلامی بررسی و واکاوی کرد. بنابراین پرسش تحقیق عبارت است از اینکه براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم اقتصاد می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۳۵۵. بررسی نظریه سود جمعی از منظر اخلاق اسلامی با تأکید بر دیدگاه علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر اخلاق اسلامی و با تأکید بر دیدگاه علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر نظریه سود جمعی وارد است؟

تبیین مسئله: در میان شاخه‌های فلسفه‌های مضاف، فلسفه علم اقتصاد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این شاخه فلسفی به بررسی و واکاوی مفاهیم و گزاره‌های اساسی در علم اقتصاد پرداخته می‌شود. یکی از مفاهیم اساسی در علم اقتصاد، سود جمعی است. بسیاری از نظریه‌های علم اقتصاد، با تمرکز بر مفهوم سود جمعی به طرح دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. نقش این مفهوم تا بدان حد است که بسیاری از نظریه‌های توسعه بر ارائه الگویی برای دستیابی به خیر جمعی متمرکز شده‌اند. از سوی دیگر مکتب اسلام با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، هدف و غایت خود را اتمام مکارم اخلاقی دانسته است. از جمله ارزش‌های اخلاقی، ایثار و از خودگذشتگی است. علامه مصباح یزدی از متفکرانی است که به تفصیل به بررسی



ابعاد مختلف مکتب اخلاق اسلامی پرداخته است. با این توضیحات، جای طرح این پرسش وجود دارد که از منظر اخلاق اسلامی و با تأکید بر دیدگاه علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر نظریه سود جمعی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، سود جمعی، اخلاق اسلامی، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. اولویت: ۴.

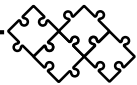
۳۵۶. بررسی انتقادی نظریه انسان اقتصادی بر اساس انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه نقدهایی بر نظریه انسان اقتصادی وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد دانشی عقلی است که به واکاوی اصول و مبانی علم اقتصاد می‌پردازد. در میان مباحث فلسفه علم اقتصاد، نظریه‌های بسیاری مطرح شده است که هر کدام درصدد ارائه الگو و مبنایی برای علم اقتصاد هستند. مرور این نظریه‌ها نشان می‌دهد که مفهوم اصلی و اساسی در این نظریه‌ها، انسان است. بنابراین هرگونه تلقی و تفسیر از چیستی انسان و ابعاد وجودی او دانش اقتصاد را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. امروزه با طرح مفهوم انسان اقتصادی، بسیاری از نظریه‌های اقتصادی متأثر از مفهوم انسان اقتصادی است. یکی از ویژگی‌های انسان اقتصادی، اعتماد او بر عقلانیت ابزاری است. از دیگر ویژگی‌های انسان اقتصادی می‌توان به سودجویی اشاره کرد. به‌هر حال می‌توان با جست‌وجو در متون مختلف، ویژگی‌های انسان اقتصادی را گردآوری کرد. اما نکته مهم این است که بتوان براساس نگرش اسلامی به نقد و بررسی مفهوم انسان اقتصادی پرداخت. در این میان انسان‌شناسی صدرایی زمینه خوبی برای ارائه نگرش دقیق به انسان را فراهم ساخته است. بنابراین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه نقدهایی بر نظریه انسان اقتصادی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، انسان‌شناسی، انسان اقتصادی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۳۵۷. بررسی رابطه میان غایت اخلاقی و غایت اقتصادی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه رابطه‌ای میان غایت اخلاقی و غایت اقتصادی می‌توان ترسیم کرد؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد دانشی است که با استفاده از روش عقلی و تحلیلی به



بررسی مفاهیم و گزاره‌ای بنیادین علم اقتصاد می‌پردازد. از جمله محورهای مهم در این شاخه علمی، واکاوی غایت و هدف نهایی علم اقتصاد است. اینکه آیا دانش اقتصاد به دنبال ایجاد رفاه است یا هدف دیگری را دنبال می‌کند؟ و اینکه ویژگی‌ها و ابعاد مختلف رفاه کدام است؟ از جمله مسائل فلسفه علم اقتصاد است. به هر حال، واکاوی غایت اقتصادی بی‌ارتباط با سایر ابعاد وجودی انسان نیست. انسان، موجودی است که ابعاد مختلفی دارد که یکی از ابعاد وجودی او بُعد اقتصادی است. از دیگر ابعاد وجودی انسان می‌توان به بُعد اخلاقی اشاره کرد. بر این اساس هر بُعدی از ابعاد وجودی انسان بدون توجه به سایر ابعاد، نگرش غیردقیق و غیرجامعی به دست خواهد داد. بنابراین مناسب است هر بُعدی از ابعاد وجودی انسان، با ملاحظه سایر ابعاد وجودی او در نظر گرفته شود. برای مثال، متون و منابع مختلفی به تبیین نگرش اسلام به اخلاق منتشر شده است و در این دسته از منابع، به غایت اخلاقی حیات انسانی توجه شده است. از جمله محققانی که در دوره معاصر به غایت اخلاق توجه کرده‌اند، علامه مصباح یزدی است. بنابراین در مباحث فلسفه علم اقتصاد نیز نمی‌توان غایت اقتصاد را بدون توجه به غایت اخلاق مدنظر قرار داد. با این توضیح جای طرح این پرسش وجود دارد که از منظر علامه مصباح یزدی چه رابطه‌ای میان غایت اخلاقی و غایت اقتصادی می‌توان ترسیم کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، غایت اخلاقی، فلسفه اخلاق، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۳۵۸. بررسی عقلی رابطه میان خیر جمعی و خیر فردی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی چه تحلیلی از رابطه میان خیر جمعی و خیر فردی می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: فلسفه علم اقتصاد از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه از مباحث عقلی، با تمرکز بر مبادی تصویری و تصدیقی علم اقتصاد، به واکاوی پیش‌فرض‌های علم اقتصاد پرداخته می‌شود. همچنین چالش‌های نظری علم اقتصاد، در قلمرو فلسفه علم اقتصاد، مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله این چالش‌ها تعارض میان خیر جمعی و خیر فردی است. این تعارض زمینه‌ساز شکل‌گیری مکاتب مختلفی در قلمرو اقتصاد شده است. برخی مکاتب با اصالت دادن به جامعه، بر تقدم خیر جمعی بر خیر فردی تأکید دارد، در مقابل، برخی از نویسندگان با این استدلال که پیگیری خیر فردی به تأمین خیر جمعی می‌انجامد، خیر فردی

را اصیل انگاشته‌اند. در خلال این مبحث، تبیین نگرش اسلامی به مسئله، از اهمیت خاصی برخوردار است. از این‌رو می‌توان این مسئله را مطرح ساخت که از منظر حکمت صدرایی چه تحلیل و تبیینی از رابطه میان خیر جمعی و خیر فردی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، خیر جمعی، خیر فردی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۳۵۹. بررسی فلسفه وجودی پول براساس نظریه استخدام علامه طباطبائی

سؤال: براساس نظریه استخدام علامه طباطبائی فلسفه وجودی پول چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه پول است. به‌رغم آنکه چند دهه بیشتر از شکل‌گیری این شاخه فلسفی نمی‌گذرد، مباحث بسیاری درباره چیستی و ابعاد پول مطرح شده است. فلسفه اسلامی، که گرایشی واقع‌گرایانه در پیش گرفته است، ظرفیت لازم برای بررسی موضوعات مختلف از جمله موضوعات جدیدی مانند پول را داراست. مرحوم علامه طباطبائی با طرح نظریه فلسفی استخدام، سعی کرده است تبیینی انسان‌شناختی برای بسیاری از موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطرح سازد. این نظریه، ظرفیت لازم را دارد تا مبنایی برای تحلیل واقعیت اعتباری پول باشد. از این‌رو مناسب است با تکیه بر دیدگاه‌های علامه، به‌ویژه نظریه استخدام، به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس نظریه استخدام علامه طباطبائی فلسفه وجودی پول چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، نظریه استخدام، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۳۶۰. بررسی جایگاه اعتبار در شکل‌گیری پول از منظر علامه طباطبائی

سؤال: براساس نظریه اعتباریات علامه طباطبائی، اعتباریات چه نقشی در شکل‌گیری پول دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه پول یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به واکاوی ابعاد مختلف پول پرداخته می‌شود. متفکران اسلامی معاصر با طرح دیدگاه‌های بدیعی، سعی کرده‌اند زمینه را برای بررسی و تحلیل موضوعات جدید اجتماعی فراهم آورند. برای مثال علامه طباطبائی با طرح نظریه اعتباریات گام مهمی در بسط مباحث



فلسفه اجتماعی برداشته است. نظریه اعتباریات ظرفیت لازم را دارد تا همچون نظریه‌ای مادر و بنیانی برای تحلیل واقعیت‌های اجتماعی از جمله پول به کار گرفته شود. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس نظریه اعتباریات علامه طباطبائی، اعتباریات چه نقشی در شکل‌گیری پول دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، اعتبار، پول، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۶۱. بررسی فلسفی نقش پول در شیئیت‌بخشی به واقعیت اجتماعی از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، نقش پول در شیئیت‌بخشی به واقعیت اجتماعی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه پول است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی و مبانی شکل‌گیری پول در جامعه پرداخته می‌شود. همچنین ابعاد و تأثیرات پول در جامعه مورد کاوش قرار می‌گیرد. یکی از آثاری که برای پول ذکر می‌شود این است که به‌رغم آنکه پول امری اعتباری است، از می‌تواند به حقایق اجتماعی، شیئیت ببخشد و هر امری را در جامعه سهل‌الوصول سازد. این نکته اگر چه قابلیت برای پول ذکر شده است، یکی از چالش‌های جوامع مدرن نیز شمرده می‌شود. پول باعث شده است بسیاری از ارزش‌های انسانی قابل قیمت‌گذاری و قابل دستیابی شود و بسیاری از افراد بتوانند با استفاده از ابزار پول، بسیاری از ارزش‌های دیگر اجتماعی را نیز تصاحب کنند. روشن است که براساس مبانی حکمت صدرایی مراتب وجود به‌گونه‌ای است که کمالات مرتبه پایین‌تر، در مرتبه بالاتر حضور دارد و نقایص مرتبه پایین‌تر به مراتب بالاتر وجود راه نمی‌برد. اگر براساس مبانی هستی‌شناختی صدرایی و نیز فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، به تجزیه و تحلیل جایگاه پول بپردازیم، بسیاری از پیامدهای ناگوار آن قابل نقد و ارزیابی است. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، نقش پول در شیئیت‌بخشی به واقعیت اجتماعی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، شیئیت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۶۲. بررسی انتقادی نگرش زیمل^۱ به نقش پول در رابطه ذهن و عین از نظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه نقدهایی به دیدگاه زیمل به نقش پول در رابطه میان ذهن و عین وارد می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه پول، بحث جایگاه و نقش پول در جامعه است. بسیاری از متفکران علوم اجتماعی به این بحث پرداخته‌اند و نتیجه این مباحث، حجم بسیاری از ادبیات مربوط به فلسفه پول است. از جمله این متفکران می‌توان به گئورگ زیمل نویسنده آلمانی اشاره کرد که به تجزیه و تحلیل نقش پول در جامعه براساس تمایز میان ذهن و عین پرداخته است. به باور زیمل، باتوجه به توان و قدرتی که پول در جامعه داراست، بسیاری از نقش‌هایی که در گذشته قابل انکار نبود، امروزه به راحتی قابل تغییر و کنار نهادن است. برای مثال در گذشته ذهنیت هیچ رعیتی چنین تصور نمی‌کرد که روزگاری از جامعه رعیتی به در آید، اما امروزه با داشتن پول، می‌توان هرگونه نقشی در جامعه به دست آورد. این تمایزی است که پول ایجاد کرده است. به یک معنا، پول می‌تواند برخی از امور را که تنها جنبه ذهنی داشته‌اند، عینیت ببخشد. این تحلیل‌های زیمل تا حدودی براساس نظریه استخدام و نظریه اعتباریات علامه طباطبائی قابل تجزیه و تحلیل است، ولی در مواردی که زیمل مراد خود از عینیت را به یک امر پدیداری منحصر می‌سازد، قابل نقد و ارزیابی است. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی چه نقدهایی به دیدگاه زیمل به نقش پول در رابطه میان ذهن و عین وارد می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، زیمل، ذهن و عین، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۳۶۳. بررسی انتقادی نگرش زیمل به نقش پول در رابطه انقیاد و رهایی از منظر فلسفه علوم

اجتماعی صدرایی

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به دیدگاه زیمل به نقش پول در رابطه میان انقیاد و رهایی وارد می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه پول است. به رغم آنکه چند دهه

1. Georg Simmel.



از شکل‌گیری این شاخه فلسفی بیشتر نمی‌گذرد، مباحث بسیاری درباره موضوع پول مطرح شده است. از پیشگامان در این بحث، گئورگ زیمل، دانشمند آلمانی است که به تجزیه و تحلیل نقش پول در جامعه پرداخته است. به باور زیمل، پول از چنان قدرتی در جامعه برخوردار شده است که توانایی لازم را برای ایجاد رابطه انقیاد و نیز رهایی دارد. این بدان معناست که از نظر زیمل، پول ظرفیت لازم را برای تغییر ارزش‌های جامعه دارد. باتوجه به اینکه براساس مبانی فلسفی حکمت صدرایی و نیز فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، توانایی پول در جامعه، هر قدر هم که زیاد باشد، محدود است و در تجزیه و تحلیل فلسفی پول لازم است به این محدودیت‌ها توجه کرد، مناسب به نظر می‌رسد که این موضوع محور بحث و بررسی قرار گیرد که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به دیدگاه زیمل به نقش پول در رابطه میان انقیاد و رهایی وارد می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، رهایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۶۴. بررسی انتقادی نگرش زیمل به نقش پول در بسط از خودبیگانگی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی به دیدگاه زیمل به نقش پول در بسط از خود بیگانگی وارد می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه پول است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبانی و مبادی پول پرداخته می‌شود که یک واقعیت اجتماعی است. از جمله متفکرانی که در سنت غربی با تمرکز بر مسئله پول به تجزیه و تحلیل چیستی و جایگاه پول در جامعه پرداخته است، گئورگ زیمل است. زیمل بر این باور است که بعد از اختراع و رواج پول، ارزش‌های اجتماعی دچار تزلزل شده است. پول از چنان قدرتی در جامعه برخوردار شده است که به تبدیل وسیله‌ای شده است برای تغییر معیارهای ارزشی. به اعتقاد زیمل، پول می‌تواند زمینه را برای از خودبیگانگی فراهم سازد. باتوجه به اینکه مسئله خودآگاهی از مهم‌ترین ویژگی‌های افراد عاقل و آزاد است، در فلسفه اسلامی به تفصیل به بررسی ارزش‌های الهی و انسانی پرداخته شده است و ملاک و معیار از خودبیگانگی نیز بیان شده است. براساس معیار ارزش‌ها در حکمت اسلامی، توانایی پول، هر چه قدر هم که زیاد باشد، نمی‌تواند ارزش‌ها را تغییر بدهد. استاد جوادی آملی در مباحث خود در زمینه انسان‌شناسی به تفصیل



به بررسی معیار ارزشمندی انسان اشاره کرده است. به نظر می‌رسد آثار آیت‌الله جوادی آملی ظرفیت لازم را دارد تا مبنایی برای نگرش انتقادی به دیدگاه زیمل فراهم کند. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی به دیدگاه زیمل به نقش پول در بسط از خود بیگانگی وارد می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، از خود بیگانگی، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۶۵. بررسی تحلیلی - انتقادی ابعاد نمادین پول در انعکاس وجوه و ابعاد دنیای مدرن از منظر حکمت متعالیه

سؤال: از منظر حکمت متعالیه چه تحلیل و انتقادی به ابعاد نمادین پول در دنیای مدرن می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث جدی در علوم اجتماعی، مباحث مربوط به پول است. این بحث، که در قلمرو فلسفه پول می‌گنجد، به واکاوی جایگاه و تأثیرات اجتماعی پول می‌پردازد. بسیاری از متفکران، به پول همچون نماد دنیای جدید می‌نگرند. این نماد بودن نه صرفاً به دلیل ارزش اقتصادی پول است، بلکه از آن جهت است که پول به ابزاری تبدیل شده است برای تغییر و دگرگونی ارزش‌های حاکم بر جامعه. به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که پول به ابزاری برای بازنمایی ارزش‌های دنیای مدرن تبدیل شده است که هر چیزی را در دسترس انسان مدرن قرار می‌دهد. اساس نگرش مدرن به جهان با چالش‌های متعددی مواجه است و این چالش‌ها درباره پول نیز وارد است که به نمادی از این ارزش‌ها بدل شده است. با توجه به اینکه از منظر حکمت متعالیه اشکال‌های بی‌شماری به ارزش‌های دنیای مدرن وارد است، می‌توان با مبنا قرار دادن آن به نقد و بررسی ابعاد مختلف پول پرداخت. بنابراین مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر حکمت متعالیه چه تحلیل و انتقادی به ابعاد نمادین پول در دنیای مدرن می‌توان ارائه کرد؟

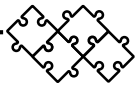
کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، مدرنیته، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

۳۶۶. بررسی تحلیلی رابطه پول و فرهنگ از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس حکمت اجتماعی صدرایی چه تحلیلی از رابطه میان فرهنگ و پول می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه مضاف، فلسفه پول است. به رغم آنکه چند دهه



بیشتر از شکل‌گیری مباحث مرتبط با فلسفه پول نمی‌گذرد، مباحث نسبتاً بسیاری درباره این موضوع مطرح شده است. بسیاری از متفکران، با تمرکز بر موضوع پول، به نقش آن در تغییر ارزش‌ها، نظم‌بخشی به مسائل اجتماعی، ایجاد از خودبیگانگی، و... پرداخته‌اند. یکی از ابعاد پول، ارتباط آن با فرهنگ است. رابطه میان پول و فرهنگ وثیق‌تر از آن چیزی است که ممکن است در ابتدا به ذهن برسد. اینکه آثار هنری نیز در دنیای مدرن براساس ارزش مادی قیمت‌گذاری می‌شود و برای آن نسبتی از پول در نظر گرفته می‌شود، دال بر وجود رابطه میان فرهنگ و پول است. اما نقش فرهنگی پول به این مقدار خلاصه نمی‌شود. باتوجه به اینکه نقش‌های مختلف پول در جامعه نیازمند نگرشی انتقادی است، مناسب است با مبنا قرار دادن حکمت صدرایی به‌منزله حکمت رایج در جامعه اسلامی، به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس حکمت اجتماعی صدرایی چه تحلیلی از رابطه میان فرهنگ و پول می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، فرهنگ، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۷۵.

۳۶۷. بررسی انتقادی نقش پول در هویت‌بخشی کاذب از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نقش پول در هویت‌بخشی کاذب به افراد وارد می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه مضاف، فلسفه پول است. در این شاخه عقلی به واکاوی ابعاد مختلف پول و نقش آن در جامعه پرداخته می‌شود. برخی از نویسندگان غربی، با تمرکز بر نقش پول در جامعه غرب، به واکاوی ابعادی از کارکردهای پول پرداخته‌اند. در میان کارکردهای پول، یکی از کارکردهای مطرح شده، ایجاد هویت کاذب است. به عبارت دیگر نقش پول در تسهیل دسترسی سوژه انسانی به امور مختلف موجب این پندار غلط شده است که توانایی‌های او نامحدود است. اگر از منظر هستی‌شناسی اسلامی به تجزیه و تحلیل نقش پول بپردازیم درخواهیم یافت که بسیاری از این نقش‌ها، تأثیرات انحرافی است که زائیده ارزش‌های دنیای مدرن است. باتوجه به اینکه در فلسفه علوم اجتماعی صدرایی ظرفیت لازم برای مواجهه انتقادی با چیستی، نقش و کارکرد پول وجود دارد، می‌توان به بررسی این سؤال پرداخت که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نقش پول در هویت‌بخشی کاذب به افراد وارد می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۳۶۸. بررسی انتقادی نقش پول در رابطه کار و ارزش از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نقش پول در رابطه میان کار و ارزش وارد می‌شود؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه پول است. در این شاخه عقلی به بررسی و تحلیل چیستی و جایگاه پول در جامعه پرداخته می‌شود. پول به دلیل توانایی و قدرتی که در تسهیل امور دارد، به ابزاری مطلوب برای سوژه انسانی تبدیل شده است که بتواند از طریق آن به بسیاری از خواسته‌های خود دست یابد. باتوجه به مباحثی که در فلسفه اقتصاد درباره ارزش اقتصادی مطرح می‌شود، آشکار می‌گردد که مبنای بسیاری از ارزش‌های اقتصادی، کار است. باین حال، پول به منزله یک ابزار مبادلاتی در جامعه توانسته است ارزش و جایگاهی بیش از کار به دست آورد و نقش آن، چنان جدی گردد که جایگاه کار و ارزش اقتصادی را به حاشیه برد. همچنین برای پول نقش‌هایی در تغییر و تبدل ارزش‌های جامعه بیان کرده‌اند. از آنجاکه این نقش پول از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی قابل نقد و ارزیابی است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نقش پول در رابطه میان کار و ارزش وارد می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، کار، ارزش، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۳۶۹. بررسی انتقادی نقش پول در بسط سیطره کمیت در جامعه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نقش پول در بسط سیطره کمیت در جامعه وارد می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه مضاف، فلسفه پول است. در این شاخه عقلی به واکاوی ابعاد مختلف پول و نقش آن در جامعه پرداخته می‌شود. برخی از نویسندگان غربی، با تمرکز بر نقش پول در جامعه غرب، به واکاوی ابعادی از کارکردهای پول پرداخته‌اند. در میان کارکردهای پول، یکی از کارکردهای مطرح شده، توسعه و بسط کمیت‌گرایی در



جامعه است. به عبارت دیگر، نقش پول با معیار قرار دادن اعداد و ارقام و ارائه سنجه عددی برای هر امری در جامعه، این ظرفیت را برای سوژه انسانی فراهم ساخته است که حتی ارزشمندترین صفات انسانی را دچار تحول سازد. همچنین ارزش مالی بسیاری از ارزش‌های اخلاقی را در قالب قیمت اقتصادی آن تبیین کند. اگر از منظر هستی‌شناسی اسلامی به تجزیه و تحلیل نقش پول بپردازیم، در خواهیم یافت که بسیاری از ارزش‌های انسانی و اخلاقی وجود دارد که قابل تقییم و ارزش گذاری اقتصادی نیست. با توجه به اینکه در فلسفه علوم اجتماعی صدراپی ظرفیت لازم برای مواجهه انتقادی با نقش پول در بسط کمیت‌گرایی در جامعه وجود دارد، می‌توان به بررسی این سؤال پرداخت که براساس مبانی فلسفه علوم اجتماعی صدراپی چه نقدهایی به نقش پول بسط کمیت‌گرایی در جامعه وارد می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم اقتصاد، پول، جامعه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۱۵. فلسفه علم سیاست

فلسفه علم سیاست از دیگر شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه علمی به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم سیاست پرداخته می‌شود. در ادامه، برخی از مسائل مهم و به‌روز این شاخه فلسفی را از نظر می‌گذرانیم.

۳۷۰. بررسی رابطه قدرت و سعادت از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی رابطه میان قدرت و سعادت چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم سیاست است. در این شاخه عقلی به بررسی و پژوهش درباره مبادی تصویری و تصدیقی علم سیاست پرداخته می‌شود. از جمله مبادی تصویری علم سیاست، مفهوم قدرت است. جایگاه این مفهوم تا جایی است که موضوع دانش سیاست شمرده شده است. از این‌رو هرگونه تقریری از مفهوم قدرت، افزون‌بر اینکه دانش سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد، می‌تواند بر سایر علوم نیز مؤثر باشد. از سوی دیگر در سایر شاخه‌های فلسفه مضاف، مانند فلسفه اخلاق، به واکاوی ابعادی از وجود انسان مانند غایت اخلاقی انسان پرداخته می‌شود. روشن است که با توجه به اهمیت علم اخلاق، غایت آن از اهمیت زیادی برخوردار است و نباید هیچ دانش دیگری سمت‌وسویی



یابد که غایت علم اخلاق را مخدوش سازد. نکته اصلی، توجه به ابعاد مختلف مفهوم قدرت است. برای مثال، این مفهوم با مفاهیم دیگری مانند کمال و سعادت انسان ارتباط دارد. از این‌رو جای طرح این پرسش وجود دارد که از منظر علامه طباطبائی رابطه میان قدرت و سعادت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، قدرت، سعادت، فلسفه اخلاق، علامه طباطبائی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۳۷۱. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم سیاست از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم سیاست می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم سیاست است. فلسفه علم سیاست عهده‌دار تعیین و تبیین گزاره‌ها و مفاهیم اساسی در دانش سیاست است. برای نمونه، غایت علم سیاست چیست؟ چه تعریفی از قدرت می‌توان ارائه کرد؟ مفهوم دولت چیست؟ و جایگاه دولت در علم سیاست چگونه تبیین می‌شود؟ ره‌آورد این مباحث، مجموعه‌ای از گزاره‌های بنیادین در علم سیاست است که کل مسائل علم سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باتوجه به نقش کلیدی این دسته از ره‌آوردها، نکته مهم در این زمینه آن است که آیا این گزاره‌ها واجد اعتبار معرفت‌شناختی لازم هستند؟ به عبارت دیگر، تا چه اندازه می‌توان بر اتقان آن‌ها اعتماد کرد؟ پاسخ این پرسش از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا صرف عقلی بودن روش تضمین‌کننده اعتبار یافته‌ها نیست، چه‌بسا کاربست عقل در برخی از قلمروها به گزاره‌های ظنی بینجامد. از این‌رو جای طرح این پرسش وجود دارد که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم سیاست می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، سیاست، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۳۷۲. بررسی مبادی تصویری علم سیاست از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم سیاست می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه علم سیاست به واکاوی و بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم



سیاست می‌پردازد. باتوجه به اهمیت و نقشی که تصورات و اصطلاحات علمی در سامان دادن به مباحث یک علم دارند، بسیاری از متفکران و نویسندگان به تجزیه و تحلیل مفاهیم اساسی به کاررفته در علم سیاست، مانند قدرت، دولت و اقتدار پرداخته‌اند. از آنجاکه همین تصورات می‌تواند به روزه‌ای تبدیل گردد برای ورود افکار و اندیشه‌های غیراسلامی به قلمرو اندیشه اسلامی، مناسب است دقت زیادی در صورت‌بندی این مفاهیم و تصورات اعمال گردد. ازسوی دیگر اندیشه اسلامی با استفاده از ظرفیتی که در دانش معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد، قادر است به تجزیه و تحلیلی مفاهیم به کاررفته در علوم مختلف، ازجمله علم سیاست بپردازد. بنابراین بجاست با تمرکز بر مبادی تصویری علم سیاست، به واکاوی این پرسش پرداخت که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم سیاست می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، سیاست، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۳۷۳. بررسی مبادی تصدیقی علم سیاست از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم سیاست می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه علم سیاست به واکاوی و بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم سیاست می‌پردازد. باتوجه به اهمیت و نقشی که مبادی تصدیقی در جهت‌دهی به نظریه‌های علوم دارند، بسیاری از متفکران و نویسندگان به تبیین و بررسی گزاره‌های مطرح در علم سیاست پرداخته‌اند. از آنجاکه همین تصدیقات و گزاره‌های پایه می‌تواند خاستگاهی برای اشراق نظریه‌های غربی در اندیشه اسلامی باشد، مناسب است با تأمل در این گزاره‌ها و مبادی تصدیقی، مجموعه‌ای دقیق از مبادی تصدیقی علم سیاست فراهم ساخت. ازسوی دیگر، اندیشه اسلامی می‌تواند با استفاده از ظرفیتی که در دانش معرفت‌شناسی اسلامی وجود دارد، مبادی تصدیقی به کاررفته در علوم مختلف ازجمله علم سیاست را تجزیه و تحلیل کند. بنابراین بجاست با تمرکز بر مبادی تصدیقی علم سیاست به واکاوی این پرسش پرداخت که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم سیاست می‌توان مطرح ساخت؟



کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، سیاست، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۳۷۴. بررسی تحلیلی رابطه مردم و قدرت از منظر سیاست متعالیه

سؤال: براساس مبانی سیاست متعالیه چه تحلیل و تبیینی از رابطه میان مردم و قدرت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: در دانش فلسفه علم سیاست به بررسی و تجزیه و تحلیل مبادی تصویری و تصدیقی علم سیاست پرداخته می‌شود. برخی از مفاهیم پایه و بنیادین در فلسفه علم سیاست عبارت است از قدرت، مردم، حکومت و دولت اگرچه در این میان مفهوم قدرت از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است، این بدان معنا نیست که این مفهوم جدا از سایر مفاهیم اصلی علم سیاست قابل تجزیه و تحلیل است. از این رو لازم است در واکاوی هر کدام از مبادی تصویری علم سیاست، سایر مفاهیم را نیز مورد توجه قرار داد و به رابطه مفهوم قدرت، برای مثال با مفهوم مردم، یا مفهوم دولت نیز توجه کرد. از سوی دیگر در دهه‌های اخیر تمرکز بر ابعاد مختلف حکمت متعالیه به شکل‌گیری شاخه‌ای با عنوان سیاست متعالیه انجامیده است که عهده‌دار بررسی مبادی تصویری و تصدیقی سیاست متعالیه است. اکنون با در نظر گرفتن این دو مطلب می‌توان پرسش پژوهشی را این گونه صورت‌بندی کرد که براساس مبانی سیاست متعالیه چه تحلیل و تبیینی از رابطه میان مردم و قدرت می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، مردم، قدرت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۳۷۵. بررسی ضرورت عقلی حکومت از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه ادله عقلی‌ای بر ضرورت حکومت می‌توان ارائه کرد؟
 تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف، می‌توان به فلسفه علم سیاست اشاره کرد. در این شاخه فلسفی، ابعاد مختلف مبادی تصویری و تصدیقی علم سیاست بررسی می‌شود. از جمله محورهای فلسفه علم سیاست، واکاوی ضرورت وجود حکومت در جامعه است. شاید این گونه به نظر رسد که لزوم وجود حکومت در جامعه امری ضروری است، ولی



هنگامی که ادبیات بحث را مورد توجه قرار دهیم، در خواهیم یافت که استدلالهای متنوعی در رد ضرورت حکومت مطرح شده است. بسیاری از نویسندگان غربی با تمرکز بر مباحث سیاسی - اجتماعی وجوهی برای ضرورت حکومت مطرح ساخته‌اند. اگر بخواهیم اندیشه فلسفه اسلامی را مبنا قرار دهیم، مناسب است با مراجعه به متون و منابع حکمت اسلامی به واکاوی وجوه ضرورت حکومت بپردازیم. از میان حکیمان مسلمان معاصر، علامه مصباح یزدی در برخی آثار خود به بحث ضرورت حکومت پرداخته است؛ از این رو جای طرح این پرسش وجود دارد که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی ضرورت عقلی حکومت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، حکومت، روش عقلی، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۳۷۶. بررسی عقلی لوازم مشروعیت مردمی حکومت از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی لوازم عقلی مشروعیت مردمی حکومت کدام است؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم فلسفه علم سیاست، مسئله مشروعیت است. تعریف‌های مختلفی از مشروعیت مطرح شده است. براساس یکی از تعریف‌های رایج، مشروعیت به معنای باور و گرایش افراد یک جامعه به نوع حکومت آن جامعه است. از این رو مفهوم مشروعیت با نگرش و باور شهروندان در ارتباط است. برخی از نویسندگان با معیار قرار دادن مشروعیت مردمی، تلاش کرده‌اند حکومت و اجزای آن را براساس گرایش و باور افراد، بازخوانی کنند. اما مراجعه به متون اسلامی گواه آن است که باور و پذیرش افراد، فاقد اعتبار مطلق است. شهروندان مسلمان لازم است در باور و گرایش خود به آموزه‌های اصیل اسلامی توجه داشته باشند. آیت‌الله جوادی آملی از حکیمان معاصر است که با تمرکز بر برخی از مفاهیم سیاسی به بیان دیدگاه حکمت متعالیه و نیز معارف اسلامی در این زمینه پرداخته است. با توجه به عدم اعتبار مطلق پذیرش مردم در نگرش اسلامی جای این پرسش وجود دارد که براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی لوازم عقلی مشروعیت مردمی حکومت کدام است؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، حکومت، مردم‌سالاری، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۷۷. بررسی انتقادی نظریه مردم‌سالاری مشورتی هابرماس^۱ از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر نظریه مردم‌سالاری مشورتی هابرماس وارد است؟ تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم سیاست است. در این شاخه فلسفی به بررسی تحلیلی و عقلی مبادی تصویری و تصدیقی علم سیاست پرداخته می‌شود. بسیاری از متفکران با تمرکز بر مفاهیم اساسی و گزاره‌های پایه علم سیاست، به نظریه‌پردازی در این زمینه پرداخته‌اند. بخشی از تلاش این متفکران، مصروف بهبود و ارتقا نظریه‌های رایج در فلسفه علم سیاست شده است. برای نمونه، یورگن هابرماس، با تمرکز بر مفهوم مردم‌سالاری، به نقد مبانی و اصول مردم‌سالاری موجود پرداخته است و پس از نقد و ارزیابی آن، تلاش کرده است معیاری برای مردم‌سالاری ارائه کند تا از کاستی‌های کمتری برخوردار باشد. وی از نظریه ابتکاری خود، با عنوان مردم‌سالاری مشورتی یاد می‌کند. باتوجه به اینکه در اندیشه اسلامی مردم‌سالاری فاقد ارزش مطلق است، لازم است با بررسی نظریه‌های مطرح در این زمینه، به بیان قوت‌ها و ضعف‌های آن‌ها از منظر معارف اسلامی بپردازیم. علامه مصباح یزدی از متفکرانی است که به مباحث فلسفه علم سیاست پرداخته است و سعی کرده است در این زمینه نگرش اسلامی را به کار گیرد. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر نظریه مردم‌سالاری مشورتی هابرماس وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، مردم‌سالاری، هابرماس، مصباح یزدی.

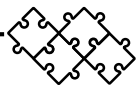
قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۳۷۸. بررسی رابطه میان حق سیاسی و تکلیف سیاسی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تحلیلی از رابطه میان حق سیاسی و تکلیف سیاسی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: از جمله مسائل فلسفه سیاست، پرداختن به مفاهیم بنیادین علم سیاست است. در علم سیاست، مفاهیمی مانند حق و تکلیف سیاسی مطرح شده است که گفت‌وگو در این زمینه مطالب و مباحث بسیاری را به دنبال داشته است. از جمله این مباحث می‌توان

1. Jürgen Habermas.



به رابطه میان حق و تکلیف اشاره کرد. شاید چنین به نظر رسد که در فلسفه سیاست اسلامی، حق سیاسی روی دیگر سکه تکلیف سیاسی است. اما باتوجه به اینکه نظام سیاسی اسلام مشروعیت خود را از اراده الهی می‌گیرد، به نظر می‌رسد چنین برداشتی دقیق نباشد. آیت‌الله جوادی آملی در آثار مختلف خود، ضمن پرداختن به این مسئله، تلاش می‌کند تصویری دقیق از رابطه میان حق و تکلیف از منظر اسلامی ارائه کند. از این رو مناسب است با تمرکز بر تعالیم و آموزه‌های اسلامی به واکاوی این پرسش بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تحلیلی از رابطه میان حق سیاسی و تکلیف سیاسی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، حق، تکلیف، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۳۷۹. بررسی رابطه میان خیر اخلاقی و خیر سیاسی از منظر فارابی

سؤال: براساس دیدگاه فارابی چه تحلیلی از رابطه میان خیر اخلاقی و خیر سیاسی می‌توان به دست داد؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفی، فلسفه علم سیاست است. در این شاخه فلسفی به بررسی مسائل کلان و اساسی علم سیاست با استفاده از روش عقلی پرداخته می‌شود. در میان متفکران اسلامی فارابی با بسط و گسترش قلمروی فلسفه به بسیاری از موضوعات فلسفه‌های مضاف اشاره کرده است. از جمله موضوعاتی که مورد توجه فارابی بوده است، اخلاق و سیاست است. در مباحث سیاسی سخن از «خیر سیاسی» به میان می‌آید، در قلمرو اخلاق نیز با مفهوم «خیر اخلاقی» مواجه هستیم که غایت فعل اخلاقی شمرده می‌شود. برخی بر این باورند که هدف نهایی از طرح خیر اخلاقی رسیدن به خیر سیاسی است. به عبارت دیگر اخلاق مقدمه‌ای برای سیاست است. اما ممکن است این پرسش مطرح شود که چگونه رسیدن به فضایل اخلاقی نیز می‌تواند غایت سیاست در نظر گرفته شود. بنابراین جای بررسی این مسئله وجود دارد که چه رابطه‌ای میان خیر اخلاقی و خیر سیاسی وجود دارد. از این رو می‌توان این سؤال را مطرح ساخت که براساس دیدگاه فارابی چه تحلیلی از رابطه میان خیر اخلاقی و خیر سیاسی می‌توان به دست داد؟

کلیدواژه: فلسفه علم سیاست، خیر، فلسفه اخلاق، فلسفه اسلامی، فارابی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱,۲,۱۶. فلسفه قدرت

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه عقلی به واکاوی و پژوهش درباره چیستی قدرت، منابع و خاستگاه قدرت، شروط کلی کاربست قدرت، و غایت قدرت پرداخته می‌شود. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید این عرصه آشنا می‌شویم.

۳۸۰. بررسی رابطه قدرت و حقانیت از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی، چه رابطه‌ای میان قدرت و حقانیت وجود دارد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در فلسفه قدرت مباحث بسیاری درباره چیستی قدرت، منشأ قدرت، شروط اعمال قدرت و... مطرح می‌شود. بسیاری از نویسندگان غربی با تمرکز بر موضوع قدرت، به واکاوی آن پرداخته‌اند. در این میان برخی در اصالت دادن به قدرت، چنان راه افراط را پیموده‌اند که حتی معرفت را نیز تابعی از قدرت به شمار آورده‌اند و ارزشی برای معرفت و مطابقت آن با واقع در نظر نگرفته‌اند. نفی ارزش معرفت و رد کردن صدق و مطابقت به معنای در افتادن در دام نسبی‌گرایی است و نسبی‌گرایی نیز زمینه شکاکیت نظری است. شکاکیت نظری نیز زمینه‌ساز گسترش هرج‌ومرج و زوال قدرت را فراهم خواهد ساخت. اگر نگرش حکمت متعالیه و به‌ویژه دیدگاه‌های علامه طباطبائی را مبنا قرار دهیم، قدرت نه‌تنها جدای از حقانیت نیست، بلکه حقانیت می‌تواند منشأیی برای قدرت عمل باشد. باتوجه‌به این مطالب مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی، چه رابطه‌ای میان قدرت و حقانیت وجود دارد؟
کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، حقانیت، علامه طباطبائی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۳۸۱. بررسی چیستی قدرت از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی چیستی قدرت چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. این شاخه فلسفی به بررسی ابعاد مختلف پدیده قدرت، مانند چیستی، منابع، حدود و شرایط کاربست آن می‌پردازد. یکی از مباحث مهم در این زمینه تمرکز بر چیستی و حقیقت قدرت است. براساس نظام هستی‌شناسی صدرایی، که حقیقت وجود مقول به تشکیک است، هر امری که واجد



هستی و وجود گردد، نیز مُشکک خواهد بود. در متون و منابع غربی تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است که حقیقت قدرت محدود به قدرت انسانی گردد و سخنی از قدرت‌های فوق طبیعی به میان نیاید، درحالی که در حکمت متعالیه حتی قدرت انسانی نیز ریشه در قدرت فوق طبیعی دارد. باتوجه به اختلاف نظر جدی میان نگرش حکمت صدرایی با نگرش نویسندگان غربی درباره چیستی قدرت، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر حکمت صدرایی چیستی قدرت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۳۸۲. بررسی منابع قدرت از منظر حکمت متعالیه

سؤال: از منظر حکمت متعالیه منابع قدرت چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در دوره جدید در مغرب‌زمین، بعد از گسترش مباحث سیاسی، بحث‌های نظری درباره موضوعاتی مانند قدرت نیز رواج یافت. بسیاری از نویسندگان با تمرکز بر مفهوم قدرت، تلاش کردند این مفهوم را به قدرت انسانی محدود سازند و در پی شناسایی منابع آن برآمدند و اموری مانند قدرت نظامی و قدرت سیاسی را منبع قدرت مطرح کردند. در نگرش حکمت اسلامی و براساس مبانی هستی‌شناسی متعالیه، منبع اصلی قدرت همان قدرت لایتناهی الهی است و آنچه قدرت انسان شمرده شده است، فاقد هرگونه استقلالی است. دلیلی که بر این نکته اقامه شده این است که اصل وجود انسان، وجودی ربطی و وابسته است، چه رسد به ویژگی‌های انسان. حال باتوجه به مباحثی که درباره منابع قدرت در حکمت متعالیه مطرح شده است، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر حکمت متعالیه منابع قدرت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۳۸۳. بررسی غایت اعمال قدرت از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی غایت اعمال قدرت چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در دوره جدید در



مغرب‌زمین، بعد از گسترش مباحث سیاسی، بحث‌های نظری درباره موضوعاتی مانند قدرت نیز رواج یافت. بسیاری از نویسندگان با تمرکز بر مفهوم قدرت، تلاش کردند این مفهوم را به قدرت انسانی محدود سازند و در پی شناسایی منابع آن برآمدند و اموری مانند قدرت نظامی و قدرت سیاسی را منبع قدرت مطرح کردند. این نویسندگان در ادامه با بررسی این منابع، سعی کرده‌اند به تعیین حدود و مرزهای این منابع بپردازند. همچنین غایت‌نهایی از اعمال قدرت را مورد توجه قرار داده‌اند و در این زمینه مهار رفتار انسان‌ها را غایت اعمال قدرت در نظر گرفته‌اند. در نگرش حکمت متعالیه، و به‌ویژه تقریر علامه طباطبائی، منبع اصلی قدرت، همان قدرت لایتنهای الهی است و آنچه قدرت انسان شمرده شده است، فاقد هرگونه استقلالی است. دلیلی که بر این نکته اقامه شده این است که اصل وجود انسان، وجودی ربطی و وابسته است، چه رسد به ویژگی‌های انسان. افزون بر این، همین منابع محدود قدرت، در صورتی که به قدرت لایزال الهی متصل گردد، به قدرتی نامحدود تبدیل خواهد شد. براساس این مبانی، غایت اصلی از اعمال قدرت نیز نمی‌تواند خارج از چارچوب اراده الهی باشد. به عبارت دیگر هدف و غایت اصلی اعمال قدرت، رسیدن به قرب الهی و کمال‌نهایی است. علامه طباطبائی که یکی از متفکران معاصر و از شارحان حکمت متعالیه است در آثار مختلف خود به این مطلب توجه کرده است. حال با توجه به مباحثی که درباره غایت اصلی قدرت در حکمت متعالیه مطرح شده است، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر علامه طباطبائی غایت اصلی قدرت چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

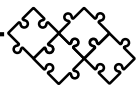
کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، حکمت متعالیه، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۳۸۴. بررسی انتقادی رابطه قدرت و اراده از منظر نیچه براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر دیدگاه نیچه درباره رابطه قدرت و اراده مطرح می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه عقلی به بررسی ابعاد مختلف قدرت پرداخته می‌شود. در سنت غربی عمده نویسندگان بر این باورند که اساساً قدرت، پدیده‌ای انسانی است و ابعاد مختلف آن، خارج از چارچوب توانایی‌های انسان نیست. به باور آنان، خاستگاه قدرت نیز ریشه در اراده انسان‌ها دارد. نیچه



یکی از کسانی است که درباره رابطه قدرت و اراده مباحث بسیاری را مطرح ساخته است و قدرت را محدود به اراده انسان شمرده و آثار پرنفوذی در فلسفه قدرت به نگارش در آورده است. نگرش انسان‌مدارانه نیچه به قدرت، به انتقادهای بسیاری نیاز دارد که از جمله آنها محدود کردن قدرت به قدرت دنیوی و مادی است. باتوجه به اینکه علامه مصباح یزدی در زمینه فلسفه سیاسی اسلام به تحقیق پرداخته و تلاش کرده است رابطه قدرت، انسان و خداوند را به خوبی ترسیم کند، مناسب است با مبنا قرار دادن دیدگاه ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر دیدگاه نیچه درباره رابطه قدرت و اراده مطرح می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، اراده، نیچه، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۳۸۵. راهکارهای افزایش قدرت ماورائی براساس نظام حکمت صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه راهکارهایی برای افزایش قدرت ماورائی می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه عقلی به بررسی ابعاد مختلف قدرت پرداخته می‌شود. در سنت غربی عمده نویسندگان بر این باورند که اساساً قدرت، محدود به قدرت مادی و دنیوی است. از این‌رو در تعریف قدرت و نیز در بیان منابع قدرت و همچنین در تقریر حدود قدرت، بر قدرت مادی متمرکز شده‌اند. در حکمت متعالیه، براساس نگرش به جایگاه انسان در نظام هستی، انسان ارتباطاتی با خداوند متعال دارد و همه وجوه و ابعاد هستی او در ارتباط با هستی خداوند تفسیر می‌شود. از این‌رو در بحث قدرت نیز، قدرت انسان محدود به قدرت مادی و دنیوی نخواهد بود و عالم ماده در ارتباط با ماورا تجزیه و تحلیل می‌شود. باتوجه به اینکه قدرت حقیقی، قدرت خداوند است و قدرت انسان نیز تابعی از قدرت الهی است، مناسب است به بررسی منابع ماورائی قدرت انسان بپردازیم و به بررسی این مسئله بپردازیم که چگونه قدرت ماورائی انسان، تقویت می‌شود و توسعه می‌یابد. بنابراین پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که براساس نظام حکمت صدرایی چه راهکارهایی برای افزایش قدرت ماورائی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۳۸۶. بررسی انتقادی رابطه قدرت و دولت از منظر کارل مارکس^۱ براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی به دیدگاه کارل مارکس درباره رابط قدرت و دولت وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه قدرت یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به واکاوی و بررسی مبادی و مبانی قدرت پرداخته می‌شود. یکی از نویسندگانی که در این زمینه به تأمل پرداخته است و تلاش کرده مفهوم رابطه قدرت را در ارتباط با دولت تجزیه و تحلیل کند، کارل مارکس است. نگرش مادی‌گرایانه، به مارکس اجازه داده است که در تجزیه و تحلیل خود ابعاد ماورائی قدرت و ارتباط آن را با دولت توضیح دهد. افزون‌بر این باتوجه به اینکه قدرت اقتصادی در نظر مارکس از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است، سایر ابعاد قدرت از چشم او مغفول مانده است. بنابراین مناسب است با انتخاب رویکردی انتقادی به نقد و ارزیابی دیدگاه مارکس بپردازیم. برای انجام هرگونه نقد و ارزیابی توجه به مبانی فلسفی و هستی‌شناختی ضروری است. در میان متفکران معاصر استاد آیت‌الله جوادی آملی به تفصیل به مباحث هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و نیز معرفت‌شناسی پرداخته است و افزون‌بر این، مباحثی درباره دولت و حکومت مطرح ساخته که ظرفیت مناسبی را برای مبنا قرار گرفتن دارد. از این‌رو سؤال تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی به دیدگاه کارل مارکس درباره رابطه قدرت و دولت وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، دولت، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۳۸۷. بررسی مبانی انسان‌شناختی قدرت در اندیشه ملاصدرا

سؤال: از منظر ملاصدرا چه تحلیلی از مبانی انسان‌شناختی قدرت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه عقلی به بررسی ابعاد مختلف قدرت پرداخته می‌شود. در سنت غربی عمده نویسندگان بر این باورند که اساساً قدرت، پدیده‌ای انسانی است و ابعاد مختلف آن، خارج از چارچوب توانایی‌های انسان نیست. به باور آنان، خاستگاه قدرت نیز ریشه در اراده انسان‌ها دارد. به

1. Karl Heinrich Marx.



نظر می‌رسد این نگرش به رابطه قدرت و انسان، از دیدگاه نادرستی درباره انسان برخاسته است. به عبارت دیگر، مباحث قدرت بر مباحث انسان‌شناسی استوار است و هرگونه خطایی در شناخت انسان، به اشتباه در تجزیه و تحلیل قدرت می‌انجامد. برای مقابله با چنین انحرافی مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های ملاصدرا درباره انسان، به واکاوی مبانی انسان‌شناسی قدرت بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که از منظر ملاصدرا چه تحلیلی از مبانی انسان‌شناختی قدرت می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۳۸۸. تحلیل فلسفی مقاومت از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی چه تحلیلی از چیستی مقاومت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این بحث به بررسی چیستی قدرت، منابع آن و نیز حدود و مرزهای اعمال قدرت پرداخته می‌شود. در متون و منابع فلسفه سیاسی، افزون بر این مباحث، به تجزیه و تحلیل مفهومی با عنوان مقاومت پرداخته می‌شود. مقصود از مقاومت، ابعادی از قدرت انسانی است که درمقابل قدرت برتر و مسلط قرار می‌گیرد و حاضر به پذیرش الزامات آن نیست. بنابراین می‌توان قدرت را به بخش قدرت حاکم و قدرت مقاومت تقسیم کرد. در نگرش اسلامی، و به‌ویژه برپایه اندیشه‌های علامه طباطبائی، هرچند تقریر نویسندگان غربی از قدرت قابل قبول نیست، برخی از مطالبی که درباره قدرت مقاومت مطرح می‌گردد، مورد پذیرش است. برای آنکه موضع اسلامی درباره چیستی و ابعاد مقاومت روشن گردد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی چه تحلیلی از چیستی مقاومت می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، مقاومت، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۸۹. بررسی رابطه قدرت و کمال اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه رابطه‌ای میان قدرت و کمال اخلاقی وجود دارد

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه فلسفی



به بررسی چیستی قدرت و ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود. یکی از ابعاد قدرت، رابطه آن با سایر پدیده‌های انسانی است. از جمله این پدیده‌ها می‌توان به اخلاق اشاره کرد. برخی از نویسندگان غربی با تمرکز بر رابطه میان قدرت و اخلاق، به این مطلب رسیده‌اند که هرگونه زیست اخلاقی مانعی برای بسط و توسعه قدرت است. در مقابل، مراجعه به متون و منابع دین نشان می‌دهد که نه تنها قدرت بی‌ارتباط با اخلاق نیست، بلکه اساساً اخلاق یکی از ابزارهای درونی مهار قدرت است. به عبارت دیگر، قدرت، خطر در افتادن در فساد را به دنبال دارد و اخلاق می‌تواند مانعی در این زمینه باشد. با توجه به اینکه علامه مصباح یزدی از سویی به بررسی نظریه سیاسی اسلام پرداخته است و از سوی دیگر نظریه اخلاقی اسلام را مورد توجه قرار داده است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علامه مصباح یزدی چه رابطه‌ای میان قدرت و کمال اخلاقی وجود دارد؟

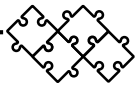
کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، فلسفه اخلاق، کمال، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۳۹۰. بررسی انتقادی نگرش هانا آرنست^۱ به خاستگاه قدرت برپایه دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: برپایه دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی به نگرش هانا آرنست به خاستگاه قدرت وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه قدرت یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به واکاوی ابعاد مختلف قدرت پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مرتبط با قدرت، خاستگاه قدرت است. هانا آرنست، نویسنده معاصر، در زمینه چیستی قدرت و خاستگاه آن و نیز تمایز قدرت و قهر به اندیشه‌ورزی پرداخته است و از اموری مانند اراده مردم، به خاستگاه قدرت یاد کرده است. در نظر او قدرت ماهیتی فراانسانی ندارد. به نظر می‌رسد منحصر کردن قدرت در ابعاد مادی آن، تحریفی در تبیین حقیقت قدرت باشد. با مراجعه به آثار اسلام‌شناسانی مانند آیت‌الله جوادی آملی می‌توان کاستی‌های دیدگاه او را با دقت بیشتری مطرح ساخت. از این رو به نظر می‌رسد طرح نگرشی انتقادی به دیدگاه هانا آرنست درباره خاستگاه قدرت امری لازم باشد. بنابراین مسئله پژوهشی این‌گونه صورت‌بندی می‌گردد که برپایه دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی به نگرش هانا آرنست به خاستگاه قدرت وارد است؟

1. Hannah Arendt.



کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، هانا آرنست، جوادی آملی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۳۹۱. بررسی تحلیلی - انتقادی رابطه قدرت و قهر از منظر هانا آرنست^۱ براساس دیدگاه علامه طباطبائی

سؤال: براساس یک پژوهش تحلیلی - انتقادی از منظر علامه طباطبائی چه اشکال‌هایی به دیدگاه هانا آرنست درباره تمایز قدرت و قهر وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه عقلی به بررسی ابعاد مختلف قدرت پرداخته می‌شود. یکی از مباحثی که درباره قدرت مطرح شده است، رابطه قدرت و قهر است. برخی از نویسندگان معاصر، با تمایز نهادن میان این دو مفهوم، این مطلب را بیان کرده‌اند که قهر و قدرت دو امر متضادند که هرکجا یکی به نحو اتم ظهور یابد، دیگری از میان خواهد رفت. اگرچه اصل این تمایز مشتمل بر وجوه روشنی است، به نظر می‌رسد در مواردی دارای ابهام و اشکال است. اگر بخواهیم اندیشه علامه طباطبائی را نقطه اتکای نقد در نظر بگیریم، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس یک پژوهش تحلیلی - انتقادی از منظر علامه طباطبائی چه اشکال‌هایی به دیدگاه هانا آرنست درباره تمایز قدرت و قهر وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، قهر، آرنست، علامه طباطبائی.
 قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۳۹۲. بررسی انتقادی نگرش ماکیاولی^۲ به قدرت از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر نگرش ماکیاولی به قدرت وارد است؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. فلسفه قدرت، با استفاده از روش عقلی، به واکاوی و بررسی مبادی تصویری و تصدیقی، و نیز مبانی و پیش‌فرض‌های قدرت می‌پردازد. از گذشته دور نویسندگان به بررسی ابعاد مختلف قدرت پرداخته‌اند. یکی از این نویسندگان، نیکولو ماکیاولی است. به باور ماکیاولی هدف اصلی

1. Hannah Arendt.

2. Niccolò di Bernardo dei Machiavelli.



حاکمان باید حفظ قدرت باشد و برای حفظ قدرت چاره‌ای جز استفاده از خشونت نیست. وی این طرز تلقی را گونه‌ای از واقع‌گرایی می‌داند. درحالی‌که دقت در میراث بشری و نیز مطالعه متون دینی گواه آن است که هدف اصلی از حکومت، اصلاح جامعه بشری و تحقق اخلاق است. باتوجه‌به اینکه نگرش ماکیاولی در باب قدرت خالی از انتقادهای جدی نیست، می‌توان به ارائه نگرش انتقادی به افکار او اقدام کرد. برای این منظور به نظر می‌رسد متون و منابعی که علامه مصباح یزدی درباره نظریه سیاسی و نیز نظریه اخلاقی اسلام تدوین کرده‌اند، ظرفیت خوبی را برای مبنا قرار گرفتن در این پژوهش داشته است. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر نگرش ماکیاولی به قدرت وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، ماکیاولی، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۳۹۳. تحلیل فلسفی راهکارهای مهار درونی قدرت براساس انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه تحلیل فلسفی از راهکارهای مهار درونی قدرت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. این شاخه فلسفی به بررسی مبادی و مبانی قدرت می‌پردازد. ازجمله مباحث مطرح در این زمینه تحلیل عناصر دخیل در شکل‌گیری قدرت، و نیز ابزار مهار قدرت است. در بحث مهار قدرت، سخن در این است که قدرت عاملی فسادزاست و لازم است با تدبیر اموری مانع از ایجاد فساد گردیم. در عموم متون و منابع غربی بر ابزار خارجی مهار قدرت تأکید می‌شود و به ابزار درونی مهار قدرت کمتر توجه می‌شود. اگر متون و منابع انسان‌شناسی صدرایی را ملاحظه کنیم درخواستیم یافت که در این مکتب ابزار درونی مهار قدرت نه تنها مورد تأیید قرار گرفته است، بلکه تأثیر آن بیش از ابزار بیرونی قدرت در نظر گرفته شده است. باتوجه‌به اهمیت مهار قدرت می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه تحلیل فلسفی از راهکارهای مهار درونی قدرت می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، قدرت، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.



۳۹۴. تحلیل فلسفی نقش ولایت فقیه در تولید قدرت در جامعه اسلامی از منظر امام خمینی*

سؤال: از منظر امام خمینی* چه تحلیل فلسفی از نقش ولایت فقیه در تولید قدرت در جامعه اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه عقلی به واکاوی ابعاد مختلف قدرت، از چیستی و تعریف آن گرفته تا حدود و مرز آن پرداخته می‌شود. برخی از نویسندگان غربی، با طرح نگرشی جامعه‌شناختی، عمده منابع قدرت را برخاسته از امور انسانی به شمار آورده‌اند در حالی که مرور مباحث اسلامی درباره چیستی و ابعاد قدرت گواه آن است که خاستگاه اصلی قدرت، قدرت لایزال الهی است. از این رو اموری که در پیوند با قدرت حضرت حق باشد، می‌تواند همچون منبع قدرت عمل کند. حضرت امام خمینی* که افزون بر مراتب بالای حکمی، واجد صلاحیت فقهی و اجتهادی نیز بودند، باتوجه به عنصر الهی قدرت، نظریه ولایت فقیه را مطرح کردند که در جامعه اسلامی همچون یکی از منابع مهم قدرت ظهور کرد. باتوجه به ریشه‌های فلسفی اندیشه امام خمینی* مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر امام خمینی* چه تحلیل فلسفی از نقش ولایت فقیه در تولید قدرت در جامعه اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، ولایت فقیه، قدرت، امام خمینی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۳۹۵. تحلیل فلسفی رابطه ایدئولوژی و قدرت از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چه تحلیل فلسفی از رابطه میان ایدئولوژی و قدرت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه قدرت است. در این شاخه عقلی به بررسی ابعاد مختلف قدرت، از چیستی آن گرفته تا حدود و مرز آن پرداخته می‌شود. یکی از مباحث مرتبط با قدرت، رابطه قدرت با سایر امور مانند ایدئولوژی است. برخی از نویسندگان غربی با تکیه بر آراء پاره‌ای از جامعه‌شناسان، قدرت را زائیده ایدئولوژی به شمار آورده‌اند و بر نقش جدی و اساسی ایدئولوژی در شکل‌بخشی به قدرت تأکید کرده‌اند. در مقابل، عده‌ای دیگر خاستگاه قدرت را اموری همچون اقتصاد دانسته‌اند. به نظر می‌رسد هرگونه نگرش بی‌طرفانه اقتضا می‌کند که برای ایدئولوژی نیز نقشی در ایجاد قدرت در نظر بگیریم. اما

اینکه نقش ایدئولوژی دقیقاً به چه صورتی است، بحث و پژوهش تفصیلی را اقتضا می‌کند. باتوجه‌به اینکه جناب علامه مصباح یزدی در چندین کتاب به تبیین نظریه سیاسی اسلام پرداخته است، مناسب است با تمرکز بر دیدگاه ایشان به واکاوی این مسئله بپردازیم. از این‌رو پرسش اصلی این‌گونه تقریر می‌شود: از منظر علامه مصباح یزدی چه تحلیل فلسفی از رابطه میان ایدئولوژی و قدرت می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه سیاست، فلسفه قدرت، ایدئولوژی، قدرت، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۱۷. فلسفه علم روان‌شناسی

فلسفه علم روان‌شناسی از جمله فلسفه‌های مضاف است. روش تحقیق و پژوهش در این شاخه علمی استفاده از تحلیل عقلی است. بسیاری از مباحث مربوط به این زمینه، پیش‌تر در قالب مباحث علم‌النفس فلسفی مطرح می‌شد. رفته‌رفته و با توسعه شاخه‌های روان‌شناسی تجربی، زمینه برای استقلال رشته فلسفه علم روان‌شناسی فراهم گردید. در ادامه با برخی از موضوعات نوپدید در این زمینه آشنا می‌شویم.

۳۹۶. بررسی رابطه نفس و روان از منظر روان‌شناسی و فلسفه صدرایی

سؤال: از منظر روان‌شناسی و فلسفه صدرایی چه وجوه شباهت و وجوه تفاوتی میان نفس از یک‌سو و روان از سوی دیگر می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی در زمره فلسفه‌های مضاف می‌گنجد. در این شاخه علمی، با استفاده از روش تحلیل عقلی به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم روان‌شناسی پرداخته می‌شود. از جمله اموری که می‌تواند پیوندی میان فلسفه و دانش روان‌شناسی باشد، مفاهیم اساسی روان‌شناسی است. یکی از مهم‌ترین مفاهیم روان‌شناسی، مفهوم روان است. روشن است که اگر مفهوم روان به درستی درک نشود، زمینه خلط و اشتباه در مباحث فلسفه روان‌شناسی را فراهم خواهد ساخت. از این‌رو پیش از هر تحقیقی، ایضاح مفهومی این اصطلاح لازم و ضروری است. در مباحث فلسفی نیز اصطلاح نفس موضوع محوری علم‌النفس فلسفی شمرده می‌شود. باتوجه‌به تأکیدی که در حکمت صدرایی بر مباحث علم‌النفس صورت گرفته است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که



از منظر روان‌شناسی و فلسفه صدرایی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان نفس از یک سو و روان از سوی دیگر می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، نفس، روان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۳۹۷. بررسی مقایسه‌ای حافظه از منظر روان‌شناسی و علم النفس سینی

سؤال: چه وجوه شباهت و اختلافی میان مفهوم حافظه در روان‌شناسی و در علم النفس سینی می‌توان یافت؟

تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی به مباحث کلان درباره مفاهیم و پیش‌فرض‌های اساسی علم روان‌شناسی می‌پردازد. برخی از مفاهیم اساسی روان‌شناسی مانند روان، حافظه، ادراک و هیجان در شاخه‌های دیگر علمی نیز مورد توجه بوده است. برای مثال در علم النفس فلسفی، به‌ویژه علم النفس سینی، به تفصیل به قوای نفس انسانی پرداخته می‌شود. از جمله این قوا قوه حافظه است که به اجمال نیرویی در نفس انسان است که وظیفه حفظ صورت‌های ذهنی را برعهده دارد. در مباحث روان‌شناسی نیز با استفاده از روش مشاهده و تجربه به بررسی ابعاد مختلف حافظ پرداخته شده است. اینکه حافظه دقیقاً به چه معناست؟ قلمرو آن تا کجاست؟ و چه عواملی باعث تقویت یا تضعیف آن می‌گردد؟ از مباحثی است که می‌توان درباره حافظه مطرح ساخت. بخش گسترده‌ای از این مباحث در روان‌شناسی و نیز در علم النفس مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که چه وجوه شباهت و اختلافی میان مفهوم حافظه در روان‌شناسی و در علم النفس سینی می‌توان یافت؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، علم النفس، حافظه، حکمت سینی، ابن‌سینا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۳۹۸. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم روان‌شناسی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم روان‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: در دانش فلسفه روان‌شناسی، که از شاخه‌های فلسفه مضاف است، به

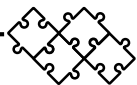
بررسی مبادی تصویری و تصدیقی روان‌شناسی پرداخته می‌شود. بسیاری از گزاره‌های علم روان‌شناسی برخاسته از روش مشاهده و تجربه است. اینکه این روش تا چه میزان بتواند در رسیدن به گزاره‌های معتبر روان‌شناسی مفید افتد، چالش بزرگی برای دانش روان‌شناسی است. بسیاری از محققان روان‌شناسی برای آزمایش و تجربه به محیطی آزمایشگاهی نیاز دارند. افزون بر این ممکن است گاه پدیده‌های واقعی را نیز بررسی کنند. اما در این میان، یکی از نکات مهم در این چالش آن است که هرگونه مداخله در حالات روانی، باعث از بین رفتن عینیت و اعتبار این گزاره‌ها خواهد شد. باتوجه به اینکه علامه مصباح یزدی به تفصیل به مباحث معرفت‌شناسی پرداخته است، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم روان‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۳۹۹. بررسی چیستی و ارزش معرفت‌شناختی تلقین از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چیستی و ارزش تلقین چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی با استفاده از روش فلسفی به واکاوی مباحث مهم و بنیادین روان‌شناسی مانند مبادی تصویری، مبادی تصدیقی، روش تحقیق و اعتبار روش پرداخته می‌شود. از مسائلی که در روان‌شناسی بر آن تأکید شده است، مسئله تلقین است که ابعاد مختلف آن دارای جنبه کاربردی است. چه‌بسا در دانش روان‌شناسی از این جهت به مسئله تلقین پرداخته شود که از رفتارهای آگاهانه است و می‌تواند ابعاد شناختی داشته باشد. اما می‌توان این بحث را از منظر معرفت‌شناسی مورد توجه قرار داد و این پرسش را مطرح ساخت که آیا تلقین موجب کسب معرفت معتبر می‌شود؟ به عبارت دیگر از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چیستی و ارزش تلقین چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، تلقین، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۶.



۴۰۰. بررسی چیستی و ارزش معرفت‌شناختی تله‌پاتی از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی چیستی و ارزش معرفت‌شناختی تله‌پاتی چگونه ارزیابی می‌شود؟ تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی در زمره فلسفه‌های مضاف است. فلسفه مضاف، نگاهی درجه دوم به مباحث علوم دارند؛ از این‌رو در فلسفه روان‌شناسی نیز نگرشی درجه دوم به برخی موضوعات روان‌شناسی مطرح می‌شود. تله‌پاتی، رؤیا، تلقین و حافظه از جمله این موضوعات روان‌شناسی است. این موضوعات اگرچه از موضوعات روان‌شناختی است، می‌توان از آن‌ها به راه‌های کسب معرفت نیز یاد کرد. در این صورت همین موضوعات، موضوع دانش‌های عقلی دیگر مانند معرفت‌شناسی نیز قرار می‌گیرد. باتوجه به اهمیت آگاهی از افکار و اندیشه‌های دیگران و نیز مسئله ارزش و اعتبار معرفت حاصل از این‌روشن، مناسب است به واکاوی ارزش و اعتبار معرفتی برخی از این موضوعات پرداخت. برای مثال، تله‌پاتی که فرد را بر آگاهی از افکار دیگران توانا می‌سازد. در اینجا می‌توان با انتخاب یک موضوع به بررسی و تحلیل این مسئله پرداخت. برای مثال می‌توان دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی را مبنای تحلیل قرار دارد و سؤال را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر علامه مصباح یزدی چیستی و ارزش معرفت‌شناختی تله‌پاتی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، تله‌پاتی، معرفت‌شناسی، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۶.

۴۰۱. بررسی انتقادی نظریه تکامل زیستی در روان‌شناسی از منظر علم‌النفس صدرایی

سؤال: از منظر علم‌النفس صدرایی چه نقدهایی بر نظریه تکامل زیستی در روان‌شناسی وارد است؟ تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی عقلی - تحلیلی مبادی تصویری و تصدیقی علم روان‌شناسی می‌پردازد. گرچه از میان علوم انسانی، علم روان‌شناسی در زمره علوم مادر شمرده می‌شود، اما انتخاب رویکردهایی می‌تواند این علم را به علمی وابسته تبدیل کند. برای نمونه انتخاب رویکرد فیزیکیالیستی باعث می‌شود، موضوع روان، به امری فیزیکیال تبدیل گردد که برای بررسی و واکاوی آن چاره‌ای جز مراجعه به علوم طبیعی مانند پزشکی و فیزیولوژی نخواهد بود. روشن است این رویکرد به نادیده انگاشتن بسیاری از ابعاد روان انسان خواهد انجامید. از این‌رو مناسب است با



رویکردی انتقادی به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر علم‌النفس صدرايي چه نقدهایی بر نظریه تکامل زیستی در روان‌شناسی وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، تکامل زیستی، روان، علم‌النفس، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۲/۶.

۴۰۲. بررسی نقش قوای عملی در شکل‌گیری رفتار از منظر علم‌النفس متعالیه

سؤال: از منظر علم‌النفس متعالیه قوای عملی چه نقشی در شکل‌گیری رفتار بر عهده دارند؟
تبیین مسئله: فلسفه روان‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است و تلاش می‌کند مفاهیم و مسائلی کلان و بنیادین علم روان‌شناسی را بررسی کند. برای نمونه در علم روان‌شناسی به بررسی مفاهیمی مانند روان، رفتار، ادراک و عاطفه پرداخته می‌شود. همچنین موضوعاتی اساسی مانند مجرد یا مادی بودن نفس، ویژگی‌های نفس و روان از جمله مسائل فلسفه روان‌شناسی است. با توجه به اینکه بیشتر شاخه‌های روان‌شناسی، روشی تجربی را دنبال می‌کنند، گاه در تشخیص علل و عوامل شکل‌گیری رفتار به خطا می‌روند. اینجاست که مباحث فلسفی و عقلی درباره منشأ و خاستگاه رفتار می‌تواند به کمک روان‌شناسی بیاید و این دانش را از خطای تحریف و اشتباه برهاند. برای مثال می‌توان با تمرکز بر علم‌النفس متعالیه این مسئله را مطرح ساخت که از منظر علم‌النفس متعالیه قوای عملی چه نقشی در شکل‌گیری رفتار بر عهده دارند؟
کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، قوای عملی، رفتار، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۴۰۳. بررسی عوامل شکل‌گیری شخصیت از منظر علم‌النفس سینیوی

سؤال: از منظر علم‌النفس سینیوی کدام عوامل به شکل‌گیری شخصیت می‌انجامد؟
تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی عهده‌دار بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم روان‌شناسی است؛ از این رو با استفاده از روش تحلیلی - عقلی به بررسی اصطلاحات اساسی در علم روان‌شناسی مانند روان، آگاهی، اراده و حافظه و نیز پیش‌فرض‌های اساسی دانش روان‌شناسی مانند مجرد بودن نفس و روان می‌پردازد. روشن است که بسیاری از مباحث مربوط به روان، بدون مبانی و اصول فلسفی نیست، عدم توجه به این مبانی و اصول می‌تواند



زمینه برداشت نادرست از مباحث روان‌شناسی را فراهم سازد. برای مثال در مباحث روان‌شناسی مفهومی با عنوان شخصیت مطرح می‌شود و تلاش می‌شود تا عناصر و عوامل تشکیل‌دهنده شخصیت بررسی و تحلیل شود. اما روشن است که نمی‌توان بدون توجه به سیر تحول نفس و عوامل دخیل در شکل‌گیری آن، پژوهش کاملی درباره شخصیت ارائه کرد. در علم‌النفس سینوی مباحث مهمی درباره نحوه شکل‌گیری نفس انسان و عوامل دخیل در هویت‌بخشی به آن مطرح شده است. از این‌رو می‌توان به واکاوی این پرسش پرداخت که از منظر علم‌النفس سینوی کدام عوامل به شکل‌گیری شخصیت می‌انجامد؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، شخصیت، علم‌النفس، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۳.

۴۰۴. بررسی رابطه میان باور و رفتار از منظر روان‌شناسی تجربی و علم‌النفس فلسفی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی رابطه میان باور و رفتار از منظر روان‌شناسی تجربی و علم‌النفس فلسفی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی با استفاده از روش تحلیلی و عقلی به بررسی مسائل کلان حاکم بر دانش روان‌شناسی پرداخته می‌شود. برای روان‌شناس موضوعاتی مانند باور، رفتار، حافظه و روان از اهمیت زیادی برخوردار است. روان‌شناس عمدتاً در پی مشاهده و تجربه عوامل تشکیل‌دهنده این امور است، و نحوه مدیریت و مهار آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهد. اما نباید از نظر دور داشت که این مباحث دارای ابعاد فلسفی نیز هستند. برای مثال تردیدی نیست که میان باور و رفتار رابطه‌ای وجود دارد، اما چگونگی و کم‌وکیف این رابطه امری است که به بررسی و پژوهش نیاز دارد. بخشی از مباحث مربوط به رابطه میان باور و رفتار، در علم‌النفس فلسفی مطرح شده است. همچنین در مباحث مربوط به رابطه عقل عملی و عقل نظری مطالبی در این زمینه مطرح شده است. به نظر می‌رسد با ارائه بحثی تطبیقی بتوان به تکمیل مباحث این حوزه کمک کرد. از این‌رو مناسب است پرسش را بررسی کرد که در یک پژوهش تطبیقی رابطه میان باور و رفتار از منظر روان‌شناسی تجربی و علم‌النفس فلسفی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، باور، رفتار، روان، علم‌النفس، حکمت متعالیه، حکمت اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۴۰۵. بررسی چالش‌های دانش روان‌شناسی تجربی بر قواعد علم‌النفس متعالیه

سؤال: از منظر علم‌النفس متعالیه چالش‌های روان‌شناسی تجربی بر علم‌النفس متعالیه چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم روان‌شناسی عهده‌دار بررسی و واکاوی مفاهیم بنیادین و اصول و پیش‌فرض‌های دانش روان‌شناسی است. امروزه رواج روش مشاهده و تجربه باعث شده است بسیاری از موضوعات روان‌شناسی در حد پدیده‌های مادی تجزیه و تحلیل شود و زمینه برای پرداختن به ابعاد معنوی و فوق طبیعی این موضوعات فراهم نگردد. باتوجه به کاستی‌هایی که در روش مشاهده و تجربه وجود دارد، لازم است به آسیب‌شناسی این روش توجه کرد و در مطالعات تجربی، به‌ویژه در حوزه روان، به کاستی‌ها و نقص‌های آن پرداخت. در علم‌النفس متعالیه با تأکید بر مجرد بودن نفس، برخی از لوازم این نگرش دنبال می‌گردد. از این رو مناسب است باتوجه به علم‌النفس فلسفی به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علم‌النفس متعالیه چالش‌های روان‌شناسی تجربی بر علم‌النفس متعالیه چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه روان‌شناسی، روش تجربی، روان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۶.

۱،۲،۱۸. فلسفه علم تعلیم و تربیت

فلسفه علم تعلیم و تربیت از جمله فلسفه‌های مضاف است. برخلاف سایر شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تعلیم و تربیت از چنان گسترشی برخوردار است که به یک رشته دانشگاهی تبدیل شده است.

۴۰۶. بررسی انتقادی نگرش هرمنوتیک به مثابه شیوه تربیت از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادی به نگرش هرمنوتیک به مثابه شیوه تربیت وارد است؟

تبیین مسئله: در فلسفه علم تعلیم و تربیت مباحثی در زمینه مفاهیم اصلی، مبادی تصدیقی، و نیز روش علم تعلیم و تربیت مطرح می‌شود. امروزه و با گسترش شیوه‌ها و روش‌های پژوهش، مسائلی درباره کاربست روش‌های جدید در تعلیم و تربیت مطرح شده است. یکی از این روش‌ها، روش هرمنوتیک است. هرمنوتیک به مثابه شیوه فهم تلاش می‌کند، با تفهیمی شمردن پدیده‌ها، عوامل و زمینه‌هایی را که به شکل‌گیری فهم می‌انجامد،



بررسی کند. یکی از رویکردهای غالب در هرمنوتیک، هرمنوتیک فلسفی است. در هرمنوتیک فلسفی با در نظر گرفتن افق ذهنی برای هر عامل انسانی، نحوه‌ای از نسبی‌گرایی ترویج می‌گردد. باتوجه‌به اینکه گونه‌ای از سیالیت نیز در انسان‌شناسی صدرایی از راه نظریه حرکت جوهری دیده می‌شود، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادی به نگرش هرمنوتیک به‌مثابه شیوه تربیت وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، هرمنوتیک، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۴۰۷. بررسی نقش داستان در تربیت توان درک عقلی کودک از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی، داستان چه نقشی در تربیت توان درک عقلی در کودکان دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تعلیم و تربیت در پی شناخت و تحقیق درباره مبادی تصویری و تصدیقی علم تعلیم و تربیت است. مفاهیم اساسی مانند تربیت، آگاهی و رشد شناختی ازجمله مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت است. در کنار آن، اصولی مانند تعلیم‌پذیر بودن انسان و نقش مهم مربی در فرایند تعلیم و تربیت نیز در شمار اصول بنیادین تعلیم و تربیت است. افزون‌بر نقش مربی و نقش متربی، نباید از نقشی که متن و شیوه القا و بیان در فرایند تعلیم و تربیت بر عهده دارد، غافل شد. یکی از شیوه‌های بیان، کاربرست داستان در انتقال مفاهیم و آموزه‌هاست. عنصر اصلی در داستان، عنصر خیال است. باتوجه‌به بررسی عنصر خیال در انسان‌شناسی صدرایی این پرسش مطرح می‌شود که براساس انسان‌شناسی صدرایی، داستان چه نقشی در تربیت توان درک عقلی در کودکان دارد؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، داستان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۴۰۸. بررسی رابطه فلسفه تعلیم و تربیت هنجاری و فلسفه تعلیم و تربیت نظری از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی رابطه میان فلسفه تعلیم و تربیت نظری و فلسفه تعلیم و تربیت هنجاری چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تعلیم و تربیت به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم تعلیم



و تربیت می‌پردازد. بدون تردید این مبادی نقش مهمی در جهت‌دهی به ساختار و مسائل علم تعلیم و تربیت دارد. ازسوی دیگر برخی از دانشمندان تعلیم و تربیت تلاش کرده‌اند گونه‌ای از نظام تعلیم و تربیت را مطرح سازند که براساس توصیه‌ها سامان یافته است و از آن به تعلیم و تربیت هنجاری تعبیر می‌شود. نکته مهم این است که تعلیم و تربیت هنجاری بدون اتکا به مبانی نظری استوار نخواهد شد. اینجاست که پرسش از رابطه فلسفه تعلیم و تربیت هنجاری و فلسفه نظری تعلیم و تربیت مطرح می‌شود. با توجه به اینکه علامه مصباح یزدی با انتشار کتابی درباره فلسفه تعلیم و تربیت سعی در واکاوی ابعاد مختلف این شاخه فلسفی داشته است می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی رابطه‌ای میان فلسفه تعلیم و تربیت نظری و فلسفه تعلیم و تربیت هنجاری چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، مصباح یزدی. **قالب:** کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۰۹. بررسی رابطه غایت اخلاق و غایت تعلیم و تربیت از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از غایت در اخلاق و غایت در تعلیم و تربیت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تعلیم و تربیت به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم تعلیم و تربیت می‌پردازد. در این دانش عقلی از غایت تعلیم و تربیت نیز سخن به میان می‌آید. اینکه نظام تعلیم و تربیت در راستای رسیدن به کدام هدف فعالیت می‌کند، بحث مهمی است که توجه بسیاری از دانشمندان این علم را به خود معطوف داشته است. در کنار این موارد، شاخه‌های دیگر فلسفی نیز وجود دارد که به بررسی غایت زندگی انسان پرداخته‌اند. برای نمونه در فلسفه اخلاق، به واکاوی غایت رفتارهای اختیاری انسان پرداخته می‌شود، و غایت نهایی نیز توضیح داده می‌شود. آیت‌الله جوادی آملی در کتب مختلف خود به بررسی غایت نهایی اخلاق اسلامی پرداخته است. از این رو می‌توان به بررسی رابطه میان غایت اخلاقی و غایت نظام تعلیم و تربیت پرداخت و بر بررسی این پرسش متمرکز شد که براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از غایت در اخلاق و غایت در تعلیم و تربیت می‌توان ارائه کرد؟



کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، فلسفه اخلاق، حکمت متعالیه، جوادی آملی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۱۰. بررسی انتقادی دیدگاه ریچارد پیترز^۱ درباره رابطه فلسفه اجتماعی و فلسفه تعلیم و تربیت از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه نقدهایی به نگرش ریچارد پیترز درباره رابطه فلسفه اجتماعی و فلسفه تعلیم و تربیت وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تعلیم و تربیت به بررسی مسائل کلان علم تعلیم و تربیت می‌پردازد. روشن است که امور مختلفی در شکل‌گیری یک نظام تعلیم و تربیت نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به فلسفه اجتماعی اشاره کرد. ریچارد پیترز از جمله محققانی است که درباره بررسی رابطه فلسفه اجتماعی و فلسفه تعلیم و تربیت، تلاش‌های علمی قابل توجهی انجام داده است، در سنت اسلامی نیز علامه مصباح یزدی به واکاوی فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته است. در اینجا می‌توان به بررسی پیوند و ارتباط میان این دو شاخه علمی پرداخت و این پرسش را بررسی کرد که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه نقدهایی به نگرش ریچارد پیترز درباره رابطه فلسفه اجتماعی و فلسفه تعلیم و تربیت وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، فلسفه اجتماعی، پیترز، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۱۱. بررسی رابطه مصلحت عمومی و غایت تعلیم و تربیت از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان مصلحت عمومی و غایت تعلیم و تربیت چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه تعلیم و تربیت به بررسی مبادی تصوری و تصدیقی علم تعلیم و تربیت می‌پردازد. این شاخه عقلی، در میان موضوعات مختلف، نگاهی نیز به غایت نظام تعلیم و تربیت دارد. درباره غایت تعلیم و تربیت و اینکه نظام تعلیم و تربیت به‌سوی هدفی

1. Richard Stanley Peters.



گام برمی‌دارد که متریان را متناسب با ارزش‌های جامعه تربیت کند، مطالب بسیاری مطرح شده است. اما در کنار مباحثی درباره غایت نظام تعلیم و تربیت، لازم است به غایاتی که سایر شاخه‌های فلسفی درباره زندگی انسان مطرح کرده‌اند، نیز توجه شود. برای مثال در برخی از متون فلسفه اقتصاد، مصلحت عمومی را غایت اقتصاد معرفی کرده و به آن توجه شده است. با توجه به اینکه در آثار آیت‌الله جوادی آملی، که از شارحان معاصر حکمت متعالیه است، مطالبی درباره غایت وجودی انسان وجود دارد، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان مصلحت عمومی و غایت تعلیم و تربیت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، مصلحت عمومی، حکمت متعالیه، جوادی آملی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۴۱۲. بررسی رابطه عقل نظری و عقل عملی در فرایند تعلیم و تربیت از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه تحلیلی از رابطه عقل نظری و عقل عملی در فرایند تعلیم و تربیت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: روشن است که فلسفه تعلیم و تربیت درصدد واکاوی مبادی و مبانی علم تعلیم و تربیت است. همچنین در این شاخه عقلی به بررسی منابع تعلیم و تربیت نیز پرداخته می‌شود. در سنت اسلامی عقل یکی از منابع مهم تعلیم و تربیت شناخته می‌شود. در توضیح چیستی عقل و ویژگی‌های آن، عقل به دو بُعد نظری و عملی تقسیم می‌گردد. در حکمت صدرایی به تفصیل به واکاوی ابعاد عقلی نظری و عقل عملی پرداخته شده است. تقسیم عقل به عقل نظری و عقل عملی، موهّم این نکته است که این دو حوزه کاملاً مستقل و جدا از هم هستند. اما درواقع این دو ساحت، دو بُعد از یک حقیقت هستند و ازاین‌رو میان مُدرکات آن‌ها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. می‌توان رابطه عقل نظری و عقل عملی را در ساحت‌های مختلف بررسی کرد. یکی از این ساحت‌ها، فلسفه تعلیم و تربیت است. ازاین‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس نظام حکمت صدرایی چه تحلیلی از رابطه عقل نظری و عقل عملی در فرایند تعلیم و تربیت می‌توان ارائه کرد؟



کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، عقل عملی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۱۳. بررسی جایگاه شهود در فلسفه تعلیم و تربیت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه، جایگاه شهود در فلسفه تعلیم و تربیت چگونه تبیین می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه تعلیم و تربیت به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم تعلیم و تربیت می‌پردازد. همچنین بررسی منابع تعلیم و تربیت نیز از جمله مباحثی است که در این شاخه عقلی مورد توجه قرار می‌گیرد. در معرفت‌شناسی صدرایی منابع مختلفی برای معرفت بیان شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به عقل، شهود، حس و تجربه اشاره کرد. در این میان حکمت متعالیه تأکید بسیاری بر عنصر شهود دارد. به عبارت دیگر، شهود منبعی اصیل در نظام حکمت صدرایی شمرده می‌شود. اما نباید از نظر دور داشت که شهود می‌تواند بسیاری از مباحث فلسفه تعلیم و تربیت را تحت‌تأثیر خود قرار دهد. از این‌رو می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس مبانی حکمت متعالیه، جایگاه شهود در فلسفه تعلیم و تربیت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، روش شهود، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۱۴. بررسی دلالت‌های اصل تشکیک وجود در فلسفه تعلیم و تربیت متعالیه

سؤال: دلالت‌های اصل تشکیک وجود در فلسفه تعلیم و تربیت متعالیه چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه علم تعلیم و تربیت به مباحثی درباره اصول و پیش‌فرض‌های تعلیم و تربیت می‌پردازد. روشن است که مبانی نظری، به‌ویژه مبانی هستی‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی و مبانی انسان‌شناختی، نقش اساسی در جهت‌دهی به نظام تعلیم و تربیت برعهده دارند. در حکمت صدرایی به تفصیل این دسته از مبانی مورد بررسی و کاوش قرار گرفته است. برای نمونه در مبانی هستی‌شناختی به بررسی اصل تشکیک وجود پرداخته شده است که براساس آن، وجود، یک حقیقت واحد است که دارای مراتب مختلف و دارای شدت و ضعف

است. باتوجه به اینکه چنین نگرشی به هستی می‌تواند دلالت‌ها و لوازم بسیاری درباره نظام تعلیم و تربیت به دنبال داشته باشد، مناسب است با تمرکز بر این اصل به واکاوی دلالت‌های آن در نظام تعلیم و تربیت پرداخته شود. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش پرداخت که دلالت‌های اصل تشکیک وجود در فلسفه تعلیم و تربیت متعالیه چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، تشکیک وجود، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۴۱۵. بررسی دلالت‌های اصل حرکت جوهری در فلسفه تعلیم و تربیت متعالیه

سؤال: دلالت‌های اصل حرکت جوهری در فلسفه تعلیم و تربیت متعالیه چگونه ارزیابی می‌شود؟

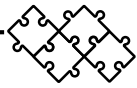
تبیین مسئله: فلسفه تعلیم و تربیت به واکاوی و پژوهش درباره اصول و پیش‌فرض‌های نظام تعلیم و تربیت می‌پردازد. در این زمینه اصول مختلفی از هستی‌شناسی گرفته تا انسان‌شناسی مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله اصولی در حکمت متعالیه مطرح شده است و زمینه تغییر اساسی ساختار این نظام فلسفی را به وجود آورده است، حرکت جوهری است. براساس این نگرش، انسان، که بخشی از نظام هستی است، در یک حرکت جوهری، حرکت خود را از نقطه‌ای آغاز می‌کند و در مسیری به حرکت خود ادامه می‌دهد. این حرکت می‌تواند ابعاد هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی داشته باشد. حال با پیوند این اصل بنیادین با مباحث نظام تعلیم و تربیت می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که دلالت‌های اصل حرکت جوهری در فلسفه تعلیم و تربیت متعالیه چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، حرکت جوهری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱,۲,۱۹. فلسفه علم مدیریت

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم مدیریت است. در این شاخه فلسفی به پژوهش و تحقیق درباره مبادی و مبانی علم مدیریت پرداخته می‌شود. در ادامه با برخی از پرسش‌ها و مسائل نوپدید در عرصه فلسفه مدیریت آشنا می‌شویم.



۴۱۶. بررسی انتقادی هرم نیازها از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تحلیل انتقادی از هرم نیازهای آبراهام مزلو^۱ می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: ازجمله رشته‌های فلسفه مضاف، فلسفه مدیریت است. اگر مدیریت را به دانش مهار رفتار کارکنان تفسیر کنیم، فلسفه مدیریت، به واکاوی مبادی و مبانی مهار رفتار کارکنان مربوط خواهد شد. باتوجه به اینکه در دانش مدیریت، تأمین نیاز کارکنان یکی از ابزار مهار رفتار آن‌ها شمرده می‌شود، مباحث بسیاری درباره چیستی و طبقه‌بندی نیازها مطرح شده است. یکی از نظریه‌هایی که در این زمینه بسیار مورد توجه قرار گرفته است، هرم نیازهای آبراهام مزلو است. وی با مطالعات تجربی به این نتیجه رسید که می‌توان در قالب یک هرم، نیازهای مختلف کارکنان را طبقه‌بندی کرد. در این طبقه‌بندی، نیازها، از اساسی‌ترین نیاز آغاز و تا بالاترین نیاز ادامه پیدا می‌کند. به باور مزلو مادامی که نیازهای کارکنان به‌خوبی برآورده نگردد، مهار رفتار آنان در راستای اهداف سازمان میسر نخواهد شد. باتوجه به اینکه هرگونه شناسایی و طبقه‌بندی نیازهای انسانی در گرو شناخت دقیق از چیستی و ویژگی‌های انسان است، این دسته از مباحث، مبتنی بر انسان‌شناسی خواهد بود. کوچک‌ترین اشتباهی در شناخت انسان و ویژگی‌های او می‌تواند به تلقی نادرست از نیازهای او بینجامد. باتوجه به اینکه در حکمت متعالیه توجه خاصی به انسان‌شناسی شده است، می‌توان با مبنا قرار دادن انسان‌شناسی صدرایی به نگرش انتقادی به نظریه آبراهام مزلو اقدام کرد. از این‌رو پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌گردد: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تحلیل انتقادی از هرم نیازهای آبراهام مزلو می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه آموزش، فلسفه پرورش، رشد شناختی، هرم نیازها، مزلو، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۴۱۷. بررسی خاستگاه‌های تعارض در سازمان از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه عواملی برای پیدایش تعارض در سازمان می‌توان شناسایی کرد؟

تبیین مسئله: ازجمله رشته‌های فلسفه مضاف، فلسفه مدیریت است. اگر مدیریت را به

1. Abraham Maslow.

دانش مهار رفتار کارکنان تفسیر کنیم، فلسفه مدیریت به واکاوی مبادی و مبانی مهار رفتار کارکنان مربوط خواهد شد. روشن است که ارتباطات انسانی در مواردی ممکن است با چالش‌هایی مواجه گردد. این مطلب در باره رفتار سازمانی، که نوعی از ارتباطات انسانی است، نیز صدق می‌کند. یکی از چالش‌های ارتباطات انسانی، تعارض رفتارها است. ریشه هرگونه تعارضی در نحوه رفتار افراد است و رفتار افراد نیز ریشه در ویژگی‌های آنان دارد. به عبارت دیگر، برای شناخت بهتر تعارض در سازمان لازم است شناخت دقیقی از انسان و ویژگی‌های او داشته باشیم. چنین شناختی نه در دانش مدیریت که در فلسفه مدیریت مطرح می‌شود. باتوجه به اینکه در دانش مدیریت نیز مسئله تعارض از مسائل اساسی شمرده می‌شود، لازم است به واکاوی این مسئله از منظر فلسفه مدیریت بپردازیم. باتوجه به اینکه در حکمت صدرایی توجه مناسبی به چیستی انسان و ویژگی‌های او مبذول شده است، می‌توان با مبنا قرار دادن انسان‌شناسی صدرایی به واکاوی عوامل پیدایش تعارض در سازمان پرداخت. از این رو پرسش تحقیق چنین خواهد بود که براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه عواملی برای پیدایش تعارض در سازمان می‌توان شناسایی کرد؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، سازمان، تعارض، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۱۸. بررسی غایت علم مدیریت و غایت علم اخلاق اسلامی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از رابطه غایت علم مدیریت و غایت علم اخلاق اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه مدیریت است. در این شاخه عقلی به بررسی عقلی مبانی و مبادی علم مدیریت پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مورد توجه فیلسوفان علم مدیریت، غایت علم مدیریت است. در دانش مدیریت اینکه هدف نهایی علم مدیریت دقیقاً چیست، بحث مهمی است؛ زیرا بر بسیاری از مباحث این رشته سایه می‌افکند. اما نکته مهم این است که غایت دانش مدیریت هرچه باشد، نمی‌تواند با غایت و هدف نهایی انسان از زندگی در تقابل باشد. باتوجه به اینکه در دانش‌های دیگری مانند اخلاق نیز به غایت رفتار انسان پرداخته می‌شود، مناسب است به بررسی مقایسه‌ای میان غایت علم اخلاق و غایت دانش مدیریت پرداخت. از آنجاکه استاد جوادی آملی به تفصیل به مباحث علم اخلاق



پرداخته‌اند، مناسب است دیدگاه‌های ایشان مبنای چنین تحقیقی قرار گیرد. از این رو سؤال تحقیق چنین خواهد بود که براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از رابطه غایت علم مدیریت و غایت علم اخلاق اسلامی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، مدیریت، فلسفه اخلاق، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۳.

۴۱۹. بررسی معرفت‌شناختی گزاره‌های علم مدیریت از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی اسلامی اعتبار گزاره‌های علم مدیریت چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم مدیریت به بررسی ابعاد مختلف علم مدیریت، مانند مبانی و مبادی آن می‌پردازد. افزون‌براین، مباحث معرفت‌شناسی مدیریت نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. باتوجه‌به اینکه بسیاری از گزاره‌های دانش مدیریت براساس روش تجربی سامان یافته است، تعیین ارزش معرفتی گزاره‌های دانش مدیریت می‌تواند شناخت دقیقی از مباحث علم مدیریت در اختیار ما قرار دهد. یکی از ثمرات تعیین ارزش گزاره‌های علم مدیریت، این خواهد بود که در موارد تعارض میان قواعد دانش مدیریت، به‌سهولت می‌توان درباره تعیین میزان اعتبار هر کدام از گزاره‌های متعارض داوری، و به حل این تعارضات اقدام کرد. ازسوی‌دیگر در حکمت اسلامی، مباحث معرفت‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است و معیارهایی برای ارزیابی گزاره‌ها مطرح شده است. این معیارها می‌تواند همچون سنجه‌هایی برای ارزیابی گزاره‌های علم مدیریت عمل کند. از این رو مناسب است براساس معیارهای مطرح در معرفت‌شناسی اسلامی، به ارزیابی اعتبار گزاره‌های دانش مدیریت بپردازیم. بنابراین سؤال پژوهشی چنین خواهد بود که از منظر معرفت‌شناسی اسلامی اعتبار گزاره‌های علم مدیریت چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، مدیریت، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۶.

۴۲۰. بررسی دلالت‌های اصل تشکیک وجود در ساختار سازمان از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه تحلیلی از دلالت‌های اصل تشکیک وجود در ساختار سازمان می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه مدیریت است. در فلسفه مدیریت



به بررسی مبانی و مبادی مدیریت پرداخته می‌شود. از جمله مبادی تصویری دانش مدیریت، مفهوم سازمان است. درباره سازمان مباحث مختلفی قابل طرح است. افزون بر چیستی و ویژگی‌های سازمان، یکی از مباحث مورد توجه فیلسوفان مدیریت، مبانی هستی‌شناسی سازمان است. در مباحث هستی‌شناسی به واکاوی سنخ وجودی سازمان و نیز ربط و نسبت آن با مبانی هستی‌شناختی، مانند اصالت وجود و تشکیک وجود پرداخته می‌شود. باتوجه‌به اینکه در حکمت متعالیه مباحث دقیقی درباره تشکیک وجود مطرح شده است، می‌توان به بررسی دلالت‌های این اصل در هستی و ساختار سازمان پرداخت. روشن است که تشکیک در مراتب فرمان در هر سازمان می‌تواند برپایه مراتب تشکیکی امور اعتباری، مانند دستور و فرمان تجزیه و تحلیل شود. برای پرداختن به این مسئله، می‌توان به بررسی این سؤال پرداخت که براساس نظام حکمت صدرایی چه تحلیلی از دلالت‌های اصل تشکیک وجود در ساختار سازمان می‌توان ارائه کرد؟

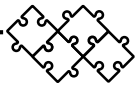
کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، تشکیک وجود، سازمان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۴۲۱. بررسی مبانی انسان‌شناختی مدیریت در سازمان از منظر علم‌النفس صدرایی

سؤال: براساس علم‌النفس صدرایی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی مدیریت در سازمان می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه مدیریت است. در این شاخه عقلی به بررسی عقلی مبانی و مبادی علم مدیریت پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مورد توجه فیلسوفان علم مدیریت، ابعاد و ویژگی‌های انسان است. شناخت انسان و ویژگی‌های او این ره‌آورد را برای دانش مدیریت به دنبال دارد، که برپایه آن، بهتر می‌توانند قواعد و قوانین مختلف مدیریت مانند قوانین بهره‌وری، قوانین نظارت و قوانین مربوط به هماهنگی در سازمان را تبیین کنند. برای آگاهی از چیستی انسان و ویژگی‌های او، به گونه‌ای که برای دانش مدیریت مفید افتد، لازم است به پژوهش درباره مبانی انسان‌شناختی مدیریت پرداخت. باتوجه‌به اینکه در حکمت صدرایی به تفصیل به مباحث انسان‌شناسی پرداخته شده است و به شکل‌گیری انسان‌شناسی یا علم‌النفس صدرایی انجامید است، مناسب است با مبنا



قرار دادن این نگرش به بررسی این سؤال بپردازیم که براساس علم‌النفس صدرایی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی مدیریت در سازمان می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳،۴.

۴۲۲. بررسی دلالت‌های رفتار سازمانی در از خودبیگانگی از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه تحلیلی از دلالت‌های رفتار سازمانی در از خودبیگانگی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم مدیریت است. در دانش مدیریت موضوعاتی مانند مبادی و مبانی علم مدیریت مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. از جمله موضوعاتی که مورد توجه فیلسوفان مدیریت قرار گرفته است، نقش افراد در سازمان است. افراد هنگامی که در یک سازمان قرار می‌گیرند، موظف به انجام رفتار خاصی هستند که از آن به کارویژه فرد تعبیر می‌شود. اینکه فرد تا چه میزان با کارویژه‌های خود هماهنگ گردد، به روحیات و ظرفیت‌های وجودی او مربوط می‌شود. البته هماهنگی و سازگاری با وظایف سازمانی خالی از چالش نیست. چه‌بسا تأثیر شدید کارویژه‌های سازمانی باعث از خودبیگانگی در فرد گردد. براساس انسان‌شناسی صدرایی هدف نهایی انسان، رسیدن به قرب الهی است و هیچ امری در زندگی نباید مانع از سیر در این مسیر گردد. از این‌رو لازم است با نگرش انتقادی به این مسئله نگریست و آن را از منظر انسان‌شناسی صدرایی بررسی کرد. بنابراین سؤال تحقیق چنین خواهد بود که براساس نظام حکمت صدرایی چه تحلیلی از دلالت‌های رفتار سازمانی در از خودبیگانگی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، از خودبیگانگی، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۴۲۳. بررسی جایگاه دیالکتیک در سازمان از منظر روش‌شناسی حکمت صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه تبیینی از کاربرست دیالکتیک در سازمان می‌توان ارائه کرد؟

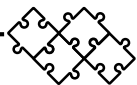
تبیین مسئله: یکی از دانش‌های فلسفی، فلسفه مدیریت است که عهده‌دار بررسی

مبادی و مبانی مدیریت است. در قلمرو مدیریت با مسائلی مواجه هستیم که دارای لایه‌های عمیق نظری است. برای نمونه یکی از مباحث مدیریت، تعارض در سازمان است. مسئله تعارض در سازمان تا حدود بسیاری به عوامل انسانی مربوط می‌گردد که شناخت و درک آن‌ها برپایه انسان‌شناسی استوار است. همچنین برای حل تعارض در سازمان، راه‌حلهایی مطرح شده است که از میان آن‌ها می‌توان به دیالکتیک اشاره کرد. براساس دیالکتیک تلاش می‌شود مسائل مطرح در سازمان براساس مراحل تز، آنتی‌تز و سنتز بررسی و حل گردد. اما خود فرایند تز، آنتی‌تز و سنتز بحثی فلسفی را می‌طلبد. دیالکتیک ریشه در افکار هگل، مارکس و دیگران دارد و مدافعان روش دیالکتیک نیز این مطلب را انکار نمی‌کنند. از آنجاکه مبنا قرار دادن نظریه‌های فلسفی نیازمند دقت نظر است، لازم است با نگاهی انتقادی به مسئله روش دیالکتیک در حل تعارض در سازمان نگریست. از آنجاکه در نظام حکمت صدرایی زمینه‌های لازم برای ارائه نگرش انتقادی وجود دارد، مناسب است به بررسی این پرسش پردازیم که براساس نظام حکمت صدرایی چه تبیینی از کاربرست دیالکتیک در سازمان می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، دیالکتیک، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۳.

۴۲۴. بررسی انتقادی رویکرد پراگماتیستی در مدیریت از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس نظام حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر رویکرد پراگماتیستی در مدیریت وارد است؟
تبیین مسئله: ازجمله رشته‌های فلسفه مضاف، فلسفه مدیریت است. اگر مدیریت را به دانش مهار رفتار کارکنان تفسیر کنیم، فلسفه مدیریت به واکاوی مبادی و مبانی مهار رفتار کارکنان مربوط خواهد شد. در قلمرو مدیریت با مسائلی مواجه هستیم که دارای لایه‌های عمیق نظری است. این لایه‌ها از مبانی فلسفی متأثر است و بسیاری از مکاتب فلسفی به تدوین دلالت‌های اصول نظری خود در قلمرو مدیریت پرداخته‌اند. برای مثال، مکتب واقع‌گرایی، اصولی را برای مدیریت ارائه کرده است که با اصول مکتب پراگماتیسم تفاوت دارد. از آنجاکه نادرستی مبانی نظری باعث تحریف اصول مدیریت می‌گردد، لازم است برای زدودن تحریف‌ها از دانش مدیریت، به نقد مبانی نظری آن پرداخت. یکی از مکاتبی که در دانش مدیریت بسیار مؤثر بوده است، مکتب پراگماتیسم است. در مکتب پراگماتیسم با نفی



برخی اصول فلسفه واقع‌گرایانه، مانند مطابقت با واقعیت و نفی نسبیت تلقی نادرستی از جهان ارائه می‌گردد. همین تلقی نادرست پایه بسیاری از مباحث علم مدیریت قرار گرفته است. باتوجه به اینکه در حکمت متعالیه از واقع‌گرایی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی دفاع می‌شود، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس نظام حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر رویکرد پراگماتیستی در مدیریت وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، پراگماتیسم، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۴۲۵. بررسی راهکارهای حل تراحم منافع فردی و منافع سازمانی از منظر اخلاق اسلامی

سؤال: براساس نظام اخلاق اسلامی چه راهکارهایی برای حل تعارض منافع فردی و منافع سازمانی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه مدیریت است که به بررسی مبادی و مبانی علم مدیریت می‌پردازد. در دانش مدیریت برخی از موضوعات محوری وجود دارد که عمده نظریه‌های مدیریت درباره آن‌ها شکل گرفته است. رفتار سازمانی، هماهنگی در سازمان، نظارت در سازمان و تعارض سازمانی از جمله این موضوعات است. یکی از موضوعات مهم در علم مدیریت، تعارض در سازمان است. وقوع تعارض در ارتباطات انسانی، امری معمول و متعارف است ولی آنچه مهم است نحوه مواجهه با تعارض است. در علم مدیریت نیز ریشه‌هایی برای شکل‌گیری تعارض ذکر شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تعارض منافع فردی و منافع سازمانی اشاره کرد. اکنون لازم است با تمرکز بر این مسئله به بررسی راه‌حل‌های رفع این‌گونه از تعارض بپردازیم. باتوجه به اینکه در علم اخلاق نیز به راه‌هایی برای حل تعارض اشاره شده است، مناسب است از منظر اخلاق کاربردی به این مسئله بنگریم و به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس نظام اخلاق اسلامی چه راهکارهایی برای حل تعارض منافع فردی و منافع سازمانی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه مدیریت، فلسفه سازمان، منفعت فردی، فلسفه اخلاق، حکمت اسلامی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۱،۲،۲۰. فلسفه تاریخ و فلسفه علم تاریخ

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تاریخ است. این رشته علمی، در کنار فلسفه علم

تاریخ، به بررسی مبانی تاریخ و مبادی علم تاریخ می‌پردازد. در ادامه برخی از مسائل نوپدید این عرصه را از نظر می‌گذرانیم.

۴۲۶. بررسی انتقادی رویکرد اثبات‌گرایانه در فلسفه تاریخ از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی صدرایی چه انتقادهایی بر رویکرد اثبات‌گرایانه در فلسفه تاریخ وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در فلسفه علم تاریخ به بررسی مبادی و مبانی علم تاریخ پرداخته می‌شود. افزون بر این مباحثی درباره شیوه‌ها و روش‌های مطالعات تاریخی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله رویکردهایی که برای مدت‌ها علم تاریخ را تحت تأثیر خود قرار داده بود، رویکرد تجربی و اثبات‌گرایانه بود. در این رویکرد ضمن کم‌ارزش جلوه دادن ابعاد ذهنی و تفهمی پدیده‌ها، بر تکیه بر اسناد و شواهد تجربی و عینی تأکید می‌شود. همچنین این روش بر استقرا استوار است که چالش‌های خاص خود را دارد. باتوجه به اینکه مدافعان اثبات‌گرایی تاریخ را بسان طبیعت موضوع روش مشاهده و تجربه می‌شمارند، این مطلب به معنای نادیده گرفتن ابعاد انسانی تاریخ است. در معرفت‌شناسی اسلامی به دقت به کاستی‌های روش تجربه‌گرایانه اثباتی‌نگر اشاره شده است. از این‌رو مناسب است با تکیه بر معرفت‌شناسی اسلامی به بررسی رویکرد اثبات‌گرایانه در فلسفه تاریخ بپردازیم و به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی معرفت‌شناختی صدرایی چه انتقادهایی بر رویکرد اثبات‌گرایانه در فلسفه تاریخ وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، اثبات‌گرایی، معرفت‌شناسی، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۲۵.

۴۲۷. بررسی نقش ساختار در تحلیل مسائل علم تاریخ از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی هستی‌شناختی صدرایی چه تحلیلی از نقش ساختار در تحلیل مسائل علم تاریخ می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در فلسفه علم تاریخ به بررسی مبادی و مبانی علم تاریخ پرداخته می‌شود. از جمله مبانی علم تاریخ، بحث درباره این است که آیا تاریخ امری ساختارمند است یا آنکه فاقد ساختار است. به عبارت دیگر،



آیا چارچوب تحولات تاریخی در قالب ساختاری از قبل مشخص شده رخ می‌دهد یا آنکه چنین ساختاری بر تاریخ حاکم نیست. در سده اخیر و به تبع نظریه‌هایی که در زبان‌شناسی مطرح شده است، برخی از محققان فلسفه تاریخ به تعمیم نگرش ساختارگرایانه به تاریخ پرداخته‌اند. باتوجه به اینکه ساختارگرایی از منظر هستی‌شناسی صدرایی با چالش‌هایی مواجه است، مناسب است به نقد آن بپردازیم و به این پرسش بپردازیم که براساس مبانی هستی‌شناختی صدرایی چه تحلیلی از نقش ساختار در تحلیل مسائل علم تاریخ می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، تاریخ، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۴۲۸. بررسی امکان عینیت در دانش تاریخ از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی صدرایی عینیت علم تاریخ چگونه قابل تحلیل و ارزیابی است؟
تبیین مسئله: یکی از رشته‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در فلسفه علم تاریخ به مبادی و مبانی علم تاریخ پرداخته می‌شود. باتوجه به جزئی بودن حوادث تاریخی و نیز گذار بودن آن، بحث‌های بسیاری میان فیلسوفان تاریخ درباره علم بودن یا نبودن تاریخ در گرفته است. افزون بر این، بحث دیگری که ذهن فیلسوفان تاریخ را به خود مشغول داشته است، این است که آیا گزاره‌های علم تاریخ، واجد عینیت و اعتبار هستند یا نه؟ در دانش معرفت‌شناسی صدرایی ضمن بررسی نظریه‌های مربوط به صدق و اعتبار معرفت، معیارهایی برای بازشناسی ارزش و اعتبار معرفت مطرح شده است. برای مثال، در معرفت‌شناسی، مطابقت با واقع معیاری برای صدق گزاره‌ها در نظر گرفته شده است. حال باتوجه به مباحث معرفت‌شناسی صدرایی می‌توان به ارزیابی گزاره‌های علم تاریخ پرداخت و میزان اعتبار آن‌ها را بررسی کرد. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی معرفت‌شناختی صدرایی عینیت علم تاریخ چگونه قابل تحلیل و ارزیابی است؟
کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، تاریخ، عینیت، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۵.



۴۲۹. بررسی انتقادی نقش هرمنوتیک در تفسیر پدیده‌های تاریخی

سؤال: کاریست هرمنوتیک به‌مثابه یک روش در تحقیقات مربوط به پدیده‌های تاریخی چه کاستی‌هایی می‌تواند داشته باشد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در این شاخه فلسفی به بررسی تحلیلی - عقلی مبانی و بنیادهای علم تاریخ پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث مورد توجه در فلسفه تاریخ، بحث از روش‌های تحقیقات تاریخی است. درحالی‌که برای مدت‌ها اثبات‌گرایی بر پژوهش‌های تاریخی سایه افکنده بود، در سال‌های اخیر شاهد بسط و گسترش روش تفسیری میان محققان علم تاریخ هستیم. ریشه‌های نگرش تفسیری به تلاش‌های افرادی مانند دیلتای و هایدگر بازمی‌گردد. این متفکران با تأکید بر ذهن‌مندی معرفت، بر نقش افق ذهنی در فهم و تفسیر پدیده‌ها تأکید کرده‌اند. ازآنجا که این روش در بطن خود مشتمل بر برخی از آموزه‌های فلسفی است، لازم است به بررسی مبانی فلسفی هرمنوتیک و تفسیر بپردازیم. ازاین‌رو می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که کاریست هرمنوتیک به‌مثابه یک روش در تحقیقات مربوط به پدیده‌های تاریخی چه کاستی‌هایی می‌تواند داشته باشد؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، هرمنوتیک، تاریخ.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۲۵.

۴۳۰. بررسی کلیت قوانین علم تاریخ از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تبیینی از کلی بودن قوانین علم تاریخ می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در فلسفه علم تاریخ به مبادی و مبانی علم تاریخ پرداخته می‌شود. باتوجه‌به جزئی بودن حوادث تاریخی و نیز گذار بودن آن، بحث‌های بسیاری میان فیلسوفان تاریخ درباره علم بودن یا نبودن تاریخ درگرفته است. افزون‌بر این همواره میان فیلسوفان تاریخی این بحث مطرح بوده که آیا قوانین علم تاریخ واجد کلیت و عمومیت‌اند یا نه؟ این بحث در دانش تاریخ، مسئله‌ای بسیار حیاتی است؛ زیرا در صورتی که کلی بودن قوانین تاریخ به اثبات نرسد، این شاخه از دانش بشری را نمی‌توان علم نامید. برخی از متفکران معاصر در سنت اسلامی با تمرکز بر این



مسئله به بیان دیدگاه خود پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند معیار یا معیارهایی برای کلی بودن دانش تاریخ مطرح سازند. ازجمله این متفکران می‌توان به علامه مصباح یزدی اشاره کرد. ازجمله راه‌هایی که برای تضمین کلیت قوانین تاریخی وجود دارد، تکیه بر بحث سنت‌های الهی است. باتوجه به اهمیت این بحث در فلسفه علم تاریخ، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تبیینی از کلی بودن قوانین علم تاریخ می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، قانون، تاریخ، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴/۲۵.

۴۳۱. بررسی تحلیلی رابطه زمان و تاریخ از منظر حرکت جوهری ملاصدرا

سؤال: از منظر حرکت جوهری ملاصدرا، رابطه زمان و تاریخ چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تاریخ ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی و مبانی علم تاریخ می‌پردازد. یکی از مبادی تصویری علم تاریخ، زمان است. از آنجا که تاریخ براساس سیر و تحول پدیده‌ها سامان می‌گیرد، عنصر زمان، در گذر و تحول پدیده‌ها نقش اساسی دارد. همچنین براساس مبانی حکمت صدرایی اشیا در حرکتی جوهری به‌سوی غایتی سیر می‌کنند و همین حرکت جوهری می‌تواند منشأ انتزاع مفهوم زمان گردد. بنابراین پدیده‌های تاریخی در حاق خود از نوعی زمان‌مندی برخوردارند. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که مفهوم زمان به چه نحوی در علم تاریخ ظهور کرده است و مباحث علم تاریخ تا چه میزانی متأثر از مباحث مرتبط با زمان هستند. باتوجه به حرکت جوهری صدرایی می‌توان مسئله پژوهشی را به این صورت تقریر کرد که از منظر حرکت جوهری ملاصدرا، رابطه زمان و تاریخ چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، حرکت جوهری، زمان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۷۵.

۴۳۲. بررسی رابطه انسان و تاریخ از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر انسان‌شناسی صدرایی رابطه انسان و تاریخ چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تاریخ ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی



و مبانی علم تاریخ می‌پردازد. یکی از مبادی تصویری علم تاریخ، سوژه انسانی است. از آنجاکه تاریخ براساس سیر و تحول پدیده‌هایی سامان می‌گیرد که از دریچه ذهن انسان به آن‌ها نگریسته شده است، برخی بر این باورند که ذهن‌مندی انسان بر تحلیل و تفسیر پدیده‌های تاریخی مؤثر است. باتوجه‌به انسانی و ذهن‌مند شمردن علم تاریخ ازسوی این عده، مسائلی دراین‌زمینه مطرح می‌گردد، ازجمله اینکه در این صورت، چگونه می‌توان از عینیت علم تاریخ دفاع کرد؟ و اینکه کلیت قوانین علم تاریخی چگونه قابل تبیین و توجیه است؟ باتوجه‌به اینکه رابطه علم تاریخ و انسان ازجمله مسائل فلسفه علم تاریخ است و همچنان در پس ابهام و اجمال قرار دارد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که از منظر انسان‌شناسی صدرایی رابطه انسان و تاریخ چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۴۳۳. بررسی رابطه فرهنگ و تاریخ از منظر شهید مطهری

سؤال: براساس دیدگاه شهید مطهری رابطه میان فرهنگ و تاریخ چگونه تبیین می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در فلسفه علم تاریخ به بررسی و تحلیل مبادی و مبانی علم تاریخ پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث مطرح در فلسفه علم تاریخ رابطه تاریخ با اموری مانند انسان، زمان، تجربه و فرهنگ است. برخی از نویسندگان بر این باورند که قوانین علم تاریخ ناظر به فرهنگی خاص است و نمی‌توان آن را به سایر فرهنگ‌ها تعمیم داد. به عبارت دیگر در تدوین علم تاریخ باید به این نکته توجه کرد که قوانین علم تاریخ، زمینه‌مندند و ازاین‌رو در بررسی آن‌ها نباید اسیر تعمیم‌های شتاب‌زده شد. این نکته که رابطه علم تاریخ و فرهنگ دقیقاً چگونه قابل تحلیل و تفسیر است، موضوعی است که ظرفیت لازم را برای واکاوی و پژوهش دارد. باتوجه‌به اینکه شهید مطهری ازجمله متفکران معاصر است که در آثار خود کم‌وبیش به این مطلب اشاره کرده است، مناسب است پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی گردد که براساس دیدگاه شهید مطهری رابطه میان فرهنگ و تاریخ چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، تاریخ، فرهنگ، حکمت متعالیه، شهید مطهری.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.



۴۳۴. بررسی دلالت‌های اصل تشکیک وجود در سیر تحول تاریخی از منظر ملاصدرا

سؤال: از منظر ملاصدرا دلالت‌های اصل تشکیک وجود در سیر تحول تاریخی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. این شاخه عقلی بر رشته‌ای از مبانی نظری استوار است که از جمله آن می‌توان به هستی‌شناسی اشاره کرد. هستی‌شناسی، آن گونه که در حکمت متعالیه مطرح شده است، بر اصولی مانند اصالت وجود، تشکیک وجود، ربط علی و حرکت جوهری استوار است. هر کدام از این اصول، دلالت‌ها و لوازمی در مباحث علم تاریخ به دنبال دارند. از سویی اگر تشکیک وجود را در نظر بگیریم، هستی دارای مراتب خواهد بود و هر مصداقی از هستی مرتبه خاصی از شدت یا ضعف در نظام تشکیک وجود را خواهد داشت. از سوی دیگر فهم و برداشت محققان یکسان نیست، و دارای شدت و ضعف است. این دو مطلب در کنار یکدیگر، گونه‌ای از نسبیت هستی‌شناختی را برای علم تاریخ به ارمغان می‌آورد که می‌توان از نتایج آن به این نکته اشاره کرد که برداشت‌ها و تحلیل‌ها از پدیده‌های تاریخی یکسان و یکنواخت نیست. اما اینکه تشکیک وجود دقیقاً چه دلالت‌هایی در علم تاریخ به دنبال دارد، موضوعی است که لازم است در یک طرح پژوهشی دنبال گردد. از این رو مسئله به این صورت تقریر می‌شود که از منظر ملاصدرا دلالت‌های اصل تشکیک وجود در سیر تحول تاریخی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، تشکیک وجود، تاریخ، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. اولویت: ۳/۵.

۴۳۵. بررسی مبانی عقلی علم تاریخ از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس حکمت صدرایی اصول و مبانی عقلی علم تاریخ چگونه تبیین می‌گردد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تاریخ از جمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی و نیز مبانی علم تاریخ می‌پردازد. روشن است که این دانش با روش عقلی با مسائل مواجه می‌گردد و مبانی عقلی علم تاریخ را واکاوی می‌کند. از جمله مبانی عقلی علم تاریخ می‌توان به تغییر، حرکت و سیورورت اشاره کرد. بدون آنکه تغییر و حرکت را ممکن و محقق بدانیم، موضوعی برای علم تاریخ فراهم نخواهد شد. اما از آنجاکه دیدگاه‌ها درباره تبیین و تفسیر تغییر و حرکت متفاوت است، با تلقی‌های متفاوتی از فلسفه علم تاریخ



مواجه خواهیم شد. امروزه یکی از مکاتب فلسفی رایج در سنت اسلامی، حکمت متعالیه است. در حکمت متعالیه با استفاده از روش عقلی در کنار شهود به بررسی مسائل اساسی فلسفه پرداخته شده است که ره‌آورد آن، اصولی مانند اصالت وجود، تشکیک وجود، ربط علی و حرکت جوهری است. باتوجه به اینکه حکمت متعالیه تکامل یافته مکاتب دیگر فلسفه اسلامی است، مناسب است با تمرکز بر این مکتب به بررسی این پرسش پردازیم که براساس حکمت صدرایی، اصول و مبانی عقلی علم تاریخ چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، تاریخ، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۴۳۶. بررسی تحلیلی رابطه حرکت و جامعه از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی چه رابطه‌ای میان حرکت و جامعه وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه تاریخ یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های علم تاریخ پرداخته می‌شود. ازجمله پیش‌فرض‌های تاریخ، تغییر و حرکت در جامعه انسانی است. براساس این پیش‌فرض، اولاً انسان در جامعه زندگی می‌کند، ثانیاً جامعه، پدیده‌ای متحول و متغیر است و ثالثاً تاریخ به سیر تحولات انسان، به‌ویژه تحولات اجتماعی او می‌پردازد. ازاین‌رو مسئله جامعه متحول از ارکان تاریخ است. نکته مهمی که دراین‌زمینه وجود دارد این است که آیا جامعه از اصالت برخوردار است و حرکتی که به آن نسبت داده می‌شود، یک حرکت واقعی است، یا آنکه جامعه فاقد اصالت است و آنچه جامعه شمرده می‌شود، چیزی جز جمع جبری افراد نیست، و خلاصه اینکه حرکتی که به جامعه نسبت داده می‌شود، جز یک امر انتزاعی و ذهنی نیست. باتوجه به اینکه حل بسیاری از این مسائل در گرو بررسی و واکاوی رابطه میان حرکت و جامعه است، مناسب است با مبنا قرار دادن اصول حکمت صدرایی به بررسی این پرسش پردازیم که براساس مبانی حکمت صدرایی چه رابطه‌ای میان حرکت و جامعه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، حرکت، جامعه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.



۴۳۷. بررسی تحلیلی - انتقادی مبانی تکاملی انگاشتن سیر تاریخی تحولات جامعه از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی چه تحلیل انتقادی از نگرش تکامل‌انگاری حرکت جامعه می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم تاریخ یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی و نیز مبانی و پیش‌فرض‌های علم تاریخ می‌پردازد. در بررسی موضوعات مرتبط با این شاخه عقلی، نظریه‌ها و مکاتب مختلفی شکل گرفته است که از آن جمله می‌توان به مکتب تکامل‌انگاری اشاره کرد. تکامل‌انگاری، که خاستگاه آن در دانش زیست‌شناسی است، درصدد است پدیده‌ها را در قالب یک فرایند تکاملی تجزیه و تحلیل کند. در دانش تاریخ نیز نگرش تکامل‌انگارانه سعی می‌کند حوادث تاریخی را در یک فرایند رو به جلو و تکاملی تفسیر کند. باتوجه به اینکه تکامل‌انگاری در دانش زیست‌شناسی با چالش‌هایی مواجه بوده است، توسعه و تعمیم آن به مباحث علم تاریخ نیز خالی از اشکال و ایراد نخواهد بود. از این رو لازم است با نگرش انتقادی به تجزیه و تحلیل این مکتب پرداخت. باتوجه به ظرفیتی که حکمت صدرایی برای انجام چنین انتقادی دارد، می‌توان پرسش تحقیق را این گونه صورت‌بندی کرد که براساس مبانی حکمت صدرایی چه تحلیل انتقادی از نگرش تکامل‌انگاری حرکت جامعه می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، جامعه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۴۳۸. بررسی انتقادی جبر تاریخی از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به نظریه جبر تاریخی وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. فلسفه علم تاریخ عهده‌دار بررسی مبادی تصویری و تصدیقی و نیز مبانی و پیش‌فرض‌های علم تاریخ است. در فلسفه تاریخ، موضوعاتی مانند چیستی تاریخ، روش تاریخ، کلیت قوانین تاریخی و عینیت قوانین تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین مبانی و اصول حاکم بر علم تاریخ نیز مورد کاوش قرار می‌گیرد. یکی از رویکردهایی که براساس مبانی فلسفی شکل گرفته است و به بررسی مسائل علم تاریخ می‌پردازد، جبرگرایی است. مدافعان این رویکرد بر این باورند که مراحل تاریخ از یک قاعده تغییرناپذیر تبعیت می‌کند و افراد انسانی ناچار درون این



قاعده تغییرناپذیر فعالیت می‌کنند. بنابراین نمی‌توان در تحلیل نهایی پدیده‌ها، اراده افراد انسانی را دخیل دانست. باتوجه به اینکه جبرگرایی به‌طور کلی و ازجمله جبرگرایی تاریخی براساس مبانی فلسفی به‌ویژه مبانی حکمت صدرایی مردود است، لازم است به بررسی انتقادی این رویکرد بپردازیم و با مبنا قرار دادن انسان‌شناسی صدرایی به نقد و ارزیابی این نگرش بپردازیم. از این‌رو مسئله پژوهشی عبارت است از اینکه براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به نظریه جبر تاریخی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، جبر، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

۴۳۹. بررسی مؤلفه‌های شش‌گانه تاریخ براساس حرکت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی حرکت‌شناسی صدرایی مؤلفه‌های شش‌گانه تاریخ کدام است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در فلسفه علم تاریخ به واکاوی مبادی و مبانی علم تاریخ پرداخته می‌شود. از آنجاکه حرکت عنصر اصلی تاریخ را تشکیل می‌دهد، می‌توان با مراجعه به متون فلسفی درباره بازشناسی عناصر اصلی حرکت، به واکاوی پدیده‌های تاریخی پرداخت. باتوجه به اینکه فیلسوفان در متون فلسفی شش رکن برای حرکت برشمرده‌اند، می‌توان با مبنا قرار دادن این شش رکن، به تجزیه و تحلیل حرکت تاریخ پرداخت و براساس نگرش تحلیلی مبدأ تاریخ، غایت تاریخ، مسیر تاریخ، مُحَرِّک، متحرک، و زمان حرکت تاریخ را بررسی کرد. اگر مبنای این تجزیه و تحلیل را حرکت‌شناسی صدرایی قرار دهیم، پرسش تحقیق چنین خواهد شد: براساس مبانی حرکت‌شناسی صدرایی مؤلفه‌های شش‌گانه تاریخ کدام است؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، حرکت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۴۴۰. بررسی انتقادی امکان پیش‌بینی آینده تاریخ براساس معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی صدرایی چه انتقادهایی بر امکان پیش‌بینی آینده تاریخ وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مسائلی که در فلسفه تاریخ مورد توجه قرار گرفته است، سیر تحول تاریخ در آینده است. بسیاری از فیلسوفان تاریخ به بررسی این مسئله پرداخته‌اند که



آیا می‌توان مسیر آینده تاریخ را تجزیه و تحلیل کرد؟ در صورتی که می‌توان چنین کرد، مسیر حرکت تاریخ به چه سمت و سویی است؟ روشن است که پاسخ به این پرسش به صرف اتکا بر داده‌های تجربی کاری دشوار است. دشواری این امر از آنجا برمی‌خیزد که هرگونه استقرایی ناتوان از ارائه نتایج قطعی و یقینی است. لاجرم باید به سراغ قواعد عقلی و فلسفی رفت و با استناد به این قوانین و قواعد، مسیر کلی حرکت تاریخ را شناسایی کرد. اما پرسش مهم این است که کدام یک از قوانین و قواعد فلسفی توان آن را دارند که مسیر حرکت تاریخ را نشان دهند؟ به هر حال مادامی که این بحث برپایه قواعد عقلی سامان نیابد، اعتباری به گزاره‌های مربوط به آینده نخواهد بود. برای آنکه مطالب متقن و قابل اتکایی در این زمینه به دست آید، می‌توان معرفت‌شناسی صدرایی را مبنای بررسی خود قرار داد و درصدد یافتن پاسخی برای این سؤال برآمد که براساس مبانی معرفت‌شناختی صدرایی چه انتقادهایی بر امکان پیش‌بینی آینده تاریخ وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، تاریخ، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳، ۴.

۴۴۱. بررسی رابطه تاریخ دین و تاریخ انسان براساس انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناختی صدرایی چه تبیینی از رابطه تاریخ دین و تاریخ انسان می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از رشته‌های فلسفه مضاف، فلسفه تاریخ است. در این رشته عقلی به واکاوی و بررسی مسائل کلان و مبانی نظری تاریخ پرداخته می‌شود. برخی از نویسندگان فلسفه تاریخ، با تأکید بر نقش اساسی دین در تحولات انسانی، بر این باورند که اوج تاریخ در دین خاصی محقق خواهد شد و از این‌رو این دسته از افراد، کل مسیر تاریخ را مسیری دینی و مذهبی تجزیه و تحلیل می‌کنند. توجه به سیر تحول دین در بستر زمان، نکته قابل توجهی است و پیوند دادن آن با سیر تحولات اجتماعی انسان نیز موضوع درخوری است، اما اینکه رابطه میان این دو دقیقاً به چه صورتی تبیین گردد، کاری است بس دشوار. دشواری این کار از آنجا ناشی می‌شود که به اشراف بر تحولات دین و تحولات انسان نیاز دارد و کمتر فردی است که بر هر دو حوزه تسلط داشته باشد. اما می‌توان مسیری برای بررسی این موضوع برگزید و آن، تکیه بر انسان‌شناسی فلسفی است. به عبارت دیگر می‌توان با تکیه بر انسان‌شناسی فلسفی



و مطالعه تحولات انسان کامل و ابعاد و ویژگی‌های حرکت او، به بررسی رابطه تحولات دین با تحولات انسان کامل پرداخت. باتوجه به اینکه در انسان‌شناسی صدرایی، تحولات انسان کامل به‌خوبی تقریر شده است، مناسب است انسان‌شناسی صدرایی مبنای این پژوهش قرار گیرد و از این‌رو می‌توان پرسش تحقیق را این‌گونه تقریر کرد: براساس مبانی انسان‌شناختی صدرایی چه تبیینی از رابطه تاریخ دین و تاریخ انسان می‌توان ارائه کرد؟

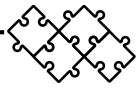
کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، انسان‌شناسی، دین، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴/۲۵.

۴۴۲. بررسی رابطه فطرت انسانی و تاریخ‌مندی جامعه انسانی از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی هستی‌شناختی صدرایی چه رابطه‌ای میان فطرت انسان و تاریخ‌مندی جامعه انسانی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تاریخ است. در فلسفه تاریخ، مبانی نظری سیر تحولات تاریخ مورد توجه قرار می‌گیرد. به باور بسیاری از فیلسوفان تاریخ، امور تاریخی با حیات انسان پیوندی ناگسستنی دارند. از این‌رو هر تحقیقی که درباره تاریخ انجام می‌گیرد، درحقیقت تحقیقی درباره انسان و سیر تحول او نیز هست. باتوجه به اینکه در علم تاریخ عمدتاً بر امور متغیر و سیال تأکید می‌شود، ابعاد ثابت انسان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. باتوجه به اینکه از نظر دینی و فلسفی انسان از حقیقتی ثابت به نام فطرت برخوردار است، مناسب است با تمرکز بر عنصر ثابت فطرت انسانی به بازشناسی نقش آن در سیر تحولات تاریخی بپردازیم. به عبارت دیگر، در همه تحولات تاریخی، فطرت انسانی نقشی برعهده دارد و در این میان مهم شناسایی نقشی است که فطرت انسانی در مسیر حرکت تاریخ برعهده دارد. اگر بپذیریم که فطرت پاک انسانی در پی شناخت و گرایش به خداوند است، پدیده‌های تاریخی نیز شاهد چنین شناخت و گرایشی خواهد بود. اما لازم است با مبنا قرار دادن یک مکتب فلسفی به واکاوی این امر بپردازیم. باتوجه به اینکه در مکتب حکمت متعالیه مبانی وجودی در قالب هستی‌شناسی صدرایی تدوین شده است، این هستی‌شناسی می‌تواند مبنایی برای این پژوهش قرار گیرد. از این‌رو سؤال پژوهشی عبارت است از اینکه براساس مبانی هستی‌شناختی صدرایی چه رابطه‌ای میان فطرت انسان و تاریخ‌مندی جامعه انسانی وجود دارد؟



کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، فطرت، تاریخ، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۴۴۳. بررسی انتقادی تاریخی شمردن هویت انسان از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناختی صدرایی چه انتقادهایی بر تاریخی شمردن هویت انسان وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مسائل فلسفه تاریخ، بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم تاریخ است. براساس متون و منابع فلسفی و الهیاتی، انسان دارای هویت ثابتی است که از آن به فطرت یاد می‌شود. بنابراین در سراسر تاریخ، امری ثابت در وجود انسان باقی است و این امر، به‌رغم همه تحولات و تغییرات، ثابت باقی می‌ماند. به‌رغم این اصل فلسفی، برخی از نویسندگان در سنت غربی با متغیر و متحول شمردن همه امور، از جمله انسان، منکر وجود عنصری ثابت در انسان شده‌اند، با توجه به اینکه شناسایی عنصر ثابت در انسان می‌تواند زمینه طرح برخی قواعد و قوانین ثابت برای تاریخ را فراهم سازد، نگرش انتقادی به متغیر شمردن انسان می‌تواند راه را برای رسیدن به قواعد کلی ناظر به تاریخ انسان فراهم کند. با توجه به اینکه در انسان‌شناسی صدرایی ابعاد ثابت وجود انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، می‌توان با مبنا قرار دادن این مکتب به بررسی این سؤال پرداخت که براساس مبانی انسان‌شناختی صدرایی چه انتقادهایی بر تاریخی شمردن هویت انسان وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، هویت، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۴۴۴. بررسی انتقادی فلسفه شدن از منظر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر فلسفه شدن می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم تاریخ است. در این شاخه عقلی و فلسفی به بررسی مبادی و مبانی علم تاریخ پرداخته می‌شود. بحث و بررسی درباره مبانی علم تاریخ به ظهور مکاتبی انجامیده است که هر کدام تاریخ را از زاویه خاصی مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد. یکی از مکاتبی که به بررسی پدیده‌های انسانی از منظر



تاریخی پرداخته است، نظریه فلسفه شدن است که فرهنگستان علوم اسلامی آن را مطرح کرده است. براساس این نگرش فلسفی، لازم است به جای تمرکز بر مکاتب فلسفی ایستانگر به سراغ مکتب فلسفی پویانگر رفت و مبانی مطالعه امور متغیر و متحول در جهان را تدوین کرد. فلسفه شدن، تلاشی است برای کنار نهادن عمده مکاتب فلسفی و گشودن راهی جدید برای مطالعات تاریخی. براساس این مکتب، جهان سراسر در تغییر و تحول است و لازم است با مطالعه آن، مسیر این تحولات را شناسایی کرد. تاریخ در جامعه انسانی محقق می‌گردد و مسیر نهایی آن به سوی خداوند است. البته در این میان برخی قدرت‌ها تلاش می‌کنند مسیر جوامع انسانی را به سوی شیطان تغییر دهند، ولی قانون حاکم بر تاریخ آن است که در نهایت این مسیر به سوی خداوند خواهد بود. هرچند مکتب فلسفه شدن ره‌آوردهای خوبی در زمینه نقش دین در تاریخ ارائه کرده است، به نظر می‌رسد برخی از مبانی نظری آن به دقت و بررسی نیاز دارد. از این رو می‌توان با مبنا قرار دادن انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی به ارزیابی فلسفه شدن پرداخت و این پرسش را بررسی کرد که براساس انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر فلسفه شدن می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، فلسفه شدن، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۴۵. بررسی رابطه انسان کامل و سیر تحول تاریخ از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از رابطه انسان کامل و سیر تحول تاریخ می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تاریخ است. در فلسفه تاریخ با استفاده از روش تحلیلی - عقلی به تجزیه و تحلیل اصول و مبانی تاریخ پرداخته می‌شود. یکی از مجموعه اصول و مبانی فلسفه تاریخ، انسان‌شناسی است. در انسان‌شناسی به بیان چیستی و ویژگی‌های انسان پرداخته می‌شود. حکمت متعالیه، که مکتب فلسفی رایج در دوران معاصر است، به مباحث انسان‌شناسی توجه کرده و در این زمینه ادبیاتی فراهم ساخته است که می‌تواند مبانی فلسفه تاریخ را تأمین کند. براساس انسان‌شناسی صدرایی، انسان کامل، هدف اصلی خلقت است و مظهر کامل اسما الهی است، به گونه‌ای که با مطالعه او می‌توان فراز و فرود تحولات عالم را شناسایی کرد. از این رو انسان کامل، منبع مناسبی برای پی بردن به مسیر تحولات



تاریخ است. حال باتوجه به این مطالب می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از رابطه انسان کامل و سیر تحول تاریخ می‌توان ارائه کرد؟
کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۴۶. بررسی انتقادی نگرش هرder^۱ درباره نقش تاریخ در فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر دیدگاه هرder درباره نقش تاریخ در فلسفه می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه تاریخ یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به مطالعه مبانی و مبادی علم تاریخ پرداخته می‌شود. یکی از مباحث مهمی که در فلسفه تاریخ مطرح می‌شود، تاریخی یا غیرتاریخی بودن پدیده‌هاست. برخی از نویسندگان چنان در این مبحث راه افراط را پیموده‌اند که هرگونه پدیده‌ای، حتی علوم و معرفت‌ها را نیز تاریخی انگاشته‌اند. به باور آنان، حتی فلسفه و مباحث فلسفی نیز از دایره تاریخی بودن خارج نیستند. یکی از مدافعان این نگرش هرder است. از آنجاکه این نگرش خالی از اشکال و ایراد نیست، و کمترین اشکال آن پارادوکسیکال بودن آن است، لازم است به مطالعه انتقادی آن بپردازیم. برای آنکه مبنایی برای نگرش انتقادی انتخاب کنیم، مناسب است به سراغ آثار آیت‌الله جوادی آملی برویم که یکی از شارحان برجسته حکمت متعالیه در دوره معاصر است. از این‌رو مناسب است برای واکاوی این مسئله به آثار آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنیم که از نزدیک بر معارف الهیاتی اشراف دارند و در مبحث فلسفی نیز تبحر دارند؛ بنابراین پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی خواهد شد که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر دیدگاه هرder درباره نقش تاریخ در فلسفه می‌توان مطرح ساخت؟
کلیدواژه: فلسفه تاریخ، روش‌شناسی تاریخ، تاریخ، حکمت متعالیه، جوادی آملی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳.

۱،۲،۲۱. فلسفه علم و فلسفه علوم تجربی

یکی از شاخه‌های مهم فلسفه مضاف، فلسفه علم و فلسفه علوم تجربی است. برخی مسائل مناسب جهت پژوهش و تحقیق در این‌باره در ادامه خواهد آمد.

1. Johann Gottfried von Herder.

۴۴۷. بررسی رابطه مشاهده و نظریه از منظر پوپر^۱ براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان مشاهده و نظریه از منظر پوپر چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: مشاهده و نظریه از جمله ارکان تحقیقات تجربی است. مشاهده عبارت است از کار بست حواس پنج‌گانه برای رسیدن به اطلاعات مورد نیاز تحقیق، و نظریه عبارت است از مجموعه گزاره‌هایی که در انسجام با یکدیگر ناظر به یک مسئله علمی‌اند و به توضیح روابط میان متغیرها می‌پردازند. بخش وسیعی از مباحث فلسفه علم درباره چیستی و اعتبار مشاهده، و نیز معیار پذیرش نظریه‌های علمی است. در کنار این موارد لازم است به رابطه میان ارکان تحقیق علمی، یعنی مشاهده و نظریه نیز توجه کرد. اینکه نظریه تا چه میزان وابسته به مشاهده است و تا چه میزان عواملی دیگری از جمله عوامل ذهنی در صورت‌بندی یک نظریه مؤثرند، بحث مهم و جدی‌ای در فلسفه علم شمرده می‌شود. کارل ریموند پوپر با تمرکز بر این مسئله بر این باور است که در فضای تحقیق تجربی، مشاهده هیچ‌گاه توان اثبات یک نظریه علمی را ندارد و نهایت تأثیر مشاهده را می‌توان در ارائه موارد نقض در راستای ابطال یک نظریه یا همان حدس علمی ارزیابی کرد. به نظر می‌رسد این سخن پوپر با چالش‌های جدی معرفت‌شناختی مواجه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد که اگر اعتبار نظریه به حدس علمی کاهش یابد، مشاهده نیز ارزش و اعتبار علمی خود را از دست خواهد داد و در نتیجه توان ابطال قطعی نیز نخواهد داشت. باتوجه‌به اینکه در دوره معاصر، آیت‌الله جوادی آملی توجه خوبی به مباحث معرفت‌شناسی داشته‌اند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان مشاهده و نظریه از منظر پوپر چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، مشاهده، نظریه، پوپر، جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۴۴۸. بررسی انتقادی رابطه مشاهده و فرهنگ از منظر رئالیسم انتقادی براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی رابطه مشاهده و فرهنگ از منظر رئالیسم انتقادی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: مشاهده یکی از ارکان مهم تحقیقات علمی - تجربی است. به‌رغم اهمیت

1. Karl Popper.



مشاهده در فرایند تحقیق علمی، اتفاق نظر و اجماعی درباره چیستی و اعتبار مشاهده در میان دانشمندان علوم تجربی وجود ندارد. بخشی از دیدگاه‌ها درباره چیستی و تفسیر مشاهده به این مسئله بازمی‌گردد که آیا چیزی به نام مشاهده ناب وجود دارد یا نه؟ هرچند در ابتدا بسیاری از دانشمندان علوم تجربی، مشاهده ناب را امری امکان‌پذیر می‌دانستند و شرایطی برای دستیابی به آن ترسیم کرده‌اند، درمقابل دیدگاهی وجود دارد که روزبه‌روز بر شمار طرفداران آن نیز افزوده می‌گردد، و این دیدگاه، مشاهده ناب را امری ناممکن می‌شمارد. به باور این دانشمندان، امور بسیاری فرایند مشاهده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله این امور می‌توان به عنصر فرهنگ اشاره کرد. در مکتب رئالیسم انتقادی، با تأکید بر نقش فرهنگ بر شکل‌گیری مشاهده، تلاش می‌شود تفسیر فرهنگ نیز بخشی از فرایند پژوهش تجربی شمرده شود. روشن است که فرهنگ‌محور شمردن هرگونه مشاهده‌ای زمینه را برای رواج نسبی گرای فراهم می‌سازد. اگرچه می‌توان به نقش فی‌الجمله فرهنگ در تفسیر مشاهدات اذعان کرد، ادعای تأثیرپذیری هرگونه مشاهده‌ای از فرهنگ خالی از چالش‌های معرفت‌شناختی نیست. از جمله این چالش‌ها می‌توان به بی‌اعتبار شدن بسیاری از تعمیم‌های علوم تجربی اشاره کرد. با توجه به اینکه در میان معاصران، علامه مصباح یزدی از جمله متفکرانی است که به بررسی مسائل معرفت‌شناختی پرداخته‌اند، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر علامه مصباح یزدی رابطه مشاهده و فرهنگ از منظر رئالیسم انتقادی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، مشاهده، فرهنگ، رئالیسم انتقادی، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۴۴۹. بررسی انتقادی انگاره پارادایم از منظر تامس کوهن^۱ بر اساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی انگاره «پارادایم» از منظر تامس کوهن چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: از جمله مسائل مهم در فلسفه علم واکاوی ریشه رد و طرد برخی از نظریه‌های تجربی است که مدت‌ها، نظریه درست و قابل قبول برای عموم دانشمندان شمرده می‌شده است. تامس کوهن با نگارش کتاب ساختار انقلاب‌های علمی تلاش کرد تحلیلی

1. Thomas Samuel Kuhn.



جامعه‌شناختی از فرایند کنار رفتن برخی از نظریه‌های تجربی ارائه کند. وی با استفاده از مفهوم اساسی پارادایم، هرگونه نظریه‌ای را تابعی از یک پارادایم دانست که کنار رفتن یک پارادایم، موجب کنار رفتن نظریه‌های مرتبط با آن خواهد شد. از آنجاکه بسیاری از مبانی علوم تجربی، اصول و قواعدی فراپارادایمی است، به نظر می‌رسد تعمیم پارادایم به همه علوم، نظریه تامس کوهن را با تناقض‌هایی مواجه خواهد ساخت. از آنجاکه در دوره معاصر استاد آیت‌الله جوادی آملی به مباحث معرفت‌شناختی توجه خاصی داشته، مناسب است با تمرکز بر دیدگاه تامس کوهن به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی انگاره پارادایم از منظر تامس کوهن چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، پارادایم، کوهن، جوادی آملی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴.

۴۵۰. بررسی انتقادی بُعد ناگذرای علم از منظر بسکار^۱ براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی بُعد ناگذرای علم از منظر بسکار چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مکاتب جدید در فضای فلسفه علم، رئالیسم انتقادی است. در این مکتب، با ملاحظه مکاتب و جریان‌های مختلف مطرح در فضای فلسفه علم، ضمن توجه به کاستی‌های آن‌ها، با طراحی مکتب جدیدی با عنوان رئالیسم انتقادی، به طرح نگرشی جدید در فضای فلسفه علم اقدام شده است. یکی از ارکان این نظریه، تمایز میان دو بُعد علم تجربی است. این دو بُعد عبارت است از: بُعد ناگذرا که ناظر به ابعاد ثابت علوم تجربی است و بُعد گذرا که ناظر به آن لایه‌ای از علوم است که تحت تأثیر ابعاد اجتماعی - فرهنگی قرار دارد. رئالیسم انتقادی با پیش‌بینی این تمایز سعی می‌کند، ضمن حفظ عناصر ثبات در علم، تبیینی از لایه‌های متغیر علم ارائه می‌کند. بسکار، که در مکتب رئالیسم انتقادی پیش‌رو است، به عواملی که در تحول علم تجربی نقش دارد، اشاره می‌کند. تبیینی که در رئالیسم انتقادی ارائه می‌شود، گواه وجود گسست میان ابعاد گذرا و ابعاد ناگذرای علم است. در معرفت‌شناسی اسلامی تأکید زیادی بر ارتباط وثیق میان ابعاد مختلف علم وجود دارد و از این‌رو نمی‌توان ابعاد مختلف علم را جدای از یکدیگر تجزیه و تحلیل کرد. باتوجه‌به اینکه

1. Ram Roy Bhaskar.



استاد جوادی آملی به تفصیل به بررسی ابعاد معرفت‌شناختی علم پرداخته‌اند، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی بُعد ناگذرای علم از منظر بسکار چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، رئالیسم انتقادی، روی بسکار، جوادی آملی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۲/۷۵.

۴۵۱. بررسی نظریه طبیعت‌شناسی روش‌شناختی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: از منظر حکمت متعالیه نظریه طبیعت‌شناسی روش‌شناختی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟ تبیین مسئله: یکی از مسائل مهم در فلسفه علم، روش‌شناسی علوم تجربی است. در این باب دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که براساس برخی از آن‌ها، لازم است هرگونه روشی در دایره علوم تجربی، به واکاوی تأثیر و تأثر طبیعی محدود گردد. این دیدگاه، تقریرهای مختلفی دارد که براساس تقریر افراطی آن، نه تنها در دایره علوم تجربی به واکاوی عوامل فوق طبیعی پرداخته نمی‌شود، بلکه اساساً نقش هرگونه عامل غیرطبیعی در شکل‌گیری پدیده‌ها نفی می‌شود. باتوجه به اینکه در نظام حکمت صدرایی نقش فاعل حقیقی عالم چنان گسترده است که هیچ پدیده‌ای خارج از قلمرو اراده و تأثیر حضرت حق نیست، لازم است به بررسی این مکتب، یعنی روش‌شناسی طبیعت‌گرایی، پرداخت. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر حکمت متعالیه نظریه طبیعت‌شناسی روش‌شناختی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، طبیعت‌شناسی، روش‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۴۵۲. بررسی انتقادی انگاره هر چه ممکن است فایراند^۱ براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی انگاره هر چه ممکن است فایراند چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟ تبیین مسئله: فلسفه علم، از جمله شاخه‌های فلسفی است که به بررسی فرایند طرح و

1. Paul Feyerabend.



ارزیابی نظریه‌های علوم تجربی می‌پردازد. در میان نظریه‌هایی که درباره ارزش و اعتبار علوم تجربی مطرح شده است، نظریه پل فایرابند درباره نفی روش‌مندی علوم، ضمن نفی هرگونه روش کلی برای دستیابی به علوم تجربی، بر این باور است که نمی‌توان یک روش واحد و ثابت برای فرایند دستیابی به علوم تجربی معرفی کرد. هرچند رسیدن به ثبات در علوم تجربی با چالش‌هایی مواجه است، اما رد هرگونه روشی به هرج‌ومرج در علوم تجربی خواهد انجامید و ارزش یافته‌های علوم تجربی را زیر سؤال خواهد برد. آیت‌الله جوادی آملی در کتاب منزلت عقل، در هندسه معرفت دینی، به تفصیل به بررسی رابطه علوم تجربی و علوم عقلی پرداخته است و نشان داده است که علوم تجربی در صورت اتکا بر علوم عقلی از هرج‌ومرج کامل‌رهایی خواهد یافت؛ از این‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی انگاره هرچه ممکن است فایرابند چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، فایرابند، جوادی آملی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۲/۵.

۴۵۳. بررسی رویکرد تقلیل‌گرایی در علوم تجربی بر مبنای نظریه علم آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی رویکرد تقلیل‌گرایی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم، شاخه‌ای از فلسفه مضاف است که به بررسی مباحث کلان‌تصوری و تصدیقی درباره علم تجربی می‌پردازد. دغدغه ارزش و اعتبار نظریه‌های تجربی موجب شده نظریه‌های مختلفی درباره تجزیه و تحلیل پدیده‌های طبیعی مطرح شود. یکی از این نظریه‌ها، نظریه تقلیل‌گرایی است. ایده محوری در این نظریه، فروکاستن یک پدیده به یکی از ویژگی‌ها یا یکی از ابعاد آن است. گسترش این نظریه و رواج آن در شاخه‌های مختلف علمی موجب که تقلیل‌گرایی به رویکردی در میان دانشمندان علوم تجربی در شاخه‌های مختلف علمی تبدیل گردد. باتوجه‌به تأثیری که این نظریه در شکل‌گیری مباحث علوم تجربی دارد و از آنجا که این نظریه موجب غفلت از ابعاد مختلف یک پدیده می‌گردد، و این امر شناخت ما از جهان را با چالش مواجه می‌سازد، مناسب است با تمرکز بر نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی که در شناخت عالم طبیعت برپایه مبانی عقلی صاحب‌نظرند، به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی رویکرد تقلیل‌گرایی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، تقلیل‌گرایی، علم دینی، جوادی آملی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۵.

۴۵۴. بررسی پیامدهای اجتماعی علم‌گرایی از منظر فیلیپ کیچر^۱ براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس نظریه علم دینی علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به پیامدهای اجتماعی علم‌گرایی مورد نظر فیلیپ کیچر وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم است. در این شاخه عقلی به واکاوی ابعاد بنیادین فرایند علوم تجربی پرداخته می‌شود. یکی از مسائل مهم علوم تجربی رابطه علم تجربی با ارزش‌هاست. بسیاری از فیلسوفان علم در این راه گام نهاده‌اند که هرگونه تأثیر ارزش‌ها بر فرایند علم تجربی را انکار کنند. درمقابل، عده دیگری از دانشمندان علوم تجربی، ضمن اذعان به تأثیر ارزش‌ها بر فرایند علم تجربی، به تجزیه و تحلیل نحوه تأثیر ارزش‌ها بر دستیابی به علم تجربی پرداخته‌اند. در این میان، مسائل جدیدی ظهور می‌کند؛ از جمله چیستی ارزش‌ها، و میزان نقش هرکدام در فرایند علم تجربی. فیلیپ کیچر از جمله فیلسوفان علم معاصر است که ضمن تأکید بر نقش هنجارها و ارزش‌ها، بر این باور است که این ارزش‌ها همان ارزش‌های مردم‌سالارانه مانند برابری و آزادی است. این بدان معناست که در نظر وی، ارزش‌های سیاسی بر عینیت علوم تجربی حاکم است. روشن است که این نگرش، افزون‌بر فضای فلسفه علم، در سطح فرهنگی نیز عاری از تبعات و پیامدها نیست. همچنین این نگرش، که از منظر معرفت‌شناسی با چالش‌هایی مواجه است، نیازمند نقد و ارزیابی است. باتوجه‌به اینکه علامه مصباح یزدی در مسائل معرفت‌شناسی و نیز در مباحث فلسفه سیاست صاحب‌نظرند، زمینه مناسبی وجود دارد که دیدگاه فیلیپ کیچر از منظر ایشان نقادی گردد؛ ازاین‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس نظریه علم دینی علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به پیامدهای اجتماعی علم‌گرایی مورد نظر فیلیپ کیچر وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، علم‌گرایی، کیچر، مصباح یزدی.
قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

1. Philip Stuart Kitcher.

۴۵۵. بررسی کاربری قواعد منطقی در فلسفه علم پوزیتیویستی از منظر علامه طباطبائی

سؤال: براساس دیدگاه علامه طباطبائی چه انتقادهایی بر کاربری قواعد منطق در فلسفه علم پوزیتیویستی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم است. در فلسفه علم به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم تجربی پرداخته می‌شود. دغدغه ارزش و اعتبار نظریه‌های تجربی موجب شکل‌گیری ادبیات فراوانی در ساحت فلسفه علم شده است که نتیجه آن، ظهور و بروز نظریه‌های مختلف و متکثری شده است؛ از میان این نظریه‌ها، تجربه‌گرایی بیش از سایر نظریه‌ها مطرح است. تجربه‌گرایان به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. از میان تجربه‌گرایان، حلقه وین یا همان پوزیتیویسم منطقی کوشیده‌اند قواعد منطقی را در صورت‌بندی نظریه خویش به کار گیرند. استفاده از قواعد منطقی، چالشی برای اثبات‌گرایان منطقی به وجود آورده است مبنی بر اینکه تأکید بر معیار بودن تجربه، چگونه با معتبر شمردن قواعد منطقی قابل جمع است؟ در آثار علامه طباطبائی نقدهایی جدی بر جریان تجربه‌گرایی مطرح شده است. همچنین علامه طباطبائی با نگارش آثاری، به تفصیل جایگاه منطق و برهان در علوم را روشن ساخته است از این‌رو مناسب است با تأکید بر دیدگاه‌های علامه طباطبائی به بررسی این مسئله پردازیم که براساس دیدگاه علامه طباطبائی چه انتقادهایی بر کاربری قواعد منطق در فلسفه علم پوزیتیویستی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، پوزیتیویسم، علامه طباطبائی.

قالب: کتاب. اولویت: ۳.

۴۵۶. بررسی ارزش معرفت‌شناختی نظریه تجربی در فلسفه علم هیلاری پتتم^۱ براساس دیدگاه علامه

مصباح یزدی

سؤال: براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر ارزش معرفتی نظریه تجربی در فلسفه علم هیلاری پتتم وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم از جمله فلسفه‌های مضاف است که با کاربری روش عقلی به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علوم تجربی می‌پردازد. یکی از مسائل مهم در فلسفه علم،

1. Hilary Whitehall Putnam.



رابطه فلسفه و علم تجربی است. درحالی که بسیاری از تجربه‌گرایان نقش فلسفه در علم تجربی را نفی می‌کنند، برخی دیگر ضمن تأکید بر نقش فلسفه در علوم تجربی، به بررسی نحوه این تأثیر پرداخته‌اند. ازجمله فیلسوفان علم، هیلاری پَتَنَم است که به تأثیر متقابل علم و فلسفه بر یکدیگر باور دارد. به نظر پَتَنَم همان‌گونه که اصول فلسفه به مسیر علم جهت می‌دهد، پیشرفت‌های علمی نیز می‌تواند بر گزاره‌های فلسفی اثر بگذارد. به نظر می‌رسد تلقی پَتَنَم از اصول فلسفه فاقد دقت کافی باشد؛ چه اینکه اصول فلسفه، گزاره‌های پیشینی است که یافته‌های تجربی تأثیری بر آن‌ها ندارد. به هر حال، تبیین دقیق رابطه تجربه و فلسفه، در گرو بررسی ارزش معرفتی گزاره‌ها و نظریه‌های تجربی است. ازاین‌رو می‌توان با مبنا قرار دادن دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی به بررسی این پرسش پرداخت که براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر ارزش معرفتی نظریه تجربی در فلسفه علم هیلاری پَتَنَم وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، رئالیسم علمی، پَتَنَم، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۵۷. بررسی نقش تاریخ در اعتبار نظریه‌های علمی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی نقش تاریخ در اعتبار نظریه‌های علوم تجربی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: در مباحث مرتبط با فلسفه علوم تجربی، شاهد بروز نظریه‌های مختلفی هستیم. بخشی از این نظریه‌ها با ترکیب مقوله زمان کانتی با مقوله تاریخی ویلهلم دلتای، رویکردی تاریخی به نظریه‌های علوم تجربی مطرح کرده‌اند. این رویکرد تلاش می‌کند با ایجاد پیوندی میان تاریخ و نظریه‌های علوم اجتماعی زمینه را برای تبیین اعتبار محدود و نسبی نظریه‌های علوم تجربی فراهم آورد. برای مثال، با نگرش تاریخی به نظریه‌های دانش فیزیک چنین نتیجه گرفته می‌شود که فیزیک نیوتنی متناسب با شرایط زمانه وی بوده است و با گذر از زمانه او بستر لازم برای بروز سایر نظریه‌ها مانند فیزیک انیشتین فراهم گشته است و پس از گذشت دوره انیشتین، نوبت به فیزیک کوانتوم می‌رسد. اما هیچ‌کدام از این نظریه‌ها واجد عنصر واقع‌نمایی نیستند. گذر تاریخ، کنار رفتن همه نظریه‌ها را امری حتمی ساخته است. با طرح این نگرش، اعتبار نظریه‌های علمی زیرسؤال خواهد رفت. اما برپایه نگرش فلسفه علم اسلامی می‌توان ویژگی واقع‌نمایی را برای برخی از احکام علوم



تجربی اثبات کرد. برای مثال، برپایه نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی که عقل تجربی را رکن اساسی علوم تجربی برمی‌شمرد، می‌توان از واقع‌نمایی نظریه‌های علمی دفاع کرد. البته این به معنای نفی ارزش و جایگاه تاریخ در نظریه‌های علمی نیست. بنابراین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود عبارت است از اینکه براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی نقش تاریخ در اعتبار نظریه‌های تجربی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، تاریخ، نظریه، جوادی آملی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۵.

۴۵۸. بررسی نقش جامعه علمی در اعتبار نظریه‌های علمی از منظر علامه مصباح یزدی گروه

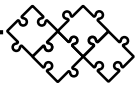
سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی نقش جامعه علمی در اعتبار نظریه‌های علوم تجربی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از کسانی که در قلمرو فلسفه علوم تجربی تأثیر فراوانی داشته است، تامس کوهن^۱ است. وی با ارائه نظریه ساختار انقلاب‌های علمی، برگی تازه در صفحه مباحث فلسفه علوم تجربی گشود که براساس آن بر نقش جامعه در تحول نظریه‌های علوم تجربی تأکید شد. اگرچه وی شواهدی در تأیید دیدگاه خود اقامه کرد و نشان داد که جامعه علمی در پذیرش و گسترش نظریه‌های علمی بی‌تأثیر نیست، اما میان پذیرش یک نظریه و اعتبار معرفتی یک نظریه، تمایز روشنی نهاد و از این‌رو دیدگاه او گامی در جهت بسط نسبی‌گرایی در قلمرو علوم تجربی شمرده شد. اکنون و باتوجه به اینکه ارزش معرفتی، با پذیرش جامعه علمی تفاوت دارد، می‌توان دیدگاه او را با چالش مواجه ساخت. باتوجه به اینکه از یک‌سو نتیجه نگرش تامس کوهن نوعی نسبی‌گرایی مطلق است و از سوی دیگر برخی عالمان اسلامی مانند استاد مصباح یزدی به نقد و ارزیابی نسبی‌گرایی مطلق پرداخته‌اند، به نظر می‌رسد زمینه برای بررسی این پرسش وجود دارد که از منظر علامه مصباح یزدی نقش جامعه علمی در اعتبار نظریه‌های علمی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، جامعه، نظریه، مصباح یزدی.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۳/۷۵.

1. Thomas Samuel Kuhn.



۴۵۹. بررسی رابطه نظریه علمی با قواعد عقلی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان نظریه‌های علمی و قواعد عقلی چگونه تبیین می‌گردد؟ تبیین مسئله: یکی از ساحت‌های فلسفه علم، واکاوی مبانی عقلی و قواعد فلسفی است که زیربنای نظریه‌های علمی را تشکیل می‌دهند. اگرچه در برخی متون فلسفه علم، توجه به نقش فلسفه و قواعد عقلی مانند اصل علّیت، اصل حرکت و تغییر، در زمینه‌سازی نظریه‌های علمی دیده می‌شود، ولیکن بسیاری از فیلسوفان علم، به این نکته تفتّن نیافته‌اند که بدون ارزش قائل شدن برای مبانی عقلی نمی‌توان از اعتبار هیچ‌یک از روش‌های علمی و تجربی دفاع کرد. به عبارت دیگر مادامی که اصل علّیت پذیرفته نشود، سخن گفتن از نظریه‌ای علمی، که در پی تبیین رابطه میان دو پدیده تجربی است و بنا دارد یکی را عامل و علت دیگری بشمارد، بی‌معناست. از زمان فرانسیس بیکن، با تضعیف جایگاه روش عقلی و فلسفی به نقش و جایگاه مبانی عقلی در نظریه‌های علمی کمتر توجه شده است. به عبارت دیگر برای بسیاری از فیلسوفان علم و دانشمندان تجربی به‌خوبی روشن نیست که قواعد عقلی دقیقاً چه نقشی در شکل‌گیری و اعتبار نظریه‌های علمی برعهده دارند. با توجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی با استفاده از ظرفیت‌های حکمت متعالیه و با طرح نظریه‌ای بدیع در باب علم دینی به تفصیل نقش قواعد عقلی در نظریه‌های علمی را واکاوی کرده است، این پرسش مطرح می‌شود که با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان نظریه‌های علمی و قواعد عقلی چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، عقل، نظریه، جوادی آملی.

قالب: کتاب. اولویت: ۴.

۴۶۰. بررسی ساختار تحول نظریه‌های علمی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از ساختار تحول نظریه‌های علمی می‌توان ارائه کرد؟ تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه علم، واکاوی نظریه‌های علمی است. در بررسی نظریه‌های علمی، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که براساس برخی از آن‌ها نظریه‌های علمی از ساختار خاصی پیروی می‌کنند. براساس این مجموعه نظریه‌ها، نظریه‌های علمی دارای هسته سخت، کمربندی ایمنی و پوسته هستند. پژوهش‌های علمی، هرگاه به یافتن موارد نقضی



بینجامد، پوسته نظریه علمی را دستخوش تهاجم می‌سازد، اما در این میان، هسته سخت نظریه از هرگونه نقضی در امان می‌ماند و به سیر خود ادامه می‌دهد. هنگامی که تعداد موارد نقض به حد قابل توجهی رسید و تلاش‌های کمربند ایمنی برای خنثی‌سازی آن‌ها سودبخش نبود، خود نظریه نیز دچار چالش بی‌اعتباری خواهد شد و به کنار خواهد رفت. مدافعان این مجموعه نظریه‌ها با ارائه شواهدی استقرایی سعی کرده‌اند نظریه خود را اثبات کنند. گذشته از اینکه این شواهد به مقدار کافی از اعتبار علمی برخوردار نیستند، جای این پرسش وجود دارد که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از ساختار تحول نظریه‌های علمی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، نظریه، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۴/۲۵.

۴۶۱. بررسی تطبیقی شهودی شمردن ادراک حسی از منظر پرایس^۱ و شیخ اشراق

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان دیدگاه پرایس و شیخ اشراق درباره شهودی بودن ادراک حسی وجود دارد؟

تبیین مسئله: بدون تردید هرگونه نظریه در قلمرو علوم تجربی وام‌دار کاربست حس و مشاهده است. به تعبیر دیگر، گام نخست در هر نظریه علمی استفاده از حس و مشاهده است؛ از این رو هرگونه خطا در حس و مشاهده زمینه را برای بی‌اعتباری نظریه علمی فراهم خواهد ساخت. در قلمرو علوم تجربی بر لزوم دقت در حس و مشاهده تأکید می‌شود، هرچند همواره درصدی از احتمال خطا مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اما اگر در نظر آوریم که براساس برخی از نظریه‌های معرفت‌شناختی اعتبار حس و مشاهده براساس علم شهودی تبیین می‌گردد و به عبارت دیگر مُدرکات حسی دارای ارزش و واقع‌نمایی بسیار بالایی هستند و درواقع، این ادراکات، یافتن خود واقعیت هستند، و نه حاکی از واقعیت و شناخت از طریق واسطه ذهن نسبت به واقعیت. اکنون براساس این دسته از نظریات می‌توان گفت سرنوشت نظریه‌های علمی به گونه‌ای دیگر رقم خواهد خورد. در سنت فلسفه اسلامی و نیز در سنت فلسفه غرب هستند کسانی که از شهودی بودن و بی‌واسطه بودن ادراک حسی دفاع می‌کنند. برای نمونه، شیخ اشراق و پرایس معرفت حسی را معرفتی بی‌واسطه می‌دانند. اکنون جای طرح این

1. Price.



پرسش وجود دارد که چه وجه شباهت و تفاوتی میان دیدگاه پرایس و دیدگاه شیخ اشراق درباره بی‌واسطه بودن ادراک حسی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، روش شهودی، ادراک حسی، پرایس، مکتب حکمت اشراق، سهروردی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۴۶۲. بررسی فاعلیت خاص خداوند در جهان طبیعت از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی فاعلیت خاص خداوند در جهان طبیعت چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث مهم در فلسفه علم، واکاوی علل و عوامل شکل‌گیری پدیده‌هاست. در عموم نظریه‌های فلسفه علم، با انتخاب رویکردی پوزیتیویستی، تنها بر عوامل و زمینه‌های مادی تمرکز می‌شود و از پرداختن به عوامل ماورائی پرهیز می‌شود، بلکه در مواردی انکار می‌شوند. این درحالی است که براساس مبانی حکمت صدرایی، نه تنها خداوند علت‌العلل و یگانه هستی‌بخش در جهان است، آثار قدرت او در پیدایش پدیده‌های مادی نیز قابل انکار نیست. بنابراین عدم توجه نظریه‌های علمی به علل ماورائی، تنها چشم بستن بر حقیقت است. اما مسئله این است که توجه و تمرکز بر علل ماورائی شکل‌گیری پدیده‌ها، به تدوین و تنظیم نظریه‌هایی نیاز دارد تا جایگاه دقیق علل ماورائی در عالم طبیعت را به‌خوبی نشان دهد. درست است که فاعلیت خاص خداوند در جهان طبیعت براساس مبانی فلسفی قابل اثبات است، اما صرف بسنده کردن به این نگرش کلی، نمی‌تواند به سیر حرکت نظریه‌های علوم طبیعی جهت دهد. بنابراین جا دارد این پرسش را محل کاوش و پژوهش قرار دهیم که از منظر حکمت صدرایی فاعلیت خاص خداوند در جهان طبیعت چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، طبیعت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۴۶۳. بررسی جایگاه اصل سادگی در ترجیح نظریه‌های تجربی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی صدرایی اصل سادگی که معیار ترجیح نظریه‌های تجربی است، چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: نظریه‌های مختلفی در قلمرو فلسفه علم ظهور کرده است که حتی گاه



شاهد وجود تعارض و تناقض میان این نظریه‌ها هستیم. این امر، فیلسوفان علم را به مطالبی رهنمون شده است. نخستین مطلب این است که هیچ‌یک از این نظریه‌های متناقض، واقع‌نما نیست و چنین نیست که گزارشی از واقعیت بتوان از آن‌ها انتظار داشت. این نکته رفته‌رفته به گسترش فضای نسبی‌گرایی در فلسفه علم انجامیده است. مطلب دیگر این است که در مواجهه با نظریه‌های متعارض، چاره‌ای از گزینش نیست. یکی از معیارهایی که برای گزینش نظریه‌های رقیب مطرح شده، اصل سادگی است. براساس این اصل، از میان دو نظریه رقیب، نظریه‌ای را می‌توان ترجیح داد که در شرایط مساوی، سادگی بیشتر داشته باشد. به عبارت دیگر اگر دو نظریه از هر جهت مساوی باشند، در صورتی که یکی از آن‌ها بر گزاره‌های ساده‌تر و مشهودتری استوار باشد، بر رقیب خود ترجیح خواهد داشت. از ادله‌ای که در دفاع از این اصل مطرح شده است که بگذریم، اصل اینکه سادگی بتواند یک نظریه را بر نظریه رقیب ترجیح دهد، جای تردید دارد. در معرفت‌شناسی صدرایی و با ملاک قرار گرفتن مطابقت با واقعیت، برای تشخیص معیار صدق، سادگی هیچ‌گونه ملازمه‌ای با صدق نخواهد داشت. از این رو جای طرح این پرسش وجود دارد که براساس معرفت‌شناسی صدرایی اصل سادگی که معیار ترجیح نظریه‌های تجربی است، چگونه ارزیابی می‌شود؟

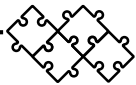
کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، نظریه، روش تجربی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۴.

۴۶۴. بررسی مسئله تعین ناقص در تأیید نظریه‌های تجربی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی اسلامی چه تبیینی از مسئله تعین ناقص در تأیید نظریه‌های تجربی می‌توان به دست داد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه، فلسفه علم است. در قلمرو فلسفه علم، تعارض میان رویکردها و نگرش‌ها بیش از هر شاخه دیگر فلسفی رواج یافته است. هر مکتبی، با ارائه اصولی درصدد طرح معیارهایی برای ترجیح برخی نظریه‌های تجربی بر برخی دیگر برآمده است. یکی از معیارهایی که در این زمینه بیان شده، تعین ناقص است. براساس این نگرش، که البته تقریرهای مختلفی دارد، طرح نظریه‌های علمی به شکل‌گیری تعارض میان برخی از نظریه‌ها می‌انجامد و در این میان، یکی از نظریه‌ها براساس شاهی تجربی بر دیگر نظریه‌ها ترجیح پیدا می‌کند. بنابراین معیار ترجیح یک نظریه بر نظریه دیگر، شاهی تجربی خواهد



بود. اما در اینجا لازم است به واکاوی این مسئله پرداخت که چگونه وجود تنها یک شاهد تجربی می‌تواند به ترجیح برخی از نظریه‌ها بر برخی دیگر بینجامد. آیا این احتمال مطرح نیست که چه‌بسا بعد از مدتی اعتبار شاهد تجربی مذکور مخدوش گردد؟ باتوجه به عدم اعتبار کامل شواهد تجربی این پرسش مطرح می‌گردد که از منظر معرفت‌شناسی اسلامی معیار تعیین ناقص، برای ترجیح یکی از نظریه‌های تجربی بر دیگری، چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، تعیین، روش تجربی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۳.

۴۶۵. بررسی اشکالات وارد بر نگرش واقع‌گرایانه در علوم تجربی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی صدرایی چه اشکالاتی بر نگرش واقع‌گرایانه در علوم تجربی وارد است؟

تبیین مسئله: قلمرو فلسفه علم، شاهد شکل‌گیری نگرش‌ها و رویکردهای مختلف بوده است. در برخی از این رویکردها ضمن رد نظریه مطابقت با واقع، مسیر نسبی‌گرایی دنبال می‌شود. درمقابل، برخی از فیلسوفان علم بر نگرش واقع‌گرایانه تأکید دارند. به عبارت دیگر آنان هدف از ارائه نظریه‌های علمی را دستیابی به واقعیت می‌شمارند، هرچند امکان ناموفق بودن این تلاش را در مواردی تأیید می‌کنند. مدافعان نگرش واقع‌گرایی، استدلال‌هایی در دفاع از نگرش خود مطرح کرده‌اند و قیود و شرایطی را برای رویکرد خود مطرح کرده‌اند. برای نمونه در نظر برخی از آنان، توجه به پذیرش جامعه علمی، و نیز تأثیر ذهنیت دانشمندان در نظریه‌های علمی، بخشی از اضلاع نگرش واقع‌گرایانه است. به نظر می‌رسد براساس معرفت‌شناسی صدرایی اگرچه این نگرش، نام واقع‌گرایی را با خود همراه دارد، در مواردی از مسیر واقع‌گرایی معرفت‌شناختی فاصله گرفته است. از این رو جای طرح این پرسش وجود دارد که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه اشکالاتی بر نگرش واقع‌گرایانه در علوم تجربی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، واقع‌گرایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۵.

۴۶۶. بررسی چالش‌های نظریه ابطال‌گرایی برپایه معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس معرفت‌شناسی صدرایی چه پاسخی به اشکالات ناشی از نظریه ابطال‌گرایی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفه مضاف، فلسفه علم است. ظهور و زوال نظریه‌های

تجربی مختلف موجب پیدایش مکاتب مختلفی در فلسفه علم شده است. بسیاری از این مکاتب، با دست برداشتن از عنصر واقع‌نمایی تلاش کرده‌اند معیارهای جایگزینی برای اعتبار نظریه‌های علوم تجربی مطرح کنند. یکی از این مکاتب، ابطال‌گرایی است که براساس آن هر فرضیه‌ای که در قالب حدس مطرح گردد، می‌تواند واجد اعتبار علمی باشد مادامی که موارد نقضی علیه آن یافت نشود. بنابراین اعتبار هر فرضیه علمی، منوط و مشروط به ظهور موارد نقض است. باتوجه به اینکه تلاش‌های دانشمندان، سرانجام به یافتن موارد نقض خواهد انجامید، باید گفت هر فرضیه علمی، سرانجام باطل خواهد شد، البته چه‌بسا ابطال برخی از فرضیه‌ها مدتی طول بکشد، ولی سرانجام ابطال خواهد شد. در معرفت‌شناسی اسلامی، اگرچه مورد نقض می‌تواند چالشی برای یک قاعده و قانون کلی شمرده شود، باید در نظر داشت که هر مورد جزئی می‌تواند در مواردی تفسیرهای مختلفی به خود بگیرد. از این‌رو یافتن مورد نقض نمی‌تواند ابطال قطعی برای یک فرضیه باشد، و از این‌رو چه‌بسا فرضیه‌ای که پیش‌تر ابطال شده تصور می‌شد، مجدداً وارد فضای علمی گردد. به هر حال، نظریه ابطال‌گرایی با چالش‌های جدی معرفت‌شناسی مواجه است. از این‌رو جای طرح این پرسش وجود دارد که از منظر معرفت‌شناسی اسلامی نظریه ابطال‌گرایی چگونه نقد و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه علوم تجربی، ابطال‌گرایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۵.

۱،۲،۲۲. فلسفه علم شیمی

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم شیمی است. مباحث این شاخه فلسفی، به‌صورت جسته و گریخته در بسیاری از متون و منابع مطرح شده است، بالاین حال دورزمانی از شکل‌گیری و استقلال این رشته علمی نمی‌گذرد. در دهه‌های اخیر مسائل و پرسش‌های زیادی درباره فلسفه علم شیمی مطرح شده است که برخی از آن‌ها را در ادامه از نظر می‌گذرانیم.

۴۶۷. بررسی چیستی عناصر از منظر طبیعت‌شناسی سینی

سؤال: از منظر طبیعت‌شناسی سینی چه تحلیلی از عناصر طبیعی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم شیمی یکی از فلسفه‌های مضاف است که به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی دانش شیمی می‌پردازد. در علم شیمی، به اجزای سازنده جهان طبیعت



توجه می‌شود. این موضوع از گذشته دور مورد توجه قرار داشته است و عموم حکیمان نیز بدان پرداخته‌اند. در سنت فلسفه اسلامی نیز برخی از متفکران مانند ابن‌سینا به مباحث طبیعت‌شناسی توجه داشته‌اند و مطالبی درباره اجزای تشکیل‌دهنده جهان ماده مطرح کرده‌اند. امروزه با کاربست روش‌های تجربی، تحولی چشم‌گیر در زمینه شناسایی و بررسی عناصر جهان طبیعی انجام گرفته است که به کشف عناصری انجامیده است که پیش‌تر سخنی از آن‌ها در میان نبود. باتوجه به پیشرفت‌هایی که امروزه در زمینه شیمی انجام گرفته، چه‌بسا بررسی اینکه دیدگاه این حکیمان درباره عناصر جهان طبیعت چه بوده است، چندان موضوعیت نداشته باشد، ولی اگر به این جنبه بحث توجه کنیم که این متفکران به دلیل تسلط بر مباحث فلسفی برای ارائه نظریه‌ای هماهنگ با مبانی فلسفی تلاش کرده‌اند، بر اهمیت این پرسش می‌افزاید که از منظر طبیعت‌شناسی سینوی چه تحلیلی از عناصر طبیعی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، عناصر، طبیعت، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۴.

۴۶۸. بررسی فلسفی نقش ترکیب عناصر در ذاتیات اشیا

سؤال: از نظر فلسفی، ترکیب عناصر در ذاتیات اشیا چه نقشی دارند؟

تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم شیمی است. در این شاخه فلسفی به واکاوی موضوعات و مسائل بنیادین دانش شیمی پرداخته می‌شود. روش به‌کاررفته در این تحقیقات و پژوهش‌ها روش تحلیلی - عقلی است؛ از این رو در فلسفه علم شیمی به دلالت‌ها و پیامدهای فلسفی نظریه‌ها نیز توجه می‌شود. یکی از مسائلی که می‌تواند ارتباط نظریه‌های شیمی و نظریه‌های فلسفی را به‌خوبی نمایش دهد، بحث درباره عناصر تشکیل‌دهنده اشیا است. هم در شیمی و هم در فلسفه به این بحث توجه شده است، و البته در علم شیمی در قالب عناصر بسیط اشیا مادی، و در فلسفه، از منظر اجزای تحلیلی - عقلی اشیا مادی. پرسشی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که از منظر فلسفی، تجزیه و تحلیل‌های علم شیمی چه ره‌آوردی برای شناخت ذاتیات اشیا دارد؟ به عبارت دیگر آنچه شیمی‌دانان عناصر تشکیل‌دهنده اشیا معرفی می‌کنند، از منظر فلسفی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟ بنابراین مناسب است این پرسش را مورد توجه قرار دهیم که از نظر فلسفی، ترکیب عناصر در ذاتیات اشیا چه نقشی دارند؟



کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، عناصر، ذات، حکمت اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۴.

۴۶۹. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم شیمی از منظر معرفت‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم شیمی می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم شیمی است. در این شاخه فلسفی به واکاوی موضوعات و مسائل بنیادین دانش شیمی پرداخته می‌شود. باتوجه‌به ظهور نظریه‌های مختلف در علم شیمی، یکی از مباحث جدی در فلسفه علم شیمی، واکاوی ریشه‌های طرح نظریه‌های مختلف و در مواردی متعارض است. برای مثال، دیدگاه‌های مختلفی درباره درستی یا نادرستی نظریه اتم‌گرایانه مطرح شده است. این مسئله، بررسی و ارزیابی معرفت‌شناختی گزاره‌های علم شیمی را امری ضروری می‌سازد. باتوجه‌به اینکه در سنت اسلامی آیت‌الله جوادی آملی از حکیمان معاصر است که به تفصیل به مباحث معرفت‌شناختی پرداخته است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس مبانی معرفت‌شناختی آیت‌الله جوادی آملی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم شیمی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۴.

۴۷۰. بررسی نظریه تقلیل‌گرایانه شیمی به فیزیک از منظر طبیعت‌شناسی سینیوی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی سینیوی چه نقدهایی بر نظریه تقلیل‌گرایانه شیمی به فیزیک وارد است؟ تبیین مسئله: دانش فلسفه شیمی ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این دانش با استفاده از روش تحلیلی - عقلی به واکاوی مسائل اساسی در علم شیمی پرداخته می‌شود. برخی از مسائل اساسی این علم عبارت است از تحقیق درباره مبادی تصوری و تصدیقی علم شیمی. ازجمله مباحث مطرح در فلسفه علم شیمی، بررسی رویکرد کلان به نظریه‌های علم شیمی است. ازجمله رویکردهای کلان در دانش شیمی، رویکرد تقلیل‌گرایانه به موضوعات و مسائل شیمی است که تلاش می‌کند پدیده‌های مرتبط به شیمی را براساس مسائل علم



فیزیک تجزیه و تحلیل کند. اما اینکه رویکرد تقلیل‌گرایانه تا چه حد می‌تواند نگرشی واقع‌گرایانه‌ای درباره مسائل شیمی ارائه کند، جای بحث و بررسی دارد. باتوجه‌به اینکه مباحث طبیعت‌شناسی در آثار حکیمانی مانند ابن‌سینا مورد توجه بوده است، جای بررسی این مسئله وجود دارد که براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه نقدهایی بر نظریه تقلیل‌گرایانه شیمی به فیزیک وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، تقلیل‌گرایی، طبیعت‌شناسی، حکمت سینوی، ابن‌سینا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۴.

۴۷۱. بررسی انتقادی فیزیکالیسم در علم شیمی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس حکمت متعالیه چه نقدهایی بر مکتب فیزیکالیسم در علم شیمی وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه علم شیمی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی، و نیز برخی مباحث کلان علم شیمی پرداخته می‌شود. به‌رغم آنکه چند دهه بیشتر از گسترش مباحث فلسفه شیمی نمی‌گذرد، طرح نظریه‌ها و رویکردهای کلان در این قلمرو علمی، بحث‌هایی جدی درباره موضوعات اساسی این علم را مطرح ساخته است. برای مثال، برخی از دانشمندان شیمی درصدد بررسی مباحث کلان در موضوع نحوه نگرش به عناصر اشیا برآمده، و نگرشی فیزیکالیستی را مطرح ساخته‌اند. باتوجه‌به اینکه جایگاه ماده و طبیعت در نظام هستی‌شناسی صدرایی نیز مورد کاوش قرار گرفته است. جای بررسی این مسئله وجود دارد که براساس حکمت متعالیه چه نقدهایی بر مکتب فیزیکالیسم در علم شیمی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، فیزیکالیسم، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴.

۴۷۲. بررسی کاربرت روش پدیدارشناسی در علم شیمی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس حکمت صدرایی کاربرت روش پدیدارشناسی در علم شیمی چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه علم شیمی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی و نیز برخی مباحث کلان درباره روش علم شیمی پرداخته می‌شود. بحث درباره روش، از مهم‌ترین مباحث فلسفه علم شیمی است؛



زیرا با تفاوت روش بررسی یک مسئله، پاسخ‌ها و راه‌حل‌هایی که برای آن مسئله مطرح می‌شود، متفاوت خواهد بود. از آنجاکه طرح روش عملاً به نفی نگرش واقع‌گرایانه خواهد انجامید، تمرکز بر بررسی این روش اهمیت بسیاری دارد. در حکمت متعالیه، با طرح مسائلی همچون اصالت وجود، تشکیک وجود و امکان معرفت به واقعیت، زمینه برای طرح پدیدارشناسی وجود ندارد؛ از این رو مناسب است این روش از منظر حکمت صدرایی نیز مورد کاوش قرار بگیرد و جای بررسی این مسئله وجود دارد که براساس حکمت صدرایی کاربردی روش پدیدارشناسی در علم شیمی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، پدیدارشناسی، شیمی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۴۷۳. بررسی مبانی هستی‌شناختی شیمی از منظر حکمت سینوی

سؤال: براساس حکمت سینوی چه تحلیلی از مبانی هستی‌شناختی شیمی می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: فلسفه علم شیمی ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در فلسفه مضاف با کاربردی روش تحلیلی - عقلی به بررسی مفاهیم اساسی و پیش‌فرض‌های علم شیمی پرداخته می‌شود. بدون تردید، هر دانشی به‌گونه‌ای با مباحث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مرتبط است. در مکاتب مختلف فلسفی، مباحث متفاوتی درباره وجود و اقسام وجود مطرح شده است. دیدگاه‌های مختلف درباره وجود می‌تواند به مباحث علوم مختلف جهت دهد. برای مثال در مکتب حکمت مشاء، ضمن اذعان به کثرت موجودات، رابطه موجودات براساس علیت تبیین می‌شود. اما در حکمت اشراق، هستی براساس نظام نوری تجزیه و تحلیل می‌گردد. براساس این نگرش، چنین نیست که هستی‌ها به کلی از یکدیگر جدا باشند، بلکه همچون مراتب مختلف نور، هستی نیز دارای مراتب مختلف است. شیوه شناخت این نحوه هستی نیز در وهله نخست از طریق شهود و اشراق است. روشن است که این نحوه نگرش به موجودات دلالت‌های بسیاری در سایر علوم ازجمله علم شیمی دارد؛ چه اینکه نحوه نگرش مکتب مشاء به هستی نیز لوازم متفاوتی در سایر علوم دارد. بنابراین مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس حکمت سینوی چه تحلیلی از مبانی هستی‌شناختی شیمی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۲/۶.



۴۷۴. بررسی مقایسه‌ای رویکرد متافیزیکی و رویکرد تجربی به اصول علم شیمی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان رویکرد متافیزیکی و رویکرد تجربی به اصول علم شیمی وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم شیمی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم شیمی پرداخته می‌شود. همچنین در فلسفه علم شیمی به واکاوی پیش‌فرض‌های این علم پرداخته می‌شود. ازجمله پیش‌فرض‌های علم شیمی این مسئله است که آیا مبانی علم شیمی برپایه گزاره‌های تجربی استوار است یا در میان مبانی علم شیمی، گزاره‌های متافیزیکی نیز حضور دارد. به عبارت دیگر درباره مبانی علم شیمی کدام یک از دو رویکرد پوزیتیویستی یا رویکرد متافیزیکی قابل دفاع است؟ برای داوری در این زمینه لازم است به بررسی ابعاد مختلف این دو رویکرد پرداخت. برای این کار، آگاهی از وجوه شباهت و تفاوت این دو رویکرد امری لازم است. بنابراین لازم است به طرح و بررسی این پرسش پردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان رویکرد متافیزیکی و رویکرد تجربی به اصول علم شیمی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، روش تجربی، متافیزیک، حکمت اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۶.

۴۷۵. بررسی لوازم نظریه اتحاد ماده و صورت در علم شیمی

سؤال: نظریه فلسفی اتحاد ماده و صورت، چه دلالت‌ها و لوازمی در علم شیمی به دنبال دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم شیمی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی و نیز برخی مباحث کلان علم شیمی پرداخته می‌شود. بدون تردید طرح هرگونه اصل هستی‌شناختی، دلالت‌ها و لوازم بسیاری در قلمرو علوم دیگر، ازجمله علم شیمی دارد. برای نمونه، نظریه‌های فلسفی مانند تمایز میان جوهر و عرض، تحلیل جوهر جسمانی به ماده و صورت و تحلیل نحوه اتحاد ماده و صورت ازجمله مباحث کلان و بنیادین در قلمرو هستی‌شناسی عالم ماده است. آنچه می‌تواند به شکوفایی فلسفه علم شیمی بینجامد، پیگیری دلالت‌ها و لوازم این دست نظریه‌های فلسفی در قلمرو علم شیمی است. از این رو جای طرح این سؤال وجود دارد که نظریه فلسفی اتحاد ماده و صورت، چه دلالت‌ها و لوازمی در علم شیمی به دنبال دارد؟



کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، ماده، صورت، ترکیب اتحادی، حکمت اسلامی.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۲/۶.

۴۷۶. بررسی تطبیقی اصول و مبانی شیمی قدیم و شیمی جدید

سؤال: براساس بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراکی میان اصول شیمی قدیم و اصول شیمی جدید وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم شیمی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی، و نیز برخی مباحث کلان علم شیمی پرداخته می‌شود. بدون تردید، طرح هرگونه اصل هستی‌شناختی، دلالت‌ها و لوازم بسیاری در قلمرو علوم دیگر، از جمله علم شیمی دارد. برای مثال، در مکتب حکمت مشاء، ضمن اذعان به کثرت موجودات، رابطه موجودات براساس علّیت تبیین می‌شود. اما در حکمت اشراق، هستی براساس نظام نوری تجزیه و تحلیل می‌گردد. براساس این نگرش، چنین نیست که هستی‌ها به کلی جدای از یکدیگر باشند، بلکه همچون مراتب مختلف نور، هستی نیز دارای مراتب مختلف است. شیوه شناخت این نحوه از هستی نیز در وهله نخست از طریق شهود و اشراق است. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که نگرش قدیم به مبانی و اصول علم شیمی با نگرش جدید و مدرن به علم شیمی در تقابل است، خاستگاه این تفاوت نگرش نیز به تفاوت مبانی فلسفی و نظری بازمی‌گردد. اما اینکه آیا در کنار این تفاوت‌ها، می‌توان شباهت‌هایی نیز میان نظام شیمی قدیم و نظام شیمی جدید پیدا کرد، به انجام پژوهش تطبیقی نیاز دارد. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراکی میان اصول شیمی قدیم و اصول شیمی جدید وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه شیمی، عناصر شیمی، اصول شیمی.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۱،۲،۲۳. فلسفه علم ریاضی

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم ریاضی است. در فلسفه علم ریاضی به بررسی مبانی و اصول علم ریاضی پرداخته می‌شود. در دهه‌های اخیر توجه خاصی به فلسفه علم ریاضی شده است و همین توجه، زمینه‌ساز طرح مسائل جدیدی شده است که در ادامه با برخی از این مسائل آشنا می‌شویم.



۴۷۷. بررسی منشأ انتزاع مفاهیم ریاضی از منظر علامه طباطبائی

سؤال: براساس دیدگاه علامه طباطبائی چه تبیینی از منشأ انتزاع مفاهیم ریاضی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم ریاضی ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به پژوهش و تحقیق در بنیادهای علم ریاضی پرداخته می‌شود. بسیاری از فیلسوفان ریاضی بر این باورند که پایه و اساس ریاضیات بر روابط میان مفاهیم استوار است؛ ازاین‌رو دقت در خاستگاه و نحوه انتزاع مفاهیم ریاضیاتی نقش مهمی در شکل‌گیری تصدیق ریاضی دارد. دیدگاه‌های مختلفی درباره خاستگاه مفاهیم ریاضیاتی مطرح شده است. در فلسفه اسلامی، با تمرکز بر گونه‌شناسی مفاهیم، تقسیم سه‌گانه‌ای از مفاهیم ارائه شده است. برپایه این تقسیم، معقولات یا همان مفاهیم کلی از سه قسم خارج نیست؛ معقول اولی، معقولی ثانی منطقی و معقول ثانی فلسفی. به نظر می‌رسد بتوان مفاهیم ریاضیاتی را در قالب مفاهیم ثانی فلسفی لحاظ کرد. درمقابل، برخی بر این باورند که مفاهیم منطقی از نوع معقول ثانی منطقی هستند. علامه طباطبائی ازجمله حکمای معاصر است که به تفصیل به مباحث معرفت‌شناسی پرداخته است؛ ازاین‌رو زمینه برای بررسی و تحقیق درباره این سؤال وجود دارد که براساس دیدگاه علامه طباطبائی چه تبیینی از منشأ انتزاع مفاهیم ریاضی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، مفاهیم ریاضی، حکمت اسلامی، علامه طباطبائی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۴۷۸. بررسی اعتبار شهود در اثبات گزاره‌های ریاضیاتی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی نظریه اعتبار شهود در اثبات گزاره‌های ریاضیاتی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم ریاضی ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در فلسفه ریاضی به بحث و بررسی درباره مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در ریاضیات پرداخته می‌شود. برای مثال، خاستگاه مفاهیم ریاضی چیست ارزش و اعتبار معرفتی گزاره‌های ریاضی چگونه ارزیابی می‌شود؟ فیلسوفان ریاضی برای حل این دست از مسائل، به ارائه روش‌های مختلفی روی آورده‌اند. ازجمله روش‌های رایج در بررسی مسائل فلسفه ریاضی، روش شهودی است. فیلسوفان ریاضی شهودگرا با استفاده از شهود تلاش می‌کنند گونه‌ای

از براهین را تدوین کنند که به حل مسائل فلسفه ریاضی بینجامد. اما روش شهودی خالی از چالش‌هایی نیست. براساس برخی چالش‌ها ادعا می‌شود که روش شهود، روشی شخصی است که توان حل مسائل عقلی را ندارد. درمقابل، برخی صورت‌بندی خاصی از روش شهودی به دست داده‌اند، که زمینه حل مسائل فلسفه ریاضی را فراهم می‌سازد. باتوجه به اهمیتی که مباحث معرفت‌شناسی در حکمت متعالیه دارد، اکنون می‌توان این مسئله را مطرح ساخت که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی نظریه اعتبار شهود در اثبات گزاره‌های ریاضیاتی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ریاضیات، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۴۷۹. بررسی تطبیقی بی‌نهایت از منظر ریاضی و فلسفه صدرایی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان بی‌نهایت در ریاضیات و در فلسفه صدرایی وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضی ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در فلسفه ریاضی به واکاوی و پژوهش درباره مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در ریاضیات پرداخته می‌شود. مفاهیمی مانند عدد، خط، کمیت و بی‌نهایت ازجمله مفاهیم کلیدی در دانش ریاضی هستند. روشن است که هرگونه اشتباه در فهم و تفسیر مفاهیم یک دانش می‌تواند مسیر حل مسائل را دشوار سازد؛ ازاین‌رو لازم است با دقت و تأمل، به تحلیل و صورت‌بندی مفاهیم بنیادین ریاضیات پرداخت. مفهوم بی‌نهایت، که در ریاضیات بسیار پرکاربرد است، ازجمله مفاهیمی است که مباحث متناظری را در فلسفه به دنبال داشته است. در فلسفه، ضمن تقسیم بی‌نهایت به ذهنی و خارجی، استدلال‌هایی در منحصربه‌فرد بودن موجود بی‌نهایت خارجی اقامه می‌شود. در ریاضیات باور بر این است که می‌توان از امور بی‌نهایت متعدد سخن گفت. از آنجا که فلسفه صدرایی ازجمله مکاتب فلسفی معاصر است می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان بی‌نهایت در ریاضیات و در فلسفه صدرایی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، بی‌نهایت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.



۴۸۰. بررسی رابطه ریاضیات و منطق از منظر ابن سینا

سؤال: از منظر ابن سینا رابطه میان ریاضیات و منطق چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ریاضیات است. در فلسفه ریاضیات به بررسی و واکاوی مبانی و پیش‌فرض‌های دانش ریاضیات پرداخته می‌شود. یکی از مباحث مهم در ریاضیات این است که آیا ریاضیات دانش مستقلی است یا آنکه اهمیت و اعتبار خود را وام‌دار دانش دیگری است؟ در طول تاریخ فلسفه، به این نکته که فلسفه مادر علوم است، تأکید شده است و از این‌رو بسیاری از گزاره‌های ریاضیات بر مبانی فلسفی استوار است. اما رابطه ریاضیات با دیگر دانش‌ها به فلسفه محدود نمی‌شود، دانش‌های دیگری مانند منطق نیز وجود دارد که چه‌بسا خاستگاه ریاضیات شمرده شود. در این زمینه همچنان نقاط ابهامی وجود دارد؛ برای مثال اینکه آیا قواعد ریاضیات ریشه در قواعد منطقی دارد یا آنکه منطق، قواعد خود را از قوانین ریاضیات برگرفته است؟ باتوجه به اهمیتی که ابن سینا به ریاضیات و نیز به منطق داده است، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر ابن سینا رابطه میان ریاضیات و منطق چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ریاضیات، منطق، حکمت سینوی، ابن سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۴۸۱. بررسی نظریه صورت‌گرایی در ریاضیات از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه صورت‌گرایی در ریاضیات وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات شاخه‌ای از مباحث فلسفی در حوزه فلسفه مضاف است. مقصود از فلسفه ریاضیات، بررسی و پژوهش در مباحث بنیادین فلسفی با استفاده از روش عقلی است. ازجمله مباحثی که در فلسفه ریاضی مطرح می‌شود، اعتبار گزاره‌های ریاضیاتی است. فیلسوفان ریاضی با ارائه رویکردهایی کوشیده‌اند مسائل اساسی ریاضیات را حل کنند. ازجمله رویکردها و نظریه‌هایی که در این زمینه ظهور کرده است، صورت‌گرایی است. براساس صورت‌گرایی هیچ‌یک از مفاهیم ریاضیات مصداق خارجی ندارند. برای مثال، هیچ‌گاه نمی‌توان سخن از وجود دو در جهان خارج را مطرح کرد. اما این مکتب با چالش‌هایی نیز مواجه است؛ برای نمونه، این پرسش مطرح است که اگر هیچ‌یک از مفاهیم ریاضیاتی مصداق خارجی ندارند



، اعتبار و ارزش گزاره‌های ریاضیاتی در چه حقیقتی ریشه دارد؟ روشن است که هرگونه دیدگاهی در این زمینه می‌تواند بر مباحث ریاضیات و نظریه‌های کلان در این علم اثر بگذارد. بنابراین مناسب است براساس نگرش حکمت متعالیه به واکاوی ابعاد مختلف نظریه صورت‌گرایی پرداخت. از این رو جای بررسی این مسئله وجود دارد که از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه صورت‌گرایی در ریاضیات وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، صورت‌گرایی، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۴۸۲. بررسی اعتبار گزاره‌های ریاضیاتی از منظر غیاث‌الدین جمشید کاشانی

سؤال: از منظر غیاث‌الدین جمشید کاشانی اعتبار گزاره‌های ریاضیاتی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: بدون تردید فلسفه ریاضیات یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که بسیاری از مباحث آن را می‌توان در دیدگاه‌های متفکران و فیلسوفان اسلامی یافت. این دست دیدگاه‌ها از چنان اهمیتی برخوردارند که هرگونه موضع‌گیری درباره آن‌ها می‌تواند به تغییر مسیر مباحث ریاضیاتی بینجامد. برای مثال دیدگاه فلسفی درباره مفهوم بی‌نهایت می‌تواند نقش مهمی در تلقی فیلسوفان ریاضی از مفهوم بی‌نهایت بر جای گذارد. باتوجه به اینکه یکی از متفکران اسلامی که به مباحث ریاضیاتی پرداخته است و از مباحث فلسفی نیز غافل نبوده است، غیاث‌الدین جمشید کاشانی است، جای طرح این پرسش وجود دارد که از منظر غیاث‌الدین جمشید کاشانی اعتبار گزاره‌های ریاضیاتی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ریاضیات، غیاث‌الدین کاشانی، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳.

۴۸۳. بررسی چالش هندسه‌های نااقلیدسی بر اعتبار معرفت از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر چالش هندسه‌های نااقلیدسی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ریاضیات است. در این شاخه فلسفی، مسائل بنیادین در حوزه ریاضیات مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیشرفت‌ها در ریاضیات بر گستره دایره مباحث فلسفه ریاضیات می‌افزاید. برای مثال طرح هندسه‌های نااقلیدسی،



زمینه طرح مباحثی درباره اصول منطق و فلسفه مانند اصل عدم تناقض شده است. برخی از فیلسوفان ریاضیات با تصور اینکه طرح هندسه‌های ناقلیدسی چالشی برای اصولی مانند اصل عدم تناقض به وجود آورده است، این مسئله را مطرح کرده‌اند که لازم است در اصول منطق و فلسفه تجدیدنظر کرد. اما به نظر می‌رسد بتوان با تکیه بر معرفت‌شناسی صدرایی به این چالش پاسخ گفت. از این رو سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر چالش هندسه‌های ناقلیدسی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، هندسه اقلیدس، هندسه ناقلیدسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۴۸۴. بررسی چالش قضیه ناتمامیت کورت گودل^۱ بر اعتبار معرفت ریاضی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر چالش قضیه ناتمامیت کورت گودل بر اعتبار معرفت ریاضی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات در دهه‌های اخیر رشد زیادی داشته است. بخشی از این رشد مرهون طرح نظریه‌های جدید در ریاضیات است. برای مثال، کورت گودل با طرح برخی مطالب، زمینه را برای گسترش مباحثی در فلسفه ریاضیات فراهم ساخت. از جمله مسائلی که وی مطرح کرد، مسئله ناتمامیت است. به باور او می‌توان براساس استدلال نشان داد که هرگونه نظام ریاضیاتی فاقد عنصر تمامیت است. روشن است که ناتمامیت یک نظام علمی، چالش مهمی برای اعتبار آن نظام به وجود می‌آورد؛ از این رو این دیدگاه، پیامدهایی در زمینه هرگونه نظام فکری به دنبال خواهد داشت. بنابراین زمینه برای بررسی این پرسش وجود دارد که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر چالش قضیه ناتمامیت کورت گودل بر اعتبار معرفت ریاضی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ناتمامیت، گودل، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

1. Kurt Gödel.



۴۸۵. امکان‌سنجی طرح نظام‌های ریاضیاتی ناسازگار، برپایه منطق‌های چندارزشی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: امکان نظام‌های ریاضیاتی ناسازگار، برپایه منطق‌های چندارزشی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. پیشرفت‌های اخیر در قلمرو ریاضیات موجب شده است مسئله نظام‌های ناسازگار مطرح شود. در این بحث، ادعا این است که می‌توان از وجود برخی نظام‌های ریاضیاتی در عرض هم‌سخن گفت که هرچند باهم ناسازگارند ولی می‌توان در عمل از آن‌ها استفاده کرد. اما روشن است که این ادعا بدون چالش‌های معرفت‌شناختی نخواهد بود. برای مثال، ناسازگاری میان نظام‌های مختلف می‌تواند به استنتاج نتایج متعارض و تأیید اصل عدم‌تناقض بینجامد درحالی‌که از منظر معرفت‌شناسی اصل عدم‌تناقض نامعتبر است. بنابراین جای طرح این سؤال وجود دارد که امکان نظام‌های ریاضیاتی ناسازگار، برپایه منطق‌های چندارزشی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ریاضیات، ناسازگاری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۴۸۶. بررسی پارادوکس‌های ریاضیاتی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه پاسخ‌هایی می‌توان به پارادوکس‌های ریاضیاتی ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به دنبال بررسی مسائل مهم و بنیادین در ریاضیات است. دانشمندان ریاضیات در طول تحقیقات خود، گاه با چالش‌هایی برخورد کرده‌اند که راه‌حل این چالش‌ها در ریاضیات وجود ندارد. برای مثال، چالش‌هایی که با عنوان پارادوکس‌ها شناخت می‌شود مانند پارادوکس راسل، پارادوکس نظریه آماری و پارادوکس نظریه مجموعه‌ها. روشن است که هرگونه پارادوکس از منظر معرفت‌شناسی نادرست شمرده می‌شود. ازسوی دیگر، دانش ریاضیات نیز نیازمند حل و بررسی مسئله‌ای است که به ظهور پارادوکس انجامیده است. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه پاسخ‌هایی می‌توان به پارادوکس‌های ریاضیاتی ارائه کرد؟



کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ریاضیات، پارادوکس، حکمت اسلامی، ملاصدرا.
 قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۴۸۷. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم ریاضی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی و با تأکید بر دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم ریاضی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی دانش ریاضیات می‌پردازد. یکی از مباحث مهم درباره مبادی تصدیقی ریاضیات، بررسی و واکاوی اعتبار معرفت‌شناختی گزاره‌های ریاضیاتی است. هنگامی که از اعتبار معرفت‌شناختی سخن می‌گوییم، به دنبال معیار صدق گزاره هستیم؛ ازاین‌رو لازم است روشن گردد که معیار صدق در گزاره‌های ریاضیاتی چیست و این دست گزاره‌ها از چه واقعیتی گزارش می‌دهند. علامه مصباح یزدی ازجمله متفکران معاصر است که به تفصیل به واکاوی ارزش و اعتبار انواع مختلف گزاره‌ها پرداخته است و به گزاره‌های ریاضیاتی نیز توجه کرده است؛ ازاین‌رو جای طرح این پرسش وجود دارد که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی و با تأکید بر دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم ریاضی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ریاضیات، معرفت‌شناسی، مصباح یزدی.
 قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۴۸۸. بررسی نحوه پیدایش مفاهیم ریاضی در ذهن از منظر ابن‌سینا

سؤال: براساس دیدگاه ابن‌سینا چه تحلیلی از نحوه شکل‌گیری مفاهیم ریاضی در ذهن می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی برخی از مباحث بنیادین در دانش ریاضیات مطرح می‌شود. این مباحث، شامل مفاهیم و اصطلاحات مهم و گزاره‌های پایه است. ازجمله مباحث کلیدی در فلسفه ریاضیات، بررسی نحوه پیدایش مفاهیم و تصورات ریاضی در ذهن است. مقصود از تصورات و مفاهیم

ریاضی، مفاهیمی مانند عدد، زوجیت، فردیت، جمع و تفریق است که نقشی اساسی در صورت‌بندی و حل مسائل ریاضیات برعهده دارند. برای نمونه، تصوراتی مانند عدد، کمیت، بی‌نهایت، این‌همانی و تساوی، ازجمله تصورات اساسی در ریاضیات هستند که واکاوی آن‌ها به قلمرو فلسفه ریاضیات مربوط است. از آنجاکه ابن‌سینا از فیلسوفان برجسته اسلامی است که به مباحث ریاضیات توجه داشته و مباحث فلسفی را نیز مدنظر قرار داده، مناسب است به طرح و بررسی این پرسش بپردازیم که براساس دیدگاه ابن‌سینا چه تحلیلی از نحوه پیدایش مفاهیم ریاضی در ذهن می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، ریاضیات، مبادی تصویری، حکمت سینوی، ابن‌سینا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

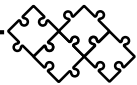
۴۸۹. بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم ریاضی براساس نگره‌های سینوی

سؤال: براساس نگرش ابن‌سینا چه تبیینی از مبادی تصویری و تصدیقی علم ریاضی می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی برخی از مباحث بنیادین در موضوع ریاضیات مطرح می‌شود. این مباحث، شامل مفاهیم و اصطلاحات مهم و گزاره‌های پایه است. ازجمله مباحث مهم در فلسفه ریاضیات، بررسی مبادی تصویری و نیز مبادی تصدیقی علم ریاضیات است. مقصود از مبادی تصویری، آن دسته از مفاهیم اساسی است که پایه نظریه‌های ریاضی را تشکیل می‌دهد و مراد از مبادی تصدیقی، آن دسته از تصدیقات است که نقشی اساسی در اعتبارسنجی گزاره‌های ریاضیات برعهده دارند. از آنجاکه ابن‌سینا از فیلسوفان برجسته اسلامی است که هم به مباحث ریاضیات توجه داشته و مباحث فلسفی را نیز مدنظر قرار داده، مناسب است به طرح و بررسی این پرسش بپردازیم که براساس نگرش ابن‌سینا چه تبیینی از مبادی تصویری و تصدیقی علم ریاضی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، مبادی تصویری، مبادی تصدیقی، ریاضیات، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.



۴۹۰. بررسی مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظام مبتنی بر تأسیس اصل از منظر حکمت سینوی

سؤال: براساس حکمت سینوی چه تحلیلی از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظام مبتنی بر تأسیس اصل می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ریاضیات است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی ریاضیات پرداخته می‌شود. همچنین در فلسفه ریاضیات، ابعادی از روش حل مسائل ریاضی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از شیوه‌هایی که در ریاضیات مورد توجه است و سابقه دیرینه‌ای دارد، روش تأسیس اصل است. ریشه این روش به اقلیدس و نظام هندسه اقلیدسی بازمی‌گردد. امروزه بسیاری از ریاضی‌دانان تلاش می‌کنند در بررسی مسائل ریاضیات به این شیوه توجه کنند. اما این شیوه بدون چالش نبوده است. در دهه‌های اخیر اشکالاتی درباره اعتبار این شیوه مطرح شده است. باتوجه به اینکه ابن‌سینا ازجمله حکیمان مسلمان است که به ریاضیات و نیز به فلسفه توجه داشته است، مناسب است این مسئله مورد بررسی قرار گیرد که براساس حکمت سینوی چه تحلیلی از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظام مبتنی بر تأسیس اصل می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، معرفت‌شناسی، ریاضیات، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۴۹۱. بررسی تحلیلی - تطبیقی نظریه‌ها درباره خاستگاه قطعیت گزاره‌های ریاضیاتی

سؤال: براساس پژوهشی تحلیلی - تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نظریه‌های مطرح درباره خاستگاه قطعیت گزاره‌های ریاضیاتی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه ریاضیات ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم ریاضیات می‌پردازد. ازجمله مطالبی که مورد توجه فیلسوفان ریاضیات قرار گرفته است، قطعیت و اعتباری است که بسیاری از گزاره‌های ریاضیات با خود به همراه دارند. باتوجه به اینکه رسیدن به قطعیت در همه شاخه‌های علمی به مثابه یک آرمان و هدف مورد توجه بوده است، بسیاری برای دستیابی به علل و زمینه‌های شکل‌گیری قطعیت در ریاضیات به واکاوی این مسئله پرداخته‌اند تا بتوانند از آن به مثابه الگویی برای سایر شاخه‌های علمی بهره بگیرند. اما تلاش‌ها در این زمینه به طرح نظریه‌های مختلفی انجامیده است. در حالی که برخی از متفکران گزاره‌های ریاضیاتی را از سنخ گزاره‌های تحلیلی



به شمار می‌آورند، برخی دیگر این دسته از گزاره‌ها را ترکیبی شمرده‌اند. به هر حال باتوجه به وجود نظریه‌های مختلف در این زمینه مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس پژوهشی تحلیلی - تطبیقی چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی میان نظریه‌های مطرح درباره خاستگاه قطعیت گزاره‌های ریاضیاتی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه ریاضی، قطعیت، ریاضیات، حکمت اسلامی.

قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱،۲،۲۴. فلسفه علم فیزیک

فلسفه علم فیزیک از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم فیزیک پرداخته می‌شود. به اعتراف بسیاری از دانشمندان فیزیک، هرگونه پژوهش در علم فیزیک در گرو واکاوی برخی گزاره‌هاست که نقش پیش فرض را در علم فیزیک برعهده دارند. از این رو در ادامه به برخی مسائل نوپدید درباره مفاهیم، مبانی و پیش فرض‌های علم فیزیک می‌پردازیم.

۴۹۲. بررسی چگونگی تبیین فلسفی نظریه ریسمان برپایه مبانی حکمت متعالیه

سؤال: از منظر قواعد حکمت متعالیه نظریه ریسمان چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: در ذیل نظریه گرانشی کوانتوم، نظریه‌ای با عنوان نظریه ریسمان مطرح شده است که برپایه آن، اگرچه پیدایش جهان براساس ذرات نقطه‌ای بوده است، رفته رفته این ذرات نقطه‌ای جای خود را به ریسمان‌ها داده‌اند. ریسمان‌ها نیز با انتشار در فضا، و شکل‌گیری کنش و واکنش میان آن‌ها به پیدایش پدیده‌های کیهان‌شناختی انجامیده‌اند. نظریه ریسمان، ظرفیت خوبی در تجزیه و تحلیل پدیده‌ای فیزیکی و کیهان‌شناختی دارد. باتوجه به ظرفیت‌های این نظریه، برخی از دانشمندان آن را مانند چارچوبی برای تجزیه و تحلیل پدیده‌های کیهان‌شناختی استفاده می‌کنند. اگرچه این سخن، براساس یافته‌های دانش فیزیک و کیهان‌شناسی، درخور توجه است، ولیکن از منظر فلسفی، به‌ویژه مبانی حکمت متعالیه، قوانینی بر کنش و واکنش میان پدیده‌های مادی وجود دارد؛ مانند لزوم وجود تماس در انتقال اثر یک پدیده مادی به پدیده دیگر مادی. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که از منظر قواعد حکمت متعالیه نظریه ریسمان چگونه تبیین می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، نظریه ریسمان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۳.

۴۹۳. بررسی رابطه اتم نخستین در فیزیک جدید و ماده نخستین در فلسفه

سؤال: چه نسبتی میان اتم نخستین طبق فرضیه مطرح در دانش فیزیک جدید و ماده نخستین در فلسفه وجود دارد؟

تبیین مسئله: در دانش فیزیک، فرضیه‌ای با عنوان اتم نخستین مطرح می‌گردد، که حاصل تفسیر و تحلیل قهقرایی پدیده‌های فیزیکی تا رسیدن به نقطه آغاز آن، یعنی نخستین اتم است. این فرضیه براساس روش تجربی مطرح شده است و از نظر برخی از فیزیک‌دانان فرضیه موجهی است. از سوی دیگر، براساس بررسی‌های عقلی و برپایه استحاله تسلسل و محدود بودن عالم ماده، سرانجام بحث قدیم بودن ماده اولی مطرح می‌گردد. اکنون پرسشی که مطرح می‌گردد این است که چه نسبتی میان اتم نخستین طبق فرضیه مطرح در دانش فیزیک جدید و ماده نخستین در فلسفه وجود دارد؟
 کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، اتم، ماده، فیزیک، حکمت اسلامی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۴۹۴. بررسی فلسفی الگوی بیگ بنگ در تبیین پیدایش جهان

سؤال: باتوجه به قدیم بودن ماده اولی و حادث بودن ماده ثانیه، و نیز عارضی بودن تغییرات ماده ثانیه، الگوی بیگ بنگ از نظر فلسفی تا چه حد امکان، و تا چه میزان برای تطبیق بر تغییرات ماده ثانیه ضرورت دارد؟

تبیین مسئله: امروزه در دانش فیزیک مدل‌هایی در قالب فرضیه‌هایی در تبیین نحوه پیدایش جهان مطرح می‌گردد که یکی از این فرضیه‌ها، فرضیه بیگ بنگ است. براساس فرضیه بیگ بنگ، جهان در مرحله آغازین با دما و چگالی بسیار زیاد، در گذر زمان انبساط یافته است. از سوی دیگر، براساس برخی دیدگاه‌های فلسفی ماده اولی یا همان هیولا، امری قدیم زمانی بوده است و چنین نیست که حادث زمانی باشد. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که باتوجه به قدیم بودن ماده اولی و حادث بودن ماده ثانیه، و نیز عارضی بودن تغییرات ماده ثانیه، الگوی بیگ بنگ تا از نظر فلسفی تا چه حد امکان، و تا چه میزان برای تطبیق بر تغییرات ماده ثانیه ضرورت دارد؟



کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، بیگ بنگ، پیدایش جهان، حکمت اسلامی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۴۹۵. بررسی فلسفی فرضیه مدل چرخه‌ای در فیزیک جدید

سؤال: چالش‌های ناشی از فرضیه مدل چرخه‌ای یا نوسانی جهان، چگونه از منظر فلسفی تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفی، فلسفه علم فیزیک است. در این شاخه علمی به بررسی و تحلیل مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در علم فیزیک پرداخته می‌شود. از جمله مفاهیم به کاررفته در فیزیک می‌توان به ماده، میدان، جرم، انرژی خلأ و نسبیت اشاره کرد. مفهوم نسبیت، که از زمان انیشتین مورد توجه جدی فیزیک‌دانان قرار گرفت، مباحث بسیاری را به دنبال داشت که از جمله آن می‌توان به لوازم نسبیت اشاره کرد. برای نمونه، براساس یکی از ابعاد مسئله نسبیت، در یک سیستم، تغییرات و تحولاتی شکل می‌گیرد و سیستم مذکور، تحولات خود را از نقطه‌ای آغاز می‌کند و بعد از طی تحولاتی مجدداً به همان نقطه بازمی‌گردد. به عبارت دیگر، در تحولات یک سیستم، چرخه تغییرات به گونه‌ای است که نقطه پایانی حرکت، همان نقطه آغازین است و هیچ‌گونه تغییر جدی در سیستم مذکور به وجود نمی‌آید. با مراجعه به مباحث فلسفی و به ویژه برپایه مباحث حرکت جوهری می‌توان دریافت که تغییرات یک شیء از ابتدای یک حرکت تا انتهای آن، اساسی است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چالش‌های ناشی از فرضیه مدل چرخه‌ای یا نوسانی جهان، چگونه از منظر فلسفی تجزیه و تحلیل می‌شود؟

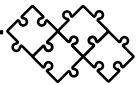
کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، سیستم، چرخه تغییر، حرکت جوهری، فیزیک جدید، حکمت اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۴.

۴۹۶. بررسی خلأ از منظر فیزیک جدید و فلسفه اسلامی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و اختلافی میان تلقی فیزیک‌دانان و برداشت فیلسوفان مسلمان از مسئله خلأ می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفی، فلسفه علم فیزیک است. در این شاخه علمی



به بررسی و تحلیل مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در علم فیزیک پرداخته می‌شود. از جمله مفاهیم به کاررفته در فیزیک می‌توان به ماده، میدان، جرم، انرژی و خلأ اشاره کرد. برخی از این اصطلاحات در شاخه‌های دیگر فلسفی نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، مفهوم ماده و مفهوم خلأ در متون و منابع فلسفی مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است. در فلسفه اسلامی نیز بسیاری از حکمای اسلامی به طبیعت‌شناسی پرداخته‌اند و مباحث بسیاری درباره مفاهیم کلیدی، مانند خلأ مطرح کرده‌اند. از این رو مناسب است در یک پژوهش تطبیقی به بررسی این مسئله پرداخت که چه وجوه شباهت و اختلافی میان تلقی فیزیک‌دانان و برداشت فیلسوفان مسلمان از مسئله خلأ می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، خلأ، فیزیک جدید، حکمت اسلامی.

قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۴۹۷. بررسی فلسفی فرضیه جهان‌های موازی در حل مسئله رفتارهای کوانتومی

سؤال: چگونه می‌توان از نظر فلسفی وجود جهان‌های موازی در عالم ماده را تبیین کرد؟

تبیین مسئله: به دنبال کشفیات جدید در قلمرو فیزیک و طرح مباحث فیزیک کوانتومی، دانشمندان به دنبال تبیین‌هایی برای تجزیه و تحلیل رفتارهای سطح کوانتومی برآمدند. یکی از فرضیه‌های مطرح در این زمینه فرضیه جهان‌های موازی است. براساس این فرضیه، جهان‌های مختلفی در عرض هم وجود دارد که انسان در یکی از این جهان‌ها استقرار دارد و قوانین حاکم بر این جهان‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. براساس تعریف احکام فلسفی، این دسته از احکام، بر همه موجودات صدق می‌کند و چنین نیست که احکام فلسفی استثنا داشته باشد؛ برای مثال، قانون علیت یک قانون کلی است که همه موجودات را شامل می‌شود. حال آیا از نظر قواعد فلسفه اسلامی امکان وجود جهان‌های موازی با قوانین مختلف و گاه متعارض، در عالم ماده و جهان جسمانی امکان‌پذیر است یا آنکه قوانین مشترکی میان همه ابعاد جهان جسمانی وجود دارد؟ به عبارت دیگر چگونه می‌توان از نظر فلسفی وجود جهان‌های موازی در عالم ماده را تبیین کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، جهان‌های موازی، فیزیک جدید، فیزیک کوانتومی، حکمت اسلامی.

قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۴۹۸. بررسی فلسفی گونه‌ها و شرایط اثرپذیری ماده از منظر حکمت متعالیه

سؤال: ناظر به دیدگاه‌های فیزیکی مبنی بر انحصار تأثیر و تأثر در عالم ماده بر عوامل مادی، چگونه می‌توان از نظر فلسفی تأثیر مراتب بالاتر هستی را بر مرتبه عالم ماده و جسمانی تبیین کرد؟

تبیین مسئله: براساس قواعد مطرح در دانش فیزیک، هرگونه تأثیر و تأثری در جهان ماده از طریق امور فیزیکی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر اگر در عالم جسمانی سخن از تأثیر و تأثری در میان است، این تأثیر و تأثر ناشی از یکی از این موارد است: انرژی، نور، ماده، امواج الکترومغناطیس، و... . درحالی که براساس قواعد فلسفی در حکمت متعالیه، عالم ماده، پایین‌ترین مراتب هستی است و مراتب هستی از بالا به‌سوی پایین، هرکدام از مراتب بر مرتبه پایین‌تر از خود اثر می‌گذارد. طبق نگرش فلسفی، تأثیر عالم ماده بر مراتب بالاتر هستی محال است؛ زیرا لازمه آن تضعیف بودن علت از معلول است که براساس براهین فلسفی محال است. حال چگونه می‌توان تأثیر در عالم ماده را براساس ادعای دانش فیزیک منحصر به عوامل مادی دانست و تأثیر مراتب بالاتر هستی مانند مجردات را بر عالم ماده نفی کرد؟

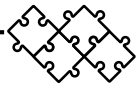
کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، ماده، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۴۹۹. بررسی تطبیقی مفهوم ماده در فیزیک و حکمت مشاء

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلاف میان مفهوم فیزیکی ماده و مفهوم فلسفی ماده در حکمت مشاء دیده می‌شود؟

تبیین مسئله: امروزه برخی از مباحث مشترک میان فیزیک و فلسفه دیده می‌شود که به‌ظاهر بر محور موضوع واحدی مانند ماده مطرح می‌شود، ولی احکام متفاوتی در فیزیک و فلسفه بر آن مترتب می‌شود. برای نمونه، درحالی که براساس قواعد فیزیک امکان تبدیل ماده به انرژی وجود دارد، براساس قواعد فلسفی در حکمت مشاء انقلاب ذات محال است و اگر ذات شیئی از جوهر مادی باشد، محال است چنین جوهری به جوهر دیگر تبدیل گردد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میان احکام فیزیکی و احکام فلسفی درباره ماده ناسازگاری وجود دارد. یکی از علل بروز این ناسازگاری می‌تواند در تعریف متفاوت این دو دانش از ماده نهفته باشد. ازاین‌رو برای روشن شدن این بحث لازم است به مقایسه میان مفهوم ماده در فیزیک و نیز در فلسفه مشاء پرداخت. بنابراین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است



که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلاف میان مفهوم فیزیکی ماده و مفهوم فلسفی ماده در حکمت مشاء دیده می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، ماده، فیزیک، حکمت مشاء، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۵.

۵۰۰. بررسی رابطه اصل عدم تعین در فیزیک کوانتوم و اصل عدم تناقض در فلسفه

سؤال: چگونه می‌توان میان اصل عدم تعین در فیزیک کوانتوم و اصل عدم تناقض در فلسفه سازگاری ایجاد کرد؟

تبیین مسئله: براساس برخی از یافته‌های فیزیک کوانتوم، قواعد حاکم بر جهان زیراتم از چنان تفاوتی با قواعد حاکم بر جهان اتم برخوردار است که لازم است گونه جدیدی از فیزیک، با عنوان فیزیک کوانتومی، سخن به میان آورد. براساس یکی از یافته‌های فیزیک کوانتومی، حرکت الکترون دارای چنان سرعتی است که براساس دقیق‌ترین ابزار آزمایشی نیز نمی‌توان موقعیت حرکت آن را در آن بعدی تشخیص داد؛ از این‌رو در فیزیک کوانتومی گفته می‌شود که الکترون A ، در زمان T ، در نقطه P هم وجود دارد و هم وجود ندارد. این حکم در فیزیک کوانتومی به چالشی برای اصل عدم تناقض که یک قانون فلسفی است تبدیل شده که براساس آن محال است یک چیز در یک زمان هم وجود داشته باشد و هم وجود نداشته باشد. اکنون این پرسش به میان می‌آید که چگونه می‌توان میان این دو گزاره ناسازگار که یکی مربوط به دانش فیزیک و دیگری مربوط به فلسفه است، سازگاری ایجاد کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، فیزیک کوانتومی، عدم تناقض، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۰۱. بررسی انتقادی فیزیک آشفته‌گی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چگونه می‌توان به نقد و ارزیابی دعاوی فیزیک آشفته‌گی پرداخت؟

تبیین مسئله: براساس برخی یافته‌های دینامیک سیالات، باور بر این است که در قلمرو فیزیک شاهد گونه‌ای از آشفته‌گی هستیم. این دسته از دانشمندان درصدد بررسی ابعاد و ویژگی‌های یک جهان فیزیکی آشفته برآمده‌اند. مشخصه اصلی این جهان فیزیکی، عبارت است از تغییرات تصادفی و خارج از نظم و قاعده. البته شرایط و قیود مختلفی برای صورت‌بندی



مفهوم آشفتگی مطرح شده است، اما نکته کانونی در این بحث آن است که وجود این ویژگی برای جهان فیزیکی یا دست کم برای بخشی از جهان فیزیکی، چالش مهمی برای بسیاری از مکاتب فلسفی از جمله حکمت متعالیه است که مدعای اصلی آن، وجود قوانین فلسفی و کلی حاکم بر کل نظام هستی است. از این رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که براساس مبانی حکمت متعالیه چگونه می‌توان به نقد و ارزیابی دعاوی فیزیک آشفتگی پرداخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، آشفتگی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴.

۵۰۲. بررسی انتقادی - فلسفی چالش‌های فرضیه ذره - موج در فیزیک کوانتومی

سؤال: چگونه می‌توان از قوانین فلسفی ناظر به جهان فیزیک، درمقابل چالش‌های فرضیه ذره موج دفاع کرد؟

تبیین مسئله: براساس فیزیک کلاسیک، اشیای موجود در جهان فیزیکی یا از سنخ ذره‌اند یا از سنخ موج. اما با طرح فیزیک کوانتوم تحولی در این نگرش مطرح گردید و فرضیه‌ای در دانش فیزیک کوانتومی با عنوان دوگانگی موج-ذره مطرح گردیده است که مدعی است همه ذرات موجود در جهان دارای دست کم دو ویژگی هستند: ویژگی موجی و ویژگی ذره‌ای. طرح این فرضیه در فیزیک کوانتومی، چالش‌هایی برای قوانین فلسفی به دنبال داشته است که برخی از این چالش‌ها عبارت است از اینکه براساس نگرش فیزیکی جدید، دارای ابعاد سه‌گانه بودن برای اشیای مادی ذاتی شمرده نمی‌شود، همچنین تبدل و انقلاب ذات، محال نخواهد بود. افزون بر این می‌توان در جهان فیزیک با اشیایی مواجه شد که در حرکت خود به عاملی نیاز ندارند. حال پرسش این است که چگونه می‌توان از قوانین فلسفی ناظر به جهان فیزیک درمقابل چالش‌های فرضیه ذره - موج دفاع کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، فرضیه ذره - موج، فیزیک کوانتومی، حکمت اسلامی.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۵۰۳. بررسی انتقادی فرضیه کارکردگرایی در گزاره‌های تجربی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چه نقدهایی بر فرضیه کارکردگرایی در اعتبارسنجی گزاره‌های تجربی وارد است؟

تبیین مسئله: امروزه پیشرفت‌های علوم طبیعی و آشکار شدن نادرستی برخی از



فرضیه‌های پیشین، دانشمندان را به این نگرش سوق داده است که آنچه نظریه علمی خوانده می‌شود، چیزی نیست جز حدس‌هایی کارآمد برای حل مشکلاتی که بشر با آن مواجه می‌شود. به عبارت دیگر نباید نظریه‌های علمی را گزارش‌های دقیق و درستی درباره توصیف واقعیت تلقی کرد؛ آن‌ها ابزارهایی برای حل موقت مسائل و مشکلات اند و با گذر زمان و هنگامی که ناکارآمدی آن‌ها آشکار گردید، کنار گذاشته می‌شوند و فرضیه‌های جدیدی که کارایی بیشتری دارند، جایگزین آن‌ها می‌شود. بنابراین نباید نظریه صدق به معنای مطابقت گزاره‌ها با واقع را معیاری برای ارزیابی این دست فرضیه‌ها شمرد. اما از آنجاکه براساس معرفت‌شناسی اسلامی، اعتبار و ارزش معرفت‌شناختی هر گزاره‌ای در گرو مطابقت آن با واقعیت است، چگونه می‌توان به این چالش پاسخ گفت؟ به عبارت دیگر از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چه نقدهایی بر فرضیه کارکردگرایی در اعتبارسنجی گزاره‌های تجربی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، کارکردگرایی، فیزیک، روش تجربی، حکمت اسلامی.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۵.

۵۰۴. بررسی هستی‌شناختی انرژی براساس نظام حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از هستی انرژی قابل ارائه است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفی، فلسفه علم فیزیک است. در این شاخه علمی به بررسی و تحلیل مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در علم فیزیک پرداخته می‌شود. از جمله مفاهیم به کاررفته در فیزیک می‌توان به ماده، میدان، جرم، انرژی و خلأ اشاره کرد. باتوجه به اینکه طرح برخی از این اصطلاحات مربوط به سده‌های اخیر است، زمینه کافی برای بحث و بررسی درباره آن در مکاتب فلسفی گذشته مانند مشاء و اشراق وجود نداشته است. برای مثال، می‌توان به مفهوم انرژی اشاره کرد که نقش مهمی در مباحث فیزیک دارد، با این حال برای فلاسفه مشاء و اشراق مطرح نبوده است. به هر حال برای یک فیلسوف، توجه به مسائلی که با قوانین فلسفی مرتبط است، امری لازم است. از جمله این مسائل، نحوه وجود و تحقق انرژی است. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله پرداخت که براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از هستی انرژی قابل ارائه است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، انرژی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.



۵۰۵. بررسی انتقادی اصل موجبیت در فیزیک کوانتومی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس حکمت صدرایی چه اشکال‌هایی بر اصل موجبیت در فیزیک کوانتوم مطرح است؟ تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفی، فلسفه علم فیزیک است. در این شاخه علمی به بررسی و تحلیل مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در علم فیزیک پرداخته می‌شود. از جمله مفاهیم به‌کاررفته در فیزیک می‌توان به ماده، میدان، جرم، انرژی و خلأ اشاره کرد و از جمله نظریه‌های مطرح در فلسفه فیزیک می‌توان به نظریه ذره - موجی، نظریه نسبیت و نظریه موجبیت اشاره کرد. درحالی‌که چالش برخی از این نظریه‌ها با مباحث الهیاتی چندان شدید نیست، در برخی از نظریه‌ها شاهد وقوع ناسازگاری جدی با آموزه‌های الهیاتی هستیم. برای مثال، نظریه موجبیت، به‌رغم آنکه تقریرهای مختلفی دارد، در برخی از تقریرهای خود اختیار و آزادی انسان را زیرسؤال می‌برد. کنار گذاشتن آزادی و اختیار انسان، باعث نفی بسیاری از نظام‌های الهیاتی، از جمله نظام الهیات اسلامی و به‌ویژه حکمت صدرایی خواهد شد. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس حکمت صدرایی چه اشکال‌هایی بر اصل موجبیت در فیزیک کوانتوم مطرح است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، موجبیت، فیزیک کوانتومی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴/۲۵.

۵۰۶. بررسی انتقادی اصل عدم قطعیت هایزنبرگ^۱ براساس هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر اصل عدم قطعیت هایزنبرگ وارد است؟ تبیین مسئله: فلسفه فیزیک از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که در آن به بررسی و تحلیل مفاهیم اساسی و گزاره‌های بنیادین علم فیزیک پرداخته می‌شود. از جمله مفاهیم به‌کاررفته در فیزیک می‌توان به ماده، میدان، جرم، انرژی و خلأ اشاره کرد و از جمله نظریه‌های مطرح در فلسفه فیزیک می‌توان به نظریه ذره - موجی، نظریه نسبیت و نظریه موجبیت اشاره کرد. در کنار این موارد، در فلسفه فیزیک به برخی اصول و پیش‌فرض‌ها نیز پرداخته می‌شود؛ مانند اصل عدم قطعیت. یکی از مباحث جدی در فیزیک کوانتوم، واکاوی اصل عدم قطعیت است که با نام هایزنبرگ شناخته می‌شود. این اصل، تفسیرهای مختلفی را به خود شاهد بوده

1. Werner Karl Heisenberg.



است. در یکی از تفسیرهای افراطی، هیچ پدیده‌ای در جهان از قطعیت برخوردار نیست و نیز نوعی نسبیت تمام‌عیار بر پدیده‌ها حاکم است. اگرچه این اصل در قلمرو فیزیک مطرح شده است، دلالت‌ها و پیامدهایی در خارج از قلمرو فیزیک به دنبال دارد که از میان آن‌ها می‌توان به چالشی اشاره کرد که این اصل با مبانی حکمت صدرایی دارد. براساس مبانی حکمت صدرایی اصل هستی، امری ثابت و حقیقی است که هیچ‌گونه تزلزل و تردیدی را برنمی‌تابد. باتوجه به این چالش، لازم است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر اصل عدم قطعیت هاینبرگ وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، عدم قطعیت، هاینبرگ، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴/۲۵.

۵۰۷. بررسی انتقادی شانس در فیزیک کوانتومی از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر شانس در فیزیک کوانتوم مطرح است؟

تبیین مسئله: در شاخه فلسفه فیزیک به واکاوی و بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های دانش فیزیک پرداخته می‌شود. بخشی از مباحث این شاخه علمی بررسی و تحلیل مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در علم فیزیک است. از جمله مفاهیم به کاررفته در فیزیک می‌توان به مفهوم، شانس اشاره کرد. مفهوم شانس، که بیشتر در فیزیک کوانتوم مطرح می‌شود و ناظر به مواردی است که تشخیص علت و عوامل یک پدیده میسر نمی‌شود، چالش‌هایی نظری و فلسفی به دنبال دارد. توضیح آنکه براساس مبانی فلسفی، جهان براساس اصل علّیت قرار گرفته است و هیچ پدیده‌ای خارج از قلمرو علّیت نیست. هیچ پدیده‌ای فاقد علت ایجاد نیست؛ چه اینکه هیچ پدیده‌ای بدون غایت و هدف نیست. از این رو با طرح مسئله شانس در فیزیک کوانتوم، گویی مورد نقضی برای اصول و مبانی فلسفی یافت شده است. بنابراین جای بررسی مسئله شانس از منظر فلسفه و به‌ویژه حکمت صدرایی که هرگونه شانس را نفی می‌کند، وجود دارد. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر شانس در فیزیک کوانتوم مطرح است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، فیزیک کوانتومی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴/۵.

۵۰۸. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم فیزیک از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: شاخه فلسفه فیزیک از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی و فلسفی به واکاوی اصول و پیش‌فرض‌های اساسی دانش فیزیک پرداخته می‌شود. باتوجه‌به ظهور فرضیه‌ها و نظریه‌های مختلف در قلمرو علم فیزیک، مسئله رابطه میان این فرضیه‌ها و نظریه‌ها به چالشی جدی در دانش فیزیک تبدیل شده است. مسئله این است که چگونه می‌توان به فرضیه یا نظریه‌ای اعتماد کرد که پس از چند سال بی‌اعتباری آن آشکار خواهد شد. همچنین این مسئله نیز به‌طور جدی مطرح است که از میان فرضیه‌ها و نظریه‌های مختلف کدام‌یک را و براساس چه معیاری می‌توان ترجیح داد؟ مسائلی از این دست اقتضا می‌کند با مراجعه به مبانی معرفت‌شناختی نخست ملاک و معیار تعیین ارزش معرفتی گزاره‌ها شناسایی شود، سپس با تمرکز بر گزاره‌های دانش فیزیک به بررسی و پژوهش درباره ارزش این دسته از گزاره‌ها پرداخته شود تا روشن گردد که خاستگاه چنین وضعیتی به کدام عامل یا عوامل بازمی‌گردد. از این‌رو مناسب است پرسش به این‌نحو صورت‌بندی شود: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، معرفت‌شناسی، حکمت متعالیه.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۵.

۵۰۹. بررسی مبادی تصویری علم فیزیک از منظر معرفت‌شناسی سینیوی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی سینیوی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فیزیک است. فلسفه فیزیک به‌معنای دانشی است که نگرشی درجه دوم به دانش فیزیک به دست می‌دهد. این شاخه فلسفی با انتخاب روشی عقلی و تحلیلی، درصدد واکاوی مفاهیم اصلی و مبانی نظری دانش فیزیک است. فیزیک، علمی است که از مجموعه‌ای از مبادی تصویری و تصدیقی برخوردار است که داشتن شناخت و آگاهی از آن‌ها زمینه را برای درک و فهم بهتر مباحث فیزیک



فراهم می‌سازد. مبادی تصویری فیزیک، بخش مهم و اساسی این دانش را تشکیل می‌دهد. دستیابی به درک صحیح از تصورات اصلی و بنیادین، پژوهشگران را از هرگونه ابهام و اجمال در مباحث نجات می‌دهد. اما اینکه مبادی تصویری دانش فیزیک دقیقاً چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را تحلیل و ایضاح کرد، در حوزه فلسفه فیزیک قرار می‌گیرد و به نگرشی فلسفی به بحث نیازمند است. باتوجه به اینکه ابن‌سینا فیلسوف برجسته‌ای است که به مباحث طبیعت‌شناسی نیز پرداخته است، می‌توان پرسش را این‌گونه تقریر کرد که براساس مبانی معرفت‌شناختی سینوی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، معرفت‌شناسی، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۱۰. بررسی مبادی تصدیقی علم فیزیک از منظر معرفت‌شناسی متعالیه

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی متعالیه چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه فیزیک دانشی درجه دوم است که موضوع آن بررسی مبادی اصلی علم فیزیک است. این شاخه فلسفی با انتخاب روشی عقلی و تحلیلی، درصدد واکاوی مفاهیم اصلی و مبانی نظری دانش فیزیک است. فیزیک علمی است که از مجموعه‌ای از مبادی تصویری و تصدیقی برخوردار است که دستیابی به شناخت و آگاهی از آن‌ها زمینه را برای درک و فهم بهتر مباحث فیزیک فراهم می‌سازد. مبادی تصدیقی، بخشی از مبادی یک علم است که هرگونه داوری در آن علم وابسته و مبتنی بر این مبادی تصدیقی است. بنابراین مبادی تصدیقی نقشی اساسی در جهت‌دهی به مسیر پژوهش‌های فیزیکی دارد. روشن است که خاستگاه مبادی تصدیقی یک دانش، دانشی در مرتبه پیشین است. اصول دانش فیزیک بر دانش فلسفه استوار است. باتوجه به اینکه در حکمت متعالیه عالم طبیعت مرتبه‌ای از نظام هستی شمرده می‌شود که نسبت به عالم مثال و عالم عقل از مرتبه پایین‌تری برخوردار است ولی کمالات آن در مراتب بالاتر وجود دارد، مناسب است با تمرکز بر حکمت صدرایی به واکاوی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی معرفت‌شناختی متعالیه چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟



کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، فیزیک، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۵۱۱. بررسی تطبیقی نسبیت در فلسفه صدرایی و فیزیک کوانتومی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نسبیت در فلسفه صدرایی و فیزیک کوانتومی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفی، فلسفه علم فیزیک است. در این شاخه علمی به بررسی و تحلیل مفاهیم بنیادین و گزاره‌های پایه در علم فیزیک پرداخته می‌شود. ازجمله مفاهیم به‌کاررفته در فیزیک می‌توان به ماده، میدان، جرم، انرژی و خلأ اشاره کرد و ازجمله نظریه‌های مطرح در فلسفه فیزیک می‌توان به نظریه ذره - موجی، نظریه نسبیت و نظریه موجبیت اشاره کرد. درحالی‌که چالش برخی از این نظریه‌ها با مباحث الهیاتی چندان شدید نیست، در برخی از نظریه‌ها شاهد وقوع ناسازگاری‌های جدی با آموزه‌های الهیاتی هستیم. برای مثال، نظریه نسبیت با وجود تقریرهای مختلف، از اقبال بسیاری در قلمرو فیزیک برخوردار است. این نظریه بر نسبی بودن بسیاری از پدیده‌های فیزیکی تأکید دارد. اما مسئله این است که آیا دایره چنین نسبیتی به گزاره‌های پایه و مبانی نظری دانش فیزیک نیز سرایت می‌کند؟ به عبارت دیگر آیا نظریه نسبیت توان اثبات نسبیت در معرفت را دارد؟ این دست پرسش‌ها اقتضا می‌کند به واکاوی و بررسی نسبیت از منظر فیزیک و فلسفه بپردازیم. فلسفه صدرایی که نظام فلسفی حاکم بر فضای فکری معاصر است، ظرفیت مناسبی را برای پرداختن به این مسئله دارد. بنابراین می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نسبیت در فلسفه صدرایی و فیزیک کوانتومی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، نسبیت، فیزیک کوانتومی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۵۱۲. بررسی تطبیقی بُعد چهارم بودن زمان در فلسفه و فیزیک

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان بُعد چهارم شمرده شدن زمان در فلسفه و در فیزیک می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فیزیک است. در این شاخه



فلسفی به واکاوی و پژوهش درباره مفاهیم و اصول بنیادین دانش فیزیک پرداخته می‌شود. ازجمله مفاهیم به‌کاررفته در فیزیک می‌توان به زمان، ماده، میدان، جرم، انرژی و خلأ اشاره کرد و ازجمله نظریه‌های مطرح در فلسفه فیزیک می‌توان به نظریه ذره - موجی، نظریه نسبیت و نظریه موجبیت اشاره کرد. مفهوم زمان یکی از مهم‌ترین مفاهیم به‌کاررفته در علم فیزیک است و در بسیاری از مباحث فیزیک نقشی تعیین‌کننده دارد. می‌دانیم که در مباحث فلسفی نیز بحث‌های بسیاری درباره چیستی و ابعاد زمان انجام شده است. باین‌حال همچنان رابطه مفهوم فلسفی زمان و برداشت فیزیک‌دانان از زمان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. آشکارسازی رابطه میان مفهوم فلسفی زمان و برداشت فیزیک‌دانان از مفهوم زمان می‌تواند به شفاف‌سازی رابطه مباحث فلسفی و مباحث فیزیک کمک کند. ازاین‌رو می‌توان تحقیق درباره این پرسش را دنبال کرد که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان بُعد چهارم شمرده شدن زمان در فلسفه و در فیزیک می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه فیزیک، بعد چهارم، فیزیک جدید، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۷۵.

۱،۲،۲۵. فلسفه علم زیست‌شناسی و فلسفه پزشکی

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف فلسفه علم زیست‌شناسی است. زمان درازی از توجه نویسندگان به این حوزه از علوم عقلی نمی‌گذرد. باین‌حال مباحث جدیدی دراین‌زمینه مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به برخی از این مسائل می‌پردازیم.

۵۱۳. بررسی فرضیه ژن خدا براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر فرضیه «ژن خدا» در ریشه‌یابی مفاهیم دینی مانند مفهوم خدا وارد است؟

تبیین مسئله: امروزه شاهد پیشرفت‌هایی در علوم طبیعی ازجمله زیست‌شناسی هستیم. برخی دانشمندان زیست‌شناسی مانند دین هیمر^۱ با طرح فرضیه ژن خدا این ادعا را مطرح کرده‌اند که در ساختار زیستی انسان مجموعه‌ای از ژن‌ها وجود دارند که رفتار او را برنامه‌ریزی می‌کنند. یکی از ژن‌ها که می‌توان نام آن را ژن خدا نامید، عهده‌دار رفتارهایی

1. Dean Hamer.



در انسان است که به پیدایش مفهوم خدا در ذهن او و انجام رفتارهایی مطابق با این مفهوم می‌انجامد. حال باتوجه به اینکه در مباحث فلسفی سخن از مفاهیم عقلی مانند مفهوم واجب‌الوجود به میان می‌آید، که خاستگاه آن مقایسه و سنجش میان رابطه شیء و وجود است، و بعد از دستیابی به این مفهوم براساس درک عقلی، احکامی به واجب‌الوجود نسبت داده می‌شود. بنابراین پرسش این است که از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر فرضیه «ژن خدا» در ریشه‌یابی مفاهیم دینی مانند مفهوم خدا وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، ژن خدا، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۶.

۵۱۴. بررسی تطبیقی مفهوم حیات از منظر دانش زیست‌شناسی و فلسفه

سؤال: در یک بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان مفهوم حیات در زیست‌شناسی و فلسفه وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زیست‌شناسی است. در این شاخه عقلی به واکاوی مبانی عقلی و فلسفی علم زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در علم زیست‌شناسی که خاستگاه طرح دیدگاه‌های مختلف است، مطرح شده مفهوم «حیات» است. مقصود از حیات چیست؟ آیا حیات امری دارای مراتب است یا آنکه امری است متواطی؟ در مباحث فلسفی، مباحث گسترده‌ای درباره، چیستی حیات مطرح شده است، ولی لازم است برای دور ماندن از مغالطه مشترک لفظی، در کنار مراجعه به متون فلسفی، به سراغ متون زیست‌شناسی نیز رفت تا مقصود و مراد از حیات در این شاخه علمی را نیز استخراج کرد و در یک پژوهش تطبیقی به مقایسه این دو مفهوم پرداخت. از این‌رو پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در یک بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان مفهوم حیات در زیست‌شناسی و فلسفه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، حیات، زیست‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۵۱۵. بررسی انتقادی مسئله شانس در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر مسئله شانس در زیست‌شناسی مطرح است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زیست‌شناسی است. در این



شاخه از علوم عقلی به واکاوی و بررسی اصول و مبانی عقلی و فلسفی زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در زیست‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است، مسئله شانس است. برخی از نویسندگان با تأکید بر مفهوم شانس، بر این باورند که عامل بسیاری از تحولات زیست‌شناختی، شانس بوده است. در مباحث فلسفی نیز به تفصیل به تعریف و بیان ابعاد مختلف شانس پرداخته شده است. در فلسفه، شانس به معانی مختلفی به کار رفته است. در عموم دیدگاه‌ها مراد از شانس را می‌توان به معنای نفی علت دانست. گرایش عمده، بر انکار وجود شانس است؛ چه اینکه براساس مبانی فلسفی و به ویژه اصل علیت نمی‌توان چیزی را فاقد علت فاعلی یا غایی دانست. از آنجاکه ابن‌سینا در آثار خود به مسئله شانس توجه کرده است، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر مسئله شانس در زیست‌شناسی مطرح است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، شانس، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۷۵

۵۱۶. بررسی مسئله نسبیت زیستی در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر مسئله نسبیت زیستی در زیست‌شناسی مطرح است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زیست‌شناسی است. در این شاخه عقلی به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی علم زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. بسیاری از مسائل علم زیست‌شناسی ریشه در جهان‌بینی‌ها و مبانی نظری دارد. از این رو بدون توجه به این دسته از گزاره‌ها، حل نهایی مسائل زیست‌شناسی میسر نخواهد بود. از جمله مسائل مطرح در زیست‌شناسی مسئله نسبیت است. در زیست‌شناسی با تمرکز بر روابط میان عوامل مختلف دو گونه علیت بازشناسی می‌شود؛ ۱. علیت رو به بالا، ۲. علیت رو به پایین. براساس نسبیت زیست‌شناختی، ادعا این است که می‌توان با توسعه کاربرد نظریه نسبیت، این نظریه را در روابط میان پدیده‌های زنده مطرح ساخت. در طبیعت‌شناسی سینوی چنین نگرشی به مسائل زیست‌شناسی وجود نداشت و مدافعان طبیعت‌شناسی براساس عناصر اربعه به واکاوی تأثیر و تأثر در طبیعت انسانی می‌پرداختند. حال می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر مسئله نسبیت زیستی در زیست‌شناسی مطرح است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، نسبیت، حکمت سینوی، ابن‌سینا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۵۱۷. بررسی انتقادی تفاسیر علّیت در زیست‌شناسی از منظر هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی سینوی

سؤال: براساس هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر تفاسیر علّیت در زیست‌شناسی (نزولی/صعودی، رفتی/برگشتی، دور/نزدیک) مطرح است؟
 تبیین مسئله: فلسفه علم زیست‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی با استفاده از روش تحلیلی - عقلی به واکاوی مبانی و پیش‌فرض‌های دانش زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث مطرح در فلسفه علم زیست‌شناسی واکاوی مفاهیمی مانند حیات، و اصولی مانند علّیت زیست‌شناختی است. مبحث علّیت، که در فلسفه نیز مطرح می‌شود، به‌دنبال آن است که روابط میان اجزای مختلف محیط زیست را تجزیه و تحلیل کند. نگرش‌های مختلفی درباره اصل علّیت در فلسفه زیست‌شناسی مطرح شده است. برخی از نویسندگان رویکرد تقلیل‌گرایانه را انتخاب کرده‌اند و برخی دیگر، به نوحاسته‌گرایی گرایش یافته‌اند. درحالی‌که در فلسفه، احکام مختلفی برای اصل علّیت بیان شده است، و برای مثال در طبیعت‌شناسی سینوی از سنخیت میان علت و معلول سخن به میان آمده است، فیلسوفان زیست‌شناسی در مواردی به دلالت‌ها و لوازم علّیت توجه نکرده‌اند. ازاین‌رو جای بررسی این مسئله وجود دارد که براساس هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر تفاسیر علّیت در زیست‌شناسی (نزولی/صعودی، رفتی/برگشتی، دور/نزدیک) مطرح است؟
 کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، زیست‌شناسی، طبیعت‌شناسی، ابن‌سینا.
 قالب: رساله سطح چهار. اولویت: ۴/۲۵.

۵۱۸. بررسی یکسان‌انگاری علّیت و کارکرد در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر یکسان‌انگاری علّیت با کارکرد در زیست‌شناسی مطرح است؟
 تبیین مسئله: فلسفه زیست‌شناسی یکی از شاخه‌های مهم فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفه به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث فلسفه زیست‌شناسی، بحث علّیت میان پدیده‌هاست. طرح این بحث به ظهور مکاتب



و رویکردهای مختلفی در زمینه علّیت انجامیده است که از میان آن‌ها می‌توان به تقلیل‌گرایی و کارکردگرایی اشاره کرد. براساس نگرش کارکردگرایی چنین تصور شده است که اصل علّیت را می‌توان به کارکرد پدیده‌ها فروکاست. به عبارت دیگر طبق این دیدگاه، اصل علّیت به مواردی از توالی زمانی همراه با کارکرد در قلمرو پدیده‌های طبیعی محدود می‌شود. باتوجه به اینکه در طبیعت‌شناسی سینوی تلقی دقیقی از علّیت مطرح شده است و نگرش تقلیل‌گرایانه، زمینه خلط و ابهام در مباحث مربوط به علّیت را فراهم ساخته است، می‌توان این مسئله را مطرح ساخت که براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر یکسان‌نگاری علّیت با کارکرد در زیست‌شناسی مطرح است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، علّیت، کارکرد، طبیعت‌شناسی، ابن‌سینا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۱۹. بررسی تحلیلی گونه‌های ترکیب در زیست‌شناسی از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیلی از گونه‌های ترکیب در زیست‌شناسی می‌توان مطرح است؟

تبیین مسئله: فلسفه زیست‌شناسی از جمله قلمروهای علوم عقلی مضاف است. در این شاخه عقلی به واکاوی مفاهیم و پیش‌فرض‌های زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. بخشی از دانش زیست‌شناسی ناظر به مباحثی درباره تجزیه و ترکیب پدیده‌هاست که در این میان به گونه‌هایی از ترکیب اشاره می‌شود. باتوجه به اینکه در دانش فلسفه نیز انواع مختلفی از ترکیب ذکر می‌شود و احکام و ویژگی‌های هرکدام به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد، جای این پرسش وجود دارد که براساس هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیلی از گونه‌های ترکیب در زیست‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، ترکیب، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۵۲۰. بررسی و تبیین فلسفی انتقال صفات از راه ژن در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه تبیین فلسفی می‌توان از انتقال صفات از راه ژن در زیست‌شناسی مطرح کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه زیست‌شناسی از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه



فلسفی به بررسی مباحث بنیادی زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. از جمله مباحثی که در زیست‌شناسی مطرح می‌شود و واجد ابعاد فلسفی است، مسئله انتقال صفات از طریق ژن است. تردیدی نیست که براساس یافته‌های زیست‌شناختی، برخی صفات و ویژگی‌های والدین از طریق ژن به نسل بعدی انتقال پیدا می‌کند، اما مسئله اساسی این است، مقصود از صفات، کدام صفات است؟ و مراد از انتقال چیست؟ آیا می‌توان براساس تحلیلی فلسفی از انتقال صفات از طریق ژن دفاع کرد، یا آنکه این‌گونه تعبیر را باید در معنای خاص خود در نظر گرفت؟ بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس طبیعت‌شناسی سینیوی چه تبیین فلسفی می‌توان از انتقال صفات از راه ژن در زیست‌شناسی مطرح کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، ژن، زیست‌شناسی، طبیعت‌شناسی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۳.

۵۲۱. بررسی علّیت احتمالاتی در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینیوی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی سینیوی نظریه علّیت احتمالاتی در زیست‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه زیست‌شناسی است. در این شاخه عقلی به بسیاری از مبانی و پیش‌فرض‌های زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. بخشی از مباحث فلسفه زیست‌شناسی ناظر به ارزش و اعتبار گزاره‌های زیست‌شناختی است. روشن است که دستیابی به قطع‌ویقین در قلمرو علوم طبیعی، از جمله زیست‌شناسی، کار ساده‌ای نیست. هدف‌گذاری رسیدن به گزاره‌های یقینی به برخی مبانی و اصول در زمینه اعتبار روش تجربی نیاز دارد. برخی از دانشمندان زیست‌شناسی با آگاهی از دشواری رسیدن به یقین در این قلمرو علمی، سخن از علّیت احتمالی به میان آورده‌اند. براساس این نگرش، سیر حرکت شناختی انسان در قلمرو زیست‌شناسی، تقرّب به حقیقت است. این نویسندگان، علّیت احتمالی را در دو سطح متفاوت مورد توجه قرار داده‌اند؛ علّیت عام و علّیت خاص. در این زمینه پرسش‌هایی مطرح است، از جمله اینکه آیا با احتمالی شمردن معرفت از گزاره‌های زیست‌شناختی می‌توان از تقرّب به حقیقت سخن گفت؟ آیا هیچ گزاره یقینی درباره زیست‌شناسی نمی‌توان مطرح ساخت؟ دانشمندان مسلمانی همچون ابن‌سینا، بسیاری از مباحث مربوط به معرفت در قلمرو طبیعت را مورد بررسی و پژوهش قرار داده‌اند.



باتوجه به این پشتوانه می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس طبیعت‌شناسی سینوی نظریه علّیت احتمالاتی در زیست‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟
کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، علّیت، طبیعت‌شناسی، زیست‌شناسی، ابن‌سینا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۲۲. بررسی نظریه توازن علّی در زیست‌شناسی از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر نظریه توازن علّی در زیست‌شناسی مطرح است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های دانش فلسفه مضاف، فلسفه زیست‌شناسی است. در این شاخه علمی به واکاوی مفاهیم و اصول بنیادین دانش زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. یکی از اصول مهم در دانش زیست‌شناسی، اصل علّیت است که زمینه را برای بررسی روابط میان پدیده‌ها فراهم می‌سازد. در فلسفه، تقریری از اصل علّیت ارائه می‌شود که آن را در سطح هستی‌بخشی تجزیه و تحلیل می‌کند. اما در علوم طبیعی بیشتر مسئله علّیت اعدادی مطرح است. به عبارت دیگر روابط میان پدیده‌های طبیعی ناظر به تغییراتی است که در این پدیده‌ها به وجود می‌آید. از این رو لازم است مطالعات مستقّلی درباره پدیده علّیت طبیعی انجام شود. برخی از تفسیرها از علّیت در زیست‌شناسی تلاش می‌کنند علّیت را در قالب علّیت توازن تفسیر کنند. براساس این نگرش، به جای آنکه برخی موارد خاص را علت یک پدیده در نظر بگیریم، لازم است به شرایطی بپردازیم که موجب شده توازن و تعادلی به وجود آید تا یک علت اثرگذار گردد. مدافعان این نگرش، بر این اساس، سخن از تبیین توازنی در سطح زیست‌شناسی به میان آورده‌اند. باتوجه به اینکه در حکمت مشاء و به‌ویژه در آثار ابن‌سینا توجه خاصی به مسئله علّیت در علوم طبیعی شده است، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر نظریه توازن علّی در زیست‌شناسی مطرح است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، توازن علّی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۵۲۳. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم زیست‌شناسی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم زیست‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه زیست‌شناسی یکی از شاخه‌های مهم فلسفه مضاف است. این شاخه در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است و بر مباحث و مسائل آن افزوده شده است. ازجمله مباحثی که درباره زیست‌شناسی مطرح شده، میزان اعتبار و ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های زیست‌شناسی است. پرسش این است که اگر براساس مبانی و اصول معرفت‌شناسی به بررسی گزاره‌های زیست‌شناسی بپردازیم، این گزاره‌ها از چه ارزش و اعتباری برخوردار خواهند بود. در معرفت‌شناسی اسلامی مباحث مهمی درباره چیستی تجربه و ارزش و اعتبار گزاره‌های تجربی مطرح شده است. ازاین‌رو می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم زیست‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۵۲۴. بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی سینی چه تحلیلی از مبادی تصویری و تصدیقی علم زیست‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه زیست‌شناسی است. در فلسفه زیست‌شناسی به مفاهیم اساسی و گزاره‌های بنیادین زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. تعیین ارزش معرفتی گزاره‌های زیست‌شناسی پیامدهای بسیاری به دنبال دارد. برای مثال، در صورت آگاهی از میزان اعتبار گزاره‌های زیست‌شناسی به‌سہولت می‌توان در بررسی رابطه میان نظریه‌های زیست‌شناسی و سایر حوزه‌های معرفتی مانند الهیات داوری کرد. باتوجه‌به وقوع برخی تعارض‌ها میان نظریات مطرح در زیست‌شناسی و برخی آموزه‌های دینی، برای نمونه درباره آفرینش انسان، نگرش معرفت‌شناختی به زیست‌شناسی اهمیت مضاعفی یافته است. ازاین‌رو مناسب است به واکاوی جنبه معرفت‌شناختی گزاره‌های زیست‌شناسی بپردازیم. گام اول دراین‌زمینه ارزیابی و تحلیل مفاهیم به‌کاررفته در زیست‌شناسی است. در



ادامه باید به مبادی تصدیقی این دانش پرداخت. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه تحلیلی از مبادی تصویری و مبادی تصدیقی علم زیست‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، مبادی تصویری، مبادی تصدیقی، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۵۲۵. بررسی شواهد زیست‌شناختی برهان نظم بر وجود خدا

سؤال: چه شواهد زیست‌شناختی در دفاع از برهان نظم بر وجود خداوند می‌توان یافت؟
تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه زیست‌شناسی است. در فلسفه زیست‌شناسی به مفاهیم اساسی و گزاره‌های بنیادین زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. تعیین ارزش معرفتی گزاره‌های زیست‌شناسی پیامدهای بسیاری به دنبال دارد. برای مثال، از مباحث فلسفه زیست‌شناسی کاربرست مفاهیم فلسفی، مانند مفهوم علیت و مفهوم نظم، در مباحث زیست‌شناسی است. روشن است که مفهوم نظم، معقول ثانی فلسفی است و این بدان معناست که این مفهوم فاقد مصداق و ما به‌ازای مستقل در جهان خارج است. البته این مطلب به‌معنای غیرواقعی و حقیقی بودن این مفهوم نیست. می‌توان با بررسی مباحث زیست‌شناسی شواهدی در تأیید وجود نظم در جهان ارائه کرد. آگاهی از وجود نظم در جهان می‌تواند از مقدمات استدلال نظم بر اثبات وجود خداوند باشد. ازاین‌رو مناسب است به واکاوی انحاء نظم در جهان، برای پشتیبانی از استدلال نظم پرداخت و به بررسی این پرسش پرداخت که شواهد دال بر وجود نظم در زیست‌شناسی کدام است؟
کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، نظم، استدلال نظم.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۵۲۶. بررسی تطبیقی غایت در علم زیست‌شناسی پوزیتویستی و غایت در علم زیست‌شناسی متعالیه

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در علم زیست‌شناسی پوزیتویستی و غایت در زیست‌شناسی متعالیه می‌توان مطرح ساخت؟
تبیین مسئله: فلسفه مضاف مجموعه‌ای از شاخه‌های فلسفی را شامل می‌گردد که



از جمله آن‌ها می‌توان به فلسفه زیست‌شناسی اشاره کرد. در فلسفه زیست‌شناسی به واکاوی مباحث بنیادین درباره زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. برای نمونه، از مباحث اصلی در زیست‌شناسی مسئله غایت است. به عبارت دیگر سخن در این است که غایت حیات چیست و موجود زنده در تلاش برای رسیدن به کدام نقطه نهایی است. در دانش زیست‌شناسی تلاش‌هایی در این راستا انجام گرفته است و اموری همچون غایت حیات مطرح شده است. در مباحث فلسفی به‌ویژه در علم‌النفس صدرایی نیز مباحثی درباره غایت حیات بیان می‌شود. با توجه به اهمیت مسئله غایت حیات، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در علم زیست‌شناسی پوزیتیویستی و غایت در زیست‌شناسی متعالیه می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، غایت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۵۲۷. بررسی نظریه اکوفمنیستی براساس طبیعت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس طبیعت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه اکوفمنیستی وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه زیست‌شناسی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی و پژوهش درباره مسائل کلان و اساسی دانش زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در فلسفه زیست‌شناسی مطرح است نظریه اکوفمنیستی است. خاستگاه اصلی این نظریه، جنبش‌های فمینیستی است. براساس این نظریه می‌توان هجده‌ها و تعدی‌هایی را که به زنان انجام گرفته است، به مسئله طبیعت نیز تعمیم داد. مدافعان این نظریه نحوه مواجهه انسان با طبیعت و محیط زیست را در قالب رویکرد مردسالارانه تجزیه و تحلیل می‌کنند. از آنجاکه این نظریه بر برخی مبانی نظری استوار شده است که در چالش جدی با طبیعت‌شناسی صدرایی است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس طبیعت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه اکوفمنیستی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، اکوفمنیستی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۳.



۵۲۸. بررسی نظریه تکامل زیستی از منظر ارنست مایر^۱

سؤال: براساس دیدگاه ارنست مایر چه انتقادهایی بر نظریه تکامل زیستی قابل اصطیاد است؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، می‌توان به فلسفه زیست‌شناسی اشاره کرد. در این شاخه عقلی به بررسی و پژوهش درباره مسائل کلان و اساسی دانش زیست‌شناسی پرداخته می‌شود. ازجمله نظریه‌های رایج در قلمرو زیست‌شناسی، نظریه تکامل زیستی است. بسیاری از زیست‌شناسان با مسلم انگاشتن این نظریه به نقد و ارزیابی برخی آموزه‌های الهیاتی درباره پدیده خلقت و آفرینش انسان پرداخته‌اند. مرور آثار این نویسندگان گواه آن است که در تقریر و صورت‌بندی این نظریه ناسازگاری‌هایی جدی وجود دارد که می‌تواند اعتبار و ارزش این نظریه را با چالش جدی مواجه سازد. یکی از مدافعان نظریه تکامل زیستی، ارنست مایر است. وی در کتب خود، در تقریر و توضیح نظریه تکامل زیستی، به وجود پاره‌ای از شواهد و قرائن اشاره می‌کند که براساس آن می‌توان نتیجه گرفت که فاصله میان انسان و موجودات اولیه، برپایه نظریه تکامل زیستی، قابل تکمیل نیست. باتوجه به نقشی که نظریه تکامل در تضعیف باورهای دینی در زمینه آفرینش انسان دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس طبیعت‌شناسی صدایی چه انتقادهایی بر نظریه اکوفمینیستی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، ارنست مایر، تکامل، طبیعت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۵۲۹. بررسی رابطه اخلاق و پزشکی از نظر ابن‌سینا

سؤال: براساس دیدگاه ابن‌سینا رابطه میان اخلاق و پزشکی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی ازجمله فلسفه‌های مضاف است. به آنکه رغم چند دهه بیشتر از ظهور این دانش فلسفی نمی‌گذرد، مسائلی جدی در این شاخه عقلی و فلسفی مطرح شده است. ازجمله مسائلی که می‌تواند با روش عقلی مورد کاوش قرار گیرد، مسئله رابطه علم پزشکی با برخی دیگر از علوم عقلی است. ازجمله علوم عقلی مرتبط با پزشکی، علم اخلاق است. بسیاری از باید و نبایدهای اخلاقی می‌تواند درباره رفتار پزشکان مطرح

1. Ernst Walter Mayr.



گردد. به عبارت دیگر رفتار هر پزشک از باید و نبایدهای خاصی پیروی می‌کند که عدم توجه به آن باعث از میان رفتن حقوق بیمار، پزشک یا هر دو خواهد شد. از این رو مناسب است با تمرکز بر این مسئله به واکاوی و پژوهش درباره آن پرداخت. باتوجه به اینکه ابن‌سینا در کنار برخورداری از دانش طبابت، در مباحث فلسفی و نیز مباحث اخلاق نیز آگاهی و اشراف لازم را داشته است، مناسب است پرسش تحقیق این‌گونه سامان‌دهی شود که براساس دیدگاه ابن‌سینا رابطه میان اخلاق و پزشکی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، اخلاق، پزشکی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۵۳۰. بررسی پدیدارشناسی بدن از منظر مرلوپونتی^۱ براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی

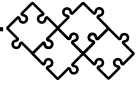
سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر پدیدارشناسی بدن از منظر مرلوپونتی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی از جمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی و واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی دانش پزشکی می‌پردازد. از جمله مبادی تصویری دانش پزشکی، بدن است که موضوع دانش پزشکی را تشکیل می‌دهد. هرگونه تلقی و برداشت از بدن می‌تواند بر مسیر کلی دانش پزشکی مؤثر باشد. در سال‌های اخیر تحقیقاتی درباره چیستی بدن و نحوه تجزیه و تحلیل آن و نیز مطالبی درباره مطالعه پدیدارشناختی بدن مطرح شده است. از جمله کسانی که با استفاده از روش پدیدارشناسی به مطالعه درباره بدن پرداخته، مرلوپونتی است. او تلاش می‌کند با ارائه نگرش پدیدارشناختی بر دوگانه‌انگاری دکارت فائق آید. باتوجه به اینکه حکمت متعالیه دوگانه‌انگاری نفس و بدن را مردود می‌شمارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر پدیدارشناسی بدن از منظر مرلوپونتی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، پدیدارشناسی، مرلوپونتی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

1. Maurice Merleau-Ponty.



۵۳۱. بررسی پدیدارشناسی نفس از منظر مرلپونتی براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر پدیدارشناسی نفس از منظر مرلپونتی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی ازجمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی و واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی دانش پزشکی می‌پردازد. ازجمله مبادی تصویری دانش پزشکی نفس است که با موضوع دانش پزشکی ارتباط دارد. هرگونه تلقی و برداشت از نفس می‌تواند بر مسیر کلی دانش پزشکی اثر بگذارد؛ چه اینکه، برخی نویسندگان بر این باورند که بخشی از ارکان سلامت و بهبودی، وضعیت و حالات نفس انسان و بیمار است. در سال‌های اخیر تحقیقاتی درباره چیستی نفس و نحوه تجزیه و تحلیل آن و نیز مطالبی درباره مطالعه پدیدارشناختی نفس مطرح شده است. ازجمله کسانی که با استفاده از روش پدیدارشناسی به مطالعه درباره نفس پرداخته، مرلپونتی است. او تلاش می‌کند با ارائه نگرش پدیدارشناختی بر دوگانه‌انگاری دکارت فائق آید. با توجه به اینکه حکمت متعالیه دوگانه‌انگاری نفس و بدن را مردود می‌شمرد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر پدیدارشناسی نفس از منظر مرلپونتی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، پدیدارشناسی، مرلپونتی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۵.

۵۳۲. بررسی راهکارهای رفع تعارض الزامات اخلاقی و الزامات پزشکی براساس دیدگاه علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: براساس دیدگاه علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه راهکارهایی برای رفع تعارض میان الزامات اخلاقی و الزامات پزشکی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مفاهیم اساسی و گزاره‌های بنیادین پزشکی می‌پردازد. در این شاخه علمی، مفاهیمی مانند سلامتی، بدن و بیماری مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از پیش‌فرض‌های دانش پزشکی، ارتباط بدن با نفس و تأثیر نفس بر بدن است. البته رفتارهای پزشک با بیمار نیز تابع برخی قواعد حقوقی و اخلاقی است. برای نمونه، صداقت با بیمار، و حفظ امانت بیماران، ازجمله قواعد حاکم بر رفتار پزشکان است. روشن است که همواره این احتمال وجود دارد که در

مواردی میان قواعد اخلاقی و ضوابط حرفه پزشکی تعارض به وجود آید. می‌توان با تکیه بر دیدگاه برخی متفکران اسلامی، که درباره موضوعات اخلاقی صاحب‌نظرند، مسئله تعارض الزامات اخلاقی و الزامات پزشکی را بررسی کرد. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس دیدگاه علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه راهکارهایی برای رفع تعارض میان الزامات اخلاقی و الزامات پزشکی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، الزام اخلاقی، حکمت متعالیه، علامه طباطبائی، آیت‌الله مصباح، شهید مطهری، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۵۳۳. بررسی معیار ارزش گزاره‌های پزشکی از منظر معرفت‌شناسی معاصر اسلامی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی معاصر اسلامی ارزش معرفتی گزاره‌های پزشکی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: مسئله دآوری و ارزیابی گزاره‌های دانش پزشکی از جمله مسائل فلسفه علم پزشکی است. بسیاری از گزاره‌های پزشکی از راه مشاهده و تجربه به دست آمده و از این‌رو هرچند دستیابی به یقین در علم ناممکن نیست، ارزش و اعتبار عمده گزاره‌های آن، ظنی است. ظنی بودن گزاره‌های پزشکی، لوازم بسیاری دارد. از جمله لوازم آن در مواردی است که یافته‌های پزشکی با گزاره‌های سایر علوم در تعارض واقع گردد. در این صورت، براساس ملاک و معیار ترجیح میان گزاره‌های متعارض، لازم است گزاره‌ای ترجیح داده شود که از اعتبار بالاتری برخوردار باشد. به‌رحال اینکه گزاره‌های دانش پزشکی تا چه اندازه معتبر است در گرو انجام پژوهش و تحقیق است. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر معرفت‌شناسی اسلامی به واکاوی این مسئله بپردازیم که از منظر معرفت‌شناسی معاصر اسلامی ارزش معرفتی گزاره‌های پزشکی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

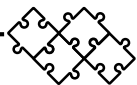
کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، پزشکی، معرفت‌شناسی، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۵۳۴. بررسی چالش‌های اخلاقی کاربست هوش مصنوعی در نظام سلامت از منظر اخلاق متعالیه

سؤال: براساس مبانی اخلاق متعالیه، چالش‌های اخلاقی کاربست هوش مصنوعی در نظام سلامت چگونه ارزیابی می‌گردد؟

تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی شاخه‌ای از فلسفه مضاف است که به مسائل کلان و



بنیادین رشته پزشکی می‌پردازد. یکی از چالش‌هایی که به‌تازگی در دانش پزشکی مطرح شده است، چالش ناشی از کاربرست هوش مصنوعی در نظام سلامت است. هوش مصنوعی با تکیه بر برنامه‌ریزی و استفاده از داده‌ها سعی می‌کند مسیر حل بسیاری از مسائل را کوتاه و دقت انجام کار را افزون کند. اما در این میان، برخی پیچیدگی نیز مانع از آن می‌شود که استفاده از هوش مصنوعی را کاملاً تأیید و توصیه کرد. برای نمونه، در مواردی درحالی‌که شخص که در معرض خطر مرگ است، به دلیل برخی مشکلات برنامه‌ریزی، بیمار قادر به دریافت خدمات درمانی نیست. اینجاست که باید با بررسی و تحقیق به یافتن راه‌حل‌هایی برای مواجهه با چالش‌های اخلاقی در کاربرست هوش مصنوعی در نظام سلامت پرداخت. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس مبانی اخلاقی متعالیه، چالش‌های اخلاقی کاربرست هوش مصنوعی در نظام سلامت چگونه ارزیابی می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، سلامت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۴.

۵۳۵. بررسی جایگاه حدسیات در علوم پزشکی از منظر ابن‌سینا

سؤال: براساس نگرش ابن‌سینا حدسیات از چه جایگاهی در علوم پزشکی برخوردار است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی به بررسی کلان مسائل علم پزشکی می‌پردازد. ایضاً مفهومی اصطلاحات اساسی، و نیز تبیین پیش‌فرض‌های مهم علم پزشکی، از جمله مسائل فلسفه علم پزشکی است. در کنار این موارد لازم است به برخی رویکردها اشاره کنیم که کل ساختار علم پزشکی را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. برای مثال حدسیات که یکی از گزاره‌های بدیهی است تا چه میزان در دانش پزشکی مورد توجه قرار گرفته است؟ آیا هدف نهایی علم پزشکی، تنها از راه دانش‌های تجربی به دست می‌آید یا در کنار دانش‌های تجربی می‌توان از گزاره‌های بدیهی نیز استفاده کرد؟ ابن‌سینا حکیم و پزشکی برجسته است که بر مسائل و مباحث فلسفی و معرفت‌شناسی نیز تسلط داشته؛ از این‌رو این دست مسائل را می‌توان در قالب این پرسش بررسی کرد که براساس نگرش ابن‌سینا حدسیات از چه جایگاهی در علوم پزشکی برخوردار است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، حدسیات، پزشکی، ابن‌سینا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۲/۵.



۵۳۶. بررسی جایگاه پزشک در زیست‌جهان بیمار از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی جایگاه پزشک در زیست‌جهان بیمار چگونه ارزیابی می‌شود؟ تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی ازجمله فلسفه‌های مضاف است که چند دهه بیشتر از شکل‌گیری آن می‌گذرد. این شاخه نوپدید عقلی، به بررسی مسائل مهم مربوط به مبانی علم پزشکی می‌پردازد. ازجمله مباحثی که درباره رابطه بیمار و پزشک می‌توان مطرح کرد، جایگاه پزشک برای بیمار است. آیا پزشک همچون یک فرد شاغل است که در مواجهه با بیمار درحقیقت با یک مشتری مواجه شده است و قوانین حاکم بر مشتری و فروشنده، میان آن‌ها حاکم است؟ یا آنکه روابط بیمار و پزشک عمیق‌تر از یک رابطه اقتصادی است و باید پزشک را به مثابه غم‌خوار و همدرد بیمار نگاه کرد؟ به عبارت دیگر جایگاه پزشک در زیست‌جهان بیمار چیست؟ باتوجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی در آثار خود به مباحثی درباره اخلاق و روابط انسانی توجه کرده است، می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد: براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی جایگاه پزشک در زیست‌جهان بیمار چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، زیست‌جهان، بیماری، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۲/۷۵.

۵۳۷. بررسی جایگاه هرمنوتیک در پزشکی از منظر گادامر^۱

سؤال: چه انتقادهایی بر نگرش گادامر به جایگاه هرمنوتیک در پزشکی می‌توان مطرح ساخت؟ تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم پزشکی پرداخته می‌شود. تا مدت‌ها، نگرشی پوزیتیویستی بر علم پزشکی حاکم بود. رفته‌رفته سخن از نگرش‌های دیگری، ازجمله نگرش هرمنوتیکی، نیز به میان آمد. براساس نگرش هرمنوتیکی می‌توان با تأکید بر ذهن‌مندی انسان و تفهمی بودن موضوعات، سعی می‌شود تفسیری جدید از موضوعات علم پزشکی ارائه گردد. برای نمونه، گادامر در برخی از آثار خود تلاش کرده است با به کارگیری هرمنوتیک، به تفسیر موضوعات پزشکی بپردازد. باتوجه به اینکه هرمنوتیک فلسفی، یا همان

1. Hans-Georg Gadamer.



هرمنوتیکی که گادامر از آن دفاع می‌کند، زمینه را برای رواج نسبی‌گرایی فراهم می‌کند، جای طرح این پرسش وجود دارد که چه انتقادهایی بر نگرش گادامر به جایگاه هرمنوتیک در پزشکی می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، هرمنوتیک، گادامر، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۳.

۵۳۸. بررسی دیدگاه آرتور کاپلان^۱ درباره فلسفه پزشکی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان، چه انتقادهایی بر دیدگاه آرتور کاپلان درباره فلسفه پزشکی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم پزشکی عهده‌دار بررسی و تحقیق درباره مبادی تصویری و تصدیقی علم پزشکی است. همچنین واکاوی روش‌های مورد توجه در علم پزشکی نیز از جمله مسائل فلسفه پزشکی است. در میان نویسندگان معاصر، کاپلان به بررسی مسائل فلسفه پزشکی پرداخته است ولی آنچه در آثار او دیده می‌شود فلسفه به معنای هستی‌شناسی پیوند چندانی ندارد در حالی که برای تدوین یک فلسفه علم پزشکی باید به رابطه موضوع این علم با موضوع کلان فلسفه و نیز احکام وجود به‌ماهو، مانند احکام وجود اعتباری و وجود حقیقی نیز توجه شود. باتوجه به اینکه علامه طباطبائی از جمله حکیمان معاصر است که افزون بر تربیت حکیمان برجسته، در بسیاری از موضوعات کاربردی فلسفه آرایه دارد، مناسب است پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کنیم که از نظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، چه انتقادهایی بر دیدگاه آرتور کاپلان درباره فلسفه پزشکی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علم، فلسفه زیست‌شناسی، کاپلان، پزشکی، حکمت متعالیه، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۶.

۱،۲،۲۶. فلسفه علوم شناختی و فلسفه ذهن

فلسفه علوم شناختی و فلسفه ذهن، از جمله شاخه‌های جدید فلسفه مضاف هستند که به بررسی علمی چیرستی ذهن و ابعاد آن می‌پردازند. امروزه و با گسترش تحقیقات تجربی،

1. Arthur Caplan.

توجه به چیستی ذهن و مغز و رابطه آن‌ها مورد توجه محققان رشته‌های مختلف قرار گرفته است. ازجمله این رشته‌ها می‌توان به روان‌شناسی، فیزیولوژی، علوم اعصاب و زبان‌شناسی اشاره کرد. در ادامه با برخی از مسائل جدید این قلمرو آشنا می‌شویم.

۵۳۹. بررسی نقش علیّت اعدادی در حل مسئله علیّت مغز برای کنش‌ها

سؤال: تمایز علیّت، به علت اعدادی و علت حقیقی چه نقشی در حل مسائل رابطه مغز و رفتار دارد؟ تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. ازجمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، مسئله نقش مغز در شکل‌گیری کنش‌های انسانی است. کسانی که در قلمرو فلسفه ذهن، به نظریه فیزیکیالیستی گرایش دارند، مغز را عامل اصلی پیدایش کنش‌ها، تجزیه و تحلیل می‌کنند، اما براساس مبانی هستی‌شناختی صدرایی، حقیقت نفس که فاعل کنش‌ها در نظر گرفته می‌شود، امری مجرد است و اگر در زمینه صدور کنش‌ها برای بدن و اجزای آن، ازجمله مغز تأثیری قائل شویم، این تأثیر از علیّت اعدادی فراتر نمی‌رود. باتوجه به چالش‌هایی که نظریه فیزیکیالیستی در فضای فلسفه ذهن به دنبال دارد، مناسب است با تمرکز بر نقش اعدادی مغز برای صدور کنش‌ها، به یافتن پاسخی برای این پرسش برآییم که تمایز علیّت به علت اعدادی و علت حقیقی چه نقشی در حل مسائل رابطه مغز و رفتار دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، علیّت، علت اعدادی، مغز، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۵۴۰. بررسی ادراک زمان از منظر علوم شناختی بر پایه زمان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس زمان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به ادراک زمان از منظر علوم شناختی وارد است؟ تبیین مسئله: فلسفه ذهن یکی از شاخه‌هایی است که در دهه‌های اخیر شکل گرفته است و تلاش می‌کند با استفاده از روش عقلی به بررسی مبادی و مبانی ذهن بپردازد. در این شاخه عقلی و فلسفی به بررسی مسائلی مانند چیستی ذهن، ویژگی‌های آن و امور مرتبط با ذهن پرداخته می‌شود. ازجمله مسائل مرتبط با فلسفه ذهن، مسئله درک زمان است. باتوجه به اینکه زمان امری گذرا و سیال است، اگر ما براساس تفسیر فیزیکیالیستی



از مغز و ذهن، درصدد برآییم ادراک زمان را تبیین کنیم، درخواستیم یافت که درک خود زمان به وسیله امور زمانی ناممکن است، و از آنجاکه براساس فیزیکیالیسم، عنصر غیرزمانی پذیرفته نمی‌شود، نتیجه آن خواهد شد که این مکتب فلسفی، توان تبیین صحیح ادراک زمان را ندارد. بنابراین می‌توان بررسی این مسئله را در قالب طرح این سؤال دنبال کرد که براساس زمان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به ادراک زمان از منظر علوم شناختی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، زمان، ادراک زمان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۵۴۱. بررسی تطبیقی رابطه نفس و بدن از منظر ملاصدرا و دیوید چالمرز^۱

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان دیدگاه ملاصدرا و دیدگاه دیوید چالمرز درباره رابطه نفس و بدن اصطیاد می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، مسئله رابطه نفس و بدن است. براساس دیدگاه ملاصدرا بدن، مرتبه نازله بدن است و حقیقتی ورای نفس شمرده نمی‌شود. از این‌رو در حرکت جوهری نفس نیز تحولات بدن، بخشی از تحولات نفس شمرده می‌شود. این نکته در سنت فلسفه اسلامی معاصر مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است. اما در فلسفه غرب، برخی از نویسندگان مانند دیوید چالمرز به دفاع از وحدت‌گرایی در باب نفس و بدن پرداخته است و دیدگاهی ارائه کرده است که از برخی جهات به دیدگاه ملاصدرا بسیار شباهت دارد. البته تفاوت‌هایی نیز بین دو دیدگاه دیده می‌شود. از این‌رو مناسب است این موضوع را با طرح و بررسی این سؤال دنبال کنیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان دیدگاه ملاصدرا و دیدگاه دیوید چالمرز درباره رابطه نفس و بدن اصطیاد می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، نفس و بدن، چالمرز، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

1. David John Chalmers.

۵۴۲. بررسی رابطه الهیات و علوم شناختی با تأکید بر دیدگاه‌های علامه حسن‌زاده آملی

سؤال: براساس دیدگاه‌های علامه حسن‌زاده آملی رابطه الهیات و علوم شناختی چگونه ارزیابی می‌شود؟ تبیین مسئله: فلسفه ذهن یکی از شاخه‌هایی است که در دهه‌های اخیر شکل گرفته است و تلاش می‌کند با استفاده از روش عقلی به بررسی مبادی و مبانی ذهن بپردازد. در این شاخه عقلی و فلسفی به بررسی مسائلی مانند چیستی ذهن، ویژگی‌های آن و امور مرتبط با ذهن پرداخته می‌شود. ازجمله مسائل مهم مرتبط با فلسفه ذهن، مسئله تبیین آموزه‌های الهیاتی است. درحالی‌که برخی از نویسندگان در حوزه علوم‌شناختی و فلسفه ذهن، به تبیین آموزه‌های الهیاتی برپایه فعل و انفعالات شیمیایی درون مغز روی آورده‌اند، گروهی دیگر براساس مبانی حکمت متعالیه، چنین نگرشی را از اساس باطل می‌دانند و در فرایند تجزیه و تحلیل انسان، توجه به بُعد مجرد او را لازم می‌شمرند. استاد حسن‌زاده آملی ازجمله محققانی است که با تمرکز بر آموزه‌های حکمت متعالیه به تفصیل به بیان ابعاد مختلف وجود انسانی به‌ویژه بُعد مجرد آن پرداخته است. ازاین‌رو مناسب است به بررسی این پرسش برآییم که براساس دیدگاه‌های علامه حسن‌زاده آملی رابطه الهیات و علوم شناختی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، الهیات، حکمت متعالیه، علامه حسن‌زاده آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۵۴۳. بررسی تطبیقی چیستی تفکر از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی

سؤال: براساس پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دیدگاه دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی تفکر می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های نوپدید در عرصه فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن، با استفاده از شاخه‌های مختلف علمی به بررسی پدیده‌هایی مانند تفکر، احساس، تصمیم و اراده پرداخته می‌شود. در منطق و فلسفه اسلامی نیز کوشش‌هایی جدی در توضیح و تبیین چیستی تفکر صورت گرفته است. در کتب متفکرانی مانند ابن‌سینا مطالب بسیاری درباره چیستی و مکانیزم تفکر مطرح شده است. باتوجه‌به تفاوت‌هایی که میان تحلیلی سینوی از چیستی تفکر و نیز تجزیه و تحلیل علوم شناختی از تفکر وجود دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهش تطبیقی چه وجوه



شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دیدگاه دانشمندان علوم شناختی درباره چیهستی تفکر می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، تفکر، اندیشه، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۵۴۴. بررسی تطبیقی چیهستی حافظه از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیهستی حافظه می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، واکاوی پدیده‌های ذهنی مانند حافظه است. در علم النفس فلسفی مباحث گسترده‌ای درباره چیهستی حافظه و ارتباط آن با سایر قوای انسانی مطرح شده است. در علوم شناختی نیز تحقیقاتی درباره چیهستی و مکانیسم فعالیت حافظه بیان شده است. باتوجه به اینکه انجام پژوهش‌های تطبیقی به فهم و درک دقیق پدیده‌ها کمک می‌کند، می‌توان با تمرکز بر علم النفس سینوی و یافته‌های علوم شناختی، به مطالعه حافظه پرداخت و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که براساس پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و وجوه تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیهستی حافظه می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، حافظه، یادآوری، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۵۴۵. بررسی تطبیقی چیهستی استدلال از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیهستی استدلال می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های نوپدید در عرصه فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن، با استفاده از شاخه‌های مختلف علمی به بررسی پدیده‌هایی مانند تفکر، احساس، تصمیم و اراده پرداخته می‌شود. در منطق و فلسفه اسلامی نیز تلاشی جدی برای ارائه توضیح و تبیین چیهستی استدلال صورت گرفته است. در کتب متفکرانی مانند ابن‌سینا



مطالب بسیاری درباره چیستی و شرایط استدلال مطرح شده است. باتوجه به تفاوت‌هایی که میان تحلیلی سینوی از چیستی استدلال و نیز تجزیه و تحلیل علوم شناختی از استدلال وجود دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی و ویژگی‌های استدلال می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، استدلال، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۴۶. بررسی تطبیقی چیستی تصمیم از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی تفکر می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های نوپدید در عرصه فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن، با استفاده از شاخه‌های مختلف علمی به بررسی پدیده‌هایی مانند تفکر، احساس، تصمیم و اراده پرداخته می‌شود. در منطق و فلسفه اسلامی نیز تلاشی جدی برای ارائه توضیح و تبیین چیستی تصمیم انجام شده است. در کتب متفکرانی مانند ابن‌سینا مطالب بسیاری درباره چیستی و ویژگی‌های تصمیم مطرح شده است. باتوجه به تفاوت‌هایی که میان تحلیلی سینوی از چیستی تصمیم و نیز تجزیه و تحلیل علوم شناختی از تصمیم وجود دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی تصمیم می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، تصمیم، اراده، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۴۷. بررسی تطبیقی فرایند مفهوم‌سازی از منظر علامه مصباح یزدی و علوم شناختی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه علامه مصباح یزدی و دانشمندان علوم شناختی درباره فرایند مفهوم‌سازی می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به



بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، فرایند مفهوم‌سازی است. در سنت اسلامی، به ذهن و ویژگی‌های آن، مانند مفهوم‌سازی توجه شده است، و برخی از نویسندگان به توضیح مرحله‌ای پرداخته‌اند که از ادراک حسی آغاز، و به درک مفاهیم کلی ختم می‌شود. در این فرایند، مفاهیم جزئی و مفاهیم کلی به دست می‌آید. در علوم شناختی نیز با استفاده از ابزار تجربی به واکاوی نحوه مفهوم‌سازی پرداخته شده است. با توجه به تأثیری که مطالعات تطبیقی در درک بهتر پدیده‌ها دارند، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه علامه مصباح یزدی و دانشمندان علوم شناختی درباره فرایند مفهوم‌سازی می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، مفهوم‌سازی، حکمت اسلامی، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۴۸. بررسی تطبیقی چیستی خلاقیت از منظر ملاصدرا و علوم شناختی

سؤال: براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ملاصدرا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی خلاقیت می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های نوپدید در عرصه فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن با استفاده از شاخه‌های مختلف علمی به بررسی پدیده‌هایی مانند تفکر، احساس، تصمیم و اراده پرداخته می‌شود. در علم‌النفوس اسلامی و به‌ویژه علم‌النفوس صدرایی نیز تلاشی جدی برای ارائه توضیح و تبیین چیستی خلاقیت انجام شده است. در کتب متفکرانی مانند ملاصدرا مطالب بسیاری درباره چیستی و ویژگی‌های خلاقیت مطرح شده است. برای مثال، نقش قوه خیال در شکل‌گیری خلاقیت و ابداع مورد توجه حکمایی مانند ملاصدرا قرار گرفته است. با توجه به تفاوت‌هایی که میان تحلیلی صدرایی از خلاقیت و نیز تجزیه و تحلیل علوم شناختی از خلاقیت وجود دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ملاصدرا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی خلاقیت می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، خلاقیت، قوه خیال، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۵۴۹. بررسی مؤلفه‌های کوالیا (حالت ذهنی) از منظر فلسفه ذهن و فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه ذهن و فلسفه اسلامی پدیده کوالیا دارای چه مؤلفه‌های مشترکی است؟ تبیین مسئله: امروزه قلمروهای جدید فلسفی، مانند فلسفه ذهن مطرح شده است که لازم است با طرح و بررسی مسائل آن، برپایه مبانی حکمت اسلامی، برای حل این مسائل اقدام کرد. ازسوی دیگر در مباحث فلسفه ذهن به بررسی موضوع کوالیا پرداخته می‌شود که از آن به شناخت تعبیر می‌شود و براساس ترمینولوژی فلسفه اسلامی، از نظر معنایی، به مفهوم وجود ذهنی نزدیک است. روشن است که وجود ذهنی دارای احکام خاصی است که چه‌بسا همان احکام بر معرفت از آن حیث که معرفت است، تطبیق نیابد. ازاین‌رو لازم است با استخراج احکام اختصاصی وجود ذهنی، تمایز وجود ذهنی و معرفت را توضیح داد. ازاین‌رو پرسش اصلی این است که از منظر فلسفه ذهن و فلسفه اسلامی پدیده کوالیا یا حالت ذهنی دارای چه مؤلفه‌های مشترکی است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، ذهن، کوالیا، حکمت متعالیه، حالت ذهنی، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۵۵۰. بررسی تطبیقی یگانه‌انگاری از منظر ملاصدرا و دیوید چالمرز^۱

سؤال: در مقایسه دیدگاه چالمرز و ملاصدرا درباره یگانه‌انگاری چه وجوه شباهت و تفاوتی می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. ازجمله مسائلی که دراین‌زمینه مطرح است، مسئله رابطه نفس و بدن است. براساس دیدگاه ملاصدرا بدن، مرتبه نازله نفس است و حقیقتی ورای نفس شمرده نمی‌شود. ازاین‌رو در حرکت جوهری نفس نیز تحولات بدن بخشی از تحولات نفس شمرده می‌شود. این نکته در سنت فلسفه اسلامی معاصر مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است. اما در فلسفه غرب، برخی از نویسندگان مانند دیوید چالمرز به دفاع از وحدت‌گرایی یا همان یگانه‌انگاری در باب نفس و بدن پرداخته است و دیدگاهی ارائه کرده است که از برخی جهات تداعی‌کننده دیدگاه ملاصدرا است. البته در این

1. David John Chalmers.



میان تفاوت‌هایی نیز بین دو دیدگاه دیده می‌شود. از این‌رو مناسب است این موضوع را با طرح و بررسی این سؤال دنبال کنیم که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان دیدگاه ملاصدرا و دیدگاه دیوید چالمرز درباره یگانه‌انگاری اصطیاد می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، یگانه‌انگاری، چالمرز، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۴.

۵۵۱. بررسی انتقادی نگرش پل ریکور^۱ به هویت شخصی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر نگرش پل ریکور به هویت شخصی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه ذهن یکی از شاخه‌های فلسفی است که در دهه‌های اخیر شکل گرفته است و تلاش می‌کند با استفاده از روش عقلی به بررسی مبادی و مبانی ذهن بپردازد. در این شاخه عقلی و فلسفی به بررسی مسائلی مانند چیستی ذهن، ویژگی‌های آن و امور مرتبط با ذهن مانند هویت شخصی پرداخته می‌شود. از جمله نویسندگانی که به بررسی هویت شخصی پرداخته‌اند، می‌توان به پل ریکور اشاره کرد. او درصدد است هویت شخصی را براساس نوعی هویت روایی تجزیه و تحلیل کند. هویت شخصی مشتمل بر ابعادی از جمله هویت همانی و هویت تغییر است. باتوجه به این که بعد اصلی هویت شخصی انسان، که همان امر ثابت و فطری است، از نظر پل ریکور دور مانده است، می‌توان با تمرکز بر حکمت متعالیه به نقد و ارزیابی دیدگاه او پرداخت و این سؤال را بررسی کرد که از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر نگرش پل ریکور به هویت شخصی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، هویت شخصی، ریکور، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: رساله سطح چهار. **اولویت:** ۳/۲۵.

۵۵۲. بررسی دوگانه‌انگاری نفس و بدن از منظر دیوید چالمرز

سؤال: از منظر دیوید چالمرز چه اشکال‌هایی بر نظریه دوگانه‌انگاری نفس وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که

1. Paul Ricœur.



در این زمینه مطرح است، رابطه نفس و بدن است. در حکمت صدرایی بر این نکته تأکید می‌شود که بدن، مرتبه نازله نفس است و چنین نیست که بدن حقیقتی ورای نفس باشد. در سنت غربی نیز برخی از نویسندگان به نقد و ارزیابی دوگانه‌انگاری نفس برآمده‌اند. از جمله این نویسندگان می‌توان به دیوید چالمرز اشاره کرد. وی بر این باور است که دوگانه‌انگاری نفس و بدن سرمنشأ بسیاری از چالش‌ها و اشکال‌هاست و لازم است با نقد و ارزیابی آن، زمینه را برای یگانه‌انگاری فراهم سازیم. بنابراین پرسشی که مناسب است به بررسی آن پردازیم این پرسش است که از منظر دیوید چالمرز چه اشکال‌هایی بر نظریه دوگانه‌انگاری نفس وارد است؟

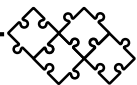
کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، دوگانه‌انگاری، نفس و بدن، چالمرز، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۵۵۳. بررسی دیدگاه نوحاسته‌گرایی از منظر ملاصدرا

سؤال: از منظر ملاصدرا چه انتقادهایی به دیدگاه نوحاسته‌گرایی در فلسفه ذهن وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه ذهن یکی از شاخه‌های فلسفی است که در دهه‌های اخیر شکل گرفته است و تلاش می‌کند با استفاده از روش عقلی به بررسی مبادی و مبانی ذهن بپردازد. در این شاخه عقلی و فلسفی به بررسی مسائلی مانند چیستی ذهن، ویژگی‌های آن، و امور مرتبط با ذهن پرداخته می‌شود. یکی از دیدگاه‌هایی که درباره چیستی ذهن مطرح شده است، نوحاسته‌گرایی است. در این نظریه، نخست ویژگی‌های مختلف ذهن بیان می‌شود، سپس با تمرکز بر ویژگی‌های کیفی نفس، این ویژگی‌ها به دودسته نوحاسته و غیر آن تقسیم می‌شود. در این دیدگاه حقیقت نفس برپایه ویژگی‌های کیفی نوحاسته تجزیه و تحلیل می‌شود. اگرچه این نظریه تلاش کرده است از گرایش فیزیکیالیسم، که در قلمرو فلسفه ذهن رواج دارد، فاصله بگیرد، اما در موارد متعددی از عهده تبیین دقیق چیستی ذهن برنیامده است. از این رو مناسب است به نقد و ارزیابی این پرسش پرداخت که از منظر ملاصدرا چه انتقادهایی به دیدگاه نوحاسته‌گرایی در فلسفه ذهن وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، نوحاسته‌گرایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.



۵۵۴. بررسی برهان‌های سه‌گانه (موجهه، زامبی، و معرفت) در دفاع از دوگانه‌انگاری ویژگی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر برهان‌های سه‌گانه در دفاع از دوگانه‌انگاری ویژگی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، رابطه نفس و بدن است. در میان نویسندگان معاصر برخی از افراد با اقامه براهین و استدلال‌هایی سعی کرده‌اند از ایده دوگانه‌انگاری دفاع کنند. با مرور ادبیات بحث، سه برهان بر دوگانه‌انگاری می‌توان یافت که عبارت است از موجهه، زامبی، و معرفت. از آنجاکه در علم‌النفس صدرایی با اصل نظریه دوگانه‌انگاری مخالفت شده است، لازم است استدلال‌های اقامه‌شده بر دوگانه‌انگاری نیز نقد و ارزیابی گردد. از این‌رو می‌توان این پرسش را در کانون بحث و تحقیق قرار داد که از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر برهان‌های سه‌گانه در دفاع از دوگانه‌انگاری ویژگی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، برهان موجهه، برهان زامبی، برهان معرفت، دوگانه‌انگاری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۵۵۵. بررسی تطبیقی اراده آزاد از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن

سؤال: چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به اراده آزاد یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. از جمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، واکاوی پدیده‌های ذهنی مانند اراده آزاد است. در علم‌النفس فلسفی مباحث زیادی درباره چیستی اراده آزاد و ارتباط آن با سایر قوای انسانی از جمله قوای شناختی مطرح شده است. در علوم شناختی نیز تحقیقاتی درباره چیستی و مکانیسم فعالیت اراده آزاد بیان شده است. با توجه به اینکه انجام پژوهش‌های تطبیقی به فهم و درک دقیق پدیده‌ها کمک می‌کند، می‌توان با تمرکز بر حکمت صدرایی و نیز یافته‌های علوم



شناختی به مطالعه اراده آزاد پرداخت و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه حکمت صدرایی و دیدگاه دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی اراده آزاد می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، اراده آزادی، ذهن، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح چهار. اولویت: ۴.

۵۵۶. بررسی تطبیقی التفات از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن

سؤال: چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به التفات یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. ازجمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، واکاوی پدیده‌های ذهنی مانند حیط التفاتی است. در علم النفس فلسفی مباحث زیادی درباره چیستی التفات و حیط التفاتی مطرح شده است. در علوم شناختی نیز تحقیقاتی درباره چیستی حیط التفاتی بیان شده است. باتوجه به اینکه انجام پژوهش‌های تطبیقی به فهم و درک دقیق پدیده‌ها کمک می‌کند، می‌توان با تمرکز بر حکمت صدرایی و نیز یافته‌های علوم شناختی به مطالعه حیط التفاتی پرداخت و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که براساس پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه حکمت متعالیه و دیدگاه دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی التفات ذهن می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، حالات ذهنی، حیط التفاتی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۵۵۷. بررسی تطبیقی هویت از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن

سؤال: چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به هویت یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. ازجمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، واکاوی پدیده‌های ذهنی مانند هویت است. در علم النفس فلسفی مباحث زیادی درباره چیستی هویت مطرح شده است. در علوم شناختی نیز تحقیقاتی



درباره چیستی هوویت بیان شده است. باتوجه به اینکه انجام پژوهش‌های تطبیقی به فهم و درک دقیق پدیده‌ها کمک می‌کند، می‌توان با تمرکز بر حکمت صدرایی و نیز یافته‌های علوم شناختی به مطالعه هوویت پرداخت و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه حکمت صدرایی و دیدگاه دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی هوویت می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، هوویت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۵۵۸. بررسی تطبیقی ویژگی‌ها و احکام کوالیا (حالت ذهنی) از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن

سؤال: چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به ویژگی‌ها و احکام کوالیا یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه ذهن است. در فلسفه ذهن به بررسی مبانی و مبادی مؤثر در تجزیه و تحلیل ذهن پرداخته می‌شود. ازجمله مسائلی که در این زمینه مطرح است، واکاوی پدیده‌های ذهنی مانند کوالیا یا حالت ذهنی است. در علم النفس فلسفی مباحث زیادی درباره چیستی ذهن و حالات ذهنی مطرح شده است. در علوم شناختی نیز تحقیقاتی درباره چیستی کوالیا و اقسام آن بیان شده است. باتوجه به اینکه انجام پژوهش‌های تطبیقی به فهم و درک دقیق پدیده‌ها کمک می‌کند، می‌توان با تمرکز بر حکمت متعالیه و نیز یافته‌های علوم شناختی به مطالعه کوالیا پرداخت و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که براساس پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه حکمت صدرایی و دیدگاه دانشمندان علوم شناختی درباره ویژگی‌ها و احکام کوالیا می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، کوالیا، ذهن، مفهوم ذهنی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۱,۲,۲۷. فلسفه هوش مصنوعی

فلسفه هوش مصنوعی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف است که به دنبال بررسی مبانی و مبادی هوش مصنوعی براساس روش عقلی و تحلیلی است. به‌رغم آنکه چند سال بیشتر



از طرح مسائل فلسفه هوش مصنوعی نمی‌گذرد، این شاخه فلسفی مورد توجه محققان قرار گرفته است و بسیاری از نویسندگان در این زمینه به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. در ادامه با برخی از مسائل جدید این حوزه فلسفی آشنا می‌شویم.

۵۵۹. بررسی تطبیقی هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های جدید در قلمرو فلسفه مضاف، فلسفه هوش مصنوعی است. به رغم آنکه کمتر از چند دهه از شکل‌گیری این شاخه عقلی و فلسفی می‌گذرد، مباحث بسیاری درباره این حوزه مطرح شده است. از جمله مباحث مطرح درباره هوش مصنوعی، مقایسه آن با هوش طبیعی در راستای دستیابی به تفاوت‌ها و تمایزهای آن‌هاست. روشن است که امروزه برای هوش مصنوعی مراتب و درجاتی در نظر گرفته می‌شود که گاهی از آن به هوش مصنوعی قوی و هوش مصنوعی ضعیف تعبیر می‌شود. می‌توان ضمن در نظر گرفتن مراتب مختلف هوش مصنوعی به بررسی تطبیقی آن با هوش طبیعی پرداخت. از این رو می‌توان پرسش را این‌گونه صورت‌بندی کرد که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی یافت می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۷۵.

۵۶۰. بررسی تطبیقی عنصر خودآگاهی در هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان عنصر خودآگاهی در مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت متعالیه یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های نوپدید در قلمرو فلسفه مضاف، فلسفه هوش مصنوعی است. در فلسفه هوش مصنوعی به واکاوی مبادی و مبانی هوش مصنوعی پرداخته می‌شود. خودآگاهی از ویژگی‌هایی هوش طبیعی است. در حالی که به نظر می‌رسد هوش مصنوعی



فاقد ابعاد خودآگاهی است، برخی از نویسندگان تلاش کرده‌اند این نکته را ثابت کنند که هوش مصنوعی نیز دارای ابعاد خودآگاهی است. ممکن است در نتیجه مطالعات بیشتر این نکته آشکار گردد که میان آنچه در قلمرو هوش مصنوعی از آن به خودآگاهی تعبیر می‌شود و آنچه در حکمت متعالیه خودآگاهی نامیده می‌شود، تفاوت بسیاری وجود دارد. برای بررسی و ارزیابی این سخن لازم است با تمرکز بر دیدگاه حکمت متعالیه به بررسی این پرسش پردازیم که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان عنصر خودآگاهی در مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت متعالیه یافت شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، خودآگاهی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۶۱. بررسی تطبیقی حالات ذهنی در هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان حالات ذهنی در هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید در فلسفه مضاف، فلسفه هوش مصنوعی است. در فلسفه هوش مصنوعی به واکاوی مبادی و مبانی هوش مصنوعی پرداخته می‌شود. یکی از مباحث جدی در این قلمرو، بحث درباره چیستی حالات ذهنی در هوش مصنوعی است. درحالی‌که براساس مباحث علم‌النفیس سینوی وجود حالات ذهنی در هوش طبیعی و در ساحت نفس اثبات شده است، برخی بر آنند که در هوش مصنوعی نیز با حالات ذهنی مواجهیم. اینکه مقصود از حالات ذهنی در ارتباط با هوش مصنوعی چه چیزی می‌تواند باشد و آیا می‌توان ویژگی‌هایی همچون تجرد را برای آن اثبات کرد، نیازمند تحقیقی مقایسه‌ای است؛ از این‌رو مناسب است با تمرکز بر علم‌النفیس سینوی به بررسی این پرسش پردازیم که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان حالات ذهنی در هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی یافت می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، حالات ذهنی، حکمت سینوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.



۵۶۲. بررسی تحلیلی رابطه تفکر و محاسبه از منظر حکمت سینوی

سؤال: براساس حکمت سینوی رابطه میان تفکر و محاسبه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از ساحت‌های جدید در قلمرو فلسفه مضاف، فلسفه هوش مصنوعی است. براساس تلقی رایج، کارکرد اصلی هوش مصنوعی محاسبه است. این کارکرد از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی آن را ویژگی هویت‌بخش به هوش مصنوعی تلقی کرده‌اند. ازسوی دیگر، در حکمت سینوی نیز برای ذهن، قوایی در نظر گرفته شده است که ازجمله آن می‌توان به قوه عاقله، واجد اشاره کرد. قوه عاقله توانایی تفکر و محاسبه است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که تفکر و محاسبه چه رابطه‌ای با یکدیگر دارند. آیا می‌توان به وجود ملازمه میان آن‌ها حکم کرد تا در هوش مصنوعی نیز به دلیل وجود محاسبه، وجود تفکر را نتیجه بگیریم؟ بررسی این مسئله ایجاب می‌کند به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس حکمت سینوی رابطه میان تفکر و محاسبه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، تفکر، محاسبه، حکمت سینوی، ابن سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۶۳. بررسی مسئله ذهن‌مندی رایانه از منظر حکمت اسلامی

سؤال: براساس مبانی حکمت اسلامی ادعای ذهن‌مندی رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه ذهن، فلسفه هوش مصنوعی است. در قلمرو فلسفه هوش مصنوعی این بحث مطرح می‌گردد که حدومرز میان رایانه و نفس انسانی چیست؟ برخی از مدافعان یکسانی رایانه و ذهن و نفس انسانی، از این ایده دفاع می‌کنند که رایانه نیز دارای ذهن است. بنابراین نفس انسانی، و رایانه ازاین جهت با یکدیگر اشتراک دارند که هر دو واجد ذهن‌اند. درمقابل، عده دیگری، ضمن رد ذهن‌مندی رایانه، معتقدند ذهن، امری مجرد است که نه در امور مادی حلول می‌کند و نه با امور مادی ترکیب می‌شود. بنابراین ایده ذهن‌مند بودن رایانه از اساس اشتباه است. باتوجه به نقشی که این نگرش در فضای فلسفه ذهن دارد، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس مبانی حکمت اسلامی، ادعای ذهن‌مندی رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، ذهن‌مندی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۵۶۴. بررسی مسئله آموزش‌پذیری رایانه از منظر علم‌النفس صدرایی

سؤال: براساس علم‌النفس صدرایی ادعای آموزش‌پذیری رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه ذهن، فلسفه هوش مصنوعی است. فلسفه هوش مصنوعی عهده‌دار بررسی مبادی و مبانی نظری هوش مصنوعی است. در سال‌های اخیر در قلمرو فلسفه هوش مصنوعی، این بحث مطرح گردیده است که رایانه و هوش مصنوعی، ظرفیت و قابلیت آموزش دارند. به عبارت دیگر، می‌توان با تمهید مقدماتی زمینه را فراهم کرد تا رایانه نیز توان آموزش و یادگیری داشته باشد. در مباحث علم‌النفس صدرایی تحقیقات بسیاری درباره چستی نفس و توانایی‌های آن انجام شده و نشان داده شده که یکی از قابلیت‌های نفس انسان، آموزش‌پذیری است. در علم‌النفس صدرایی، شروط و شرایطی برای تحقق این قابلیت در یک موجود مطرح شده که از جمله آن می‌توان به قوای ادراکی و قوای تحریکی اشاره کرد. باتوجه به اینکه اثبات وجود چنین قوایی در رایانه نامحتمل است، این مسئله چالشی برای علم‌النفس صدرایی مطرح می‌گردد که چگونه بدون وجود قوای ادراکی و قوای تحریکی می‌توان زمینه را برای فراگیری دانش در رایانه فراهم آورد. از این‌رو لازم است با تمرکز بر این بحث به بررسی و تحقیق پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که براساس علم‌النفس صدرایی ادعای آموزش‌پذیری رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟
کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، آموزش، رایانه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۵۶۵. بررسی مسئله هیجان‌مندی رایانه از منظر علم‌النفس صدرایی

سؤال: براساس علم‌النفس صدرایی ادعای هیجان‌مندی رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه ذهن، فلسفه هوش مصنوعی است. فلسفه هوش مصنوعی عهده‌دار بررسی مبادی و مبانی نظری هوش مصنوعی است. در سال‌های اخیر، در

قلمرو فلسفه هوش مصنوعی، این بحث مطرح گردیده است که رایانه و هوش مصنوعی، ظرفیت و قابلیت هیجان‌مندی دارند. به عبارت دیگر می‌توان با تعبیه برنامه‌هایی در رایانه و هوش مصنوعی به ایجاد بازخوردهای هیجانی در این مصنوعات اقدام کرد. در مباحث علم‌النفس صدرایی تحقیقات بسیاری درباره چستی هیجان، عواطف و احساسات انجام شده است و ثابت شده است وجود چنین حالاتی در نفس انسانی، فرع وجود قوای تحریکی مانند قوه غضبیه و قوه شهویه است. افزون بر این، کاربست این قوا نیز بدون داشتن قوای ادراکی میسر نیست. اکنون روشن می‌گردد که اثبات وجود هیجان در رایانه و هوش مصنوعی چالشی برای علم‌النفس صدرایی است؛ از این رو لازم است با تمرکز بر این بحث، به بررسی و تحقیق پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که براساس علم‌النفس صدرایی ادعای هیجان‌مندی رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، هیجان‌مندی، احساسات، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۶۶. بررسی دیدگاه هیوبرت دریفوس^۱ درباره رابطه انسان و هوش مصنوعی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگرش هیوبرت دریفوس به رابطه انسان و هوش مصنوعی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه ذهن، فلسفه هوش مصنوعی است. فلسفه هوش مصنوعی عهده‌دار بررسی مبادی و مبانی نظری هوش مصنوعی است. در سال‌های اخیر، نزاع‌های گسترده‌ای میان موافقان و مخالفان هوش مصنوعی در گرفته است. بخشی از این نزاع‌ها به ابعاد اخلاقی کاربست هوش مصنوعی مربوط است، و بخشی از آن‌ها به قلمروی فلسفی هوش مصنوعی وارد می‌شود. در قلمرو فلسفه هوش مصنوعی، برخی نویسندگان با ارائه شواهد و ادله‌ای در پی اثبات این نکته برآمده‌اند که نه تنها تمایزی اساسی میان هوش مصنوعی و هوش طبیعی وجود دارد، بلکه اساساً هوش مصنوعی قادر نیست به سطحی از آگاهی و شعور دست یابد که بتوان آن را در سطح انسان در نظر گرفت. برخی از ویژگی‌های

1. Hubert Dreyfus.



انسانی هیچ‌گاه در هوش مصنوعی ظهور نخواهد کرد. هیوبرت دریفوس از جمله کسانی است که به نقد ابعاد مختلف هوش مصنوعی، به‌ویژه رابطه هوش مصنوعی و انسان پرداخته است. از آنجاکه منظر و افق فکری او برپایه نگرش اگزیستانسیالیستی مارتین هایدگر^۱ سامان یافته است، می‌توان با ارائه نگرشی انتقادی برپایه مبانی حکمت متعالیه به ارزیابی نقدهای او بر رابطه هوش مصنوعی و انسان پرداخت. بنابراین پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌گردد که براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگرش هیوبرت دریفوس به رابطه انسان و هوش مصنوعی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، انسان و هوش، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۵۶۷. بررسی نگر فهم ماشینی براساس مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگره فهم ماشینی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه ذهن، فلسفه هوش مصنوعی است. فلسفه هوش مصنوعی عهده‌دار بررسی مبادی و مبانی نظری هوش مصنوعی است. پیشرفت‌های چشمگیر هوش مصنوعی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در موارد بسیاری خطای محاسباتی در هوش مصنوعی بسیار کمتر از فاعل انسانی است. به‌عبارت‌دیگر هوش مصنوعی می‌تواند دیدگاه‌ها و محاسبات واقع‌بینانه‌تری درباره فهم انسانی ارائه کند. این ویژگی هوش مصنوعی، اساس طرح مسئله‌ای فلسفی شده مبنی بر اینکه ملاک تمایز میان فهم ماشینی و فهم انسانی چیست؟ آیا این احتمال وجود دارد که در آینده‌ای نه‌چندان دور فهم ماشینی جایگزین فهم انسانی گردد؟ پرداختن به این مسئله فلسفی به مبانی و اصولی نیاز دارد که در مکاتب فلسفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بخشی از این مبانی و اصول در قلمرو معرفت‌شناسی حکمت متعالیه مورد توجه قرار گرفته است؛ ازاین‌رو می‌توان با مبنا قرار دادن معرفت‌شناسی حکمت متعالیه به بررسی این مسئله پرداخت که براساس مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگره فهم ماشینی وارد است؟

1. Martin Heidegger.



کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، فهم ماشینی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴/۲۵.

۵۶۸. بررسی دیدگاه دیوید دویتج^۱ درباره رابطه فلسفه و هوش مصنوعی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگرش دیوید دویتج به رابطه فلسفه و هوش مصنوعی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه ذهن، فلسفه هوش مصنوعی است. فلسفه هوش مصنوعی عهده‌دار بررسی مبادی و مبانی نظری هوش مصنوعی است. باتوجه به توسعه و پیشرفت فناوری هوش مصنوعی، مسائل بسیاری درباره چیستی و کاربست هوش مصنوعی در جامعه انسانی مطرح شده است. برخی از این مسائل، ناظر به مباحث اخلاقی مرتبط با هوش مصنوعی است. برخی دیگر از مسائل به نادیده گرفتن فلسفه در تحقیقات هوش مصنوعی مربوط می‌شود. دیوید دویتج، از جمله نویسندگانی است که از مطالعات درباره هوش مصنوعی بدون توجه به مباحث فلسفی انتقاد کرده است. در مباحث فلسفی، تحقیقات گسترده‌ای درباره چیستی انسان، حقوق انسان، کرامت انسانی و معنویت در انسان انجام شده است. محققان هوش مصنوعی به هیچ‌یک از این مباحث توجه نمی‌کنند و صرفاً درصدد توسعه فناوری هوش مصنوعی در راستای تسهیل زندگی بشر هستند. اما این پرسش جدی مطرح می‌گردد که تسهیل زندگی بشر به چه قیمتی باید انجام گیرد؟ اینجاست که چالشی جدی درباره رابطه فلسفه و هوش مصنوعی مطرح می‌گردد. باتوجه به ظرفیت‌هایی که در حکمت متعالیه درباره چیستی و ویژگی‌های انسان و نیز رابطه فلسفه با دیگر حوزه‌های دانشی مطرح شده است، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگرش دیوید دویتج به رابطه فلسفه و هوش مصنوعی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم شناختی، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه ذهن، فلسفه منطق، دویتج، هوش، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

1. David Deutsch.



۱,۲,۲۸. فلسفه فناوری

فلسفه فناوری یکی از شاخه‌های مهم فلسفه مضاف است که مباحث بسیاری درباره چپستی و ابعاد فناوری را به دنبال داشته است. این مباحث زمینه طرح دیدگاه‌ها و مکاتب مختلفی را به وجود آورده است. در ادامه برخی از مسائل جدید فلسفه فناوری را از نظر می‌گذرانیم.

۵۶۹. بررسی علت غایی در فناوری از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از علت غایی فناوری می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: فلسفه مضاف به واکاوی ابعاد فلسفی متعلق خود می‌پردازد. فلسفه فناوری نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این حوزه دانش فلسفی به بررسی ابعاد نظری فناوری پرداخته می‌شود. یکی از ابعاد نظری مرتبط با فناوری، مسئله غایت‌مندی فناوری است. پرسش اینجاست که چه هدف و غایتی از فناوری مدنظر است و فناوری درصدد دستیابی به کدامین هدف است. براساس مبانی انسان‌شناختی حکمت متعالیه، مباحث عمیقی درباره چپستی انسان و غایت او مطرح شده و پرواضح است که هر امر انسانی نیز در راستای این غایت خواهد بود؛ از این رو می‌توان با مبنا قرار دادن انسان‌شناسی صدرایی به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از علت غایی فناوری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، علت غایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۵۷۰. بررسی رابطه فناوری و علم از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه رابطه‌ای میان علم و فناوری وجود دارد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. در فلسفه فناوری به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی فناوری پرداخته می‌شود. در بررسی مبانی فناوری روشن می‌گردد، دانش از جمله عواملی است که به شکل‌گیری فناوری می‌انجامد. اما این نکته هم قابل توجه است که فناوری نیز به گسترش علم کمک می‌کند و رابطه‌ای دو سویه میان علم و فناوری وجود دارد. اما نکته‌ای که همچون یک پرسش علمی ظهور می‌کند، این است که کدام نوع از علم به ظهور و گسترش فناوری کمک می‌کند و فناوری به توسعه

کدامین نوع از علوم یاری می‌رساند. اینجاست که پرسش از رابطه علم و فناوری به مسئله‌ای مرتبط با قلمرو فلسفه فناوری مربوط می‌شود و جا دارد به بررسی آن پرداخت. از آنجاکه فلسفه علوم اجتماعی صدراپی ظرفیت مناسبی برای این تحقیق و پژوهش به دست می‌دهد، می‌توان با مبنا قرار دادن این فلسفه به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدراپی چه رابطه‌ای میان علم و فناوری وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، علم، تکنولوژی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۶.

۵۷۱. بررسی فلسفه صنعت در رساله صناعیه میرفندرسکی

سؤال: از منظر میرفندرسکی در رساله صناعیه چه مطالبی درباره فلسفه صنعت به دست می‌آید؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. امروزه، و با گسترش روزافزون فناوری، مسائل فلسفی و نظری فناوری بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مباحثی که در این زمینه مطرح شده است، مراجعه به آثار متقدمان و واکاوی نگرش آنان به صنعت و فناوری، و استخراج دیدگاه ایشان در این زمینه است. در سنت غربی، افلاطون و ارسطو در آثار مختلف خود به مطالبی درباره چیستی فناوری و رابطه علم و فناوری و... پرداخته‌اند. در دوره معاصر نیز هایدگر به تفصیل به موضوع فناوری پرداخته است. در سنت اسلامی، متفکرانی مانند فارابی و میرفندرسکی، صنعت و فناوری را مورد توجه قرار داده‌اند. باتوجه به اینکه میرفندرسکی درباره موضوع صنعت رساله‌ای نگاشته است و دیدگاه‌های خود را در این رساله منعکس کرده است. آشنایی با دیدگاه متفکران متقدم می‌تواند به درک بهتر چیستی و ابعاد مختلف فناوری کمک کند؛ از این رو مناسب است با تمرکز بر محتوای این رساله به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر میرفندرسکی، در رساله صناعیه، چه مطالبی درباره فلسفه صنعت به دست می‌آید؟

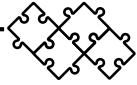
کلیدواژه: فلسفه فناوری، صنعت، حکمت اسلامی، میرفندرسکی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۵۷۲. بررسی نظریه الهامی بودن صنعت از منظر حکیم میرفندرسکی

سؤال: از منظر میرفندرسکی الهامی بودن صنعت چگونه قابل تبیین است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. در فلسفه فناوری



به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی فناوری پرداخته می‌شود. یکی از مباحث مهم درباره فناوری پرسش از خاستگاه فناوری است. درحالی‌که در کتب بزرگانی مانند ارسطو، طبیعت خاستگاهی برای الگوگیری به‌منظور طراحی و گسترش صنعت و فناوری شمرده شده است، برخی از متفکران، عنصر خیال را خاستگاه صنعت و فناوری معرفی کرده‌اند. در این میان، میرفندرسکی، فیلسوف اسلامی، تلاش کرده است الهامی بودن خاستگاه صنعت را تبیین کند. در صورتی‌که الهامی بودن خاستگاه صنعت و فناوری به اثبات رسد، می‌توان وجهی الهی برای صنعت و فناوری در نظر گرفت. البته نباید از نظر دور داشت که در برخی از متون دینی فراگیری برخی از صنایع ناشی از تعلیم الهی شمرده شده است. به‌هرحال، باتوجه‌به مهم بودن توجه به خاستگاه صنعت و فناوری مناسب است با تمرکز بر دیدگاه میرفندرسکی به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر میرفندرسکی الهامی بودن صنعت چگونه قابل تبیین است؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، الهام، صنعت، حکمت اسلامی، میرفندرسکی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۵۷۳. بررسی رابطه فناوری و ایمان از منظر الهیات متعالیه

سؤال: از منظر الهیات متعالیه چه تبیینی از رابطه میان فناوری و ایمان می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. امروزه و با گسترش روزافزون فناوری مسائل فلسفی و نظری فناوری بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مباحثی که در این زمینه مطرح شده، ارتباط فناوری با دین است. فناوری امری مرتبط با انسان است؛ دین نیز چنین است. فناوری باعث سهولت زندگی انسان می‌گردد، و دین نیز ایمان را برای انسان به ارمغان می‌آورد. برخی از الهی‌دانان مسیحی با فروکاستن دین و ایمان به زنگی مشقت‌آمیز، هرگونه تسهیل در زندگی انسان را در تقابل با ایمان تفسیر می‌کنند. آنان در این زمینه به این واقعیت تاریخی اشاره می‌کنند که بزرگ‌ترین الگوهای انسانی دین، پیامبرانی بودند که بیشترین دشواری‌ها و مشقت‌ها را در زندگی متحمل شدند. اما به نظر می‌رسد برای اظهارنظر در این زمینه به تحقیق و پژوهش بیشتری نیاز باشد؛ زیرا متون دینی هیچ‌گاه دشواری زندگی را یک ارزش مطلق و نهایی نشمردند و بر آن تأکید



نکرده‌اند، و اگر در بستر تاریخی چنین مواردی مشاهده می‌شود، ناشی از توصیه دین به دشواری در زندگی نبوده است. به هر حال، مسئله رابطه فناوری و مظاهر دین مانند ایمان، به مسئله‌ای فلسفی تبدیل می‌گردد که بررسی و تحقیق را ایجاب می‌کند. باتوجه به اینکه الهیات متعالیه نیز مانند الهیات عقلانی معاصر، ظرفیت مناسبی برای مبنا قرار گرفتن در این بحث دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر الهیات متعالیه چه تبیینی از رابطه میان فناوری و ایمان می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، ایمان، تکنولوژی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲.

۵۷۴. بررسی جهت‌داری فناوری از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه تبیینی از جهت‌داری فناوری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. در فلسفه فناوری به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی فناوری پرداخته می‌شود. یکی از مباحث جدی درباره فناوری مسئله جهت‌داری یا عدم جهت‌داری فناوری است. برخی از نویسندگان معاصر ضمن انتخاب رویکردی انتقادی درباره فناوری، این ایده را مطرح کرده‌اند که اساساً فناوری در راستای تعمیق تعلق انسان به جهان مادی و ناسوت گام برمی‌دارد؛ از این رو به رغم ادعای نقش فناوری در تسهیل زندگی بشر، درحقیقت این پدیده در راستای انحطاط بشر پیش می‌رود و بنابراین هیچ‌وجه ایجابی در فناوری وجود ندارد. درمقابل، برخی دیگر از نویسندگان ضمن تأکید بر ابعاد سلبی و ابعاد ایجابی فناوری، بر لزوم انتخاب رویکرد گزینش، درباره فناوری تأکید کرده‌اند. روشن است هرگونه داوری در این مسئله، به انتخاب موضع هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نیاز دارد. باتوجه به اینکه این دست مبانی در حکمت متعالیه به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است، مناسب است با انتخاب موضع صدرایی در معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه تبیینی از جهت‌داری فناوری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، تکنولوژی، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۶.



۵۷۵. بررسی رابطه فناوری فرهنگ از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه تبیینی از رابطه فناوری و فرهنگ می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. امروزه، و با گسترش روزافزون فناوری، مسائل فلسفی و نظری فناوری بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مباحثی که در این زمینه مطرح شده، رابطه میان فناوری و فرهنگ است. برخی از نویسندگان معاصر با تکیه بر زمینه‌مندی پدیده‌های انسانی بر این نکته تأکید کرده‌اند که فناوری نیز از آن جهت که پدیده‌ای انسانی است، واجد ابعاد فرهنگی است. از این رو لازم است در مواجهه با هرگونه فناوری به مقتضیات فرهنگ‌ها توجه کرد. در مقابل، برخی دیگر از نویسندگان مسائل فرهنگی را ناظر به ابعاد کاربستی فناوری می‌شمارند و برای عناصر فرهنگی نقشی در هویت فناوری قائل نیستند. با توجه به اینکه دآوری در این زمینه به مبانی نظری و فلسفی نیاز دارد و از آنجاکه ظرفیت لازم در فلسفه علوم اجتماعی صدرایی برای این کار وجود دارد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه تبیینی از رابطه فناوری و فرهنگ می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، تکنولوژی، فرهنگ، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۷۶. بررسی رابطه فناوری و از خودبیگانگی از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه رابطه‌ای میان فناوری و از خودبیگانگی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. در فلسفه فناوری به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی فناوری پرداخته می‌شود. در بررسی ابعاد مختلف فناوری با مسائل مختلفی مواجه می‌شویم که از جمله آن‌ها می‌توان به رابطه فناوری و فرهنگ، رابطه فناوری و دین و نیز رابطه فناوری و از خودبیگانگی اشاره کرد. درباره رابطه فناوری و از خودبیگانگی بحث‌های دامنه‌داری میان متفکران و نویسندگان معاصر در گرفته است. این مباحث از حدومرز آثار مکتوب فراتر رفته است و در قالب فیلم‌های سینمایی نیز تبلور یافته است. عصر ماشین‌ها یکی از مهم‌ترین این فیلم‌هاست که با هنرمندی چارلی چاپلین به نحو بسیار رسایی از خودبیگانگی انسان در عصر فناوری را به نمایش می‌گذارد. درباره نقش فناوری در توسعه از خودبیگانگی مباحث جدی نظری وجود دارد، از جمله اینکه



آیا خود فناوری چنین امری را موجب می‌گردد، یا آنکه نوع نگرش جامعه و مواجهه افراد با فناوری در این معضل دخیل است؟ باتوجه به اهمیت این مسئله لازم است با انتخاب یک موضع متقن فلسفی به بررسی و ارزیابی این مسئله بپردازیم. به نظر می‌رسد که انسان‌شناسی صدرایی ظرفیت مناسبی برای مبنا قرار گرفتن برای بررسی این مسئله واجد است. از این رو می‌توان پرسش تحقیق را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه رابطه‌ای میان فناوری و از خودبیگانگی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، تکنولوژی، از خودبیگانگی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۷۷. بررسی رابطه فناوری و معنای زندگی از الهیات صدرایی

سؤال: از منظر الهیات صدرایی چه تبیینی از رابطه میان فناوری و معنای زندگی می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. در فلسفه فناوری به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی فناوری پرداخته می‌شود. در بررسی ابعاد مختلف فناوری با مسائل مختلفی مواجه می‌شویم که از جمله آن‌ها می‌توان به رابطه فناوری و فرهنگ، رابطه فناوری و دین و نیز رابطه فناوری و معنای زندگی اشاره کرد. درباره رابطه فناوری و معنای زندگی مباحث جدی در میان نویسندگان در گرفته است. برخی بر این باورند که فناوری به ترویج پوچ‌گرایی می‌انجامد که در تقابل با معنای زندگی قرار دارد. آنچه برای بشر امروزی ضرورت دارد نه فناوری، که یافتن معنای زندگی در جامعه فناوری‌زده معاصر است. تلاش و کوشش بسیاری از متفکران در راستای گسترش معنای زندگی در جوامع بشری است، اما از سوی دیگر با گسترش فناوری این تلاش‌ها خنثی می‌گردد. باتوجه به اینکه مسئله رابطه فناوری و معنای زندگی از اهمیت بسیاری برخوردار است، و در الهیات صدرایی نیز از سویی به ابعاد وجودی انسان، از جمله غایت زندگی توجه شده است، و از سوی دیگر نحوه زیست او نیز مورد توجه قرار گرفته است، مناسب است با مبنا قرار دادن الهیات صدرایی به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر الهیات صدرایی چه تبیینی از رابطه میان فناوری و معنای زندگی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، تکنولوژی، معنای زندگی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۶.



۵۷۸. بررسی رابطه قوه متخیله و فناوری از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه رابطه‌ای میان خیال و فناوری وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فناوری است. در فلسفه فناوری به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی فناوری پرداخته می‌شود. در بررسی مبانی فناوری روشن می‌گردد که قوه خیال از جمله عواملی است که به شکل‌گیری فناوری می‌انجامد. اما اینکه قوه خیال چیست و چه نقشی در شکل‌گیری فناوری دارد، مسئله‌ای است که به پژوهش و تحقیق نیاز دارد. درست است که یکی از قوای نفس انسانی، قوه خیال است اما این قوه در عملکرد خود تابع برخی شروط و شرایط است و لازم است با در نظر گرفتن شروط و شرایط مذکور به تجزیه و تحلیل کارکرد این قوه بپردازیم. در انسان‌شناسی صدرایی مباحث بسیاری درباره چیستی قوه خیال، رابطه آن با سایر قوا و شرایط کاربست آن مطرح شده است. حال باتوجه به اینکه انسان‌شناسی صدرایی ظرفیت مناسبی برای این تحقیق و پژوهش به دست می‌دهد، می‌توان با مبنا قرار دادن این فلسفه به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه رابطه‌ای میان خیال و فناوری وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه فناوری، تکنولوژی، خیال، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱,۲,۲۹. فلسفه علوم سایر، فلسفه فضای مجازی و فلسفه رسانه

فلسفه مضاف در سال‌های اخیر شاهد شکل‌گیری بسیاری از شاخه‌های جدید بوده است که از میان آن‌ها می‌توان به فلسفه سایر، فلسفه فضای مجازی و فلسفه رسانه اشاره کرد. در ادامه به برخی از مسائل جدید این شاخه‌های فلسفه مضاف اشاره می‌کنیم.

۵۷۹. بررسی رابطه هستی‌شناختی فضای مجازی و جهان واقعی با تأکید بر نظریه اعتباریات منظر علامه طباطبائی

سؤال: با تأکید بر نظریه اعتباریات علامه طباطبائی رابطه هستی‌شناختی فضای مجازی و جهان واقعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های نوپدید فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. امروزه و با گسترش فضای مجازی، بحث درباره فلسفه و مبانی نظری این حوزه دانشی گسترش

یافته است. بخشی از مباحث این حوزه ناظر به چیستی و ماهیت فضای مجازی است. بخشی دیگر از این مباحث، به رابطه فضای مجازی با سایر حوزه‌ها می‌پردازد. باتوجه به اینکه فضای مجازی درمقابل فضای حقیقی قرار دارد، مناسب است به بررسی و واکاوی ربط و نسبت فضای مجازی با فضای حقیقی بپردازیم. علامه طباطبائی، که از متفکران برجسته معاصر است با طرح نظریه اعتباریات، زمینه علمی مناسبی را برای این‌گونه مباحث فراهم ساخته است. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که با تأکید بر نظریه اعتباریات علامه طباطبائی رابطه هستی‌شناختی فضای مجازی و جهان واقعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایر، فضای مجازی، جهان واقعی، اعتباریات، حکمت متعالیه، علامه طباطبائی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۵۸۰. بررسی تحلیلی - انتقادی مؤلفه‌های مفهوم فضای مجازی

سؤال: در یک بررسی تحلیلی - انتقادی مؤلفه‌های مفهوم فضای مجازی کدام است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی فضای مجازی پرداخته می‌شود. یکی از مباحث مهم در این زمینه معیار چیستی فضای مجازی است. برای پیشبرد هر بحث علمی لازم است در ابتدا مفهوم‌شناسی دقیقی از موضوع آن شاخه علمی انجام شود. اینکه معیار دقیق فضای مجازی چیست و مؤلفه‌های آن کدام است، از مباحث مهم فلسفه فضای مجازی است. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر این مسئله به بررسی این پرسش بپردازیم که در یک بررسی تحلیلی - انتقادی مؤلفه‌های مفهوم فضای مجازی کدام است؟

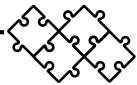
کلیدواژه: فلسفه علوم سایر، فضای مجازی، هوش، سیستم‌های ارتباطاتی، سیستم‌های منطقی، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۵۸۱. بررسی الهیات سایر براساس مبانی حکمت صدرایی

سؤال: در یک بررسی از منظر مبانی حکمت صدرایی چه اشکال‌هایی بر الهیات سایر وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علوم سایر یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف است. در فلسفه



علوم سایر به مبانی و مبادی علوم سایر پرداخته می‌شود. این مبانی دربردارنده مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی است. در کنار این موارد می‌توان مبانی الهیاتی علوم سایر را مورد توجه قرار داد. امروزه و با گسترش قلمرو سایر مباحث جدیدی در موضوع فلسفه علوم سایر مطرح شده است. یکی از این مباحث، بحث الهیات سایر است. مقصود از الهیات سایر، آن تقریری از الهیات است که در جهان سایر، غلبه و رواج دارد. در جهان سایر انسان خالق، مُبدع و فَعّال ما یشاء است و از این‌رو چیزی ورای اراده انسانی تصور نمی‌شود. چنین نگرشی فضا و زمینه‌ای برای طرح امور فوق انسانی فراهم نمی‌کند، بلکه به‌شدت با آن مقابله می‌کند. این‌گونه است که آموزه‌های الحادی در جهان سایر رواج می‌یابد. اما روشن است که الهیات جهان سایر نیاز به مبانی نظری دارد و برپایه نگرش متعالیه به هستی، خداوند خالق انسان است و انسان موجودی مخلوق است. از این‌رو پایه و اساس الهیات سایر قابل نقد و ارزیابی است. بنابراین می‌توان با تکیه بر مبانی حکمت صدرایی به واکاوی این پرسش پرداخت که در یک بررسی از منظر مبانی حکمت صدرایی چه اشکال‌هایی بر الهیات سایر وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایر، الهیات سایر، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۷۵.

۵۸۲. بررسی چالش‌های تأثیر فضای مجازی بر فضای حقیقی از منظر تحلیل صدرایی اصل علیت

سؤال: براساس تحلیل صدرایی اصل علیت چه انتقادهایی بر چالش تأثیر فضای مجازی بر فضای حقیقی وارد است؟

تبیین مسئله: امروزه گسترش فضای مجازی مسائل جدیدی را دربرابر انسان قرار داده است که از سنخ مباحث فلسفی است و بررسی آن‌ها روشی فلسفی و عقلی را می‌طلبد. براساس مبانی هستی‌شناسی صدرایی، عالم وجود دارای مراتبی است و از ضعیف‌ترین مرتبه تا قوی‌ترین مرتبه را شامل می‌گردد. براساس این نگرش، آنچه براساس اراده انسانی سامان گرفته، وجودی ضعیف‌تر از انسان دارد. ازسوی دیگر، اساس فضای مجازی برپایه اراده و اعتبار فاعل انسانی شکل گرفته و از این‌رو فضای مجازی، مرتبه‌ای نازل‌تر از مرتبه انسان دارد. با این حال شاهد آن هستیم که فضای مجازی بر اراده‌های انسانی در فضای حقیقی و جهان حقیقی مؤثر است. اینجاست که مسئله‌ای فلسفی مطرح می‌شود که چگونه مرتبه



ضعیف‌تر هستی بر مرتبه قوی‌تر آن اثر می‌گذارد. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس تحلیل صدرایی اصل علّیت، چه انتقادهایی بر چالش تأثیر فضای مجازی بر فضای حقیقی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، فضای حقیقی، اصل علّیت، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۵۸۳. بررسی جایگاه فضای مجازی در نظام هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: جایگاه فضای مجازی در نظام هستی‌شناسی صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: امروزه گسترش فضای مجازی مسائل جدیدی را در برابر انسان قرار داده است که از سنخ مباحث فلسفی است و بررسی آن‌ها روشی فلسفی و عقلی را می‌طلبد. براساس مبانی هستی‌شناسی صدرایی، عالم وجود دارای مراتبی است و از ضعیف‌ترین مرتبه تا قوی‌ترین مرتبه را شامل می‌گردد. براساس این نگرش، هر حقیقتی که واجد هستی باشد، در نظام هستی دارای مرتبه‌ای است و می‌توان با بررسی ویژگی‌های آن، جایگاه هستی‌شناختی آن پدیده را در نظام هستی تعیین کرد. برای نمونه، موجودات مادی، که از نظر زمان و مکان محدودند، در مرتبه نازله هستی قرار دارند. درمقابل، موجوداتی که فراتر از زمان و مکان باشند، در مرتبه بالاتری از هستی قرار خواهند گرفت. باتوجه به این چینش نظام هستی، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که جایگاه فضای مجازی در نظام هستی‌شناسی صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۵۸۴. بررسی دلالت‌های فضای مجازی در مسئله معنای زندگی از منظر حکمت متعالیه

سؤال: از منظر حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر دلالت‌های فضای مجازی در مسئله معنای زندگی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. طرح و گسترش فضای مجازی زمینه را برای مطرح شدن مباحث بسیاری فراهم ساخته است.



ازجمله مباحث مرتبط با این موضوع، مسئله نقش و تأثیر فضای مجازی در مسئله معنای زندگی است. بدون تردید انسان موجودی ذی‌شعور و دارای آگاهی است. شعورمندی و داشتن آگاهی موجب می‌گردد برای انسان پرسش از معنای زندگی مطرح گردد و اندیشه و ذهن بسیاری از افراد را به خود مشغول دارد. ازسوی دیگر یکی از ابزارهایی که می‌تواند انسان را به پاسخ پرسش خود برساند، فضای مجازی است. حال اگر در نظر آوریم که فضای مجازی زاینده اراده برخی از انسان‌هاست و اعتبار و جعل آن‌ها در شکل‌گیری فضای مجازی مؤثر بوده، درخواهیم یافت که بسیاری از انسان‌ها برای یافتن پاسخی برای پرسش از معنای زندگی به چیزی مراجعه می‌کنند دیگران درباره معنای زندگی اراده کرده‌اند. اینجاست که رویارویی انتقادی با این فرایند ضروری می‌نماید. ازاین‌رو این پرسش را مطرح و بررسی می‌کنیم که از منظر حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر دلالت‌های فضای مجازی در مسئله معنای زندگی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، معنای زندگی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۵۸۵. بررسی نقش فضای مجازی در ازخودبیگانگی برپایه انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نقش فضای مجازی در ازخودبیگانگی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. در این قلمرو جدید فلسفی به بررسی و تجزیه و تحلیل مبانی و مبادی فضای مجازی پرداخته می‌شود. یکی از مسائل مهم درباره فضای مجازی نقشی است که این قلمرو در موضوع ازخودبیگانگی ایفا می‌کند. براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی اساس هویت انسان بر تعلق به واجب‌الوجود و عین‌الربط بودن او به واجب‌الوجود استوار است. اما هنگامی که انسان در تعامل با فضای مجازی قرار می‌گیرد، ویژگی‌های چنین فضایی زمینه را برای غفلت انسان از حقیقت خویش فراهم می‌سازد. به باور بسیاری از کسانی که عهده‌دار بررسی ابعاد مختلف فضای مجازی هستند، این فضا آموزه‌های انسان‌گرایانه را به مخاطب خود القا می‌کند و انسان را ابرقدرت و وجود برتری می‌شمرد، که فراتر از او قابل‌تصور نیست. القا این مطلب، زمینه فراموشی خود و غفلت از حقیقت وجود خویش را به وجود می‌آورد. ازاین‌رو رویارویی



انتقادی با این وجه از فضای مجازی لازم است. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نقش فضای مجازی در ازخودبیگانگی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، ازخودبیگانگی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲.

۵۸۶. بررسی رابطه قوه متخیله و فضای مجازی از منظر علم‌النفس سینی

سؤال: از منظر علم‌النفس سینی رابطه میان قوه خیال و فضای مجازی چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. در فلسفه فضای مجازی به بررسی و تحقیق درباره مبادی و مبانی فضای مجازی پرداخته می‌شود. ازجمله مبادی فلسفه مجازی، نقش قوه متخیله در سامان دادن به ابعاد مختلف فضای مجازی است. قوه متخیله در کنار قوه واهمه و قوه عاقله ازجمله قوای ادراکی انسان است. براساس ره‌آورد علم‌النفس سینی، قوه متخیله بستر لازم را برای خلاقیت در انسان فراهم می‌سازد و بسیاری از ابعاد فضای مجازی برگرفته از تأثیرات چنین قوه‌ای در انسان است. باین‌حال نباید از نظر دور داشت که سپردن ایجاد و تدبیر امور به دست قوه متخیله به‌تنهایی، باعث دور شدن انسان از غایت و هدف نهایی زندگی خود خواهد شد. هرگونه فعالیت قوه متخیله باید در سایه فعالیت قوه عاقله انجام گیرد. بنابراین لازم است رابطه و مناسبات میان قوه متخیله و فضای مجازی بازخوانی گردد و بر نقش قوه عاقله تأکید شود. با در نظر داشتن این مطلب می‌توان پرسش تحقیق را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر علم‌النفس سینی رابطه میان قوه متخیله و فضای مجازی چگونه ارزیابی می‌شود؟
کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، قوه متخیله، حکمت سینی، ابن‌سینا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۵۸۷. بررسی تحلیلی نقش فضای مجازی در فرایند باورسازی از منظر علم‌النفس صدرایی

سؤال: از منظر علم‌النفس صدرایی کارکرد فضای مجازی در فرایند باورسازی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه فضای مجازی یک از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف است. در این



شاخه فلسفی و عقلی به بررسی مبانی و مبادی فضای مجازی پرداخته می‌شود. فضای مجازی، به‌رغم آنکه زاییده قوه خیال، وهم و در مواردی قوه عاقله است، تأثیر فراوانی بر سطوح مختلف جامعه انسانی دارد. از جمله تأثیرات فضای مجازی تأثیر آن بر باورها و اعتقادات افراد است و از همین جهت با مباحث علم‌النفس، و الهیات مرتبط می‌گردد. باتوجه‌به اینکه فضای مجازی در شکل‌دهی به باورهای افراد نقش بسیار مؤثری دارد، برخی از افراد به‌جای واکاوی خاستگاه این تأثیرات، به طرح الهیات سایبر پرداخته‌اند که براساس آن، الهیات حاکم بر فضای سایبر را گونه‌ای جدید از الهیات دانسته‌اند. اما به نظر می‌رسد به‌جای طرح الهیات سایبر لازم باشد، به واکاوی علل و عواملی بپردازیم که چنین نقش گسترده‌ای برای فضای سایبر به وجود آورده است. به نظر می‌رسد بخش وسیعی از تأثیر فضای سایبر در شکل‌گیری باورها و اعتقادات، نه برپایه تعاملات عقلانی، بلکه براساس تأثیر قوه خیال بر مخاطبان باشد. با این توضیح، لازم است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علم‌النفس صدرايي کارکرد فضای مجازی در فرایند باورسازی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، باورسازی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۵۸۸. بررسی تحلیلی مبانی محاکات در فضای مجازی از منظر علم‌النفس سینوی

سؤال: از منظر علم‌النفس سینوی عنصر محاکات در فضای مجازی چگونه تجزیه و تحلیل می‌گردد؟

تبیین مسئله: فلسفه فضای مجازی از جمله شاخه‌های جدید و نوپای فلسفه مضاف است. در فلسفه فضای مجازی به بررسی و واکاوی مبادی تصویری، تصدیقی و مبانی و اصول فضای مجازی پرداخته می‌شود. یکی از ویژگی‌های اساسی فضای مجازی، که آن را با فضای حقیقی متفاوت ساخته است، نقش محاکات در فضای مجازی است. از آنجاکه هنرهای مختلفی، از هنرهای تجسمی و تصویری تا هنرهای نمایشی، در شکل‌دهی به فضای مجازی نقش دارند، عنصر محاکات نقش مهمی در به وجود آوردن فضای مجازی برعهده دارد. نقش محاکات، به‌رغم اهمیتش، کمتر مورد توجه محققان فلسفه فضای مجازی قرار گرفته است. باتوجه‌به اینکه در علم‌النفس سینوی، مباحث بسیاری درباره چیستی محاکات و ابعاد آن مطرح شده است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علم‌النفس سینوی عنصر محاکات در فضای مجازی چگونه تجزیه و تحلیل می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، محاکات، حکمت سینوی، ابن‌سینا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۵۸۹. بررسی مبانی فضای مجازی براساس هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیلی از مبانی فضای مجازی می‌توان ارائه کرد؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. فضای مجازی در اثر گسترش شبکه‌های ارتباطی مانند اینترنت گسترش بسیاری یافته است و روزانه، محتوای موجود در فضای مجازی مورد استفاده و استناد بسیاری از کاربران قرار می‌گیرد. اما نکته مهم، بررسی مبانی شکل‌گیری فضای مجازی است. روشن است که عموم کنش‌ها و رفتارهای انسان برخاسته از زمینه‌هایی در وجود او به‌همراه کاربست مواد اولیه است. مطالعه زمینه‌های درونی انسان نشان می‌دهد که انسان دارای قوای ادراکی و تحریکی است و هرکدام از قوای درونی انسان، کارویژه خاصی دارند. تحلیل و واکاوی نحوه شکل‌گیری فضای مجازی نشان می‌دهد قوای مختلفی از قوه حس و خیال گرفته تا قوای تحریکی، جملگی در پیدایش فضای مجازی نقش داشته‌اند. همچنین برخی از مبانی نظری در شکل‌گیری فضای مجازی و توسعه آن مؤثر بوده‌اند. مطالعه مبانی و عوامل پیدایش و توسعه فضای مجازی به‌رغم آنکه مبحث بسیار مهمی است، چندان مورد توجه نبوده است. ازاین‌رو مناسب است با مبنا قرار دادن هستی‌شناسی صدرایی، که مکتب رایج و غالب حکمت اسلامی در دوره معاصر است، به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیلی از مبانی فضای مجازی می‌توان ارائه کرد؟
 کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۵۹۰. بررسی نقش اعتباریات در تحلیل ابعاد فضای مجازی از منظر علامه طباطبائی

سؤال: براساس نظریه اعتباریات علامه طباطبائی چه تحلیلی از ابعاد فضای مجازی می‌توان ارائه کرد؟
 تبیین مسئله: فلسفه فضای مجازی از قلمروهای نوظهور در وادی فلسفه مضاف است. بخشی از مباحث فلسفه فضای مجازی، به واکاوی عوامل شکل‌گیری فضای مجازی مربوط می‌گردد. در سنت فلسفه اسلامی، علامه طباطبائی با طرح دیدگاهی بدیع درباره



اعتباریات، زمینه مناسبی برای مطالعه و بررسی پدیده‌های اجتماعی نوظهور، مانند فضای مجازی فراهم آورده است. بدون تردید پدیده‌های اجتماعی مانند فضای مجازی جز از طریق کاربست اعتباریات در کنار سایر عوامل، زمینه ظهور و بروز نمی‌داشتند. اما نکته مهم، بررسی این مسئله است که اعتباریات اجتماعی انسان، چگونه در شکل‌گیری فضای مجازی و ابعاد مختلف آن تأثیر دارد. به عبارت دیگر لزوم تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف فضای مجازی ایجاب می‌کند با مبنا قرار دادن نظریه اعتباریات علامه طباطبائی به بررسی نقش اعتبار در ابعاد مختلف فضای مجازی اقدام کنیم. از این رو می‌توان پرسش تحقیق را این‌گونه صورت‌بندی کرد: براساس نظریه اعتباریات علامه طباطبائی چه تحلیلی از ابعاد فضای مجازی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، اعتباریات، حکمت متعالیه، علامه طباطبائی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۵۹۱. بررسی اخلاق کاربردی ناظر به فضای مجازی براساس نظام اخلاق صدرایی

سؤال: از منظر نظام اخلاق صدرایی، اخلاق کاربردی ناظر به فضای مجازی چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. پایه و اساس فضای مجازی بر ارتباطات گسترده و ساده در فضاهای مختلف، از اینترنت گرفته تا گروه‌ها و کانال‌ها بنا شده است. گسترش روزافزون فضای مجازی باعث پیچیده شدن روابط حاکم بر فضای مجازی گردیده است. این امر رفتارهای مختلفی را به دنبال دارد. بنابراین لازم است براساس نگرش اسلامی، ازسویی به خاستگاه و منشأ این رفتار توجه داشت و ازسویی دیگر، قواعد و قوانین اخلاقی حاکم بر این رفتار را شناسایی کرد. باتوجه‌به اینکه اخلاق صدرایی مشتمل بر اصول و قواعد حاصل از هماهنگی میان عقل، نقل و شهود است، مناسب است با مبنا قرار دادن آن به بررسی نظام اخلاقی حاکم بر فضای مجازی پرداخت. از این رو پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌گردد: از منظر نظام اخلاق صدرایی، اخلاق کاربردی ناظر به فضای مجازی چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، اخلاق کاربردی، اخلاق متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۵۹۲. بررسی نقش خیال در اثرگذاری فضای مجازی بر کنش‌های انسانی از منظر علم‌النفس صدرایی

سؤال: از منظر علم‌النفس صدرایی قوه خیال چه نقشی در اثرگذاری فضای مجازی برعهده دارد؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای جدید در فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. امروزه و با گسترش فضای مجازی زمینه تأثیر آن بر افکار، گفتار و رفتار افراد بیش‌ازپیش فراهم شده است. بررسی نحوه تأثیر فضای مجازی بر افراد گواه آن است که در این میان، عنصر خیال بیش از عنصر عقل، نقش و تأثیر دارد. روشن است که قوه خیال متأثر از ادراکات حسی است و فاقد توان درک عقلی است. ازاین‌رو قوه خیال، فاقد ظرفیت لازم برای مبنا قرار گرفتن درباره فرایندهای باورساز است. نکته مهمی که در این میان توجه فیلسوفان فضای مجازی را به خود مشغول داشته است، راهکارهای جلوگیری از آسیب‌های خیال بر باورها و اعتقادات افراد است. باتوجه‌به اینکه در علم‌النفس صدرایی تلاش‌های بسیاری برای واکاوی چیستی و ابعاد مختلف قوه خیال صورت گرفته است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر علم‌النفس صدرایی قوه خیال چه نقشی در اثرگذاری فضای مجازی برعهده دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، خیال، فضای مجازی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۹۳. بررسی نقش فضای مجازی در تغییر سبک زندگی از منظر نظام اخلاق صدرایی

سؤال: از منظر نظام اخلاق صدرایی چه تبیینی از نقش فضای مجازی در تغییر سبک زندگی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. ابعاد مختلفی از فضای مجازی، توجه فیلسوفان فضای مجازی را به خود مشغول داشته است. یکی از ابعاد فضای مجازی نقش و تأثیری است که بر سبک زندگی افراد دارد. باتوجه‌به اینکه بخش عمده فضای مجازی ناظر به افکار، اعتقادات و سبک زندگی است، تعامل افراد با فضای مجازی، زمینه را برای الگوگیری و تبعیت از الگوهای رایج در فضای مجازی فراهم می‌کند. گذشته از این، برخی ویژگی‌هایی که در فضای مجازی ترویج می‌گردد، مشتمل بر ویژگی‌هایی مانند سهولت، سادگی، تساهل و تسامح است. روشن است که گسترش این سبک زندگی، که لزوماً مطابق با سبک زندگی اسلامی نیست، زمینه تغییر ارزش‌ها را در



جامعه فراهم می‌سازد. از این‌رو لازم است برای مواجهه انتقادی با آن اقدام کرد. بنابراین می‌توان با مبنا قرار دادن اخلاق فلسفی و عقلی به مواجهه انتقادی با سبک زندگی‌ای رفت که فضای مجازی آن را ترویج می‌کند. از این‌رو پرسش تحقیق عبارت خواهد بود از اینکه از منظر نظام اخلاق صدرایی چه تبیینی از نقش فضای مجازی در تغییر سبک زندگی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، سبک زندگی، اخلاق متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۹۴. بررسی تعاملات فضای مجازی و فضای حقیقی براساس هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی صدرایی تعاملات فضای مجازی و فضای حقیقی چگونه تبیین می‌گردد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های نوپدید فلسفه مضاف، فلسفه فضای مجازی است. امروزه و با گسترش فضای مجازی، بحث درباره فلسفه و مبانی نظری این حوزه دانشی گسترش یافته است. بخشی از مباحث این حوزه، ناظر به چیستی و ماهیت فضای مجازی است. بخشی دیگر از مباحث به رابطه فضای مجازی با سایر حوزه‌ها می‌پردازد. باتوجه به اینکه فضای مجازی درمقابل فضای حقیقی قرار دارد، مناسب است به بررسی و واکاوی ربط و نسبت فضای مجازی با فضای حقیقی بپردازیم. براساس مبانی هستی‌شناسی صدرایی، عالم وجود دارای مراتب است و از ضعیف‌ترین مرتبه تا قوی‌ترین مرتبه را شامل می‌گردد. براساس این نگرش، هر حقیقتی که واجد هستی باشد در نظام هستی دارای مرتبه‌ای است و می‌توان با بررسی ویژگی‌های آن جایگاه، هستی‌شناختی آن پدیده را در نظام هستی تعیین کرد. روشن است که مراتب مختلف وجود در ارتباط با هم قرار دارند و نحوه‌ای از تعامل و تأثیر و تأثر میان آن‌ها را می‌توان شناسایی کرد. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر هستی‌شناسی صدرایی به بررسی این سؤال بپردازیم که از منظر هستی‌شناسی صدرایی تعاملات فضای مجازی و فضای حقیقی چگونه تبیین می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، فضای حقیقی، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۵۹۵. بررسی اصالت فضای مجازی براساس هستی‌شناسی صدرایی

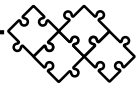
سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی بر نفی ابزارانگاری فضای مجازی وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه فضای مجازی از جمله قلمروهای نوظهور در عرصه فلسفه است. این شاخه از فلسفه مضاف با استفاده از روش تحلیلی - عقلی به بررسی مبانی و اصول فضای مجازی می‌پردازد. امروزه و با رواج و گسترش فضای مجازی، زمینه برای طرح دیدگاه‌های مختلف درباره ماهیت و چیستی فضای مجازی مطرح شده است. همچنین برخی از نویسندگان به مقایسه و سنجش رابطه میان فضای مجازی و فضای حقیقی پرداخته‌اند. برخی از نویسندگان معاصر به طرح این دیدگاه پرداخته‌اند که در مقایسه میان فضای مجازی و فضای حقیقی، این فضای مجازی است که اصالت و تقدم دارد. این سخن بدان معناست که فضای حقیقی در مقایسه با فضای مجازی، نقش پیرو و تابع را برعهده دارد. به نظر می‌رسد براساس معیارهای مطرح در هستی‌شناسی صدرایی، نه تنها فضای مجازی از اصالت برخوردار نیست، بلکه در میان موجودات حقیقی نیز حیث وجودی آن‌ها اصالت دارد و ابعاد ماهوی آن‌ها، اعتباری شمرده می‌شود. بنابراین با این توضیح، نگرش مطرح شده درباره اصالت و تقدم فضای مجازی نیازمند مواجهه انتقادی است. از این‌رو سؤال تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که براساس هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی بر نفی ابزارانگاری فضای مجازی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۷۵.

۵۹۶. بررسی تحول هویت انسانی در اثر تعامل با فضای مجازی از منظر انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به نظریه تحول هویت انسانی در اثر فضای مجازی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه فضای مجازی از جمله زمینه‌های جدید در موضوع فلسفه مضاف است. در فلسفه فضای مجازی به بررسی و تحقیق درباره مبانی و مبادی فضای مجازی پرداخته می‌شود. روش به‌کاررفته در این حوزه دانشی، همان روش عقلی و فلسفی است. برخی از موضوعات فلسفه فضای مجازی عبارت است از چیستی فضای مجازی، جایگاه فضای مجازی در نظام هستی، رابطه فضای مجازی با سایر مراتب هستی، عوامل شکل‌گیری



فضای مجازی و پیامدهای فضای مجازی. از جمله پیامدهای فضای مجازی، نقشی است که این سنخ از هستی درباره موضوع هویت، برعهده دارد. به اذعان بسیاری از محققان فضای مجازی، می‌تواند بر تحول و تغییر هویت انسانی مؤثر باشد. اینکه این تأثیر درجهت مثبت و خودآگاهی است یا آنکه به تحریف هویت انسانی می‌انجامد، نیازمند تحقیقات میدانی است. اما می‌توان با مبنا قرار دادن انسان‌شناسی صدرایی به بررسی نقش فضای مجازی بر هویت انسانی پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به نظریه تحول هویت انسانی در اثر فضای مجازی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، هویت، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا. **قالب:** پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۵۹۷. بررسی انسان مجازی و ایمان سیال براساس نظام حکمت صدرایی

سؤال: براساس نظام حکمت صدرایی چه انتقادهایی به نظریه انسان مجازی و ایمان سیال وارد است؟ **تبیین مسئله:** فلسفه علوم سایبر یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف است. در فلسفه علوم سایبر، به مبانی و مبادی علوم سایبر پرداخته می‌شود. این مبانی شامل مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی است. در کنار این موارد می‌توان مبانی الهیاتی علوم سایبر را نیز مورد توجه قرار داد. امروزه و با گسترش قلمرو سایبر مباحث جدیدی در موضوع فلسفه علوم سایبر مطرح شده است. یکی از این مباحث، بحث انسان سیال است. برخی از نویسندگان، با طرح ایده انسان سیال تلاش دارند تا گسترش فضای مجازی را توجیهی بدانند برای لزوم بازنگری در چیستی انسان و عطف توجه به ابعاد گذرا و سیال وجود انسان. گذشته از اینکه این نگرش، به نسبیت موضوع هویت انسان می‌انجامد، با بسیاری از مبانی نظری حکمت صدرایی نیز در تقابل و تعارض قرار دارد. از این رو لازم است به مواجهه انتقادی با این مسئله اقدام کرد. بنابراین می‌توان با تکیه بر مبانی حکمت صدرایی به واکاوی این پرسش پرداخت که براساس نظام حکمت صدرایی چه انتقادهایی به نظریه انسان مجازی و ایمان سیال وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، ایمان، ایمان سیال، حکمت متعالیه، ملاصدرا. **قالب:** پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۵۹۸. بررسی معیارهای عقلانیت کنش دینی در فضای مجازی از منظر فلاسفه معاصر اسلامی

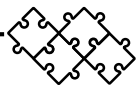
سؤال: از منظر فلاسفه معاصر اسلامی چه معیارهایی برای عقلانیت کنش دینی می‌توان ارائه کرد؟ تبیین مسئله: فلسفه علوم سایبر یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف است. در فلسفه علوم سایبر، به مبانی و مبادی علوم سایبر پرداخته می‌شود. این مبانی شامل مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی است. در کنار این موارد می‌توان مبانی الهیاتی علوم سایبر را مورد توجه قرار داد. امروزه و با گسترش قلمرو سایبر مباحث جدیدی در موضوع فلسفه علوم سایبر مطرح شده است. یکی از این مباحث، تجزیه و تحلیل کنش‌های دینی در فضای مجازی است. روشن است که بخشی از تعاملات در فضای مجازی، رفتارهایی است که انسان‌های دین‌دار انجام می‌دهند. بدون تردید این کنش‌های دینی بر مبنایی عقلانی حاکم است. اما پرسش مهم است که چه تبیینی می‌توان از این کنش‌ها ارائه کرد؟ در صورتی که اندیشه و آراء آیت‌الله جوادی آملی را مبنایی برای تجزیه و تحلیل خود قرار دهیم، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر فلاسفه معاصر اسلامی چه معیارهایی برای عقلانیت کنش دینی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، عقلانیت کنش، فضای مجازی، حکمت متعالیه، فلاسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۵۹۹. بررسی ماهیت آگاهی در فلسفه رسانه از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر تلقی رایج از ماهیت آگاهی در فلسفه رسانه وارد است؟ تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه رسانه است. فلسفه رسانه به بررسی مبادی تصویری، تصدیقی و مبانی رسانه می‌پردازد. مفاهیمی مانند پیام، گیرنده و آگاهی از جمله مفاهیم اساسی در فلسفه رسانه است. به نظر می‌رسد به‌رغم اشتراکاتی که مفهوم آگاهی با مفهوم معرفت در مباحث معرفت‌شناسی دارد، برخی از ویژگی‌ها و ابعاد آگاهی، آن را از حقیقت معرفت متمایز می‌سازد. از این‌رو نباید آگاهی در فضای رسانه را با معرفت در قلمرو معرفت‌شناسی یکسان انگاشت. با توجه به این نکته، مناسب است با مبنا قرار دادن معرفت‌شناسی صدرایی به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر تلقی رایج از ماهیت آگاهی در فلسفه رسانه وارد است؟



کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، آگاهی، فضای مجازی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۰۰. بررسی اشراف حضوری، که ابزاری برای انتقال آگاهی است براساس انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه ظرفیت‌هایی برای اشراف حضوری نفس به‌منظور انتقال آگاهی وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه رسانه از جمله شاخه‌های جدید در قلمرو فلسفه مضاف است. در فلسفه رسانه، مبانی و پیش‌فرض‌های رسانه مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. نکته مهمی که در فلسفه رسانه باید به آن توجه داشت، انتقال پیام است. در عمده متون و منابع رسانه، انتقال پیام از طریق روش‌های متعارفی که به ابزار رسانه مشهور است، توجه شده است اما در کنار این موارد، لازم است به روش‌های دیگری از انتقال پیام نیز توجه کرد که براساس حکمت صدرایی قابل تعیین است ولی در عموم منابع مرتبط با رسانه به آن توجه نشده است. برای مثال یکی از راه‌های مهم در انتقال پیام، «اشراف حضوری» است. به باور برخی از حکمای اسلامی، از جمله ملاصدرا می‌توان از طریق اشراف حضوری درباره انتقال پیام و معرفت به مخاطبان اقدام کرد؛ چه اینکه مواردی از انتقال معرفت به افراد دیگر از راه تصرف و اشراف حضوری در روایات نیز مطرح شده است. اما مهم تبیین ظرفیت‌های این شیوه است. از این رو می‌توان پرسش تحقیق را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه ظرفیت‌هایی برای اشراف حضوری نفس به‌منظور انتقال آگاهی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، علم حضوری، آگاهی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب/ مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۶۰۱. بررسی رابطه رسانه و فرهنگ براساس فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه رابطه‌ای میان رسانه و فرهنگ وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه رسانه از جمله فلسفه‌های مضاف نوپدید است که به‌دنبال بررسی مبانی و مبادی رسانه است. از جمله مباحث مورد توجه در فلسفه رسانه، ارتباط رسانه با امور دیگری همچون جامعه و فرهنگ است. از آنجاکه فرهنگ، نقش مهمی در شکل‌گیری و نیز

ابعاد مختلف رسانه دارد. مطالعه ارتباط میان رسانه و فرهنگ می‌تواند به درک بهتر رسانه و ظرفیت‌های آن برای انتقال پیام کمک کند. اما هرگونه مطالعه‌ای درباره رابطه فرهنگ و رسانه به مبانی نظری‌ای نیاز دارد که عمده آن در فلسفه علوم اجتماعی تدوین و تنظیم می‌گردد. باتوجه به اینکه نظام حکمت صدرایی، فلسفه علوم اجتماعی خاص خود را اقتضا می‌کند، مناسب است با مبنا قرار دادن فلسفه علوم اجتماعی صدرایی به واکاوی رابطه رسانه و فرهنگ بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه رابطه‌ای میان رسانه و فرهنگ وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، فرهنگ، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۲/۶.

۶۰۲. بررسی رویکرد ابزارگرایانه به رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به رویکرد ابزارگرایانه به رسانه وجود دارد؟
تبیین مسئله: فلسفه رسانه از جمله قلمروهای نوظهور در عرصه فلسفه است. این شاخه فلسفه مضاف با استفاده از روش تحلیلی - عقلی به بررسی مبانی و اصول رسانه می‌پردازد. امروزه و با رواج و گسترش قلمرو رسانه، زمینه برای طرح دیدگاه‌های مختلف درباره ماهیت و چیستی رسانه مطرح شده است. برخی از نویسندگان معاصر به طرح این دیدگاه پرداخته‌اند که لازم است در مطالعات مربوط به رسانه، بر نگرش ابزارگرایانه تأکید کنیم. این سخن بدان معناست که گونه‌ای از توجه اصالی به ابزار، بر نگرش به رسانه حاکم گردد. به نظر می‌رسد براساس معیارهای مطرح در فلسفه علوم اجتماعی صدرایی نه تنها نگرش ابزارگرایانه به رسانه به‌طور کلی صحیح به نظر نمی‌رسد، بلکه کاربست آن در مطالعات مربوط به رسانه نیز این نگرش، عاری از اشکال و ایراد. با این توضیح نگرش مطرح شده درباره ابزارگرایی در موضوع رسانه نیازمند مواجهه انتقادی است. از این‌رو سؤال تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به رویکرد ابزارگرایانه به رسانه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، فضای مجازی، رسانه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.



۶۰۳. بررسی رویکرد ذات‌گرایانه به رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به رویکرد ذات‌گرایانه به رسانه وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه رسانه که بنیان رسانه شمرده می‌شود به بررسی مبادی و مبانی عقلی رسانه می‌پردازد. از جمله ابعاد فلسفه رسانه، هستی‌شناسی رسانه است. برخی از نویسندگان با پرداختن به این مبحث تلاش کرده‌اند از نگرش ذات‌گرایانه به رسانه دفاع کنند. براساس این نگرش، به رسانه به مثابه حقیقتی توجه می‌شود که ذات و هویت مستقلی در عرض سایر پدیده‌ها دارد. در مقابل، می‌توان این نگرش را به چالش کشید و رسانه را امری اعتباری در نظر گرفت که انسان، براساس نیازهای اجتماعی خود به آن اعتبار بخشیده است. بنابراین، اصل وجود رسانه و نیز حدود مرز آن، براساس اعتبار اجتماعی شکل گرفته است. البته این بدان معنا نیست که رسانه فاقد تأثیرات و پیامدهایی در جهان واقعی است، بلکه چه بسیار امور اعتباری که در جهان حقیقی تأثیرات مهم و قابل توجهی دارند. باتوجه به اینکه در فلسفه علوم اجتماعی صدرایی و با سنخ‌شناسی اموری مانند جامعه و رسانه به بررسی این مسئله رسانه پرداخته می‌شود، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به رویکرد ذات‌گرایانه به رسانه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، ذات‌گرایی، رسانه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۶.

۶۰۴. بررسی مفهوم تفاوت، که از مؤلفه‌های رسانه است، از نظر دریدا^۱ برپایه فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به مفهوم تفاوت، در نگرش دریدا به مؤلفه‌های رسانه وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه رسانه است. در فلسفه رسانه به واکاوی ابعاد نظری رسانه با روش عقلی و فلسفی پرداخته می‌شود. از جمله مباحث این شاخه فلسفی واکاوی چیستی رسانه است. دریدا از جمله نویسندگان معاصر است که با تمرکز بر پدیده‌های اجتماعی به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته است. او با تأکید بر مفهوم تفاوت، به تبیین چیستی رسانه پرداخته است و بر این باور است که معنا و هرگونه پیامی از تفاوت

1. Jacques Derrida.



برمی‌خیزد. لازمه این نگرش آن است که همواره معنا در قالب ارتباط میان دو شیء محقق گردد. بنابراین هیچ امر منفردی در کار نیست. این نظریه دریدا، واجد ابعاد هستی‌شناختی است و براساس فلسفه علوم اجتماعی صدرایی می‌توان آن را مورد ارزیابی و نقادی قرار داد. از این‌رو می‌توان سؤال پژوهشی را این‌گونه تقریر کرد: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به مفهوم تفاوت، در نگرش دریدا به مؤلفه‌های رسانه وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، رسانه، دریدا، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

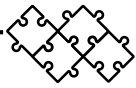
۶۰۵. بررسی نظریه خلق واقعیت از طریق رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نظریه خلق واقعیت از طریق رسانه وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه رسانه یکی از قلمروهای جدید در فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی نظری رسانه پرداخته می‌شود. همچنین مبادی تصویری و تصدیقی رسانه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. به باور برخی از نویسندگان، ازجمله مبادی تصدیقی رسانه این نکته است که رسانه به ایجاد و خلق واقعیت اقدام می‌کند. به عبارت دیگر چنین نیست که رسانه صرفاً جنبه انعکاس واقعیت داشته باشد، بلکه پیامی که از طریق رسانه به گیرنده منتقل می‌گردد، محصول خود رسانه است. روشن است که خود رسانه هویتی مستقل، و وجودی مستقل و غیراعتباری ندارد تا بتوان مسئله خلق و آفرینش را به آن نسبت داد. افزون‌بر این لازم است میان علت و معلول در فرایند هستی‌بخشی و خلقت تناسب و سنخیت برقرار باشد، که چنین چیزی درباره رسانه صدق نمی‌کند. باتوجه به اینکه این نظریه از منطری هستی‌شناختی است می‌توان با مبنا قرار دادن فلسفه علوم اجتماعی صدرایی به ارزیابی انتقادی آن پرداخت. از این‌رو می‌توان این پرسش را در کانون توجه قرار داد که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نظریه خلق واقعیت از طریق رسانه وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، خلاقیت، خیال، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۳.



۶۰۶. بررسی نقش رسانه در جامعه‌پذیری از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، رسانه چه نقشی در جامعه‌پذیری برعهده دارد؟
تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفه مضاف، فلسفه رسانه است. ابعاد مختلفی از رسانه توجه فیلسوفان رسانه را به خود مشغول کرده است. یکی از ابعاد رسانه، نقش و تأثیری است که رسانه بر جامعه‌پذیری دارد. باتوجه به اینکه بخش عمده تأثیر رسانه، تأثیر بر افکار، اعتقادات و فرهنگ است، تأثیرپذیری افراد از رسانه، به مسئله مهمی تبدیل شده است و لازم است ضمن پژوهش‌هایی، درباره شیوه‌های تأثیر رسانه بر جامعه‌پذیری و نیز راه‌های مهار رسانه و جهت‌دهی به آن اقدام کرد. مطالعه رسانه به ابزاری مفهومی نیاز دارد تا بتوان به شناخت درست و عاری از تحریف و ابهام درباره رسانه دست یافت. این مهم جز با مطالعه دقیق نقش رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی میسر نخواهد بود. از این‌رو می‌توان سؤال تحقیق را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، رسانه چه نقشی در جامعه‌پذیری برعهده دارد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، جامعه‌پذیری، رسانه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۰۷. بررسی عوامل تحریف انعکاس واقعیت در رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه اموری باعث تحریف انعکاس واقعیت در رسانه می‌گردد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه رسانه است. در فلسفه رسانه به واکاوی مبانی نظری رسانه پرداخته می‌شود. برپایه یافته‌های فلسفه رسانه، یکی از مؤلفه‌های اساسی رسانه، محاکات است. محاکات فرایندی است که در آن، واقعیتی گزارش و حکایت می‌شود. اگرچه کارکرد صحیح رسانه، زمانی اتفاق خواهد افتاد که محاکات به‌درستی انجام شود و واقعیت گزارش شود، عواملی نیز باعث تحریف واقعیت در رسانه می‌شود که عملکرد رسانه را دچار اختلال می‌سازد. بخش مهمی از عوامل دخیل در تحریف محاکات، مربوط به درون انسان است. قوای مختلفی که درون انسان قرار دارد بر یکدیگر اثر می‌گذارند. تأثیر و تأثر مذکور می‌تواند به تحریف واقعیت بینجامد. برای مثال هنگامی که فرد از قوه خیال برای ارائه تصویری از واقعیت استفاده می‌کند، چه‌بسا قوه خیال تحت تأثیر قوه واهمه قرار گیرد و این گزارش دچار تحریف



گردد. فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، با بررسی مبانی نظری پدیده‌های اجتماعی ظرفیت مناسبی در اختیار محققان قرار می‌دهد تا به مطالعه عوامل تحریف انعکاس واقعیت در رسانه بپردازند. از این رو می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه اموری باعث تحریف انعکاس واقعیت در رسانه می‌گردد؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، تحریف، رسانه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۰۸. بررسی نقش رسانه در انتقال پیام براساس هرمنوتیک فلسفی از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نگرش هرمنوتیک فلسفی به فرایند انتقال پیام از طریق رسانه وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای جدید در فلسفه مضاف، فلسفه رسانه است. در فلسفه رسانه به واکاوی ابعاد نظری و بنیادین رسانه پرداخته می‌شود. باتوجه به اینکه از یک سو، کارکرد اصلی رسانه، انتقال پیام است، و از سوی دیگر چه بسا در مراحل از فرایند انتقال پیام، نیاز به درک و فهم پیام باشد، و می‌دانیم که براساس هرمنوتیک فلسفی هر فرد جامعه، انسانی ذهن‌مند است و ذهن او بر فهم پیام اثر می‌گذارد، هیچ‌گاه پیام آن‌گونه که هست به گیرنده منتقل نخواهد شد و هر گیرنده‌ای، پیام را مطابق با شرایط ذهنی و فرهنگی خود درک خواهد کرد. باتوجه به اینکه این نگرش فلسفی به نسبت در فهم پیام می‌انجامد و این امر نیز هرگونه تفاهم از طریق رسانه را با چالش مواجه خواهد ساخت، مناسب است با انجام پژوهشی انتقادی به نقد و ارزیابی کاربرست هرمنوتیک فلسفی در قلمرو رسانه بپردازیم و به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نگرش هرمنوتیک فلسفی به فرایند انتقال پیام از طریق رسانه وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه علوم سایبر، رسانه، انتقال پیام، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۱،۲،۳۰. فلسفه علم زبان‌شناسی

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زبان‌شناسی است. در این شاخه فلسفی و عقلی به واکاوی و پژوهش درباره مبادی و مبانی علم زبان‌شناسی پرداخته می‌شود. مسائلی



مانند خاستگاه زبان، متغیر یا ثابت بودن زبان، علل تغییر و دگرگونی زبان، فرایند تحول زبان، گونه‌های ربط و نسبت میان اجزای زبان از جمله مسائل این شاخه علمی است. در ادامه با تمرکز بر ابعاد فلسفی مطالعات زبان‌شناسی به طرح مسائل پیشنهادی خواهیم پرداخت.

۶۰۹. بررسی تطبیقی گونه‌های دلالت از منظر زبان‌شناسی و علم منطق با تأکید بر دیدگاه محقق طوسی

سؤال: در یک پژوهش تطبیقی، وجوه اشتراک و اختلاف میان گونه‌های دلالت در زبان‌شناسی و منطق با تأکید بر دیدگاه محقق طوسی کدام است؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه علم زبان‌شناسی بررسی مسئله دلالت است. بحث دلالت، از جمله مباحثی است که در صدد بیان رابطه میان نماد و معناست. این بحث در علوم مانند ادبیات، فلسفه زبان، منطق، هنر و علم اصول فقه مورد توجه قرار گرفته است. این بحث، از ابعاد مختلف، در قلمرو برخی از علوم عقلی مانند منطق و فلسفه زبان‌شناسی قرار می‌گیرد. گونه‌شناسی دلالت از جمله مباحث مرتبط به فلسفه زبان‌شناسی است. دلالت به اقسام گوناگونی مانند دلالت عقلی، دلالت وضعی، و دلالت طبعی تقسیم می‌شود. باتوجه به تفاوت گونه‌شناسی‌ها می‌توان با انجام یک پژوهش به بررسی مقایسه‌ای آن‌ها پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که در یک پژوهش تطبیقی وجوه اشتراک و اختلاف میان گونه‌های دلالت در زبان‌شناسی و منطق با تأکید بر دیدگاه محقق طوسی کدام است؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، منطق، محقق طوسی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۶۱۰. بررسی نظریه فطری بودن زبان چامسکی^۱ از منظر علامه طباطبائی و شاگردان

سؤال: از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، چه انتقادهایی بر نظریه فطری بودن زبان چامسکی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه علم زبان‌شناسی از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبادی و مبانی علم زبان‌شناسی می‌پردازد. از جمله مباحث مرتبط با زبان‌شناسی مسئله خاستگاه زبان است. درباره خاستگاه زبان نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است. از جمله

1. Noam Chomsky.



این نظریه‌ها، نظریه‌ای است که نوام چامسکی زبان‌شناس معاصر درباره فطری بودن زبان مطرح ساخته است. به باور او ساختارهای زبانی که میان همه زبان‌های دنیا مشترک است به‌صورت فطری در ذهن انسان نهادینه شده است؛ ازاین‌رو افراد از هنگام تولد بدون آنکه از آموزش‌های تفصیلی برخوردار باشند، از توانایی جمله‌سازی برخوردارند. باتوجه‌به اینکه فطری شمردن ساختار زبان دارای بُعد فلسفی و الهیاتی است، لازم است نظریه چامسکی از منظر فلسفی - الهیاتی مورد بررسی قرار گیرد. علامه طباطبائی و شاگردان ایشان از جمله متفکران معاصر هستند که به تأمل و پژوهش درباره فطرت پرداخته‌اند. ازاین‌رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی و شاگردان چه انتقادهایی بر نظریه فطری بودن زبان چامسکی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، فطرت، زبان، علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی، علامه حسن‌زاده آملی، آیت‌الله جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۱۱. بررسی تحلیلی رابطه نشانه و معنا از منظر محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی رابطه نشانه و معنا چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه زبان‌شناسی ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی و تحقیق درباره موضوعات بنیادین مرتبط با زبان پرداخته می‌شود. یک از مباحث مهم در فلسفه زبان‌شناسی چیستی نشانه و ابعاد مختلف آن است. ازجمله ابعاد نشانه می‌توان به رابطه آن با معنا اشاره کرد. این بحث توجه بسیاری از فیلسوفان زبان‌شناسی را به خود جلب کرده است. ازجمله محققانی که در این زمینه نظریه‌پردازی کرده‌اند، محقق اصفهانی است. وی در آثار خود به واکاوی رابطه میان معنا و لفظ پرداخته است که یکی از نشانه‌ها است. باتوجه‌به دلالت‌هایی که این بحث در سایر مباحث فلسفه زبان‌شناسی دارد، مناسب است با تمرکز بر دیدگاه ایشان به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر محقق اصفهانی رابطه نشانه و معنا چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، معنا، نشانه، محقق اصفهانی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.



۶۱۲. بررسی رابطه مفهوم، معنا و لفظ از منظر محقق اصفهانی

سؤال: از منظر محقق اصفهانی رابطه میان مفهوم، معنا و لفظ چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زبان‌شناسی است. در فلسفه علم زبان‌شناسی به واکاوی چیستی نماد، مفهوم، و دلالت و نیز ابعاد مختلف آن‌ها پرداخته می‌شود. یکی از بحث‌های جدی در قلمرو فلسفه زبان‌شناسی، تفاوت میان مفهوم و معناست. در کنار این بحث، رابطه میان آن‌ها و لفظ نیز بحث دیگری است که مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفته است. مرز دقیق میان معنا و مفهوم و نیز واسطه شدن مفهوم، میان معنا و لفظ از نکات دقیقی است که در بسیاری از آثار زبان‌شناسی از آن‌ها غفلت شده است. این بحث در علم اصول فقه نیز مورد توجه قرار گرفته است و متفکرانی مانند محقق اصفهانی به این بحث پرداخته‌اند. باتوجه به اهمیت این بحث، مناسب است به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر محقق اصفهانی رابطه میان مفهوم، معنا و لفظ چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، معنا، مفهوم، محقق اصفهانی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۱۳. بررسی تحلیلی رابطه میان زبان و جامعه از منظر حکمت اسلامی

سؤال: از منظر حکمت اسلامی رابطه میان زبان و جامعه چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زبان‌شناسی است. فلسفه علم زبان‌شناسی به مبادی و مبانی زبان‌شناسی و نیز ارتباط زبان با مسائل مختلفی مانند جامعه، فرهنگ و تاریخ می‌پردازد. یکی از موضوعات جدی در این زمینه رابطه زبان و جامعه است. بسیاری بر این باورند که زبان امری انسانی و اجتماعی است. این مطلب پیامدهایی به دنبال دارد؛ از جمله اینکه فراگیری زبان جز از طریق جامعه میسر نیست و اینکه تحولات اجتماعی در زبان منعکس می‌شود. در مقابل ممکن است گفته شود هرچند راه متعارف فراگیری زبان، مشارکت در جامعه است، ولی فراگیری زبان منحصر به این راه نیست. افزون بر اینکه می‌توان ابعادی از ثبات را در دایره زبان جست‌وجو کرد. باتوجه به اهمیت این بحث مناسب است با تمرکز بر حکمت صدرایی به بررسی رابطه میان زبان و جامعه بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که از منظر حکمت اسلامی رابطه میان زبان و جامعه چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، جامعه، زبان، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۶۱۴. بررسی تحلیلی رابطه زبان‌شناسی و الهیات از منظر الهیات صدرایی

سؤال: از منظر الهیات صدرایی رابطه میان زبان‌شناسی و الهیات چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زبان‌شناسی است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی علم زبان‌شناسی پرداخته می‌شود. همچنین ازجمله مباحث مورد توجه فیلسوفان زبان، واکاوی خاستگاه زبان است. برخی بر این باورند که خاستگاه زبان اراده حضرت حق است و ازاین‌رو زبان در اساس امری قدسی است. این عده شواهدی درون‌دینی نیز بر مقصود خود اقامه کرده‌اند؛ ازجمله اینکه برخی از پیامبران الهی به کلمه تلقی گردیده‌اند و نیز اینکه طبق محتوای برخی متون دینی خداوند تعلیم اسماء به آدم علیه السلام را عهده‌دار گشت. اگرچه این شواهد تاب تفسیرهای دیگری را نیز دارند، اما لازم است از منظر الهیاتی به کاوش دراین‌زمینه پرداخت. می‌توان با مبنا قرار دادن الهیات صدرایی درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که از منظر الهیات صدرایی رابطه میان زبان‌شناسی و الهیات چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟
 کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، زبان، الهیات، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۶۱۵. بررسی دلالت‌های نظریه حرکت جوهری در زبان‌شناسی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی دلالت‌های حرکت جوهری در زبان‌شناسی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه علم زبان‌شناسی است. فلسفه علم زبان‌شناسی به واکاوی مبادی و مبانی این علم می‌پردازد. در بررسی مبانی علم زبان‌شناسی می‌توان پاره‌ای از اصول هستی‌شناختی را مورد توجه قرار داد. برای مثال در مباحث هستی‌شناسی این نکته مطرح می‌شود که هستی دارای شدت و ضعف است، و نیز اینکه بر وجود حرکت جوهری تأکید می‌شود. این مبانی، تأثیر مهمی در مباحث زبان دارند. اگر بپذیریم که زبان دارای وجود امکانی است و اگر بپذیریم که وجودهای امکانی دستخوش حرکت



جوهری هستند، لاجرم باید پذیرفت که زبان نیز از حرکت جوهری مصون نیست. اما حرکت جوهری داشتن زبان به چه معناست؟ این بحث که ارتباط مستقیم به زبان دارد و از روشی عقلی و تحلیلی برخوردار است، به پژوهش و تحقیق نیاز دارد. می‌توان با مبنا قرار دادن اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی، که از شارحان برجسته حکمت متعالیه در دوره معاصر است، به بررسی این مسئله پرداخت و درصدد پاسخ به این پرسش برآمد که از منظر آیت‌الله جوادی آملی دلالت‌های حرکت جوهری در زبان‌شناسی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، حرکت جوهری، زبان، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: کتاب. اولویت: ۲/۶.

۶۱۶. بررسی رابطه اعتباریات زبان و واقعیت از منظر علامه طباطبائی

سؤال: از منظر علامه طباطبائی رابطه میان اعتباریات زبان و واقعیت چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم زبان‌شناسی از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به پژوهش درباره چیستی زبان و ارتباط آن با پدیده‌های مختلف پرداخته می‌شود. بخش مهمی از ابعاد زبان را اعتباریات تشکیل می‌دهد. مقصود از اعتباریات، اموری است که افراد جامعه در راستای تأمین اهداف اجتماعی خود وضع می‌کنند. شاید تصور شود که اعتباریات مطرح‌شده در قلمرو زبان ربطی به امور واقعی ندارد. اما پژوهش‌های برخی از محققان گواه آن است که امور اعتباری جدا از واقعیت نیست. اما اینکه ربط و نسبت این امور اعتباری با واقعیت چگونه تبیین گردد، به بررسی و تحلیل نیاز دارد. علامه طباطبائی با تمرکز بر این بحث، دیدگاهی بدیع در این زمینه ارائه کرده است. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر علامه طباطبائی رابطه میان اعتباریات زبان و واقعیت چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، زبان، واقعیت، حکمت متعالیه، علامه طباطبائی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۶۱۷. بررسی انتقادی نظریه فروگاهش منطق به زبان‌شناسی از منظر منطق سینیوی

سؤال: از منظر منطق سینیوی چه انتقادهایی به نظریه فروگاهش منطق به زبان‌شناسی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه زبان یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی درباره موضوعات بنیادین زبان‌شناسی بحث و تحقیق می‌شود. از جمله مباحثی که درباره زبان‌شناسی و جایگاه آن وجود دارد این است که برخی تلاش کرده‌اند برخی از علوم دیگر را نیز به زبان‌شناسی تقلیل دهند. برای مثال، عده‌ای بر این باورند که منطق نه دانشی مستقل، که درحقیقت تقریری از برخی مباحث زبان‌شناسی است و به‌جای آنکه عهده‌دار روابط میان گزاره‌ها باشد، درصدد تبیین رابطه میان جملات است. در منطق، روابط معنایی میان جملات تجزیه و تحلیل می‌شوند و برای مثال، جمله کلی از نظر معنایی، شامل معنای جمله جزئی است و متناظر با آن تجزیه و تحلیل می‌شود. درمقابل، برخی دیگر از نویسندگان ضمن رد این دیدگاه، بر اصالت منطق تأکید دارند. به باور آنان، دانش منطق بر محور ضرورت‌های واقعی و کلی استوار است و چنین نیست که تحت‌تأثیر اعتباریات باشد که به مجرد تغییر اعتبار، دچار تغییر و تحول گردد. باتوجه‌به اینکه در آثار ابن‌سینا تأکید بر استقلال منطق دیده می‌شود، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر منطق سینیوی چه انتقادهایی به نظریه فروگاهش منطق به زبان‌شناسی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، زبان، منطق، حکمت سینیوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح چهار. اولویت: ۳/۵.

۶۱۸. بررسی جایگاه زبان در نظام هستی از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی صدرایی جایگاه زبان در نظام هستی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه علم زبان‌شناسی بررسی مبانی و اصول زبان‌شناسی را هدف خود در نظر گرفته است؛ از این‌رو مباحثی مانند مبانی نظری زبان در حوزه این دانش فلسفی قرار می‌گیرد. از جمله مبانی نظری زبان‌شناسی می‌توان به مبانی هستی‌شناختی اشاره کرد. در حکمت متعالیه ضمن مطالعه و بررسی احکام کلی وجود، وجود در قالب یک نظام دارای مراتب شدید و ضعیف تجزیه و تحلیل می‌گردد. براساس این نگرش به هستی، هرگونه پدیده‌ای، جایگاه خاصی در نظام هستی خواهد داشت. برای مثال، ساحتی از این نظام را



امور حقیقی مجرد و بخشی از آن را هستی‌های اعتباری تشکیل می‌دهد. باتوجه به اینکه زبان واجد گونه‌ای از هستی است، مناسب است با تمرکز بر هستی‌شناسی صدرایی به واکاوی جایگاه زبان در نظام هستی برآییم. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که از منظر هستی‌شناسی صدرایی جایگاه زبان در نظام هستی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه زبان‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه دلالت، زبان، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: کتاب. **اولویت:** ۴.

۱،۲،۳۱. فلسفه هنر، فلسفه سینما، فلسفه موسیقی، فلسفه معماری

فلسفه هنر، فلسفه سینما، فلسفه موسیقی و فلسفه معماری نیز از شاخه‌های فلسفه مضاف هستند. آنچه این شاخه‌های مختلف را به هم مرتبط می‌سازد، محور بودن بررسی عقلی مباحث زیبایی‌شناختی است. در ادامه با برخی از مسائل جدید این حوزه‌ها آشنا می‌شویم.

۶۱۹. بررسی مؤلفه‌های زیبایی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی زیبایی واجد چه مؤلفه‌هایی است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر به بررسی مبادی تصویری و تصدیقی هنر و اصول هنر پرداخته می‌شود. یکی از مباحث جدی در فلسفه هنر، مفهوم‌شناسی است. از گذشته دور مباحثی درباره چیستی زیبایی، که مفهومی اساسی در فلسفه هنر است، مطرح بوده و بسیاری از فیلسوفان به بیان حقیقت زیبایی پرداخته‌اند. درحالی‌که در نظر برخی، سازگاری و انسجام، معیاری برای زیبایی در نظر گرفته شده است، برای برخی دیگر مطابق ذوق سلیم بودن ملاک زیبایی شمرده شده است. در کنار این موارد، برخی تناسب معرفی ملاک زیبایی اشاره کرده‌اند. عده‌ای نیز درصدد ارائه معیاری تألیفی برای زیبایی برآمده‌اند. باتوجه به تضارب آرا و افکار در این زمینه، مناسب است با تمرکز بر حکمت صدرایی، که حکمت رایج در دوران معاصر است، به بررسی مؤلفه‌هایی بپردازیم که در شکل‌گیری امور زیبا مؤثر است. از این‌رو به بررسی این پرسش می‌پردازیم که براساس مبانی حکمت صدرایی زیبایی واجد چه مؤلفه‌هایی است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، زیبایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۶۲۰. بررسی زیبایی‌شناسی ماتریالیستی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر زیبایی‌شناسی ماتریالیستی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه هنر یکی از محورهای فلسفه مضاف است که در چند دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از این توجه، ناشی از گسترش هنرهای مختلف مانند سینما و موسیقی بوده است. در فلسفه هنر به بررسی معیارهایی برای زیبایی پرداخته می‌شود. در یکی از مکاتبی که در این زمینه شکل گرفته است، تلاش می‌شود میان زیبایی و مباحث ریاضیاتی ارتباط ایجاد گردد. برپایه برخی محاسبات ریاضیاتی می‌توان روابطی را میان مقادیری در نظر گرفت که در تناسب با یکدیگر در شکل‌بخشی به امر زیبا نقش دارند. به باور برخی، ریشه این نگرش در آراء و اندیشه‌های لایب نیتس وجود دارد. در اینکه معادلات ریاضی بتواند معیاری جامع برای زیبایی به دست دهد، تردید جدی وجود دارد. در حکمت متعالیه با طرح مفهوم خیال و ابعاد مختلف آن تلاش شده است، به جای مفهوم ریاضی، ریشه امر زیبا در قوه خیال جست‌وجو شود. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله از منظر حکمت متعالیه بپردازیم. بنابراین پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر زیبایی‌شناسی ماتریالیستی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، زیبایی، ماتریالیسم، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۶۲۱. بررسی تفسیر هنر براساس نظریه بازی‌های زبانی

سؤال: براساس مبانی فلسفه اسلامی چه انتقادهایی بر تفسیر هنر برپایه نظریه بازی‌های زبانی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از قلمروهای فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر به بررسی و پژوهش درباره مبانی و مبادی هنر پرداخته می‌شود. برخی از نویسندگان معاصر در جست‌وجوی مبانی نظری زیبایی، تلاش کرده‌اند از نظریه بازی‌های زبانی سود ببرند. ویتگنشتاین متأخر با طرح این نظریه تلاش کرد مبنایی برای نسبی‌گرایی در وادی اندیشه و تفکر مطرح سازد، اما گویی این نظریه ظرفیت لازم را برای توسعه به قلمرو هنر واجد است؛ از این رو سعی شده است تفسیر هنر برپایه نظریه بازی‌های زبانی صورت گیرد. باتوجه به



اینکه این تفسیر در تقابل با ملاک جامع و معیار کلی برای زیبایی است، لازم است برای مواجهه انتقادی با آن نظریه‌هایی مطرح ساخت. از آنجاکه فلسفه اسلامی در ساحت معرفت، در تقابل با نسبی‌گرایی قرار دارد، مناسب است با مبنا قرار دادن فلسفه اسلامی به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی فلسفه اسلامی چه انتقادهایی بر تفسیر هنر برپایه نظریه بازی‌های زبانی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، هنر، نظریه بازی‌های زبانی، وینگنشتاین، حکمت اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۷۵.

۶۲۲. بررسی معرفت‌بخشی آثار هنری از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس نگرش فلسفه اسلامی، وجه معرفت‌بخشی آثار هنری چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟ تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. فیلسوفان در فلسفه هنر در جست‌وجوی مبانی و پیش‌فرض‌های هنر برمی‌آیند. از جمله مباحث مرتبط با فلسفه هنر مسئله رابطه هنر با معرفت است. درحالی‌که برخی از نویسندگان از این ایده دفاع می‌کنند که هنر امری احساسی است و در تقابل با معرفت قرار دارد، برخی دیگر ضمن تأکید بر درهم‌آمیختگی هنر و معرفت بر این باورند که اثر هنری نیز می‌تواند معرفت‌بخش باشد. اما اینکه نحوه معرفت‌بخشی اثر هنری چگونه است، بحثی است که نیاز به واکاوی و پژوهش دارد. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر آراء فیلسوفان مسلمان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر فلسفه اسلامی وجه معرفت‌بخشی آثار هنری چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، زیبایی، هنر، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۶۲۳. بررسی مؤلفه اصلی هنر دانستن انتقال احساس از منظر حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبانی حکمت صدرایی چه تحلیل انتقادی‌ای از مؤلفه اصلی هنر دانستن انتقال احساس می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه هنر یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به



واکاوی اصول و مبانی هنر پرداخته می‌شود. باتوجه به اینکه روش بررسی این اصول و مبانی روشی عقلی است، عده‌ای بر این باورند که هنر در تقابل با معرفت قرار داد و نمی‌توان میان هنر و معرفت ارتباطی برقرار ساخت. برخی دیگر ضمن تأکید بر ارتباط میان هنر و احساس، احساس را گونه‌ای از معرفت معرفی کرده‌اند. برخی نیز گام را فراتر نهاده‌اند و تصریح کرده‌اند که اساساً ملاک و معیار اثر هنری، میزان نقش آن در انتقال احساس است. باتوجه به اینکه از منظر حکمت متعالیه مسئله احساس نیز مورد توجه قرار گرفته است و باین حال، مسئله انتقال احساس با چالش‌های جدی مواجه است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس مبانی حکمت صدرایی چه تحلیل انتقادی‌ای از مؤلفه اصلی هنر دانستن انتقال احساس می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، احساس، زیبایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۵.

۶۲۴. بررسی رابطه میان عناصر سه‌گانه هنر از منظر ابن‌سینا

سؤال: براساس دیدگاه ابن‌سینا چه رابطه‌ای میان عناصر سه‌گانه هنر (نظم، تألیف و اعتدال) می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر مباحثی مانند مبانی و مبادی هنر مورد بررسی قرار می‌گیرد. درحالی که از نظر برخی از نویسندگان، معیار اثر هنری امری بسیط و شهودی است، بسیاری برای هنر مؤلفه‌های سه‌گانه‌ای بیان کرده‌اند. این مؤلفه‌های سه‌گانه عبارت است از نظم، تألیف و اعتدال. درباره هرکدام از این مؤلفه‌ها مباحث گسترده‌ای مطرح شده است. در حکمت اسلامی نیز مباحثی درباره ملاک زیبایی مطرح شده است. اما اینکه هر اثری به‌ناچار باید مشتمل بر عناصر سه‌گانه فوق باشد، مطلبی است که جای تحقیق و بررسی دارد. یکی از فیلسوفان برجسته اسلامی ابن‌سیناست که مرور آثار او گواه آن است که وی در برخی آثار خود به مسئله زیبایی توجه کرده است. بنابراین می‌توان افکار و اندیشه‌های او را مبنایی برای بررسی این مسئله قرار داد. ازاین‌رو مسئله پژوهش عبارت است از براساس دیدگاه ابن‌سینا چه رابطه‌ای میان عناصر سه‌گانه هنر (نظم، تألیف و اعتدال) می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، هنر، زیبایی، حکمت مشاء، ابن‌سینا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.



۶۲۵. بررسی علت غایی زیبایی از منظر هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی

سؤال: براساس مبانی هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی چه تبیینی از علت غایی زیبایی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه هنر یکی از شاخه‌های فلسفه‌های مضاف است که به بررسی مبانی و پیش‌فرض‌های هنر می‌پردازد. ازجمله مبانی فلسفه هنر واکاوی غایت هنر است. بی‌تردید زیبایی در زندگی انسان منزلتی ویژه یافته است. اما اینکه غایت نهایی امر زیبا در زندگی بشر کدام است، مسئله‌ای است که دیدگاه‌های مختلفی را به دنبال داشته است و اختلافات مطرح در این زمینه به چالشی برای فلسفه هنر تبدیل شده است. درحالی که برخی بر این باورند که هدف نهایی هنر، خود هنر است، سعی می‌کنند هنر را از وابستگی به هر امری خارج از خود برهانند. درمقابل، برخی دیگر با ترسیم غایتی نهایی برای زندگی بشر، هر امری را که با زندگی بشر مرتبط باشد، ازجمله هنر را، در ارتباط با غایت مذکور تجزیه و تحلیل می‌کنند. باتوجه به اینکه در حکمت اسلامی و در ذیل مباحث هستی‌شناسی غایتی برای حرکت استکمالی بشر ترسیم می‌گردد و همه اعمال و افعال بشر در راستای آن ارزیابی می‌گردد، مناسب است با تمرکز بر هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس مبانی هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی چه تبیینی از علت غایی زیبایی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، زیبایی، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۶۲۶. بررسی عوامل مؤثر بر اشتداد اثر هنری از منظر تشکیک وجود صدرایی

سؤال: براساس مبانی تشکیک وجود صدرایی، چه عواملی در اشتداد اثر هنری تأثیرگذار است؟

تبیین مسئله: فلسفه هنر یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است و به واکاوی مبانی و مبادی هنر می‌پردازد. این مبانی را می‌توان در قالب مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی طبقه‌بندی کرد. در حکمت متعالیه به تفصیل به بررسی مبانی هستی‌شناختی پرداخته شده است و ازجمله مبانی هستی‌شناختی در حکمت متعالیه، اصالت وجود، تشکیک وجود، ربط علی و حرکت جوهری است. یکی از مبانی هستی‌شناختی که بسیاری از حوزه‌ها، ازجمله فلسفه هنر، را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اصل تشکیک وجود

است که براساس آن وجود دارای مراتب است. دارای مراتب وجود بودن هر پدیده‌ای شامل اثر هنری نیز می‌گردد. از این رو می‌توان این نکته را مطرح ساخت که آثار هنری نیز از نظر هستی‌شناختی دارای شدت و ضعف هستند. اما ابعاد این اشتداد و تضعیف چندان روشن نیست. از این رو لازم است به بررسی و پژوهش در این زمینه پرداخت. پرسشی که اساس این تحقیق را تشکیل می‌دهد عبارت است از اینکه براساس مبنای تشکیک وجود صدرایی، چه عواملی در اشتداد اثر هنری اثرگذار است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، اثر هنری، تشکیک وجود، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۶۲۷. بررسی تأثیر خلافت الهی انسان در خلق اثر هنری براساس مبنای حکمت صدرایی

سؤال: براساس مبنای حکمت صدرایی عنصر خلافت الهی چه نقشی در خلق اثر هنری دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر به واکاوی اصول و بنیان‌های نظری هنر پرداخته می‌شود. باتوجه به اینکه حکمت متعالیه مکتب رایج فلسفی در دوره معاصر است، با مراجعه به این مکتب روشن می‌گردد که بسیاری از مبانی نظری شاخه‌های فلسفه مضاف مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله مبنای انسان‌شناختی مطرح در حکمت متعالیه این اصل است که انسان کامل یا همان خلیفه الهی مظهر اسمای جلال و جمال الهی است. بنابراین هیچ امری بهره‌ای از زیبایی نخواهد داشت جز آنکه در ارتباط با انسان کامل قرار گیرد. اینکه انسان اثری هنری را سامان دهد، تا حدودی گویای این است که انسان در پیدایش زیبایی نقش داشته است. توجه به نقش انسان کامل در فلسفه هنر به‌رغم آنکه مسئله‌ای مهم است چندان مورد توجه قرار نگرفته است. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس مبنای حکمت صدرایی عنصر خلافت الهی چه نقشی در خلق اثر هنری دارد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، اثر هنری، خلافت الهی، زیبایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۲۵.



۶۲۸. بررسی نقش هنر در وصول به حقیقت از منظر هگل^۱ براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادی به نقش هنر در وصول به حقیقت از منظر هگل وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه هنر یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به واکاوی و تحقیق درباره اصول و مبانی هنر پرداخته می‌شود. بسیاری از نویسندگان در سنت غربی با تمرکز بر این قلمرو، به ارائه نظریه‌هایی پرداخته‌اند. درحالی‌که فیلسوفان متقدم بر ارتباط وثیق هنر و حقیقت تأکید داشتند، رفته‌رفته زمزمه‌هایی مبنی بر جدایی میان حقیقت و هنر در فلسفه غرب مطرح شد. اما با ظهور فلسفه ایدئالیسم آلمانی، از شدت تقابل هنر و حقیقت کاسته شد. برای مثال در فلسفه هگل با طرح این ادعا که هنر، نخستین تجلی امر مطلق است و درواقع هنر ابزاری برای رسیدن به حقیقت است، به واکاوی ابعاد مختلف هنر پرداخته شده است. این موضع هگل، که درتقابل صریح با نگرش کانت به مقوله هنر و زیبایی است، سرآغاز مباحثی درباره نقش حقیقت در هنر شده است. باتوجه‌به اینکه در حکمت متعالیه ازسویی به حقیقت توجه شده و ازسوی دیگر به امر زیبایی، مناسب است با تمرکز بر حکمت متعالیه، رابطه میان هنر و حقیقت بررسی شود. ازاین‌رو پرسش مورد نظر عبارت است از اینکه براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادی به نقش هنر در وصول به حقیقت از منظر هگل وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، حقیقت، هگل، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۶۲۹. بررسی رابطه هنر و تاریخ از منظر هگل براساس مبانی حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادی به رابطه هنر و تاریخ از منظر هگل وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر پیش‌فرض‌ها و مبادی هنر مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از مسائل مهم در فلسفه هنر ارتباط هنر با سایر پدیده‌هاست. زمان ازجمله پدیده‌هایی است که ارتباط هنر با آن مورد توجه فیلسوفان هنر قرار گرفته است. کانت به تمایز عقل نظری و عقل عملی باور داشت. وی این دو

1. Georg Wilhelm Friedrich Hegel.



بعد عقل را کاملاً مستقل و جدای از یکدیگر می‌شمرد. او با تأکید بر مقوله حاسه بودن زمان و مکان، به ناتوانی عقل نظری در فهم امور ماورای مادی نیز تأکید کرد و از این‌رو به سراغ عقل عملی رفت و هنر و زیبایی‌شناسی را امری جدای از عقل نظری دانست. برخی دیگر از فیلسوفان اساساً زمان را در قالب تاریخ مورد توجه قرار دادند و پدیده‌هایی مانند هنر را در سایه آن تجزیه و تحلیل کردند. از جمله این متفکران می‌توان به هگل اشاره کرد. باتوجه به اینکه در حکمت متعالیه به مسئله حرکت جوهری و نیز مباحث خیال پرداخته شده است، مناسب است این مکتب را نقطه اتکایی برای بررسی این مسئله قرار داد و پرسش را این‌گونه مطرح ساخت که براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادی به رابطه هنر و تاریخ از منظر هگل وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، هنر، تاریخ، هگل، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۶۳۰. بررسی جایگاه صورت در اثر هنری براساس مبانی هستی‌شناختی متعالیه

سؤال: براساس مبانی هستی‌شناسی متعالیه جایگاه صورت در اثر هنری چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر به بررسی مبانی و اصول هنر و امر زیبایی‌شناختی پرداخته می‌شود. فیلسوفان هنر به واکاوی عناصری پرداخته‌اند که در شکل‌گیری اثر هنری مؤثر است. از جمله اموری که فیلسوفان هنر از آن به عنصر و مقوم هنر تعبیر کرده‌اند، صورت است. اینکه مقصود از صورت دقیقاً به چه معناست و نقش آن در اثر هنری چگونه است، مسئله مهمی است که در سنت اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین پرواضح است که اهمیت صورت در اثر هنری هرچقدر هم که زیاد باشد، بدون ماده و مضمون ناتمام است. باتوجه به نقشی که این مباحث در پیشبرد مباحث فلسفه اسلامی دارد، مناسب است با مبنا قرار دادن هستی‌شناسی متعالیه به بررسی این مسئله بپردازیم و درصدد پاسخ به این پرسش برآییم که براساس مبانی هستی‌شناسی متعالیه جایگاه صورت در اثر هنری چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، صورت، اثر هنری، زیبایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۲۵.



۶۳۱. بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های زیباشناختی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: براساس مبانی معرفت‌شناسی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های زیباشناختی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر با کاربری روش تحلیلی - عقلی به واکاوی مبادی و مبادی هنر پرداخته می‌شود. یکی از مباحث مطرح در فلسفه هنر مسئله رابطه میان هنر و واقعیت است. از منظرهای مختلفی می‌توان به رابطه میان هنر و واقعیت توجه کرد. معرفت‌شناسی یکی از روزه‌های بحث در این زمینه است. می‌توان با مبنا قرار دادن معیارهای معرفت‌شناختی به بررسی این مسئله پرداخت که آیا اساساً گزاره‌های مرتبط با هنر واجد ویژگی مطابقت با واقع هستند یا نه؟ و در صورتی که این دسته از گزاره‌ها با واقع مطابقت دارند، از چه میزان مطابقت با واقعیت برخوردارند. باتوجه به اینکه در معرفت‌شناسی اسلامی به تفصیل به بررسی معیارها و ملاک‌های ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌ها پرداخته شده است، مناسب است ارزش معرفتی گزاره‌های هنر را براساس معرفت‌شناسی اسلامی واکاوی کرد. در این صورت سؤال تحقیق چنین خواهد بود که براساس مبانی معرفت‌شناسی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های زیباشناختی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، زیبایی، معرفت‌شناسی اسلامی، حکمت متعالیه.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۴.

۶۳۲. بررسی جایگاه فضا در اثر هنری براساس مبانی هستی‌شناختی متعالیه

سؤال: براساس مبانی هستی‌شناسی متعالیه جایگاه فضا در اثر هنری چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر به بررسی مبانی و اصول هنر و امر زیبایی‌شناختی پرداخته می‌شود. فیلسوفان هنر به واکاوی عناصری پرداخته‌اند که در شکل‌گیری اثر هنری مؤثر است. فضا از جمله اموری است که فیلسوفان هنر از آن به عنصر و مقوم هنر یاد کرده‌اند. اینکه مقصود از فضا دقیقاً چیست، فضا چه تفاوتی با مکان دارد، و نقش آن در اثر هنری چگونه است، مسائل مهمی هستند که در سنت اسلامی به آن‌ها توجه شده است. همچنین پرواضح است که اهمیت فضا در اثر هنری هرچقدر هم که زیاد باشد، بدون منحصر کردن اثر هنری در امر مادی و جسمانی میسر



نیست. باتوجه به اینکه از منظر حکمت اسلامی و به‌ویژه فلسفه متعالیه، هنر و زیبایی به امور جسمانی و مادی محدود نمی‌شود، مناسب است با مبنا قرار دادن هستی‌شناسی متعالیه به بررسی این مسئله بپردازیم و درصدد پاسخ دادن به این پرسش برآییم که براساس مبانی هستی‌شناسی متعالیه جایگاه فضا در اثر هنری چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، فضا، زیبایی، اثر هنری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۳.

۶۳۳. بررسی رابطه تصویر و واقعیت از منظر حکمت اسلامی

سؤال: از منظر حکمت اسلامی چه رابطه‌ای میان تصویر و واقعیت وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه هنر است. در فلسفه هنر به بررسی مبانی، اصول، و پیش‌فرض‌های هنر پرداخته می‌شود. از جمله مباحثی که در فلسفه هنر مطرح است، نقشی است که امر هنری در تصویرگری برعهده دارد. به باور بسیاری از متفکران و فیلسوفان هنر، یکی از مهم‌ترین و چه‌بسا مهم‌ترین نقش هنر، در تصویرگری آن از ماورای خود است. اما اینکه گونه‌های متنوع اثر هنری از موسیقی، سینما گرفته تا نقاشی و فیلم، دقیقاً چه چیزی را به تصویر می‌کشد، بحثی بسیار جدی است که به طرح نظریه‌های گوناگونی انجامیده است. براساس یکی از نظریه‌های مورد توجه در فلسفه هنر، اثر هنری درصدد به تصویر کشیدن واقعیت است و البته این تصویرگری همراه با تفسیر و خوانشی است که هنرمند از واقعیت دارد. باتوجه به اهمیتی که مسئله رابطه تصویر و واقعیت دارد، مناسب است با تمرکز بر فلسفه اسلامی به بررسی این مسئله بپردازیم؛ از این‌رو پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌گردد که از منظر حکمت اسلامی چه رابطه‌ای میان تصویر و واقعیت وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، تصویر، واقعیت، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۶۳۴. بررسی تقدم وانمایی بر واقعیت از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر استدلال‌های مطرح‌شده در دفاع از تقدم وانمایی بر واقعیت می‌توان مطرح ساخت؟

تبیین مسئله: فلسفه مضاف دارای شاخه‌های مختلفی است که از جمله آن‌ها می‌توان



به فلسفه هنر اشاره کرد. در فلسفه هنر، مانند سایر شاخه‌های فلسفه مضاف، به بررسی مبادی و مبانی متعلق آن پرداخته می‌شود. در فلسفه هنر مفاهیمی مانند زیبایی، تناسب، از مبادی تصویری و اصولی مانند انسانی بودن و ارزشی بودن، اصول و مبانی هنر مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از اموری که مورد بحث فیلسوفان هنر قرار گرفته است، رابطه هنر و واقعیت است. برخی از نویسندگان معاصر با طرح مفهوم وانمایی درصدد القای این نکته برآمده‌اند که در وادی هنر، بر تقدم وانمایی بر واقعیت حکم کنند. منظور آنان این است که در هنر فروپاشی حقیقت از اصالت برخوردار است، نه نمایش و تصویرگری واقعیت. این سخن تا حدود زیادی غایت هنر را نیز با چالش مواجه می‌سازد و حتی می‌توان آن را نوعی از تحریف هنر نیز دانست. از این رو زمینه برای نگرش انتقادی به این دیدگاه وجود دارد. اگر مبانی حکمت صدرایی را مکتب رایج معاصر در سنت اسلامی در نظر بگیریم، می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که از منظر حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر استدلال‌های مطرح شده در دفاع از تقدم وانمایی بر واقعیت می‌توان مطرح ساخت؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، وانمایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۳.

۶۳۵. بررسی سینما، ابزاری برای فلسفه‌ورزی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر کاربری سینما در راستای فلسفه‌ورزی وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه سینما است. در فلسفه سینما به بررسی بنیان‌های سینما پرداخته می‌شود. از جمله مبانی نظری سینما مسئله تصویرگری و اندیشه‌ورزی است. برخی از نویسندگان با تأکید بر نقش سینما، نقش این ابزار هنری را تا حد فلسفه‌ورزی بالا برده‌اند. به باور آنان، فلسفه درصدد نمایش و انعکاس واقعیت است و از میان ابزار نمایش واقعیت، هیچ ابزاری به قدر و منزلت سینما نمی‌رسد. روشن است که اگر فلسفه صرفاً محدود به فلسفه مادی بود، این دیدگاه تا حدی بهره از درستی پیدا می‌کرد، اما با توجه به اینکه براساس مبانی حکمت صدرایی موضوع فلسفه بررسی احکام کلی وجود است و احکام کلی وجود از دستیابی حس و مشاهده به دور است، روشن خواهد شد که نمی‌توان سینما را ابزاری برای فلسفه‌ورزی دانست. از این رو مناسب است به بررسی این



دیدگاه بپردازیم و درصدد پاسخ به این پرسش برآییم که از منظر حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر کاربرست سینما در راستای فلسفه‌ورزی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، سینما، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۶۳۶. بررسی تطبیقی ظرفیت‌های مفهوم و تصویر در انعکاس واقعیت

سؤال: در یک بررسی تطبیقی چه تفاوت‌هایی میان ظرفیت مفهوم و ظرفیت تصویر در انعکاس واقعیت یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه سینما از جمله فلسفه‌های مضاف است. هرچند دور زمانی از طرح مباحث مرتبط با فلسفه سینما نمی‌گذرد، این شاخه عقلی مورد اقبال نویسندگان قرار گرفته است و آثار بسیاری در این زمینه منتشر شده است. از جمله مسائل مهم در فلسفه سینما واکاوی نسبت میان تصویر، یعنی عنصر اساسی در هنر سینما، و واقعیت ازسوی دیگر است. بسیاری بر این باورند که سینما قدرت‌مندترین ابزار موجود در انعکاس واقعیت است. درمقابل، دیدگاه دیگری بر آن است که واقعیت امری دارای وجوه و ابعاد مختلف است و تصویر تنها ظرفیت انعکاس برخی از ابعاد واقعیت را دارد. افزون بر این، تصویر عمدتاً ناظر به ابعاد بصری واقعیت است، درحالی که واقعیت منحصر به واقعیت بصری و محسوس نیست. بنابراین تصویرگری سینما از واقعیت با چالشی جدی مواجه است. به باور این عده لازم است به جای تصویر بر عنصر مفهوم که ابزار مهم در انعکاس واقعیت است، تأکید کنیم. ازاین‌رو مناسب است به بررسی این پرسش برآییم که در یک بررسی تطبیقی چه تفاوت‌هایی میان ظرفیت مفهوم و ظرفیت تصویر در انعکاس واقعیت یافت می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، مفهوم، تصویر، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۶۳۷. بررسی جایگاه نشانه در انتقال مفاهیم فلسفی

سؤال: نشانه از چه ظرفیتی برای انتقال مفاهیم فلسفی به مخاطبان برخوردار است؟

تبیین مسئله: فلسفه سینما یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی با کاربرست روش تحلیلی - عقلی به واکاوی ابعاد مختلف هنر سینما پرداخته می‌شود. یکی از مبادی



تصوری هنر سینما، نشانه است. گفته شده است که یکی از ابزارهای سینما برای انتقال مفهوم، نشانه است. در صنعت سینما بر عنصر نشانه در انتقال پیام به مخاطب بسیار تأکید می‌شود. اما نشانه این تفاوت را با مفهوم دارد که قابلیت جامعی را برای انتقال هرگونه پیامی ندارد. برای مثال، برخی از مفاهیم فلسفی، از جمله مفاهیم ناظر به امور مجرد، فاقد علائم و نشانه‌های سمعی و بصری است تا در قالب این دسته از نشانه‌ها به مخاطبان انتقال یابد. اکنون پرسش این است که نشانه از چه ظرفیتی برای انتقال مفاهیم فلسفی به مخاطبان برخوردار است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، نشانه، هنر، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۶۳۸. تحلیل فلسفی جایگاه حرکت در اثر سینمایی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی، حرکت چه نقشی در اثر سینمایی دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه‌های مضاف عمدتاً در پی واکاوی اصول و مبادی متعلق خود هستند. فلسفه سینما نیز که یکی از فلسفه‌های مضاف است، درصدد بررسی و واکاوی مبادی و مبانی هنر سینماست. از جمله مبادی هنر هفتم، مفهوم حرکت است که در معنای لفظی سینما نیز اشراب شده است. در سنت فلسفه اسلامی و به‌ویژه در حکمت متعالیه، مباحث بسیاری درباره چیستی و ویژگی‌های هنر مطرح شده است. در مباحث فلسفی تأکید شده است که حرکت دست‌کم شش مؤلفه اصلی دارد که عبارت است از: مبدأ، غایت، مسیر، محرک، موضوع و زمان. حال اگر این مؤلفه‌های شش‌گانه را مبنای بحث خویش قرار دهیم، می‌توان با تمرکز بر مؤلفه‌های حرکت در فلسفه متعالیه به واکاوی مؤلفه‌های حرکت در سینما پرداخت. از این‌رو می‌توان پرسش تحقیق را این‌گونه صورت‌بندی کرد که از منظر حکمت صدرایی، حرکت چه نقشی در اثر سینمایی دارد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، حرکت، هنر، زیبایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۲/۶.

۶۳۹. بررسی تحلیلی نحوه تعامل خیال و عقل در تدوین فیلم

سؤال: تعامل خیال و عقل در تدوین فیلم چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از فلسفه‌های مضاف، فلسفه سینما است. در فلسفه سینما به بررسی



و پژوهش درباره مبادی تصویری و تصدیقی هنر سینما پرداخته می‌شود. از جمله عناصر مهم در هنر سینما عنصر خیال است. عنصر خیال نقشی اساسی در خلاقیت و تصویرگری دارد که اساس سینما را تشکیل می‌دهد. حال اگر در نظر آوریم که سینما هنری انسانی و مرتبط با انسان است، در خواهیم یافت که در کنار عنصر خیال، لازم است به عنصر عقل توجه کرد که تشکیل دهنده هویت انسانی است. بنابراین رابطه میان خیال و عقل در عرصه هنر سینما به مسئله مهمی تبدیل می‌شود که نظرورزی درباره آن می‌تواند کلیت فلسفه سینما را تحت تأثیر قرار دهد. فروض مختلفی درباره ارتباط میان عقل و خیال مطرح است. در حالی که براساس برخی از فروض این دو، دو قوه متقابل هستند که در تعارض با یکدیگر قرار دارند و تأثیرپذیری عقل از خیال، اعتبار آن را مخدوش خواهد ساخت، براساس دیدگاه دیگر، تعامل میان قوه خیال و عقل به تعالی هنر سینما خواهد انجامید. از این رو مناسب است با در پیش گرفتن روش تحلیلی در صدد واکاوی این پرسش برآییم که تعامل خیال و عقل در تدوین فیلم چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، خیال، عقل، فیلم، حکمت اسلامی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۴۰. بررسی نقش سینما در ساختن فرضیه‌های جدید علمی

سؤال: سینما از چه ظرفیت‌هایی برای ساختن فرضیه‌های جدید علمی برخوردار است؟
تبیین مسئله: یکی از فلسفه‌های مضاف، فلسفه سینماست. در قلمرو فلسفه سینما به بررسی اصول و مبادی سینما پرداخته می‌شود. از جمله مباحث فلسفه سینما، غایت و نیز کارکرد سینماست. اینکه آیا غایت سینما تحت عنوان هنر برای هنر می‌گنجد، یا آنکه غایت سینما رسیدن به امری متعالی است، دیدگاه‌هایی است که در این زمینه مطرح شده است. همچنین درباره کارکرد سینما، چه بسا بسیاری سینما را ابزاری برای تفتن بنگرند، اما می‌توان تقریری از کارکرد سینما مطرح ساخت که آن را به ابزاری مناسب برای تکامل و پیشرفت تبدیل سازد. یکی از کارکردهای سینما کمکی است که این ابزار هنری به پیشبرد علوم می‌کند. همان‌گونه می‌دانیم عنصر خیال نقش پررنگی در شکل‌گیری سینما دارد، و همین عنصر در طرح فرضیه‌های جدید علمی نیز نقش مهمی دارد. نقطه تلاقی این دو، عبارت است از کاربرست ابعاد خیال در سینما برای طراحی فرضیه‌های علمی که به دانشمندان برای طرح ایده‌های



جدید علمی کمک کنند. از این رو می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که سینما از چه ظرفیت‌هایی برای ساختن فرضیه‌های جدید علمی برخوردار است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، فرضیه، سینما، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۴۱. بررسی ایده چیرگی تصویر از منظر علم‌النفس صدرایی

سؤال: ایده هایدگر مبنی بر چیرگی تصویر از منظر علم‌النفس صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه سینماست. در فلسفه سینما با استفاده از روش تحلیلی - عقلی به واکاوی مبادی تصویری، تصدیقی و نیز مبانی و اصول سینما یا همان هنر هفتم پرداخته می‌شود. تصویر یکی از مفاهیم اساسی مربوط به سینما را تشکیل می‌دهد. این مفهوم با مفاهیم دیگری نیز ارتباط پیدا می‌کند. از جمله این مفاهیم می‌توان به انسان اشاره کرد. درباره رابطه انسان با تصویر، نویسندگان مختلف نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند پرداخته‌اند. یکی از این نویسندگان، مارتین هایدگر فیلسوف برجسته آلمانی است. وی با ارائه نظریه دازاین درباره انسان، بر ارتباط انسان با وجود تأکید می‌کند. از سوی دیگر وی مسئله تصویر و چیرگی تصویر را یکی از ابعاد سینما و تصویرگری مطرح می‌کند. ریشه اساسی این ایده هایدگر به نوع نگاهی باز می‌گردد که وی به انسان دارد. با توجه به تفاوت‌های اساسی که میان انسان‌شناسی متعالیه و انسان‌شناسی هایدگر وجود دارد، می‌توان این مسئله را مورد توجه قرار داد که ایده هایدگر مبنی بر چیرگی تصویر از منظر علم‌النفس صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، تصویر، خیال، هنر، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۴۲. بررسی جایگاه محاکات در تولید اثر سینمایی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی عنصر محاکات چه نقشی در تولید اثر سینمایی دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه سینما یکی از فلسفه‌های مضاف است که در پی بررسی مبانی و مبادی سینماست. در قلمرو فلسفه سینما برخی مفاهیم اساسی مورد توجه محققان قرار



گرفته است که از میان آن‌ها می‌توان به «محاکات» اشاره کرد. به‌رغم نقش محوری این مفهوم در هنر سینما، با مرور ادبیات موجود کمتر نگرش تحلیلی - فلسفی درباره آن را شاهد هستیم. محاکات از یک‌سو با واقعیت و موضوع محاکات مرتبط است و از دیگر سو، با فاعل شناسا مرتبط است. اینکه سهم هر کدام از این‌ها در محاکات چه میزان است، مسئله مهمی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. با توجه به اینکه در سنت فلسفه اسلامی، مسئله محاکات مورد توجه قرار گرفته است، لازم است با تمرکز بر حکمت صدرایی به واکاوی عناصر دخیل در محاکات و نقش آن در هنر سینما بپردازیم. از این‌رو مسئله پژوهشی مورد نظر عبارت است از اینکه از منظر حکمت صدرایی عنصر محاکات چه نقشی در تولید اثر سینمایی دارد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، محاکات، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۶۴۳. بررسی رابطه موسیقی و حقیقت از نظر نیچه از منظر زیبایی‌شناسی متعالیه

سؤال: براساس مبانی فلسفه اسلامی چه انتقادهایی بر رابطه میان موسیقی و واقعیت از نظر نیچه وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه موسیقی است. در فلسفه موسیقی به واکاوی مبادی و مبانی موسیقی پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مطرح در فلسفه موسیقی رابطه میان موسیقی و واقعیت است. از زمان افلاطون این مسئله مورد توجه قرار گرفته است. در رساله تیمائوس افلاطون شاهد مباحث جدی درباره پیوند میان موسیقی و نظم حاکم بر جهان هستیم. افلاطون در این بحث چنان پیش می‌رود که نت‌های مرتبط با نظم کیهانی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. در دوره‌های اخیر نیز برخی از نویسندگان مانند نیچه به این بحث توجه کرده‌اند. اینکه موسیقی تا چه میزان با مراتب وجود در ارتباط است، پرسشی جدی است که لازم است مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو پرسش این تحقیق عبارت است از اینکه براساس مبانی فلسفه اسلامی چه انتقادهایی بر رابطه میان موسیقی و واقعیت از نظر نیچه وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، موسیقی، نیچه، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.



۶۴۴. بررسی تحلیلی نقش تربیتی موسیقی براساس فلسفه افلاطون

سؤال: براساس فلسفه افلاطون چه تحلیلی از نقش موسیقی در تربیت می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از فلسفه‌های مضاف، فلسفه موسیقی است. در این شاخه عقلی به بررسی مبادی و مبانی موسیقی پرداخته می‌شود. برخی از مباحثی که توجه فیلسوفان موسیقی را به خود مشغول داشته است، چیستی موسیقی، رابطه آن با امورمانند ریاضی و واقعیت و نیز غایت و کارکرد موسیقی است. افلاطون که یکی از نخستین فیلسوفانی است که مسئله موسیقی را مورد توجه قرار داده، به کارکرد موسیقی در تربیت تأکید کرده است. این توجه افلاطون، نشانه‌ای از اهمیت موسیقی قلمداد شده است ولی می‌توان با نگرشی فلسفی این مسئله را مورد توجه قرار داد و پرسش‌هایی مطرح ساخت. از جمله پرسش‌هایی که می‌توان در این زمینه مطرح ساخت این است که موسیقی که صوتی است که به عالم طبیعت مربوط است، چگونه نفس را که از سنخ عالم روح و ملکوت است، تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ آیا می‌توان تبیینی برای تأثیر مراتب نازله وجود در مراتب عالیه وجود ارائه کرد؟ باتوجه به این دست پرسش‌ها مناسب است پرسش تحقیق را این گونه صورت‌بندی کنیم که براساس فلسفه افلاطون چه تحلیلی از نقش موسیقی در تربیت می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، موسیقی، افلاطون، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه.

اولویت: ۳.

۶۴۵. بررسی تحلیلی - انتقادی نقش افلاک در پیدایش موسیقی از منظر طبیعت‌شناسی سینیوی

سؤال: چه انتقادهایی بر دیدگاه تأثیر افلاک بر پیدایش موسیقی براساس طبیعت‌شناسی سینیوی وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از فلسفه‌های مضاف، فلسفه موسیقی است. در فلسفه موسیقی به بررسی مبادی و مبانی موسیقی پرداخته می‌شود. افلاطون از نخستین فیلسوفانی است که به ابعاد فلسفی موسیقی توجه کرده است. رساله تیمائوس افلاطون منبع مناسبی برای مباحث فلسفی درباره موسیقی است. افلاطون در این رساله، با طرح ایده‌هایی، زمینه را برای دقت‌های فلسفی در دوره‌های بعد فراهم کرده است. وی بر این باور است که یکی از خاستگاه‌های اصلی موسیقی اصیل، حرکت افلاک است. اینکه آیا اساساً آنچه افلاک نامیده می‌شود، تحقق خارجی در عالم مادی دارد یا به عالم دیگری مربوط است؟ اینکه آیا افلاک



دارای حرکت هستند؟ و اینکه حرکت افلاک چگونه به ایجاد موسیقی می‌انجامد، جملگی پرسش‌هایی است که لازم است در قلمرو فلسفه موسیقی مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو پرسش این تحقیق عبارت است از چه انتقادهایی بر دیدگاه تأثیر افلاک بر پیدایش موسیقی براساس طبیعت‌شناسی سینیوی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، افلاک، موسیقی، حکمت سینیوی، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۲/۵.

۶۴۶. بررسی مؤلفه‌های موسیقی متعالیه از منظر حکمت متعالیه

سؤال: براساس مبانی حکمت متعالیه چه مؤلفه‌هایی برای هنر می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: از جمله قلمروهای فلسفه مضاف، فلسفه موسیقی است. فیلسوفان با استفاده از روش عقلی به واکاوی ابعاد مختلف موسیقی پرداخته‌اند. از جمله ابعاد موسیقی مطالعه درباره مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده موسیقی است. در حکمت متعالیه، ضمن توجه به مباحث زیبایی‌شناختی، برخی مطالب درباره موسیقی نیز مطرح شده است و فیلسوفان مدافع حکمت متعالیه تلاش کرده‌اند ارتباط میان موسیقی و واقعیت را به گونه‌ای مورد توجه قرار دهند. در این میان آنچه اهمیت اساسی دارد، ایضاح مفهومی موسیقی است. برای این کار لازم است به واکاوی عناصر تشکیل‌دهنده موسیقی پرداخت و نقش و جایگاه هر کدام را به‌دقت مشخص ساخت. اینکه نظم، تناسب، و... چه مقدار در شکل‌گیری موسیقی نقش دارند، از جمله این مباحث است. از این‌رو مناسب است به بررسی این مسئله پرداخت که براساس مبانی حکمت متعالیه چه مؤلفه‌هایی برای هنر می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، موسیقی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۶۴۷. بررسی رابطه موسیقی و حقیقت از منظر گادامر برپایه زیبایی‌شناسی متعالیه

سؤال: براساس زیبایی‌شناسی متعالیه چه انتقادهایی به رابطه موسیقی و حقیقت از منظر گادامر وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه موسیقی است. در فلسفه موسیقی مباحث مهمی درباره مبادی و مبانی موسیقی با روش عقلی و تحلیلی مورد کاوش قرار



می‌گیرد. یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان موسیقی، رابطه میان موسیقی و حقیقت است. از فیلسوفان گذشته، افلاطون به تفصیل به این بحث پرداخته است. در دوره معاصر هانس گئورگ گادامر به ربط وثیق میان موسیقی و واقعیت قائل است. باتوجه به اینکه گادامر مؤسس نگرش هرمنوتیک فلسفی شناخته می‌شود که دستیابی به واقعیت را جز از راه تأثیر ذهن میسر نمی‌داند، این پرسش مطرح می‌شود که اگر فاعل انسانی در دستیابی به واقعیت با دشواری مواجه است، چگونه می‌توان از ارتباط وثیق میان واقعیت و موسیقی سخن به میان آورد؟ این دست مسائل ایجاب می‌کند با تمرکز بر زیبایی‌شناسی متعالیه به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس زیبایی‌شناسی متعالیه چه انتقادهایی به رابطه موسیقی و حقیقت از منظر گادامر وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، حقیقت، گادامر، زیبایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۶۴۸. بررسی نقشی محاکات در موسیقی از منظر هگل

سؤال: چه انتقادهایی بر دیدگاه هگل درباره نقش محاکات در موسیقی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه موسیقی که یکی از فلسفه‌های مضاف است، در پی بررسی مبانی و مبادی موسیقی است. در قلمرو فلسفه موسیقی برخی مفاهیم اساسی مورد توجه محققان قرار گرفته است که از میان آن‌ها می‌توان به محاکات اشاره کرد. بهرغم نقش محوری این مفهوم در هنر موسیقی، با مرور ادبیات موجود کمتر نگرش تحلیلی - فلسفی را درباره آن شاهد هستیم. محاکات از یک سو با واقعیت و موضوع محاکات مرتبط است و از دیگر سو، با فاعل شناسا مرتبط است. اینکه سهم هر کدام از این‌ها در محاکات چه میزان است، مسئله مهمی است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. در میان نویسندگان غربی، هگل با تمرکز بر این مسئله دیدگاه خود را درباره نقش محاکات در موسیقی را بیان کرده است. به اعتقاد او موسیقی می‌تواند از طریق گوش بر باطن انسان، که همان قلب اوست، اثر بگذارد. اما سخن در این است که رابطه میان گوش و باطن انسان چگونه تبیین می‌گردد؟ باتوجه به اینکه مبنای نگرش هگل را نوعی ایدئالیسم مطلق تشکیل می‌دهد، و تمایز ذهن و بدن در نظر او جدی تلقی نمی‌گردد، مناسب است با نگرشی انتقادی به واکاوی نگرش هگل بپردازیم.



از این‌رو مسئله پژوهشی مورد نظر عبارت است از اینکه چه انتقادهایی بر دیدگاه هگل درباره نقش محاکات در موسیقی وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، محاکات، موسیقی، هگل، حکمت اسلامی.
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۶۴۹. بررسی نگرش شوپنهاور^۱ به موسیقی از منظر زیبایی‌شناسی متعالیه

سؤال: براساس زیبایی‌شناسی متعالیه چه انتقادهایی به نگرش شوپنهاور به موسیقی وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه موسیقی است. در فلسفه موسیقی به واکاوی ابعاد بنیادین موسیقی پرداخته می‌شود. اگرچه اساس این شاخه فلسفی بر کاربست روش عقلی استوار است، شاهد ورود برخی از نویسندگان فاقد گرایش فلسفی به این حوزه هستیم. آثار این نویسندگان نه تنها ابهامی از مباحث این شاخه نمی‌کاهد و شفافیتی برای مباحث به وجود نمی‌آورد، زمینه افزودن بر ابهامات موجود را فراهم خواهد ساخت. از جمله این نویسندگان شوپنهاور است که با کاربست روشی تجربی درصدد تجزیه و تحلیل جایگاه موسیقی برآمده است. وی بر این باور است که موسیقی باعث می‌گردد تا ما از دایره تأثیر جبری اراده خارج شویم و به ادراک اموری بپردازیم که تجربه بی‌زمان است. باتوجه به اینکه انتقادهایی جدی به نگرش تجربه‌گرایانه شوپنهاور وارد است، مناسب است با مبنا قرار دادن زیبایی‌شناسی متعالیه به بررسی نگرش شوپنهاور به موسیقی پرداخت. از این‌رو پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی خواهد شد که براساس زیبایی‌شناسی متعالیه چه انتقادهایی به نگرش شوپنهاور به موسیقی وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، شوپنهاور، تکامل، زیبایی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۵۰. بررسی تطبیقی غایت موسیقی از منظر افلاطون و فلاسفه اسلامی

سؤال: چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت موسیقی از منظر افلاطون و فلاسفه اسلامی وجود دارد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه موسیقی است. در فلسفه موسیقی

1. Arthur schopenhauer.



به مباحث اساسی موسیقی براساس روش عقلی پرداخته می‌شود. مبادی تصویری، مبادی تصدیقی و مبانی موسیقی ازجمله مباحث مورد توجه فیلسوفان است. افزون بر این، غایت موسیقی نیز توجه فیلسوفان را به خود جلب کرده است. از میان فیلسوفان، افلاطون به غایت موسیقی اشاره کرده است. موسیقی ابزاری برای نظم‌بخشی شمرده شده است. در کنار دیدگاه افلاطون، می‌توان به بررسی دیدگاه متفکران اسلامی و به‌ویژه در سنت حکمت متعالیه پرداخت. برای مثال آیت‌الله جوادی آملی درباره موسیقی و غایت مورد انتظار از آن مباحثی مطرح کرده‌اند که زمینه را برای انجام تحقیقی تطبیقی در این باره فراهم می‌سازد. از این رو پرسش تحقیق عبارت است از چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت موسیقی از منظر افلاطون و فلاسفه اسلامی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، موسیقی، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۶۵۱. بررسی تحلیلی رابطه موسیقی و ریاضیات از منظر افلاطون و ابن‌سینا

سؤال: چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره رابطه موسیقی و ریاضیات از منظر افلاطون و ابن‌سینا وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه موسیقی که از فلسفه‌های مضاف است، به بررسی مبادی و مبانی موسیقی می‌پردازد. همچنین در کنار موضوعات فوق، به رابطه موسیقی با اموری مانند واقعیت نیز توجه می‌کند. از میان فیلسوفان متقدم افلاطون، توجه خاصی به موسیقی داشت. وی به تفصیل به واکاوی ابعاد مختلف موسیقی پرداخت. افلاطون در فرازی از رساله تیمائوس به رابطه میان ریاضی و موسیقی اشاره کرده و ربط میان آن‌ها را وثیق شمرده است. امروزه نیز برخی از نویسندگان از این ایده دفاع می‌کنند که موسیقی با ریاضیات ارتباط وثیقی دارد. باتوجه به اینکه در سنت اسلامی، ابن‌سینا ازسویی به ریاضیات و ازسویی دیگر به موسیقی توجه کرده، مناسب است به بررسی مسئله رابطه موسیقی و ریاضی از منظر ابن‌دو متفکر برجسته بپردازیم. از این رو پرسش تحقیق عبارت است از اینکه چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره رابطه موسیقی و ریاضیات از منظر افلاطون و ابن‌سینا وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، موسیقی، ریاضیات، افلاطون، ابن‌سینا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۵۲. بررسی تحلیلی رابطه موسیقی و زبان از منظر ارسطو و فارابی

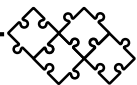
سؤال: چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره رابطه موسیقی و زبان از منظر ارسطو و فارابی وجود دارد؟ تبیین مسئله: فلسفه موسیقی از فلسفه‌های مضاف است که به بررسی مبادی و مبانی موسیقی می‌پردازد. ازجمله مباحث مرتبط با فلسفه موسیقی بررسی عقلی رابطه موسیقی با پدیده‌های دیگر همچون زبان است. برخی متفکران، همچون ارسطو، به واکاوی حقیقت موسیقی و رابطه آن با بیان مقاصد پرداخته‌اند. اگر زبان را صرفاً الفاظی برای بیان مقصود در نظر بگیریم، رابطه وثیقی میان موسیقی و زبان به وجود نخواهد آمد. اما اگر زبان را اعم هرگونه نمادی بدانیم برای بیان آنچه در درون آدمی می‌گذرد، موسیقی نیز به زبانی گویا بدل خواهد شد برای بیان احساسات درونی انسان که گاه حتی الفاظ نیز از بیان چنین احساساتی ناتوان‌اند. در سنت اسلامی نیز فارابی به تحقیق درباره موسیقی پرداخته است و رساله‌هایی در این زمینه نگاشته است. باتوجه به نقش این بحث در فهم دقیق ماهیت موسیقی، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره رابطه موسیقی و زبان از منظر ارسطو و فارابی وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، موسیقی، زبان، ارسطو، فارابی.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۶۵۳. بررسی تحلیلی رابطه معماری و هنر از منظر افلاطون

سؤال: از منظر افلاطون رابطه معماری و هنر چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از فلسفه‌های مضاف، فلسفه معماری است. در فلسفه معماری به بررسی مبادی، مبانی و غایت هنر معماری پرداخته می‌شود. اگر معماری را صرفاً تهیه مکانی برای زندگی در نظر بگیریم، تعریفی محدود از معماری در نظر گرفته‌ایم که ارتباط آن را با اضلاع دیگر زندگی بشر از میان خواهد برد. اما اگر معماری را هنر تهیه مکانی مناسب برای همه ابعاد زندگی در نظر بگیریم، خیال و خلاقیت به عنصر اصلی در فرایند معماری تبدیل خواهد شد. کاربست خلاقیت در هنر معماری به انسان کمک می‌کند تا بیشترین آسایش و آرامش را در سایه مکانی مناسب برای همه ابعاد زندگی فراهم سازد. براساس این نگرش، هنر نه تنها جنبه زائد در معماری نخواهد بود، بلکه به عنصر اصلی و اساسی معماری تبدیل خواهد شد. بنابراین معماری محدود به مجموعه‌ای از قواعد مهندسی و ساخت‌وساز نخواهد



بود و به فعال‌سازی قوه خیال نیازمند است. باتوجه‌به اینکه رابطه معماری و هنر از اهمیت بسیاری برخوردار است، می‌توان با مبنا قرار دادن اندیشه‌های افلاطون به بررسی این مسئله پرداخت که از منظر افلاطون رابطه معماری و هنر چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، معماری، هنر، افلاطون، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۵۴. بررسی تحلیلی رابطه معماری و طبیعت از منظر ارسطو

سؤال: از منظر ارسطو رابطه معماری و طبیعت چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه معماری است. فلسفه معماری عهده‌دار بررسی مبانی و مبادی هنر معماری است. یکی از وجوه فلسفه هنر تحقیق درباره ارتباط معماری با سایر اجزای نظام هستی است. اگر در نظر آوریم که معماری در راستای تهیه مکانی برای زیست انسان قدم برمی‌دارد، به رابطه میان معماری و طبیعت پی خواهیم برد. برخی بر این باورند که اساساً موضوع معماری جهان طبیعت خواهد بود و این انسان است که با تصرف در جهان طبیعت، فضایی مناسب برای زندگی فراهم می‌کند. ازسوی دیگر، دیدگاهی نیز وجود دارد که معتقد است معماری نه تنها با بدن انسان و نیز طبیعت سروکار دارد، بلکه با روح انسان نیز سر و کار دارد؛ ازاین‌رو نباید معماری را در ارتباط آن با طبیعت خلاصه کرد. باتوجه‌به جدی بودن این بحث و نقش آن در مباحث مهم معماری لازم است در قلمرو فلسفه معماری به بررسی رابطه میان معماری و طبیعت بپردازیم. باتوجه‌به اینکه ارسطو ازجمله متفکرانی است که در این زمینه به تحقیق پرداخته، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر ارسطو رابطه معماری و طبیعت چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، معماری، طبیعت، ارسطو، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۶۵۵. بررسی تحلیلی جایگاه محاکات در معماری از منظر محقق طوسی

سؤال: از منظر محقق طوسی جایگاه محاکات در معماری چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه معماری است. در فلسفه معماری



سخن درباره چندوچون مبادی و مبانی هنر معماری است. معماری از یک سو به فراهم کردن مکانی مناسب برای زیستن مربوط است، و از دیگر سو، با هنر مرتبط است. معماری از این جهت که مشتمل بر هنر است، مشتمل بر مؤلفه‌های هنر است و از جمله مؤلفه‌های هنر محاکات است. در محاکات، سخن در انتقال پیام از طریق نماد است. در معماری نیز از ابعاد مختلفی، با نمادها مواجه می‌شویم. اما این نمادها در صدد انتقال کدام پیام هستند و چگونه؟ به عبارت دیگر رابطه میان معماری و محاکات به چه صورتی است؟ برای واکاوی این پرسش مناسب است دیدگاه محقق طوسی را که در معماری دستی داشته و در منطق و محاکات نیز صاحب نظر بوده مبنای بررسی خود قرار دهیم و تلاش کنیم به این پرسش پاسخ دهیم که از منظر محقق طوسی جایگاه محاکات در معماری چگونه ارزیابی می‌شود؟

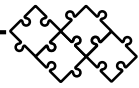
کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، محاکات، معماری، محقق طوسی.

قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵

۶۵۶. بررسی تحلیلی جایگاه خلاقیت در معماری از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر فلسفه اسلامی جایگاه خلاقیت در معماری چگونه ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه معماری از جمله فلسفه‌های مضاف است که به واکاوی مبادی تصویری و تصدیقی، و نیز اصول و مبانی معماری می‌پردازد. یکی از مبادی تصویری معماری، خلاقیت است. خلاقیت، محصول کار بست قوه متخیله است. در وجود انسان، قوای گوناگونی تعبیه شده است که قوه خیال در کنار قوه عاقله و قوه واهمه از جمله قوای نفس انسانی است. هر چند تردیدی نیست که معماری از قوه متخیله متأثر است، اما اینکه حد و حدود این تأثیر و تأثر تا کجاست، پرسشی است که جای بررسی و تحقیق دارد. در معماری از سویی عناصری از واقعیت مطرح است و از سویی دیگر عناصری از خلاقیت. لازم است در فلسفه معماری با تمرکز بر این مسئله به تعیین دقیق حدود هر کدام از این قوای نفس انسانی بپردازیم. فلاسفه اسلامی هر چند نه به تفصیل، بلکه به صورت پراکنده به بررسی ابعاد گوناگون قوای انسانی پرداخته‌اند؛ از این رو آثار آنان ظرفیت لازم را به منظور مبنا قرار گرفتن برای چنین پژوهشی داراست؛ از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر فلسفه اسلامی جایگاه خلاقیت در معماری چگونه ارزیابی می‌شود؟



کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، خلاقیت، معماری.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۶۵۷. بررسی تحلیلی مبانی فلسفی طراحی در معماری از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: از منظر حکمت اشراق مبانی فلسفی طراحی در معماری چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: فلسفه معماری، از جمله فلسفه‌های مضاف است. در این شاخه از فلسفه به بررسی عقلانی اصول و مبانی معماری پرداخته می‌شود. یکی از ارکان معماری، طراحی است. مقصود از طراحی ارائه شکل و قالب برای تهیه مکان مناسب برای زندگی بشر است. اینکه الگوهای به‌کاررفته در فرایند طراحی از چه منبعی تهیه می‌گردد و اینکه در طراحی از چه اصول و مبانی استفاده می‌شود، از جمله مسائلی است که توجه فیلسوفان معماری را به خود جلب کرده. بخش وسیعی از این مبانی، مبانی فلسفی است. از جمله مبانی فلسفی سازگاری و تناسب است. در طراحی محل زندگی لازم است این نکته در نظر گرفته شود که چنین محلی باید در تناسب و سازگاری با محیط باشد. اگر محیطی آب و هوایی خاص دارد، در فرایند طراحی نیز باید به آن توجه شود. اما مفاهیمی همچون تناسب و سازگاری نیز به توضیح و بررسی نیاز دارند. اینجاست که انجام پژوهشی فلسفی ضروری می‌نماید. بنابراین می‌توان با مبنا قرار دادن یکی از مکاتب فلسفی به واکاوی این مسئله پرداخت. فلسفه اسلامی از جمله مکاتب فلسفی است که در آن به شهود و تخیل بسیار بها داده شده است و همین امر ارتباط میان این مکتب و فلسفه معماری را تا حدود بسیاری تأمین می‌کند. بنابراین مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر فلسفه اسلامی مبانی فلسفی طراحی در معماری چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، معماری، طراحی، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۶۵۸. بررسی تحلیلی رابطه غایت طراحی در معماری و غایت در اخلاق از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی غایت طراحی در معماری و غایت در اخلاق چگونه ارزیابی می‌شود؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه معماری است. در فلسفه معماری به واکاوی مبانی و مبادی معماری پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مورد توجه فیلسوفان

معماری، مسئله غایت در معماری است. روشن است که در مباحث انسان‌شناسی به چیستی غایت زندگی انسان اشاره شده و ازسوی دیگر به روش‌های دستیابی به آن نیز توجه شده است. معماری نیز از جهاتی پدیده‌ای انسانی است و غایت آن - هرچه باشد - نمی‌تواند بیگانه با غایت زندگی انسان باشد. به عبارت دیگر ممکن است در معماری، هدف نهایی آرامش و تمتع مادی باشد و در طراحی مسکن، تأکید بر توسعه ابعاد بصری، ولی می‌توان مبنا را بر کمال معنوی و عفت قرار داد و در طراحی مسکن شیوه دیگری برگزید. البته در عموم متون و منابع فلسفه معماری، کمتر به بررسی این مطلب پرداخته شده است. از جمله متفکران معاصر آیت‌الله جوادی آملی است. ایشان در آثار خود به تفصیل به مباحث انسان‌شناسی پرداخته و ازسوی دیگر به مباحث مرتبط به نحوه زندگی بی‌توجه نبوده است. از این رو مناسب است با تمرکز بر دیدگاه ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی غایت طراحی در معماری و غایت در اخلاق چگونه ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، غایت، اخلاق، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

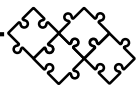
قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۲۵.

۶۵۹. بررسی فلسفه طراحی در معماری از منظر ضحی حدید

سؤال: فلسفه طراحی در معماری از منظر ضحی حدید چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه معماری از جمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی و واکاوی مبانی و مبادی معماری می‌پردازد. یکی از مباحث مرتبط با معماری، مسئله طراحی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین بُعد معماری، طراحی است. اصول و مبانی خاصی بر چندوچون طراحی حاکم است. بسیاری از فیلسوفان معماری بر این باورند که مکاتب فلسفی در طراحی نقشی اساسی و بی‌بدیل دارند. برای مثال، معماری‌ای که در صدد اعمال قالب‌ها و صورت‌های ساختارشکن در طراحی است، از نظر فلسفی به مکتب ساختارشکنی گرایش دارد که دریدا^۱ آن را مطرح کرده است. در مقابل، برخی دیگر از معماران در طراحی‌های خود ملاک‌ها و معیارهای پراگماتیستی را مبنا قرار می‌دهند. یکی از معماران برجسته معاصر، ضحی حدید

1. Jacques Derrida.



مهندس عراقی است که طراحی برخی از ساختمان‌ها و سازه‌های مهم در سراسر جهان را برعهده داشته است. وی از سبک خاصی در طراحی بهره می‌گیرد که به سبک ساختار شکنانه بسیار نزدیک است. سبکی که وی در طراحی به کار بسته است، ابعادی فلسفی دارد و از این‌رو موضوعی مناسب برای پژوهش است. بنابراین پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که فلسفه طراحی در معماری از منظر ضحی حدید چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، طراحی، معماری، ضحی حدید، حکمت اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۶۶۰. بررسی تحلیلی - انتقادی مبانی فلسفی طراحی مردم‌سالارانه از منظر استاد محسن اراکی

سؤال: از منظر استاد محسن اراکی مبانی فلسفی طراحی مردم‌سالارانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه معماری از جمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی و واکاوی مبانی و مبادی معماری می‌پردازد. یکی از مباحث مرتبط با معماری مسئله طراحی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین بُعد ابعاد معماری، طراحی است. اصول و مبانی خاصی بر چندوچون طراحی حاکم است. بسیاری از فیلسوفان معماری بر این باورند که مکاتب فلسفی در طراحی نقشی اساسی و بی‌بدیل دارند. برای مثال، در دهه‌های اخیر سبکی از طراحی در فضای معماری مطرح شده است که به طراحی مردم‌سالارانه معروف است. در این سبک طراحی، هدف انعکاس ارزش‌های مردم‌سالارانه در فرم و صورت سازه است. ادعا شده است که برخی از ساختمان‌ها و سازه‌های معروف براساس این سبک طراحی و ساخته شده است. از ابعاد فنی این سبک که بگذریم، اصل انعکاس ارزش‌های مردم‌سالارانه خالی از اشکال و ایراد نیست. چه بسا با تکیه بر مباحث فلسفی بتوان نقدهایی بر این نگرش فلسفه سیاسی وارد کرد. در این صورت سبک معماری مردم‌سالارانه نیز خالی از اشکال و ایراد نخواهد بود. باتوجه‌به اینکه در سال‌های اخیر آیت‌الله محسن اراکی به بررسی ابعاد مختلف معماری پرداخته است، مناسب است این پرسش در کانون توجه قرار گیرد که از منظر استاد محسن اراکی مبانی فلسفی طراحی مردم‌سالارانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، مردم‌سالاری، محسن اراکی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۶۶۱. بررسی فلسفه طراحی در معماری از منظر لو گربوزیه^۱

سؤال: فلسفه طراحی در معماری از منظر لو گربوزیه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه معماری از جمله فلسفه‌های مضاف است که به بررسی و واکاوی مبانی و مبادی معماری می‌پردازد. طراحی یکی از مباحث مرتبط با معماری است. شاید بتوان گفت طراحی مهم‌ترین بُعد معماری است. اصول و مبانی خاصی بر چندوچون طراحی حاکم است. بسیاری از فیلسوفان معماری بر این باورند که مکاتب فلسفی در طراحی نقشی اساسی و بی‌بدیل دارند. برای مثال، معماری‌ای که درصدد است قالب‌ها و صورت‌های ساختارشکن را در طراحی اعمال کند، از نظر فلسفی به مکتب ساختارشکنی گرایش دارد که دریدا آن را مطرح کرده است. درمقابل، برخی دیگر از معماران در طراحی‌های خود ملاک‌ها و معیارهای پراگماتیستی را مبنا قرار می‌دهند. لو گربوزیه از معماران برجسته معاصر است. وی طراحی برخی از ساختمان‌ها و سازه‌های مهم در سراسر جهان را برعهده داشته است. وی از سبک خاصی در طراحی بهره می‌گیرد، که براساس آن، به خانه همچون ماشین نگریسته می‌شود. همچنین تناسب اجزا و استفاده از ستون در طراحی او نقشی اساسی دارد. هرکدام از این اصول بر فلسفه خاصی مبتنی است که لازم است به واکاوی و بررسی آن پرداخت. بنابراین پرسش تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌شود که فلسفه طراحی در معماری از منظر لو گربوزیه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

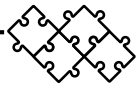
کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، طراحی، معماری، لوکوبوزیه.
 قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۲/۷۵.

۶۶۲. بررسی تحلیلی رابطه طراحی در معماری و زمان از منظر حکمت متعالیه

سؤال: از منظر حکمت متعالیه رابطه طراحی در معماری و زمان چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه معماری است. فلسفه معماری عهده‌دار بررسی و تحقیق درباره مبانی و مبادی معماری است. روشن است که معماری عمدتاً به محل زیست انسان مربوط می‌گردد. زیست انسان نیز اموری ثابت و متغیر دارد. از منظر فلسفه معماری، توجه به امور ثابت و متغیر در طراحی محل زندگی انسان بسیار حائز

1. Le Corbusier.



اهمیت است. پژوهش و تحقیق درباره این امور ثابت و متغیر از جمله دغدغه‌های فیلسوفان معماری است. از این‌رو زمان که مقیاسی برای امور متغیر است از اهمیت بسیاری برخوردار است و فیلسوفان معماری به رابطه زمان و معماری توجه کرده‌اند. زمان مقیاسی برای حرکت است و عنصر حرکت، نقش مهمی در طراحی مسکن و معماری آن دارد. برای مثال، اینکه حرکت خورشید در برابر مسکن چگونه است و در چه زمانی، افق مناسبی با مسکن پیدا می‌کند، نقش مهمی در طراحی مسکن دارد. باتوجه به اینکه در حکمت متعالیه توجه خاصی به حرکت جوهری و نیز عنصر زمان شده، مناسب است با مبنا قرار دادن آن به واکاوی رابطه میان طراحی و زمان پردازیم. بنابراین پرسش تحقیق چنین خواهد بود که از منظر حکمت متعالیه رابطه طراحی در معماری و زمان چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه هنر، زیبایی‌شناسی، فلسفه کاربردی، معماری، زمان، طراحی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۶.

۱،۲،۳۲. فلسفه کنش

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه کنش است. اگرچه مباحث مربوط به این حوزه از دیرباز در متون و منابع فلسفی مطرح بوده است، چند دهه‌ای بیشتر نیست که حجم توجه محققان به این شاخه علمی آن را به رشته‌ای دانشگاهی تبدیل کرده است و در سال‌های اخیر تحقیقات بسیاری در این زمینه انجام گرفته است. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید مربوط به این شاخه علمی آشنا می‌شویم.

۶۶۳. بررسی جایگاه کنش مقاومت در نظام کنش‌ها از منظر فلسفه کنش صدرایی

سؤال: براساس فلسفه کنش صدرایی چه تبیینی از جایگاه کنش مقاومت در نظام کنش‌ها می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه کنش است که به بررسی چیستی و مبادی کنش اختیاری در انسان می‌پردازد. فیلسوفان و نویسندگان بسیاری از سقراط و افلاطون گرفته تا فوکو و هابرماس به این بحث پرداخته‌اند. یکی از مسائل مرتبط با فلسفه کنش گونه‌ای از کنش است که از آن به کنش مقاومت یاد می‌شود. مقصود از کنش مقاومت،

رفتاری اختیاری و آزادانه است که فاعل انسانی برخلاف رفتار غالب یا جاری در جامعه انجام می‌دهد. بسته به سطح جامعه، کنش می‌تواند درون یک واحد سیاسی مثل کشور باشد، یا در سطح بین‌الملل محقق گردد. نکته قابل توجه این است که باتوجه‌به اینکه در فرایند کنش مقاومت، کنش مقابل آن از قدرت برخوردار است، کنش غالب و حاکم حتی مانع از مطالعات نظری درباره کنش مقاومت می‌شود. آنچه در این میان اهمیت دارد، تبیین فلسفی چنین کنشی است. باتوجه‌به اینکه در فلسفه صدرایی مباحثی غنی درباره مبادی افعال ارادی انسان صورت گرفته است، می‌توان با تمرکز بر ابعاد فلسفه کنش در حکمت صدرایی به بررسی و تبیین کنش مقاومت پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که براساس فلسفه کنش صدرایی چه تبیینی از جایگاه کنش مقاومت در نظام کنش‌ها می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، نظام کنش، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۳.

۶۶۴. بررسی دیدگاه جان کاتینگهام^۱ درباره تقدم کنش بر باور از منظر فلسفه کنش صدرایی

سؤال: براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه تقدم کنش بر باور جان کاتینگهام وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه کنش یکی از قلمروهای نوظهور در ساحت فلسفه مضاف است. در چند دهه اخیر و با عطف توجه بسیاری از محققان و نویسندگان، ادبیاتی غنی درباره مبادی کنش اختیاری شکل گرفته است و مسائل بی‌شماری مطرح شده است. یکی از مسائل مهم مرتبط با کنش اختیاری مسئله رابطه کنش با برخی پدیده‌های انسانی دیگر، مانند اراده، معرفت و باور است. جان کاتینگهام از نویسندگان این حوزه است که نظریه‌ای خاص درباره رابطه کنش و باور مطرح ساخته که این نظریه محل بحث و گفت‌وگوی علمی شده است. به باور کاتینگهام، کنش همواره بر باور مقدم است. به عبارت دیگر فاعل انسانی، نخست و در مرحله اول به انجام کنش اقدام می‌کند. سپس در مرحله بعد، کنش او زمینه باورمندی او را فراهم می‌سازد. مراجعه به ادبیات فلسفه کنش در حکمت صدرایی گواه آن است که هرگونه کنش اختیاری مبتنی بر معرفت و باور است؛ ازاین‌رو دیدگاه کاتینگهام چالشی برای این انگاره

1. John Cottingham.



حکمت صدرایی است. بنابراین مناسب است با تمرکز بر فلسفه کنش صدرایی به ارزیابی انتقادی دیدگاه کاتینگهام روی آوریم و به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه تقدم کنش بر باور جان کاتینگهام وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، کنش، باور، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۳/۳.

۶۶۵. بررسی عقلانیت کنش براساس کنش‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس فلسفه کنش صدرایی چه عواملی در عقلانیت یک کنش مؤثرند؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث نوظهور در قلمرو فلسفه مضاف، فلسفه کنش است. امروزه و با توسعه علوم انسانی زمینه عطف توجه به مبانی نظری موضوع علوم انسانی یا همان کنش بیش‌ازپیش فراهم شده است. کنش انسانی علل و عوامل گوناگونی دارد. بخشی از این علل و عوامل، ابعاد معرفتی و شناختی دارد که بر فاعل انسانی مؤثر است و او را به سمت انجام رفتار سوق می‌دهد. یکی از ارکان عوامل معرفتی و شناختی، مسئله عقلانیت است. فاعل انسانی برای اقدام به کنش و رفتار، تلاش می‌کند عقلانیتی برای کنش خود فراهم سازد و آن کنش را در چارچوب مشخصی توجیه کند. باتوجه به اینکه در فلسفه کنش صدرایی توجه مناسبی به عقلانیت کنش صورت گرفته، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس فلسفه کنش صدرایی چه عواملی در عقلانیت یک کنش مؤثرند؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، عقلانیت کنش، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۶۶۶. بررسی مبادی کنش اختیاری از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از مبادی کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث فلسفه مضاف، فلسفه کنش است. در فلسفه کنش به مبادی و مبانی کنش انسانی پرداخته می‌شود. در سنت اسلامی نیز تلاش‌های زیادی برای تبیین کنش اختیاری انسان انجام گرفته است که اوج آن را می‌توان در فلسفه کنش صدرایی مشاهده کرد. به‌رغم توجهی که به این دست از مسائل صورت گرفته است، همچنان برخی



از زوایای کنش انسانی خالی از ابهام و اجمال نیست. برای مثال، در مباحث فلسفه کنش صدراپی اراده یکی از عوامل مهم کنش معرفی می‌شود و مباحث بسیاری در این زمینه شکل گرفته است. با این حال برخی از ابعاد اراده همچنان مغفول مانده است. برای مثال، اینکه حقیقت اراده چیست و چه نسبتی با معرفت دارد، از جمله مسائلی است که به بحث و بررسی نیاز دارد. یکی از محققان معاصر که در سایه حکمت متعالیه به بررسی این مسئله پرداخته، علامه مصباح یزدی است. از این رو مناسب است با تمرکز بر اندیشه‌های ایشان به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از مبادی کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، کنش اختیاری، حکمت اسلامی، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۶۶۷. بررسی تعامل عاملیت و ساختار در پیدایش کنش اختیاری از منظر شهید صدر

سؤال: براساس نگرش شهید صدر چه تبیینی از تعامل عاملیت و ساختار در پیدایش کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از مباحث نوظهور در فلسفه مضاف، واکاوی علل و عوامل پیدایش کنش انسانی است. در شاخه‌های مختلف علمی، از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و الهیات به واکاوی عناصر دخیل در کنش پرداخته شده است. در مباحث جامعه‌شناسی، ضمن تمایز میان ساختار و عاملیت، بخشی از عوامل دخیل در پیدایش کنش را از سنخ ساختار شمرده‌اند و به این وسیله درصدد القای این نکته هستند که ابعادی از تحقق کنش، خارج از اراده آزاد انسان است و هر انسانی که درون ساختار خاصی قرار گیرد، بسته به اقتضائات ساختار مذکور نسبت به انجام کنش خاصی اقدام خواهد کرد. اگرچه عمده مباحث علوم اجتماعی حول کنش اجتماعی دور می‌زند، اما با ضمیمه کردن این نکته که از نظر بسیاری از نویسندگان این حوزه، اساساً چیزی به نام کنش فردی وجود ندارد، نظریه ساختارمندی کنش را به همه کنش‌های انسانی تعمیم می‌دهند. باتوجه به تأکیدی که در الهیات اسلامی بر مسئله اختیار در انسان صورت گرفته است، به نظر می‌رسد تبیین کنش انسانی براساس تأثیر ساختار، عاری از انتقاد و اشکال نباشد. باتوجه به اینکه یکی از محققان



معاصر که در آثار خود جسته و گریخته به این بحث پرداخته است، شهید سید محمدباقر صدر است، مناسب است با تمرکز بر دیدگاه این محقق به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس نگرش شهید صدر چه تبیینی از تعامل عاملیت و ساختار در پیدایش کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، کنش، اختیار، شهید صدر.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۶۶۸. بررسی نقش واهمه در پیدایش کنش اختیاری از منظر ملاصدرا

سؤال: براساس دیدگاه ملاصدرا چه تبیینی از نقش واهمه در صدور کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه کنش است. در فلسفه کنش به بررسی مبانی و مبادی کنش انسانی پرداخته می‌شود. در حکمت اسلامی و به‌ویژه در حکمت صدرایی توجه خاصی به مبادی کنش صورت گرفته است و بسیاری از عوامل دخیل در پیدایش رفتار و کنش شناسایی و بررسی شده‌اند. از جمله محققانی که در این زمینه تلاش شایسته‌ای انجام داده است، ملاصدراست. ملاصدرا در عموم آثار خود با تمرکز بر قوای نفس انسانی، ضمن توضیح هر کدام از قوای انسانی به نقش این قوا در صدور افعال انسانی اشاره کرده است. واهمه یکی از قوای انسانی است که مورد توجه حکما و به‌ویژه ملاصدرا قرار گرفته است. عموماً این‌گونه تصور می‌شود که نقش قوه واهمه عمدتاً نقشی سلبی است و باعث می‌گردد که کنش انسان از ابعاد عقلانی فاصله بگیرد و جنبه غیرعقلی یابد. اما به نظر می‌رسد براساس تلقی ملاصدرا، قوه واهمه مرتبه نازله قوه عاقله است و از این‌رو هرچند ممکن است در مواردی در تقابل با عقلانیت کنش عمل کند، اما می‌توان برای آن نقش‌های ایجابی نیز در نظر گرفت. با توجه به اهمیت واکاوی نقش قوه واهمه در فلسفه کنش، مناسب است با تمرکز بر دیدگاه ملاصدرا به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس دیدگاه ملاصدرا چه تبیینی از نقش واهمه در صدور کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، کنش اختیاری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳.

۶۶۹. بررسی معیارهای اثباتی معناداری کنش اختیاری از منظر فلسفه کنش صدرایی

سؤال: براساس فلسفه کنش صدرایی چه معیارهای اثباتی برای معناداری کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه کنش است. گرچه مباحث مرتبط به مبانی و مبادی کنش در عموم آثار فلسفی مورد توجه قرار گرفته است، چند دهه بیشتر از استقلال این رشته عقلی نمی‌گذرد. یکی از مباحث مهم درباره کنش، مسئله تفسیر و توضیح کنش انسانی است. خاستگاه این مسئله آن است که برای مطالعه انسان‌ها لازم است مقصود و مراد افراد از انجام کنش‌ها در نظر گرفته شود. اما از آنجاکه مقصود و مراد افراد، امری درونی و ذهنی است، راه روشن و ساده‌ای برای تفسیر انگیزه انسان‌ها در رفتارشان وجود ندارد. بنابراین مسئله نحوه تفسیر کنش انسانی به معضلی برای فیلسوفان کنش تبدیل شده است. باتوجه به اینکه در فلسفه کنش صدرایی مباحثی درباره انگیزه، نیت و غایت افعال مطرح شده است، می‌توان با تمرکز بر این مباحث به بررسی این موضوع پرداخت که آیا می‌توان معیارهایی برای درک و فهم مقصود و مراد کنش‌گران از کنش‌های خود یافت؟ به عبارت دیگر براساس فلسفه کنش صدرایی چه معیارهای اثباتی برای معناداری کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، کنش اختیاری، معنا، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۳.

۶۷۰. بررسی نظریه عقلانیت ارتباطی کنش براساس فلسفه کنش صدرایی

سؤال: براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه عقلانیت کنش ارتباطی وارد است؟ تبیین مسئله: فلسفه کنش یکی از شاخه‌های عقلی است که به بررسی مبادی و مبانی کنش می‌پردازد. در این شاخه عقلی به مباحثی همچون مبادی معرفتی کنش، مبادی انگیزشی کنش، گونه‌شناسی کنش‌ها و عقلانیت کنش پرداخته می‌شود. در سنت اسلامی به تفصیل به بررسی مبادی عمل اختیاری پرداخته شده و دسته‌ای از عوامل شناسایی شده است. در سنت غربی نیز برخی از نویسندگان به بررسی این مسئله پرداخته، و از خلال این بررسی‌ها به نظریه‌هایی دست یافته‌اند. از جمله نویسندگانی که به ارائه نظریه در این قلمرو



پرداخته، یورگن هابرماس^۱ است. به باور هابرماس یکی از مبادی مهم کنش عقلانیت ارتباطی است. به باور او چنین نیست که فاعل انسانی در خلأ به انجام یک رفتار تصمیم بگیرد. تصمیمات افراد در ارتباطات آن‌ها با سایر افراد و در فرایندی شکل می‌گیرد که به عقلانیت بین‌الذهانی سوق می‌یابد. اگرچه این نظریه قوت‌هایی دارد، ولی به نظر می‌رسد تعمیم آن به همه کنش‌ها، زمینه را برای نقادی آن فراهم می‌سازد. از این رو مناسب است با تمرکز بر فلسفه کنش صدرایی به بررسی آن پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه عقلانیت کنش ارتباطی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، کنش اختیاری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۷۵.

۶۷۱. بررسی تحلیلی - انتقادی معناداری کنش اختیاری براساس نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین^۲

از منظر فلسفه کنش صدرایی

سؤال: براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر معیارهای معناداری کنش براساس نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه کنش یکی از شاخه‌های عقلی است که به بررسی مبادی و مبانی کنش می‌پردازد. در این شاخه عقلی به مباحثی همچون مبادی معرفتی کنش، مبادی انگیزشی کنش، گونه‌شناسی کنش‌ها و عقلانیت کنش پرداخته می‌شود. در سنت اسلامی به تفصیل به بررسی مبادی عمل اختیاری پرداخته شده و دسته‌ای از عوامل شناسایی شده است. در سنت غربی نیز برخی از نویسندگان به بررسی این مسئله پرداخته، و از خلال این بررسی‌ها به نظریه‌هایی دست یافته‌اند. از جمله نویسندگانی که به ارائه نظریه در این قلمرو پرداخته، ویتگنشتاین است. ویتگنشتاین دو مرحله علمی را در طول زندگی خود پشت‌سر گذاشت. در مرحله نخست، دل‌داده فلسفه تحلیلی بود و در مرحله دوم، به فلسفه قاره‌ای علاقه‌مند شد. ویتگنشتاین در مرحله دوم زندگی علمی خود، با ارائه نظریه بازی‌های زبانی سعی کرد معیاری برای معناداری کنش انسانی ارائه کند. نظریه بازی‌های زبانی بر این اصل

1. Jürgen Habermas.

2. Wittgenstein.



استوار است که هر کنشی وابسته به زمینه خاصی است که می‌توان با استفاده از استعاره ورزشی، آن را بازی نام نهاد. باتوجه به اینکه مقصود اصلی ویتگنشتاین از ارائه این نظریه گشودن راهی برای توجیه نسبیت در فلسفه کنش است، می‌توان با مبنا قرار دادن فلسفه کنش صدرایی، ملاحظات انتقادی به نظریه او مطرح کرد. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله پردازیم که براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر معیارهای معناداری کنش براساس نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین وارد است؟

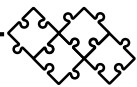
کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، معنا، کنش اختیاری، ویتگنشتاین، نظریه بازی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۶۷۲. بررسی نظریه منطق موقعیت در تحلیل کنش اختیاری از منظر فلسفه کنش صدرایی

سؤال: براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه منطق موقعیت در تحلیل کنش اختیاری وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه کنش یکی از شاخه‌های عقلی است که به بررسی مبادی و مبانی کنش می‌پردازد. در این شاخه عقلی به مباحثی همچون مبادی معرفتی کنش، مبادی انگیزشی کنش، گونه‌شناسی کنش‌ها، و عقلانیت کنش پرداخته می‌شود. در سنت اسلامی به تفصیل به بررسی مبادی عمل اختیاری پرداخته شده و دسته‌ای از عوامل شناسایی شده است. در سنت غربی نیز برخی از نویسندگان به بررسی این مسئله پرداخته، و از خلال این بررسی‌ها به نظریه‌هایی دست یافته‌اند. از جمله نظریه‌هایی که در قلمرو فلسفه کنش و در راستای پاسخ به پرسش از عوامل پیدایش کنش مطرح شده است، نظریه منطق موقعیت است. براساس این نظریه، که عده‌ای از نویسندگان غربی از آن پشتیبانی می‌کنند، تنها راه فهم و تفسیر یک کنش، توجه به موقعیتی است که کنش در آن شکل گرفته است. به عبارت دیگر، موقعیت از ارکان تحقق یک کنش است و بی‌توجهی به زوایای یک موقعیت باعث درک نکردن درست کنش خواهد شد. باتوجه به اینکه این نظریه سرانجام به گونه‌ای از نسبیت تمام‌عیار در بحث مبادی کنش خواهد انجامید و چنین نسبیتی راه را برای بررسی علمی مسائل مرتبط با کنش خواهد بست، مناسب است با مبنا قرار دادن فلسفه کنش صدرایی به بررسی این نظریه پردازیم و راه را برای عقلانیت فلسفه کنش هموار سازیم.



از این رو لازم است به این پرسش پاسخ دهیم که براساس فلسفه کنش صدراایی چه انتقادهایی بر نظریه منطق موقعیت در تحلیل کنش اختیاری وارد است؟
کلیدواژه: فلسفه کنش، تحلیل عمل، فلسفه کاربردی، منطق موقعیت، کنش اختیاری، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.

۱،۲،۳۳. فلسفه تمدن

یکی از شاخه‌های جدید فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. امروزه و با طرح نظریه‌هایی در قالب گفت‌وگوی تمدن‌ها، برخورد تمدن‌ها و هم‌زیستی تمدن‌ها، به مبانی نظری تمدن نیز توجه شده است. این امر زمینه شکل‌گیری شاخه‌ای فلسفی به نام فلسفه تمدن را فراهم ساخته است. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید این حوزه نظری آشنا می‌شویم.

۶۷۳. بررسی دیدگاه ویکو^۱ درباره مراحل تمدن از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس فلسفه اسلامی چه نقدهایی بر دیدگاه ویکو درباره مراحل تحول تمدن وارد است؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. در این شاخه عقلی به بررسی مبادی و مبانی تمدن پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مرتبط با تمدن نگاه درجه دومی به تمدن و شناسایی مراحل تحول یک تمدن است. برخی از نویسندگان با موجودی جان‌دار پنداشتن تمدن، به مطالعه تاریخ آن پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که هر تمدنی در سیر تاریخی خود مراحل از تحول را پشت‌سر گذاشته است. از جمله این نویسندگان ویکو است. روشن است که واکاوی سیر تحول یک پدیده بدون در نظر گرفتن برخی مبانی و مبادی فلسفی میسر نیست. از آنجاکه در فلسفه صدراایی بسیاری از مبانی و مبادی عقلی مانند اصالت وجود و حرکت جوهری مورد واکاوی قرار گرفته است، مناسب است با تمرکز بر حکمت صدراایی به بررسی و تحلیل دیدگاه ویکو درباره مراحل تحول یک تمدن بپردازیم. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر حکمت صدراایی چه نقدهایی بر دیدگاه ویکو درباره مراحل تحول تمدن وارد است؟

1. Giambattista Vico.

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، تاریخ، ویکو، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۶۷۴. بررسی نحوه هستی‌تمدن از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی تمدن از چه نحوه هستی‌ای برخوردار است؟
 تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. فلسفه تمدن به بررسی مبانی نظری و مبادی تمدن می‌پردازد. تمدن نیز مانند هر پدیده دیگری ظرفیت لازم را برای موضوع واقع شدن در تحقیقات فلسفی دارد. برای مثال در فلسفه با در نظر گرفتن ابعاد هستی‌شناختی یک پدیده می‌توان به بررسی سنخ هستی آن پرداخت. ازاین‌رو می‌توان تمدن را ازاین‌جهت که واجد چه سنخی از هستی است مورد مطالعه قرار داد. در فلسفه صدرایی اقسامی برای هستی در نظر گرفته می‌شود؛ ازجمله هستی امکانی، هستی ربطی و هستی اعتباری. با در نظر گرفتن اقسام مختلف هستی می‌توان به واکاوی تمدن پرداخت و چنین توضیح داد که اگر تمدن وابسته به حیات اجتماعی است، و اگر تمدن برخاسته از اراده و قصد افراد انسانی است، بی‌تردید ابعادی از هستی اعتباری در تمدن وجود دارد. باتوجه‌به اینکه هستی‌شناسی تمدن می‌تواند موضوع یک پژوهش قرار گیرد، می‌توان درصدد بررسی این سؤال برآمد که براساس هستی‌شناسی صدرایی تمدن از چه نحوه هستی‌ای برخوردار است؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، هستی‌شناسی، تمدن، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۶۷۵. بررسی نقش سبک زندگی اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی در دوران معاصر

سؤال: پیروی از سبک زندگی اسلامی چه نقشی در شکوفایی تمدن اسلامی در دوران معاصر دارد؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. در فلسفه تمدن به بررسی مبادی و مبانی نظری تمدن پرداخته می‌شود. ازجمله مباحثی که درباره تمدن قابل طرح است، مسئله تحول تمدن است. هر تمدنی واجد ابعادی از تحول است که بسته به غایت حرکت و تغییرات تمدن، این تحول می‌تواند مثبت یا منفی تحلیل شود. باتوجه‌به اینکه در سنت اسلامی معیارهایی برای حرکت تکاملی جامعه بیان شده است، می‌توان این معیارها را



نیز در تحولات تمدن مورد توجه قرار داد و زمینه را برای شناسایی عواملی که به شکوفایی یک تمدن می‌انجامد، فراهم ساخت. یکی از این عوامل، سبک زندگی و نحوه معیشت افراد است. به عبارت دیگر سبک زندگی، نمود بیرونی همه عناصر معنوی و فرهنگی تمدن است. در هر تمدنی، گسترش مفاهیم معنوی و اصول الهی در شیوه و سبک زندگی افراد مؤثر است. در فرهنگ اسلامی توجه فراوانی به سبک زندگی شده است و می‌توان سبک زندگی اسلامی را یک سبک و شیوه خاصی از زیستن در دنیا تلقی کرد. حال با تمرکز بر سبک زندگی اسلامی می‌توان به این مسئله پرداخت که این سبک زندگی چه نقشی در تحولات تمدن و شکوفایی آن برعهده دارد، از این رو می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که پیروی از سبک زندگی اسلامی چه نقشی در شکوفایی تمدن اسلامی در دوران معاصر دارد؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، سبک زندگی، تمدن، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۶۷۶. بررسی نقش تاریخ در تمدن براساس حرکت‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس حرکت‌شناسی صدرایی، تاریخ چه نقشی در شکل‌گیری و توسعه تمدن برعهده دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه تمدن از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه فلسفی به بررسی مبادی و مبانی تمدن پرداخته می‌شود. از جمله ابعاد و ویژگی‌های تمدن، متغیر و زمان‌مند بودن آن است. می‌توان چنین گفت که عمده تغییرات یک تمدن، تغییرات تدریجی است و از آنجاکه در فلسفه صدرایی به تفصیل به بررسی ابعاد مختلف تغییرات تدریجی پرداخته شده است، می‌توان نگرش فلسفه متعالیه را مبنایی برای بحث و بررسی درباره تحولات تمدن قرار داد. در حرکت‌شناسی صدرایی به واکاوی شش رکن در هر حرکتی توجه شده است. این ارکان عبارت است از مبدأ، مسیر، موضوع، فاعل، غایت و زمان. این ارکان شش‌گانه را می‌توان بر تغییرات تمدن نیز تطبیق کرد و به بررسی تمدن از منظر حرکت‌شناسی صدرایی پرداخت. در این صورت، شش رکن هر تمدن قابل شناسایی خواهد بود. از این رو می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس حرکت‌شناسی صدرایی، تاریخ چه نقشی در شکل‌گیری و توسعه تمدن برعهده دارد؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، تاریخ، تمدن، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۷۷. بررسی نحوه تأثیر معرفت در تحولات تمدن از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی معرفت چگونه بر تحولات تمدن اثرگذار است؟

تبیین مسئله: فلسفه تمدن یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است. در این شاخه عقلی به بررسی مبانی و مبادی تمدن پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث مهم درباره مبانی تمدن، هستی‌شناسی تمدن است. اینکه تمدن از چه سنخی از وجود و هستی برخوردار است، و اینکه احکام هستی‌شناختی تمدن کدام است و اینکه چه عواملی در شکل‌گیری و تحولات تمدن تأثیر دارد، مباحثی است که ذیل هستی‌شناسی تمدن انجام می‌گیرد. ازجمله مباحث مهم مرتبط با هستی تمدن، نقش معرفت در سامان‌دهی تحولات تمدن است. به عبارت دیگر با تغییراتی که در معرفت افراد صورت می‌گیرد، رفته‌رفته تحولات و تغییرات متناسبی در تمدن نیز شکل می‌گیرد. در حکمت صدرایی به تفصیل به بررسی نظام هستی و ویژگی‌های آن پرداخته شده است و نیز به نقش معرفت در مبادی افعال اختیاری توجه شده است. باتوجه‌به اینکه هر تمدنی متأثر از افعال اختیاری صاحبان آن است، می‌توان با مبنا قرار دادن نظام حکمت صدرایی به‌ویژه مباحث هستی‌شناسی آن به واکاوی هستی و تغییرات تمدن پرداخت. ازاین‌رو پرسش پژوهشی این تحقیق این‌گونه صورت‌بندی می‌گردد که براساس هستی‌شناسی صدرایی معرفت چگونه به تغییرات تمدن شکل می‌دهد؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، هستی، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، معرفت، ملاصدرا. قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۶۷۸. بررسی نقش دین در شکوفایی تمدن اسلامی از منظر الهیات صدرایی

سؤال: براساس الهیات صدرایی دین چه نقشی در شکوفایی تمدن اسلامی برعهده دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. در فلسفه تمدن به بررسی مبادی و مبانی نظری تمدن پرداخته می‌شود. ازجمله مباحثی که درباره تمدن قابل طرح است، مسئله تحول تمدن است. هر تمدنی واجد ابعادی از تحول است که بسته به غایت حرکت و تغییرات تمدن، این تحول می‌تواند مثبت یا منفی تحلیل شود. باتوجه‌به اینکه در سنت اسلامی، دین عامل مهمی در سیر تحول تمدن‌ها شناخته می‌شود، لازم است با تمرکز بر نقش دین در تمدن، به بررسی رابطه میان دین و تمدن پرداخت. در متون دینی و مباحث الهیاتی بر نقش شریعت و عمل به شریعت در پیشرفت تمدن تأکید شده است و درمقابل، زوال



بسیاری از تمدن‌ها که از نظر مادی نیز در اوج پیشرفت بوده‌اند، به سرپیچی از دستورات الهی نسبت داده شده است. از این‌رو می‌توان با مبنا قرار دادن الهیات صدرایی به بررسی این مسئله پرداخت که براساس الهیات صدرایی دین چه نقشی در شکوفایی تمدن اسلامی برعهده دارد؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، الهیات، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه.

اولویت: ۴.

۶۷۹. بررسی تعامل عاملیت و ساختار در شکل‌دهی به تمدن اسلامی از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی

سؤال: براساس فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، تعامل عاملیت و ساختار چه نقشی در شکل‌دهی به تمدن اسلامی دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. در فلسفه تمدن به پژوهش و تحقیق درباره مبادی و مبانی نظری تمدن پرداخته می‌شود. ازجمله مباحثی که درباره تمدن قابل طرح است، مسئله نقش ساختارها در شکل‌گیری تمدن است. برخی از نویسندگان معاصر با تمرکز بر عوامل شکل‌گیری و تحول تمدن‌ها تلاش کرده‌اند مهم‌ترین عامل‌ها را در این زمینه عوامل ساختاری معرفی کنند که از حدود اراده و اختیار افراد فراتر می‌رود و به‌نحوی زمینه جبرگرایی تاریخی را به وجود می‌آورد. باتوجه‌به اینکه طرح رویکرد جبرگرایانه باعث از میان رفتن امیدها و انگیزه‌ها برای اثرگذاری در مسیر پیشرفت تمدن می‌گردد، این نگرش، چالشی خواهد بود برای دیدگاهی که جبرگرایی را رد می‌کند و از نقش عاملیت و نیز اراده‌گرایی دفاع می‌کند. از آنجاکه اصل جبر اجتماعی و تاریخ از منظر فلسفه علوم اجتماعی اسلامی مورد نقد قرار گرفته و رد شده است. مناسب است با تمرکز بر فلسفه علوم اجتماعی به بررسی این نگرش پرداخت و به این پرسش پاسخ داد که براساس فلسفه علوم اجتماعی صدرایی تعامل عاملیت و ساختار چه نقشی در شکل‌دهی به تمدن اسلامی دارد؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، اراده، ساختار، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه.

اولویت: ۳/۷۵.

۶۸۰. بررسی نقش فاعل‌های ماورائی در تحولات تمدن از منظر هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس هستی‌شناسی صدرایی، عوامل ماورائی چه نقشی در تحولات تمدن دارند؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. در فلسفه تمدن به



بررسی مبادی تصویری و تصدیقی، و نیز اصول و مبانی تمدن پرداخته می‌شود. ازجمله مبانی تمدن بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تحولات تمدن است. در این زمینه تحقیقات بسیاری صورت گرفته است و متون و منابعی فراهم شده است. مرور این متون و منابع گواه آن است که عمده نویسندگان عوامل مادی را عوامل مؤثرتری در شکل‌گیری و تحول تمدن شناسایی کرده، و به نقش عوامل ماوراء طبیعت کمتر توجه کرده‌اند. مسائلی مانند رابطه انسان‌ها با خداوند و نیز امدادهای الهی که در پیشرفت تمدن تأثیر اساسی دارند، ازجمله موضوعاتی است که زمینه برای واکاوی آن وجود دارد. هستی‌شناسی صدرایی برای این دسته از عوامل، جایگاه ویژه‌ای در نظام هستی قائل است و از این‌رو هستی‌شناسی صدرایی ظرفیت مناسبی دارد برای مبنا قرار گرفتن برای این بحث و بنابراین مبنا می‌توان به بررسی این پرسش پرداخت که براساس هستی‌شناسی صدرایی، عوامل ماورائی چه نقشی در تحولات تمدن دارند؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، علت فاعلی، هستی‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۶۸۱. بررسی رابطه عقلانیت و احساس در توسعه تمدن اسلامی براساس انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی تعامل عقلانیت و احساس چه نقشی در توسعه تمدن اسلامی دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. در این شاخه عقلی به پژوهش و تحقیق درباره مبادی و مبانی تمدن پرداخته می‌شود. ازجمله مباحث مرتبط با تمدن، واکاوی عوامل مؤثر در توسعه و پیشرفت تمدن است. به باور برخی از محققان، افول بسیاری از تمدن‌ها ناشی از بی‌توجهی به نقش این عوامل بوده است. برای مثال، هرگاه عنصر عقلانیت از یک تمدن رخ برنهد، نباید انتظار داشت که چنین تمدنی بقای دیرپایی بیابد. ازسوی دیگر مطالعه عوامل مؤثر در شکوفایی تمدن موجب می‌گردد، افراد به عناصر و مؤلفه‌های مهم توجه بیشتری داشته باشند. یکی از معیارهای مهم در پایداری هر تمدنی، تعامل صحیح میان عنصر عقلانیت و عنصر احساس است. از این‌رو لازم است با مبنا قرار دادن انسان‌شناسی صدرایی به واکاوی رابطه میان این دو مؤلفه در تمدن اسلامی بپردازیم و این پرسش را بررسی کنیم که براساس انسان‌شناسی صدرایی تعامل عقلانیت و احساس چه نقشی در گسترش و توسعه تمدن اسلامی برخوردار است؟



کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، احساس، توسعه، انسان‌شناسی، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۸۲. بررسی نقش فلسفه به مثابه ابزاری برای گفت‌وگوی میان تمدن‌ها

سؤال: فلسفه به مثابه ابزار و زبانی مشترک چه نقشی در گفت‌وگوی میان تمدن‌ها برعهده دارد؟
تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه تمدن است. در این شاخه عقلی به بررسی مبادی و مبانی تمدن پرداخته می‌شود. از جمله مباحث مرتبط با تمدن، بررسی و مطالعه مسئله رابطه میان تمدن‌هاست. در طول تاریخ، تعامل میان دو یا چند تمدن تأثیر انکارنشدنی بر فرجام هر کدام از تمدن‌ها داشته است. برای مثال اگر تمدنی در اوج شکوفایی باشد، ولی ابزار مناسب را برای تبادل و تعامل با تمدن‌های دیگر نداشته باشد، در مواجهه با تمدن‌های دیگر، تسلیم ارزش‌های تمدن دیگر می‌شود و رفته‌رفته رو به زوال خواهد نهاد. در مقابل، اگر تمدنی عناصر برجسته‌ای را از علم، قدرت، هنر داشته باشد و ابزار مناسبی نیز برای گفت‌وگوی تمدنی در اختیار داشته باشد، خواهد توانست در تعامل با سایر تمدن‌ها به دست برتر نائل گردد و بقای خود را تضمین کند. تمدن اسلامی را تأکید بر عنصر عقلانیت و توصیه به عقل و خرد، ظرفیت مناسبی را برای تسهیل گفت‌وگو با سایر تمدن‌ها به وجود آورده است. دانش فلسفه با در اختیار داشتن زبان فراتمدنی در این زمینه نقش پررنگی دارد. از این رو می‌توان فلسفه را زبان گفت‌وگوی تمدن‌ها دانست. بنابراین مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که فلسفه به مثابه ابزار و زبان مشترک چه نقشی در گفت‌وگوی میان تمدن‌ها برعهده دارد؟

کلیدواژه: فلسفه تمدن، تمدن، تعقل، گفت‌وگوی تمدن‌ها، حکمت اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۱،۲،۳۴. فلسفه فرهنگ

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است. فلسفه فرهنگ عهده‌دار بررسی و تحقیق درباره اصول و مبانی فرهنگ است. روشی که در این شاخه فلسفی به کار بسته می‌شود، روش عقلی است. در ادامه با برخی از مسائل نوپدید این شاخه فلسفی آشنا می‌شویم.

۶۸۳. بررسی مبانی انسان‌شناختی فرهنگ از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس فلسفه اسلامی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی فرهنگ می‌توان به دست داد؟ تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است. در این شاخه فلسفی به بررسی عقلی مبادی و مبانی فرهنگ پرداخته می‌شود. به باور بسیاری از نویسندگان، فرهنگ برپایه برخی از مبانی نظری شکل گرفته است که در رأس آن‌ها مبانی انسان‌شناختی قرار دارد. ابتدای فرهنگ بر انسان‌شناسی به آن معناست که هرگونه موضع‌گیری درباره چیستی و ویژگی‌های انسان، تلقی ما را از فرهنگ تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. باتوجه به اینکه آیت‌الله جوادی آملی در آثار مختلف خود به تفصیل به چیستی و ویژگی‌های انسان پرداخته‌اند و حتی تلقی جدیدی از انسان با عنوان حیّ متألّه مطرح کرده‌اند، زمینه مناسبی برای فراهم ساختن مبانی فرهنگ به وجود آمده است. از این‌رو مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس فلسفه اسلامی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی فرهنگ می‌توان به دست داد؟

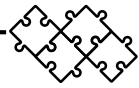
کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، انسان‌شناسی، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۶۸۴. بررسی تطبیقی رابطه انسان‌شناسی و فرهنگ از منظر یوهان هردر^۱ و آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه هردر و آیت‌الله جوادی آملی درباره رابطه انسان‌شناسی و فرهنگ یافت می‌شود؟ تبیین مسئله: فلسفه فرهنگ از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که در پی واکاوی عناصر اصلی و مبادی فرهنگ است. این شاخه فلسفی که با استفاده از روش عقلی به بررسی مسائل خود می‌پردازد، سعی دارد زمینه‌هایی را بررسی کند که به شکل‌گیری فرهنگ می‌انجامد. یوهان هردر، یکی از پیش‌تازان عرصه مطالعات نظری فرهنگ است. وی انسان را مبنای فرهنگ می‌داند و درباره انسان بر این باور است که انسان، خود را می‌سازد. بنابراین در نظر هردر این انسان است که فرهنگ را ایجاد می‌کند. براساس نگرش هردر، فرهنگ از عنصری فراانسانی و ورای انسان بی‌بهره است. این سخن بدان معناست که هرگونه تلقی از

1. Johann Gottfried von Herder.



فرهنگ باید جدا و منقطع از ملکوت باشد. به بیان دیگر از آنجاکه انسان تنها عامل شکل گیری فرهنگ است، امور ماورایی مانند خداوند در شکل گیری فرهنگ نقشی ندارند. اگر چه نمی توان پیوند میان انسان و فرهنگ را انکار کرد، اینکه فرهنگ مبنایی فراانسانی نداشته باشد، برخلاف نگرشی است که در فلسفه اسلامی درباره عالم امکان مطرح می شود. در فرهنگ اسلامی، خداوند هستی بخش حقیقی است. از این رو نقدهایی جدی به نگرش هر دو درباره فرهنگ وجود دارد، بنابراین مناسب است با انجام یک تحقیق مقایسه ای به بررسی این پرسش پرداخت که چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه هر دو و آیت الله جوادی آملی درباره رابطه انسان شناسی و فرهنگ یافت می شود؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، انسان شناسی، هر دو، جوادی آملی.
قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۶۸۵. بررسی نقش فرهنگ در زیست جهان متعالیه از منظر استاد پارسانیا

سؤال: براساس دیدگاه استاد پارسانیا چه تبیینی از نقش فرهنگ در زیست جهان متعالیه می توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه های فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است. در این شاخه فلسفی به واکاوی عناصر و مبادی فرهنگی پرداخته می شود. از جمله کسانی که در سنت اسلامی به بررسی مسائل مرتبط با فرهنگ پرداخته اند، جناب استاد پارسانیاست. وی در عموم آثار خود بر نقش اساسی فرهنگ در جامعه تأکید دارد و از عناصری یاد می کند که در تعیین بخشیدن به فرهنگ نقش دارند. با توجه به اینکه فلسفه اسلامی معاصر تحت تأثیر جدی مکتب حکمت متعالیه قرار دارد، به نظر می رسد با مبنا قرار دادن حکمت متعالیه می توان به بررسی نقش و جایگاه فرهنگ پرداخت. مکتب حکمت متعالیه، نگرشی فلسفی است که استاد پارسانیا نیز به تقریر و شرح آن پرداخته است. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که براساس دیدگاه استاد پارسانیا چه تبیینی از نقش فرهنگ در زیست جهان متعالیه می توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، زیست جهان، حکمت متعالیه، پارسانیا.
قالب: پایان نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۶۸۶. بررسی تطبیقی عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ از منظر هردر و آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش هردر و آیت‌الله جوادی آملی به عناصر فرهنگ یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: در فلسفه فرهنگ به بررسی ابعاد گوناگون فرهنگ، از جمله عناصر تشکیل‌دهنده آن پرداخته می‌شود. در سنت غربی برخی از نویسندگان مانند هردر به واکاوی عناصر مؤثر در شکل‌گیری فرهنگ پرداخته‌اند. اما در سنت اسلامی به‌رغم وجود ظرفیت‌های مناسبی برای ارائه تقریری از فرهنگ متعالیه همچنان بحثی جدی را در این زمینه شاهد نیستیم. از این رو لازم است با انجام پژوهش‌هایی در صدد استخراج عناصر متعالیه فرهنگ برآییم. این کار را می‌توان از راه انجام تحقیقات تطبیقی دنبال کرد. برای مثال می‌توان با مقایسه میان دیدگاه هردر درباره فرهنگ و نگرش شارحان معاصر حکمت متعالیه، مانند آیت‌الله جوادی آملی به بررسی عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ پرداخت. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش هردر و آیت‌الله جوادی آملی به عناصر فرهنگ یافت می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، هردر، جوادی آملی.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۲۵.

۶۸۷. بررسی تطبیقی سرشت انسان از منظر هردر^۱ و آیت‌الله شاه‌آبادی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش هردر و آیت‌الله شاه‌آبادی به سرشت انسان یافت می‌شود؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است که چند دهه بیشتر از عمر آن نمی‌گذرد. از جمله مسائل مورد توجه در فلسفه فرهنگ، رابطه انسان با فرهنگ است. در حالی که در نگرش نویسندگان غربی ربط وثیقی میان فرهنگ و انسان وجود دارد، تا آنجا که امثال هردر فرهنگ را زاییده انسان می‌شمارند، در فرهنگ و سنت اسلامی، فرهنگ در ارتباط انسان با خداوند سامان می‌یابد. با توجه به اینکه در فرهنگ اسلامی، فطرت یا همان سرشت انسان نقشی مهم در شکل‌گیری فرهنگ دارد، مناسب است با تمرکز بر

1. Johann Gottfried von Herder.



دیدگاه‌های هردر به بررسی رابطه میان فرهنگ و سرشت انسان برآییم. بنابراین لازم است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش هردر و آیت‌الله شاه‌آبادی به سرشت انسان یافت می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، سرشت، فطرت، هردر، شاه‌آبادی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۸۸. بررسی تطبیقی رابطه زبان و فرهنگ از منظر رام ادهر مال^۱ و شهید صدر

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش رام ادهر مال و شهید صدر به رابطه زبان و فرهنگ می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است. در این شاخه فلسفی به بررسی عناصر و مبادی فرهنگ پرداخته می‌شود. هرچند از یک جهت فرهنگ امری انسانی است، اما همین امر انسانی، پدیده‌ای اجتماعی است که با سایر امور اجتماعی پیوند دارد. زبان یکی از امور اجتماعی است؛ فرهنگ و زبان دو عنصر اجتماعی‌اند که شکوفایی هر کدام موجب شکوفایی دیگری می‌شود. اینکه تحقیقات نسبتاً گسترده‌ای درباره ابعاد مختلف زبان انجام شده است، درباره رابطه میان این دو پدیده تحقیقات چندان زیادی صورت نگرفته است. از آنجاکه تحقیقات تطبیقی زمینه مناسبی برای تعمیق مطالعات درباره موضوع رابطه زبان و فرهنگ را به وجود می‌آورد مناسب است با تمرکز بر دیدگاه‌های شهید صدر به بررسی رابطه میان زبان و فرهنگ بپردازیم. بنابراین پرسش تحقیق این گونه خواهد بود که براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش رام ادهر مال و شهید صدر به رابطه زبان و فرهنگ می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، زبان، ادهر مال، شهید صدر.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۶۸۹. بررسی «پلورالیسم فرهنگی» از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر پلورالیسم فرهنگی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه فرهنگ یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف است که به بررسی مبانی و

1. Mall, Ram- Adhar.

پیش‌فرض‌های فرهنگ می‌پردازد. امروزه مطالعات درباره فرهنگ زمینه را برای ظهور نظریه‌های مختلفی فراهم ساخته است. یکی از نظریه‌های مرتبط با فرهنگ که بستری برای شکل‌گیری یک جریان اجتماعی گسترده شده است، پلورالیسم فرهنگی است. اساس پلورالیسم فرهنگی بر رسمیت دادن به فرهنگ‌های مختلف و تأکید بر لزوم تعامل فرهنگ‌ها با یکدیگر استوار است. در این نظریه، سخنی از حق و باطل به میان نمی‌آید، و هیچ فرهنگی به باطل بودن متصف نمی‌گردد. با این حال اگر مبانی معرفت‌شناسی را در نظر بگیریم، امکان دارد برخی گزاره‌های نادرست، مبانی نظری برخی از فرهنگ‌ها را تشکیل دهند، و از این رو می‌توان از فرهنگ درست و فرهنگ نادرست سخن گفت. از آنجاکه طبق نگرش آیت‌الله جوادی آملی می‌توان فرهنگ‌ها را به حق و باطل تقسیم کرد، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر پلورالیسم فرهنگی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، پلورالیسم فرهنگی، حکمت متعالیه، جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۶۹۰. بررسی تطبیقی رابطه زبان و فرهنگ از منظر هاینتس کیمرله^۱ و علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش هاینتس کیمرله و علامه مصباح یزدی به رابطه زبان و فرهنگ می‌توان به دست آورد؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است. فلسفه فرهنگ به بررسی و تحقیق درباره مبانی و مبادی فرهنگ می‌پردازد. یکی از مباحث مهم در فلسفه فرهنگ، بررسی رابطه فرهنگ با سایر پدیده‌های اجتماعی است. زبان ازجمله پدیده‌های اجتماعی است که مورد توجه محققان قرار گرفته است. هاینتس کیمرله ازجمله نویسندگانی است که به بررسی ابعاد مختلف فرهنگ پرداخته. بی‌تردید یکی از راه‌های تعمیق آگاهی‌ها درباره چیستی فرهنگ و ابعاد آن انتخاب روش تطبیقی و مقایسه میان دیدگاه‌های مختلف است. باتوجه به اهمیت ارائه نگرش اسلامی درباره زبان و فرهنگ، مناسب است به بررسی دیدگاه متفکران معاصر و نویسندگان غربی بپردازیم. بنابراین پرسش را دنبال می‌کنیم که

1. Heinz Kimmerle.



بر اساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش هاینتس کیمرله و علامه مصباح یزدی به رابطه زبان و فرهنگ می‌توان به دست آورد؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، زبان، کیمرله، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۶۹۱. بررسی رابطه هویت و فرهنگ از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: از منظر علامه مصباح یزدی رابطه هویت و فرهنگ چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: ازجمله مباحث مهم فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است که به بررسی مبادی و مبانی فرهنگ می‌پردازد. فرهنگ با سایر ابعاد حیات انسان ارتباط دارد. بررسی ارتباط میان فرهنگ و سایر پدیده‌ها به تعمیق درک ما از فرهنگ کمک می‌کند. هویت یکی از اموری است که ارتباط وثیقی با فرهنگ دارد مسئله هویت در ارتباط با فرد و نیز در ارتباط با جامعه مطرح می‌شود. علامه مصباح یزدی در آثار مختلف خود درصدد ارائه تصویری از هویت اسلامی جامعه براساس منابع عقل و نقل برآمده است. مطالبی که درباره هویت جامعه اسلامی مطرح شده است تا حد زیادی درباره چیستی فرهنگ اسلامی نیز صادق است. باتوجه به اهمیتی که مسئله هویت اجتماعی دارد، مناسب است به واکاوی رابطه هویت و فرهنگ بپردازیم. از این رو پرسش تحقیق به صورت زیر صورت‌بندی می‌شود که از منظر علامه مصباح یزدی رابطه هویت و فرهنگ چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، هویت، حکمت اسلامی، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۲۵.

۶۹۲. بررسی رابطه ایدئولوژی و فرهنگ از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان ایدئولوژی و فرهنگ چگونه تبیین می‌شود؟

تبیین مسئله: ازجمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه فرهنگ است. در فلسفه فرهنگ به بررسی مبانی و مبادی فرهنگ پرداخته می‌شود. همچنین اموری که عوامل شکل‌گیری فرهنگ شناخته می‌شوند، در فلسفه فرهنگ مورد کاوش قرار می‌گیرند. مبانی نظری فرهنگ، مجموعه‌ای از باورها و آموزه‌هاست که درباره هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و جهان‌شناسی مطرح می‌شود و می‌توان از آن به جهان‌بینی یاد کرد. بنابراین چندوچون جهان‌بینی نقش مهمی در شکل‌گیری



فرهنگ برعهده دارد. از جمله کسانی که به بررسی ابعاد مختلف جهان‌بینی پرداخته، آیت‌الله جوادی است. باتوجه به ارتباط وثیق جهان‌بینی و فرهنگ مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان ایدئولوژی و فرهنگ چگونه تبیین می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه فرهنگ، فرهنگ، فلسفه کاربردی، ایدئولوژی، حکمت اسلامی، جوادی آملی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۱،۲،۳۵. فلسفه میان فرهنگی

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه میان فرهنگی است. فلسفه میان فرهنگی ضمن به رسمیت شناختن کثرت و اختلاف دیدگاه‌ها درصدد آزمون این مطلب است که آیا می‌توان از خلال این کثرت و اختلاف، به نگرش فلسفی مشترکی دست یافت. امروزه و با گسترش این قلمرو فلسفی مسائلی جدید مطرح شده است که در ادامه با برخی از آن‌ها آشنا می‌شویم.

۶۹۳. بررسی مبانی گفت‌وگوی میان فرهنگی از منظر انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی

سؤال: براساس انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی گفت‌وگوی میان فرهنگی از چه مبانی بهره می‌گیرد؟

تبیین مسئله: فلسفه میان فرهنگی در دهه‌های اخیر در راستای دستیابی به نگرش فلسفی مشترک شکل گرفته است. به باور مدافعان این جریان فکری، کثرت و اختلاف دیدگاه‌های فلسفی امری غیرقابل انکار است. به باور آنان عوامل مختلفی، به‌ویژه عوامل فرهنگی، در شکل‌گیری این اختلافات نقش دارند. رسیدن به نگرش فلسفی واحد از راه مقابله با عوامل اختلاف‌نظر نه امکان‌پذیر است و نه مطلوب. از این‌رو بهتر آن است که از خلال این اختلافات در جست‌وجوی نگرشی واحد و مشترک برآییم. بنابراین اگر مطالعه و تحقیق در افکار فلسفی مختلف نیز توصیه شود، آنچه اهمیت دارد، تلاش برای یافتن نقاط اشتراک فکری است. روشن است که از منظر انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی، به‌رغم پذیرش حرکت جوهری و تأکید بر اختلاف میان افراد در سیر و حرکت جوهری خود، بر برخی اصول و مبانی مشترک میان انسان‌ها نیز تأکید می‌شود. از این‌رو از منظر حکمت صدرایی لازم است در واکاوی اختلافات فلسفی، به تشخیص نگرش درست از نگرش نادرست پرداخت. باتوجه به چالشی که فلسفه میان فرهنگی در سطح مبانی با آن مواجه است، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی گفت‌وگوی میان فرهنگی از چه مبانی بهره می‌گیرد؟



کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، فلسفه اسلامی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۶۹۴. بررسی مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر رائول بتانکور^۱

سؤال: چه انتقادهایی بر مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر رائول بتانکور وارد است؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه میان‌فرهنگی است. این شاخه درصدد بررسی وجوه اشتراک و هم‌گرایی میان فلسفه‌های مختلف است. ازجمله نویسندگانی که در این زمینه به بررسی ابعاد مختلف فلسفه میان‌فرهنگی پرداخته است، رائول بتانکور است. به باور او فلسفه میان‌فرهنگی ارتباط وثیقی با فرهنگ جوامع مختلف دارد. باتوجه به اینکه فرهنگ جوامع مختلف در طول زمان متحول می‌گردد، فلسفه میان‌فرهنگی نیز از نوعی سیلان و استمرار برخوردار است. به عبارت دیگر فلسفه میان‌فرهنگی حوزه‌ای نیست که در آن به دنبال قوانین و قواعد ثابت و تغییرناپذیر باشیم. تغییرات فرهنگی نیز ریشه در متغیر بودن انسان دارد و ذهنیت انسان در طول زمان تغییر و تحول پیدا می‌کند. از این رو یکی از تفاوت‌های اساسی فلسفه میان‌فرهنگی با عمده مکاتب فلسفی آن است که ناظر به امور سیال و متحول انسانی است. باتوجه به اینکه از یک سو احکام فلسفی احکامی کلی و فراگیرند و از سوی دیگر نگرش بتانکور بر مبانی انسان‌شناختی خاصی استوار است، لازم است به نقد و ارزیابی آن پرداخت. از این رو، این پرسش را مورد بررسی قرار می‌دهیم که چه انتقادهایی بر مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر رائول بتانکور وارد است؟
 کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، حکمت متعالیه، ملاصدرا.
 قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳.

۶۹۵. بررسی تحلیلی - انتقادی مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر مارتین ویمر^۲

سؤال: چه انتقادهایی بر مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر مارتین ویمر وارد است؟
 تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه میان‌فرهنگی است. اساس این

1. Raul Fornet-Betancourt.
 2. Franz martin.wimmer.



فلسفه را بر جست‌وجوی اشتراکات و البته نه اشتراکات ثابت، در میان مکاتب فلسفی مختلف و متفاوت تشکیل می‌دهد. به باور مدافعان فلسفهٔ میان‌فرهنگی به‌جای گفت‌وگو و جدال درباره اختلافاتی که یک مکتب فلسفی را از مکتب فلسفی دیگر متمایز می‌سازد، باید در جست‌وجوی اشتراکاتی برآییم که مکاتب فلسفی مختلف را به هم پیوند می‌دهد. یکی از مدافعان فلسفه میان‌فرهنگی، مارتین ویمر نویسنده اتریشی است. وی برای رسیدن به فلسفه میان‌فرهنگی، از تعریف انسان آغاز می‌کند. تصویری که او از انسان ارائه می‌کند، یک موجود فرهنگی است. همچنان که فرهنگ در هر جامعه متغیر و متحول است، انسان نیز دست‌خوش تحول و تغییر است؛ ازاین‌رو لازم است همین انسان فرهنگی متغیر را مبنایی برای فلسفه میان‌فرهنگی در نظر بگیریم. روشن است که تأکید بر ابعاد متغیر و فرهنگی انسان موجب نادیده گرفتن عناصر فطری و ثابت وجود آدمی می‌گردد. این مسئله تصویری نادرست از انسان را مبنا برای فلسفه میان‌فرهنگی قرار می‌دهد و ازهمین‌رو در معرض انتقادهای جدی قرار می‌گیرد. باتوجه‌به کاستی‌های مبانی فلسفهٔ میان‌فرهنگی مناسب است به بررسی این مسئله پردازیم که چه انتقادهایی بر مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر مارتین ویمر وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، مارتین ویمر، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳.

۶۹۶. بررسی عوامل معرفتی شکل‌گیری دیگری در گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی چه عواملی به شکل‌گیری دیگری، در گفت‌وگوی میان‌فرهنگی می‌انجامد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه میان‌فرهنگی است. در این شاخه عقلی به بررسی مبادی و مبانی گونه‌ای از فلسفه پرداخته می‌شود که بر اشتراکات میان فرهنگ‌های مختلف تأکید دارد. یکی از مبانی اصلی فلسفه میان‌فرهنگی به رسمیت شناختن کثرت و اختلاف است. به عبارت دیگر مادامی‌که فلسفه‌های مختلف و متفاوت در کار نباشد، جست‌وجو برای عناصر مشترک میان آن‌ها بی‌معنا خواهد بود. آن‌گاه که سخن از کثرت و تفاوت به میان آید، این پرسش جای بررسی دارد که آیا در این کثرت، تمایزی میان من و دیگری وجود دارد؟ در این صورت لازم است به بررسی عواملی پرداخت که به



شکل‌گیری دیگری در فضای فلسفی انجامیده است. باتوجه به مبانی حکمت صدرایی در این مکتب زمینه مناسبی برای بررسی این پرسش وجود دارد که از منظر حکمت صدرایی چه عواملی به شکل‌گیری دیگری در گفت‌وگوی میان‌فرهنگی می‌انجامد؟

کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، من، دیگری، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۲۵.

۶۹۷. بررسی عنصر نامطلق‌انگاری، مبنایی برای فلسفه میان‌فرهنگی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چه نقدهایی بر عنصر نامطلق‌انگاری وارد است، که مبنایی برای فلسفه میان‌فرهنگی شمرده می‌شود؟

تبیین مسئله: از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه میان‌فرهنگی است. در این شاخه فلسفی به واکاوی ابعاد مختلف مکاتب فلسفی در راستای رسیدن به یک فلسفه مشترک پرداخته می‌شود. برای رسیدن به فلسفه میان‌فرهنگی، پیش‌نیازهایی لازم است و از جمله مهم‌ترین این پیش‌نیازها، نفی هرگونه مطلق‌انگاری است. مراد از مطلق‌انگاری، باور به وجود عناصر ثابت و کلی فلسفی است که هرگونه نگرش مخالف را رد می‌کند. برای مثال براساس فلسفه میان‌فرهنگی، هرگونه قانون و قاعده فلسفی در گرو زمینه و فرهنگی است که قانون و قاعده مذکور در آن شکل گرفته است. برای مثال، علیت به مثابه «تثان» نه یک قانون عقلی فراگیر، بلکه برداشتی عقلی است که در فرهنگ اسلامی متأخر (حکمت متعالیه) سامان یافته است. بنابراین در ذات فلسفه میان‌فرهنگی به رسمیت شناختن کثرت قرار گرفته است و از این رو چنین فلسفه‌ای نمی‌تواند از قوانین ثابت و مطلق سخن بگوید؛ چه اینکه عنصر فرهنگ نیز از جمله مبانی فلسفه میان‌فرهنگی است که هرگونه امر مطلق را طرد می‌کند. باتوجه به اینکه از منظر معرفت‌شناسی اسلامی نفی هرگونه قانون مطلق، به نسبی‌گرایی می‌انجامد، لازم است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چه نقدهایی بر عنصر نامطلق‌انگاری وارد است، که مبنایی برای فلسفه میان‌فرهنگی شمرده می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، نامطلق‌انگاری، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳/۷۵.



۶۹۸. بررسی امکان برداشتی عقلانی از مفهوم میانه بر اساس هستی‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر مفهوم میانه وارد است، که یکی از مؤلفه‌های فلسفه میان‌فرهنگی شمرده می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه میان‌فرهنگی از جمله فلسفه‌های مضاف است که با استفاده از روش عقلی به بررسی ابعاد مشترک و هم‌گرایانه میان مکاتب مختلف فلسفی می‌پردازد. اگرچه این مکتب فلسفی، در ظاهر، در تقابل با فلسفه‌های مطلق‌انگار دوره جدید غرب قرار دارد، در حاق خود پیش‌برنده مفاهیم و آموزه‌های فلسفه‌های پستاجددگرایانه است. در فلسفه میان‌فرهنگی اگرچه قوانین مطلق و ثابت نفی می‌شود، مأمن و تکیه‌گاهی برای حل نهایی مسائل فلسفی شکل نمی‌گیرد. به عبارت دیگر عمده رویکردهای مطرح در فلسفه میان‌فرهنگی بر رد کلیت و عمومیت قواعد فلسفی استوار است. حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا این فلسفه، مطلبی‌ایجایی نیز مطرح می‌سازد؟ در پاسخ باید گفت مدافعان فلسفه میان‌فرهنگی به دنبال دستیابی به عنصری میانه در میان مکاتب مختلف فلسفی هستند. به عبارت دیگر آنان سعی می‌کنند میان مطلق‌انگاری قواعد و قوانین فلسفی و نفی ارزش قواعد فلسفی راهی میانه برگزینند. درحالی‌که هرگونه مفهوم میانه منوط به آگاهی از دو حد و دو طرف این میانه است و دستیابی به چنین وضعیتی اگر محال نباشد، بسیار دشوار است، در مکتب حکمت متعالیه – که قواعد و قوانین فلسفی را دارای ارزش و اعتبار مطلق و کلی می‌داند – و از منظر معرفت‌شناسی، چیزی به نام میانه، هیچ‌گونه تبیین و توجیه معقولی ندارد. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر مفهوم میانه وارد است که یکی از مؤلفه‌های فلسفه میان‌فرهنگی شمرده می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، میانه، دیگری، من، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳.

۶۹۹. بررسی دوگانه من / دیگری و نقش آن در شکل‌گیری فلسفه میان‌فرهنگی از منظر حکمت صدرایی

سؤال: از منظر حکمت صدرایی چه تحلیلی از نقش دوگانه من / دیگری در شکل‌گیری فلسفه میان‌فرهنگی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه میان‌فرهنگی از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که چند دهه



بیشتر از ظهور آن نمی‌گذرد. در این جریان فلسفی تأکید بر تمرکز بر وجوه اشتراک میان فلسفه‌های گوناگون است. به عبارت دیگر مدافعان فلسفه میان فرهنگی ضمن بررسی مکاتب مختلف فلسفی به دنبال دستیابی به عنصری مشترک هستند که این تفاوت‌ها و اختلاف‌ها را ذیل یک امر واحدی گرد هم آورد. با توجه به اینکه در عموم مکاتب فلسفی بر موضوع انسان تمرکز شده است، موضوع انسان در فلسفه میان فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند. اما روشن است آنچه زمینه تفاوت و اختلاف شده، خود انسان، از آن جهت که امری مشترک است، نمی‌تواند باشد. اما برای رسیدن به یک فلسفه میان فرهنگی لازم است تصویری از آنچه در مقابل چنین فلسفه‌ای قرار می‌گیرد، به دست داده شود. به عبارت دیگر تقابلی میان فلسفه میان فرهنگی یعنی من و فلسفه مقابل، یعنی دیگری به دست داده شود. بنابراین لازم است در جست‌وجوی ترسیم من/ دیگری برآییم که تبیین‌کننده اختلافات در میان مکاتب فلسفی باشد. اما تمایز من/ دیگری خود نیازمند تأملات فلسفی است و چه بسا در برخی مکاتب فلسفی، مانند حکمت صدرایی چنین تمایزی غیردقیق ارزیابی گردد. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که از منظر حکمت صدرایی چه تحلیلی از نقش دوگانه من/ دیگری در شکل‌گیری فلسفه میان فرهنگی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه میان فرهنگی، فرهنگ، من، دیگری، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. اولویت: ۳.

۷۰۰. بررسی رویکرد هرمنوتیک پدیدارشناسانه که مبنای فلسفه میان فرهنگی است از منظر معرفت‌شناسی صدرایی

سؤال: از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه نقدهایی بر هرمنوتیک پدیدارشناسانه وارد است که مبنای فلسفه میان فرهنگی شمرده می‌شود؟

تبیین مسئله: فلسفه میان فرهنگی با هدف هم‌آوایی و هم‌گرایی میان مکاتب مختلف فلسفی شکل گرفته است. این شاخه فلسفی در پی تأکید بر اشتراکات میان مکاتب مختلف فلسفی است. برای رسیدن به این مقصود لازم است ضمن کنار نهادن موضوعات اختلافی بر عناصر مشترک میان فیلسوفان تأکید شود. روشن است که تفاوت میان مکاتب فلسفی بسیار بیش از آن است که بتوان همه آن‌ها را حول برخی اصول مشترک گرد هم آورد. از این رو لازم

است تدبیری اندیشیده شود تا این مهم امکان‌پذیر گردد. روشن است که روش‌های مختلفی در علوم وجود دارد که از میان آن‌ها می‌توان به روش عقلی و روش تجربی اشاره کرد. روش عقلی نیز به‌گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که روش عقلی - قیاسی و روش عقلی - پدیدارشناختی از آن جمله‌اند در این میان روش پدیدارشناسی، باتوجه به تأکیدی که بر ظهورات و پدیدارهای واقعیت بر فاعل شناسا دارد، ابزار مناسبی است که گونه‌ای از اشتراک و وحدت میان اختلافات فکری را به ارمغان آورد. بنابراین با کار بست روش پدیدارشناسانه به جای آنکه در پی دستیابی به یک وحدت و اشتراک حقیقی و واقعی بر آییم، وجه اشتراکی پدیدارشناختی را از منظری تفسیری دنبال می‌کنیم. در این صورت است که فلسفه میان‌فرهنگی زمینه‌ای برای ظهور و بروز پیدا می‌کند. اما روش تفسیر پدیدارشناختی خالی از اشکال نیست و از منظر معرفت‌شناسی صدرایی انتقادهایی به این روش وارد است. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله پردازیم که از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه نقدهایی بر هرمنوتیک پدیدارشناسانه وارد است که مبنای فلسفه میان‌فرهنگی شمرده می‌شود؟

کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، پدیدارشناسی، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۲۵.

۷۰۱. امکان‌سنجی ظرفیت انسان کامل در زمینه‌سازی برای شکل‌گیری فلسفه میان‌فرهنگی براساس

انسان‌شناسی صدرایی

سؤال: براساس انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از نقش انسان کامل در زمینه‌سازی فلسفه میان‌فرهنگی می‌توان ارائه کرد؟

تبیین مسئله: فلسفه میان‌فرهنگی که چند دهه بیشتر از طرح آن نمی‌گذرد در راستای گفت‌وگوی میان مکاتب فلسفی شکل گرفته است. در این فلسفه، تأکید فراوانی بر وجود اختلاف و کثرت در میان مکاتب فلسفی می‌شود، اما آنچه فاقد اصالت شمرده می‌شود، همین کثرت و اختلاف است. در فلسفه میان‌فرهنگی هدف یافتن وجوه مشترک میان مکاتب فلسفی مختلف است. اما به نظر می‌رسد امر مشترک میان مکاتب مختلف فلسفی چیزی بیش از یک عنوان بدون مصداق نباشد. به عبارت دیگر نه روش و نه هدف فلسفه میان‌فرهنگی اجازه نمی‌دهد به یک حقیقت مشترک، یعنی فلسفه واحد و مشترک میان همه انسان‌ها



رسید. اینجاست که انسان کامل، که مظهر کامل حضرت حق است، ظرفیت مناسبی برای وحدت‌بخشی به کثرات دارد و می‌تواند تجلیات مختلف حقیقت در کثرات را در خود جمع نماید. روشن است که فطرت حقیقت‌جوی انسان در مسیر کشف واقعیت و متابعت از آن گام برمی‌دارد، و در این میان آمیخته شدن عقل با هواهای نفسانی زمینه را برای تکثر مکاتب فلسفی فراهم می‌سازد. از این رو برای آنکه نوعی هم‌گرایی واقعی میان مکاتب مختلف فلسفی سامان یابد، لازم است بر عناصر حقیقی فلسفه که عنصری مشترک است، تأکید شود و هرگونه سوء برداشت و تحریف از آن زدوده شود تا زمینه برای رسیدن به نقطه مشترک حاصل گردد. به نظر می‌رسد در انسان‌شناسی صدرایی با تأکید بر جایگاه انسان کامل بتوان زمینه‌ای برای رسیدن کثرات به وحدت پیدا کرد. از این رو مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از نقش انسان کامل برای زمینه‌سازی فلسفه میان‌فرهنگی می‌توان ارائه کرد؟

کلیدواژه: فلسفه میان‌فرهنگی، فرهنگ، انسان کامل، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۷۵.

۷۰۲. بررسی معیارهای میانگی در تأسیس فلسفه میان‌فرهنگی از منظر هستی‌شناسی متعالیه

سؤال: از منظر هستی‌شناسی متعالیه چه نقدهایی بر معیارهای میانگی در تأسیس فلسفه میان‌فرهنگی وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه میان‌فرهنگی شاخه‌ای از فلسفه مضاف است که در پی یافتن امور مشترک میان مکاتب مختلف فلسفی است. در نگرش مدافعان این شاخه فلسفه، لازم است با بر حذر بودن از افراط و تفریط در پی دستیابی به حد میانه‌ای برآمد که بتواند میان مکاتب فلسفی مختلف گونه‌ای از اشتراک و هم‌گرایی را برقرار سازد. مقصود از میانگی به اجمال آن است که از میان دعاوی مختلف مکاتب فلسفی، بر آن دسته از دیدگاه‌ها و دعاوی تأکید شود که در میانه دوسویه افراط و تفریط قرار دارند اما چگونه می‌توان در خلال بررسی قواعد عقلی و فلسفی از وجود امری میان افراط و تفریط سخن گفت. اگر قاعده‌ای فلسفی مطابق با واقع و درست باشد، چگونه متصف به افراط یا تفریط می‌گردد. به هر حال، اگرچه مراد از میانگی چندان روشن نیست، می‌توان در نظر گرفت که امری است که بتواند همه مکاتب



فلسفی را گرد هم آورد. با مرور مکاتب مختلف فلسفی به نظر می‌رسد دستیابی به این امر چندان ساده نباشد. اینکه در میان امور متناقض در پی یک امر میانه برآییم، از منظر حکمت متعالیه نادرست می‌نماید. از این رو مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر هستی‌شناسی متعالیه چه نقدهایی بر معیارهای میانگی در تأسیس فلسفه میان فرهنگی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه میان فرهنگی، فرهنگ، من، دیگری، میانه، گفت‌وگوی فرهنگ‌ها، حکمت متعالیه، ملاصدرا.

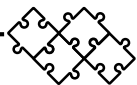
قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳/۲۵.

۷۰۳. بررسی ابعاد پساتجددگرایانه فلسفه میان فرهنگی از منظر حکمت اسلامی

سؤال: از منظر حکمت اسلامی چه نقدهایی بر ابعاد پساتجددگرایانه فلسفه میان فرهنگی وارد است؟
تبیین مسئله: فلسفه میان فرهنگی از جمله شاخه‌های فلسفه مضاف است که چند دهه بیشتر از طرح آن نمی‌گذرد. باتوجه به اینکه در دهه‌های گذشته گرایش‌های مدرن در فرهنگ غربی رو به افول نهاد، زمینه برای رواج نگرش‌های پساتجددگرایانه فراهم شد. نام پساتجددگرایی با آموزه نسبی‌گرایی پیوند خورده است. مراد از معیارهای پساتجددگرایانه، آن دسته از مکاتب و دیدگاه‌ها هستند که به‌طور کلی وجود هرگونه قاعده و قانون عقلی کلی و جهان‌شمول را نفی می‌کنند و بر زمینه‌مند بودن احکام فلسفی تأکید دارند. یکی از این نگرش‌ها در قالب فلسفه میان فرهنگی رشد کرد. برخی از نویسندگان غربی به دفاع از مبانی فلسفه میان فرهنگی پرداختند. هرگونه مواجهه معقول و منطقی با نگرش‌ها و جریان‌های فلسفی مستلزم تحلیل دقیق مبانی و اصول این نگرش‌ها و جریان‌هاست؛ از این رو لازم است در مواجهه با فلسفه میان فرهنگی به ابعاد پساتجددگرایانه آن پرداخت و انتقادهای وارد بر آن را مورد توجه قرار داد. باتوجه به اینکه نقدهایی جدی بر اصول پساتجددگرایی وارد است، مناسب است به بررسی این پرسش بپردازیم که از منظر حکمت اسلامی چه نقدهایی بر ابعاد پساتجددگرایانه فلسفه میان فرهنگی وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه میان فرهنگی، فرهنگ، پست مدرن، پساتجددگرایی، حکمت اسلامی.

قالب: مقاله پژوهشی. **اولویت:** ۳.



۱,۲,۳۶. فلسفه برای کودک

یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه برای کودک است. در دهه‌های اخیر توجه نسبتاً فراوانی به این قلمرو فلسفی شده است و پیگیری‌ها تا آنجا پیش رفته که برنامه‌هایی تدوین شده است و عملاً در بیش از صد کشور جهان، برنامه فلسفه برای کودکان در مدارس و مراکز آموزشی اجرا می‌شود. در ادامه به برخی از مسائل نوپدید در این قلمرو آشنا می‌شویم.

۷۰۴. بررسی نقش قالب در انتقال محتوا در برنامه فلسفه برای کودک از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس فلسفه اسلامی چه انتقادی به نقش قالب در انتقال محتوا در برنامه فلسفه برای کودک وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه برای کودکان است. این برنامه در راستای گسترش پیام‌های فلسفی به کودکان عمل می‌کند. نویسندگانی که بر فلسفه برای کودکان تمرکز کرده‌اند با تدوین مجموعه‌ای از داستان‌ها و تضمین این داستان‌ها به پیام‌های فلسفی سعی کرده‌اند کودکان را با مفاهیم فلسفی آشنا سازند. از جمله این داستان‌ها، مجموعه داستان‌های لیزا است. لیزا که شخصیت اول این داستان‌هاست دخترکی است که وضعیت‌ها و موقعیت‌های مختلفی را تجربه می‌کند که در آن‌ها ناچار به اندیشیدن و قضاوت کردن است. اینجاست که مسئله معیارها و ملاک‌های قضاوت کردن برای او مطرح می‌شود. مرور محتوای این داستان‌ها گواه آن است که در عمده آن‌ها نسی‌گرایی و لیبرالیسم همچون ایده‌ای راجع به مخاطب القا می‌شود. روشن است که داستان پدیده‌ای است که دست کم از دو بخش تشکیل شده است؛ صورت و محتوا. توجه به هر کدام از این دو عنصر، و نادیده گرفتن دیگری موجب خطاهایی خواهد شد؛ از این‌رو مسئله رابطه صورت و ماده از اهمیت اساسی برخوردار است. حکمت متعالیه مسئله انحای ترکیب و نحوه ترکیب ماده و صورت به تفصیل بررسی شده است. روشن است که ترکیب صورت و محتوا در پدیده داستان امری خارج از اقسام مختلف ترکیب نیست. باتوجه به اینکه صورت یا همان قالب داستان محدودیت‌هایی برای محتوا و مضمون داستان به وجود می‌آورد، می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس حکمت صدرایی چه انتقادی به نقش قالب در انتقال محتوا در برنامه فلسفه برای کودک وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، حکمت اسلامی، لیپمن، ملاصدرا.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۵.

۷۰۵. بررسی مبانی فلسفه قاره‌ای برای کودک از منظر فلسفه اسلامی

سؤال: براساس حکمت صدرایی چه انتقادی به مبانی فلسفه قاره‌ای برای کودک وارد است؟ تبیین مسئله: ازجمله تلاش‌هایی که برای گسترش مفاهیم فلسفی صورت گرفته است، تلاش برای انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان است. نویسندگان مختلفی در این زمینه به تکاپو پرداخته‌اند که ازجمله آن‌ها می‌توان به لیپمن، جیسن بائر و لئونارد نلسون اشاره کرد. مرور ادبیات شکل گرفته در این زمینه گواه آن است که عمده این تلاش‌ها متأثر از مضامین فلسفه تحلیل آمریکایی است. این بدان معناست که تلاش چندانی برای طراحی برنامه‌ای به‌منظور توسعه مفاهیم فلسفی به کودکان برپایه مضامین فلسفه قاره‌ای انجام نشده است. در سال‌های اخیر برخی از نویسندگان سعی کرده‌اند با تمرکز بر مفاهیم و مضامین فلسفه قاره‌ای به تدوین برنامه فلسفه برای کودکان همت گمارند. روشن است که همانند فلسفه تحلیل آمریکایی، فلسفه قاره‌ای نیز خالی از اشکال و ایراد نیست. باتوجه به اینکه نسبی‌گرایی عنصر مشترک هر دو رویکرد فلسفی است و این عنصر از منظر حکمت صدرایی مورد انتقادهای جدی قرار گرفته، مناسب است به بررسی این مسئله بپردازیم که براساس فلسفه اسلامی چه انتقادی به مبانی فلسفه قاره‌ای برای کودک وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، فلسفه قاره‌ای، حکمت اسلامی.

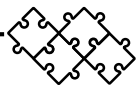
قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۷۰۶. بررسی روش سقراطی لئونارد نلسون^۱ در تربیت ابعاد عقلانی کودک از منظر انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی

سؤال: براساس انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به روش سقراطی لئونارد نلسون در تربیت ابعاد عقلانی کودک وارد است؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه برای کودکان است. در این شاخه فلسفی شیوه انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان مورد توجه قرار گرفته است. تلاش‌های گسترده‌ای برای طراحی و عملیاتی کردن ایده انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان صورت گرفته است. ازجمله این تلاش‌ها می‌توان به برنامه متیو لیپمن و لئونارد نلسون اشاره کرد. تفاوت‌های مهمی میان

1. Leonard Nelson.



شیوه این دو نویسنده وجود دارد. برای مثال، نلسون با تأکید بر روش فلسفه‌ورزی سقراط سعی کرده است با محور قرار دادن گفت‌وگو زمینه تربیت عقلانی کودک را فراهم سازد. در مقابل، لیپمن شیوه داستان‌سرایی را ترجیح داده است. واضح است که انتقال مفاهیم فلسفی به افراد شرایطی را ایجاد می‌کند که فقدان آن‌ها نه تنها مانعی برای انتقال مفاهیم فلسفی است، بلکه موجب سوءبرداشت مطالب فلسفی خواهد شد. از این رو لازم است با بررسی انسان‌شناسی، نخست، شرایط انتقال پیام‌های فلسفی را استخراج کنیم، سپس به امکان‌سنجی انتقال پیام‌های فلسفی به کودکان بپردازیم. با توجه به تلاش‌هایی که در فلسفه اسلامی در این زمینه صورت گرفته است می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به روش سقراطی لئونارد نلسون در تربیت ابعاد عقلانی کودک وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، تربیت عقلانی، روش سقراطی، نلسون، فلسفه اسلامی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

۷۰۷. بررسی نقش معرفت‌های فطری در تربیت ابعاد عقلانی کودک از منظر انسان‌شناسی آیت‌الله شاه‌آبادی

سؤال: براساس انسان‌شناسی آیت‌الله شاه‌آبادی معرفت‌های فطری چه نقشی در تربیت ابعاد عقلانی کودک برعهده دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه برای کودکان از جمله شاخه‌های فلسفی است که در دهه‌های اخیر بسیار گسترش یافته است. در این شاخه فلسفی به واکاوی شیوه انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان توجه شده است و راه‌هایی برای تحقق این مقصود فراهم گشته است. یکی از راه‌های انتقال پیام‌های فلسفی به کودکان تدوین داستان است. مرور محتوا و مضمون این داستان‌ها گواه آن است که عمده آن‌ها برخاسته از نگرش خاصی به مسئله فلسفه‌ورزی است. در این برنامه فلسفه‌ورزی، نگرش نسبی‌گرایانه و لیبرال به ارزش‌ها یکسان انگاشته شده است. درحالی‌که براساس آموزه‌های اسلامی هر کودکی براساس فطرت به دنیا می‌آید. فطرت آدمی می‌تواند بستر مناسبی برای انتقال هرگونه پیامی به کودکان باشد. یکی از متفکران اسلامی که درباره فطرت تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است، آیت‌الله شاه‌آبادی است. اکنون با تمرکز بر آموزه فطرت از منظر آیت‌الله شاه‌آبادی می‌توان به این مسئله پرداخت که فطرت چه زمینه‌هایی را برای انتقال پیام‌های فلسفی به کودکان فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر براساس انسان‌شناسی آیت‌الله شاه‌آبادی معرفت‌های فطری چه نقشی در تربیت ابعاد عقلانی کودک برعهده دارد؟



کلیدواژه: فلسفه کودک، معرفت فطری، فلسفه اسلامی، لیپمن، آیت‌الله شاه‌آبادی.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۵.

۷۰۸. بررسی نسبی‌گرایی اخلاقی در داستان‌های لیزا براساس نگرش علامه مصباح یزدی

سؤال: براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر نسبی‌گرایی اخلاقی مطرح در داستان‌های لیزا وارد است؟

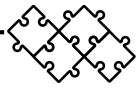
تبیین مسئله: در دهه‌های اخیر با رواج برنامه فلسفه برای کودکان مواجهیم که هدف آن، انتقال پیام‌های فلسفی به کودکان از طریق تدوین مجموعه‌ای از داستان‌های کودکانه است. به‌رغم آنکه متولیان این امر بر فلسفی بودن محتوای این داستان‌ها تأکید دارند، مرور مضامین این داستان‌ها گواه آن است که جهت‌گیری‌های این داستان‌ها در راستای ترویج اندیشه خاصی شکل گرفته است. در این داستان‌ها اصول و مبانی نسبی‌گرایی اخلاقی ترویج می‌شود. به عبارت دیگر، این داستان‌ها با تلقین نوع خاصی از نگرش فکری، راه‌آشنایی با سایر نگرش‌های فلسفی را بر ذهن کودکان می‌بندند. با توجه به اینکه در کتب و منابع مختلف فلسفه اسلامی به‌ویژه آثار علامه مصباح یزدی نقدهای جدی بر نسبی‌گرایی اخلاقی وارد شده است، جای بررسی این پرسش وجود دارد که براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر نسبی‌گرایی اخلاقی مطرح در داستان‌های لیزا وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، نسبی‌گرایی اخلاقی، معرفت‌شناسی، داستان لیزا، لیپمن.
 قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۴.

۷۰۹. بررسی ظرفیت حکایات و تمثیلات شیخ اشراق برای ارائه محتوا در فلسفه برای کودک

سؤال: چه ظرفیتی در حکایات و تمثیلات شیخ اشراق برای ارائه محتوا در فلسفه برای کودک وجود دارد؟

تبیین مسئله: فلسفه برای کودکان از جمله قلمروهایی است که به‌تازگی در محافل فلسفی مورد توجه قرار گرفته است. در این برنامه سعی می‌شود با طراحی مجموعه‌ای از داستان‌های مشتمل بر مفاهیم و پیام‌های فلسفی، کودکان را با نحوه نگریستن فلسفی به جهان آشنا کنند. شیوه درج مفاهیم فلسفی از گذشته دور مورد توجه فیلسوفان بوده است. برای مثال در سنت فلسفه اسلامی، شیخ اشراق از جمله فیلسوفانی است که با نگارش چندین داستان سعی کرده است، مقاصد فلسفی خود را به مخاطبان القا کند. نکته‌ای که در اینجا



وجود دارد این است که شیخ اشراق این داستانها را نه برای کودکان، که برای مخاطبان بزرگسال تنظیم کرده است. البته می‌توان گفت که ساختار داستان، ظرفیت لازم را برای مخاطب قرار دادن کودکان نیز دارد. از این رو می‌توان به بررسی این مسئله پرداخت که چه ظرفیتی در حکایات شیخ اشراق برای ارائه محتوا در فلسفه برای کودک وجود دارد؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، حکایات فلسفی، فلسفه اسلامی، شیخ اشراق.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴/۲۵.

۷۱۰. بررسی مفهوم تفکر، در برنامه فلسفه برای کودکان متیو لیپمن^۱ از منظر آیت‌الله جوادی آملی

سؤال: در یک مطالعه انتقادی و براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی بر مفهوم تفکر در برنامه فلسفه برای کودکان لیپمن وارد است؟

تبیین مسئله: در دهه‌های اخیر و با گسترش قلمروی فلسفه به ساحت‌های کاربردی سخن از انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان به میان آمده است. در این زمینه برخی از نویسندگان با طراحی برنامه‌ای سعی کرده‌اند ایده انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان را عملیاتی کنند. متیو لیپمن از جمله این نویسندگان است. وی با تأکید بر اصول و مبانی فلسفه پراگماتیسم و نیز مبنا قرار دادن آزادی فکری، از طریق نگارش مجموعه‌ای از داستانها کودکان را مخاطب پیام‌های فلسفی قرار داده است. به نظر می‌رسد برداشتی که لیپمن از فلسفه و تفکر در ذهن دارد، با تعریفی که فیلسوفان برجسته چه در سنت اسلامی و چه در سنت غربی از فلسفه دارند، تفاوت دارد. او مراد خود از فلسفه را در حد قضاوت و داوری فروکاسته است و از این رو زمینه را برای طرح ایده فلسفه برای کودکان مهیا کرده است. به نظر می‌رسد برداشت لیپمن از چیستی تفکر در معرض نقدهای جدی باشد؛ از این رو می‌توان با مبنا قرار دادن نگرش آیت‌الله جوادی آملی به چیستی تفکر به بررسی این مسئله پرداخت که در یک مطالعه انتقادی و براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی بر مفهوم تفکر، در برنامه فلسفه برای کودکان لیپمن وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، تفکر، فلسفه‌ورزی، جوادی آملی، لیپمن.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۴.

1. Matthew Lipman.



۷۱۱. بررسی مبانی پراگماتیستی برنامه فلسفه برای کودکان متیو لیپمن^۱ از منظر علامه مصباح یزدی

سؤال: در یک مطالعه انتقادی، از منظر علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر مبانی پراگماتیستی برنامه فلسفه برای کودکان لیپمن وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه برای کودکان با هدف انتقال پیام‌های فلسفی به کودکان مطرح شده است. برخی از نویسندگان معتقدند که می‌توان بسیاری از مفاهیم پیچیده و دشوار فلسفی را از طریق داستان به کودکان منتقل کرد و این‌گونه ذهن آنان را برای درک بهتر مسائل و پدیده‌ها آماده کرد. برخی از این نویسندگان، هنگامی که از پیام‌های فلسفی سخن می‌گویند، اصول و مبانی نظام فلسفی خاصی مانند پراگماتیسم را در نظر دارند. مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد این است که آیا می‌توان به جای مبانی پراگماتیستی، با مبنا قرار دادن اصول فلسفه اسلامی برنامه‌ای برای آموزش و انتقال پیام‌های فلسفی به کودکان تنظیم کرد. یکی از راه‌های رسیدن به این مقصود آن است که ضمن نقادی مبانی پراگماتیستی برنامه فلسفه برای کودکان، نخست، به ضعف‌ها و کاستی‌های آن بپردازیم، سپس درصدد رفع این کاستی‌ها برآییم. باتوجه به مباحثی که علامه مصباح یزدی درباره چیستی فلسفه و ویژگی‌های آن و نیز نقدهایی که بر پراگماتیسم مطرح است، بیان کرده‌اند، می‌توان اندیشه‌های ایشان را مبنایی برای نقد قرار داد و به بررسی این مسئله پرداخت که در یک مطالعه انتقادی، از منظر علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر مبانی پراگماتیستی برنامه فلسفه برای کودکان لیپمن وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، پراگماتیسم، حکمت متعالیه، لیپمن، مصباح یزدی.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۷۱۲. بررسی انتقادی رابطه زبان و تفکر- مبانی برای برنامه فلسفه برای کودکان از منظر گیلبرت رایل^۲

سؤال: در یک مطالعه انتقادی چه اشکال‌هایی بر دیدگاه گیلبرت رایل درباره رابطه زبان و تفکر- که مبنایی برای برنامه فلسفه برای کودکان شمرده می‌شود- وارد است؟

تبیین مسئله: فلسفه برای کودکان تلاشی است که در دهه‌های اخیر در راستای انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان مطرح شده است. این برنامه مشتمل بر برخی از مبانی و اصول

1. Matthew Lipman.

2. Gilbert Ryle.



نظری است که عمدتاً متأثر از مکاتب فلسفی آمریکایی مانند پراگماتیسم و اومانیسم است. یکی از مبانی نظری این برنامه که متیو لیپمن آن را توسعه داده است، دیدگاه گیلبرت رایل درباره ارتباط میان زبان و تفکر است. وی بر این باور است که می‌توان با کاربست زبان و از طریق خودآموزی به درک مفاهیم فلسفی اقدام کرد. با نگاهی به ادبیات فلسفه اسلامی در می‌یابیم که رشد قوه عاقله تابع برخی شرایطی است که چه‌بسا تحصیل آن در دوران کودکی به راحتی میسر نگردد. در صورتی که این شرایط به اثبات برسد، پاره‌ای از مبانی برنامه فلسفه برای کودکان با چالش مواجه خواهد شد. از این‌رو جای طرح این پرسش وجود دارد که یک مطالعه انتقادی چه اشکال‌هایی بر دیدگاه گیلبرت رایل درباره رابطه زبان و تفکر - که مبنایی برای برنامه فلسفه برای کودکان شمرده می‌شود - وارد است؟

کلیدواژه: فلسفه کودک، زبان، تفکر، گیلبرت رایل.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. **اولویت:** ۳/۷۵.

۷۱۳. بررسی مقایسه‌ای نقش داستان فلسفی و متن فلسفی در انتقال مفاهیم و قواعد فلسفی به کودکان

سؤال: براساس یک پژوهش مقایسه‌ای چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان انتقال مفاهیم و قواعد فلسفی از طریق داستان فلسفی و انتقال آن‌ها از طریق متن فلسفی وجود دارد؟

تبیین مسئله: یکی از شاخه‌های فلسفه مضاف، فلسفه برای کودکان است. باتوجه به نقش فراگیری که قواعد عقلی و فلسفی در افزایش رشد شناختی کودکان دارند، بسیاری از محققان درصدد تنظیم برنامه‌ای برای انتقال مفاهیم فلسفی به کودکان برآمده‌اند. ازجمله این نویسندگان می‌توان به متیو لیپمن اشاره کرد که با نگارش مجموعه‌ای از داستان‌ها سعی کرده است مفاهیم فلسفی را از طریق داستان برای کودکان قابل فهم سازد. در سنت فلسفه اسلامی نیز برخی از متفکران مانند شیخ اشراق و ابن‌سینا با نگارش داستان‌هایی به شرح و بسط افکار و اندیشه‌های فلسفی همت گماشته‌اند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه ویژگی‌های در داستان وجود دارد که به انتقال بهتر مفاهیم فلسفی به مخاطب کمک می‌کند؟ آیا اقتضائات یک متن ادبی، مانند داستان، تأثیری در محتوای پیام فلسفی ندارد؟ به عبارت دیگر، براساس یک پژوهش مقایسه‌ای چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان انتقال مفاهیم و قواعد فلسفی از طریق داستان فلسفی و انتقال آن‌ها از طریق متن فلسفی وجود دارد؟



کلیدواژه: فلسفه کودک، داستان، متن فلسفی، فلسفه برای کودکان.

قالب: پایان‌نامه سطح سه. اولویت: ۳/۷۵.

۲. تحلیل مسائل فلسفه

براساس گزارشی که در صفحات قبلی ارائه شد، چند نکته روشن می‌گردد: اولاً دانش فلسفه دانش پویایی است که به‌مرور زمان بر شاخه‌های آن افزوده شده است و همچنان در حال گسترش است. شاید تا ده سال پیش، چیزی به نام فلسفه هوش مصنوعی اساساً مطرح نبوده است اما امروزه با گسترش هوش مصنوعی، مباحثی درباره فلسفه هوش مصنوعی مطرح شده است و بررسی‌های بیشتر فلسفی این موضوع نوپدید ضروری احساس می‌شود.

ثانیاً شاخه‌هایی که در گذشته وجود داشته است، مانند فلسفه اخلاق، بسیار گسترش یافته و مسائل جدید و عمیقی در این باره مطرح شده است. این مسائل جدید نویسندگان را به‌سوی تألیف و تدوین منابعی اعم از کتاب و مقاله سوق داده است.

ثالثاً گزارش فوق نشان می‌دهد که عمده گسترش قلمرو فلسفه در حوزه تعاملی است که این دانش با علوم تجربی دارد. برای مثال، فلسفه هوش مصنوعی، فلسفه پزشکی، فلسفه شیمی و فلسفه زیست‌شناسی جملگی تحت تأثیر پیشرفت‌های علوم تجربی ظهور و بروز یافته‌اند درحالی‌که شاخه‌هایی مانند فلسفه منطق - که کمتر در ارتباط با علوم تجربی هستند - چنین گسترش و توسعه‌ای را شاهد نیستند.

رابعاً به نظر می‌رسد نظام آموزشی فلسفه، چه در حوزه‌های علمیه و چه در محافل دانشگاهی، همگام با گسترش مسائل پژوهشی حرکت نمی‌کند. درحالی‌که در حوزه علمیه براساس رویکرد متن‌محوری، استادان فلسفه به شرح و تقریر متون کلاسیک فلسفی می‌پردازند، کمتر فرصت و بهانه‌ای برای طرح و بررسی مسائل نوپدید به وجود می‌آید. درباره رشته فلسفه در دانشگاه‌ها هم باید در نظر داشت که عمده این رشته‌ها بر محور فلسفه و کلام اسلامی قرار گرفته است که براساس آخرین اطلاعات، سرفصل‌ها و عناوین این دست رشته‌ها بعد از ده سال مورد بازبینی قرار گرفته است و تغییرات در عناوین دورس کمتر از ده درصد و در سرفصل‌ها کمتر از بیست درصد است.

افزون بر این بسیاری از شاخه‌های جدید دانش فلسفه، اساساً به محافل دانشگاهی راه



نیافته است. عمده تحقیقاتی نیز که درباره این مسائل نوپدید انجام گرفته است، بر پایه انگیزه و خواست شخصی و فردی محققان و دانشجویان بوده است. همچنین باید به این نکته توجه داشت که خاستگاه بسیاری از مسائل نوپدید دانش فلسفه، حوزه‌هایی است که تسلط بر زبان خارجی را برای مراجعه به متون و منابع اصلی اقتضا می‌کند درحالی‌که در بسیاری از مراکز دانشگاهی به‌دلیل عربی بودن متون و منابع اصلی فلسفه اسلامی، اهمیت چندانی به زبان خارجی داده نمی‌شود، و حتی در برخی از مراکز زبان عربی، زبانی خارجی در نظر گرفته شده است.

فصل
چهارم

موضوعات پیشنهادی مصوب

موضوعات پیشهادی با قالب پایان نامه در جلسات فراوانی با حضور استادان گروه علمی فلسفه در مدارج علمی حوزه علمیه قم بررسی شد و اساتید این گروه علمی دیدگاه‌های خود را برای اصلاح موضوعات ارائه کردند.

در این باره چهار جلسه در سال ۱۴۰۲ در تاریخ‌های ۴، ۶، ۱۱، ۱۶ اسفند و یک جلسه در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ دی ماه برگزار گردید و در مجموع ۳۹۳ موضوع تصویب شد.

استادان حاضر در جلسات (به ترتیب حروف الفبا):

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای عزالدین رضائزاد زید عزه؛

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای حسن معلمی زید عزه؛

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای محمدحسین نائیجی زید عزه.

همچنین در این جلسات، استادان و همکاران محترم حوزه علمیه:

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای مقیمی حاجی زید عزه (معاون محترم پژوهش حوزه‌های علمیه)؛

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای ابراهیمی زید عزه (مدیر محترم مدارج علمی قم)؛

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای شریفی زید عزه (مسئول محترم گروه‌های علمی

مدارج علمی قم)؛

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای حسین محققیان زید عزه (نماینده مدیریت مطالعات

و برنامه‌ریزی پژوهشی، و مسئول پروژه نیازسنجی و تعیین اولویت‌های پژوهشی) حضور

داشتند و ارائه موضوعات، تکراری نبودن آن در بانک مدارج علمی، ثبت مصوبات و... را

پیگیری و عملیاتی می‌کردند.

در ادامه، مصوبات این جلسات به‌صورت مجزا ارائه می‌شود. برای دسترسی به اطلاعات

بیشتر با کمک شماره ردیف می‌توانید به بیان مسئله و برخی توضیحات دیگر در «فصل چهارم: نیازها و اولویت‌های پژوهشی دانش فلسفه» مراجعه کنید. همچنین این موضوعات در تارنما و سامانه پایان‌نامه‌ها در دسترس استادان، پژوهشگران و کسانی که قصد نگارش پایان‌نامه دارند، قرار گرفته است.

ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱	عنوان مکان‌سنجی بازنگری ساختار فلسفه اسلامی براساس تقسیمات جدید وجود (وجود اعتباری و...)	رساله	۳/۵
	سؤال طرح مباحث جدید فلسفه اسلامی، چه تجدیدنظری را در ساختار مسائل فلسفه اسلامی اقتضا می‌کند؟	سطح چهار	
۲	عنوان مکان‌سنجی بازنگری ساختار فلسفه اسلامی براساس اصالت وجود	رساله	۳/۳
	سؤال طرح اصالت واقعیت از سوی علامه طباطبائی، چه تجدیدنظری را در ساختار مسائل فلسفه اسلامی اقتضا می‌کند؟	سطح چهار	
۳	عنوان بررسی نقش قاعده تصادق مفاهیم مختلف بر موضوع واحد در حل مسائل فلسفه اسلامی	پایان‌نامه	۳/۶
	سؤال نقش قاعده تصادق مفاهیم مختلف بر مصداق واحد در حل مسائل فلسفه اسلامی چیست؟	سطح سه	
۸	عنوان بررسی تطبیقی «امکان مابعدالطبیعه» از نظر علامه طباطبائی و کانت	پایان‌نامه	۴/۲۵
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت و دیدگاه علامه طباطبائی درباره امکان مابعدالطبیعه می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	
۹	عنوان بررسی لوازم اصالت وجود در تقسیم معقولات به اولی و ثانیه از منظر استاد فیاضی	پایان‌نامه	۴
	سؤال براساس یک پژوهش تحلیلی، اصالت وجود چه لوازمی در زمینه تقسیم معقولات به اولی و ثانیه به دنبال دارد؟	سطح سه	
۱۰	عنوان بررسی تشکیک در مراتب هستی براساس اصالت وجود و یا ماهیت	پایان‌نامه	۴/۲۵
	سؤال تفاسیر مختلف اصالت وجود، چه تفاوتی از نظر تبیین مراتب تشکیکی وجود دارند؟	سطح سه	
۱۱	عنوان بررسی نظریه آیت‌الله عابدی شاهرودی درباره استقلال زمان از حرکت، براساس دیدگاه با تأکید بر دیدگاه مشهور	رساله	۳/۵
	سؤال براساس نگرش مشهور حکما، چه اشکال‌هایی بر دیدگاه استقلال زمان از حرکت وارد است؟	سطح چهار	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱۳	عنوان بررسی انتقادی حقیقت زمان از دیدگاه ابوالبرکات بغدادی با تأکید بر دیدگاه‌های شهید مطهری	رساله	۴
	سؤال براساس دیدگاه‌های شهید مطهری، چه نقدهایی بر تفسیر ابوالبرکات بغدادی از زمان وارد است؟	سطح چهار	
۱۴	عنوان بررسی نظریه اشتدادی بودن زمان به تبع اشتدادی بودن وجود از منظر ملاصدرا	پایان نامه	۴
	سؤال براساس نگرش ملاصدرا تبیین اشتدادی بودن زمان به تبع اشتدادی بودن وجود چگونه است؟	سطح سه	
۱۶	عنوان بررسی چالش‌های تقسیم وجود به مجرد و مادی براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان نامه	۲/۷۵
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه، چه اشکال‌هایی به معیار تقسیم موجود به مجرد و مادی وارد است؟	سطح سه	
۱۷	عنوان بررسی لوازم هستی‌شناختی نظریه تغایر تحلیلی جوهر و عرض براساس حکمت متعالیه	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه، لوازم هستی‌شناختی نظریه تغایر تحلیلی جوهر و عرض چگونه ارزیابی می‌گردد؟	سطح سه	
۱۸	عنوان بررسی تحلیلی - انتقادی رابطه خداوند با موجودات براساس قاعده بسیط‌الحقیقه	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال براساس قاعده بسیط‌الحقیقه چه تبیینی از رابطه میان خداوند و موجودات می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۲۰	عنوان بررسی دلالت‌های تفاسیر اصالت وجود در نظام منطق ارسطویی	پایان نامه	۲/۷۵
	سؤال تفاسیر مختلف اصالت وجود چه لوازمی در نظام منطق ارسطویی به دنبال دارد؟	سطح سه	
۲۱	عنوان بررسی انتقادی هستی‌پدیداری از منظر اصالت وجود صدرایی	رساله	۳/۲۵
	سؤال براساس اصالت وجود صدرایی چه انتقادهایی بر هستی‌پدیداری وارد است؟	سطح چهار	
۲۳	عنوان بررسی لوازم نظریه «نفس‌الامر» در شناخت حدود و توانایی‌های عقل	پایان نامه	۴/۵
	سؤال نظریه نفس‌الامر چه دلالت‌ها و لوازمی در شناخت حدود و توانایی‌های عقل به دنبال دارد؟	سطح سه	
۲۵	عنوان بررسی نحوه تحقق کلی طبیعی براساس تفاسیر مختلف اصالت وجود	پایان نامه	۴
	سؤال براساس تفاسیر مختلف اصالت وجود، چگونه می‌توان نحوه تحقق کلی طبیعی را تبیین کرد؟	سطح سه	

ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۲۸	عنوان بررسی تحلیلی - انتقادی سیر تحول نظریه مُثُل در سنت فلسفه اسلامی	رساله	۳/۵
	سؤال نظریه فلسفی مُثُل در سنت فلسفه اسلامی چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است؟	سطح چهار	
۳۱	عنوان بررسی امکان تحقق علم حصولی در واجب الوجود براساس مبانی حکمت صدرایی	رساله	۴
	سؤال براساس مبانی حکمت صدرایی، تحقق علم حصولی در واجب الوجود چگونه تبیین می‌شود؟	سطح چهار	
۳۲	عنوان بررسی انتقادی دیدگاه ساخت‌گرایانه رورتنی درباره واقعیت از منظر ملاصدرا	رساله	۴/۵
	سؤال از منظر ملاصدرا چه انتقادهایی به دیدگاه ساخت‌گرایانه رورتنی درباره واقعیت مطرح می‌شود؟	سطح چهار	
۳۳	عنوان بررسی انتقادی دیدگاه ساخت‌گرایانه گودمن درباره واقعیت از منظر فلسفه اسلامی	رساله	۲/۷۵
	سؤال از دیدگاه فلسفه اسلامی، چه انتقادهایی به دیدگاه ساخت‌گرایانه گودمن درباره واقعیت مطرح می‌شود؟	سطح چهار	
۳۷	عنوان بررسی نحوه تقدم عقل بر نقل در روش‌شناسی فلسفه اسلامی چگونه می‌توان براساس روش‌شناسی حکمت صدرایی، تقدم عقل بر نقل را تبیین کرد؟	پایان‌نامه	۴/۵
	سؤال	سطح سه	
۳۸	عنوان امکان‌سنجی کاربرست استعاره در روش حل مسائل فلسفه اسلامی چگونه می‌توان «استعاره» را الگویی برای حل مسائل فلسفه اسلامی استفاده کرد؟	پایان‌نامه	۲/۷۵
	سؤال	سطح سه	
۳۹	عنوان بررسی استقرایی بودن شروط اعتبار برهان چگونه می‌توان روش برهانی را روش معتبر کشف واقعیت دانست، درحالی‌که شرایط اعتبار برهان به‌صورت استقرایی احراز می‌گردد؟	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال	سطح سه	
۴۰	عنوان بررسی تحلیلی جایگاه نقل در مقدمات قیاس برهانی از منظر فلسفه اسلامی	رساله	۴/۵
	سؤال براساس فلسفه اسلامی چه تبیینی از نقلی بودن یکی از مقدمات قیاس برهانی معتبر می‌توان ارائه کرد؟	سطح چهار	
۴۲	عنوان بررسی تطبیقی «فاهمه» در فلسفه کانت و «واهمه» در نظر ملاصدرا	پایان‌نامه	۲/۵
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت درباره «فاهمه» و دیدگاه ملاصدرا درباره «واهمه» می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۴۳	عنوان	بررسی تطبیقی اعتبار «عقل عملی» در فلسفه کانت، آیت‌الله جوادی آملی و علامه مصباح یزدی	رساله سطح چهار	۳/۵
	سؤال	براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و وجوه اختلافی میان دیدگاه ایمانوئل کانت و دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و نیز نظر علامه مصباح یزدی درباره اعتبار «عقل عملی» می‌توان به دست آورد؟		
۴۵	عنوان	بررسی تطبیقی استنتاج از راه بهترین تبیین از منظر لیپتون و استقرا از نظر شهید صدر	پایان‌نامه سطح سه ^۱	۴
	سؤال	براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه لیپتون درباره استنتاج از بهترین تبیین و دیدگاه شهید صدر درباره استقرا وجود دارد؟		
۴۶	عنوان	بررسی نظریه «توجیه درون‌گرایانه» از منظر ابن‌سینا و علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه سطح چهار	۴/۲۵
	سؤال	براساس نگرش ابن‌سینا نظریه ارجاع درون‌گرایانه چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۴۷	عنوان	بررسی معیار صدق «اصل عدم تناقض» از منظر فلاسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	از منظر فلاسفه اسلامی معیار صدق اصل عدم تناقض چگونه تبیین می‌گردد؟		
۴۸	عنوان	بررسی چالش‌های کیث لِرر علیه «مبناگرایی» از منظر علامه مصباح یزدی	رساله سطح چهار	۵
	سؤال	از منظر علامه مصباح یزدی چه پاسخی به چالش‌های کیث لِرر بر مبناگرایی می‌توان ارائه کرد؟		
۴۹	عنوان	بررسی مبانی معرفت‌شناختی «تفاهم» به‌مثابه نقدی بر هرمنوتیک فلسفی از منظر علامه مصباح یزدی	رساله سطح چهار	۴/۵
	سؤال	براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه تبیینی از مبانی «تفاهم» در نقد هرمنوتیک فلسفی می‌توان ارائه کرد؟		
۵۰	عنوان	بررسی نقش اراده در معرفت از منظر فیلسوفان مسلمان	پایان‌نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	از منظر فیلسوفان مسلمان چه تبیینی از نقش اراده در شکل‌گیری و اعتبار معرفت می‌توان به دست داد؟		

۱. در صورت داشتن فرضیه مناسب می‌تواند مناسب رساله سطح چهار باشد.



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۵۲	عنوان	بررسی «مبناگرایی» در مدرکات عقل عملی از منظر فیلسوفان مسلمان	رساله	۴/۲۵
	سؤال	براساس دیدگاه ابن‌سینا چه تبیینی از کاربست مبناگرایی در مدرکات عقل عملی می‌توان ارائه کرد؟	سطح چهار	
۵۳	عنوان	بررسی لوازم معرفت‌شناختی تفاسیر مختلف اصالت وجود	پایان‌نامه	۳
	سؤال	براساس یک پژوهش تحلیلی تفاسیر پنج‌گانه اصالت وجود، چه لوازم معرفت‌شناختی به دنبال دارند؟	سطح سه	
۵۴	عنوان	بررسی تطبیقی «برون‌شد» ابن‌سینا و ملاصدرا از مشکل خودتنهاگرایی	رساله	۴/۵
	سؤال	براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه ابن‌سینا و ملاصدرا درباره «برون‌شد» از چالش خودتنهاگرایی وجود دارد؟	سطح چهار	
۵۶	عنوان	بررسی کاربست مشاهدات در مقدمات قیاس برهانی	پایان‌نامه	۴۳
	سؤال	چگونه می‌توان به‌نحو معقولی مشاهدات را مقدمه‌ای برای قیاس برهانی به کار گرفت؟	سطح سه	
۵۷	عنوان	بررسی روش‌شناسی استاد مصباح در تبیین و حل مسائل معرفت‌شناختی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	روش‌شناسی علامه مصباح یزدی در حل مسائل معرفت‌شناختی چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۵۸	عنوان	بررسی همراهی علم حضوری با علم حصولی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه	۲/۷۵
	سؤال	از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، همراهی علم حضوری با علم حصولی چه لوازمی دارد؟	سطح سه	
۵۹	عنوان	بررسی ارجاع علم حصولی به علم حضوری از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه	۲/۵
	سؤال	از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان ارجاع علم حصولی به علم حضوری چگونه تبیین می‌گردد؟	سطح سه	
۶۰	عنوان	بررسی عوامل مؤثر در شدت و ضعف علوم حضوری از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه	۲/۵
	سؤال	از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، چه عواملی در شدت و ضعف علوم حضوری تأثیرگذار است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۶۱	عنوان بررسی عوامل غفلت فاعل شناسا از دستیابی به علم حضوری از علت خود از منظر فلاسفه اسلامی	پایان نامه	۲/۷۵
	سؤال از منظر فلاسفه اسلامی، چه عواملی در غفلت فاعل شناسا از دست یافتن به علم حضوری از علت هستی بخش خود مؤثر است؟	سطح سه	
۶۳	عنوان بررسی مؤلفه‌های معرفت تجربی از منظر علامه مصباح یزدی	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر علامه مصباح یزدی مؤلفه‌های معرفت تجربی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟	سطح سه	
۶۴	عنوان بررسی رابطه علی میان توجیه و صدق از منظر علامه مصباح یزدی	پایان نامه	۴
	سؤال از منظر علامه مصباح یزدی رابطه علیت میان توجیه و صدق چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۶۶	عنوان بررسی دیدگاه فومرتن درباره رابطه میان توجیه و صدق	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چه نقدهایی بر نگرش فومرتن درباره رابطه میان توجیه و صدق وارد است؟	سطح سه	
۶۹	عنوان بررسی چالش شخصی بودن علم حضوری از منظر علامه مصباح یزدی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه پاسخی به چالش شخصی بودن علم حضوری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۷۱	عنوان بررسی چالش «مغز درون خمره» براساس معرفت‌شناسی اسلامی	رساله	۳/۵
	سؤال براساس معرفت‌شناسی اسلامی چه پاسخی به چالش «مغز درون خمره» می‌توان ارائه کرد؟	سطح چهار	
۷۳	عنوان بررسی انتقادی نظریه پرسپکتیو نیچه از منظر معرفت‌شناسی اسلامی	رساله	۴/۲۵
	سؤال براساس معرفت‌شناسی اسلامی چه انتقادهایی بر نظریه پرسپکتیو نیچه مطرح می‌گردد؟	سطح چهار	
۷۴	عنوان بررسی تحلیلی نفس‌الآمر در قضایای حقیقیه از منظر فیلسوفان اسلامی	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال از منظر فیلسوفان اسلامی نفس‌الآمر در قضایای حقیقیه چگونه تبیین می‌گردد؟	سطح سه	
۷۵	عنوان بررسی ارزش معرفت‌شناختی تجربه‌های نزدیک مرگ از منظر فیلسوفان اسلامی	پایان نامه	۳/۵
	سؤال از منظر فیلسوفان اسلامی ارزش معرفت‌شناختی تجربه‌های نزدیک مرگ چگونه ارزیابی می‌گردد؟	سطح سه ۱	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۷۷	عنوان بررسی معرفت‌شناختی اذهان دیگر از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر فلسفه اسلامی ابعاد معرفت‌شناختی اذهان دیگر چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۷۹	عنوان بررسی معیار تمایز «قوا» در علم النفس صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۲/۵
	سؤال براساس علم النفس صدرایی چه معیاری برای تمایز قوای نفس انسانی می‌توان ارائه کرد؟		
۸۰	عنوان بررسی تطبیقی مفهوم «شاکله» در روایات و مفهوم «ذات» انسان» در فلسفه	پایان‌نامه سطح سه	۴/۵
	سؤال چه رابطه‌ای میان مفهوم قرآنی شاکله و مفهوم فلسفی ذات انسان وجود دارد؟		
۸۱	عنوان بررسی چالش آگاهانه بودن «انتخاب» در علم النفس اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۵
	سؤال براساس علم النفس اسلامی چه تبیینی از چالش آگاهانه بودن انتخاب می‌توان ارائه کرد؟		
۸۳	عنوان بررسی انواع تعامل نفوس مجرد انسانی در عالم برزخ از منظر حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۲/۶
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از انواع تعامل نفوس مجرد انسانی در عالم برزخ با یکدیگر می‌توان ارائه کرد؟		
۸۵	عنوان بررسی تطبیقی «فنا» در نگرش شنکره و در منظر ملاصدرا	پایان‌نامه سطح سه	۲
	سؤال بر پایه یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه شنکره و ملاصدرا درباره حقیقت فنا یافت می‌شود؟		
۸۷	عنوان بررسی فلسفی تأثیر موسیقی بر نفس ناطقه انسانی	پایان‌نامه سطح سه	۲/۲۵
	سؤال براساس مبانی فلسفی چه تحلیل و تبیینی از تأثیر موسیقی بر نفس ناطقه انسانی می‌توان ارائه کرد؟		
۹۳	عنوان بررسی جایگاه بدن در هویت انسانی از منظر انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از جایگاه بدن در هویت انسانی می‌توان ارائه کرد؟		
۹۹	عنوان بررسی تطبیقی «برهان وجودی» در فلسفه لایبنیتس و محقق اصفهانی	پایان‌نامه سطح سه	۲/۵
	سؤال چه وجوه اشتراک و اختلافی میان تقریر لایبنیتس و تقریر محقق اصفهانی از برهان وجودی به چشم می‌خورد؟		
۱۰۲	عنوان بررسی دلالت برهان صدیقین بر اثبات صفات خداوند از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه سطح سه	۲/۷۵
	سؤال از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان دلالت‌های برهان صدیقین بر اثبات صفات خداوند چگونه تبیین می‌گردد؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱۰۴	عنوان امکان سنجی کاربست برهان معجزه در اثبات وجود خداوند در حکمت اسلامی	پایان نامه	۴
	سؤال بر پایه حکمت اسلامی چگونه می توان از برهان معجزه بر اثبات وجود خداوند استفاده کرد؟	سطح سه	
۱۰۵	عنوان بررسی نگرش الهیات پویشی به صفات خداوند	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس نظام حکمت صدرایی چه اشکالاتی بر نگرش الهیات پویشی در زمان مند شمردن خداوند وارد است؟	سطح چهار	
۱۰۹	عنوان بررسی نگرش شلنبرگ به پدیده شر به مثابه استدلالی علیه وجود خداوند	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه چه اشکال هایی به نگرش شلنبرگ به پدیده شر به مثابه استدلالی بر عدم وجود خداوند وارد است؟	سطح سه	
۱۱۰	عنوان بررسی استدلال نیکلاس اوریت علیه خداباوری براساس الهیات صدرایی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس الهیات صدرایی چه انتقادهایی بر استدلال نیکلاس اوریت علیه خداباوری وارد است؟	سطح سه	
۱۱۴	عنوان بررسی جایگاه قضایای حقیقیه در قیاس برهانی از منظر ابن سینا	پایان نامه	۳/۵
	سؤال از منظر ابن سینا، قضایای حقیقیه چه نقشی در قیاس برهانی دارند؟	سطح سه	
۱۱۵	عنوان بررسی تطبیقی دیدگاه شیخ اشراق و ابن سینا درباره قضایای موجه	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شیخ اشراق و ابن سینا به قضایای موجه می توان اصطیاد کرد؟	سطح سه	
۱۱۶	عنوان بررسی نظام منطق نسبی گرایانه از منظر منطق سینوی	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر منطق سینوی چه انتقادهایی به نظام منطق نسبی گرایانه وارد است؟	سطح چهار	
۱۱۷	عنوان بررسی نگرش گراهام پریست به جایگاه اصل عدم تناقض در نظام منطقی از منظر ابن سینا	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال از منظر ابن سینا چه انتقادهایی به نگرش گراهام پریست به جایگاه اصل عدم تناقض در نظام منطقی وارد است؟	سطح چهار	
۱۱۹	عنوان بررسی چالش های جدید اعتبار ضروب قیاس اقترانی ارسطویی از منظر منطق سینوی	پایان نامه	۳
	سؤال از منظر منطق سینوی چالش های جدید اعتبار ضروب قیاس اقترانی ارسطویی چگونه ارزیابی می شود؟	سطح سه	
۱۲۰	عنوان بررسی رابطه منطق تعریف و منطق استدلال از منظر منطق سینوی	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر منطق سینوی رابطه منطق تعریف و منطق استدلال چگونه تبیین می شود؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱۲۱	عنوان بررسی حقیقت و جایگاه گزاره‌های سالبه در نظام منطق سینوی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر نظام منطق سینوی چه تحلیلی از حقیقت و جایگاه گزاره‌های سالبه می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۱۲۳	عنوان بررسی پلورالیسم منطقی از منظر نظام منطق سینوی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر نظام منطق سینوی چه انتقادهایی به پلورالیسم منطقی وارد است؟	سطح سه	
۱۲۴	عنوان بررسی جایگاه قضیه جزئی در استدلال قیاسی از منظر ابن‌سینا	پایان‌نامه	۳
	سؤال از منظر ابن‌سینا قضیه جزئی چه جایگاهی در استدلال قیاسی دارد؟	سطح سه	
۱۲۵	عنوان بررسی لوازم معرفت‌شناختی قضیه ناتمامیت کورت گودل از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۳
	سؤال از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر لوازم معرفت‌شناختی قضیه ناتمامیت گودل وارد است؟	سطح سه	
۱۲۶	عنوان بررسی نظام‌های ناسازگار منطقی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظام‌های ناسازگار منطقی وارد است؟	سطح چهار	
۱۲۷	عنوان بررسی جایگاه اصل عدم تناقض در منطق جدید از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نگرش منطق جدید به اصل عدم تناقض وارد است؟	سطح سه	
۱۲۸	عنوان بررسی اشکالات نظام منطق قیاس ارسطویی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال چه پاسخی به انتقادهای وارد بر نظام منطق قیاس ارسطویی می‌توان ارائه کرد؟	سطح چهار	
۱۲۹	عنوان بررسی نسبی‌گرایی منطقی از منظر منطق‌دانان مسلمان	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر منطق‌دانان مسلمان چه اشکال‌هایی بر نسبی‌گرایی منطقی می‌توان وارد ساخت؟	سطح سه	
۱۳۰	عنوان بررسی اصالت گزاره در منطق براساس نظام منطق ارسطویی - سینوی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال از منظر منطق ارسطویی - سینوی چه انتقادهایی بر اصالت گزاره در منطق وارد است؟	سطح چهار	
۱۳۱	عنوان بررسی تطبیقی قلمرو منطق از منظر منطق جدید و نظام منطق ارسطویی - سینوی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال بر پایه یک پژوهش تطبیقی قلمرو منطق از منظر منطق جدید و منطق ارسطویی - سینوی چه وجوه اشتراک و اختلافی دارند؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱۳۳	عنوان بررسی تطبیقی نظام منطق موجهاتی سینوی و نظام منطق موجهات جدید	پایان نامه	۳/۵
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نظام منطق موجهات از نظر ابن سینا و از منظر منطق جدید وجود دارد؟	سطح چهار	
۱۳۴	عنوان بررسی اثبات اصل عدم تناقض در منطق جدید از منظر معرفت شناسی علامه طباطبائی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال با تأکید بر معرفت شناسی علامه طباطبائی چه انتقادهایی به اثبات اصل عدم تناقض در منطق جدید وارد است؟	سطح سه	
۱۴۴	عنوان بررسی انتقادی کاربرست روش پدیدارشناسی در مسائل کلامی	رساله	۳/۷۵
	سؤال چه انتقادهایی به کاربرست روش پدیدارشناسی در مسائل کلامی وارد است؟	سطح چهار	
۱۴۷	عنوان بررسی جایگاه فرهنگ در فهم متون دینی از منظر علامه طباطبائی	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال از منظر علامه طباطبائی چه تبیینی از جایگاه فرهنگ در فهم متون دینی می توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۱۴۸	عنوان بررسی رابطه زمان و فهم از منظر آیت الله جوادی آملی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال از منظر آیت الله جوادی آملی رابطه میان زمان و فهم چگونه تحلیل می شود؟	سطح سه	
۱۴۹	عنوان بررسی رویکرد عدم تعین معنا از منظر علامه طباطبائی	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال از منظر علامه طباطبائی چه انتقادهایی به رویکرد عدم تعین معنا وارد است؟	سطح سه	
۱۵۰	عنوان بررسی رابطه اصول ثابت فهم و نیازهای مخاطبان از منظر علامه مصباح یزدی	پایان نامه	۴/۵
	سؤال از منظر علامه مصباح یزدی رابطه اصول ثابت فهم و نیازهای مخاطبان چگونه تحلیل می گردد؟	سطح سه	
۱۵۲	عنوان بررسی شروط امکان تفاهم از منظر علامه طباطبائی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال از منظر علامه طباطبائی شروط امکان تفاهم چگونه تحلیل می شود؟	سطح سه	
۱۵۳	عنوان بررسی تطبیقی عوامل تعین معنا از منظر امیلیو بتی و محقق اصفهانی	پایان نامه	۳/۵
	سؤال چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه امیلیو بتی و محقق اصفهانی درباره عوامل تعین معنا وجود دارد؟	سطح سه	



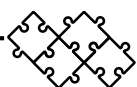
ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱۵۷	عنوان بررسی تطبیقی «تعین معنا» در نگرش ویتگنشتاین متأخر و نگرش شهید صدر	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه شهید صدر و دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره تعین معنا به دست می‌آید؟	سطح چهار	
۱۵۸	عنوان بررسی تطبیقی «عناصر فهم» در نگرش گادامر و دیدگاه محقق اصفهانی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان عناصر فهم از منظر گادامر و محقق اصفهانی وجود دارد؟	سطح سه	
۱۵۹	عنوان بررسی تطبیقی نقش دور هرمنوتیکی در «فهم» از منظر شهید صدر و گادامر	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شهید صدر و گادامر به نقش دور هرمنوتیکی در فهم وجود دارد؟	سطح سه	
۱۶۰	عنوان امکان‌سنجی فهم مؤلف‌متن‌محور براساس نگرش علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس نگرش علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چگونه می‌توان تبیینی از فرایند فهم ارائه کرد که واجد ویژگی مؤلف‌متن‌محور باشد؟	سطح سه	
۱۶۱	عنوان بررسی تطبیقی «جایگاه عرف در فهم» از منظر گادامر و دیدگاه محقق اصفهانی	رساله	۳/۳
	سؤال در بررسی تطبیقی نگرش گادامر و محقق اصفهانی چه وجوه اشتراکی و اختلافی درباره جایگاه عرف در فهم به دست می‌آید؟	سطح چهار	
۱۶۲	عنوان بررسی «امتزاج افق‌ها» به‌مثابه اصل نسبیت هرمنوتیکی از منظر محقق اصفهانی	رساله	۳/۷۵
	سؤال براساس نگرش محقق اصفهانی چه انتقادهایی بر «امتزاج افق‌ها» به‌مثابه اصل نسبیت هرمنوتیکی وارد است؟	سطح چهار	
۱۶۳	عنوان بررسی اصل «پایان‌ناپذیری فهم» در هرمنوتیک فلسفی از منظر شهید صدر	رساله	۳/۷۵
	سؤال از منظر شهید صدر چه انتقادهایی به اصل «پایان‌ناپذیری فرایند فهم» در هرمنوتیک فلسفی وارد است؟	سطح چهار	
۱۶۴	عنوان بررسی راهبردهای اریک هرش در مواجهه با نسبیت فهم گادامر	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال اریک هرش در مواجهه انتقادی با نسبیت فهم گادامر از کدام راهبردها سود جسته است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱۶۵	عنوان بررسی تطبیقی «قصدمندی» از منظر رولان بارت و محقق طوسی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال در یک مقایسه تطبیقی چه وجوه تفاوت و شباهتی میان نگرش رولان بارت و محقق طوسی درباره مسئله قصدمندی وجود دارد؟		
۱۶۶	عنوان بررسی رابطه دلالت و اراده از منظر محقق خراسانی و پل ریکور	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال در یک مطالعه مقایسه‌ای چه وجوه شباهت و تفاوتی میان نگرش محقق اصفهانی و پل ریکور درباره رابطه میان دلالت و اراده وجود دارد؟		
۱۶۸	عنوان بررسی ادله مغالطه قصدی براساس نگرش شهید صدر	پایان نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال در یک مطالعه انتقادی از منظر شهید صدر چه اشکال‌هایی به ادله اقامه شده در دفاع از مغالطه قصدی وارد است؟		
۱۷۰	عنوان بررسی نقش موقعیت و جهان ماتن در امر فهم معنا از منظر شهید صدر	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال براساس نظر شهید صدر موقعیت و جهان ماتن چه نقشی در فهم دارد؟		
۱۷۱	عنوان بررسی هستی‌شناسی معنا از منظر استاد فیاضی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال براساس نگرش استاد فیاضی چه تحلیلی از هستی معنا می‌توان ارائه کرد؟		
۱۷۲	عنوان بررسی رابطه معنا و مفهوم از منظر استاد فیاضی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال از منظر استاد فیاضی رابطه میان معنا و مفهوم چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟		
۱۷۳	عنوان بررسی ظرفیت‌های هرمنوتیک در اسلامی‌سازی علوم انسانی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال در فرایند اسلامی‌سازی علوم انسانی، هرمنوتیک واجد چه ظرفیت‌هایی است؟		
۱۷۴	عنوان بررسی تطبیقی روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک رمانتیک	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان روش هرمنوتیکی در علم اصول، و هرمنوتیک رمانتیک می‌توان شناسایی کرد؟		
۱۷۵	عنوان بررسی تطبیقی روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک کلاسیک	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان روش هرمنوتیکی در علم اصول و هرمنوتیک کلاسیک می‌توان شناسایی کرد؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۱۸۶	عنوان بررسی نقش «پیش‌زمینه‌های فهم» از منظر محقق اصفهانی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال از منظر محقق اصفهانی چه انتقادهایی بر زمینه‌مند دانستن فهم وارد است؟		
۱۹۹	عنوان بررسی معیار ارزیابی کشف و شهود عرفانی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر علامه طباطبائی و شاگردان، چه معیاری برای ارزیابی کشف و شهود عرفانی وجود دارد؟		
۲۰۰	عنوان بررسی رابطه علم عرفان نظری و علم عرفان عملی از منظر عرفای معاصر (امام خمینی، علامه طباطبائی، آیت‌الله جوادی، علامه مصباح و آیت‌الله حسن‌زاده)	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر عرفای معاصر، رابطه علم عرفان نظری و علم عرفان عملی چگونه تبیین می‌شود؟		
۲۰۳	عنوان بررسی تطبیقی جایگاه عقل در عرفان نظری و فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده	رساله سطح چهار	۳/۵
	سؤال در یک نگرش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان جایگاه عقل در عرفان نظری و جایگاه عقل در فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده می‌توان به دست داد؟		
۲۰۴	عنوان بررسی تطبیقی غایت در عرفان نظری و فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده	رساله سطح چهار	۳
	سؤال در یک نگرش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در عرفان نظری و غایت در فلسفه از منظر آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله حسن‌زاده می‌توان به دست آورد؟		
۲۰۵	عنوان بررسی تأثیر و تأثر عرفان نظری و فلسفه از منظر علامه طباطبائی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال از منظر علامه طباطبائی رابطه میان علم عرفان نظری و علم فلسفه چگونه تبیین می‌شود؟		
۲۰۶	عنوان بررسی رابطه علم عرفان نظری و عرفان عملی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال از نظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، رابطه میان علم عرفان نظری و علم عرفانی عملی چگونه تبیین می‌شود؟		
۲۰۷	عنوان بررسی بین‌الذهانی بودن تجربه عرفانی از منظر عرفان اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال از نظر عرفان اسلامی بین‌الذهانی بودن تجربه عرفانی چگونه تبیین می‌شود؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۲۰۸	عنوان	بررسی تحولات علم عرفان نظری در جهان اسلام	پایان نامه	۳/۵
	سؤال	تحولات علم عرفان نظری در جهان اسلام چگونه قابل تبیین است؟	سطح سه	
۲۰۹	عنوان	بررسی انتقادی کثرت‌گرایی عرفان نظری از منظر هستی‌شناسی صدرایی	رساله	۴/۲۵
	سؤال	از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی به کثرت‌گرایی عرفانی وارد است؟	سطح چهار	
۲۱۰	عنوان	بررسی معیار اعتبار معرفت عرفانی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	رساله	۴/۲۵
	سؤال	از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه تبیینی از معیار اعتبار معرفت عرفانی می‌توان مطرح کرد	سطح چهار	
۲۱۱	عنوان	بررسی وحدت‌گرایی جهله صوفیه در باب وجود از منظر هستی‌شناسی صدرایی	پایان نامه	۴/۳
	سؤال	از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی به وحدت‌گرایی جهله صوفیه در باب وجود وارد است؟	سطح سه	
۲۱۲	عنوان	بررسی معیارهای رفع تعارض میان کشف‌های عرفانی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان نامه	۴
	سؤال	از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه معیارهایی برای حل تعارض میان کشف‌های عرفانی می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	
۲۱۳	عنوان	بررسی معیارهای مراحل سه‌گانه گزارش، ترجمه و تفسیر در معنابخشی به مشاهدات عرفانی از منظر صدر المتألهین و ابن عربی	پایان نامه	۴
	سؤال	از منظر ملاصدرا و ابن عربی معیارهای مراحل سه‌گانه گزارش، ترجمه، و تفسیر مشاهدات عرفانی کدام است؟	سطح سه	
۲۱۵	عنوان	بررسی تطبیقی زبان شعر و زبان فلسفه در ترجمه مشاهدات عرفانی از منظر حکمای اسلامی معاصر	پایان نامه	۳
	سؤال	از منظر حکمای اسلامی معاصر کاربرست زبان شعر و زبان فلسفه در ترجمه مشاهدات عرفانی چه وجوه اشتراک و تفاوتی دارند؟	سطح سه	
۲۱۶	عنوان	بررسی تحلیلی عوامل تحول مباحث عرفان نظری	رساله	۳
	سؤال	براساس یک پژوهش تحلیلی چه عواملی در تحول مباحث عرفان نظری مؤثر بوده است؟	سطح چهار	
۲۱۷	عنوان	بررسی تأثیرات فلسفه اسلامی بر عرفان نظری از منظر استاد یزدان‌پناه	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال	از نظر استاد یزدان‌پناه فلسفه چه تأثیری بر عرفان نظری داشته است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۲۱۸	عنوان بررسی نقش حکمت اشراق در تقریب مباحث عرفانی با فلسفه	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال از منظر فلاسفه، حکمت اشراق چه نقشی در تقریب مباحث عرفانی با فلسفه دارد؟		
۲۱۹	عنوان بررسی انتقادی تأثیر زبان در تجربه‌های عرفانی از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به ادعای تأثیر زبان در تجربه‌های عرفانی وارد است؟		
۲۲۰	عنوان بررسی انتقادی تأثیر فرهنگ در تجربه‌های عرفانی از نظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به ادعای تأثیر فرهنگ در تجربه‌های عرفانی وارد است؟		
۲۲۱	عنوان بررسی «پیش‌فرض فروکاهش‌گرایانه فیزیکیالیستی» در الحاد جدید براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر پیش‌فرض فروکاهش‌گرایانه فیزیکیالیستی الحاد مدرن وارد است؟		
۲۲۲	عنوان بررسی «پیش‌فرض انحصارگرایانه روش‌شناختی» در الحاد جدید براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر پیش‌فرض انحصارگرایانه روش‌شناختی الحاد مدرن وارد است؟		
۲۲۳	عنوان بررسی توجیه معرفت دینی از منظر کانت براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر توجیه معرفت دینی از منظر کانت وارد است؟		
۲۲۵	عنوان بررسی نظریه تغییر در خدا از منظر حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال نظریه تغییر در خدا از منظر حکمت متعالیه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟		
۲۲۸	عنوان بررسی انتقادی انگاره «معرفت‌ناپذیری» خداوند از منظر حکمت متعالیه	رساله سطح چهار	۴/۲۵
	سؤال از منظر حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر انگاره «معرفت‌ناپذیری» خداوند وارد است؟		
۲۳۲	عنوان بررسی مبانی هستی‌شناختی نماد از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال براساس فلسفه اسلامی مبانی هستی‌شناختی نماد چگونه تبیین می‌شود؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۲۳۴	عنوان بررسی انتقادی معیارهای دلالت‌شناسی «نمادهای دینی» از منظر پل تیلیش	رساله	۳/۷۵
	سؤال چه انتقادهایی به معیارهای دلالت‌شناسی نمادهای دینی از منظر پل تیلیش می‌توان ارائه کرد؟	سطح چهار	
۲۳۵	عنوان بررسی امکان کاربست اسطوره در تحلیل زبان دینی از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس فلسفه اسلامی چگونه می‌توان کاربست اسطوره در تحلیل زبان دینی را تجزیه و تحلیل کرد؟	سطح سه	
۲۳۶	عنوان بررسی معیارهای کارل یونگ در تحلیل نمادهای دینی	رساله	۳/۲۵
	سؤال چه انتقادهایی بر معیارهای مطرح شده از سوی یونگ در تحلیل نمادهای دینی وارد است؟	سطح چهار	
۲۳۷	عنوان تحلیل فلسفی عناصر نمادین در حکایات شیخ اشراق	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال با تمرکز بر حکایات شیخ اشراق چه تحلیل فلسفی از عناصر نمادین در آن می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۲۳۸	عنوان بررسی تحلیلی - انتقادی رابطه زبان و واقعیت از منظر حکمت سینوی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر حکمت سینوی رابطه زبان و واقعیت چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۲۳۹	عنوان بررسی تطبیقی روش نحوی و روش معنایی در مطالعات زبان از منظر منطق سینوی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر منطق سینوی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان روش نحوی و روش معنایی در مطالعات زبان وجود دارد؟	سطح سه	
۲۴۱	عنوان بررسی تحلیلی - انتقادی دیدگاه دونالد دیویدسون درباره رابطه زبان و تفکر از منظر محقق اصفهانی	رساله	۳/۲۵
	سؤال از منظر محقق اصفهانی دیدگاه دونالد دیویدسون درباره رابطه زبان و تفکر چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح چهار	
۲۴۲	عنوان بررسی تحلیلی - انتقادی دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره رابطه زبان و واقعیت از منظر علامه طباطبائی	رساله	۳/۵
	سؤال از منظر علامه طباطبائی دیدگاه ویتگنشتاین متأخر درباره رابطه زبان و واقعیت چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح چهار	
۲۴۳	عنوان بررسی دلالت‌هایی معرفت‌شناختی سیالیت وجود ذهنی از منظر حکمت متعالیه	پایان‌نامه	۳/۵



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
	سؤال براساس حکمت متعالیه دلالت‌های معرفت‌شناختی سیالیت وجود ذهنی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟		
۲۴۴	عنوان بررسی مبادی پیدایش «معرفت» از منظر فلسفه صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس فلسفه صدرایی مبادی پیدایش معرفت چگونه ارزیابی می‌گردد؟	سطح سه	
۲۴۵	عنوان بررسی تعامل میان «معرفت» و احساسات از منظر فلسفه صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس فلسفه صدرایی چه تبیینی از رابطه میان معرفت و احساسات می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۲۴۶	عنوان بررسی نقش «جامعه» در شکل‌گیری معرفت از نظام حکمت صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس نظام حکمت صدرایی نقش جامعه در پیدایش معرفت چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۲۴۷	عنوان بررسی عوامل شکل‌گیری «معرفت اجتماعی» از منظر نظام حکمت صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس فلسفه صدرایی عوامل پیدایش معرفت اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟	سطح سه	
۲۴۹	عنوان بررسی انگاره ساختارمندی ذهن از منظر آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال از منظر آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری انگاره ساختارمندی ذهن چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۲۵۰	عنوان بررسی رابطه معرفت و قوانین طبیعی با تأکید بر دیدگاه‌های استاد عابدی شاهرودی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله عابدی شاهرودی رابطه میان معرفت و قوانین طبیعی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۲۵۵	عنوان بررسی رابطه گزاره‌های انشائی و گزاره‌های خبری از منظر ابن‌سینا	پایان‌نامه	۴/۵
	سؤال براساس دیدگاه ابن‌سینا چه رابطه‌ای میان گزاره‌های انشائی و گزاره‌های خبری وجود دارد؟	سطح سه	
۲۵۹	عنوان بررسی چالش‌های نظریه «اخلاق ژنتیک» براساس واقع‌گرایی اخلاقی در نظام اخلاق متعالیه	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال براساس واقع‌گرایی اخلاقی در نظام اخلاق متعالیه چه انتقادهایی بر نظریه اخلاق ژنتیک وارد است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۲۶۳	عنوان بررسی تطبیقی نظریه «تشبه به باری» به مثابه غایت اخلاق از منظر رابرت آدامز و اخلاق متعالیه	پایان نامه سطح سه	۳
	سؤال براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و اختلافی میان تقریر رابرت آدامز و تقریر اخلاق متعالیه در نظریه تشبه به باری به منزله غایت اخلاق وجود دارد؟		
۲۶۶	عنوان بررسی رابطه لذت و کمال اخلاقی از منظر علامه مصباح یزدی	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از رابطه لذت و کمال اخلاقی می توان ارائه کرد؟		
۲۶۹	عنوان بررسی تطبیقی «حاکم» در احکام اخلاقی از منظر کانت و ملاصدرا	پایان نامه سطح سه	۲/۷۵
	سؤال برپایه یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اختلاف و شباهتی میان نگرش کانت و ملاصدرا به «حاکم» در احکام اخلاقی وجود دارد؟		
۲۷۰	عنوان بررسی تطبیقی غایت اخلاقی در نظام اخلاق عقلی و نظام اخلاق نقلی	پایان نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال در یک تحقیق تطبیقی چه وجوه اختلاف و شباهتی میان غایت اخلاقی در نظام اخلاق عقلی و نظام اخلاق نقلی وجود دارد؟		
۲۷۲	عنوان بررسی امکان ارائه نظام اخلاق اسلامی براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال با مبنا قرار دادن حکمت متعالیه چه تبیینی از نظام اخلاق اسلامی می توان ارائه کرد؟		
۲۷۳	عنوان بررسی «شهودگرایی» در فلسفه اخلاق از منظر علامه مصباح یزدی	پایان نامه سطح سه	۴/۵
	سؤال از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی بر شهودگرایی در فلسفه اخلاق وارد است؟		
۲۷۵	عنوان بررسی تطبیقی غایت اخلاقی در نظام اخلاق عرفانی و نظام اخلاق فلسفی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال در یک پژوهش مقایسه‌ای چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت اخلاقی در نظام اخلاق عرفانی و نظام اخلاق فلسفی وجود دارد؟		
۲۷۹	عنوان بررسی دایره حق برای انسان و حیوان از منظر مبانی عقلی حقوق اسلامی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر مبانی عقلی حقوق اسلامی دایره حق برای انسان و حیوان چگونه تبیین می گردد؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۲۸۶	عنوان بررسی لوازم نظریه اعتباریات علامه طباطبائی در فلسفه حقوق	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال نظریه اعتباریات علامه طباطبائی چه لوازمی در فلسفه حقوق به دنبال دارد؟		
۲۹۴	عنوان بررسی نسبت روش و دانش از منظر حکمت صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال براساس مبانی حکمت صدرایی چه نسبتی میان روش و دانش برقرار است؟		
۲۹۵	عنوان بررسی معیارهای تناسب روش و دانش براساس روش‌شناسی حکمت صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۲/۶
	سؤال براساس مبانی حکمت صدرایی چه معیارهایی برای احراز تناسب روش و دانش وجود دارد؟		
۲۹۶	عنوان بررسی کثرت‌گرایی روش‌شناختی از منظر حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه کثرت‌گرایی روش‌شناختی چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۲۹۷	عنوان بررسی معیارهای ارزشیابی روش در حل مسئله	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال براساس مبانی حکمت صدرایی چه معیارهایی برای ارزیابی روش‌های حل مسئله وجود دارد؟		
۳۰۳	عنوان بررسی رابطه روش شهودی و روش عقلی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۲/۶
	سؤال براساس معرفت‌شناسی صدرایی رابطه میان روش شهودی و روش عقلی چگونه تبیین می‌گردد؟		
۳۰۴	عنوان بررسی روش کاربست نقل در اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر آیت‌الله جوادی آملی	پایان‌نامه سطح سه	۴/۶
	سؤال از منظر آیت‌الله جوادی آملی، شیوه کاربست نقل در اسلامی‌سازی علوم انسانی چگونه تبیین می‌گردد؟		
۳۱۱	عنوان بررسی جایگاه تجربه در روش‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال براساس روش‌شناسی صدرایی جایگاه تجربه چگونه تبیین و ارزیابی می‌شود؟		
۳۱۲	عنوان بررسی تحولات نظریه‌های تجربی از منظر روش‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال براساس روش‌شناسی صدرایی چه تبیینی از تحولات نظریه‌های تجربی می‌توان ارائه کرد؟		
۳۱۵	عنوان الگوی «بومی‌سازی» دانش جامعه‌شناسی براساس حکمت متعالیه	رساله سطح چهار	۳/۵
	سؤال براساس علم‌النفیس صدرایی بومی‌سازی دانش جامعه‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۳۱۷	عنوان رویکرد انتقادی به دیدگاه ماکس وبر در زمینه رابطه اخلاق و جامعه‌شناسی براساس اندیشه علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به دیدگاه ماکس وبر درباره رابطه اخلاق و جامعه‌شناسی وارد است؟	سطح سه	
۳۱۸	عنوان بررسی هستی‌شناختی جامعه بر پایه اصل تشکیک وجود در مکتب حکمت متعالیه	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس اصل تشکیک وجود در مکتب حکمت متعالیه چه تحلیلی از هستی‌شناسی جامعه می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۳۱۹	عنوان نقش نقل در نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی اسلامی از منظر علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس دیدگاه علامه مصباح یزدی نقش نقل در نظریه‌پردازی در دانش جامعه‌شناسی چگونه تبیین می‌شود؟	سطح سه	
۳۲۰	عنوان هویت انسان مسلمان براساس مبانی انسان‌شناختی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس فلسفه صدرایی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی هویت انسان مسلمان می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۳۲۱	عنوان خاستگاه زندگی اجتماعی انسان برپایه مبانی حکمت متعالیه	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از خاستگاه زندگی اجتماعی انسان می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۳۲۲	عنوان تأثیر محبت در روابط اجتماعی از منظر فارابی	پایان‌نامه	۳
	سؤال براساس نگرش فارابی چه تبیینی از جایگاه محبت در روابط اجتماعی انسان می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۳۲۵	عنوان رویکرد انتقادی به نظریه بازی براساس مبانی آیت‌الله جوادی آملی	رساله	۲/۶
	سؤال از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر نظریه بازی که یک کلان‌نظریه مطرح در علوم اجتماعی است، وارد است؟	سطح چهار	
۳۲۶	عنوان رویکرد تطبیقی به ویژگی‌های بخشی علم از منظر هابرماس و شهید مطهری	پایان‌نامه	۲/۶
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش شهید مطهری و نگرش هابرماس به ابعاد رهایی‌بخش علم می‌توان یافت؟	سطح سه	
۳۲۷	عنوان رویکرد تطبیقی به ضرورت اجتماعی دین براساس نگرش دورکیم و ابن‌سینا	پایان‌نامه	۲/۵
	سؤال براساس بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراکی میان نگرش ابن‌سینا و نگرش دورکیم به ضرورت اجتماعی دین وجود دارد؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۳۲۸	عنوان رویکرد انتقادی به نگرش پیتز برگر به ضرورت اجتماعی دین از منظر علامه طباطبائی	پایان‌نامه	۲/۵
	سؤال براساس نگرش علامه طباطبائی چه انتقادهایی بر نگرش پیتز برگر به ضرورت اجتماعی دین مطرح می‌گردد؟	سطح سه	
۳۲۹	عنوان جایگاه تبیین و تفهم در مطالعات اجتماعی براساس مبانی آیت‌الله جوادی آملی	پایان‌نامه	۲/۵
	سؤال از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه تبیین و تفهم در مطالعات اجتماعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟	سطح سه	
۳۳۰	عنوان رویکرد انتقادی به رابطه نظر و عمل از دیدگاه پراگماتیسم برپایه مبانی حکمت صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال برپایه مبانی حکمت صدرایی چه انتقادهایی به دیدگاه پراگماتیسم درباره رابطه نظر و عمل وارد است؟	سطح سه	
۳۳۳	عنوان رویکرد انتقادی به کاربست رئالیسم انتقادی در قلمرو دین از منظر روش‌شناسی حکمت صدرایی	رساله	۴/۲۵
	سؤال از منظر روش‌شناسی حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر کاربست رئالیسم انتقادی در قلمرو دین وارد است؟	سطح چهار	
۳۳۴	عنوان رویکرد انتقادی به نظریه گئورگ زیمل در تحلیل چیستی جامعه براساس مبانی آیت‌الله جوادی آملی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی به نگرش گئورگ زیمل در تحلیل چیستی جامعه مطرح است؟	سطح سه	
۳۳۵	عنوان رویکرد انتقادی به نظریه هربرت اسپنسر در تحلیل چیستی جامعه از منظر علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر علامه مصباح یزدی چه انتقادهایی به نگرش هربرت اسپنسر در تحلیل چیستی جامعه مطرح است؟	سطح سه	
۳۳۶	عنوان رویکرد انتقادی به عقلانیت ابزاری از منظر عقلانیت صدرایی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال از منظر عقلانیت صدرایی چه نقدهایی بر عقلانیت ابزاری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۳۵۸	عنوان بررسی عقلی رابطه میان خیر جمعی و خیر فردی از منظر حکمت صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال از منظر حکمت صدرایی چه تحلیلی از رابطه میان خیر جمعی و خیر فردی می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۴۴۷	عنوان	بررسی رابطه مشاهده و نظریه از منظر پوپر براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان مشاهده و نظریه از منظر پوپر چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟		
۴۴۹	عنوان	بررسی انتقادی انگاره پارادایم از منظر تامس کوهن براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی	رساله سطح چهار	۴
	سؤال	از منظر آیت‌الله جوادی آملی انگاره «پارادایم» از منظر تامس کوهن چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟		
۴۵۰	عنوان	بررسی انتقادی بعد ناگذرای علم از منظر بسکار براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی	رساله سطح چهار	۲/۷۵
	سؤال	از منظر آیت‌الله جوادی آملی بعد ناگذرای علم از منظر بسکار چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟		
۴۵۲	عنوان	بررسی انتقادی انگاره هر چه ممکن است فایراند براساس دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی	رساله سطح چهار	۲/۵
	سؤال	از منظر آیت‌الله جوادی آملی انگاره هر چه ممکن است فایراند چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟		
۴۵۳	عنوان	بررسی رویکرد تقلیل‌گرایی در علوم تجربی بر مبنای نظریه علم آیت‌الله جوادی آملی	پایان نامه سطح سه	۲/۵
	سؤال	براساس نظریه علم دینی آیت‌الله جوادی آملی رویکرد تقلیل‌گرایی چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟		
۴۶۱	عنوان	بررسی تطبیقی شهودی شمردن ادراک حسی از منظر پرایس و شیخ اشراق	پایان نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان دیدگاه پرایس و شیخ اشراق درباره شهودی بودن ادراک حسی وجود دارد؟		
۴۶۲	عنوان	بررسی فاعلیت خاص خداوند در جهان طبیعت از منظر حکمت صدرایی	پایان نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	از منظر حکمت صدرایی فاعلیت خاص خداوند در جهان طبیعت چگونه تبیین می‌گردد؟		
۴۶۵	عنوان	بررسی اشکالات وارد بر نگرش واقع‌گرایانه در علوم تجربی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۴/۵
	سؤال	براساس معرفت‌شناسی صدرایی چه اشکالاتی بر نگرش واقع‌گرایانه در علوم تجربی وارد است؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۴۶۶	عنوان بررسی چالش‌های نظریه ابطال‌گرایی برپایه معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۴/۵
	سؤال براساس معرفت‌شناسی صدرایی چه پاسخی به اشکالات ناشی از نظریه ابطال‌گرایی می‌توان ارائه کرد؟		
۴۷۱	عنوان بررسی انتقادی فیزیکالیسم در علم شیمی از منظر حکمت متعالیه	رساله سطح چهار	۴
	سؤال براساس حکمت متعالیه چه نقدهایی بر مکتب فیزیکالیسم در علم شیمی وارد است؟		
۴۷۲	عنوان بررسی کاربست روش پدیدارشناسی در علم شیمی از منظر حکمت صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال براساس حکمت صدرایی کاربست روش پدیدارشناسی در علم شیمی چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۴۷۷	عنوان بررسی منشأ انتزاع مفاهیم ریاضی از منظر علامه طباطبائی	رساله سطح چهار	۳/۵
	سؤال براساس دیدگاه علامه طباطبائی چه تبیینی از منشأ انتزاع مفاهیم ریاضی می‌توان ارائه کرد؟		
۴۷۸	عنوان بررسی اعتبار شهود در اثبات گزاره‌های ریاضیاتی از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال از منظر معرفت‌شناسی صدرایی نظریه اعتبار شهود در اثبات گزاره‌های ریاضیاتی چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۴۷۹	عنوان بررسی تطبیقی بی‌نهایت از منظر ریاضی و فلسفه صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تفاوتی میان بی‌نهایت در ریاضیات و در فلسفه صدرایی وجود دارد؟		
۴۸۰	عنوان بررسی رابطه ریاضیات و منطق از منظر ابن‌سینا	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر ابن‌سینا رابطه میان ریاضیات و منطق چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۴۸۱	عنوان بررسی نظریه صورت‌گرایی در ریاضیات از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه صورت‌گرایی در ریاضیات وارد است؟		
۴۸۳	عنوان بررسی چالش هندسه‌های ناقلیدسی بر اعتبار معرفت از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر چالش هندسه‌های ناقلیدسی وارد است؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۴۸۴	عنوان	بررسی چالش قضیه ناتمامیت کورت گودل بر اعتبار معرفت ریاضی از منظر معرفت‌شناسی صدرايي	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر معرفت‌شناسی صدرايي چه انتقادهایی بر چالش قضیه ناتمامیت کورت گودل بر اعتبار معرفت ریاضی وارد است؟	سطح سه	
۴۸۵	عنوان	امکان‌سنجی طرح نظام‌های ریاضیاتی ناسازگار، برپایه منطق‌های چندارزشی از منظر معرفت‌شناسی صدرايي	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال	امکان نظام‌های ریاضیاتی ناسازگار، برپایه منطق‌های چندارزشی از منظر معرفت‌شناسی صدرايي چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۴۸۶	عنوان	بررسی پارادوکس‌های ریاضیاتی از منظر معرفت‌شناسی صدرايي	پایان نامه	۴
	سؤال	از منظر معرفت‌شناسی صدرايي چه پاسخ‌هایی می‌توان به پارادوکس‌های ریاضیاتی ارائه کرد؟	سطح سه	
۴۸۷	عنوان	بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم ریاضی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال	براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی و با تأکید بر دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم ریاضی می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۴۸۹	عنوان	بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم ریاضی براساس نگره‌های سینوی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال	براساس نگرش ابن‌سینا چه تبیینی از مبادی تصویری و تصدیقی علم ریاضی می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	
۴۹۰	عنوان	بررسی مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظام مبتنی بر تأسیس اصل از منظر حکمت سینوی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال	براساس حکمت سینوی چه تحلیلی از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی نظام مبتنی بر تأسیس اصل می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۴۹۱	عنوان	بررسی تحلیلی - تطبیقی نظریه‌ها درباره خاستگاه قطعیت گزاره‌های ریاضیاتی	پایان نامه	۳/۲۵
	سؤال	براساس پژوهشی تحلیلی - تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نظریه‌های مطرح درباره خاستگاه قطعیت گزاره‌های ریاضیاتی می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۴۹۲	عنوان	بررسی چگونگی تبیین فلسفی نظریه ریسمان برپایه مبانی حکمت متعالیه	پایان نامه	۳/۳
	سؤال	از منظر قواعد حکمت متعالیه نظریه ریسمان چگونه تبیین می‌شود؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۴۹۳	عنوان بررسی رابطه اتم نخستین در فیزیک جدید و ماده نخستین در فلسفه	پایان نامه	۴
	سؤال چه نسبتی میان اتم نخستین طبق فرضیه مطرح در دانش فیزیک جدید و ماده نخستین در فلسفه وجود دارد؟	سطح سه	
۴۹۴	عنوان بررسی فلسفی الگوی بیگ بنگ در تبیین پیدایش جهان	پایان نامه	۴
	سؤال باتوجه به قدیم بودن ماده اولی و حادث بودن ماده ثانیه، و نیز عارضی بودن تغییرات ماده ثانیه، الگوی بیگ بنگ از نظر فلسفی تا چه حد امکان، و تا چه میزان برای تطبیق بر تغییرات ماده ثانیه ضرورت دارد؟	سطح سه	
۴۹۶	عنوان بررسی خلأ از منظر فیزیک جدید و فلسفه اسلامی	پایان نامه	۳/۵
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و اختلافی میان تلقی فیزیک‌دانان و برداشت فیلسوفان مسلمان از مسئله خلأ می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	
۴۹۷	عنوان بررسی فلسفی فرضیه جهان‌های موازی در حل مسئله رفتارهای کوانتومی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال چگونه می‌توان از نظر فلسفی وجود جهان‌های موازی در عالم ماده را تبیین کرد؟	سطح سه	
۴۹۸	عنوان بررسی فلسفی گونه‌ها و شرایط اثرپذیری ماده از منظر حکمت متعالیه	پایان نامه	۴
	سؤال ناظر به دیدگاه‌های فیزیکی مبنی بر انحصار تأثیر و تأثر در عالم ماده بر عوامل مادی، چگونه می‌توان از نظر فلسفی تأثیر مراتب بالاتر هستی را بر مرتبه عالم ماده و جسمانی تبیین کرد؟	سطح سه	
۴۹۹	عنوان بررسی تطبیقی مفهوم ماده در فیزیک و حکمت مشاء	پایان نامه	۴/۵
	سؤال در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلاف میان مفهوم فیزیکی ماده و مفهوم فلسفی ماده در حکمت مشاء دیده می‌شود؟	سطح سه	
۵۰۰	عنوان بررسی رابطه اصل عدم‌تعیّن در فیزیک کوانتوم و اصل عدم‌تناقض در فلسفه	پایان نامه	۴
	سؤال چگونه می‌توان میان اصل عدم‌تعیّن در فیزیک کوانتوم و اصل عدم‌تناقض در فلسفه سازگاری ایجاد کرد؟	سطح سه	
۵۰۱	عنوان بررسی انتقادی فیزیک آشفتگی از منظر حکمت متعالیه	رساله	۴
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه چگونه می‌توان به نقد و ارزیابی دعاوی فیزیک آشفتگی پرداخت؟	سطح چهار	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۵۰۲	عنوان	بررسی انتقادی - فلسفی چالش‌های فرضیه ذره - موج در فیزیک کوانتومی	رساله	۳/۵
	سؤال	چگونه می‌توان از قوانین فلسفی ناظر به جهان فیزیک، درمقابل چالش‌های فرضیه ذره موج دفاع کرد؟	سطح چهار	
۵۰۳	عنوان	بررسی انتقادی فرضیه کارکردگرایی در گزاره‌های تجربی	رساله	۳/۵
	سؤال	از منظر معرفت‌شناسی اسلامی چه نقدهایی بر فرضیه کارکردگرایی در اعتبارسنجی گزاره‌های تجربی وارد است؟	سطح چهار	
۵۰۴	عنوان	بررسی هستی‌شناختی انرژی براساس نظام حکمت صدرایی	پایان‌نامه	۴/۲۵
	سؤال	براساس مبانی حکمت متعالیه چه تبیینی از هستی انرژی قابل ارائه است؟	سطح سه	
۵۰۵	عنوان	بررسی انتقادی اصل موجبیت در فیزیک کوانتومی از منظر حکمت صدرایی	رساله	۴/۲۵
	سؤال	براساس حکمت صدرایی چه اشکال‌هایی بر اصل موجبیت در فیزیک کوانتوم مطرح است؟	سطح چهار	
۵۰۶	عنوان	بررسی انتقادی اصل عدم قطعیت هایزنبرگ براساس هستی‌شناسی صدرایی	رساله	۴/۲۵
	سؤال	براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر اصل عدم قطعیت هایزنبرگ وارد است؟	سطح چهار	
۵۰۷	عنوان	بررسی انتقادی شانس در فیزیک کوانتومی از منظر هستی‌شناسی صدرایی	رساله	۴/۵
	سؤال	براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر شانس در فیزیک کوانتوم مطرح است؟	سطح چهار	
۵۰۸	عنوان	بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم فیزیک از منظر معرفت‌شناسی اسلامی	پایان‌نامه	۴/۵
	سؤال	براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	
۵۰۹	عنوان	بررسی مبادی تصویری علم فیزیک از منظر معرفت‌شناسی سینیوی	پایان‌نامه	۴
	سؤال	براساس مبانی معرفت‌شناختی سینیوی چه تحلیلی از مبادی تصویری علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	
۵۱۰	عنوان	بررسی مبادی تصدیقی علم فیزیک از منظر معرفت‌شناسی متعالیه	پایان‌نامه	۴
	سؤال	براساس مبانی معرفت‌شناختی متعالیه چه تحلیلی از مبادی تصدیقی علم فیزیک می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۵۱۱	عنوان بررسی تطبیقی نسبیت در فلسفه صدرایی و فیزیک کوانتومی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نسبیت در فلسفه صدرایی و فیزیک کوانتومی می‌توان ارائه کرد؟		
۵۱۲	عنوان بررسی تطبیقی بُعد چهارم بودن زمان در فلسفه و فیزیک	پایان‌نامه سطح سه	۲/۷۵
	سؤال براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان بُعد چهارم شمرده شدن زمان در فلسفه و در فیزیک می‌توان ارائه کرد؟		
۵۱۳	عنوان بررسی فرضیه ژن خدا براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۳/۶
	سؤال از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر فرضیه «ژن خدا» در ریشه‌یابی مفاهیم دینی مانند مفهوم خدا وارد است؟		
۵۱۴	عنوان بررسی تطبیقی مفهوم حیات از منظر دانش زیست‌شناسی و فلسفه	پایان‌نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال در یک بررسی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان مفهوم حیات در زیست‌شناسی و فلسفه وجود دارد؟		
۵۱۵	عنوان بررسی انتقادی مسئله شانس در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی	رساله سطح چهار	۳/۷۵
	سؤال براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر مسئله شانس در زیست‌شناسی مطرح است؟		
۵۱۶	عنوان بررسی مسئله نسبیت زیستی در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر مسئله نسبیت زیستی در زیست‌شناسی مطرح است؟		
۵۱۷	عنوان بررسی انتقادی تفاسیر علّیت در زیست‌شناسی از منظر هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی سینوی	رساله سطح چهار	۴/۲۵
	سؤال براساس هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر تفاسیر علّیت در زیست‌شناسی (نزولی/اصعودی، رفتی/برگشتی، دور/نزدیک) مطرح است؟		
۵۱۸	عنوان بررسی یکسان‌انگاری علّیت و کارکرد در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال براساس طبیعت‌شناسی سینوی چه اشکال‌هایی بر یکسان‌انگاری علّیت با کارکرد در زیست‌شناسی مطرح است؟		
۵۱۹	عنوان بررسی تحلیلی گونه‌های ترکیب در زیست‌شناسی از منظر هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
	سؤال براساس هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیلی از گونه‌های ترکیب در زیست‌شناسی می‌توان مطرح است؟		
۵۲۰	عنوان بررسی و تبیین فلسفی انتقال صفات از راه ژن در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینیوی	پایان‌نامه	۳/۳
	سؤال براساس طبیعت‌شناسی سینیوی چه تبیین فلسفی می‌توان از انتقال صفات از راه ژن در زیست‌شناسی مطرح کرد؟	سطح سه	
۵۲۱	عنوان بررسی علّیت احتمالاتی در زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینیوی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس طبیعت‌شناسی سینیوی نظریه علّیت احتمالاتی در زیست‌شناسی چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۵۲۲	عنوان بررسی نظریه توازن علی در زیست‌شناسی از منظر هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال براساس هستی‌شناسی صدرایی چه اشکال‌هایی بر نظریه توازن علی در زیست‌شناسی مطرح است؟	سطح سه	
۵۲۳	عنوان بررسی ارزش معرفت‌شناختی گزاره‌های علم زیست‌شناسی از منظر معرفت‌شناسی اسلامی	پایان‌نامه	۴/۲۵
	سؤال براساس مبانی معرفت‌شناختی اسلامی چه تبیینی از ارزش گزاره‌های علم زیست‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	
۵۲۴	عنوان بررسی مبادی تصویری و تصدیقی علم زیست‌شناسی از منظر طبیعت‌شناسی سینیوی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس طبیعت‌شناسی سینیوی چه تحلیلی از مبادی تصویری و تصدیقی علم زیست‌شناسی می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	
۵۲۶	عنوان بررسی تطبیقی غایت در علم زیست‌شناسی پوزیتویستی و غایت در علم زیست‌شناسی متعالیه	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت در علم زیست‌شناسی پوزیتویستی و غایت در زیست‌شناسی متعالیه می‌توان مطرح ساخت؟	سطح سه	
۵۲۷	عنوان بررسی نظریه اکوفمنیستی براساس طبیعت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۳
	سؤال براساس طبیعت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه اکوفمنیستی وارد است؟	سطح سه	
۵۲۸	عنوان بررسی نظریه تکامل زیستی از منظر ارنست مایر	پایان‌نامه	۳
	سؤال براساس دیدگاه ارنست مایر چه انتقادهایی بر نظریه تکامل زیستی قابل اصطیاد است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۵۲۹	عنوان	بررسی رابطه اخلاق و پزشکی از نظر ابن‌سینا	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال	براساس دیدگاه ابن‌سینا رابطه میان اخلاق و پزشکی چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟		
۵۳۰	عنوان	بررسی پدیدارشناسی بدن از منظر مرلپونتی براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر پدیدارشناسی بدن از منظر مرلپونتی وارد است؟		
۵۳۱	عنوان	بررسی پدیدارشناسی نفس از منظر مرلپونتی براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۲/۵
	سؤال	براساس مبانی انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر پدیدارشناسی نفس از منظر مرلپونتی وارد است؟		
۵۳۲	عنوان	بررسی راهکارهای رفع تعارض الزامات اخلاقی و الزامات پزشکی براساس دیدگاه علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	براساس دیدگاه علامه طباطبائی و شاگردان ایشان چه راهکارهایی برای رفع تعارض میان الزامات اخلاقی و الزامات پزشکی می‌توان ارائه کرد؟		
۵۳۳	عنوان	بررسی معیار ارزش گزاره‌های پزشکی از منظر معرفت‌شناسی معاصر اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال	از منظر معرفت‌شناسی معاصر اسلامی ارزش معرفتی گزاره‌های پزشکی چگونه ارزیابی می‌گردد؟		
۵۳۴	عنوان	بررسی چالش‌های اخلاقی کاربرست هوش مصنوعی در نظام سلامت از منظر اخلاق متعالیه	رساله سطح چهار	۴
	سؤال	براساس مبانی اخلاق متعالیه، چالش‌های اخلاقی کاربرست هوش مصنوعی در نظام سلامت چگونه ارزیابی می‌گردد؟		
۵۳۸	عنوان	بررسی دیدگاه آرتور کاپلان درباره فلسفه پزشکی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه سطح سه	۳/۶
	سؤال	از منظر علامه طباطبائی و شاگردان، چه انتقادهایی بر دیدگاه آرتور کاپلان درباره فلسفه پزشکی وارد است؟		
۵۳۹	عنوان	بررسی نقش علیت اعدادی در حل مسئله علیت مغز برای کنش‌ها	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	تمایز علیت، به علت اعدادی و علت حقیقی چه نقشی در حل مسائل رابطه مغز و رفتار دارد؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۵۴۰	عنوان	بررسی ادراک زمان از منظر علوم شناختی بر پایه زمان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	براساس زمان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به ادراک زمان از منظر علوم شناختی وارد است؟	سطح سه	
۵۴۱	عنوان	بررسی تطبیقی رابطه نفس و بدن از منظر ملاصدرا و دیوید چالمرز	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان دیدگاه ملاصدرا و دیدگاه دیوید چالمرز درباره رابطه نفس و بدن اصطیاد می‌گردد؟	سطح سه	
۵۴۲	عنوان	بررسی رابطه الهیات و علوم شناختی با تأکید بر دیدگاه‌های علامه حسن‌زاده آملی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	براساس دیدگاه‌های علامه حسن‌زاده آملی رابطه الهیات و علوم شناختی چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۵۴۳	عنوان	بررسی تطبیقی چیستی تفکر از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	براساس پژوهش تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دیدگاه دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی تفکر می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	
۵۴۴	عنوان	بررسی تطبیقی چیستی حافظه از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی حافظه می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	
۵۴۵	عنوان	بررسی تطبیقی چیستی استدلال از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی استدلال می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	
۵۴۶	عنوان	بررسی تطبیقی چیستی تصمیم از منظر ابن‌سینا و علوم شناختی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ابن‌سینا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی تفکر می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	
۵۴۷	عنوان	بررسی تطبیقی فرایند مفهوم‌سازی از منظر علامه مصباح یزدی و علوم شناختی	پایان‌نامه	۴
	سؤال	براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه علامه مصباح یزدی و دانشمندان علوم شناختی درباره فرایند مفهوم‌سازی می‌توان به دست آورد؟	سطح سه	



ردیف	عنوان	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۵۴۸	عنوان	بررسی تطبیقی چیستی خلاقیت از منظر ملاصدرا و علوم شناختی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	براساس پژوهشی تطبیقی چه وجوه شباهت و تمایزی میان دیدگاه ملاصدرا و دانشمندان علوم شناختی درباره چیستی خلاقیت می‌توان به دست آورد؟		
۵۴۹	عنوان	بررسی مؤلفه‌های کوالیا (حالت ذهنی) از منظر فلسفه ذهن و فلسفه اسلامی	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر فلسفه ذهن و فلسفه اسلامی پدیده کوالیا دارای چه مؤلفه‌های مشترکی است؟		
۵۵۱	عنوان	بررسی انتقادی نگرش پل ریکور به هویت شخصی از منظر حکمت صدرایی	رساله سطح چهار	۳/۲۵
	سؤال	از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر نگرش پل ریکور به هویت شخصی وارد است؟		
۵۵۳	عنوان	بررسی دیدگاه نوح‌استه‌گرایی از منظر ملاصدرا	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	از منظر ملاصدرا چه انتقادهایی به دیدگاه نوح‌استه‌گرایی در فلسفه ذهن وارد است؟		
۵۵۴	عنوان	بررسی برهان‌های سه‌گانه (موجهه، زامبی، و معرفت) در دفاع از دوگانه‌انگاری ویژگی از منظر حکمت متعالیه	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر برهان‌های سه‌گانه در دفاع از دوگانه‌انگاری ویژگی وارد است؟		
۵۵۵	عنوان	بررسی تطبیقی اراده آزاد از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن	پایان نامه سطح چهار	۴
	سؤال	چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به اراده آزاد یافت می‌شود؟		
۵۵۶	عنوان	بررسی تطبیقی التفات از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن	پایان نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به التفات یافت می‌شود؟		
۵۵۷	عنوان	بررسی تطبیقی هوهویت از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن	پایان نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به هوهویت یافت می‌شود؟		
۵۵۸	عنوان	بررسی تطبیقی ویژگی‌ها و احکام کوالیا (حالت ذهنی) از منظر حکمت صدرایی و فلسفه ذهن	پایان نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش حکمت صدرایی و فلسفه ذهن به ویژگی‌ها و احکام کوالیا یافت می‌شود؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۵۵۹	عنوان	بررسی تطبیقی هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی	پایان نامه	۴/۷۵
	سؤال	در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی یافت می‌شود؟	سطح سه	
۵۶۰	عنوان	بررسی تطبیقی عنصر خودآگاهی در هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت متعالیه	پایان نامه	۴
	سؤال	در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان عنصر خودآگاهی در مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت متعالیه یافت می‌شود؟	سطح سه	
۵۶۱	عنوان	بررسی تطبیقی حالات ذهنی در هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی	پایان نامه	۴
	سؤال	در یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تمایزی میان حالات ذهنی در هوش مصنوعی و هوش طبیعی از منظر حکمت سینوی یافت می‌شود؟	سطح سه	
۵۶۲	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه تفکر و محاسبه از منظر حکمت سینوی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال	براساس حکمت سینوی رابطه میان تفکر و محاسبه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۵۶۳	عنوان	بررسی مسئله ذهن‌مندی رایانه از منظر حکمت اسلامی	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال	براساس مبانی حکمت اسلامی ادعای ذهن‌مندی رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۵۶۴	عنوان	بررسی مسئله آموزش‌پذیری رایانه از منظر علم‌النفس صدرایی	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال	براساس علم‌النفس صدرایی ادعای آموزش‌پذیری رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۵۶۵	عنوان	بررسی مسئله هیجان‌مندی رایانه از منظر علم‌النفس صدرایی	پایان نامه	۳/۷۵
	سؤال	براساس علم‌النفس صدرایی ادعای هیجان‌مندی رایانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۵۶۶	عنوان	بررسی دیدگاه هیوبرت دریفوس درباره رابطه انسان و هوش مصنوعی از منظر حکمت متعالیه	پایان نامه	۳/۵
	سؤال	براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگرش هیوبرت دریفوس به رابطه انسان و هوش مصنوعی وارد است؟	سطح سه	
۵۶۷	عنوان	بررسی نگر فهم ماشینی براساس مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه	پایان نامه	۴/۲۵
	سؤال	براساس مبانی معرفت‌شناختی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگر فهم ماشینی وارد است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۵۶۸	عنوان بررسی دیدگاه دیوید دویچ درباره رابطه فلسفه و هوش مصنوعی از منظر حکمت متعالیه	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادهایی به نگرش دیوید دویچ به رابطه فلسفه و هوش مصنوعی وارد است؟	سطح سه	
۵۶۹	عنوان بررسی علت غایی در فناوری از منظر انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳
	سؤال از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه تبیینی از علت غایی فناوری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۷۰	عنوان بررسی رابطه فناوری و علم از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۶
	سؤال از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه رابطه‌ای میان علم و فناوری وجود دارد؟	سطح سه	
۵۷۱	عنوان بررسی فلسفه صنعت در رساله صناعیه میرفندرسکی	پایان‌نامه	۳
	سؤال از منظر میرفندرسکی در رساله صناعیه چه مطالبی درباره فلسفه صنعت به دست می‌آید؟	سطح سه	
۵۷۲	عنوان بررسی نظریه الهامی بودن صنعت از منظر حکیم میرفندرسکی	پایان‌نامه	۳
	سؤال از منظر میرفندرسکی الهامی بودن صنعت چگونه قابل تبیین است؟	سطح سه	
۵۷۳	عنوان بررسی رابطه فناوری و ایمان از منظر الهیات متعالیه	پایان‌نامه	۲
	سؤال از منظر الهیات متعالیه چه تبیینی از رابطه میان فناوری و ایمان می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۷۴	عنوان بررسی جهت‌داری فناوری از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۶
	سؤال از منظر هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی صدرایی چه تبیینی از جهت‌داری فناوری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۷۵	عنوان بررسی رابطه فناوری فرهنگ از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان‌نامه	۴
	سؤال از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه تبیینی از رابطه فناوری و فرهنگ می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۷۶	عنوان بررسی رابطه فناوری و ازخودبیگانگی از منظر انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۴
	سؤال از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه رابطه‌ای میان فناوری و ازخودبیگانگی وجود دارد؟	سطح سه	
۵۷۷	عنوان بررسی رابطه فناوری و معنای زندگی از الهیات صدرایی	پایان‌نامه	۳/۶
	سؤال از منظر الهیات صدرایی چه تبیینی از رابطه میان فناوری و معنای زندگی می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۷۸	عنوان بررسی رابطه قوه متخیله و فناوری از منظر انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال از منظر انسان‌شناسی صدرایی چه رابطه‌ای میان خیال و فناوری وجود دارد؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۵۷۹	عنوان	بررسی رابطه هستی‌شناختی فضای مجازی و جهان واقعی با تأکید بر نظریه اعتباریات منظر علامه طباطبائی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	با تأکید بر نظریه اعتباریات علامه طباطبائی رابطه هستی‌شناختی فضای مجازی و جهان واقعی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟		
۵۸۰	عنوان	بررسی تحلیلی - انتقادی مؤلفه‌های مفهوم فضای مجازی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	در یک بررسی تحلیلی - انتقادی مؤلفه‌های مفهوم فضای مجازی کدام است؟		
۵۸۱	عنوان	بررسی الهیات سایبر براساس مبانی حکمت صدرایی	پایان نامه سطح سه	۲/۷۵
	سؤال	در یک بررسی از منظر مبانی حکمت صدرایی چه اشکال‌هایی بر الهیات سایبر وارد است؟		
۵۸۲	عنوان	بررسی چالش‌های تأثیر فضای مجازی بر فضای حقیقی از منظر تحلیل صدرایی اصل علیت	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	براساس تحلیل صدرایی اصل علیت چه انتقادهایی بر چالش تأثیر فضای مجازی بر فضای حقیقی وارد است؟		
۵۸۳	عنوان	بررسی جایگاه فضای مجازی در نظام هستی‌شناسی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	جایگاه فضای مجازی در نظام هستی‌شناسی صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۵۸۴	عنوان	بررسی دلالت‌های فضای مجازی در مسئله معنای زندگی از منظر حکمت متعالیه	پایان نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	از منظر حکمت متعالیه چه انتقادهایی بر دلالت‌های فضای مجازی در مسئله معنای زندگی وارد است؟		
۵۸۵	عنوان	بررسی نقش فضای مجازی در ازخودبیگانگی برپایه انسان‌شناسی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۴/۲
	سؤال	براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر نقش فضای مجازی در ازخودبیگانگی وارد است؟		
۵۸۶	عنوان	بررسی رابطه قوه متخیله و فضای مجازی از منظر علم‌النفس سینیوی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	از منظر علم‌النفس سینیوی رابطه میان قوه خیال و فضای مجازی چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۵۸۷	عنوان	بررسی تحلیلی نقش فضای مجازی در فرایند باورسازی از منظر علم‌النفس صدرایی	پایان نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	از منظر علم‌النفس صدرایی کارکرد فضای مجازی در فرایند باورسازی چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۵۸۸	عنوان	بررسی تحلیلی مبانی محاکات در فضای مجازی از منظر علم‌النفس سینوی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر علم‌النفس سینوی عنصر محاکات در فضای مجازی چگونه تجزیه و تحلیل می‌گردد؟	سطح سه	
۵۸۹	عنوان	بررسی مبانی فضای مجازی براساس هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۴
	سؤال	از منظر هستی‌شناسی صدرایی چه تحلیلی از مبانی فضای مجازی می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۹۰	عنوان	بررسی نقش اعتباریات در تحلیل ابعاد فضای مجازی از منظر علامه طباطبائی	پایان‌نامه	۳
	سؤال	براساس نظریه اعتباریات علامه طباطبائی چه تحلیلی از ابعاد فضای مجازی می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۹۱	عنوان	بررسی اخلاق کاربردی ناظر به فضای مجازی براساس نظام اخلاق صدرایی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	از منظر نظام اخلاق صدرایی، اخلاق کاربردی ناظر به فضای مجازی چگونه تبیین می‌گردد؟	سطح سه	
۵۹۲	عنوان	بررسی نقش خیال در اثرگذاری فضای مجازی بر کنش‌های انسانی از منظر علم‌النفس صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر علم‌النفس صدرایی قوه خیال چه نقشی در اثرگذاری فضای مجازی برعهده دارد؟	سطح سه	
۵۹۳	عنوان	بررسی نقش فضای مجازی در تغییر سبک زندگی از منظر نظام اخلاق صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر نظام اخلاق صدرایی چه تبیینی از نقش فضای مجازی در تغییر سبک زندگی می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۵۹۴	عنوان	بررسی تعاملات فضای مجازی و فضای حقیقی براساس هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر هستی‌شناسی صدرایی تعاملات فضای مجازی و فضای حقیقی چگونه تبیین می‌گردد؟	سطح سه	
۵۹۵	عنوان	بررسی اصالت فضای مجازی براساس هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۲/۷۵
	سؤال	براساس هستی‌شناسی صدرایی چه انتقادی بر نفی ابزارانگاری فضای مجازی وارد است؟	سطح سه	
۵۹۶	عنوان	بررسی تحول هویت انسانی در اثر تعامل با فضای مجازی از منظر انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	براساس انسان‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی به نظریه تحول هویت انسانی در اثر فضای مجازی وارد است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۵۹۷	عنوان بررسی انسان مجازی و ایمان سیال براساس نظام حکمت صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال براساس نظام حکمت صدرایی چه انتقادهایی به نظریه انسان مجازی و ایمان سیال وارد است؟		
۵۹۸	عنوان بررسی معیارهای عقلانیت کنش دینی در فضای مجازی از منظر فلاسفه معاصر اسلامی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر فلاسفه معاصر اسلامی چه معیارهایی برای عقلانیت کنش دینی می‌توان ارائه کرد؟		
۵۹۹	عنوان بررسی ماهیت آگاهی در فلسفه رسانه از منظر معرفت‌شناسی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر معرفت‌شناسی صدرایی چه انتقادهایی بر تلقی رایج از ماهیت آگاهی در فلسفه رسانه وارد است؟		
۶۰۱	عنوان بررسی رابطه رسانه و فرهنگ براساس فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۲/۶
	سؤال از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه رابطه‌ای میان رسانه و فرهنگ وجود دارد؟		
۶۰۲	عنوان بررسی رویکرد ابزارگرایی به رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳
	سؤال از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به رویکرد ابزارگرایی به رسانه وجود دارد؟		
۶۰۳	عنوان بررسی رویکرد ذات‌گرایی به رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۲/۶
	سؤال از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به رویکرد ذات‌گرایی به رسانه وجود دارد؟		
۶۰۴	عنوان بررسی مفهوم تفاوت، که از مؤلفه‌های رسانه است، از نظر دریدا برپایه فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳
	سؤال از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به مفهوم تفاوت، در نگرش دریدا به مؤلفه‌های رسانه وارد است؟		
۶۰۵	عنوان بررسی نظریه خلق واقعیت از طریق رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳/۳
	سؤال از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نظریه خلق واقعیت از طریق رسانه وارد است؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۶۰۶	عنوان	بررسی نقش رسانه در جامعه‌پذیری از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، رسانه چه نقشی در جامعه‌پذیری برعهده دارد؟	سطح سه	
۶۰۷	عنوان	بررسی عوامل تحریف انعکاس واقعیت در رسانه از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه اموری باعث تحریف انعکاس واقعیت در رسانه می‌گردد؟	سطح سه	
۶۰۸	عنوان	بررسی نقش رسانه در انتقال پیام براساس هرمنوتیک فلسفی از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان‌نامه	۳
	سؤال	از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی چه نقدهایی به نگرش هرمنوتیک فلسفی به فرایند انتقال پیام از طریق رسانه وارد است؟	سطح سه	
۶۰۹	عنوان	بررسی تطبیقی گونه‌های دلالت از منظر زبان‌شناسی و علم منطق با تأکید بر دیدگاه محقق طوسی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	در یک پژوهش تطبیقی، وجوه اشتراک و اختلاف میان گونه‌های دلالت در زبان‌شناسی و منطق با تأکید بر دیدگاه محقق طوسی کدام است؟	سطح سه	
۶۱۰	عنوان	بررسی نظریه فطری بودن زبان چامسکی از منظر علامه طباطبائی و شاگردان	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	از منظر علامه طباطبائی و شاگردان ایشان، چه انتقادهایی بر نظریه فطری بودن زبان چامسکی وارد است؟	سطح سه	
۶۱۱	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه نشانه و معنا از منظر محقق اصفهانی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	از منظر محقق اصفهانی رابطه نشانه و معنا چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟	سطح سه	
۶۱۲	عنوان	بررسی رابطه مفهوم، معنا و لفظ از منظر محقق اصفهانی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	از منظر محقق اصفهانی رابطه میان مفهوم، معنا و لفظ چگونه ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۶۱۳	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه میان زبان و جامعه از منظر حکمت اسلامی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	از منظر حکمت اسلامی رابطه میان زبان و جامعه چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟	سطح سه	
۶۱۴	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه زبان‌شناسی و الهیات از منظر الهیات صدرایی	پایان‌نامه	۴
	سؤال	از منظر الهیات صدرایی رابطه میان زبان‌شناسی و الهیات چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟	سطح سه	



ردیف	عنوان	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۶۱۶	عنوان	بررسی رابطه اعتباریات زبان و واقعیت از منظر علامه طباطبائی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	از منظر علامه طباطبائی رابطه میان اعتباریات زبان و واقعیت چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟		
۶۱۷	عنوان	بررسی انتقادی نظریه فروگاهش منطق به زبان‌شناسی از منظر منطق سینوی	پایان نامه سطح چهار	۳/۵
	سؤال	از منظر منطق سینوی چه انتقادهایی به نظریه فروگاهش منطق به زبان‌شناسی وارد است؟		
۶۱۹	عنوان	بررسی مؤلفه‌های زیبایی از منظر حکمت صدرایی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	براساس مبانی حکمت صدرایی زیبایی واجد چه مؤلفه‌هایی است؟		
۶۲۰	عنوان	بررسی زیبایی‌شناسی ماتریالیستی از منظر حکمت صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر مبانی حکمت متعالیه چه نقدهایی بر زیبایی‌شناسی ماتریالیستی وارد است؟		
۶۲۲	عنوان	بررسی معرفت‌بخشی آثار هنری از منظر فلسفه اسلامی	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	براساس نگرش فلسفه اسلامی، وجه معرفت‌بخشی آثار هنری چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟		
۶۲۴	عنوان	بررسی رابطه میان عناصر سه‌گانه هنر از منظر ابن‌سینا	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	براساس دیدگاه ابن‌سینا چه رابطه‌ای میان عناصر سه‌گانه هنر (نظم، تألیف و اعتدال) می‌توان ارائه کرد؟		
۶۲۵	عنوان	بررسی علت غایی زیبایی از منظر هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی	پایان نامه سطح سه	۳
	سؤال	براساس مبانی هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی چه تبیینی از علت غایی زیبایی می‌توان ارائه کرد؟		
۶۲۶	عنوان	بررسی عوامل مؤثر بر اشتداد اثر هنری از منظر تشکیک وجود صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳
	سؤال	براساس مبنای تشکیک وجود صدرایی، چه عواملی در اشتداد اثر هنری تأثیرگذار است؟		
۶۲۸	عنوان	بررسی نقش هنر در وصول به حقیقت از منظر هگل براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادی به نقش هنر در وصول به حقیقت از منظر هگل وارد است؟		
۶۲۹	عنوان	بررسی رابطه هنر و تاریخ از منظر هگل براساس مبانی حکمت متعالیه	پایان نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	براساس مبانی حکمت متعالیه چه انتقادی به رابطه هنر و تاریخ از منظر هگل وارد است؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۶۳۳	عنوان	بررسی رابطه تصویر و واقعیت از منظر حکمت اسلامی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	از منظر حکمت اسلامی چه رابطه‌ای میان تصویر و واقعیت وجود دارد؟		
۶۳۵	عنوان	بررسی سینما، ابزاری برای فلسفه‌ورزی	پایان نامه سطح سه	۴
	سؤال	از منظر حکمت صدرایی چه انتقادهایی بر کاربست سینما در راستای فلسفه‌ورزی وارد است؟		
۶۳۶	عنوان	بررسی تطبیقی ظرفیت‌های مفهوم و تصویر در انعکاس واقعیت	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	در یک بررسی تطبیقی چه تفاوت‌هایی میان ظرفیت مفهوم و ظرفیت تصویر در انعکاس واقعیت یافت می‌شود؟		
۶۳۷	عنوان	بررسی جایگاه نشانه در انتقال مفاهیم فلسفی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	نشانه از چه ظرفیتی برای انتقال مفاهیم فلسفی به مخاطبان برخوردار است؟		
۶۳۹	عنوان	بررسی تحلیلی نحوه تعامل خیال و عقل در تدوین فیلم	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	تعامل خیال و عقل در تدوین فیلم چگونه تجزیه و تحلیل می‌شود؟		
۶۴۰	عنوان	بررسی نقش سینما در ساختن فرضیه‌های جدید علمی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	سینما از چه ظرفیت‌هایی برای ساختن فرضیه‌های جدید علمی برخوردار است؟		
۶۴۱	عنوان	بررسی ایده چیرگی تصویر از منظر علم النفس صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	ایده هایدگر مبنی بر چیرگی تصویر از منظر علم النفس صدرایی چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۶۴۲	عنوان	بررسی جایگاه محاکات در تولید اثر سینمایی از منظر حکمت صدرایی	پایان نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر حکمت صدرایی عنصر محاکات چه نقشی در تولید اثر سینمایی دارد؟		
۶۴۳	عنوان	بررسی رابطه موسیقی و حقیقت از نظر نیچه از منظر زیبایی‌شناسی متعالیه	پایان نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	براساس مبانی فلسفه اسلامی چه انتقادهایی بر رابطه میان موسیقی و واقعیت از نظر نیچه وارد است؟		
۶۴۴	عنوان	بررسی تحلیلی نقش تربیتی موسیقی براساس فلسفه افلاطون	پایان نامه سطح سه	۳
	سؤال	براساس فلسفه افلاطون چه تحلیلی از نقش موسیقی در تربیت می‌توان ارائه کرد؟		
۶۴۵	عنوان	بررسی تحلیلی - انتقادی نقش افلاک در پیدایش موسیقی از منظر طبیعت‌شناسی سینوی	پایان نامه سطح سه	۲/۵
	سؤال	چه انتقادهایی بر دیدگاه تأثیر افلاک بر پیدایش موسیقی براساس طبیعت‌شناسی سینوی وارد است؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۶۴۶	عنوان	بررسی مؤلفه‌های موسیقی متعالیه از منظر حکمت متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	براساس مبانی حکمت متعالیه چه مؤلفه‌هایی برای هنر می‌توان ارائه کرد؟		
۶۴۷	عنوان	بررسی رابطه موسیقی و حقیقت از منظر گادامر برپایه زیبایی‌شناسی متعالیه	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال	براساس زیبایی‌شناسی متعالیه چه انتقادهایی به رابطه موسیقی و حقیقت از منظر گادامر وارد است؟		
۶۵۰	عنوان	بررسی تطبیقی غایت موسیقی از منظر افلاطون و فلاسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال	چه وجوه اشتراک و اختلافی میان غایت موسیقی از منظر افلاطون و فلاسفه اسلامی وجود دارد؟		
۶۵۱	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه موسیقی و ریاضیات از منظر افلاطون و ابن‌سینا	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره رابطه موسیقی و ریاضیات از منظر افلاطون و ابن‌سینا وجود دارد؟		
۶۵۲	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه موسیقی و زبان از منظر ارسطو و فارابی	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال	چه وجوه اشتراک و اختلافی درباره رابطه موسیقی و زبان از منظر ارسطو و فارابی وجود دارد؟		
۶۵۳	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه معماری و هنر از منظر افلاطون	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	از منظر افلاطون رابطه معماری و هنر چگونه تبیین می‌شود؟		
۶۵۴	عنوان	بررسی تحلیلی رابطه معماری و طبیعت از منظر ارسطو	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال	از منظر ارسطو رابطه معماری و طبیعت چگونه تبیین می‌شود؟		
۶۵۵	عنوان	بررسی تحلیلی جایگاه محاکات در معماری از منظر محقق طوسی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	از منظر محقق طوسی جایگاه محاکات در معماری چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۶۵۶	عنوان	بررسی تحلیلی جایگاه خلاقیت در معماری از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳
	سؤال	از منظر فلسفه اسلامی جایگاه خلاقیت در معماری چگونه ارزیابی می‌شود؟		
۶۵۷	عنوان	بررسی تحلیلی مبانی فلسفی طراحی در معماری از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	از منظر حکمت اشراق مبانی فلسفی طراحی در معماری چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولویت
۶۶۰	عنوان بررسی تحلیلی - انتقادی مبانی فلسفی طراحی مردم‌سالارانه از منظر استاد محسن اراکی	پایان‌نامه	۳
	سؤال از منظر استاد محسن اراکی مبانی فلسفی طراحی مردم‌سالارانه چگونه تحلیل و ارزیابی می‌شود؟	سطح سه	
۶۶۴	عنوان بررسی دیدگاه جان کاتینگهام درباره تقدم کنش بر باور از منظر فلسفه کنش صدرایی	پایان‌نامه	۳/۳
	سؤال براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر نظریه تقدم کنش بر باور جان کاتینگهام وارد است؟	سطح سه	
۶۶۵	عنوان بررسی عقلانیت کنش براساس کنش‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه	۴
	سؤال براساس فلسفه کنش صدرایی چه عواملی در عقلانیت یک کنش مؤثرند؟	سطح سه	
۶۶۶	عنوان بررسی مبادی کنش اختیاری از منظر علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه	۴/۲۵
	سؤال براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه تحلیلی از مبادی کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۶۶۷	عنوان بررسی تعامل عاملیت و ساختار در پیدایش کنش اختیاری از منظر شهید صدر	پایان‌نامه	۳
	سؤال براساس نگرش شهید صدر چه تبیینی از تعامل عاملیت و ساختار در پیدایش کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۶۶۸	عنوان بررسی نقش واهمه در پیدایش کنش اختیاری از منظر ملاصدرا	پایان‌نامه	۳
	سؤال براساس دیدگاه ملاصدرا چه تبیینی از نقش واهمه در صدور کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۶۶۹	عنوان بررسی معیارهای اثباتی معناداری کنش اختیاری از منظر فلسفه کنش صدرایی	پایان‌نامه	۳/۳
	سؤال براساس فلسفه کنش صدرایی چه معیارهای اثباتی برای معناداری کنش اختیاری می‌توان ارائه کرد؟	سطح سه	
۶۷۱	عنوان بررسی تحلیلی - انتقادی معناداری کنش اختیاری براساس نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین از منظر فلسفه کنش صدرایی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال براساس فلسفه کنش صدرایی چه انتقادهایی بر معیارهای معناداری کنش براساس نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین وارد است؟	سطح سه	
۶۷۳	عنوان بررسی دیدگاه ویکو درباره مراحل تمدن از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال براساس فلسفه اسلامی چه نقدهایی بر دیدگاه ویکو درباره مراحل تحول تمدن وارد است؟	سطح سه	



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۶۷۴	عنوان	بررسی نحوه هستی تمدن از منظر هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	براساس هستی‌شناسی صدرایی تمدن از چه نحوه هستی‌ای برخوردار است؟		
۶۷۵	عنوان	بررسی نقش سبک زندگی اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی در دوران معاصر	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	پیروی از سبک زندگی اسلامی چه نقشی در شکوفایی تمدن اسلامی در دوران معاصر دارد؟		
۶۷۶	عنوان	بررسی نقش تاریخ در تمدن براساس حرکت‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	براساس حرکت‌شناسی صدرایی، تاریخ چه نقشی در شکل‌گیری و توسعه تمدن برعهده دارد؟		
۶۷۷	عنوان	بررسی نحوه تأثیر معرفت در تحولات تمدن از منظر هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال	براساس هستی‌شناسی صدرایی معرفت چگونه بر تحولات تمدن اثرگذار است؟		
۶۷۸	عنوان	بررسی نقش دین در شکوفایی تمدن اسلامی از منظر الهیات صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال	براساس الهیات صدرایی دین چه نقشی در شکوفایی تمدن اسلامی برعهده دارد؟		
۶۷۹	عنوان	بررسی تعامل عاملیت و ساختار در شکل‌دهی به تمدن اسلامی از منظر فلسفه علوم اجتماعی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	براساس فلسفه علوم اجتماعی صدرایی، تعامل عاملیت و ساختار چه نقشی در شکل‌دهی به تمدن اسلامی دارد؟		
۶۸۰	عنوان	بررسی نقش فاعل‌های ماورائی در تحولات تمدن از منظر هستی‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال	براساس هستی‌شناسی صدرایی، عوامل ماورائی چه نقشی در تحولات تمدن دارند؟		
۶۸۱	عنوان	بررسی رابطه عقلانیت و احساس در توسعه تمدن اسلامی براساس انسان‌شناسی صدرایی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال	براساس انسان‌شناسی صدرایی تعامل عقلانیت و احساس چه نقشی در توسعه تمدن اسلامی دارد؟		
۶۸۲	عنوان	بررسی نقش فلسفه به‌مثابه ابزاری برای گفت‌وگوی میان تمدن‌ها	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال	فلسفه به‌مثابه ابزار و زبانی مشترک چه نقشی در گفت‌وگوی میان تمدن‌ها برعهده دارد؟		

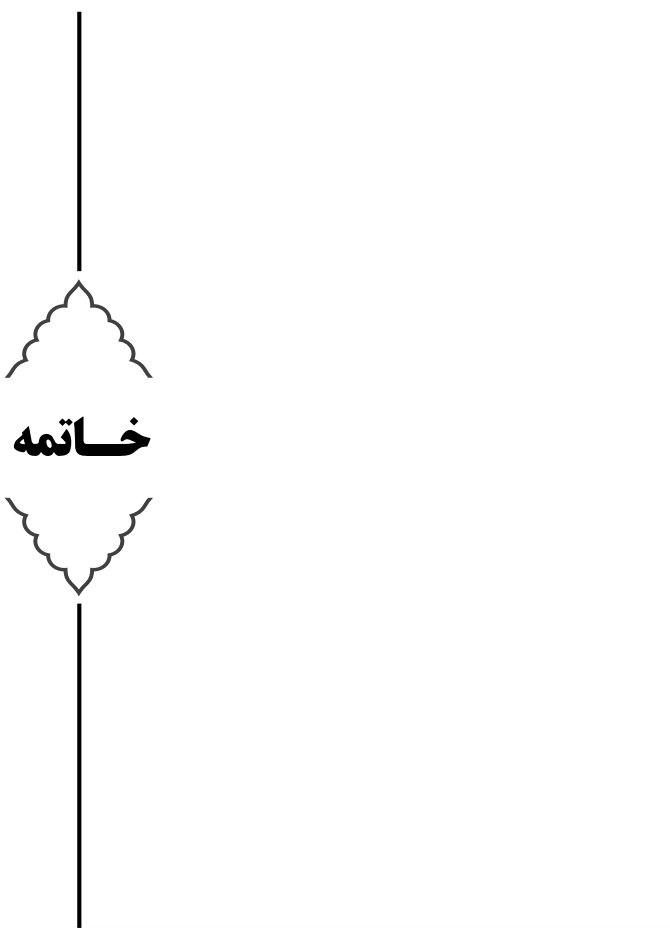


ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه	قالب	اولیت
۶۸۳	عنوان بررسی مبانی انسان‌شناختی فرهنگ از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال براساس فلسفه اسلامی چه تبیینی از مبانی انسان‌شناختی فرهنگ می‌توان به دست داد؟		
۶۸۴	عنوان بررسی تطبیقی رابطه انسان‌شناسی و فرهنگ از منظر یوهان هردر و آیت‌الله جوادی آملی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان دیدگاه هردر و آیت‌الله جوادی آملی درباره رابطه انسان‌شناسی و فرهنگ یافت می‌شود؟		
۶۸۵	عنوان بررسی نقش فرهنگ در زیست‌جهان متعالیه از منظر استاد پارسانیا	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال براساس دیدگاه استاد پارسانیا چه تبیینی از نقش فرهنگ در زیست‌جهان متعالیه می‌توان ارائه کرد؟		
۶۸۷	عنوان بررسی تطبیقی سرشت انسان از منظر هردر و آیت‌الله شاه‌آبادی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و اختلافی میان نگرش هردر و آیت‌الله شاه‌آبادی به سرشت انسان یافت می‌شود؟		
۶۸۸	عنوان بررسی تطبیقی رابطه زبان و فرهنگ از منظر رام ادهر مال و شهید صدر	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش رام ادهر مال و شهید صدر به رابطه زبان و فرهنگ می‌توان به دست آورد؟		
۶۸۹	عنوان بررسی «پلورالیسم فرهنگی» از منظر آیت‌الله جوادی آملی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر آیت‌الله جوادی آملی چه انتقادهایی بر پلورالیسم فرهنگی وارد است؟		
۶۹۰	عنوان بررسی تطبیقی رابطه زبان و فرهنگ از منظر هاینس کیمرله و علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه سطح سه	اولویت: ۴
	سؤال براساس یک پژوهش تطبیقی چه وجوه اشتراک و تفاوتی میان نگرش هاینس کیمرله و علامه مصباح یزدی به رابطه زبان و فرهنگ می‌توان به دست آورد؟		
۶۹۱	عنوان بررسی رابطه هویت و فرهنگ از منظر علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۲۵
	سؤال از منظر علامه مصباح یزدی رابطه هویت و فرهنگ چگونه تبیین می‌شود؟		
۶۹۲	عنوان بررسی رابطه ایدئولوژی و فرهنگ از منظر آیت‌الله جوادی آملی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۵
	سؤال از منظر آیت‌الله جوادی آملی رابطه میان ایدئولوژی و فرهنگ چگونه تبیین می‌شود؟		



ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۶۹۳	عنوان	بررسی مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال	براساس انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از چه مبانی بهره می‌گیرد؟	سطح سه	
۶۹۵	عنوان	بررسی تحلیلی - انتقادی مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر مارتین ویمر	پایان‌نامه	۳
	سؤال	چه انتقادهایی بر مبانی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر مارتین ویمر وارد است؟	سطح سه	
۶۹۶	عنوان	بررسی عوامل معرفتی شکل‌گیری دیگری در گفت‌وگوی میان‌فرهنگی از منظر حکمت صدرایی	پایان‌نامه	۳/۲۵
	سؤال	از منظر حکمت صدرایی چه عواملی به شکل‌گیری دیگری، در گفت‌وگوی میان‌فرهنگی می‌انجامد؟	سطح سه	
۷۰۴	عنوان	بررسی نقش قالب در انتقال محتوا در برنامه فلسفه برای کودک از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	براساس فلسفه اسلامی چه انتقادی به نقش قالب در انتقال محتوا در برنامه فلسفه برای کودک وارد است؟	سطح سه	
۷۰۵	عنوان	بررسی مبانی فلسفه قاره‌ای برای کودک از منظر فلسفه اسلامی	پایان‌نامه	۳/۷۵
	سؤال	براساس حکمت صدرایی چه انتقادی به مبانی فلسفه قاره‌ای برای کودک وارد است؟	سطح سه	
۷۰۶	عنوان	بررسی روش سقراطی لئونارد نلسون در تربیت ابعاد عقلانی کودک از منظر انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی	پایان‌نامه	۴
	سؤال	براساس انسان‌شناسی در فلسفه اسلامی چه انتقادهایی به روش سقراطی لئونارد نلسون در تربیت ابعاد عقلانی کودک وارد است؟	سطح سه	
۷۰۷	عنوان	بررسی نقش معرفت‌های فطری در تربیت ابعاد عقلانی کودک از منظر انسان‌شناسی آیت‌الله شاه‌آبادی	پایان‌نامه	۳/۵
	سؤال	براساس انسان‌شناسی آیت‌الله شاه‌آبادی معرفت‌های فطری چه نقشی در تربیت ابعاد عقلانی کودک برعهده دارد؟	سطح سه	
۷۰۸	عنوان	بررسی نسبی‌گرایی اخلاقی در داستان‌های لیزا براساس نگرش علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه	۴
	سؤال	براساس نگرش علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر نسبی‌گرایی اخلاقی مطرح در داستان‌های لیزا وارد است؟	سطح سه	

ردیف	موضوعات مصوب کارگروه فلسفه		قالب	اولویت
۷۰۹	عنوان	بررسی ظرفیت حکایات و تمثیلات شیخ اشراق برای ارائه محتوا در فلسفه برای کودک	پایان‌نامه سطح سه	۴/۲۵
	سؤال	چه ظرفیتی در حکایات و تمثیلات شیخ اشراق برای ارائه محتوا در فلسفه برای کودک وجود دارد؟		
۷۱۰	عنوان	بررسی مفهوم تفکر، در برنامه فلسفه برای کودکان متیو لیپمن از منظر آیت‌الله جوادی آملی	پایان‌نامه سطح سه	۴
	سؤال	در یک مطالعه انتقادی و براساس نگرش آیت‌الله جوادی آملی چه نقدهایی بر مفهوم تفکر در برنامه فلسفه برای کودکان لیپمن وارد است؟		
۷۱۱	عنوان	بررسی مبانی پراگماتیستی برنامه فلسفه برای کودکان متیو لیپمن از منظر علامه مصباح یزدی	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	در یک مطالعه انتقادی، از منظر علامه مصباح یزدی چه نقدهایی بر مبانی پراگماتیستی برنامه فلسفه برای کودکان لیپمن وارد است؟		
۷۱۲	عنوان	بررسی انتقادی رابطه زبان و تفکر - مبنایی برای برنامه فلسفه برای کودکان از منظر گیلبرت رایل	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	در یک مطالعه انتقادی چه اشکال‌هایی بر دیدگاه گیلبرت رایل درباره رابطه زبان و تفکر - که مبنایی برای برنامه فلسفه برای کودکان شمرده می‌شود - وارد است؟		
۷۱۳	عنوان	بررسی مقایسه‌ای نقش داستان فلسفی و متن فلسفی در انتقال مفاهیم و قواعد فلسفی به کودکان	پایان‌نامه سطح سه	۳/۷۵
	سؤال	براساس یک پژوهش مقایسه‌ای چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان انتقال مفاهیم و قواعد فلسفی از طریق داستان فلسفی و انتقال آن‌ها از طریق متن فلسفی وجود دارد؟		



در این تحقیق، براساس مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، و پایان‌نامه‌ها تلاش گردید به اصطیاد مسائل نوپدید قلمرو دانش فلسفه - اعم از فلسفه مطلق و فلسفه‌های مضاف - اقدام گردد.

۱. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

نتیجه این پژوهش عبارت است از اینکه امروزه فلسفه گسترش بسیاری یافته است و مسائل جدیدی در این حوزه دانشی مطرح شده است که پژوهش‌ها و تحقیقات گسترده و درازمدتی را اقتضا می‌کند.

در مرحله پژوهش، بیش از هفتصد مسئله پژوهشی شناسایی گردید که زمینه انجام پژوهش را در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله واجد بودند. در مرحله بعد به تنظیم عنوان، تدوین سؤال پژوهشی، تقریر بیان مسئله و نیز واژگان کلیدی برای هرکدام از این مسائل اقدام شد. همچنین براساس بررسی‌های انجام‌شده، مشخص گردید که این مسائل فاقد پیشینه علمی‌اند. البته نباید از نظر دور داشت که در مواردی طی تحقیقات و بررسی‌ها، برخی عناوین مقالات و تحقیقات مشابه مسائل گردآوری شده بود، که با بررسی بیشتر آشکار گردید که عمده این موارد تنها از نظر عنوان به مسائل اصطیادشده شباهت دارند و در عمل و محتوا، سنخیت بسیاری کمی با مسائل گردآوری شده دارند. برای نمونه، آن چه درباره فلسفه هوش مصنوعی وجود دارد، عمدتاً به توضیح خود هوش مصنوعی مرتبط است تا واکاوی مسائل فلسفی مرتبط با آن.

در ادامه مسائل اصطیادشده برای داوری، ارزیابی و امتیازدهی برای پنج تن از استادان شاخه فلسفه ارسال گردید. این استادان عبارت بودند از: استاد دکتر حسن معلمی (استاد فلسفه اسلامی حوزه علمیه قم و دانشگاه باقرالعلوم^ع)، استاد دکتر یارعلی کرد فیروزجایی (استاد فلسفه حوزه علمیه قم و دانشگاه باقرالعلوم^ع)، استاد دکتر مهدی عبداللهی (دانشیار



فلسفه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)، استاد دکتر سید جابر موسوی راد (استادیار فلسفه دین در دانشگاه علامه طباطبائی) و استاد دکتر عبدالله محمدی (استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران).

معیار این انتخاب عبارت بود از آگاهی و تسلط استاد بر مباحث فلسفه اسلامی و نیز آشنایی و اطلاع از جدیدترین یافته‌ها و پژوهش‌های فلسفی. بعد از گردآوری امتیازهای استادان محترم^۱ به معدل‌گیری از نمرات اقدام شد و نتیجه درمقابل هر کدام از مسائل نوپدید درج گردید و در گزارش پژوهش منعکس شد.

۲. بیانیه نیازسنجی دانش فلسفه

براساس یافته‌های این تحقیق، موارد زیر توصیه می‌گردد:

۱. بازنگری عناوین درسی و سرفصل‌های رشته فلسفه و گرایش‌های همسو براساس محورهای مسائل نوپدید.
۲. تدوین، تصویب و راه‌اندازی رشته‌ها و گرایش‌های جدید در حوزه فلسفه برای تربیت محققان مستعد برای انجام پژوهش در زمینه مسائل نوپدید.
۳. توجه جدی به زبان خارجی برای رشته فلسفه اسلامی و گرایش‌های همسو برای آشنایی و تسلط دانشجویان و محققان این حوزه دانشی با متون و منابع اصیل و دست‌اول.
۴. برگزاری نشست‌ها و جلساتی برای معرفی موضوعات و مسائل نوپدید در حوزه فلسفه اسلامی.

و من الله التوفیق

۱. تا لحظه نگارش این سطرها و جمع‌بندی مباحث ارزیابی یکی از استادان هنوز به دست محقق نرسیده بود، و مقرر گردید ارزیابی استاد محترم در مرحله اصلاح و تکمیل طرح، افزوده گردد.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

۱. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.
۲. بستان، حسین و همکاران، گامی به سوی علم دینی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش، چاپ دوم.
۳. رضوانی، محسن، فلسفه سیاسی اسلامی در غرب، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳ ش.
۴. طباطبائی، سید محمدحسین، نه‌ایة الحکمه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۵. فتحی‌وآجارگاه، کوروش، نیازسنجی پژوهشی، تهران: آییژ، ۱۳۸۷ ش.
۶. مصباح یزدی، مجتبی و محمدی عبدالله، معرفت‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۴۰۱ ش.
۷. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶ ش، ۲ جلد.
۸. ابن عربی، محی‌الدین، الفتوحات المکیة، دار صادر، بیروت، [بی‌تا].
۹. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. پالمر، ریچارد، علم هرمنوتیک، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. پترسون، مایکل و دیگران، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین، تهران: طرح نو، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. توران، امداد، تاریخ‌مندی فهم در هرمنوتیک گادامر: جستاری در حقیقت و روش، تهران: بصیرت، ۱۳۸۹ ش.

۱۳. جوادى آملی، عبدالله، دین‌شناسی، چاپ پنجم، قم: مؤسسه اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. حبیبی، رضا و شجاعی شکوری محمد، فلسفه علوم تجربی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. حسین‌زاده، محمد، معرفت دینی، عقلانیت و منابع، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. _____، نگاهی معرفت‌شناختی به وحی، الهام، تجربه دینی و عرفانی و فطرت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. _____، پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. _____، دین‌شناسی: عقلانیت دین، قلمرو دین، پلورالیسم دینی و دین و پارادوکس تقلید، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. _____، مبانی معرفت دینی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. _____، معرفت‌شناسی در قلمرو گزاره‌های پسین، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴ ش.
۲۱. _____، منابع معرفت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. خسروپناه، عبدالحسین، قلمرو دین، قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ ش.
۲۳. دکارت، رنه، تأملات در فلسفه اولی، ترجمه احمد احمدی، تهران: سمت، ۱۳۸۱ ش.
۲۴. دیویس، سی. اف.، ارزش معرفت‌شناختی تجربه دینی، ترجمه علی شیروانی و حسینعلی شیدان‌شید، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ ش.
۲۵. ساجدی، ابوالفضل، زبان دین و قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. طباطبائی، سید محمدحسین، بدایة الحکمه، ترجمه و شرح علی شیروانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۲۷. _____، نهاية الحکمه، ترجمه و شرح علی شیروانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۴ ش.
۲۸. عارفی، عباس، مطابقت صور ذهنی با خارج: پژوهشی درباره رئالیسم معرفت‌شناختی و ارزش شناخت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۲۹. عبودیت، عبدالرسول و مصباح مجتبی، مبانی اندیشه اسلامی ۲ (خداشناسی)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶ ش.
۳۰. فعالی، محمدتقی، تجربه دینی و مکاشفه عرفانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.



۳۱. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، چاپ دوم، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۷۹ ش.
 ۳۲. _____، تعدد قرائت‌ها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۸۶ ش.
 ۳۳. _____، رابطه علم و دین، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۹۲ ش.
 ۳۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ۱۳۸۰ ش.

مقالات

۳۵. «معرفت‌شناسی، پیشینه و تعاریف (میزگرد با حضور دانشوران: مصباح یزدی، محمد لگنهاوزن، غلامرضا فیاضی، مصطفی ملکیان)»، ذهن، ش ۱، بهار ۱۳۷۹.
 ۳۶. ربانی گلپایگانی، علی، «تعریف دین از نگاه اندیشمندان اسلامی»، کلام اسلامی، سال پانزدهم، ش ۵۸، تابستان ۱۳۸۵.
 ۳۷. _____، «دین‌شناسان غربی و تعریف دین (۲)»، کلام اسلامی، سال پانزدهم، ش ۶۰، زمستان ۱۳۸۵.
 ۳۸. صالحی، محمدعرب، «نقدی بر هرمنوتیک فلسفی گادامر»، قبسات، ش ۵۸، زمستان ۱۳۸۹.
 ۳۹. عارفی، عباس، «صدق و پارادکس دروغگو»، ذهن، ش ۱۳، بهار ۱۳۸۲.
 ۴۰. فصلنامه قبسات، ش ۲۳، بهار ۱۳۸۱ (ویژه‌نامه هرمنوتیک و تعدد قرائت‌ها).
 ۴۱. لگنهاوزن، محمد، «پلورالیسم، دیدگاه متفکران مسلمان»، ترجمه نرجس جواندل، معرفت، ش ۲۳، زمستان ۱۳۷۶.
 ۴۲. نیوتون، ک. ام، «هرمنوتیک»، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون، ش ۴، زمستان ۱۳۷۳۱.

Research Priorities in Philosophy

Identifying research priorities plays an important and effective role in research planning and policy-making to prevent parallel, repetitive, and lower-priority research. The Research Department, in light of the status and importance of this issue, has prioritized the implementation of "Research Needs Assessment of Islamic Seminaries" projects in its programs and has published or is in the process of publishing numerous works in this field; Research priorities: 1. Jurisprudence, 2. Interpretation and Sciences of the Qura'n, 3. Relations between Religion and Psychology, 4. Islamic Economics, 5. Educational System of the Islamic Seminaries, 6. Fiction, 7. Political Jurisprudence, 8. Principles of Jurisprudence, 9. Sciences of Hadith, 10. Shia Theology, 11. Social Studies, 12. Rijal (Men), 13. Educational Ethics, 14. Islamic Management, 15. Islamic Counseling.

The book Research Priorities in Philosophy is the sixteenth volume of this series, and the first document on needs assessment and prioritization of philosophical studies, which was written with the effort of a group of scholars and with the guidance of professors of this science. In this research, in addition to introducing 712 research titles for the first time, questions, problem statements, and keywords have been written for each topic. Also, the suggested titles for writing a thesis at level three (master's degree) or level four (Ph.D) in the scientific department of philosophy of the Qom Seminaries were reviewed, and 380 thesis topics were approved for levels three and four, which are presented in an independent section of this book. Therefore, researchers with the necessary expertise who intend to write a thesis can, by choosing these topics, write a detailed plan without the need to approve the main topic, after the approval of the supervisor.

The published works titled Research Priorities of Sciences of Islamic Seminary are presented in the "Information Database of Research department of Islamic Seminaries". In addition, the Research department has launched the "National System for

Research Needs Assessment of Islamic Seminaries” on www.needc.ismc.ir, which includes about 14000 research titles; that establishes a bridge between researchers and the needs of society and the government.

Keywords: Needs assessment, determining research priorities, epistemology, Islamic philosophy, approved thesis.

الأولويات البحثية في علم الفلسفة

إن تحديد أولويات البحث يلعب دوراً مهماً وفعالاً من أجل وضع خطط البحث و صنع السياسات لمنع القيام بالأبحاث المتوازية و المتكررة أو ذات الأولوية الأقل. نظراً لأهمية هذا الموضوع و مكانته، قامت معاونية الدراسات و البحوث في الحوزات العلمية الأولوية بتنفيذ مشروع "تقييم احتياجات البحوث في الحوزات العلمية"، حيث قامت بنشر أو في صدد نشر العديد من البحوث في هذا المجال. أولويات البحث: ١. الفقه، ٢. التفسير و علوم القرآن، ٣. العلاقة بين الدين و علم النفس، ٤. الاقتصاد الإسلامي، ٥. النظام التعليمي في الحوزة العلمية، ٦. الأدب الروائي، ٧. الفقه السياسي، ٨. أصول الفقه، ٩. علوم الحديث، ١٠. علم الكلام الشيعي، ١١. الدراسات الاجتماعية، ١٢. الرجال، ١٣. أخلاقيات التربية، ١٤. الإدارة الإسلامية، ١٥. الإرشاد الإسلامي.

يعد كتاب أولويات البحث في علم الفلسفة الكتاب السادس عشر في هذه السلسلة، و يشكل أول وثيقة في تقييم الاحتياجات و تحديد أولويات المسائل في علم الفلسفة، و قد تم كتابته من خلال دراسة مستفيضة و جهد مجموعة من العلماء و بتوجيه من أساتذة هذا العلم. وفي هذه الدراسة، بالإضافة إلي تقديم ٧١٢ عنوان بحث لأول مرة، تمت كتابة الأسئلة و بيانات المشكلة و الكلمات الرئيسية لكل موضوع. كما تمت مراجعة العناوين المقترحة لكتابة أطروحات في المستوي الثالث (الماجستير) أو المستوي الرابع (الدكتوراه) في قسم الفلسفة في حوزة قم العلمية، و تمت الموافقة علي ٣٨٠ موضوع أطروحة للمستويين الثالث و الرابع في الحوزات العلمية، و التي تم عرضها في قسم مستقل من هذا الكتاب. ولذلك فإن الباحثين الذين لديهم الخبرة اللازمة و الذين يعترمون كتابة أطروحاتهم في هذا المجال، يستطيعون من خلال اختيار هذه المواضيع، أن يبدأوا بكتابة الخطة المفصلة بعد موافقة المشرف، دون الحاجة إلي الرجوع للجنة المختصة من أجل الموافقة علي الموضوع الرئيسي.

يتم عرض الأعمال المنشورة بعنوان أولويات البحث في العلوم الدينية علي "قاعدة بيانات معلومات معاونية البحوث و الدراسات في الحوزات العلمية". كما أطلقت هذه معاونية مشروع "النظام الوطني لتقييم الاحتياجات البحثية للحوزات العلمية" علي موقع النظام: www.needc.ismc.ir، والذي يتضمن نحو أربعة عشر ألف عنوان بحثي؛ يشكل هذا النظام جسراً بين الباحثين و احتياجات المجتمع و النظام.

الكلمات الرابطة: تقييم الاحتياجات، الأولويات البحثية، علم المعرفة، الفلسفة إسلامية، الاطروحات المعتمدة.